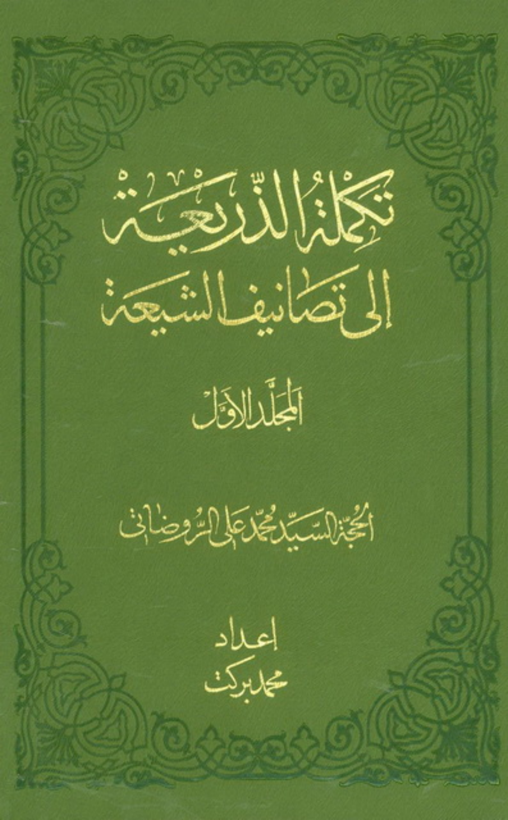

تكملة الذريعة
الى تصانيف الشيعة
المجلد الاول
الحجة السيد محمد علي الروضاتي
اعداد
محمد بركت


بسم الله الرحمن الرحیم


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی



سرشناسه	:	الروضاتي، السيّد محمّدعلي، ۱۳۰۹-
عنوان و نام پديدآور	:	تكملةالذريعة الي تصانيف‌الشيعة / السيّد محمّدعلي الروضاتي؛ إعداد محمد بركت.
مشخّصات نشر	:	تهران: مكتبه، متحف و مركز وثائق مجلس‌الشوري‌الاسلامي، ۱۴۳۲ ق.- = ۲۰۱۱ م.- = ۱۳۹۰ -
مشخّصات ظاهري	:	ج.: نمونه.
شابک	:	۲۴۰۰۰۰ ريال: ج. ۱: 978-600-220-042-6 ؛ ۲۴۰۰۰۰ ريال: ج.۲: 978-600-220-043-3
وضعيت فهرست‌نويسي	:	فيپا
يادداشت	:	عربي.
يادداشت	:	اين كتاب تتمه و تكمله كتاب "الذريعة الي تصانيف‌الشيعة" تاليف شيخ آقابزرگ طهراني است.
موضوع	:	نويسندگان شيعه -- كتابشناسي
موضوع	:	نسخه‌هاي خطي فارسي -- فهرست‌ها
موضوع	:	نسخه‌هاي خطي عربي -- فهرست‌ها
موضوع	:	كتاب‌هاي چاپي -- كتابشناسي
شناسهٔ افزوده	:	بركت، محمد ، گردآورنده
شناسهٔ افزوده	:	آقابزرگ طهراني، محمدمحسن، ۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ . الذريعة الي تصانيف‌الشيعه
شناسهٔ افزوده	:	كتابخانه، موزه و مركز اسناد مجلس شوراي اسلامي
رده بندي كنگره	:	۱۳۹۰ ۷ آ ۵ الف / Z۷۸۳۵
رده بندي ديويي	:	۰۱۱ / ۸۸۲۹۷۴۱۷۲
شماره كتابشناسي ملي	:	۲۴۹۷۶۰۷

تكملة الذريعة

إلى تصانيف الشيعة

المجلّد الاوّل

السيّد محمّدعلى الروضاتى



إعداد

محمد بركت

مكتبة، متحف و مركز وثائق مجلس الشورى الإسلامي

طهران ـ ١٤٣٢/ ١٣٩٠/ ٢٠١١



تكملة الذريعة
إلى تصانيف الشيعة

المجلّد الاوّل

السيد محمدعلي الروضاتي

إعداد: محمد بركت

إعداد الفهارس	سيّد محمّدحسين مرعشي
التنسيق الحروف	مليحه بوجار
رقم التسلسل	٢٨٧
الإعداد الفنّي	نيكي أيوبي‌زاده
المطبعة	فرشيوه
الطبعة الاولى	١٣٩٠ش / ١٤٣٢ق / ٢٠١١م.
الثمن	٢٤٠٠٠٠ ريال
الرقم الدولي للمجلّد الاوّل	978-600-220-042-6
الرقم الدولي للدورة	978-600-220-044-0

مركز النشر و التوزيع:

مركز الدراسة و التحقيق مكتبة، متحف و مركز وثائق مجلس الشورى الإسلامي،
شارع الانقلاب الإسلامية، بين ابي‌الريحان و دانشكاه، عمارة فروردين،
الطابق السابع، رقم ٢٧ و ٢٨؛
هاتف ٦٦٩٦٤١٢١ ٠٢١ ـ ٦٦٤٠٨٥٧٦ ٠٢١

الموقع في الانترنيت: www.Ical.ir
البريد الالكتروني: Pajooheshlib@yahoo.com

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله ربّ العالمين و صلى الله على محمّد و آله الطّيبين الطاهرين

سنتی که شیخ آقابزرگ در تدوین ذریعه از آن پیروی کرد، هزار سال پیش در دل تمدن اسلامی به دست ابن ندیم، این فهرست‌نویس شیعی آغاز شد. در میان شیعیان امامی، نجاشی، شیخ طوسی، ابن شهرآشوب و منتجب‌الدین این سنت را ادامه دادند. به روزگار صفوی، میرزا عبدالله افندی از شاگردان علامه مجلسی، با جدیت هرچه تمامتر و زحمات طاقت‌فرسا و دقتی شایان تقدیر، آن را دنبال کرد. پس از آن، سنت یاد شده، در نجف و اصفهان امتداد یافت. مرحوم نوری در نجف و کسانی از خاندان صدر در این امر وارد شدند، اما شیخ آقابزرگ ـ رحمة الله علیه ـ که در دامان آن مکتب تربیت یافت، نخبهٔ دیگری بود که تمام زندگیش را بر سر این کار گذاشت.

این سنت در اصفهان، توسط صاحب *روضات* ـ اعلی الله مقامه ـ دنبال شد، و پس از آن، استاد بزرگ ما حضرت آیت‌الله حاج سید محمدعلی روضاتی ـ زید عزّه العالی ـ که بیش از ربع قرن است که خدمتشان ارادت قلبی دارم، این سنت را ادامه دادند. استاد ارجمند، ادامه دهندهٔ همان سنت در حوزه‌های مختلف شرح‌حال‌نویسی و کتابشناسی بوده و هستند. به همین دلیل، طی بیش از شش دهه و از زمانی که آیت‌الله شیخ آقابزرگ طهرانی، چاپ نخستین مجلّدات ذریعه را آغاز کردند، حاشیه‌نویسی به این کتاب را در دستور کار خویش قرار دادند.

استاد روضاتی که اکنون پای در هشتاد و دو سالگی نهاده‌اند، ارتباط نزدیکی با آقابزرگ داشتند و ذکر یاد و نام ایشان در متن ذریعه، آن هم به مرات و کرات، و نیز در ضمن نامه‌های

عدیده‌ای که مرحوم شیخ آقابزرگ برای ایشان نوشته و تصاویر برخی نزد بنده موجود است، نشان دهندهٔ ارتباط وثیق و عمیق ایشان به مرحوم شیخ آقابزرگ بود.

تتبع استاد روضاتی، همراه با دقت ایشان، سبب شده است تا نوع کارهای حضرتشان، و از جمله همین حواشی سودمند، آثار ارزشمند و بی‌نظیر باشد.

آنچه اکنون پیش رو دارید، حواشی ممتّع ایشان بر ۲۶ جلد ذریعه است که حاصل زحمات ایشان طی سالیان درازی است که با کتاب و کتابخانه انس داشته‌اند. بی‌تردید، این روش، سنتی اصیل در حوزه‌های شیعی است که امروزه نیز فهرست نویسان پُرتحرک و پرتلاش جوان، آن را ادامه می‌دهند. پس از آن که حضرت استاد، اعتماد بر بنده کردند و متن یادداشت‌ها را در اختیار گذاشتند، دوست عزیزمان جناب استاد محمد برکت، پذیرفتند تا این کار را به‌سامان برسانند. خدای را شکر که از عهدهٔ این کار برآمده و اکنون ما با تلاش ایشان، شاهد ارائهٔ زحمات چند ده سالهٔ استاد روضاتی هستیم.

آرزوی ما سلامت و طول عمر برای استاد روضاتی و توفیقات بیشتر برای حضرت آقای برکت است که این زحمت را متقبل شدند. خداوند، همهٔ ما را عاقبت بخیر گرداناد.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین.

رسول جعفریان

ریاست کتابخانه، موزه و مرکز اسناد

مجلس شورای اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

أما بعد، فهذا المحصّل ما سطرت وسوّدت به حواشي صفحات نسخ أجزاء كتاب الذريعة
إلى تصانيف الشيعة لشيخنا العلامة الوحيد الفريد الحاج الشيخ آقا بزرگ الطهراني المتوفى ۱۳۸۹
أعلى الله مقامه. ابتدأت بذلك من حين ابتياعي للأجزاء الخمسة الأولى المطبوعة آنذاك
في بلدتنا اصفهان (يوم الاثنين خامس شهر شوال المكرم ۱۳۶۵ = ۱۱/۱۱/۱۳۲۵ شمسية)، ثم
بقية الأجزاء المطبوعة واحدا بعد آخر إلى تمام حرف الياء والمستدركات، واتفق
تسويد الحواشي والملاحظات حينا بعد حين طول السنين والأعوام إلى عامنا هذا
«۱۴۳۲ هـ ق»، حيث أحب بعض الأصدقاء الكرام طبع ما صدر من هذا
القلم ونشره، لظنهم حفظهم الله أن فيه فائدة لأهل الفن والممارسين. وكان قد
سنح لي قبل سنين أن أخرج تلك المسطورات من الحواشي إلى البياض والتدوين،
فلما انتهى بيدي تعليقات الجزئين الأولين رأيت أن أسمّي المجموع بـ

تكملة الذريعة إلى تصانيف الشيعة

وتفصيل الكلام حول الموضوع في كلمة القائمين بأمر هذا المشروع وفقهم الله وأيدهم
وهذا سوى ما اتفق مني في تصحيح كراسات الأجزاء من الساع فما بعد كلها حيث
كان الناشر يرسل الكراسات حين طبعها إلينا وإلى الأستاذ المرحوم علم الحبيب آبادي
صاحب «مكارم الآثار» المتوفى سنة ۱۳۹۶ للنظر فيها وتصحيحها قبل إتمام كل جزء ونشره
كما أشير إلى ذلك في خواتيم الأجزاء. وكنت أيضا في تلك الأحوال أكتب
ما أطلع عليه حول الكتب والآثار وأرسله إلى شيخنا العلامة في النجف الأشرف أو طهران من حياته
ولما مبدأ اتصالي بالشيخ فيرجع إلى سفرنا إلى العتبات المقدسة في شهر محرم الحرام
سنة ۱۳ وفي النجف الأشرف زرنا الشيخ لأول مرة في مكتبته بمحلة الجديدة وقدمنا له
كراسة فيها وصف ثمانية من النسخ المخطوطة عندنا وكتب لي الشيخ في جنبه الإجازة لنا
في الرواية عنه بجميع طرقه ومروياته فكان ذلك مبدأ اتصالي بالشيخ وإفادته رضوان الله عليه
والحمد لله رب العالمين حرره في الليلة المباركة ۱۳ شهر رجب الحرام ۱۴۳۲

▢ سخن علامه روضاتی دربارهٔ چگونگی نگارش این کتاب


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

مقدّمه

نکاتی در باب تدوین این کتاب

کتاب گرانسنگ *الذریعة إلی تصانیف الشیعة* و مؤلّف آن، عالم ربّانی مرحوم آیت‌الله «آقا بزرگ طهرانی»، بی‌نیاز از توصیف بوده و نگارنده ناتوان از ذکر اوصاف و القاب شایسته و لازم برای مؤلّف و تألیف است.

حضرت علاّمه آیت‌الله حاج سید محمدعلی روضاتی ـ دامت افاضاته ـ در طول سالیان متمادی بر *الذریعه* تکمله و تعلیقه‌های گرانقدری نگاشته‌اند، که فقط با ملاحظه و مطالعهٔ آن می‌توان به عظمت تلاش ایشان پی برد.

با پیشنهاد و همراهی دانشمند محترم و دوست عالیقدر، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای دکتر رسول جعفریان ـ دامت توفیقاته ـ ریاست محترم کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تکملهٔ علامه روضاتی بر *الذریعه*، توسط نگارنده تنظیم و اکنون پیش روی خوانندگان گرامی است.

روش کار:

علاّمه روضاتی ـ دام ظلّه العالی ـ در سال ۱۴۰۵ هجری قمری، پاکنویسی از تکملهٔ خویش بر جلد (/ جزء) اول، دوم و بخشی از جلد سوم ذریعه را بر روی برگ‌ها و فرم‌های مخصوص آماده نموده بودند که مرحوم محقّق طباطبائی، آیت‌الله حاج سید عبدالعزیز آن را ملاحظه نموده و در پایان تقریظی مرقوم فرموده‌اند.

عبارت پاکنویس علامه روضاتی، بدون هیچ کم و کاستی آورده شده و همچنین حتی‌المقدور رسم‌الخط نیز تا پایان کار حفظ شده، هر چند در جاهای مختلف متفاوت بوده است، مانند: خطاء، خطأ و خطا.

در متن پاکنویس شده، پس از نام کتاب چهار عدد آورده شده، که هر یک با «:» از هم متمایز شده‌اند. مانند:

«آب حیاة» ۱: ۱: ۳: ۱۱.

که عدد اول برای جلد (/ جزء)، عدد دوم برای صفحه، عدد سوم برای شمارهٔ عنوان کتاب و عدد چهارم برای سطر می‌باشد.

چون هر جلد از ذریعه، بعنوان یک «فصل» لحاظ شده است. از عدد اول بی‌نیاز شده و آورده نشده است.

بعد از سال ۱۴۰۵ هجری قمری، بر یادداشتهای تکمله افزوده شده است. برای تمیز این افزوده‌ها از بخش پاکنویس شده، از همان روش که برای تمام اجزاء ذریعه استفاده شده، پیروی شده است. بدینگونه که:

پس از نام کتاب، شمارهٔ صفحه با نشانی «ص» و شمارهٔ کتاب با نشانی «رقم» آمده است. مانند:

«**الحقائق المحمّدیّة**» ص ۳۵ رقم ۱۷۵:

اگر توضیحات پیرامون یک کلمهٔ خاص باشد. پس از «رقم» شمارهٔ سطر با نشانی «س» آمده و سپس کلمهٔ مورد نظر با فونتی درشتر از متن آورده شده است. مانند:

«**الحق المبین**» ص ۳۷ رقم ۱۹۰ س ۲۵، **القواعد الشرعیّة**:

چنانچه عنوان کتابی را علامهٔ روضاتی خود اضافه کرده‌اند، آن عنوان در نشانهٔ ﴿ ﴾ قرار داده شده است.

استفاده از تمام علائم نقطه‌گذاری در متن «تکمله»، مانند گیومه، پرانتز، کروشه، خط تیره و ... ، موجب شد که نتوانیم قواعد نقطه‌گذاری را در متن اجرا نمائیم.

علامه روضاتی در مواردی، به مقدار یک کلمه و یا بیشتر، جای خالی قرار داده‌اند تا در آینده آن را کامل نمایند. مانند تاریخ فوت و یا شماره صفحه و جلد یک مأخذ و یا غیر از اینها. در چنین مواردی از نشانهٔ «..» استفاده شده است.

در موارد معدود و اندکی، کلمه‌ای ناخوانا بوده، که به‌جای آن [...] گذاشته شده است.

چند نکته:

۱. علامه روضاتی، تمام استدراکات آمده در پایان هر جلد ذریعه و همچنین آنچه در پایان جلد ۲۵ برای تمام جلدهای ذریعه آمده است را با رنگ آبی در متن ذریعه اعمال نموده و به این مطلب در پایان هر جلد از ذریعه اشاره فرموده‌اند.

۲. چاپ و نشر جلدهای *الذریعه* توسط فرزندان مرحوم «آقا بزرگ» در تهران صورت پذیرفته، متأسفانه ایشان تغییرات و اضافاتی در متن و عنوان‌ها انجام داده‌اند که جناب علامه روضاتی به تک تک موارد، بر اساس دفاع از حق، اشاره فرموده‌اند.

محمد برکت

شیراز ـ نیمه شعبان المعظم سال ۱۴۳۲

میلاد مسعود امام عصر (عج)

بسم الله الرحمن الرحيم

المقدّمة

ص ١٤ س ٢٠، **جاثليق:** يأتي في ج٦ ص٣٧٦ بعنوان كتاب «حديث جاثليق».

ص ١٦ س ١٥، **فمن هنا:** انظر ما يأتي في الحاء [كتاب الحديث ٦: ٣٠١].

ص ٢٤ س ٢١، **العصمة لله وحده:** + و لمن اعطاه الله سبحانه من نبيّ أو وصيّ نبيّ صلوات الله و سلامه عليهم أجمعين.

الجزء الأوّل

«آب حياة» ١: ٣: ١١. قوله: طبع...؛ أقول عندنا نسخته المطبوعة بهامش «صراط النّجاة» من فتاوي الشيخ مرتضى الأنصاري طاب ثراه في مجموعة تاريخها سنة ١٢٩٣ ط بطهران.

«آتشكده تبريزى» ٥: ١٨: ٧. راجع «فهرس المكتبة المرعشية بقم ١: ٢١٩» و في التصاوير أيضاً.

«آثار أحمدي» ٦. يأتي في (ج٤: ١٥٢: ٧٣٩) بعنوان «ترجمة أحمد بن موسى عليهماالسلام».

«آثار التقوى» ٧. رسالة لنا ألّفناها في ترجمة العالم الجليل السيّد محمّدتقى بن عبدالرزّاق الموسوي الإصفهاني، بالفارسية، نقلها بعضهم إلى العربيّة مع بعض التصرّف و طبعها بقم في مقدّمة «مكيال المكارم» للسيّد سنة ١٣٩٨ ثم نقلوها ثانياً إلى الفارسيّة

على علاّمها و طبعت في مقدّمة الترجمة الفارسيّة للمكيال بقم في ١٤٠٣. كما طبع للسيّد ره في هذا العام أيضاً بقم «أبواب الجنّات في آداب الجمعات» في أزيد من ٥٥٠ص.

«آثار الشيعة الإمامية» ص ٨ رقم ٣٣: **أقول** ذكر مختصر ترجمة الشيخ عبدالعزيز في [معجم رجال الفكر و الأدب ١٠٩] و قال إنّه ولد سنة ١٣٠٨ و هناك مآخذ ترجمته و ذكره أيضاً في [نابغه فقه و حديث: ٣٢٢] فذكر ولادته ١٣٠١ و أكّده بأنّ للرجل الآن ٩٤ سنة من العمر و ذلك في عام طبع كتاب النابغة ١٣٩٥.

«آثار العجم» ص ٨ رقم ٣٥ س ١٩، **سنة ١٣١٤**: و أيضاً سنة ١٣٥٤.

«آداب التجارة» ١٤. للمحقّق البهبهاني، كما سمّي في نسخته المطبوعة و يأتي بعنوان المتاجر في ١٩: ٥٩.

«آداب السّرور» ٢٠. للحاج ميرزا محمّدحسين ملك الكتّاب المتخلّص «گلبُن» ابن ملك الكتّاب «عشرَت». ذكره في «مجلّة يادگار ٤: ٨: ٢٣»، و له أيضاً «رساله حالت» و «سفرنامه» و غيرها.

«آداب الشريعة» ٢١: ١٠٢: س ٦. قوله ره: المتوفّى سنة ١٣١٥. **أقول** توفّى الآخوند ملاّ محمّدباقر الفشاركي الإصفهاني ره في ليلة الأحد ٢٨ شهر رجب ١٣١٤ كما في «مكارم الآثار» عن لوح قبره الواقع في تكية الخوانساريّين من مزارات تخت فولاد بإصفهان. و يأتي له «الأربعون حديثا» في ص٤١٢.

«آداب الصّلوة» ص ٢١ رقم ١٠٣: **أقول** انظر [برهان العارفين ٣: ٩٧: ٣١٢].

«آداب الصّلوة» ص ٢١ رقم ١٠٤ س ١٩، **المطبوع سنة ١٢٩٧**: و طبع آداب الصلوة هذا في إصفهان ١٢٩٧ في «...»ص بحجم الربع و لبراجع ما كتبنا على ظهر نسختنا منه.

﴿آداب **صلوة الليل**﴾ ص ٢٣: بالفارسية للشيخ ملا عبدالنبيّ أوّل من تصدّى من عشيرته لإمامة الجمعة في شيراز و هو ابن الشيخ محمّد المعروف بالمفيد دامت إمامة الجمعة في بيتهم إلى أواخر عهد القاجار ذكر تراجمهم الفسائي في «فارسنامه ٢: ٦١» و آدميّت في أجزاء كتابه «دانشمندان» و ذكر الفسائي أنّ الشيخ عبدالنبيّ توفّى سنة ١١٩١ في شيراز و أنّ له «الدرّة النجفيّة في إثبات الإمامة الخاصّة» و أيضاً «رسالة

الأربعين في الإمامة الخاصّة» ذكر له أربعين طريقاً هذا و إنّما لم يتعرّض المصنّف لآثاره لعلّة ذكرناها بهامش عنوان [فارسنامه ناصرى ١٦: ٩٤: ٥٢] و الذي يذكر في الذريعة من آثاره [شرح الوجيزة ١٤: ١٦٨: ٢٠٣١] فراجعه. و أمّا الرسالة فذكر في أوّله انّه صنّفها بتكليف الشابّ الصديق عمدة السادات العظام مخدوم الأنام نخبة الحكماء جالينوس الزمان ميرزائى ميرزا أبوطالب الطبيب (و أقول و لعلّه من السادة المعروفين بالحكيم سلمانى انظر مكارم الآثار ٤: ١١٠٨ - ١١١١) و يظهر من النسخة انّها التي كتبت لأجل السيّد الطبيب المذكور و لكن ليس فيها تاريخ التأليف و الكتابة و لا اسم الكاتب و هي في ٣٥ ورقه بالحجم الصغير و تليها رسالة «تعقيبات الصلوات» للسيّد محمّدباقر بن اسماعيل الحسيني ذكرناها في التكملة ٤: ٢١٨.

«آداب صلوة الليل» ص ٢٣ رقم ١١٦، **جواد الموسوي: أقول** هو الحاج السيّد محمّدجواد المسجد الشاهي بن آقا مجتهد السيّد محمّدعلي بن جدّنا العلاّمة الكبير السيّد صدرالدين العاملي.

«آداب صلوة الليل»ص ٢٣ رقم ١١٧: **أقول** اسمها (انيس الوحشة و جليس الليلة ٢: ٤٦٩) و راجع (الإجازة ١٥٢: ٧٢٨) و انظر كتاب «زندگينامه علامه مجلسى ٢: ٣٩».

«كتاب الآل» ص ٣٧ رقم ١٨٠: قال التفتازاني في المطوّل عند شرح قول الماتن «و على آله» ما لفظه «أصله أهل بدليل اُهيل، خُصّ استعماله في الأشراف و من له خطر» الخ قال فصيح‌الدين محمّد النظامي المتوفّى ٩١٩ في حاشية المطوّل «قوله خص استعماله في الأشراف و من له خطر، و أيضاً لايضاف إلى البلدان و نحوه فلايقال آل المصر و يقال أهل المصر، و لايقال آل البيت و يقال أهل‌البيت، و أيضاً لايقال آل الله و يقال أهل الله» انتهى و هذه فائدة حسنة.

ص ٣٧ س ١٦، **كتاب الآل: أقول** الظاهر أنّ عدم ذكر السيوطي لكتاب الآل اقتداء بالقفطي في انباه الرواة ١: ٣٢٤.

«كتابُ الآل» ٣٧: ١٨٠: ٢٠. قوله «قال اليافعي». **أقول**: وصفه في «كشف الظنون» أيضاً كذلك.

«آيات الاحكام» ص ٤٠ رقم ١٩٢: **أقول** انظر [تفسير آيات الأحكام ٤: ٢٣٤ فما بعدها].

«**آيات الأحكام**» ٤٣: ٢١٩. راجع «الإجازة: ٢٤١: ١٢٧٧» و ما علّقناه عليها.

«**الآيات البيّنات**» ٤٧: ٢٣١: ٧. يأتي لمصنّفه أيضاً «حلّ العقود» في (ج٧: ٧٢).

«**آيات الحجّة و الرجعة**» ٤٧: ٢٣٣: ١١. راجع «نقباء البشر: ١٣٩٥» و هناك اسمُ والده محمّد حسن، و وفاته في ١٣٧٨ و لم يذكر فيه هذا الكتابَ من تصانيفه و الظاهر أنّه غفلة منه ره.

﴿**آيات القدس**﴾ ص ٤٨: اسم لما نذكره بعنوان «مدارك العقول» في موضعه فراجعه.

«**آينه حكمت**» ٥٢: ٢٦٤: ١٥. رسالة مختصرة نسختها في مكتبة مدرسة الصدر بإصفهان. توجد نسخته في المرعشيّة بقم رقمها ٦٣٨٩ مذكور في فهرسها ج١٦. تكلّم فيها حول عشرة مسائل وقع الاختلاف فيها بين الحكماء و المتكلّمين و لقد أجاد و أفاد رحمه الله تعالى.

«**آينه سكندرى**» ٥٣: ٢٦٦. راجع «نامه باستان» في (ج ٢٤: ٢٠: ١٠٦) و غيرها.

«**الإبانة عن كُتب الخزانة**» ٥٦: ٢٨٦: ٦. أقول راجع (ج ٧: ٤٧) و يظهر من «طبقات الإجازات» للسيّد أبي محمّد الحسن طاب رمسُه أنّ الإبانة هذه تأليف نفسه و نسخة الطبقات عندي بخطّي.

«**الابانة**» ص ٥٧ رقم ٢٨٩: و نسخة منه بخط أحمد بن الحسن القفطاني فرغ منه قبيل الظهر من يوم الاربعاء ٦ جمادى ٢ (١٢٨٠) كتبها عن نسخة السيّد محمّدابراهيم بن محمّد معصوم الحسيني المكتوبة محرّم ١١٢٢ رأيته عند السيّد أبي‌الحسن كتابي ضمن مجموعة معها كتاب «دعائم الدين و كشف الريبة» في إثبات الكرة و الرجعة للمولى محمّد محسن المذكور في الذريعة ج٨ ص١٩٨ ناقصه الأوّل في تسعين ورقة بقطع الثمن و النسخة مصحّحة.

«**ابتلاءُ الأولياء**» ٦١: ٣٠٠: ١٧. يأتي لمصنّفه أيضاً في هذا المجلّد الرقمان ٣٩٧ و ٢٥٠٨ و في (ج٨ – الرقم ٥٣٠)، و تفصيل ترجمته في ذيل كتابه «الحائريّات» في (ج ٦: ٣: ١) و غيرها. و راجع «مكارم الآثار ٧: ١٦٢٣».

«**ابتلاء المؤمن**» ص ٦٢ رقم ٣٠١: أقول انظر كتاب «المؤمن ٢٣: ٢٧٨» و قد طبع.

«أمجد الشيعة» ٦٣: ٣٠٦: ٦. يأتي ذكره مفصّلاً في (ج ٢: ١٥٢) و (ج ١٧: ٢٧٦).

«الأبحاث في تقويم الأحداث» ٦٣: ٣٠٨. راجع «الحاوي في الفقه» في (ج ٦: ٢٣٦).

«إبداءُ الحقّ» ٦٤: ٣١٢: ٤. يراجع «البوارق» في (ج ٣: ١٥٢).

«الأبرار – كتاب» ٦٥: ٣١٧: ٣. اُنظر «حمام الحمامة» في (ج ٧: ٩٠). و ترجمته في المكارم ٥: ١٧٥٣.

ص ٦٥ س ٤، يأتي: انظر [كتاب الأبرار ١٧: ٢٦١: ١٧٧] و له اتحاد ا(لا)سلام عندنا ط ٢ سنة ١٣٦٣ش.

«ابراهيم بيك» ص ٦٥ رقم ٣١٩: يراجع [ج١٢ص٢٦٨ بعد رقم ١٧٨٤].

«إبصار العين» ٦٥: ٣٢٢: ٢١. راجع «ترجمة إبصار العين» في (ج ٤: ٧٣).

«إبصار المستبصرين» ٦٦: ٣٢٣: ٢. يأتي أيضاً بعنوان «مناظره ديني» في (ج ٢٢: ٢٩٣) و انظُر «مناظره با فِرَق» في (ج٢٢: ٢٨٩) و راجع «فهرست إلهيّات طهران ١: ٢٧٥»، (و التّاريخ الصّحيح سنة ١٢٨٧).

«إبطالُ الزمان الموهوم» ٦٩: ٣٣٨. قوله (في س٦): و فيه الردّ على المحقّق الخوانساري. أقول هذا هو الصواب فإنّ هذه الرسالة للخاجوئي في الردّ على المحقّق جمال‌الدين في حاشيته على «حاشية الخفري على الشرح الجديد للتجريد» حيث ردَّ الجمالُ على الداماد في «القبسات». فرسالة الخاجوئي في تأييد الداماد لا في الردّ عليه، و تفصيل الكلام في «فهرست مركزى طهران ٣: ٧٣»، و عندنا نسخة الرسالة و الحواشي المذكورة و نظنّ أن المؤلّف قدّس سرّه اشتبه عليه الأمر أوّلاً لما رآه في «الروضات» من أنّ للخاجوئي «رسالة في إبطال الزمان الموهوم مع إنكاره استدلال السيّد الداماد عليه»، انتهى. و راجع (ج١١: ٦: ٢٢ و ما قبله). و يأتي مرآة الأزمان ٢٠: ٢٦٢: ٢٨٨٤.

«الأبعاد و الأجرام و عجائب البلاد» ص ٧١ رقم ٣٥٢: أقول ذكر المصنّف ترجمته و أسماء مصنّفاته في [إحياء الداثر ١٢٥] فراجعه و صرّح بتشيّعه العلاّمة الشيخ محمّدباقر الآيتي البيرجندي في رسالة [رجال قاين ١١ رقم ٢٢] و ذكر كلاماً حول ترجمته كما أنّ في العدد الثاني من [مجلّة دانشكده الهيات مشهد] ترجمة الرجل فليراجع.

«الأبنية عن حقايق الأدوية» ٧٣. يأتي في (ج٢: ٣٥٦) أُخِّر مكانه سهواً، و طبع الكتاب مرّات.

«الأبواب و الفصول لذوي الألباب و العقول» ٧٣. للشيخ أبي‌طالب الاسترآبادي كما في «معالم العلماء».

«أبوابُ الجَنّات في آداب الجُمعات» ٧٤: ٣٦٥. الكتاب الجليل الكبير طبع ١٤٠٤ كما مرّ في «آثار التقوى».

«أبواب الجنان» ص ٧٤ رقم ٣٦٦: ليراجع نقباء البشر ص ٥٩.

«أبوابُ الجِنان» ٧٦: ٣٦٩. اُنظر «ديوان رفيعا» في (ج ٩: ١٢٥٢: ٨٠٢٧) و منشآته في (ج ٢٣: ٤٢).

«أبوابُ الخَير» ٧٨: ٣٧٣. راجع «مكاتيب القطب» في (ج ٢٢: ١٣٦).

«الأبواب الرّافعة» ٧٨. كتاب لأبي‌بشر أحمد بن ابراهيم بن أحمد القمي. نقل عن نسخته العتيقة الشيخ أحمد بن صالح البحراني في آخر إحدى رسائله في الاستخارة و هي عندنا في مجموعة من رسائل الاستخارة.

«أبواب الروضات» ٧٨: ٣٧٤: ١٣. قوله [الميرزا محمّدباقر الخوانساري] أقول من المتوقّع عن أدب الشيخ المصنّف التعبير عن مثل هذا العلم العلاّمة الكبير الإمام الأفقه الحبر النحرير بوصف أحسن عن هذا النذر اليسير و لكن هذه شنشنة أعرفها من اخزم فالشيخ صاحب الذريعه تلميذ لمن ملا كتبه في الحط عن مقام سيّدنا و مولانا صاحب الروضات طيّب الله تربته، على أنّ جنابه لم يكن موصوفاً بالخوانساري و إن كان مولده بها فقد غادرها في أوائل شبابه و قطن إصفهان مع ذويه كما هو واضح. و بالجملة لو لم يكن روضات الجنّات عند المصنّف و اُستاده لم يقدرا هما و لا غيرهما على كتابة صفحة من كتبهم في التراجم و الرجال و الفهارس و غيرها فالكلّ عيال على الروضات و مستفيدون منها للعذب النمير و الفضل للمتقدّم و العاقبة للمتّقين و نسئل الله تعالى العصمة.

قوله (الذي توفّى سنة ١٣٣١) أقول الصواب أنّ خالنا العلاّمة الفقيه الأوحد الشيخ محمّدتقى الشهير بآقا نجفي طاب مثواه توفّى في عصيرة يوم الأحد الحادي العشر من

شهر شعبان المعظّم ١٣٣٢ كما تراه عند ترجمته في كتابنا «زندگانی آیت‌الله چهارسوقی ۱۹۹- ۲۰۶» و «مكارم الآثار ٦ رقم ٩٩٧» و أمّا ولده الحاج ميرزا محمّدباقر الشهير بألفت مؤلّف أبواب الروضات فسيأتي ذكر وفاته في التعليقة على التعريف بكتابه (كتاب الإجازات) في ص١٢٤: الرقم ٥٩٧.

«**أبوابُ الهُدى**» ٧٩. للعلاّمة ميرزا مهدي الإصفهاني مؤلّف «سياسة الخلفاء» الآتي. طبع سنة ١٤٠٥ في مشهد. و انتقده بالقدح و الشتم المعاصر في مقالته «نقد تهافت غزالی: نشرة کیهان اندیشه ٣: ٤٩» و ردّ عليه الفاضل الصالح في تلك النشرة ٦: «...»

«**أبوابُ الهداية**» ٧٩: ٣٧٧. قوله (للسيّد محمّد رضا). أقول لم يكن الرّجل علويّاً من جهة آبائه كما يظهر من الآثار.

﴿**ابوهريرة**﴾ ص ٧٩: لسيّد مشايخنا الإمام العلاّمة الحجّة الكبير السيّد عبدالحسين شرف‌الدين الموسوي العاملي قدّس الله تعالى روحه يأتي بعنوان «حياة أبي‌هريرة ٧: ١١٤: ٦٠٤».

«**أبهى الدرر**» ص ٧٩ رقم ٣٧٩: أقول راجع له (الدعوة الحسينيّة ٨: ٢٠٧: ٨٥٠) و قد ذكرنا «عقد الدرر» في موضعه من التكملة.

«**اتحاد الوجود و الماهية**» ص ٨١ رقم ٣٨٨: أقول يأتي ذكر هذا الكتاب أيضاً بعنوان [الحقّ اليقين ٧: ٤٢: س٥] فلاحظ.

«**اتصالات الكواكب و قِراناتها**» ٨٢: ٣٩١. قوله (في س٢٠) فراجعه. أقول أشار بذلك إلى عدم ثبوت تشيّع مصنّفه و ذلك لأنّ في ديباجته قوله: «و أولاد و أشياع و أصحاب و أتباع» الخ. رأينا نسخةً منه في مجموعة مخطوطة في القرن ١١ بالتقريب قال المصنّف بعد الديباجة ما لفظه: «این مختصریست در معرفت أحکام اتّصالات کواکب با یکدیگر» الخ.

«**اتّفاق صحاح الأثر**» ٨٣: ٣٩٣: ٣. قوله «سنة ٦٠٦». أقول: انظر ٤: ١٩٨.

«**إتقان المقال**» ٨٣: ٣٩٥: ١٦. «إحياء الأموات». يأتي في محلّه من هذا الجزء.

«**إتمام الحجّة**» ٨٣: ٣٩٥: ٢٢. مرّ له رقم ٣٠٠ و يأتي رقم ٢٥٠٨ من هذا الجزء.

«**إتمام الحجّة**» ٨٣. لابن المجذوب التبريزي يأتي في ٢: ٣٢٦: ١٢٩٥ و ج٩: ٩٦٣.

ص ٨٤: ليتذكّر في الأجزاء التالية ما هو الثابت بعد كلمة (اثبات) في هذا الجزء كلّ في موضعه إن شاء الله.

«اثبات الجواهر المفارق» ص ٨٨ رقم ٤٢١ س ٨، **إثبات العقل:** كما يأتي (ص٩٨: ٤٧٠) برقم جديد و كما يأتي (ص٩٩: ٤٨٢) بعنوان «اثبات اللوح المحفوظ» و اعلم انّه قد نشر هذه الرسالة الصغيرة جدّاً السيّد محمّدتقي مدرّس رضوي في كتابه «احوال و آثار نصيرالدين» و تكلّم حول الرسالة من ص٤٦٢– ٤٦٨ ثمّ اعلم أنّ قوله (عقل الكلّ) الصواب (العقل الكلّ) كما في (كشّاف اصطلاحات الفنون) و للتوسّع حول أصل الموضوع يراجع مظانّه العديدة في الكشّاف و في «فرهنگ علوم عقلى» للسجّادي و الله الهادي.

«اثبات الحدوث الزماني» ص ٨٩ رقم ٤٢٥: مرّ ذكره في ص٦٩ س٦.

«إثبات حدوث العالم» ٨٩: ٤٢٦: ٥. عندنا منه نسخة في مجموعة استنسخت في حياته.

«إثبات حقيّة الإثنى عشرية» ٨٩: ٤٣٠. انظر ٤: ٣١٨ و «خاتمة المستدرك: ٣٨٨».

«إثبات الرجعة» ٩٣: ٤٥٠: ٩. انظر لكتاب ابن شاذان هذا «كتاب الإيضاح: ٣٨٢» له و أيضاً «إثبات الهداة ٧: ١٣٧ و مواضع اُخرى منه». و قوله في س١٢ «مختصره الآتي» أقول راجع ١٠: ١٦٢ و ١٦: ٧٨ و ٢٠: ٢٠١ و ٢٢: ٣٦٧.

«إثبات الرجعة» ٩٤: ٤٥٦: ١٤. منه نسخة كانت عند السيّد أبي‌الحسن الكتابي ره كتابتها غرّة جمادى الأُولى ١٠٨٧ بأمر «النواب العالم العادل العامل الله وردى بيكا». و انظر: ٣٩١: ٢٠٢٥.

«إثبات العصمة» ٩٧. للمير محمّد صالح بن عبدالواسع الخاتون آبادي. ذكره ولده المير محمّد حسين في إجازته الموسومة «مناقب الفضلاء».

«إثبات العقل» ص ٩٨ رقم ٤٧٠: فترقيمها عن جديد ليس بصواب.

«اثبات الملك النقالة» ص ١٠٠ رقم ٤٨٩: أقول يأتي هذا مكرّراً في (ج٢٢: ٢١٨: ٦٧٦٣)

«إثبات الواجب» ١٠٢: ٥٠٣. أقول راجع (ج١١: ١٢ س٢).

«اثبات الواجب تعالی الکبیر» ص ۱۰۳ رقم ٥٠٤: أقول عندنا من هذا الكتاب الجليل نسخة فرغ من كتابتها جمال‌الدين علي الاصطهباناتي في ٨ شهر رمضان ١٠٥٦ ليس فيها اسم المؤلّف و عليها حواشيه بتوقيع [منه رحمه الله] و النسخة خلف [تعليقات للشيخ الرئيس أبي‌على ابن سينا] و بينهما و بآخرهما أيضاً فوائد و مقالات حكيمة و نسخة منها متأخّرة عن نسختنا ضمن مجموعة في مكتبة جامعة طهران المركزيّة كما في فهرسها ٣: ١٣١ ثمّ أقول ينقل السيّد المصنّف في كتابه متناً و هامشاً عن جماعة من الحكماء و منهم الملا جلال الدواني يذكره بقوله [و استدلّ المحقّق الدواني قدّس سرّه].

«اثبات الواجب الوسيط، إثبات الواجب الصغير» ص ۱۰۳ رقم ٥٠٥: انظر «رسالة في إثبات الواجب ١٠: ١٠: ٤٨».

«إثبات واجبه» ۱۰۳: ٥٠٩. يأتي في الشروح أيضاً.

«إثبات الواجب تعالى» ١٠٤: ٥١٢. طبع تأليفُ المولى رجبعلي في «منتخبات آثار الحكماء مع الرّد على بعض مطالبه ١: ٢٢١ - ٢٤٣» للسيّد جلال الآشتياني و بعده منتخب من «الأصل الاصيل» له ره.

و يأتي ذكر الرساله لآخر مرّة في (وجود الباري ٢٥: ٣٧) فليراجع و عندنا نسخة مصوّرة منها تاريخها ١٠٨٢ و توجد في المكتبة المركزيّة بجامعة طهران عدّة نسخ منها وصفها في فهرسها ٣: ١٣٢ و ٤٠٥ و اشتبه على مؤلّف الفهرس أمر القاضي سعيد القمي تبعاً لما في المتن فقوله [و هو اُستاد القاضي محمّد سعيد (في الفهرس الحكيم الكوچك) القمي و أخيه الحكيم محمّدحسين (في الفهرس محمّد محسن)] فإنّ القاضي صاحب الأربعين و الأربعينيّات و إن كان تلميذ المولى رجبعلي إلاّ أنّه غير الحكيم كوچك ميرزا سعيد الطبيب أخي الميرزا محمّد حسين الحكيم كما بيّناه في مقالة لنا فلايغفل.

«اثبات الواجب تعالى» ص ١٠٦ رقم ٥٢٠: أقول سيأتي له «إثبات الهيولى» ١١٢: ٥٤٢» فراجعه.

«إثبات الواجب - القديم» ١٠٦: ٥٢١: ١٦. قوله «سنة ٩٠٨». أقول يأتي في ٦: ١٠٢ و مواضع اُخرى من هذا الكتاب «سنة ٩٠٧». انظر كتاب الدواني و «فم ٣: ١٢٢».

«اثبات الواجب تعالى» ص ١٠٨ رقم ٥٢٥: يراجع فهرس المركزي ٣: ١٢٨-١٣٠.

«إثبات الواجب تعالى» ١٠٨: ٥٢٦. عندنا منه نسخة تامّة و لكنّها خالية عن تاريخ التأليف و هي في مجموعة استنسخت سنة ١١٢١ في بلدة اورنك آباد من بلاد الهند. و يأتي أيضاً «أثبات الواجب» هذا في ٧: ٣٥ باسم «الحقايق المحمّديّة» كما يأتي شرحه في ١٣: ٦٠.

«اثبات الواجب تعالى» ص ١٠٩ رقم ٥٢٨: نسخته في مكتبة جامعة طهران المركزيّة كما في فهرسها ٣: ١٣٣ و فيها أيضاً نسخة من حاشية الحكيم مسيحا على الخفري بخط جدّنا العلاّمة الكبير صاحب مناهج المعارف كما نذكره بهامش ج٦ ص٦٧.

«إثبات الوصيّة» ص ١١٠ رقم ٥٣٦: أقول انظر التكملة على [سرّ الحياة ١٢: ١٦٧: ١١١٢].

«إثبات الوصيّة» ١١٠: ٥٣٦: ٢٠. قوله «المدعوّ بميرزا بُزرگ». انظر ١: ١٠١: ٤٩٧.

«إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات» رقم ٥٤١ — ص ١١٢ س ٨، كما يأتي: أقول انظر ما ذكرناه في التكملة على «النصوص ٢٤: ١٨١: ٩٣٨»

«إثبات الهيولى» ص ١١٢ رقم ٥٤٢: أقول انظر التكملة على [المحاكمات ٢٠: ١٣٤: ٢٢٦٤).

«الاثناعشريّات الخمس» ١١٣: ٥٤٧: ٥. انظر «اَحوال و اَشعار فارسي شيخ بهائي: ٩٢» و عندنا منه نسخ.

«الاثناعشريات في المراثي» ١١٣: ٥٤٩: ٢٠. قوله «دوازده بند». أقول يراجع ٨: ٢٧٠ و أيضاً ٢٥: ٨٥ عنوان «وسيلة النجاة» في شرح هذه الأبيات.

«الاثناعشريّة» ١١٤: ٥٥٠. هو في المسائل الخلافيّة، ١٢ مسئلة اُوليها في نقل الجنازة إلى المشاهد. طبع في ٢٢٤ص مع كتابيه «الدرّة البيضاء» و «الدرّة الغرويّة» و توفّى مصنّفه الأخباريّ في شهر رمضان ١٣٦٩ و له أيضاً «المسائل النجفيّة» و «قواعد الإسلام».

«الاثناعشريّة» ص ١١٤ رقم ٥٥٤: يأتي له [المنتخب في جمع المراثي و الخطب ٢٢: ٤٢٠: ٧٦٩٦].

«الاثناعشريّة» ص ١١٥ رقم ٥٥٨ س ١٨، خامس: المذكور ص١١٣: ٥٤٧.

ص ١١٥ س ٢٠، **نسخة:** أقول الظاهر انّها النسخة الموصوفة عند ذكره [منار السماع ٢٢: ٢٤٣: ٦٨٧٩] فراجعه.

«الاثناعشريّة» ص ١١٦ رقم ٥٥٩ س ٢، **يأتي في الردود:** في ج١٠ص٢٠٩ و عندنا منه نسخه بخط «...» و نسخة اُخرى بخط «...» و طبع الكتاب.

«الاثناعشريّة» ص ١١٦ رقم ٥٦١: راجع لشروحها (ج١٣: ٦٠- ٦٢).

«الاثناعشريّة» ص ١١٨ رقم ٥٧٢: راجع [قبله اثنى عشرية ١٧: ٤٣].

﴿الاثناعشريّة﴾ ص ١١٩: المنسوبة إلى الخواجه نصيرالدين الطوسي قدّس الله روحه نقل عنها المحدّث القمي ره في كتابه [الكنى و الألقاب] في ذيل ترجمة أبيهلال العسكري و لم نجد لها ذكراً في كتاب «احوال و آثار نصيرالدين» لمدرّس الرضوي.

«الاثناعشريّة في المواعظ العددية» ص ١١٩ رقم ٥٧٦: **أقول** انظر وصف نسخة ثمينة من كتاب التشريف بتعريف وقت التكليف بخط هذا السيّد الشريف في «الأنوار الساطعة ٥٠» و سيأتي له «أدب النفس ٣٨٨: ١٩٩٩» و لم نجد لكتابيه ذكراً في مصادر كتاب «بحارالأنوار» و الظاهر انّه لم يصل نسختهما إلى العلاّمة المجلسي عليه الرحمة أو غير ذلك و انظر ترجمة السيّد ابن قاسم في (الروضة النضرة ص٥٣٢) و في مقدّمة الطبع لكتابه (أدب النفس) المطبوع بطهران و قد أخطأ مباشر الطبع في تسمية الكتاب فطبع باسم (آداب النفس).

«اثولوجيا» ١٢٠: ٥٧٧: ١١. قوله «و يأتي تحريره و شرحه» **أقول** و كذا تأتي الحاشية عليها في ج٦.

«اجابة المضطرين» ص ١٢٠ رقم ٥٨٠ س ٢٢، **اسحق:** / أبياسحق.

«الاجادة» ص ١٢١ رقم ٥٨٢: انظر [القلادة ١٧: ١٦٠: ٨٤٢] مع التكملة.

«كتاب الإجازات» ١٢٤: ٥٩٧. قال في آخر مجلّده الأوّل: «قد تمّ المجلّد الأوّل من كتاب «مجمع الإجازات و منبع الإفادات» و هذا المجلّد يشتمل على مائة إجازة غير ما فيها من الفوائد و كان الشروع في جمعه و تأليفه في شهر شعبان سنة ١٣٢٣ و الفراغ منه على يد مؤلّفه محمّدباقر بن محمّدتقى الرازي الخوانساريّ أباً و اُمّاً و الإصفهاني مولداً و منشأ و ذلك في ليلة الأحد لأحد و عشرين مضت من شهر ذي الحجّة الحرام

١٣٢٥». أقول و هذا الكتاب في مجلّدين لا في ثلثة و مجلّده الثاني غير تامّ يشتمل على ثلاثين إجازة. و قد استفدت من مجلّديه عند مؤلّفه العلاّمة الحاج ميرزا محمّدباقر المشتهر بألفَت و المشترك معي في أجدادنا الأربعة الأعلام: كاشف الغطاء و صاحب «هداية المسترشدين» و السيّد صدرالدين العاملي و الحاج ميرزا زين‌العابدين الخوانساري (نوّر الله مراقدهم)، و نقلت بعض إجازات المجمع عن مجلّديه في كتابي «رياض الأبرار» ثمّ سُرق المجلّدان من مكتبته في حياته و أسف الألفة (رحمه الله) لذلك أسفاً شديداً. و توفّي عصيرة يوم الأربعاء ٢٦ من الربيع المولود ١٣٨٤ و دفن بجوار تربة والده قربَ بيته في إصفهان. و كانت ولادته ليلة الجمعة غرّة - أو الثاني - جمادى الأولى ١٣٠١. و توفّي ولده الفاضل الحاج ميرزا بهاءالدين الألفة في يوم الأحد ٩ من ذي القعدة ١٤٠٢ و دفن يوم الإثنين ١٠ بجِوار قبر والده. و مرّ ذكره أيضاً في «أبواب الرّوضات».

«**كتاب الإجازات**» ص ١٢٦ رقم ٦٠٥ س ١٩، **ذلك**: انظر (ج٢٠: ٦٠: ١٩٠١) و ما ذكرناه في الهامش.

«**كتاب الإجازات**» ص ١٢٧ رقم ٦١٠ س ٢٠، **الآتية: في** ص٢٢٢: ١١٦٤.

«**كتاب الإجازات**» ١٢٧: ٦١٠: ٢٢. قوله «في مجلّد إجازات البحار». أقول و نقلها عن البحار صاحب «عوالم العلوم».

«**كتاب الإجازات**» ص ١٢٩ رقم ٦١٣ س ١٣، **ميرزا محمّد**: هو أبو زوجة مؤلّف هذا الكتاب الذريعه.

«**كتاب الإجازات**» ص ١٢٩ رقم ٦١٥: أقول اطلبه في «الشجرة ١٣: ٣٧: ١٢٣».

«**كتاب الإجازات**» ١٣٠: ٦١٧: ١١. راجع (٢٠: ٦٠: ١٩٠١) و ما ذكرناه في الهامش.

«**كتاب الإجازات**» ١٣٠: ٦١٨: ٢٢. قوله «و غيرهم». أقول و منهم السيّد نورالدين الجزائري كما يأتي في ص ٢٦٠.

«**كتاب الإجازات**» ١٣١. أنظر «السبيل الجُدد إلى حلقات السند» في ١٢: ١٣٧.

«**كتاب الإجازات**» ١٣١: ٤. أقول و ممّن يروي عند السيّد نصرالله الشّهيد الحائري: السيّد نورالدين الجزائري و الشيخ علي بن جعفر القدمي البحراني و السيّد منصور الطالقاني النجفي (رضوان الله عليهم).

«الإجازة» ١٣١. الإجازات المذكورة في هذا المجلّد يبلغ عددها ٧٧٩ و كلّما كان مأخذ المؤلّف مجلّد إجازات «بحارالأنوار» وحده فليس مقيّداً بالتصريح بالمأخذ فلايغفل، و يأتي مستدرك الإجازات في حرف الراء بعنوان «رسالة في إجازة فلان» و أيضاً في الميم بعنوان «مجموعة الإجازات».

ص ١٣٣ س ٣، **فلنقتصر**: حصر المصنّف مأخذه في ذكرالإجازات كلها.

«إجازة الشيخ ابراهيم بن سليمان القطيفي» ١٣٤: ٦٢٤. لكمال الدين حسين بن شمس‌الدين محمّد بن علي الطبسيّ. نسختها بخط جدّنا العلاّمة الحاج مير سيّد محمّد شقيق الإمام المجدّد صاحب الروضات نقلها عن ظهر نسخة من المجلّد الثاني للشّرايع و تاريخ الإجازة سنة ٩٢٨ و هي سنَة شهادة الإنهاء و القِرائة. ثمّ أقول راجع لزاماً ترجمة المجيز في كتابنا [شرح روضات الجنّات ١: ٦٦ - ٧٤] و إضافات كثيره فيها بعد الطبع و إحياء الدائر ٤- ٥] و أيضاً صورة إجازة له بخطّه في [مؤلّفين للمشار ١: ٧٨] و ليحقّق.

«إجازة الشيخ ابراهيم» المذكور ١٣٤: ٦٢٧: ١٩. قوله «في سادس عاشورا» أقول الذي في إجازات البحار ص٧٥ هو «سادس شهر عاشورا». و في الط الجديدة ص ١٠٦.

«إجازة الشيخ ابراهيم» المذكور للسيّد معزالدين ١٣٥: ٦٢٩. أقول ليس هذا السيّد متّحداً مع القاضي معزالدين محمّد الإصفهاني كما التبس الأمر على العلاّمة المحدّث النوري و يأتي بيانه ٢٥١: ٤ بل هو من السّادة المعروفين بالشهشهانييّن و من أحفاد صاحب المزار المعروف بإصفهان.

و قوله في س٣ «عن بعض إجازات الشيخ أحمد». أقول هو إجازته للحاج محمّد ابراهيم الكرباسي.

و قوله في س٤ «أقول ذكر القطيفي» الخ. أقول هذا أيضاً مأخوذ من كلام صاحب الروضات.

«اجازة» ص ١٣٥ رقم ٦٣٣ س ٢٢، **سنة ١١٤٥: قال في** (الكواكب المنتشرة ص ٩) إنّ القاضي فرغ من هذه الإجازة «ضحى يوم الخميس الثاني و العشرين من ذي القعدة ١١٤٥» ثمّ قال في الحاشية «فالتاريخ ٢٧ ذي القعدة الذي جاء في الذريعة ١ رقم ٦٣٣ غلط مطبعي».

«إجازة المولى أبي‌الحسن» ١٣٧: ٦٤٢: ١٧. قوله «منهم العلاّمة المجلسي» أقول: له منه إجازتان مذكورتان في ص١٤٩ و راجع (ج١١: ١٣: ٥٩) و (ج٢٠: ٥٩: ١٩٠٠).

«إجازة أبي‌غالب الزّراري» ١٣٨: ٦٤٤. يأتي له أيضاً إجازة اُخرى في ١٤٣: ٦٧٤.

«إجازة العلاّمة المحقّق صاحب القوانين» ١٣٨: ٦٤٧. للحاج محمّد ابراهيم الكرباسي. نسختها بخط جدّنا الإمام المجدّد صاحب الروضات في خاتمة نسخة «أمل الآمل» بخطّه الشريف. و لصاحب القوانين أيضاً إجازة جليلة لتلميذه الآخر الحاج السيّد محمّدباقر بن محمّدنقى البيدآبادي المشتهر بحجّة الإسلام تاريخها ليلة عيد الفطر ١٢١٥ طبعت ملحقة بالمجلّد الأوّل من كتابنا «فهرست كتب خطى».

«إجازة الشيخ أحمد بن اسماعيل» ١٤٠: ٦٥٧: ١٦. قوله «للسيّد عبدالعزيز». أقول انظر ٢٦٥: ١٣٩٢.

﴿إجازة الشيخ أحمد بن اسمعيل الجزايري﴾ ص ١٤٠: نزيل الروضة النجفيّة للمولى عبدالنبيّ ابن الشيخ المفيد في أربع صفحات تاريخها يوم السبت تاسع(كذا) و العشرين من ذي‌الحجة من سنة ألف و مائة و خمسين إجازة مفيدة بخطّ المجيز في آخر نسخة «إيضاح الاشتباه» للعلاّمة رحمه الله رقمها في المرعشيّة ٧٢٩٥ و تصوير الإجازة بكاملها في فهرسها ج١٩ فتبيّن من تاريخ هذه الإجازة أنّ المجيز كان حيّاً لغاية سنة ١١٥٠.

«إجازة» ص ١٤١ رقم ٦٦١: أقول ثمّ جدّد طبعها زميلنا الفاضل الدكتور حسين آل محفوظ حفظه الله في «كتاب إجازات الشيخ أحمد الاحسائي. ط النجف ١٣٩٠» و هناك تاريخ الإجازة غرّه محرّم ١٢٠٥ مصرّحاً.

«إجازة» ص ١٤١ رقم ٦٦٢: أقول طبعت هذه الإجازة باهتمام الدكتور حسين علي محفوظ الكاظمي سنة ١٣٩١ في النجف الأشرف مع مقدّمة و تعاليق مفيدة و أصل الإجازة بخط المجيز في ستّ صفحات و تاريخها سنة ١٢٢٩ و قد أطراه المجيز في أوّلها و ذكر اسمه «آقا أسدالله نجل الجليل النبيل الحاجي اسمعيل» و أمّا الدكتور المحقّق فذكر في المقدّمة أنّ المجاز ولد في كربلا سنة ١١٦٠ و توفّى في الكاظمية سنة ١٢٣٤ و أنّه نقله أخو زوجة العلاّمة الشيخ موسى بن جعفر إلى النجف الأشرف و دفن بها في مقبرة جدّنا كاشف الغطاء ره و في ولادته في ١١٦٠ تأمّل جدّاً بل هو بعيد عن الصواب غايته و لم يذكر الدكتور مأخذه للتاريخين و راجع كتابنا «شرح روضات الجنّات».

«إجازته» ص ۱٤١ رقم ٦٦٤: أقول يأتي الإشاره إلى هذه الإجازة أيضاً في عنوان «جواهر الكلام ٥: ٢٧٧ س٢».

«إجازة» ص ١٤٣ رقم ٦٧٤: مرّ لأبي‌غالب أيضاً رقم ٦٤٤.

«إجازته» ص ١٤٤ رقم ٦٧٨: صورتها في ص٥٤ مجلّد إجازات البحار.

«إجازة السيّد الامير نظام‌الدين أحمد» ص ١٤٥ رقم ٦٧٩: صورتها في إجازات البحار ص ١٤١.

«إجازة» ص ١٤٥ رقم ٦٨٠، أحمد: هو المذكور في الذريعة ١: ١٣٠ س١٩ و ج٢٠: ٦٧ رقم ١٩٥٠.

«إجازة العلاّمة المولى أحمد» ١٤٥: ٦٨١: ١٠. قوله «أبي‌ذر». أقول ابوذر هذا ابن الحاج محمّد القمي كما في إجازة الحاج ملاّ أحمد المذكور لأخيه الحاج ملاّ محمّد مهدي صاحب تنقيح المقال و هذه الإجازة كبيرة مبسوطة تاريخها (أواخر ذي الحجة ١٢٤٤) طُبعت مصوّرة خط المجيز (في ١٨ص) مع «قاموس الرجال ج١١»، كما طُبعت إجازته للشيخ الأنصاري ره في «زندگانی و شخصيت شيخ انصاری». و يأتي للمجاز (تنقيح الاصول) في ج٤: ٤٦٠: ٢٠٥٦ و إجازته للسيّد حسين الكاشاني و إجازة المولى محمّد سعيد بن الشيخ يوسف له في موضعيهما من التكملة.

«إجازته» ص ١٤٦ رقم ٦٨٣: أقول طبعت هذه الإجازة الشريفة في «زندگانی و شخصيت شيخ انصاری ص١٢٠– ١٣٠ ط ٢».

«إجازة محمّد باقر بن اسمعيل الحسيني الاصبهاني» ١٤٧. لمولانا محمّد رحيم الشريف الاصبهاني مبسوطة مفيدة موجودة عندنا في «بياض الخاتونآبادي» و قد كتب المجيز نسبَه في اوّل البياض هكذا: باقر بن اسمعيل بن باقر بن اسمعيل بن عماد. إلى أن اتّصل بآدم أبي‌البشر عليه‌السلام. و لعلّ المُجاز جدّ صاحب الجواهر لأبيه قدّس الله أسرارهم و ترجمة صاحب الجواهر و بيته مذكورة في «مكارم الآثار ٥: ١٨٢٦ فما بعدها» بتعاليقنا و «ماضي النجف و حاضرها ٣: ٤٢ فما بعدها».

«إجازة» ص ١٤٧ رقم ٦٨٨: أقول راجع (ج٦: ١٠٤: ٥٦٤) و سيأتي للمجاز في هذا الجزء (ص١٦٩: ١٠٤٠) و انظر (تتيم أمل الآمل ص١٢٠) و (الكواكب المنتشرة ص٨١ و ١٩٠) و ما كتبته بهامش الموضعين.

«إجازة» ص ١٤٧ رقم ٦٨٩: أقول أصل هذه الإجازة الشريفة بخط المجيز و خاتمه في ظهر نسخة الأصل من كتاب «منتهى المقال» للمجاز الموجودة في (كتابخانه مركزى دانشگاه تهران) و صورة الصفحة المشتملة على الإجازة مطبوعة في فهرس المكتبة (ص٦٦٧) و المقرؤ فيها تاريخ الإجازة سنة ١١٩٥ و المهمّ الذي غفل عنه أصحاب التراجم أو خفي عنهم انّ المجاز كتب تاريخ وفاة المجيز فوق إجازته بهذه الصّورة [توفّى الآقا قدّس الله فسيح تربته صبيحة يوم السبت تاسع عشري شهر شوال المكرم سنة ١٢٠٥] انتهى. و هذا هو الموافق لما ذكره الآقا أحمد حفيد المجيز في كتاب «مرآة الأحوال ص١٤٩». م‌ع‌ر عفي عنه في ليلة ١١ ج ٢ سنة ١٤١٣

«إجازته» ص ١٤٧ رقم ٦٩٥: أقول و طبع إجازته أي إجازة الوحيد البهبهاني للسيّد ميرزا محمّدمهدي بن أبي‌القاسم الموسوي الشهرستاني المتوفّى ١٢١٦ في ضمن ترجمة المجاز في (أعيان الشيعة ٤٩ ص٦) بمقدار نصف صفحة و بعدها إجازة المجاز المذكور لتلميذه الشيخ ملا محمّد فاضل السمناني أبسط من الأولى.

ص ٤٨: لم يذكر شيخنا المؤلّف إجازة لجدّنا العلاّمة الكبير الحاج الشيخ محمّدباقر بن العلاّمة الأجل الشيخ محمّدتقي المسجد شاهي الإصفهاني ره سوى ما يأتي في ص١٥٨ رقم ٧٨٣ أخرت عن مكانها سهواً.

«إجازته» ص ١٤٨ رقم ٦٩٦، **محمد يوسف**: راجع (الجهاديّة) في ج٥ ص٢٩٨ رقم ١٤٠١.

«إجازة» ص ١٤٨ رقم ٦٩٨: ذكر الشيخ علي الدواني في (حياة الوحيد البهبهاني ص١٧٤ ط ٢) أنّ نسخة هذه الإجازة في مكتبة ملك التجار بطهران و نقل عنها قطعةً مترجماً بالفارسية و قوله (بمجموعة الشيخ عبدالحسين) أقول مراده كتاب الإجازات الذي مرّ ذكره في ص١٢٦ الرقم ٦٠٥.

ص ١٤٩: أقول رأينا في (أعيان الشيعة ٥٣: ٦١) لشيخنا في الرواية السيّد العلاّمة الأمين العاملي ما لفظه [السيّد الأمير أبوالحسن الاسترآبادي المشهدي. ذكرناه في الجزء السادس ثمّ عثرنا على صورة إجازة المجلسي له فأعدنا ذكره هنا. قال المجلسي (كذا في الموضعين و يا ليت شيخنا السيّد راعى شرط الأدب في حقّ أكابر العلماء و أعاظم

الفقهاء و لكنّه مع الأسف لايبالي بهذا الأمر بالنسبه إلى غير من لم يكن من العرب خصوصاً الرعيل الأوّل من العلماء أمثال العلاّمة الإمام المجدّد البحر الموّاج مولانا المجلسي و سيّدنا الجدّ الإمام العلاّمة المجدّد آية الله العظمى السيّد ميرزا محمّدباقر الموسوي الإصفهاني صاحب روضات الجنّات قدّس الله تعالى أرواحهم مع أنّ موضوع كتابه تعظيم رجال الشيعة و تكريمهم و الله من وراء القصد و هو الهادي إلى سواء السبيل ثمّ إنّه نقل تلك الإجازة في ۲۷ سطراً و لم يذكر كشيخنا المصنّف مأخذه و السلام.

«**إجازة العلاّمة المجلسي** للعلاّمة المولى أبي‌الحسن الشريف» ۱٤۹: ۷۰٤: ۳. **قلت قد مرّ** ذكر هذا الشريف و إجازته للسيّد نصرالله الشهيد في ص۱۳۷.

«**إجازة العلاّمة المجلسي** للشيخ أحمد بن محمّد» ۱٤۹: ۷۰٦: ۸. قوله «في الفيض القدسي» أقول: أخذها المحدّث النوري عن «لؤلؤة البحرين» و إن لم يصرّح بذلك مثل ما ذكر أيضاً في «خاتمة المستدرك: ۳۸۸» بلا غرو، و انظر ترجمة الرّجل في «الروضات». و توجد نسخة الإجازة أيضاً ناقصة خلف الإجازة رقم ۱۰۷۰ في خزانة الكتب النجفي المرعشي بقم.

أقول هذا ما كتبته قديماً ثمّ في أوائل شهر شوال المكرّم ۱٤۲۰ راجعت فهرس المكتبة المرعشيّة ج١٤ص٣٤٥/٣٤٦ النسخة رقم (٥٥٨٢) فرأيت انّه ذكر المفهرس هناك إجازة الشيخ عبدالله بن صالح السماهيجي للشيخ ناصر بن محمّد الجارودي المورّخة سنة ۱۱۲۸ ثمّ قال إنّ معها إجازة العلاّمة المجلسي للشيخ أحمد بن محمّد بن يوسف البحراني مبتورة الآخر و الكاتب هو حسين محمّد البحراني كتب الإجازة الأولى في ليله ۱۱ ذي‌حجه ۱۱٥٥ و من أعجب العجائب و أغرب الغرائب أنّ السيّد الإشكوري مؤلّف فهرس المرعشيّة ذكر في ترجمة الشيخ أحمد في كتابه (إجازات الحديث ص۲۰) ما نصّه (و أُدرجت الإجازة مبتورة في مجلّد إجازات البحار) ثمّ بعد ذلك نقل ما وجد من الإجازة و أكدّ في آخرها (ص۲٥) انّه نقلها عن بحارالأنوار و هذا نوع من التدليس و قد تكلّمت معه صباح يوم الأربعاء الرابع أو الخامس من شهر شوال المكرّم هذا بالهاتف و هو في بيته في قم و ذكرت صنيعه هذا فلم يحر جواباً.

«**إجازته**» ص ۱٤۹ رقم ۱٤۹ س ۲۳، **قطعة**: أقول انتقلت تلك النسخة الثمينة إلى

مكتبة آستان قدس الرضوي بالمشهد المقدّس و تلك الإجازة مسبوقة باستجازة المجاز من جناب المجيز ثمّ بعدها إجازة الفاضل الهندي له كما تأتي في ص٢٣٢ رقم ١٢٢٢ و طبعت صورة الاستجازة و قطعة من إجازة العلاّمة المجلسي في ج٦ من فهرس تلك المطبعة مقابل ص٢٦١ و حصلت عندنا مصوّرة الجميع فأوردناها في كتابنا «رياض الأبرار» و الحمد لله ثمّ إنّ المجاز ره أورد صورة الإجازتين في ترجمة نفسه التي أوردها في خاتمة كتابه «تفريج القاصد لتوضيح المقاصد» و طبعت الخاتمة المذكورة بتمامها في خاتمة كتابه «زواهر الجواهر» بإصفهان سنة ١٣٧٩.

«**إجازة العلاّمة المجلسي** للشيخ زين‌العابدين» ١٥١: ٧٢٦: ١٩. أقول راجع الذريعة ج١٢ص١٩٢.

«**إجازته**» ص ١٥٢ رقم ٧٢٨: راجع (آداب صلوة الليل ٢٣: ١١٧).

«**إجازة العلاّمة المجلسي**» ١٥٤. لمولانا الشيخ محمّد بن الحسن الحرّ العاملي. نسختها في «سفينة الميرزا أبي‌طالب» انظر الذريعة ج١٢ص١٩٢ و راجع ما مرّ في ص١٥١ س١٦.

﴿**إجازة العلاّمة محمّد باقر المجلسي**﴾ ص ١٥٤: للشيخ نظام‌الدين محمّد البسطامي تاريخها ثالث شهر رجب ١٠٩٥ مطبوعة في [فهرست نسخه‌هاى خطى كتابخانه جامع گوهرشاد مشهد مقدس ١: ٤٢٧ – ٤٢٨] عن أصل خطّه الشريف على نسخة جليلة من «تهذيب الأحكام» [الفهرست ١: رقم ٣٩].

«**إجازة العلاّمة المجلسي** للمولى محمّد بن أبي‌الفتح الجيلى» ١٥٤: ٧٥٢. أقول لعلّ المُجاز هو المذكور قبل برقم ٧٤٩.

﴿**إجازة العلاّمة المجلسي**﴾ ص ١٥٥: لمولانا محمّد مؤمن الرازي لخصوص نهج‌البلاغة مع ساير ما أخذه منه مختصرة تاريخها ثامن شهر رجب ١٠٩٢ بآخر نسخة من النهج [فهرست گوهرشاد ١: ٤٤٤].

«**إجازة العلاّمة المجلسي** للسيّد نعمة‌الله الجزائري» ١٥٦: ٧٦٥. قوله «مبسوطة على نهج البلاغة» أقول يعني على ظهر نسخة مخطوطة من النهج و قد نقلها بطولها مؤلّف «نابغه فقه و حديث ص١٠١ – ص١٠٦». و انظر أيضاً للّتي تليها «النابغة ص١٠٦».

«**إجازته**» ص ١٥٦ رقم ٧٦٦: يراجع كتاب النابغة المذكورة ص ١٠٦ و انظر ج ٦ ص ٢٢٥ س ١ — ٣.

«إجازة حجةالإسلام» ١٥٦: ٧٦٧. أقول قدّمتُ إجازات حجةالإسلام خطأً و راجعْ أوّلَ تراجم «الكرام البررة».

«إجازته» ص ١٥٦ رقم ٧٦٩ س ٢٠، **عبدالوهاب**: يروي الميرزا عبدالوهاب أيضاً عن الحاج ملا حسينعلي التويسركاني و اُستاده الحاج ملا رفيع الگيلاني و يروي عن الميرزا عبدالوهاب المذكور الميرزا عبدالرحيم بن الحاج محمّدرضا بن الحاج محمّدابراهيم الكلباسي كما ذكر كلّ ذلك في مختصر المكارم.

«إجازته» ص ١٥٧ رقم ٧٧٤: **أقول** انظر «بيان المفاخر ج ١ ص ٣٤٩» و ما كتبناه بهامشها و بهامش الكرام البررة في ترجمة المجاز رقم ١٥١٢.

«إجازته» ص ١٥٨ رقم ٧٨٠ س ١٢، **على الاقتدا**: الصّواب الاقتداء أقول و مثل هذه الإجازة توجد في صور إجازات العلماء للحاج آقا محمّد بن الحاج محمّد ابراهيم الكرباسي في مفتتح كتابه أنوار الترول و عندنا صورتها و فيه أيضاً التوصية الفارسية و تاريخها ثامن شهر شعبان سنة ١٢٤٩ فلعلّ السيّد ره كتب أوّلاً هذه الإجازة لصهره آقا محمّد ابن الحاجي الكرباسي ثمّ جدّدها للثاني المذكور في المتن الذي كان زوج اخت الحاج محمّد ابراهيم المذكور و عندنا أيضاً نسخة تلك الإجازة استنسختها بيدي في سنة ١٣٦٧ عن مجمع الإجازات و ليس في الإجازتين سوى اسم المجاز (آقا محمّد) و الأوصاف واحدة من دون ذكر اسم الوالد و النسبة و تختلف عبارة التوصية و التي أشار إليها في المتن تاريخها في نسختنا (٢٩ رجب سنة ١٢٥٩) و الله العالم بحقايق الأُمور. م‌ع‌ر حرّر في ليلة العاشورا ١٤٠٦

«**إجازة العلامة ميرزا محمّد باقر بن ميرزا زين‌العابدين**» ١٥٩. جدّنا الإمام المجدِّد صاحب الروضات قدّس الله روحه للميرزا محمّد الهمداني إمام الحرمين. كتب له اجازتين إحداهما الكبيرة المتأخّرة نسختها في «الشجرة المورقة» للمجاز و الأُخرى المتوسطة تاريخها «عصيرة يوم الإثنين الحادي عشر من رجب المرجّب المكرّم سنة ثلاث و ثمانين و مأتين بعد الألف» نسختها في ستّه صفحات في كتابنا رياض الأبرار بخط جدّنا العلاّمة الورع السيّد جلال‌الدين (روضاتي) ابن العلاّمة الفقيه الحجّة السيّد ميرزا مسيح المجاز عن إمام الحرمين المذكور كما يأتي بهامش ص٢٣٩. و قد رأى شيخنا المصنّف ره عند الشيخ

محمّد السماوي ره في النجف الأشرف نسخة كتاب المشكاة في مسائل الخمس و الزكاة لإمام الحرمين كما يأتي في محلّه (ج٢١: ٥٢: ٣٩١٤) قال (و في آخرها إجازتا الحاج ملا حسين علي التويسركاني و إجازة صاحب الروضات بخطّيهما له في سنة ١٢٨٣) انتهى مع تصحيح لازم. و انظر إجازات الرجل في «الشجرة المورقه ١٣: ٣٧: ١٢٣».

«إجازة السيّد المحقق الداماد... للسيّد أحمد بن زين‌العابدين» ١٥٩: ٧٩٠. أقول نسختها عندنا بخطّ جدّنا العلاّمة المتتبّع الحاج السيّد محمّد شقيق جدّنا الإمام المجدّد صاحب الروضات.

ص ١٥٩ س٢٣، سنة **١٠٤٠**: أقول هذا التاريخ أعني ١٠٤٠ هو الصحيح في وفاة سيّد الداماد على ما تحقّق عندي دون ١٠٤١ كما في عدّة مواضع فلاتغفل.

﴿إجازة السيّد المحقّق الداماد﴾ ص ١٦٠: أيضاً لبعض تلاميذه مختصرة كتبها على نسخة الرسالة الخلعية كما تأتي (ج٧: ٢٤١: ١١٦٩).

«إجازة» ص ١٦٠ رقم ٧٩٥، **محمدباقر**: انظر رقم ٩٤١.

«إجازة» ص ١٦١ رقم ٨٠٢، **محمدتقي**: أقول هو صاحب كتاب (الدلائل الباهرة) انظر (ج٨: ٢٤٧: ١٠٢٠).

﴿إجازة العلاّمة مولانا محمّدتقي المجلسي﴾ ص ١٦٢: للسيّد أمير محمّدهاشم في خصوص رواية (الحرز اليماني) المذكور في موضعه من الذريعة و قرائته وصف فيه المجاز بقوله [و بعد فقد التمس منّي السيّد النجيب الأديب الحسيب زبدة السادات العظمام و النقباء الكرام الأمير محمّدهاشم أدام الله تعالى تأييده] الخ. وجد الإجازة المحدّث النوري على ظهر الدعاء المذكور بخط المجيز ره فنقل تمامها عنه في كتابه [دارالسلام ١: ١٦٠ - ١٦١] و صورة الإجازة أيضاً مع الدعاء موجودة بخط العلاّمة المير محمّدحسين بن المير محمّدصالح الحسيني الخاتونآبادي في كتاب دعاء له رحمه أو كتبها بخطّه في ١١٣٦ عام فتنة أفغان و توجد نسخة كتاب الدعاء في خزانة كتب مكتبة مسجد جامع گوهرشاد في مشهد الرضا صلوات الله عليه كما في فهرسها الأوّل المختصر ص٢٠٠.

«إجازته» ص ١٦٢ رقم ٨٠٥: عندي بحمده تعالى مصوّرة أصل هذه الإجازة و نسخة في مجموعة صغير الحجم أوّلها وجيزة المجلسي معها إجازة صاحب المعالم الكبيرة.

«إجازة المولى محمّدتقي المجلسي للمحقّق آقا حسين بن جمال‌الدين» ١٦٢: ٨٠٩. نسخة أصلها بخط المجيز في كتابنا «رياض الأبرار».

ص ١٦٣ س ١، أواخرها: أقول ما أورده شيخنا رحمه الله هنا نقلاً عن الإجازة صحيح في الاسناد أمّا مع التصرّف في عبارات الإجازة فنصّ كلام التقي المجلسي بخطّه عليه الرحمة في كتابنا نخستين دو گفتار ص ١٠٩ مصوّراً و قبله أيضاً روايته عن الشيخ البهائي عن الشيخ عبدالعالي عن أبيه في ص ١٠٦ مكرّراً و السلام.

«إجازة المولى محمّدتقي المجلسي» ١٦٣. لمولانا محمّد صادق من دون أيّ ميز في أربع صفحات كبار. مصوّرة أصلها في كتابنا المذكور و تاريخها محرّم ١٠٦٨. راجع نسخة الأصل من إجازات البحار ق١٥١ رقم ٥١.

«إجازة» ص ١٦٣ رقم ٨١٤، محمّدتقي: السيّد محمّدتقي هذا مجاز عن العلاّمة السيّد عبدالله شبّر كما يأتي بالرقم ١٠٦٨ و يأتي له [نهاية التحرير ٢٤: ٣٩٧: ٢١٢٢].

«إجازة» ص ١٦٤ رقم ٨١٥: أقول راجع (الأنوار الساطعة ٣٠) و (الحقايق الراهنة ١٧٩).

«إجازة» ص ١٦٤ رقم ٨٢٠: أسماء المجازين من جدّنا الشيخ الأكبر في كتاب بيان سُبل الهداية ج١ ص٦٣ فما بعد.

«إجازة» ص ١٦٥ رقم ٨٢١: أقول ثمّ جدّد طبعها الأخ الفاضل الدكتور حسين علي محفوظ الكاظمي في «كتاب الإجازات الشيخ أحمد الاحسائي ط النجف ١٣٩١» و في تلك الإجازة مدح بليغ في الغاية من جدّنا الشيخ الأكبر لشيخه بحرالعلوم طاب ثراهما بأعظم المدائح و أجلّ المحامد و للسيّد حينئذٍ دون الخمس و الخمسين و كانا متقاربي السنّ فقد ذكروا أنّ ولادة السيّد سنة ١١٥٥ و ولادة الكاشف ١١٥٦ و هكذا كان دأبه الشريف احترام أعاظم السّادات الأشراف و إجلال أكابر المجتهدين الأمجاد لا سيّما في ذلك الزمان الذي كان آخر دور لحياة الأخباريّة المعاندين للمجتهدين و بدو ظهور الكفّار الحربيّين من ملاحدة النجديّين فالشيخ يدفع بإحدى يديه مكائد الميرزا الأخباري و بالأُخرى مظالم عدوّ النّبيّ (ص) عبدالعزيز النجديّ و مع هذا و ذاك يرفع رايات الحق بتآليفه و أنواع تبليغه و ترويجه و تربية طلاّب العلم و حمايتهم و من جملة ما ذكره في

حقّ المجتهدين من معاصريه هو ما وصف به صاحب رياض المسائل مع انّه كان أصغر من الشيخ بخمس سنين أو أزيد فتراه يقول في كتابه الثمين «الحقّ المبين ص٨٨» ما لفظه الشريف «جناب زبدة المجتهدين و أفضل العلماء العاملين مولانا و مقتدانا مير سيّد علي دام ظلّه» انتهى المقصود من كلامه و لايخفى أنّ الشيخ ذكر كلاماً في كتابه المذكور ص٨٧ حول [الجزيرة الخضراء] الآتي في موضعه من الجيم و إن قصّتها ممّا يرويه القصّاص و لا أصل لها ثمّ أنكر رأساً وقوع رؤية أحد لصاحب الأمر عجّل الله تعالى فرجه بعد الغيبة الكبرى استناداً إلى أخبار الباب فراجعه. و السلام

«إجازة الفاضل الجواد... للسيّد مير محمود» ١٦٦: ٨٣١: ١٣. قوله: ذكرها سيّدنا الحسَن الصّدر في التكملة. أقول ذكرها قبله جدّنا الإمام المجدّد في الروضات: ١٥٦ مع توضيح لترجمة المجاز.

«إجازته» ص ١٦٦ رقم ٨٣٣ س ٢٠، أقول: و أنا أقول إجازة الحاج ملاّ عبدالوهاب القزويني الواسعة من السيّد الجواد تاريخها ١٢٢٧ في النجف الأشرف كما في مجموعة إجازات و رسائل له بخط عمّنا الأعلى العلاّمة السيّد جواد عليه الرحمة و ليس في كلام سيّد الأعيان في وصف المجاز سوى الاميرزا عبدالوهاب و لم يعرّفه مطلقاً فنظنّه رجلاً آخر لم نعرفه لحدّ الآن و هذا نصّ كلام السيّد الأمين في آخر مجلّد كتاب المتاجر من مفتاح الكرامة (ص٧٧١ ط ١) «يروي عنه تلميذه صاحب الجواهر (إلى أن قال) الاميرزا عبدالوهاب و رأيت إجازته له و تاريخها في شهر ربيع الأوّل سنة ١٢٢٥» انتهى و ليراجع لزاماً فهرس مكتبة الفيضيّة بقم للأُستادي ٢: ٢: ص٩٥.

«إجازة العلامة الفقيه الشيخ حسن ابن الشيخ الاكبر» ١٦٩. أقول يروى عن العلاّمة الخال الشيخ حسنٍ بنِ كاشف الغطاء أيضاً ابنُ اخته الذي هو جدّنا من قبل بعض الأُمّهات أعني العلاّمة الكبير الحاج الشيخ محمّد باقر ابن الإمام العلاّمة الشّيخ محمّد تقى محشّي المعالم (قدّس الله أرواحهم) كما في «أعيان الشيعة ٤٨: ١٢٠: ١٣» و صرّح شيخنا المؤلّف ره في «النقباء: ١٩٩» بتلمّذه عند الخال المعظّم المذكور و إن لم يصرّح بروايته عنه و سمعتُ انّه ذكر نفسُه تلك الرواية في إجازته لتلميذه الشيخ محمّد باقر الاصطهباناتى المقتول و قد صرّح شيخنا المؤلّف بأنّه حصلت له الإجازة منه في ترجمة الرّحل في «النقباء: ٢١٢» و مرّ ذكرها في (ص١٥٨: ٨٣)، و أمّا نسختُها فكانت في

(مجمع الإجازات) لحفيد المجيز اُلفَت رحمه الله و لكنّها ممّا لم أستنسخها و الأسف لفقدان نُسخة المجمع. ثمّ إنّه ذكر معلّم الحبيب آبادي ره في «مكارم الآثار ٣: ١٠٠٧» رواية جدّنا الشيخ عن خاله الشيخ حسن استناداً إلى إجازة خالنا الحاج الشيخ محمّد على ابن المجاز كما ذكر هناك ساير روايات جدّنا المذكور مع مستنداتها فليراجع و انظر ما سنذكره من إجازة شيخنا مرتضى الأنصاري له.

«إجازة الشيخ الحسن بن الحسين بن على الدرويستى» ١٧٠: ٨٥٧. أقول الصّواب الدوريستى بتقديم الواو على الراء. ثمّ إنّه نقل مؤلّف كتاب «عوالم العلوم و المعارف» هذه الإجازة في كتابه و قال في أوّلها ما نصّه: «قال اُستادي العلاّمة رفع الله مقامه: قد رأيت هذه الإجازة قد كتبت على ظهر كتاب الارشاد» الخ و اُستاده المذكور هو مولانا العلاّمة المجلسي قده في إجازات البحار و هي أوّل الإجازات بعد ذكر فوائد متفرقة.

«إجازة» ص ١٧٢ رقم ٨٦٦ س ٢٢، التكملة: أقول حقّ السبق في مضمار الإشارة إلى هذه الإجازة بل نقلها صورتها بكاملها الإمام المجدّد آية الله العظمى صاحب الروضات أعلى الله تعالى درجته في ذيل ترجمة الشيخ حسن (رقم ٢٠٢) و لكن الشيخ المصنّف أحبّ أن يسندها إلى شيخه سيّدنا الحسن صدرالدين مع انّه ناقل عن الروضات و الله من وراء القصد. م‌ع‌ر ٧ صفر ١٤١٣

«إجازة العلاّمة الشيخ محمّد حسن بن عبدالله المامقاني لولده» ١٧٣: ٨٦٩: ٨. أقول نقلها المجاز أيضاً في كتابه «تنقيح المقال ٢: ٢١٠» و من الغريب فيها إجازة رواية كتاب «العوالم» مع فقدان الطريق إلى مؤلّفه.

«إجازة سيّدنا العلاّمة أبي‌محمّد الحسن صدرالدين» ١٧٤. للشيخ حيدرقلي خان سردار كابلي قدّس الله تعالى روحيهما. اسمها «اللّمعة الحيدريّة» تأتي في اللام.

«إجازة جدّنا العَلاّمة الحجة آية الله الحاج ميرزا سيّد حسن» ١٧٤. لهذا الضعيف صاحب التكملة، و المجيزُ والدُ اُمّي و عمُّ أبي «رضوان الله تعالى عليهم» أجازني بخطّه الشريف مرّتين صورهما بل أصلهما في كتابنا «رياض الأبرار» و أجاز جمعاً من أصدقائنا أيضاً. و ليعلم أنّي ما قيّدت هذا المطلب في حواشي الذريعة و لا سايرَ إجازاتي الكثيرة فقد تركت الجميع لكتابي المذكور في الإجازات إلاّ أنّي أحببت التبرّك هنا باسمه الشريف قدّس الله تعالى روحه، و تفصيل ترجمته يطلب من كتابنا المطبوع في حياته.

«إجازته» ص ١٧٦ رقم ٨٩٩ س ٢١، **الشيخ زين‌الدين: أقول** هذا لايلائم ما في نسخة الأصل من إجازات البحار الموجودة عندنا مصورتها و المطبوعة أيضاً مؤخراً في البحار الحديثة (ج١٠٧ص١٣٧) فصريح كلام الكاتب لتلك النسخة انّه محمّدحسن النجفي مولداً و مسكناً ابن محمّدعلي بن الحسن الاسترآبادي نزيل النجف الأشرف و انّه فرغ من الكتابة في مشهد الرضا صلوات الله عليه بخراسان في سنة ١٠٩٦ فأين هذا من ذاك و الله العالم. م‌ع‌ر حرّره في الجمعة ٢ ع ١ سنة ١٤٠٦

ثمّ إنّه قال المصنّف ره في الحقائق الراهنة حول هذه الإجازة ما لفظه الشريف «و قد طبعت إجازة بني زهرة في مجلّد إجازات البحار مع أغلاط كثيرة سبّلت مشاكل لأصحاب التراجم و المفهرسين» انتهى و هذا حقّ.

«إجازته» ص ١٧٧ رقم ٩٠٠: انظر وصف هذه الإجازة و نسخة الخلاصة في (ج٧ ص٢١٤- ٢١٥ رقم ١٠٤٠).

«إجازته» ص ١٧٧ رقم ٩٠٦: أقول راجع الذريعة ج٢٤: ٤٠٤: ٢١٤١ في خاتمة البحث.

«إجازته» ص ١٧٧ رقم ٩٠٧: أقول هذه الإجازة موجودة ... و انظر للمجاز (تحرير القواعد المنطقيّة ٣: ٣٨٨: ١٣٩٥).

﴿إجازة العلاّمة الحلّي﴾ ص ١٧٨: للسيّد صدرالدين محمّد أبي‌ابراهيم الدشتكي مختصرة كتبها على نسخة من «خلاصة الأقوال» في منتصف ج١ سنة ٧٢٤ ببغداد قبل وفاته بأقلّ من سنتين نشر صورها الدكتور عبدالله فيّاض في كتاب [الإجازات العلميّة عند المسلمين ٨٨] عن نسخة شيخنا المصنّف ره.

«**إجازة الحاج ميرزا حسين النوري** للشيخ فدا حسين بن عيسى» ١٨١: ٩٣٣: ٦. قوله عيسى، الصّواب عيش بالشين المعجمة. انظر ترجمة الرجل في (مكارم الآثار ٦ رقم ١٣٨٨). ثمّ إنّه قد طبع إجازة المحدّث المذكور لابن اُخته الشيخ الشهيد المجتهد الفاضل الباذل مهجته في إحياء الدين الحاج الشيخ فضل الله النوري في ج ٢ من كتاب (مكتوبات الشيخ الشهيد النوري) عن أصل خط المجيز.

«**إجازة الشيخ حسين بن جعفر الماحوزي البحراني**» ١٨١. للمير عبدالباقي الخاتون آبادي. ذكرها المجاز في إجازته لبحر العلوم طاب ثراه.

«إجازة» رقم ٩٣٥ - ص ١٨٢ س ٢، **أيضاً**: رقم ١٢٢١.

«إجازة» ص ١٨٣ رقم ٩٤١: أقول انظر ما ذكره الإمام المجدّد عليه الرحمة في مفتتح ترجمة الشيخ بهاءالدين محمّد العاملي في الروضات و في ترجمة الشيخ عبدالعالي ابن محقق الكركي.

ص ١٨٣ س ١، **للمولى**: رقم ٧٩٥.

«إجازة» ص ١٨٣ رقم ٩٤٤ س ١٣، **المتوفى**: في ليلة الإثنين رابع عشر شوال و كانت ولادته في سنة ١٢٣٥.

«إجازة الأمير محمّد حسين بن محمّد صالح الحسيني» ١٨٥. للمولى محمّد محسن المجلسي. رأيت بخطّ جدّنا المرحوم العلاّمة الحاج سيّد محمّد شفيق جدّنا الإمام المجدّد صاحب الروضات (قدّس الله تعالى روحيهما) في بعض مجاميعه الموجودة عندنا ما نصّه: «قال الفاضل الكامل العالم العامل السيّد السَند أمير محمّدحسين ابن المير محمّدصالح الحسيني ره في إجازته لابن خاله المولى محمّد محسن بن المرحوم المولى محمّد صادق المجلسي ره إنّي قد جرّبتُ ما رقمت - أي من أدعية كتبها - بعد ما داومت قرائته في العشيّ و الابكار، فوجدت نفسي و أهلي و مالي و جيراني و أرحامي و أصحابي و خاصّتي محفوظين محروسين من طوارق الليل و سوانح النهار حين تلاطم أمْواج الفتن في إصفهان» الخ.

«إجازة» ص ١٨٤ رقم ٩٥٤: أقول راجع البحار الطبعة الجديدة ج ١٠٩ ص ١٧٦ و ج ١١٠ ص ١٢٣ و توجد إجازة المجيز للمجاز في مجموعة الإجازات الموجودة في مكتبه الوزيري العامّة بيزد و هي الإجازة المرقّمة ٥٦ كما في فهرس المكتبة ٣: ١٠٢٣.

«إجازة» ص ١٨٥ رقم ٩٥٥: أقول لابدّ أن يكون المجاز هو صاحب «معرفة التقويم ٢١: ٢٥٠: ٤٨٧٩ و ٤٨٨٠».

«إجازته للمولى محمّد شفيع» ١٨٥: ٩٥٦. أقول راجع ج١٨ص٣٧٩.

«إجازته» ص ١٨٥ رقم ٩٥٨ س ١٢، **تأتي**: يعني في ج٢٢ ص٣٣٣.

«إجازته» ص ١٨٥ رقم ٩٥٨: أقول كانت نسخة الأصل من هذه الإجازة بخط المجيز عند المحدّث النوري كما في كتابه «الفيض القدسي ١٤٤ ط ٢» و نقل هناك عنها بعض المطالب و سيأتي ذكر الإجازة لوالد المجيز في ص١٩٩: ١٠٣٨ كما يأتي ذكر إجازة ولده المير عبدالباقي ص٢٠٠: ١٠٤٧.

«**إجازته**» ص ١٨٧ رقم ٩٧٠: **أقول** راجع (الضياء اللامع ص ٧٠) لشيخنا المصنّف ره.

﴿**إجازة الحاج السيّد حسين بن الحاج مير محمّدعلى الحسيني الكاشاني**﴾ ص ١٨٨: المتوفّى ١٢٩٦ و المتّهم بميله إلى مسلك الشيخيّة كما عن المآثر و الآثار، انظر التعليقة على ص٢٥٦.

﴿**إجازة آقا حسين بن جمال‌الدين محمّد الخوانساري**﴾ ص ١٨٨: للشيخ الحرّ محمّد بن الحسن العاملي رحمة الله تعالى عليهما تاريخها ١٠٩١ بخط جدّنا الحجّة الكبير الحاج السيد زين‌العابدين والد الإمام المجدّد صاحب الروضات قدّس الله تعالى روحيهما في وسط مجموعة رسائل بخطّه الشريف و هي في صفحتين صورتها في كتابنا (رياض الأبرار) و إجازة آقا حسين و السبزواري و المجلسي للملاّ عبدالله الأردبيلي مذكورة في (نجوم السماء ص ٢٠٤) و (الكواكب المنتثره ص ٢٠٤).

«**إجازة**» ص ١٨٨ رقم ٩٧٢: انظر الكواكب المنتثرة ص ٢٢١ و لم يذكر المصنّف مكان نسخة الإجازة مطلقاً و لكنّه ذكر رؤيته للإجازة.

«**إجازته**» ص ١٨٨ رقم ٩٧٣: انظر الروضة النضرة ص ٥١٥.

«**إجازته**» ص ١٨٨ رقم ٩٧٤: موجودة في إجازات البحار و ارجع الكواكب.

«**إجازة**» ص ١٨٨ رقم ٩٧٦: **أقول** ثمّ جدّد طبع هذه الإجازة الأخ الدكتور حسين بن علي آل محفوظ حفظه الله تعالى في «كتاب إجازات الشيخ أحمد الاحسائي ط النجف ١٣٩٠ و الإجازة مبسوطة نسبيّاً أملاها المجيز قبل وفاته بعامين تقريباً على تلميذه الشيخ مرزوق بن محمّد البحراني فكتبها هو بخطّه كما ذكر في آخرها.

«**إجازة**» ص ١٨٩ رقم ٩٨٢، **حسين**: لم يذكر الرجل صاحب أنوار البدرين فذكره ولده في ذيل الصفحة ١١٤ مقتصراً على ذكر كتاب له في فقه الطهارة و الزكوة و الخمس و الصوم فحسب. ثمّ إنّه سيأتي ذكر أوّل مشايخه الشيخ عبدالله البلادي في ص٢٠٥ رقم ١٠٧٤.

ص ١٨٩ س١٦، **المولى محمّد رفيع**: انظر له «شرح النهج» في ج١٤: ١٢٦: ١٩٦٤.

«**إجازة ميرزا حيدر علي لميرزا غلامحسين**» ١٩٠: ٩٨٧. قال شيخنا المصنّف ره في كتابه «الكرام: ٤٥٢» إنّ صورة هذه الإجازة في «مستدرك الإجازات» لشيخنا الميرزا محمّد الطهراني قده.

﴿إجازة السيّد حيدر بن محمّد بن زيد الحسيني النقيب كمال‌الدين﴾ ص ١٩١: المجاز عن الشيخ محمّد بن علي بن شهرآشوب (رقم ١٢٨٦) سنة ٥٧٠ لتلميذه الحسن بن محمّد بن يحيى بن علي بن أبي‌الجود في سنة ٦٢٩ راجع «الأنوار الساطعة ص ٥٨».

«إجازته المبسوطة الكبيرة المعبّر عنها برسالة أنساب المجلسي» ١٩١: ٩٨٨. أقول راجع الذريعة ج٢ ص٣٢٢ س١ و ص٣٨٢ س١٠ و الكرام البررة ص٤٥١.

«إجازة» ص ١٩١ رقم ٩٨٩: أقول قد أورد شيخنا المصنّف طاب ثراه للشيخ المجيز قدّس الله تعالى روحه ترجمة حافلة عجيبة في «الكرام البررة ٤٩٤-٤٩٩» و لم يذكر هناك أيضاً مكان وجود نسخة الإجازة لعلّها كانت في بياض منشآت المجاز المذكور في الذريعة ٢٣: ٣٢: ٧٩٣١ و في ترجمة المجاز في «الكرام ٧٦١».

«إجازة السيّد رضي‌الدين ... لميرزا أحمد» ١٩٢: ٩٩٥. أقول عندنا نسخة هذه الإجازة بخطّ جدّنا العلاّمة الحاج السيّد محمّد شقيق صاحب الروضات أعلى الله مقاميهما و هي تختلف مع ما نقل في المتن من مفتتحها و تاريخها.

﴿إجازة الشيخ رضا بن زين‌العابدين العاملي﴾ ص ١٩٢: للسيّد محيي‌الدين بن فضل‌الله الحسني العلوي العاملي العيناثي. أورد أكثرها في (أعيان الشيعة ١٠: ١١٤ ط كبيرة) في ذيل ترجمة المجاز و هو من علماء أواخر القرن ١٣.

«إجازة» ص ١٩٣ رقم ٩٩٨: طبعت في إجازات البحار الطبعة الجديدة ص ١٠٨: ١٣٧.

«إجازة» ص ١٩٣ رقم ٩٩٩: أقول الصواب ما فهمه سيّدنا الحسن فإنّ المستفاد من الإجازة للشيخ محمود المذكور أنّ الشيخ محيي‌الدين يروي عن الميسي تارة بدون واسطة و أُخرى بواسطة جدّنا الشهيد الثاني فلاحظ.

«إجازته» ص ١٩٣ رقم ١٠٠٠: طبعت في إجازات البحار ١٠٨: ١٤٣.

«إجازته» ص ١٩٣ رقم ١٠٠٢: هذه الإجازة في الطبعة الجديدة لبحار الأنوار ج ١٠٨ ص ١٤٦-١٧١ و عندنا نسخة منها بخطّ جدّنا السيّد محمّد ألبسه الله تعالى حُلل النور في مجموعة رسائل من مجاميعه القيّمة، كتبها في ٧ ج٢ سنة ١٢٥٤ عن خط والده الماجد قدّس الله روحيهما نقلاً عن خط الأمين الاسترآبادي المقابلة على نسخة خط جدّنا الشيخ حسن بن المجيز الشهيد ره و أيضاً نسخة أُخرى بخط حبيب بن أحمد في مجموعة رقمها ٤٦٤٩ تاريخها سنة ١٢٤٣ و نسخة ثالثة عندنا في مجموعة ٣٣ رسالة (سيّد) كاتبها

محمّدمقيم بن محمّدباقر الإصفهاني كتبها في يوم الأحد ٢٨ ج٢ سنة ١٠٧٢ عن نسخة بخط جدّنا الشيخ علي بن محمّد سبط المجيز ره و توجد نسخة في المركزي بخط الحاج سيّد حسين بن الحاج مير محمّدعلى الحسيني الكاشاني مع إجازة الكاتب لتلميذه المولى محمّدحسين بن محمّدباقر الآراني الكاشاني كما في فهرس المركزي بطهران ٢: ٤٧٧ فما بعدها و لنذكر الحاج السيّد حسين في التعليقة على ص١٨٨ و ٢٥٦ و في الفهرس أنّ المجاز منه جدّ الشاعر المعاصر (نظام وفا).

«**إجازته للشيخ سلمان**» ١٩٤: ١٠٠٣: ٤. **أقول** يُراجع الذريعة ج١٥: ١٧٥: ١١٧٣ و ج٢٣: ٢٠٩: ٨٦٥٩ و «نسخه‌هاى خطّى دفتر ١١ و ١٢ ص٦-٨٣٥» و «تقويم تاريخى» لكاتب الأحرف.

ص ١٩٤ س٥، **منية المريد**: اعلم أنّ نسخة المنية هذه التي رآها المصنّف ره هي الموجودة في مكتبة الآخوند ملا محمّدحسين القمشهي الكبير في النجف كما يأتي في «منية المريد ٢٣: ٢٠٩: ٨٦٥٩» و انتقلت كتب تلك المكتبة إلى مكتبة الحسينيّة التستريّة بتلك البلدة الطيّبة و يظهر من فهرسها المطبوعة في «نسخه‌هاى خطى دفتر ١١- ١٢: ٨٣٥ رقم ١٤٠» أنّ النسخة من مجموعة رسائل كلّها لجدّنا الشهيد الثاني طاب مثواه و هي نتايج الأفكار و منية المريد و كشف الريبة و مسكّن الفؤاد و رسالة في طلاق الغائب و مسألة الضمان و غيرها و تلك المجموعة النفيسة كلّها بخط الشيخ سلمان المجاز و قد ذكرها المصنّف كلاً في مواضعها. ثمّ اعلم أنّ التاريخ المذكور للإجازة «...»

«**إجازته**» ص ١٩٤ رقم ١٠٠٥: **أقول** نقلها العلاّمة المجلسي في [الطبعة الجديدة من البحار ١٠٨: ١٣٩-١٤٢] عن خط جدّنا الشيخ محمّد سبط المجيز و هو عن خط المجيز في آخر نسخة شرح اللمعة بخط المجاز كما يأتي وصف تلك النسخة في «الروضة البهيّة ١١: ٢٩٠- ٢٩٢: ١٧٥٧» و ليعلم أنّ عندنا في مجموعة ٣٣ رسالة بخط محمّدمقيم بن محمّدباقر الإصفهاني كتبها في ١٠٧٢ صورة إجازتين غير المذكورة في المتن هما أيضاً لنفس المجيز و المجاز مختصرتان إحداهما بتاريخ يوم الإثنين سادس صفر ٩٦٢ و الظاهر انّه كتبها بآخر نسخة كتاب الرعاية له و الثانية تاريخها يوم الخميس منتصف شهر شعبان ٩٦٠ و هو اليوم الذي كان انتهاء قرائة المجاز على المجيز عدّة رسائل في علم الحساب فكتب له الإجازة بآخر تلك النسخة و قد بالغ جدّنا الشهيد في مدح المجاز في هاتين الإجازتين و

لقّبه فيهما بعلاءالدين و علاءالملّة و الدين إن صحّ النقل.

«إجازته» ص ١٩٤ رقم ١٠٠٦: طبعت في البحار الجديدة ج ١٠٨ ص ١٧٢.

«إجازة» ص ١٩٦ رقم ١٠١٩: أقول و طبع إجازة الشيخ محمّدسعيد هذا للملاّ مهدي بن المحقّق الملاّ محمّدمهدي النراقي ره الذي مرّ في تكملتنا هذه ذكر إجازة أخيه العلاّمة المولى أحمد له في أوّل كتاب «جامع الأحكام أو الرسالة الشكّيّة» للملاّ عليمدد الساوجي والد الملاّ حبيب‌الله الكاشاني و تاريخ الإجازة يوم الأربعاء ثالث ذي‌الحجة ١٢٤٥ و هي في أزيد من خمس صفحات و قد وصف المجاز المجيز في إجازته للسيّد حسين الكاشاني الآتي ذكرها بأوصاف جميلة.

«إجازة القاضي محمّد سعيد بن محمّد مفيد القمي الملقّب بحكيم كوچك... للمولى محمّد كريم» ١٩٦: ١٠٢٠. أقول الصّوابُ أنّ الحكيم كوچك رجل آخر غير القاضي المذكور كما حقّقناه في محالّه و لعلّنا نتكلّم على ذلك في بعض الحواشي و أمّا المولى محمّد كريم فالذي نظنّه انّه الصّوفي القمي المصنّف لكتاب «تحفة العشّاق» و هو موجود عندنا و راجع الذريعة ١٣: ١٥٣.

«إجازة» ص ١٩٦ رقم ١٠٢١: يراجع الكواكب المنتشرة ص ٣٢٣ مع تصوير الإجازة.

«إجازة السيّد سيف‌الدين محمّد الخادم ابن مخدوم الحسيني» ص ١٩٧: لمولانا جعفر بن امام‌الدين‌الطهراني، سوف يأتي وصفها عند تعليقنا على «أربعين‌الشهيد» ص٤٢٧ رقم ٢١٨٥.

«إجازة السيّد شفيع بن على اكبر الموسوي الجاپلقي» ١٩٧: ١٠٢٦. أقول ذكر المجيز، نسبه و ترجمته في كتابه «الأُصول الكربلائية» الذي هو في جزئين.

«إجازة المولى محمّد صادق... للسيّد الجليل مير أبي‌القاسم جعفر» ١٩٨: ١٠٣١. قوله «ذكره في معدن الفوائد». أقول صرّح جدّنا العلاّمة الآية العظمى صاحب معدن الفوائد في هامش إجازته لشيخ الشريعة الإصفهاني طاب ثراهما بوجود نسخة الأصل لتلك الإجازة عنده.

«إجازة» ص ١٩٨ رقم ١٠٣٤: أقول راجع [الكرام البررة ٦٤٧: ١١٧٥] و [تاريخ رجال ايران ٤: ٤٠٩] لبامداد.

«إجازة» ص ١٩٩ رقم ١٠٣٨: مرّ ذكر إجازات لولده الأمير محمّدحسين ص١٨٥: ٩٥٥ فما بعدها.

«إجازة» ص ١٩٩ رقم ١٠٤٠: أقول راجع الإجازة (رقم ٦٨٨ ص١٤٧) و أيضاً (رقم ١١٨٠ في ص٢٢٥) و أيضاً [مشارق النور ٢١: ٣٧: ٣٨٣٥].

«إجازته» ص ١٩٩ رقم ١٠٤١: أقول هو المجاز عن الملاّ محمّد أمين المذكور برقم ٦٨٨.

«إجازة» ص ٢٠٠ رقم ١٠٤٧: راجع مكارم الآثار ج٢: ص٣١٦ و نسخة الإجازة في ملحقات الفوائد الرجاليّة للمجاز ره مغلوطة في الغاية لصعوبة قرائتها على من استكتبها أوّلاً و نسخة الأصل منها بخط المجيز كانت في المجموعة الثمينة و الدرّة الفريدة عند المحدّث النوري [كما في الفيض القدسي ١٤٥ ط ٢] و اليوم عند السيّد هاشم الطباطبائي في النجف الأشرف و مرّ ذكر المجموعة في ص١٣٠: ٦١٧ و في التكملة و نحن استكتبنا بخطّنا نسخة عن المجلّد الأوّل من «مجمع الإجازات الأُلفتيّة» في سالف الزمان و هي الآن من جمله إجازات «رياض الأبرار» و أمّا نسخة مجمع الإجازات المذكورة فهي بخط كاتب فاضل خبير قلّما يوجد فيما غلط استكتب الإجازات بأمر العلاّمة الأُلفة في النجف الأشرف عن نسخ معتبرة و نظنّ جدّاً أنه استنسخ إجازة المير عبدالباقي عن نسخة الأصل فالنسخة التي استكتبناها عن المجمع مطابقة مع أصلها الأصيل إلاّ أنّ المجيز قدّس سرّه لم يكن أديباً كاملاً و لذا صدر من قلمه بعض الأخطاء الإملائيّة بخلاف والده الجليل فإنّه قد كان ماهراً في العربيّة حسن العبارة و الكتابة جدّاً و وا أسفا على أصل نسخة مجمع الإجازات المسروقة شلّت يمين سارقها آمين. و مرّ ذكر إجازات والد المجيز في ص١٨٥.

«إجازة الشيخ عبدالعالي بن نورالدين» ٢٠٢: ١٠٥٥. أقول يروي عن الشيخ عبدالعالي المذكور أيضاً القاضي معزّالدين محمّد الراوي عن الشيخ ابراهيم بن سليمان المذكور في ص١٣٥ كما ذكره في خاتمة المستدرك: ٤١٧. و يروي عنه أيضاً ابنُ اخته السيّد أحمد بن زين‌العابدين العلويُّ صاحب «مصقل الصفاء» و غيره كما في «مكارم الآثار» و غيره.

«إجازة السيّد عبدالعزيز بن أحمد الصادقي» ٢٠٢: ١٠٥٦. أقول و يروي عن السيّد المجيز أيضاً الشيخ حسين البحرانيّ كما مرّ في الإجازة رقم ٩٨٢، و بعدها إجازة السيّد عن شيخة.

«إجازته» ص ٢٠٢ رقم ١٠٥٩: أقول أورد شيخنا العلاّمة صاحب أعيان الشيعة نصّ

هذه الإجازة و التي تليها في كتابه المذكور (ج١٠ص٣٢١ ط كبير).

﴿إجازة عبدالكريم بن محمّد الطبسي﴾ ص ٢٠٣: لمحمّد شفيع بن محمّدمقيم، انظر ما ذكرناه في التكملة على إجازة السيّد ماجد بن هاشم للمجيز المذكور.

«إجازة الشيخ هبة الله بن حامد» ٢٠٣: ١٠٦٣. أقول هذا العنوان خطأ من رأسه و زائدٌ هنا و صوابه يأتي في ص٢٦٢ مفصّلاً.

«إجازة الشيخ أبي‌طالب عبدالله بن حمزة» ٢٠٤: ١٠٦٧. أقول و إجازته الأُخرى للقطب الكيدري عليه الرحمة مذكورة في «الثقات العيون» لشيخنا المؤلّف طاب ثراه ص١٦٣.

«إجازة» ص ٢٠٤ رقم ١٠٦٨: أقول لمّا كانت هذه الإجازة خالية عن ذكر اسم والد المجاز و نسبته كما هو الحال في النسخة الموجودة عندنا بخط عمّنا العلاّمة السيّد أحمد ابن صاحب الروضات في مجموعة إجازاته فلذا توهّم بعض من لم يطّلع على حقيقة الأمر أنّ المجاز هو السيّد محمّدتقي بن عبدالحي البشت مشهدي الكاشاني المتوفّى ١٢٥٨ فذكره كذلك جدّنا الإمام المجدّد صاحب الروضات في ترجمة السيّد المذكور و نقله عنه المعلّم رحمه الله في مكارم الآثار ٥: ١٥٧٦ و لم نتفطّن نحن أيضاً لحقيقة الأمر إلاّ بعد ما طبعت هذه الإجازة الشريفة مصوّرة عن خط الآخوند ملاّ حبيب‌الله الكاشاني في مقدّمة «جامع الأحكام» لوالد الكاتب ثمّ بعدها مختصرة كتبها المجاز مصرّحاً باسمه و اسم أبيه و مشايخه في شهر شعبان ١٢٦٧ في الإجازة لابن عمّه الحاج السيّد حسين بن الحاج مير محمّدعلي القاساني (حيث كان بقزوين) و قد يأتي في تعليقاتنا ذكر إجازة الحاج ملاّ مهدي بن الحاج ملاّ محمّد مهدي للسيّد حسين المذكور.

«إجازة» ص ٢٠٤ رقم ١٠٧٠: يأتي له [البلغة الصافية ٣: ١٤٧: ٥٠٦] و «القامعة للبدعة» في (ج ١٧: ١٥: ٩٠) و له كثير غيرها و ترجمته في أنوار البدرين ص١٧٠ فما بعدها.

«إجازته» ص ٢٠٥ رقم ١٠٧١: أقول نسخة من تلك الإجازة في مكتبة النجفي المرعشي بقم كاتبها حسين محمّد البحراني في حجة ١١٥٥ معها قطعة من الإجازة رقم ٧٠٦ كما في فهرس المكتبة ١٤: ٣٤٥: ٥٥٨٢.

«إجازة» ص ٢٠٥ رقم ١٠٧٤: ترجمة الشيخ عبدالله هذا في أنوار البدرين ص ١٦٨ فما

بعدها و هو أيضاً من مشايخ الشيخ حسين الارباري المذكور في ص١٨٩ و ١٩٠ من هذا المجلّد.

«إجازة السيّد عبدالله بن السيّد نورالدين» ٢٠٦: ١٠٧٧. أقول نسخة هذه الإجازة الشريفة كتبتها بخطّي في عام ١٣٦٧ عن «مجمع الإجازات» لابن خالنا العلاّمة النّحفي الْفَت و هي الآن من أجزاء كتابنا «رياض الأبرار» و انظر الذّريعة (١٨: ٣٧٩: ٥٣٦) و (ديوان فقير جزائرى) في (٩: ٨٤٢: ٥٦٣٥) و راجع ج١١: ١٣: ٥٩.

«إجازة» ص ٢٠٧ رقم ١٠٨٠: أقول يأتي إجازة السيّد المجاز للشيخ المجيز هذا (ص٢٥٦: ١٣٥٠) و انظر «مشكاة الهداية ٢١: ٦٤».

«إجازة الحاج ملاّ عبدالوهّاب القزويني» ٢٠٨. للميرزا أبيالقاسم الموسوي. راجع ج١٨: ٩٦.

«إجازة» ص ٢٠٨ رقم ١٠٨٤: تمامها في رياض العلماء ج٢ ص١٠٤-١٠٧ ط قم كالتي تأتي (إجازة المولى جلالالدين محمّد بن أسعد ٢٣١: ١٢١٢) و يروي عن المجاز السيّد كمالالدين اميرزا ابراهيم الصفوي الأردبيلي بإجازة رآها و نقل عنها صاحب الرياض في ترجمة الإلهي المذكور.

«إجازته» ص ٢٠٨ رقم ١٠٨٧: أقول انظر [إجازة السيّد ماجد ٢٢٧: ١١٩٢] و [إجازة السيّد صدرالدين ٢٤٨: ١٣٠٧] و قد تكلّمنا حول رواية السيّد عليخان قدّس سرّه و ترجمته في [شرح روضات الجنّات].

«إجازة شرفالدين عليّ بن حجّةالله الشولستاني» ٢١٠. لمولانا عزيزالله بن مولانا محمّدتقيّ المجلسي تاريخها يوم الخميس ٢٤ شهر رمضان سنة ١٠٤١ في النجف الأشرف، أربع صفحات بآخر نسخة من كتاب الاستبصار لشيخ الطائفة، موجودة في الرضويّة «الفهرس ٥: ١٩» و عليه فوفاة المجيز بعد التاريخ المذكور و تليها إجازة محمّد بن جابر بن عباس النجفي للمُجاز المذكور كما سنذكرها بهامش ص٢٣٢. قال المفهرس يظهر من الإجازة أنّ المجاز قرء الكتاب على الشولستاني و قابَلَ نسختَه و صحّحها عنده.

«إجازة» ص ٢١١ رقم ١١٠٣: أقول انظر ترجمته في [الضياء اللامع ٨٨].

«إجازته» ص ٢١١ رقم ١١٠٥: أقول انظر [شرح الدروس ١٣: ٢٤٢ فما بعدها] و نشرت هذه الإجازة عن خط شيخنا المصنّف ره و تعليقة عليها في كتاب [الإجازات

العلميّة عند المسلمين ٨٩ - ٩١] للدكتور عبدالله فيّاض فراجعه و راجع لزاماً [فهرست مركزى ٥: ١١٧٢- ١١٧٤].

«إجازة الشيخ نورالدين عليّ بن الحسين... للشيخ ظهيرالدين» ٢١٢: ١١١١. أقول عندنا صورة هذه الإجازة في مجموعة رسائل بخط الميرزا محمّد بن عبدالله الخوانساري و توجد أيضاً نسخة منها في مجموعة في المرعشية رقمها ٧٤٤٧ صغيرة رقم ٥٦٧٨، و لتاريخ وفاة المجيز المحقّق يراجع الذريعة ج٥ص٧٢.

«إجازته للشيخ أبي‌العبّاس أحمد» ٢١٣: ١١١٤. أقول صورة هذه الإجازة في «أعيان الشيعة ١٠: ٤١». و أيضاً «إجازته أعني المحقّق الكركى للسيّد الطاهر الحسيب النسيب شرف السادات و الأشراف فخر ذرّية عبد مناف الفاضل التقي زين البستان ولدي عليّ الملقّب بالنقيّ نجل السيّد الأجل الفاضل الكامل الحسيب النسيب قدوة السادات و النقباء تاج‌الدّين حسن الملقّب بالعسكري الموسوي من سادات المشهد الأطهر الأقدس الرضوي» كما وصفه كذلك في النسخة و تاريخها قوله أيضاً: «في سابع شهر رجب الحرام من سنة سبع و ثلاثين و تسعمائة بمدينة الايمان قاشان» انتهى، كتبها المحقّق للمُجاز بعد سماع المُجاز في حضوره الرسالة الجعفريّة للمجيز طاب مثواه، وجدتُ نسخة الإجازة نقلاً عن خط المحقّق المجيز بهامش الصفحة الأخيرة من نسخة للجعفريّة بخط محمّد شفيع بن آقا علي في سنة ١٠٨١ و نقلت عنها في (رياض الأبرار) و الحمد لمستحقّه.

«إجازته» ص ٢١٣ رقم ١١١٥: أقول صورة هذه الإجازة بخط جدّنا العلاّمة الحاج السيّد محمّد شقيق الإمام المجدّد صاحب الروضات بهامش وجه الورقة الثانية من نسخة مصباح الأدعية للجدّ الأعلى الإمام الحاج مير أبوالقاسم المتوفّى ١١٥٨ عليه الرحمة و الرضوان و دونك ما هو مكتوب بالوصف المذكور:

صورة إجازة المحقّق الثاني الشيخ عليّ بن عبدالعالي لأحمد بن معين‌الدين الخوانيساريّ المش بميرك الحمد لله و الصّلوة و السّلام على رسوله محمّد و آله و بعد فقد وفد إلى البلدة الطيّبة المحروسة بلدة الإيمان قاسان حماه الله تعالى من طوارق الحدثان افتخارُ الفضلاء في الزمان نظام الملّة و الدين أحمد بن المعظّم المكرّم افتخار الأفاضل معين‌الدين الخانيساري المشتهر بميرك أدام الله توفيقه و تردد ظ إلى مجلس الدرس الجامع لجملة

الأفاضل و شارك في سماع هذا الكتاب الشريف المشهور بالفصول ممّا صنّفه الشيخ الأجلّ الأعظم الأفخم الأفضل محمّد بن محمّد بن النعمان عليه من الله الملك المنّان الرحمة و الرضوان فسمعه من أوّله إلى آخره و قد أجزتُ له أن يروي عنّي هذا الكتاب المبارك بالاسناد الذي لي إلى شيخنا المشار إليه كتبَ ذلك الفقير إلى الله تعالى عليُّ بن عبدالعالي في البلدة المذكورة في تاسع شهر رجب الحرام لسنة سبع و ثلثين و تسعمائة حامداً لله ربّ العالمين مصلّياً على رسوله محمّد و آله الطاهرين مسلّما كذا نقل عن خطّ المُجيز ره ظاهراً في ظهر الفصول

انتهى حكاية ما كتبه الجدّ الحاج مير السيّد محمّد طاب ثراه بهامش المصباح و النسخة في مجموعة متناسبة الأجزاء، و ظنّي أنّ نسخة الفصول المذكورة أيضاً كانت عند جدّنا السيّد المعظّم و أنّ بعد وفاته رحمه الله بسنين باعها و المجموعة بعضُ الورثه للعالم الفاضل الحاجّ ميرزا يحيى بن الميرزا شفيع المستوفي البيدآبادي الإصفهاني المتولّد ١٢٥٠ صديق المحدّث النوري صاحب مستدرك الوسائل عليهما الرحمة و ترجمته في مكارم الآثار (ج٤ رقم ٧٧٦) و أنّ بعد وفاة الحاج ميرزا يحيى في ١٣٢٥ تفرّقت خزانته و بيعت شيئاً فشيئاً حتّى أن رزقنا الله سبحانه نسخة المجموعة الشريفة الدّعائيّة بالبيع في عام ١٣٩١ و إذا فيها نقش خاتم المستوفي «شفيع يحيى في الآخرة محمّد و العترة الطاهرة» صلوات الله و سلامه عليهم أجمعين و كتب هو حاشيةً في إحدى صفحات المجموعة تاريخها «١٧ شهر رجب المرجّب ١٣١٨».

ثمّ إنّه رحمه الله كتب حول نسخة الفصول حاشيةً على هامش نسخته المخطوطة من خاتمة مستدرك صَديقه المحدّث النّوري و نُقلت تلك الحاشية إلى الطبعة المحقّقة للخاتمة (ج٣ ص٢٣٠ طبعة مؤسّسة آل‌البيت في قُم) و دونكم نصُّ تلك الحاشية، قال:

«و قد مَنَحني الله تعالى وليُّ النِّعم نسخةً شريفةً من فصوله هذا للسيّد المرتضى المختَصر من كتاب العُيون و المَحاسِن لشيخنا المفيد أعلى الله مَقامه و في آخرها إجازةٌ بخطّ المحقّق الثاني الشيخ عليّ بن عبدالعالي الكركيّ إجازة رواية الكتاب لبعْض سادة العلماء المَعروف بميرك من أجداد السيّد المُعاصر صاحب الروضات و مِن خطّه أنّه كان ببلدة قاشان و كان السيّد في جماعة العلماء الحاضرين قرأوا له كتاب الفصُول من أوّله إلى آخره و أجاز له روايته و لم يعلم العلماء الحاضرون اسمه و لا رسمه فإنّه لايبقى من

العلم إلاّ اسمه لمحرّره يحيى بن محمّدشفيع عفي عنهما».

تمّت الحاشية و نقول إنّ في كلامه رحمه الله مواقع للنظر الأوّل قوله «لبعض سادة العلماء المعروف بميرك» و أيضاً «و كان السيّد في جماعة العلماء» ففيه أنّه لا دلالة في ألفاظ الإجازة على سيادة المُجاز مطلقاً و إذا كان سيّداً من أولاد الرسول صلّى الله عليه و آله لم يخل جناب المجيز طاب ثراه من وصف الرجل بالسّيادة قطعاً. الثاني قوله «من أجداد السيّد المعاصر صاحب الروضات» فإنّ هذا خطاء فاحش و زلّة كبيرة و المجاز لا نسبة له بأجدادنا الأعلام المعلومين بأسمائهم الشريفة. الثالث قوله «السيّد المُعاصر» هذا التعبير يؤذن بالترفّع و الإعجاب بالنفس و الحال أنّ القائل أصغر سنّاً من الإمام المجدّد المتولّد ١٢٢٦ قدّس الله روحه بمثل رُبع قرن فهو معاصر للعلاّمة الحجّة السيّد ميرزا محمّدمهدي المتولّد ١٢٥١ نجل الإمام المجدّد طاب ثراهما هذا و من الله التوفيق و العصمة من الزلل بمَنّه و كرمه.

ثمّ إنّا نظنّ أنّ الحاجّ ميرزا يحيى عليه الرحمة قد استصحب نسخة فصوله في بعض أسفاره إلى العراق فرآها العلاّمة الحجّة الشيخ ميرزا محمّد الطهراني السامرّائيّ رحمه الله عنده و استنسخ الإجازة لمستدرك إجازات بحاره و اطّلع عليها بَعدُ شيخنا المرحوم صاحب الذريعة فذكرها في عداد إجازات المحقّق الكركيّ قدّس سرّه في المجلّد الأوّل رقم ١١١٥ قائلاً «إجازتُه لنظامالدين أحمد بن معينالدين الخوانساريّ المشتهر بميرك مختصرةٌ كتبها له بكاشان في تاسع رجب سنة ٩٣٧» انتهى.

ثمّ ذكر المُجاز و الإجازة في إحياء الداثر ص١٢. بقوله «أحمد الخانيساريّ المولى نظامالدين بن معينالدين. كتبَ المحقّق الكركيُّ إجازةً له على ظهر «الفُصول المختارة من العيون و المحاسن» للشيخ المفيد بَعد قرائته الكتاب عليه بكاشان في تاسع رجب ٩٣٧ وصفَه بافتخار الفضلاء في الزمان نظام الملّة و الدين أحمد بن المكرّم المعظم افتخار الأفاضِل معينالدين الخانيساريّ المشتهر بميرك أدام الله تعالى توفيقه».

انتهى ما ذكره شيخنا المرحوم في طبقاته و لايخفى أنّ في صلب الإجازة سماع الفصول دون القراءة و قد فرغنا من كتابة هذا المقال في صبيحة يوم الثلثاء الخامس و العشرين من شهر صفر الخير عام ١٤٢٦ و الحمد لله ربّ العالمين و صلّى الله على محمّد المصطفى و آله الطاهرين و سلّم و حرّره العبد سيّد محمّدعلي روضاتي عفا الله تعالى عنه في زاوية بيته بإصفهان.

«إجازته للشيخ زين‌الدين علي بن عبدالعالي الميسي» ٢١٥: ١١٢٣. أقول سيأتي المُجاز مجيزاً برقم ١١٤٣. و أمّا «إجازته للقاضي صفي‌الدين عيسى»: ١١٢٥ فقد رأيت صورتها في «عوالم العلوم و المعارف» و هي آخر إجازات العوالم و الظاهر نقلها من إجازات بحارالأنوار مأخذه الوحيد في تأليفه المجيد.

«إجازته للسيّد شمس‌الدين محمّد المهدي» ٢١٥: ١١٢٧. أقول في «كشف الحجب ص١٧» شمس‌الدين محمّد بن السيّد مهدي، فلتراجع نسخة الأصل من البحار، و أمّا السيّد كمال‌الدين محسن والد السيّد المهدي فهو المجاز عن الشيخ ابن أبي‌جمهور الآتي في ص٢٤١.

«إجازة» ص ٢١٦ رقم ١١٣٣: انظر الذريعة (٩ رقم ٥٠٥٠) و النابس ص ٢٠٧ مع التعليقة.

«إجازة» ص ٢١٨ رقم ١١٤٣، علي: المذكور في رقم ١١٢٣.

ص ٢١٨ س٨، إجازات البحار: ص٨١ و التاريخ فيها ثلث و تسعمائة و الصواب ثلاثين و تسعمائة كما في المتن وفقاً لنسخة الأصل من البحار و ط ٢.

«إجازة الشيخ زين‌الدين علي الميسي للمولى حسين الاسترآبادي» ٢١٨: ١١٤٤: ١١. قوله سنة ٩٠٧. أقول راجع ص٢١٤س٥.

«إجازة الوزير الصّدر الكبير بهاءالدين الاربلي» ٢١٨: ١١٤٧. أقول راجع الذريعة ١٨: ٤٧ و «الأنوار الساطعة: ١٠٧» و كشف الغمة المطبوعة. و قوله في ص٢١٩ س٥ «اميرالدين» بالراء كذا في الذريعة ج١٨: ٤٨ و الصواب «أمين‌الدين» بالنّون كما في الكشف المطبوعة. و قوله (في س٧): «و السيّد سميرالدين» الصّواب «شمس‌الدين» كما يأتي في ج١٨ و كما في الكشف: ١٣٤.

«إجازة» ص ٢١٩ رقم ١١٤٩: أقول جدّد طبع هذه الإجازة الدكتور حسين على محفوظ الكاظمي سنة ١٣٩٠ في «كتاب إجازات الشيخ أحمد الاحسائي. ط النجف» ليس فيها تاريخ و نظنّ أنّها صدرت في عام ١٢٠٩ تاريخ إجازة السيّد محمّدمهدي الشهرستاني و إجازة بحرالعلوم للمجاز.

«إجازة» ص ٢٢٠ رقم ١١٥٥: إجازة جدّنا الشيخ علي بن محمّد بن الحسن بن الشهيد الثاني قدّس الله أسرارهم و هو المذكور في المتن لمن وصفه في الإجازة بالأخ في الله الفاضل

الكامل الذكي مولانا محمّدباقر المشتهر بالألموتي تاريخها ١٦ج٢ سنة ١٠٨٣ كتبها له على نسخة من كتاب الروضة للشيخ الكليني ره في صفحة واحدة طبعت مصوّرة عن الأصل في مقدّمة الروضة ط طهران سنة ١٣٧٧ و أمّا إجازته للعلاّمة المجلسي المذكورة في المتن فهي موجودة في مجلّد إجازات بحارالأنوار [ج١١٠: ١٣٢-١٣٤ ط طهران الغير المتقنة بالتعاليق التافهة].

﴿**إجازة علي بن قاسم المعروف بعدلعه**﴾ ص ٢٢٠: للشيخ هبةالله عطية بن تمام الأسدي تاريخها ١٧ محرم ٩١٤ كتبها في الصفحة الأخيرة من نسخة «الأمالي للصدوق» التي هي بخط المجاز و فرغ منها في ٩١٣ في المدرسة الزينبيّة بالحلّة كما في «فهرس جامع گوهرشاد ١: ٢٤٥» المشحونة بالأخطاء و الأوهام شأن كثير من هذه الفهارس المطبوعة في الأزمنة المتأخّرة.

«إجازة» ٢٢٠: ١١٥٧: ١٠. أقول صورهما في إجازات البحار ص٤٥.

«إجازة» ص ٢٢١ رقم ١١٦١: أقول هذه الإجازة في مجلّد الإجازات من «بحارالأنوار ١٠٩: ١٦٢- ١٦٤» و يأتي للمجيز «شرح الإثنى عشريّة ١٣: ٦٠: ١٩٠» و سيأتي ذكر إجازة جدّه لأمّه (ص٢٥٠: ١٣١٧) و أمّا الإجازة الآتية (تحت الرقم ١١٦٢) فالذي نظنّه أنّ صاحب أمل الآمل أراد بها الأسناد المذكورة في مفتتح شرح الإثنى عشريّة المشتملة على ذكر الإجازة لولده محمّد و لمن يتجدّد له من الأولاد و لكلّ من يريد منه ذلك على حدّ تعبيره في مفتتح الشرح المذكور و الله العالم.

«إجازته» ٢٢٢: ١١٦٤: ٦. انظر ما مرّ في ص١٢٧: ٦١٠ و ما يأتي في ص٤٣١: ٢١٩٨.

«**إجازة الشيخ علي بن هلال الكركي الإصفهاني** للمولى ملك محمّد بن سلطان حسين الإصفهاني» ٢٢٣: ١١٦٨. أقول المُجاز هو صاحب «رسالة الجبر و المقابلة» كما يأتي في ج٥: ٨٨ و مذكور في «روضات الجنّات ص٣٨٩ ط ٢» و راجع «فهرست نسخه‌هاى خطى فارسى ١: ١٥٦» للفاضل منزوى.

«إجازة» ص ٢٢٣ رقم ١١٧٠ س ١٣، **الشرايع**: أقول يريد به النسخة الثمينة التي كانت عند الشيخ أبي‌الفضل الزنجاني كما في الحقائق الراهنة ص ١٨٧ ثمّ انتقلت إلى مكتبة مجلس الشورى بطهران فتجد وصفها و صورة الإجازات التي فيها في مقدّمة دانش‌پژوه للمجلّد الرابع من ترجمة شرايع الإسلام بالفارسية ص٥ - ٦ و للمجيز يراجع

التكملة على ما يأتي في «العدد القوية ١٥: ٢٣٢: ١٥١٤».

«إجازة السيّد علينقي النقويّ الهندي» ٢٢٤. لصديقنا العلاّمة السيّد محمّد صادق آل بحرالعلوم النجفي. تأتي بعنوان اسمه «أقرب المجازات».

«إجازة» ص ٢٢٥ رقم ١١٨٠: مرّ ذكر صفيّ‌الدين في ص١٩٩: ١٠٤٠.

«إجازة» ص ٢٢٦ رقم ١١٨٢، الأربعين: الأربعون حديثاً في ص٤٢٧ رقم ٢١٨٥ و انظر «التنبيهات العليّة» في ج٤ ص٤٥٢ رقم ٢٠١٥.

«إجازة» ص ٢٢٦ رقم ١١٨٤: راجع ج ١٨: ١٤٣: ١١٢٣.

﴿إجازات السيّد محمّد كاظم الطباطبايي اليزدي﴾ ص ٢٢٧: ١- براى ميرزا عطاءاللّه بن صاحب الروضات عندنا بخطّي في الرياض.

«إجازة» ص ٢٢٧ رقم ١١٩٠: عندنا في كتابنا «رياض الأبرار» نسخة الأصل من إجازة السيّد كاظم الشيخي هذا للسيّد حسين بن السيّد تقي في خمس صفحات تاريخها شهر ذي‌الحجة ١٢٥١ و اسمه في سجع مهره فيها (محمّدكاظم الحسيني) و تصوير الصفحة الأخيرة من الإجازة مطبوعة في (مكارم الآثار ٥: ١٠٦١) و راجع لگوهر (ج٩: ٩٣٦) تكملة الدواوين.

«إجازة» ص ٢٢٧ رقم ١١٩٢: أقول راجع (الإجازة رقم ١٠٨٧ ص٢٠٨).

﴿إجازة السيّد ماجد بن هاشم البحراني﴾ ص ٢٢٨: لمولانا عبدالكريم بن محمّد الطبسي تاريخها أوائل شهر شعبان ١٠٢٨ ثمّ إجازة المجاز لمحمّد شفيع بن محمّد مقيم كلتاهما في آخر نسخة اُصول الكافي التي فرغ من مقابلتها محمّدشفيع المذكور في الخميس ٢٩ ربيع‌الأوّل ١٠٨٧ و النسخة في المرعشيّة بقم رقمها ٧٢٥٦ كما في فهرسها ١٩: ٥١.

«إجازة» ص ٢٢٨ رقم ١١٩٤: أقول انظر لجميع إجازات الفيض المذكورة في المتن (شرح مفاتيح الشرايع ١٤: ٧٨ و ٧٩: ١٨١٤ و ١٨١٦) و ما ذكرناه في التكملة هناك و في هذا الجزء الرقمان ١٣١٨ و ١٣٧٤.

«إجازة» ص ٢٣٠ رقم ١٢٠٥: انظر «ميزان المقادير الشرعيّة ٢٣: ٣٢٣: ٩١٥٦» و راجع كتاب «ماضي النجف و حاضرها ٢: ٤٣٠».

«إجازة» ص ٢٣٠ رقم ١٢٠٩: يراجع [الضياء اللامع ص١٢٤].

«إجازة الشيخ محمّد بن أحمد العاملي للسيّد ميرزا ابراهيم الهمداني» ٢٣١: ١٢١٠. أقول

يأتي ذكر المُجاز في ج٢: ٤٠٩ و ج٦: ١٤١ و نسخة الإجازة في إجازات البحار: ١٢١ ط ١. و قوله طاب مضجعُه: المتوفّى سنة ١٠٢٦. أقول عدّ وفاته مؤلّف «تاريخ عالمآرا» من جملة وقايع سنة ١٠٢٥.

«**إجازته للسيّد ماجد بن هاشم**» ٢٣١: ١٢١١. **قوله** «ذكرها سيّدنا الحسن الصدر في التكملة». أقول ذكرها قبله جدّنا الإمام المجدّد في «الرّوضات» في ترجمة أحمد بن خاتون.

«**إجازة المولى جلال‌الدين الدواني** للمولى كمال‌الدين حسين» ٢٣١: ١٢١٢. **أقول:** انظُر «إشراق هياكل النور ٢ رقم ٢٠٤» و «ديوان الدواني ٩: ٣٢٩: ١٩٥٧».

تذييل: لايخفى أنّ المؤلّف ره لم يذكر هنا بعنوان «محمّد بن اسمعيل» و لا في «أبي‌على» إجازةً للشيخ أبي‌على محمّد بن اسمعيل الرجالي صاحب «منتهى المقال» و نظنّ أنّه الراوي عن السيّد الشهرستاني بإجازة مكتوبة بخط المجيز في آخر نسخة من كتاب «منهاج الصّلاح» كما وصفناها في كتابنا «فهرست كتب خطى ج١» و ليراجع «الاسناد المصفّى: ٢١» لشيخنا المؤلّف طاب ثراه.

ص ٢٣١ س١٢، **في الرياض**: ج٢ ص١٠٣ ط قم كالتي مرّ (إجازة الأمير جمال‌الدين عطاءالله ٢٠٨: ١٠٨٤).

«**إجازته**» ص ٢٣١ رقم ١٢١٣: **أقول** إجازة مهمّة يراجع [الضياء اللامع ١٣].

«**إجازة الشيخ محمّد بن جابر بن عباس النجفي**» ٢٣٢. للمولى عزيز الله بن محمّد تقي المجلسي ره تاريخها العشرين من شهر رمضان ١٠٤١ متوسطةً في صفحتين كتبها له في النجف الأشرف ظ بآخر نسخة كتاب الاستبصار لشيخ الطائفة ره موجودة في الرضويّة كما في فهرسها (ج٥ ص١٩) و مرّ في هامش ص٢١٠ إجازة الشولستاني للمجاز المذكور أيضاً.

«**إجازة المولى بهاءالدين محمّد** للسيّد ناصرالدين أحمد» ٢٣٢: ١٢٢٠. **هذه الإجازة** مكتوبة بخط المجيز علي الورقة الأولى من نسخة كتابه «المناهج السويّة» و المجاز هو الذي يروي عنه الميرزا ابراهيم القاضي كما مرّ في (رقم ٦٣٣).

«**إجازته**» ص ٢٣٢ رقم ١٢٢١ س ٢١، **المولى حسين**: رقم ٩٣٥.

«**إجازته**» ص ٢٣٢ رقم ١٢٢٢: **أقول** راجع ما ذكرناه بهامش ص ١٥٠ الرقم ٧١٤.

«إجازته» ص ٢٣٣ رقم ١٢٢٤: أقول انظر ج ٢٣ ص ١٩٩ س ٢.

«إجازة الشيخ محمّد بن الحسن الحرّ للعلاّمة المجلسي» ٢٣٣. غير مرقّمة بلا وجه ظاهر. نسختها في سفينة الميرزا أبيطالب و قد مرّ ذكر السفينة هذه في ص١٥١: ٧٢٦ و يأتي وصفها في ج١٢: ١٩٢ و صورة الإجازة أيضاً في إجازات البحار ٢٦: ١٥٨. و صوّرت إجازته المورّخة ١١٠٠ بخطّه للمير محمّد تقي بن محمّد صادق الموسوي في آخر «مزارات خراسان».

«إجازة» ص ٢٣٤ رقم ١٢٢٩: أقول انظر ج٤: ٤٥٠: ٢٠٠٩ و ج١٣: ٣٩١ س٢٣.

ص ٢٣٤ س٧، أدرشير: الصواب أردشير.

«إجازته» ص ٢٣٦ رقم ١٢٣٩: أقول انظر (ص١٣٤ رقم ٦٢٧).

«إجازته» ص ٢٣٧ رقم ١٢٤٤: يأتي وصف هذه الإجازة و وصف نسخة الخلاصه هذه في (ج٧ ص٢١٥ رقم ١٠٤٠) و كذا في «أعيان الشيعة ١٠: ٣٠٣» مع صورة الإنهاء و نصّ الإجازة فراجعه و انظر صورة إجازة فخرالمحقّقين ره للفيروزآبادي صاحب القاموس في (الحقائق الراهنة ١٨٥) و لنظام‌الدين محمّد حفيد علاء بن الحسن فيه ١٩٢.

«إجازة الشيخ بهاءالدين محمّد العاملي للسيّد أحمد بن زين‌العابدين» ٢٣٧: ١٢٤٦. أقول عندنا نسخة هذه الإجازة بخط جدّنا العلاّمة الحاج السيّد محمّد و تاريخها ١٠١٨ و معها إجازة السيّد الداماد له ره.

«إجازته للمولى كمال‌الدين حاج بابا القزويني» ٢٣٧: ١٢٤٨. أقول راجع «حبل المتين» في ج٦: ٢٤١.

«إجازته للمولى بديع‌الزمان القهپاني» ٢٣٧: ١٢٤٩. أقول الصّواب القُهْپائي و الرجلُ شارح «الصحيفة الكاملة» بالفارسيّة.

ص ٢٣٨: أقول لم يذكر إجازة للميرزا رفيعا السيّد محمّد بن حيدر الطباطبائي الذي يروي عنه العلاّمة المجلسي مولانا محمّدباقر و السيّد يروي عن الشيخ البهائي و الملاّ عبدالله التستري عليهم الرحمة.

«إجازته للسيّد كمال‌الدين شاهمير» ٢٣٨: ١٢٥٤. أقول راجع الذريعة ٤: ١٩٩.

«إجازته» ص ٢٣٨ رقم ١٢٥٩ س ٢٢، الإثنى عشريّة: أقول يأتي في ذيل [اليوسفيّة ٢٥: ٣٠٠: ٢٤٠] أنّ هذه النسخة موجودة بمكتبة الصدر فلاحظ.

«إجازة الشيخ بهاءالدين محمّد العاملي» ٢٣٩. لمولانا محمّد هاشم الخراساني من تلاميذه تاريخها العشر الأوّل من شهر رجب سنة ١٠٣٠هـ أي قبل وفاة المجيز بثلاثة أشهر تقريباً. طُبِعت مصوّرة عن خطّه طاب ثراه في كتاب «كتابخانه‌هاى استان خراسان: ٧١» لمحمّد نيك‌پرور.

«إجازة امام الحرمين محمّد بن عبدالوهاب بن داود الهمداني» ٢٤١. لجدّنا العلامة الحجّة السيّد ميرزا مسيح ابن الإمام المجدّد صاحب الروضات أعلى الله مقامهم. نسختها بخطّ المجيز في كتابنا «رياض الأبرار» و ذكرنا بهامش ص١٥٩ أنّه يروي عن والد المجاز هذا. و يروي عنه بالإجازة المبسوطة خالنا الإمام السيّد اسماعيل الصدر كما يأتي في ج٥: ١٣٨: ٥٧٥ و ج١١: ٢٥: ١٤٥.

ص ٢٤٠: لم يذكر إجازة لجدّنا السيّد صدرالدين محمّد الموسوي العاملي و في الرسالة المط باسم علماء الاسرة بخط جدّنا صاحب الروضات في أوائل شبابه انّه (المعركي العاملي) فليحقّق و ليفحص عمّن أجاز السيّد صدرالدين أيضاً.

«إجازة الشيخ محمّد بن محمّد زمان الكاشاني» ٢٤٠: ١٢٧١: ١٤. أقول و من إجازات هذا المجيز ما يأتي في «القول السّديد» في حرف القاف من الكتاب.

أقول و مرّ ذكرها أيضاً في الرقم ٦٩٨ و عندنا مسوّدة تلك الإجازة بخط المجيز ره.

«إجازة ملا محمّد بن عبدالفتاح المشهور بسراب» ص ٢٤١: للملاّ عبدالباقي السبزواري تاريخها أوائل جمادي الأولى ١١٠٦ بآخر نسخة (كتاب من لايحضره الفقيه) في المكتبة المرعشيّة بقم رقمها ٧٤٧٤ كما في فهرسها ٩: ٢٧٦.

«إجازة السيّد ميرزا محمّد بن علي بن ابراهيم الحسيني الاسترآبادي. إلى آخر كلامه» ٢٤١: ١٢٧٧. أقول إنّ في كلام شيخنا طاب مثواه حول العلاّمة المجيز مواقع للنظر ١ - وصفه بالسيّد الحسيني هنا و فيما مرّ (ص٤٣ رقم ٢١٩) و فيما يأتي (ج٤: ٤٢٠) و (مصفّى المقال: ٤٣٠) فإنّ الرجل لم يكن من السّادة المنتمين لآل البيت عليهم‌السّلام من جهَة أبيه يقيناً بل لم يثبت انتسابه إليهم ع من طرف الأمّ أيضاً كما حقّقناه في حواشي الرّوضات عند ترجمته عليه الرحمة و الرضوان و في كتابنا الآخر أيضاً «فهرست كتب خطى» في مواضع منه، و لم يصفه شيخنا نفسُه أيضاً بالسّيادة مطلقاً في مواضع منها في (ج٦: ٢٢٥) و (ج٢٣: ١٩٨) و وصفه بالميرزا الحسيني في (ج٢٥: ٤٢). ٢ - قوله رحمه الله

انّ وفاة الميرزا «١٣ ذي‌الحجّة ١٠٢٨» هذا أيضاً خطأ كما أنّ ما مرّ في ص٤٣ من أنّ وفاته ١٠٢٦ ناسباً إلى السّلافة أيضاً غلط نشأ من اعتماده على «أمل الآمل» حيث نقل وفاة الرجل بالصّورة الأخيرة عنها مع أنّ في السُّلافة المخطوطة عندنا و المطبوعة (١٣ ذي‌القعدة ١٠٢٨) و كتاب السلافة أقدم المآخذ بل المرجع الوحيد لتاريخ وفاة الميرزا عند أصحاب التراجم إلى عصر شيخنا المؤلّف ره و إظهاره الترديد في المصفّى في غير محلّه. ٣ – قوله «للمولى كمال‌الدين حسين العاملي». أقول لم يذكر شيخنا مكان هذه الإجازة هنا و لكنّه ذكره في «ج٤: ٤٢٠: ١٨٥٢» و المُجاز موصوف هناك بالآمُلي (بالهمزة) قال «الشيخ كمال‌الدين حسين الآملي» فليتأمّل.

«إجازته للسيّد محمّد على بن وليّ الإصفهاني» ٢٤١: ١٢٧٨. قوله أيضاً مختصرة أي مختصرة أيضاً كسابقتها. و اعلَم انّ المُجاز هو الموسويّ الحسيني الذي رأيت صورة نسبه إلى جدّنا السيّد الجليل المكرّم المظلوم عبدالله ابن الإمام الحجّة المعصوم موسى الكاظم صلوات الله و سلامه عليه أثبتها بخطّه في مفتتح مجموعة رجالية استنسخ كلّها بخطّه في مكّة المعظمة و ذكر هناك أيضاً أسماء كتب كثيرة استنسخها بخطّه و منها «منهج المقال» لشيخه المجيز فقال عند ذكره «كتاب الرجال لميرزا محمّد الاسترآبادي و قرأته عليه» انتهى، فلعلّ الإجازة كانت على ظهر تلك النسخة و لكن لم يذكر شيخنا المصنّف مستنده، و قد ذكرنا صورة نسب المُجاز و بعضَ آثاره في «جامع الأنساب». ثمّ لايخفى انّ لنا الرواية عن العلاّمة ميرزا محمّد الاسترآبادي الرجالي الوحيد بطرقنا الكثيرة عن العلاّمة مولانا محمّدتقي المجلسي بحقّ روايته عن شيخه شرف‌الدين علي الطباطبائي الشولستاني (الرقم ١٠٩٢) عن الميرزا (قدّس الله تعالى أرواحهم). و من آثار السيّد المجاز ره كتابة نسخة من «كتاب الرجال» لابن داود عندنا.

«إجازة الشيخ محمّد بن زين‌الدين علي ... للسيّد محسن» ٢٤١: ١٢٧٩. أقول صورة هذه الإجازة في إجازات البحار: ٤٧ ط ١ و يروي عن السيّد محسن المُجاز ولدُه السيّد محمّدمهدي الذي مرّ ذكره في ص٢١٥ و روايته عن والده مذكورة في إجازة السيّد حسين الكركي الموجودة في البحار أيضاً.

و قوله (في ص٢٤٢ س٣): و إجازته الثالثة له أيضاً. أقول صورتها في إجازات البحار: ٥١ و ذكرها في كشف الحجب: ١٦. و لايخفى أنّ لنا كلاماً طويلاً حول ابن أبي‌جمهور

و كتابه «عوالي اللآلئ العزيزيّة» في كتابنا «فهرست كتب خطى ج١» المطبوع قديماً بإصفهان جمعنا فيه مطالب هامّة و الحمد لله ربّ العالمين.

«إجازته» ص ٢٤١ رقم ١٢٨٠: صورتها في إجازات البحار ص٥١ و ذكرها في كشف الحجب ص١٦.

«إجازة للسيّد شرف‌الدين محمود» ٢٤٢: ١٢٨١: ١٠. قوله «فما في كشف الحجب» الخ أقول كلام الكشف (في ص١١) مأخوذ من «بحارالأنوار ٢٥: ٥٠» فايراد المؤلّف وارد على البحار في الحقيقة.

﴿إجازة ابن شهرآشوب المذكور﴾ ص ٢٤٣: للسيّد حيدر بن محمّد بن زيد الحسيني النقيب كمال‌الدين الموصلي سنة ٦٢٩ انظر «الأنوار الساطعة ص٥٨».

«إجازة» ص ٢٤٣ رقم ١٢٨٣: أقول يراجع (الضياء اللامع: ١٠٣ و ١٢٦).

﴿إجازة العلاّمة السيّد محمّد المجاهد ابن الأمير سيّد علي صاحب الرياض ابن الأمير محمّد علي الطباطبائي» ص ٢٤٤: للآقا أحمد البهبهاني طُبعت في مقدّمة طبعتي «مرآة الأحوال» نقلاً عن «أعيان الشيعة ٣: ١٣٦» و هي مختصرة ليس فيها تاريخ و لا اسناد.

«إجازة السيّد محمّد بن ميرزا معصوم» ٢٤٦: ١٣٠٠. أقول يأتي للسيّد محمّد القصير «قلائدُ العوام في التقليد و الأحكام» في ج١٧: ١٦٠ و «التحفة الرضويّة» في ج٣: ٤٣٤ و اللّوامع الرضويّة في موضعه في ج ١٨: ٣٦٧ و تفصيل ترجمة الرجل في «مكارم الآثار ٥: ١٤٨٧ فما بعدها» و «شجرة طيّبة: ٣٢٨ فما بعدها» للمدرّس الرضوي.

«إجازته» ص ٢٤٦ رقم ١٣٠١، سنة **١٢٧٦**: الصواب سنة ١٢٧٥ عند طلوع فجر يوم السبت العاشر من جمادي الآخرة كما هو محقّق و مذكور في ترجمته في «مكارم الآثار ٦ رقم ١٣٠٦» و نسخة الإجازة المذكورة بخط المرحوم آية الله السيّد ميرزا أحمد ابن الإمام المجدّد آية الله العظمى صاحب الروضات أعلى الله تعالى مقاماتهم عندنا ليس فيها تاريخ و من القرائن يظهر أنّ السيّد المجيز كتبها حين إقامته بإصفهان حوالي سنة ١٢٢٢ أو عينها. أمّا نسخة خط المجيز فلم يذكر شيخنا المصنّف مكان وجودها و الله العالم. م‌ع‌ر في أواخر ج ٢ سنة ١٤١٥

«إجازة» ص ٢٤٧ رقم ١٣٠٢: انظر وصف كتابة قصّة شهادة الشهيد هذا في (ج٧ ص٢١٤ رقم ١٠٤٠) و نصّ الإجازة المذكورة في «رياض العلماء و حياض الفضلاء ٣:

٣٧٤» و تاريخ الإجازة فيها «يوم الأربعاء لإثنتي عشرة ليلة خلت من شعبان» من السنة المذكورة و قوله «و هي بخطّه كانت عند صاحب الرياض» أقول الضمير راجع إلى الاجازة و لكن لم يدع الأفندي وجود النسخة عنده بل قال «رأيت» الخ و قوله (الكرواني) أقول في الرياض المطبوعة بقم (الكردامي) بالدال و الميم و كلاهما غلط و الصواب [الكسرواني] كما بيّناه لمولد ابن العشرة في «روضات الجنّات ١: الاستدراكات ٣٤٧: ٢١» فراجع و السلام خير ختام.

«إجازة» ص ٢٤٨ رقم ١٣٠٧: أقول انظر الإجازة رقم ١٠٨٧ في ص٢٠٨ و الآتية رقم ١٣١٥ ص٢٥٠.

«إجازة الشيخ محمّد بن موسى بن الحسين بن العود» ٢٤٩: ١٣٠٨. أقول راجع «الحقائق الراهنة: ٥٩».

﴿إجازة الإمام العلاّمة الحاج الشيخ مرتضى الأنصاري» ص ٢٥٠: لجدّنا العلاّمة الحجّة الشيخ محمّدباقر ابن صاحب هداية المسترشدين في صفحتين مع مدح بليغ للمجاز في سنة ١٢٦٢ ظ رأيت نسخة أصلها في يوم الجمعة السادس من ذي‌الحجة عام ١٤٠٥ عند الشابّ موسى نجفي ثمّ اتحفني بصورة عنها في شهر رجب ١٤٠٦ و انظر هامش ص١٦٩.

﴿إجازته﴾ ص ٢٥٠: للسيّد ميرزا محمّدباقر بن الحاج ميرزا علينقي الزنجاني الإصفهاني بخطّه في مجموعة من آثار المجاز و إجازاته موجودة عندنا.

﴿إجازته﴾ ص ٢٥٠: لتلميذه العلاّمة السيّد محمّد بن هاشم الهندي النجفي المتوفّى ١٣٢٣ قال سيّد مشايخنا في «أعيان الشيعة ٤٧: ١١١».

«إجازته» ص ٢٥٠ رقم ١٣١٥ س ٤، المذكور آنفا: الرقم ١٣٠٧.

«إجازة» ص ٢٥٠ رقم ١٣١٧: قد مرّ ذكر هذه الإجازة رقم ٦٦٠ و وصف المجيز في الرقم ٩٩٩ و طبعت تلك الإجازة في البحار ط جديدة ج١٠٨ ص١٧٣ و مرّ ذكر إجازة نجيب‌الدين (ص٢٢١: ١١٦١ و ١١٦٢).

«إجازة» ص ٢٥٠ رقم ١٣١٨: انظر ما مرّ في ص٢٢٨ رقم ١١٩٤ و ما يأتي في ص٢٦٠ رقم ١٣٧٤.

«إجازة القاضي معزّالدين محمّد... للمولى حسنعلي» ٢٥٠: ١٣١٩. صورتها في إجازات البحار: ١٤٠ و ترجمة المجيز في «الروضة النضرة: ٥٠٠» و المجاز فيها ص١٥٠ و طبع تاريخ

الإجازة هناك خطأ سنة ١٠٣٥ فليصحّح.

(في ص٢٥١ س٤): كما يظهر من شيخنا العلاّمة النوري. يعني يظهر الاتّحاد بين الرجلين من المحدّث النوري في خاتمة المستدرك: ٤١٧. انظر ص١٣٥: ٦٢٩ من هذا الجزء و ما علّقنا عليه.

«**إجازة الشيخ مفلح بن الحسن**» ٢٥١: ١٣٢٠: ٥. أقول أيضاً «الحسن» و في «الأمل» و «الروضات» الحسين مصغراً و رأينا توقيع الرجل في نسخة من «مناهج اليقين» بهذه الصورة «مالكه مفلح بن حسن» هكذا و بدون لام اسم والد المجيز في ج٤ و ٥.

«**إجازة**» ص ٢٥١ رقم ١٣٢٣: راجع (ماضي النجف و حاضرها ٢: ٤١٠) و فيه تفصيل عن آل الشهيد الأوّل عليه الرحمة و الرضوان و يأتي للرجل (سفينة نوح) في موضعه (ج١٢: ٢٠٤: ١٣٤٧) و (الروضة العليّة ١١: ٣٠١: ١٧٩٥) و ذكر إجازته المذكورة أيضاً في (ج١٤: ٢٠٠) ذيل عنوان (الشفاء) و عندنا مجموعة فيها رسالتان من مسائل و الأجوبة (الذريعة ٥: ٢٢٩: ١٠٩٢ و ج١٢: ٢٤٧: ١٦٢٤) و في ختامها صورة الملكيّة بخط المجيز المذكور و خاتمه و تاريخها تاريخ خاتمه و هو بهذه الصورة (من ولد الشريف أبي‌عبدالله محمّد بن مكي العاملي الشهيد ١٠٦٤).

«**إجازة محمّد مؤمن بن شاه قاسم السبزواري**» ص ٢٥٢: للسيّد مرتضى بن المرحوم السيّد مصطفى التبريزي قرأ المجاز على المجيز الكتب الأربعة المقدّسة في المشهد الرضوي فكتب له تلك الإجازة على ظهر نسخة كتاب الكافي الشريف الموجودة في مكتبة الأميني في النجف الأشرف و هي إجازة جيّدة تاريخها عام الستّين بعد الألف في المشهد المقدّس الرضوي نشر تلك الإجازة الدكتور عبدالله فيّاض في كتابه [إجازات العلمية عند المسلمين ٩١- ٩٤].

«**إجازة السيّد مير محمّد مؤمن بن دوستمحمّد الحسيني الاسترآبادي للعلاّمة المجلسي**» ٢٥٢: ١٣٢٧. أقول أوردها المجاز في مجلّد إجازات البحار: ١٦٣ و اشتبه الأمر على مصحّح الكتاب في طبعة أخرى حديثة فتوهّم و ظنّ أنّ المجيز هو العلاّمة ميرزا محمّد الاسترآبادي الرجالي، و أمّا ترجمة المجيز فتوجد في كتاب «شهداء الفضيلة» للعلاّمة الأميني، قدّس الله تعالى أسرارهم جميعاً.

«**إجازة المولى محمّدمهدي بن أبي‌ذر النراقي لولده الحاج ملاّ أحمد**» ٢٥٢. أقول لم يعثر

علي نسخة هذه الإجازة و لم يذكر للمجيز راوٍ عنه سوى ولده المذكور ألبسهما الله تعالى حلل النور في دارالسرور.

«إجازة السيّد ميرزا محمّد مهدي بن أبي‌القاسم...» ٢٥٢: ١٣٢٩: ٢٣. قوله «المتوفّى بها سنة ١٢١٥». أقول وفاة المجيز طاب ثراه بالحائر الشريف بكربلاء في هذه السّنة نصّ «مكارم الآثار» سابقاً ثمّ عدل عنه حين الطبع [١٢: ٦١١] إلى سنة ١٢١٦ على ما في خاتمة المُستدرك: ٣٩٦ و مؤلّفات المحدّث القمي و ريحانة الأدب و المجاز بهذه الإجازة جدّنا الأعلى العالم الفاضل الورع السيّد ابوالقاسم جعفر المعروف جنابه بآقا ميرزا و هو والد والد صاحب الروضات قدّس الله تعالى أرواحهم. و قد ذكرنا إجازة اُخرى لهذا المجيز في كتابنا «فهرست كتب خطى ١: ١٠٦ ط إصفهان» و المجاز بها مولانا أبوعلي و لعلّه صاحب منتهى‌المقال.

«إجازة السيّد ميرزا محمّد مهدي الشهرستاني المذكور» ص ٢٥٣: للملاّ أبي‌على. يراجع كتابنا «فهرست كتب خطى ١: ١٠٦».

«إجازته» ص ٢٥٣ رقم ١٣٣١: أقول ثمّ جدّد طبعها الاستاذ الدكتور حسين محفوظ الكاظمي في كتاب إجازات الشيخ أحمد الاحسائي ط النجف ١٣٩٠.

«إجازته للعلامة السيّد دلدار علي» ٢٥٣: ١٣٣٢: ١٣. قوله كما يأتي. أقول و ذكر في إجازة السيّد الشهيد له أنّ أوّل إجازته: الحمد لله الذي نوّر قلوبنا بأنوار هدايته و فتح مسامع ألبابنا بمقاليد عنايته الخ.

«إجازته للمولى محمّد على بن آقا محمّدباقر الهزار جريبي» ٢٥٣: ١٣٣٣. أقول راجع ج١١: ٢٧ س٢٠.

«إجازة» ص ٢٥٤ رقم ١٣٤٢: أقول انظر ما يأتي له «الأُرجوزة في تاريخ المعصومين ٤٦٧: ٢٣٢٧» و انظر ترجمته في الكواكب المنتشرة ٧٥٧ و ما ذكرناه بهامش نسختنا منه.

«إجازته» ص ٢٥٥ رقم ١٣٤٤: أقول جدّد طبعها عن رسالة ترجمة الشيخ الدكتور حسين آل محفوظ في «كتاب إجازات الشيخ أحمد الاحسائي. ط النجف ١٣٩٠» و في تلك الإجازة وصف المجاز بقوله «زبدة العلماء العاملين و نخبة العرفاء الكاملين الأخ الأسعد الأمجد» إلى غير ذلك من الأوصاف البليغة كقوله «لما ظهر لي من ورعه و تقواه و فضله و نبله و علاه» الخ و الله بصير بالعباد.

«اجازة آية الله بحرالعلوم» ٢٥٥: ١٣٤٥. أقول نسخة هذه الإجازة و التي تليها برقم ١٣٤٦ و المرقمات ١٣٤٩ و ١٣٥٠ و ١٣٥١ كلّ هذه الإجازات الخمس في آخر نسخة من الفوائد الرجالية للمجيز عندنا.

«اجازته» ص ٢٥٥ رقم ١٣٤٨: نسختها في أربع صفحات بخط جدّنا الإمام المجدّد صاحب الروضات في آخر نسخة أمل الآمل بخطّه الشريف و تاريخ الإجازة فيها (أواخر شهر شوال المكرم من شهور سنة ١١٩٩) و تاريخ الاستنساخ (أواخر ذي‌القعدة الحرام سنة ١٢٧٩) و معها إجازة المحقّق ميرزا أبي‌القاسم القمي للحاج محمّد ابراهيم الكرباسي كما ذكرناها في محلّها.

«إجازته» ص ٢٥٥ رقم ١٣٤٩: نشرت تلك الإجازة في الفصل الثاني من كتاب [الإجازات العلمية عند المسلمين ٦٥- ٧٢] للدكتور عبدالله فيّاض ط بغداد ١٩٦٧م مع تصدير هامّ للسيّد العلامة العسكري و بعد الإجازة تعليقاتها.

﴿إجازة الحاج ملا مهدي بن المولى المحقق الحاج ملاّ محمّدمهدي بن أبي‌ذر النراقي﴾ ص ٢٥٦: للحاج السيّد حسين بن الحاج مير محمّدعلي الكاشاني تاريخها ١٢٦٢ طبعت مصوّرة عن خط المولى حبيب‌الله الكاشاني في أوائل كتاب «جامع الأحكام أو الرسالة الشكيّة» لوالد الكاتب في أزيد من ثلاث صفحات ثم طبعت إجازته المختصرة عن خطّه و خاتمه للمولى عليمدد والد المولى حبيب‌الله و أيضاً إجازة السيّد حسين المجاز مختصرة للمولى حبيب‌الله المذكور تاريخها ١٢ حجّة ١٢٧٩ عن خطّه و خاتمه و أيضاً إجازة ملا حبيب‌الله لصهره الجليل السيّد فخرالدين الكاشاني تاريخها ع ٢ سنة ١٣٢٨ بخطّه و خاتمه و انظر ما علّقناه على الإجازة رقم ١٠٦٨ و على الإجازة رقم ١٠٠٤ و ذكرنا الحاج سيّد حسين بهامش ص١٨٨.

«إجازته» ص ٢٥٦ رقم ١٣٥٠: أقول نسخة هذه الإجازة الشريفة أيضاً في آخر [الفوائد الرجاليّة] للسيّد المجيز طاب مثواه و نسختان منه موجودتان عندنا و قد أرّخ هذه الإجازة في آخرها بهذه الصورة [يوم الأربعاء سابع عشر ذي‌الحجة الحرام] ثمّ ذكر اسمه و لم يذكر عام التاريخ إلاّ أنّه يوافق سنة ١١٩٢ حيث ذكر وستنفلد الغرّة يوم الإثنين.

ص ٢٥٦ س١٣، بخط مصنفه المجاز: أقول يعني في المجموعة النفيسة الموصوفة في

«مجموعة الإجازات الكبيرة ٢٠: ٦٠: ١٩٠١».

«إجازة السيّد ميرزا الجزائري» ٢٥٧: ١٣٥٤. هو صاحب «جوامع الكلم» الآتي في ج٥: ٢٥٣: ١٢١٣.

﴿إجازة السيّد نصرالله المدرس الفائزي الحائري﴾ ص ٢٥٨: المذكور في كتابنا [جامع الأنساب ١: ١٦٣ رقم ٣٣٤] للسيّد علي بن ميرزا عبدالخالق الحسيني الرازي تاريخها ١١٥١ راجع الذريعة ٨: ٢٠٤: ١٨١٩ و ٢٠: ٦٧: ١٩٥٠.

«إجازة الشيخ نعمةالله علي، الخ» ٢٥٨: ١٣٦٠. أقول راجع ما ذكرناه بهامش الروضات ١: ١٨٧. و يأتي ذكر لهذه الإجازة في «الكفاية ١٨: ٩٦: ٨٤٤» و راجع «إحياء الداثر ٥٢».

«إجازته» ص ٢٥٩ رقم ١٣٦٤: أقول طبعت هذه الإجازة في كتاب «نابغه فقه و حديث: ١٧٢– ١٧٥».

«إجازة السيّد نورالدين بن السيّد نعمةالله ... للسيّد نصرالله الحائري» ٢٦٠: ١٣٦٩. أقول طبعت هذه الإجازة في كتاب «نابغه فقه و حديث: ٢٧٥». و ذكر المحدّث القمي طاب ثراه في «منتهى الآمال ٢: ٥٥» أنّ للسيّد نورالدين هذا «رسالة الإجازات» ثمّ نقل عنها ترجمة المير اسماعيل الخاتونآبادي ره بالواسطة كما ذكرنا في هامش ج١١ ص١٣.

«إجازة السيّد نورالدين علي... للمولى محمّد محسن الاسترآبادي» ٢٦٠: ١٣٧٢. أقول هذه الإجازة مندرجة في مجلّد إجازات بحارالأنوار: ١٤١ ط ١.

«إجازته» ص ٢٦٠ رقم ١٣٧٣: بغية الراغبين ج١ ص١٠٥.

«إجازة» ص ٢٦٢ رقم ١٣٧٩: انظر ص٢٠٣.

«إجازة الشيخ نجيبالدين أبيزكريّا يحيى بن أحمد...» ٢٦٣: ١٣٨١. أقول راجع «الأنوار الساطعة: ٦٤» للمصنّف ره في ترجمة حسين بن اردشير عليه الرحمة.

«إجازته» ص ٢٦٤ رقم ١٣٨٣: أقول نشرت هذه الإجازة عن نسخة شيخنا المصنّف في كتاب [الإجازات العلميّة عند المسلمين ٨٧– ٨٨] للدكتور عبدالله فيّاض و راجع «الأنوار الساطعة ٢٠٤».

«إجازة» ص ٢٦٤ رقم ١٣٨٦: أقول انظر للمجاز إلى ما علّقناه على ما يأتي بعنوان «تهذيب الأحكام ٤: ٥٠٤: ٢٢٦٣» و لم يذكر المصنّف مكان وجود نسخة التهذيب

المذكورة لا هنا و لا هناك و لا في العنوان الذي عقده لورام بن نصر في «الثقات العيون ٣٢٧» و وهم المصنّف و الناشر هناك في وصف الرجل بالسّيادة و الله العاصم.

«**إجازة صاحب الحدائق الشيخ يوسف**... للسيّد عبدالعزيز النجفي...» ٢٦٥: ١٣٩٢. أقول السيّد المجاز هذا هو الذي مرّ له إجازة الشيخ أحمد بن اسماعيل الجزائري بالرّقم ٦٥٧.

«**اجتماع الأمر و النهي**» ص ٢٦٨ رقم ١٤٠٧: أقول عندنا نسخة منه بخط تلميذه العلاّمة الأُستاذ الحاج مير محمّد صادق خاتونآبادي الإصفهاني.

«**اجتماع الأمر و النهي**» ص ٢٦٨ رقم ١٤٠٨: أقول يأتي له «التقريرات ٤: ٣٨٤: ١٦٨٦» و «الفقه الاستدلالي ١٦: ٢٩٠: ١٢٦٦» و ترجمته في «مكارم الآثار» في عام وفاته و انظر «أعيان الشيعة ٤٢: «...»

«**الاجتهاد و التقليد**» ٢٧٠: ١٤١٩: ٢٠. أقول رأيت في نسخة مخطوطة من الكتب ما صورة الخطبة بعد البسملة «الحمد لله ربّ العالمين و الصلوة و السلام على محمّد و آله الطيّبين. فهذه رسالة في الاجتهاد و الأخبار و ترتيبها على سبعة فصول» الخ.

«**الاجتهاد و التقليد**» ٢٧١: ١٤٢١. قوله للعلاّمة المعاصر الشيخ محمّد حسين الخ. أقول هو آية الله الكُمپاني المتوفّى بالنجف الأشرف في ٥ ذي‌الحجة سنة ١٣٦١ (قدّس الله روحه) و تأتي حاشيته على كتاب المكاسب في ج٦ ص٢١٩.

«**الاجتهاد و التقليد**» ٢٧١: ١٤٢٦. لميرزا عبدالرحيم. أقول راجع في ج٣ كتابه بهجة العناوين.

«**الاجتهادية**» ص ٢٧٣ رقم ١٤٣٥: أقول يكرّر هذا العنوان في(ج١١: ٣٠: ١٧٦) و ينقل جدّنا الشيخ الحرّ ره المتوفّى سنة ١١٠٤ عن هذه الرسالة في ردّه على رسالة فارسية لبعض معاصريه في الاجتهاد و الردّ هو الفائدة ٩٢ من كتابه «الفوائد الطوسيّة ٤١٧-٤٥٨ ط قم» قال الحرّ ره (في ص٤٣٨) ما نصّه [و قد صرّح الشهيد الثاني في رسالة الاجتهاد] الخ.

«**الأجناد الاثناعشريّة المحمّديّة**» ٢٧٥. راجع «تشييد المطاعن» في (ج٤: ١٩٢).

«**أجمل التواريخ**» ص ٢٧٥ رقم ١٤٤٥: طبع على الحجر بطهران بقطع صغير في ١٢٨٣ في (١٦٢ص).

«**الاجوبة العلية**» ص ۲۷۷ رقم ١٤٥٤: يراجع (قامعة أهل الباطل ۱۷: ۸۹) مع التكملة.

«**كتاب الأحاديث**» ص ۲۷۸، **يأتي في الكاف**: أقول لم يذكر هناك سوى «كتاب الأحاديث النبويّة ۱۷: ۲٦٣: ١٨٥» فحسب و لكنّه ذكر كتب الحديث في حرف الحاء بعنوان «كتاب الحديث ٦: ٣٠١ فما بعد».

«**الأحاديث القدسيّة**» ۲۷۸: ١٤٦٢. قوله (في ص۲۷۹: ۲): مكرّراً. أقول: من جملتها طبعَة إصفهان سنة ١٣٢٩ و عليها تقريظ و حواشٍ لخالنا العلاّمة الحجّة الحاج الشيخ محمّدتقي آقا نجفي الإصفهاني ره.

«**إحالة النظر في القضاء و القدر**» ۲۸۰: ١٤٦٦. أقول لعلّ الصّواب «إجالة» بالجيم.

«**الأحاديث النافعة**» ۲۸۰: ١٤٦٥: ٥. قوله: مجموعة التذكارات. أقول تأتي في (ج٤: ۲۰).

«**الأحباب – كتاب**» ۲۸۰. نذكره في حرف الكاف (ج۱۷: ۲٦٣).

«**أحسن الأدعية**» ٢٨٥. في الأدعية القرآنيّة، للميرزا اسمعيل الأشتياني الملقّب في شعره «شُعله». ذكره في مقدّمة «ديوان أميري فيروزكوهي ١: ٤٣». و يأتي ذكر شعله في موضعه من (ج۹).

«**أحسن القصص**» ص ۲۸۸ رقم ١٥١٠: أقول يراجع [أعيان الشيعة ٥٣: ١٠٠: ١١٥٦٧].

«**أحسن الكبار**» ۲۸۸: ١٥١١. أقول كانت عندنا منه نسخة قديمة وصفناها و نقلنا عنها في بعض مؤلّفاتنا كجامع الأنساب المطبوع ١: ٨١ – ۸۲ و «فهرست كتب خطی». و راجع: (ج١٥: ١٥: ٤٤ و ج۲۲: ٣٦٨ و ج٢٤: ١٢٣) و انظر مقالة «يادگار سفر قم» في كتاب «عامرىنامه: ٢٥٨».

«**أحسن الوديعة**» ص ۲۸۹ رقم ١٥١٥: انظر «الحواشي عليه ۷: ١٠٥: س۲۳».

«**الاحقاق**» ص ۲۹۰ رقم ١٥١٨: أقول انظر «نهاية الايجاز ٢٤: رقم ٢١١٨».

«**إحقاق الحقّ**» ۲۹۰: ١٥١٩. يأتي لمؤلّفه «القصاصيّة ۱۷: ۸۳» لم يذكره في «النقباء» و ذكره في «بزرگان و سخنسرايان همدان ٢: ٩٦» و كذا مشار في «المؤلّفين ٢: ٢٤٨» مع خطأ له. و قد كنّا قيّدنا في حوالي سنة ١٣٦٥ بهامش هذا الموضع من الذريعة ما

صورته: «قال ابنه الأديب الكاتب إنّ المجلّد الثاني من هذا الكتاب (الإحقاق) عنده بخط المؤلّف. وفّقه الله لطبعه و نشره». هذا ما كتبتُه قديماً و لا أتذكّر الآن شيئاً أكثر منه، و سبحان من لا يسهو.

«إحقاق الحق» ٢٩٠: ١٥٢٠: ٩. أقول هذا الكتاب موجودة في مكتبة الحاج شيخ الحيدري (في بلدة سدة و الآن موجودة في جامعة الإصفهان بمكتبة المركزي) و الكتاب هذا في الردّ على الشيخية.

«أحكام الأرضين» ٢٩٣: ١٥٣٠. أقول يأتي في (ج٧: ٢٥١) أنّ الشيخ نعمة هذا توفّى في شهر صفر سنة ١٢٩٣.

«أحكام ايمان» ٢٩٦: ١٥٤٤. أقول صرّح جدّنا المؤلّف الإمام العلاّمة في آخر كتابه المذكور بأن اسمه «أحكام الإيمان» بإثبات اللام، و قد طبع هذا الكتاب القيّم في حياة مؤلّفه مرّتين في المطبعة الحجريّة بإصفهان.

«أحكام الجهاد» ٢٩٦. اُنظر «الجهاديّة» متعدّداً في (ج٥) و «غاية المراد» و «فتحنامه» في (ج١٦).

«أحكام الحدود الشرعيّة» ٢٩٧: ١٥٤٩. أقول يأتي لمؤلّفه «الإرث» في ص٤٤٧ و في الزاي «زبدة المعارف» و قوله في س١٠: و في الرسائل أيضاً. أقول لايذكر في حرف الراء مطلقاً بل يذكر في الحاء و الدال.

«الأحكام الشرعيّة» ٢٩٨. يأتي في الرقم ٢٢٢٨.

«أحكام النواصب» ٣٠٢: ١٥٨٠. يأتي لمؤلّفه «القامعة للبدعة»، و مجموعة رسائله في ٢٠: ١١٤.

«كتب الأحمدي» ص ٣٠٤: أقول لم يعنونه في الكاف بل ذكره باسم «مختصر الأحمدي ٢٠: ١٧٦: ٢٤٧١» فلاحظ.

«أحول الصّحابة» ص ٣٠٥: مؤلّفه السيّد عليخان الشيرازي شارح الصحيفة.

«إحياءُ الأحاديث» ٣٠٧: ١٥٩٦. قوله في س٣: (قال ره). أقول من هنا إلى قوله في س٧ (و صرّح ولده) عين كلام «كشف الحجب و الأستار»، و رأيتُ أنا نسخة الأصل من هذا الكتاب القيّم بخط مؤلّفه ره عند أحد بيّاعي الكتب.

«إحياء الموات» ٣٠٧: ١٥٩٨. صرّح تربيت في «دانشمندان آذربايجان ٢٤٤» بوجود

نسخة أصله عنده.

«**إحياء الملوك**» ٣٠٩. تاريخ فارسيّ مطبوع. اُنظر «فهرس أحمد منزوی ٦: ٤٢١٧».

«**أخبار الأوائل**» ص ٣٢٢ رقم ١٦٦٧ س ١٤، **طبع سنة ١٣١٢: في** بمبئي كما في فهرست المشار.

«**أخبار زياد ابن أبيه**» ص ٣٣١ رقم ١٧٢٥: **أقول** يراجع الأعلام للزركلي ج٣ ص٥٣ في (زياد ابن أبيه) و مستدركات النمازي فيه أيضاً (ج٤ رقم ٥٨٤٨).

«**أخبار الزينبات**» ص ٣٣٢ رقم ١٧٣٣: طبع مؤخّراً في بلدة قم سنة ١٤٠١ و انظر (ج١٢: ٢٧٦) عنوان (السيّدة زينب) و (ج١٥: ٣٠٧: ١٩٦٢) عنوان (عقيلة الوحي) و يأتي له أخبار المدينة: ٣٤٩: ١٨٣٤ و (أنساب آل أبي‌طالب) في ج٢ ص٣٧٨ و (الردّ على اُولي الرقص و المكر) في ج١٠: ١٨٦: ٤٢٩ و راجع (مرقد العقيلة زينب ص٧٥ فما بعدها) و (يكصد و ده پرسش) لسيّدنا الحجّة الهادي الميلاني ره و (تحقيق درباره اول اربعين ص٧٦ فما بعدها).

«**أخبار عبدالعظيم**» ص ٣٣٩ رقم ١٧٧٣: **أقول** انظر [الخصائص العظيميّة ٧: ١٦٩: ٨٩٦].

«**أخبار الفضائل**» ٣٤٤: ١٨٠١: ١٢. قوله «داود بن هاشم بن القاسم». أقول هذا خطأ و الصّواب «داود أبوهاشم بن قاسم» كما في «كشص ١١٨» و «بلج ٢٢».

ص ٣٤٤ س ٢١، **الجواهر النظامية:** ليراجع ج٥ ص٢٨٥.

«**أخبار القرامطة**» ٣٤٥. هو لعَبدالرحيم بن محمّد بن عبدالرحيم الزّهري أبي‌الحسن الخراساني نزيل مكّة المكرّمة المتشيّع. ذكره في «لسان الميزان ٤: ٩» فراجعه.

«**أخبار قضاة بغداد**» ٣٤٥: ١٨٠٧. **قوله في ص٣٤٦** «ذكره القاضي صفي‌الدين» الخ. أقول ذكره أيضاً في كتاب «المشجّر الكشاف لأصول السّادة الاشراف» المطبوع بمصر الذي رمزنا له «كشص».

«**أخبار المدينة**» ٣٤٩: ١٨٣٤. للسيّد الشريف يحيى الخ. أقول راجع مقدّمة كتابنا «جامع الأنساب ١: ٩». و رأينا في تأليف مخطوط لصاحب «فضائل السّادات» المطبوع المشهور أنّه بعد ما نقل شيئاً عن كتاب «جواهر العقدين» للسيّد على بن عبدالله السّمهودي المتوفّى سنة ٩١١ قال إنّ من جملة مآخذ السيّد في كتابه المذكور هو «كتاب

أخبار المدينة» تصنيف السيّد يحيى جَدّ الشيخ الدارقطني المشهور عندهم و جدّ السيّد مهنّا صاحب «المدنيّات» الثلاث. الخ. أقول و لفظه بالفارسيّة هكذا: «جدّ شيخ دارقطني» و لكن هذا خطأ و النسخة مغلوطة و لايمكن أن يكون السيّد يحيى شيخاً للدارقطني المتولّد ٣٠٦ و لا أن يكون جدّه، اللهمّ إلاّ مِن قِبَل الأمّ. ثمّ إنّ قولَ شيخنا المرحوم (في س١٤): كما أرّخه في «الثبت المصان»، أقول لابدّ أن يكون هذا النقل مع الواسطة، و الواسطة كلمة الناشر المصري لأخبار الزينبات.

«كتاب الاختصاص» ص ٣٥٨ رقم ١٨٨٩: أقول يراجع لأمين الواعظين هذا (دانشمندان إصفهان ص ٥١) و (مكارم الآثار ج ٦ ص ٢٠٩٢).

«كتاب الاختصاص» ٣٥٨: ١٨٩٠. للشيخ أبي‌عبدالله... المفيد الخ. أقول إنّ السيّد العلاّمة المعاصر الخوئيّ دام عمره قد مال إلى القول بعدم ثبوت نسبة كتاب «الاختصاص» المعروف المشهور المطبوع إلى الشيخ المفيد طاب ثراه، راجع «معجَم رجال الحديث ٧: ١٢٦ و ١٠: ٣٦٩». و من الغريب قول شيخنا العلاّمة قدّس سرّه (في ص ٣٦٠ س ٣) انّ «هذا الكتاب الموجود هو عين «العيون و المحاسن» الخ. فتأمّل. و نسخة جدّنا الشيخ محمّد الحرّ صاحب الوسائل ره من كتاب الاختصاص بخطّ حاجي ميرزا محمّد بن الحاجي شاه محمّد استنسخها بإصفهان و فرغ منها في حجة ١٠٨٧ معها عدة رسائل للأقدمين هي الآن في خزانة كتب الإمام السيّد محسن الحكيم بالنجف الأشرف. قال بعضهم عن تلك النسخة «كتاب الاختصاص تأليف ابن عمران و هو المنسوب إلى الشيخ المفيد». انتهى من مقدّمة رسالة أبي‌غالب الزراري ص ٨٤ ط قم. و ممّا ذكرنا ظهر وجه عدم ذكر الاختصاص في ثبت مصنّفات المفيد في مقدّمة الطبع لأماليه و تهذيب الشيخ.

﴿اختيار مصباح السالكين﴾ ص ٣٦٣: اطلبه في [شرح النهج ١٤: ١٤٩: ١٩٩٩].

«اختيارات الأيّام» ص ٣٦٧ رقم ١٩١٨: يراجع (زندگينامه علامه مجلسى) للسيّد المهدوي ج ٢ ص ١٣٥.

«اختيارات بديعي» ٣٦٨: ١٩٢١. في الطبّ للطبيب الماهر المعروف بالحاج زين‌العابدين. أقول يأتي له في ج٢: ٥٦ كتاب «أسرار النكاح و النساء».

«أخذ الثار» ص ٣٦٩ رقم ١٩٢٨ س ٢١، **كما يأتي**: انظر ما ذكرناه في التكملة على

«ذوب النضار ١٠: ٤٣: ٢٤٦».

«أخلاق راغب» ٣٧٤: ١٩٥١. قوله «كما في أخبار البشر». أقول هذا كقوله الآتي في عنوان (الذريعة ١٠: ٢٨: ٧) أيضاً، و شيخنا المصنّف نقل هذا التاريخ عن كتاب الروضات الذي هو الناقل الوحيد عن «أخبار البشر» كما صرّح بذلك المصنّف في عنوان (جامع التفسير ٥: ٤٦: ١) و لكنّه قدّس سرّه لمّا أسقط واسطة النقل و لم يسمّ مرجعه في هذا الموضع توهّم ناشر الكتاب انّ اسم المأخذ «أخبار البشر» خطأ فأبدله في جدول الاستدراكات إلى «أخبار الحكماء» حدساً موهوماً كما أبدله أيضاً في (ج٥) رأساً في المتن و نسي التبديلَ في (ج١٠) و كذا في المحاضرات ٢٠: ١٢٨: ٢٢٣٧» فبقي الاسم في الموضعين على حاله إلاّ أنّ الشيخ أو ولده بدّل التاريخ في الموضع الأخير من (٥٦٥) إلى (٥٠٢) ذاهلاً عن أنّه فرارٌ من المطر إلى الميزاب و باطل من وجوه، و هذا عين ما فعله في «الثقات العيون ٨١» حيث جاء هناك في ترجمة الراغب ما لفظه [المتوفّى سنة ٥٠٢ كما أرّخه في أخبار البشر] و الراغب من أفاضل أهل السّنة و الجماعة فقد صرّح الشيخ بهاءالدين محمّد العاملي ره في بيان الحديث الأخير من كتابه الأربعين حديثاً بذلك قال «و من الأشاعرة الراغب الإصفهاني و أبوحامد الغزالي و الفخر الرازي» انتهى. و نحن بسطنا الكلام حول ترجمته في «شرح روضات الجنّات» و حقّقنا هناك و في مقال مفرد لنا أنّ الراغب كان من المعاصرين للصاحب ابن عباد المتوفّى ٣٨٥ و أصحابه الباقين إلى حوالي عام ٤٣٠.

«أخلاق كندي» ص ٣٧٧ رقم ١٩٦١: يراجع لزوماً [الأعلام ٨: ١٥٩] للزركلي ط كبيرة.

«أخلاق نظام العلماء» ٣٨١: ١٩٧٤. راجع «الشهاب الثاقب» له في (ج١٤: ٢٥٣: ٢٤٣٩).

«كتاب الاخوان» ٣٨٢: ١٩٧٩. قوله في ص٣٨٣: ١٤-١٦ «و يأتي أنّ الأمر في كتاب «الإمامة و التبصرة» على عكس ذلك فإنّهم نسبوه إلى والد الصدوق مع أنّه ليس له جزماً» الخ. أقول هذا الجزم خطأ نشأ ممّا رأى من تداخل روايات «الإمامة و التبصرة» الذي هو لوالد الصّدوق و يأتي ذكره في (ج٢: ٣٤٢) مع روايات كتاب «جامع الأحاديث» كما بيّنّاه في مواضعَ و نسخة العَلامة المجلسي من الكتابين في مجلّد واحد

عندنا و الحمد لله و راجع أيضاً (ج٢٤: ١٨٨).

«اخوان الصّفا» ص ٣٨٣ رقم ١٩٨٠: أقول انظر «دائرة المعارف ٨: ٩: س١٦» و «رسائل إخوان الصفا ١٠: ٢٤١: س١٥» عندنا الآن الأجزاء الأربعة للكتاب طبع على صفحة العنوان ما يلي [رسائل إخوان الصفا و خلاّن الوفاء – عني بتصحيحه خيرالدين الزركلي – يطلب من المكتبة التجارية ... لصاحبها مصطفى محمّد – المطبعة العربيّة بمصر ١٣٤٧هـ مصدّرة بمقدّمة ضافيه بقلم الدكتور طه حسين ... مقفاة بخلاصة تاريخيّة بقلم العلاّمة أحمد زكي باشا ...] انتهى و يعجبني نقل كلام عن الكتاب في الجزء الرابع ص٩٨ – ٩٩ من تلك الطبعة بعين اللفظ و هو هكذا [فصل و ممّا يدلّ على أنّ أهل‌بيت نبيّنا عليهم السلام كانوا يرون هذا الرأي «يعني اعتقاد بقاء النفس و صلاحها بعد مفارقة الجسد» تسليمهم أجسادهم إلى القتل يوم كربلاء لم يرضوا أن يتولّوا على حكم يزيد و زياد، و صبروا على العطش و الطعن و الضرب حتّى فارقت نفوسهم أجسادهم] و لكن في الكتاب ما يخالف آراء الإماميّة كذمّ النياحة و زيارة القبور و عدم التقيّد بمذهب و إنكار الإمام المنتظر و أمثال هذه الأمور مذكورة في مواضع من الجزء الرابع خاصّة ممّا تنادى بأعلى صوتها بأنّ الكتاب من وضع غير علماء الشيعة الإماميّة ثمّ أقول إنّ من الطريف ما وقفنا عليه من تأثر جلال‌الدين محمّد البلخي في كتابه «المثنوي ١٩: ٣٠٣: ١٣١٤» ببعض آراء هؤلاء الإخوان حتّى إنّه صرّح باسم «إخوان الصفا» في كتابه المذكور «مثنوى – دفتر ٥ بيت ٢٦٤٣» و قد ذكرنا شيئاً من ذلك في رسالة خاصّة حول عقائد ابن عربي و صاحب المثنوي و الله العالم. و لعارف تامر [حقيقة إخوان الصفا و خلاّن الوفاء] في خمسين صفحة طبعت سنة ١٩٥٧ في المطبعة الكاثوليكية – بيروت ذهب عارف فيه أيضاً إلى القول بأنّ الكتاب من آثار الإسماعيلّية و هو من الأخصّائيّين بآثار تلك الفرقة و ليراجع مقال «إخوان الصفا» في «دانشنامه ايران و اسلام ١٠: ١٣٥٤– ١٣٦٣ ط طهران، ١٣٦٠ش» و التحقيق المتأخّر حول إخوان الصفا و رسائلهم في حواشي [فهرسة المجدوع الاسماعيلي ١٥٤ فما بعدها].

ص ٣٨٤ س ٢، في الفوائد: «الفوائد المدنيّة ٢٧٩ ط تبريز ١٣٢١».

«أدب الإمام و المأموم» ٣٨٦: ١٩٨٧: ١٩. قوله «في روض الجنان». أقول يعنى به كتاب جدّنا الشهيد الثاني ره في شرح «إرشاد الأذهان» كما يأتي في «الإمام و المأموم»

و الشهيد نقل عنه حديثاً جليلاً في فضل صلوة الجماعة ثمّ نقل ذلك عن الشهيد جمع من الفقهاء و المحدّثين في كتبهم كالبحار ٨٨: ١٤ و للمستدرك ٦: ٤٤٣ و رسالة الجماعة للمحقّق الأنصاري المطبوعة في ملحقات كتابه المتاجر.

«أدب النديم» ص ٣٨٨ رقم ١٩٩٧: أقول يأتي له «الثَغر الباسم ٥: ٧: ١٩» و «ديوان أبي‌الفتح ٩: ٤٦» و للميرزا محمّدخان القزويني مقالة جامعة حول كشاجم نشرت في [يادداشتهاى قزوينى ٦: ٢١٦- ٢٢٧].

ص ٣٨٩: سيأتي ذكر كثير من كتب الأدعية بعنوان (المجموعة) في ج٢٠ و فيها ما هو مذكور في هذا الجزء و فيها غيرها فليلاحظ و انظر «الدعاء» في ج٨ و «المصباح» في ج٢١.

«كتاب الأدعية» ص ٣٨٩ رقم ٢٠٠٤: كرّر في ج٢٠: ٦٦: ١٩٣٩.

«كتاب الأدعية» ص ٣٨٩ رقم ٢٠٠٦: كرّر في ج٨: ١٩٩: ٧٨٣ و سيأتي له «الأربعون حديثاً» في ص٤٠٩: ٢١٢٦.

«كتاب الأدعية» ص ٤٠٩ رقم ٢٠٠٧: كرّر في ج٢٠: ٦٦: ١٩٤٠ و ١٩٤١.

«كتاب الأدعية» ص ٣٨٩ رقم ٢٠٠٨: كرّر في ج٢٠: ٦٦: ١٩٣٨.

«كتاب الأدعية» ص ٣٨٩ رقم ٢٠٠٩: كرّر في ج٢٠: ٦٦: ١٩٣٧.

«كتاب الأدعية» ص ٣٨٩ رقم ٢٠١٠: كرّر في ج٢٠: ٦٦: ١٩٣٦.

«كتاب الأدعية» ص ٣٩٠ رقم ٢٠١٢: أقول يكرّر هذا الكتاب في ج٢٠: ٦٤: ١٩٢٤.

«كتاب الأدعية» ص ٣٩٠ رقم ٢٠١٣: كرّر في ج٢٠: ٦٦: ١٩٤٢.

«كتاب الأدعية» ص ٣٩٠ رقم ٢٠١٥: كرّر في ج٢٠: ٦٧: ١٩٤٦.

«كتاب الأدعية» ص ٣٩٠ رقم ٢٠١٦: كرّر في ج٢٠: ٦٦: ١٩٤٣.

«كتاب الأدعية» ص ٣٩٠ رقم ٢٠١٩، **للسيّد عميدالدين عبدالمطلب**: انظر ترجمته في الحقائق الراهنة ص ١٢٧ و يأتي له (نهاية البادي) في ج٢٤: ٣٩٦.

«كتاب الأدعية» ص ٣٩١ رقم ٢٠٢٠: كرّر في ج٢٠: ٦٧: ١٩٤٧.

«كتاب الأدعية» ص ٣٩١ رقم ٢٠٢١: كرّر في ج٨: ١٨٣: ٧٢٣.

«كتاب الأدعية» ٣٩١: ٢٠٢٥. للسيّد محمّد مؤمن. أقول مرّ له في هذا الجزء (٩٤) إثبات الرجعة.

«الأدعية و الأحراز» ص ٣٩١ رقم ٢٠٢٧: يكرّر هذا الكتاب في ج٢٠: ٦٣: ١٩٥١.

«الأدعية و الأخبار» ص ٣٩٢ رقم ٢٠٢٩: يكرّر ذكر هذا الكتاب في ج٢٠: ٦٣: ١٩١٥.

«الأدعية و الأدوية» ص ٣٩٢ رقم ٢٠٣٠: يأتي له «الدعوات الخ» في ج٨: ٢٠٢: ٨٠٢.

«الأدعية و الأذكار» ص ٣٩٢ رقم ٢٠٣١: كرّر في ج٢٠: ٦٣: ١٩١٨.

«الأدعية و الأذكار» ص ٣٩٢ رقم ٢٠٣٢: كرّر في ج٢٠: ٦٣: ١٩١٩.

«الأدعية و الأذكار» ص ٣٩٢ رقم ٢٠٣٣: كرّر في ج٢٠: ٦٤: ١٩٢٠.

«الأدعية و الأوراد» ص ٣٩٣ رقم ٢٠٣٥: كرّر في ج٢٠: ٦٤: ١٩٢٢.

«الأدعية و الأوراد» ص ٣٩٣ رقم ٢٠٣٦: كرّر في ج٢٠: ٦٤: ١٩٢١.

«الأدعية و التعقيبات» ص ٣٩٣ رقم ٢٠٣٨: كرّر في ج٨: ٢٠٣: ٨٠٨.

«الأدعية و الختوم» ص ٣٩٣ رقم ٢٠٤٠: كرّر في ج٢٠: ٦٤: ١٩٢٣.

«الأدعية و الزيارات» ص ٣٩٣ رقم ٢٠٤١: كرّر في ج٢٠: ٦٤: ١٩٢٥.

«الأدعية و الزيارات» ص ٣٩٣ رقم ٢٠٤٢: كرّر في ج٨: ٢٠٥: ٨٢٨ و ج٢٠: ٦٥: ١٩٣٠.

«الأدعية و الزيارات» ص ٣٩٤ رقم ٢٠٤٣: كرّر في ج٢٠: ٦٤: ١٩٢٦.

«الأدعية و الزيارات» ص ٣٩٤ رقم ٢٠٤٤: كرّر في ج٨: ٢٠٢: ٨٠٧ و أيضاً في ج٢٠: ٦٤: ١٩٢٧.

«الأدعية و الزيارات» ص ٣٩٤ رقم ٢٠٤٥: كرّر في ج٢٠: ٦٥: ١٩٣٤.

«الأدعية و الزيارات» ص ٣٩٤ رقم ٢٠٤٦: كرّر في ج ٨: ٢٠٥: ٨٢٧ و ج٢٠: ٦٤: ١٩٢٨.

«الأدعية و الزيارات» ص ٣٩٤ رقم ٢٠٤٧: كرّر في ج٢٠: ٦٥: ١٩٣٣.

«الأدعية و الزيارات» ص ٣٩٤ رقم ٢٠٤٨: كرّر في ج٨: ٢٠٥: ٨٢٩.

«الأدعية و الزيارات» ص ٣٩٤ رقم ٢٠٤٩: كرّر في ج٢٠: ٦٥: ١٩٢٩.

«الأدعية و الزيارات» ص ٣٩٤ رقم ٢٠٥٠: فيه نسب سيّد أعرجي نقلناه في الصراط الأبلج ص٢١ و يأتي ذكر هذا الكتاب أيضاً تكراراً في ج٢٠: ٦٥: ٩٣٥ فلاحظ. و بين

النصّين بعض التفاوت.

ص ٣٩٤ س٢٣، عميدالدين: الحقائق ١٩٠: ١٥.

ص ٣٩٤ س ٢٣، ضياءالدين: الحقائق ١٢٤ و وُلده في ٤١: ٩ و في الضياء: ٨٤ و أيضاً أخوهم نظام‌الدين فيه ١٠٨: ١٤ و وُلد الأخير فيه ١٠٩: ٦.

ص ٣٩٤ س ٢٣، مجدالدين: الحقائق الراهنة ١٩٣ و ٩: ٥ و كشص ١١٩.

ص ٣٩٥ س ١، أبي‌الفوارس: أخوه جمال‌الدين أحمد ص٩.

ص ٣٩٥ س ١، محمد: هو ابن فخرالدين (الحقائق ١٤٦) علي بن عزالدين محمّد بن أحمد بن علي الأعرج (الحقايق ١٠٨).

«الأدعيه الثلاثون» ص ٣٩٦ رقم ٢٠٥٨ س ٥، السُّيوري: أقول نسبة إلى السُيور و هي من قرى حلّه كما في الروضات.

ص ٣٩٦ س٩، بكة الحسيني: اطلبه في «إحياء الداثر ٣٧».

«أدعية السر» ص ٣٩٦ رقم ٢٠٦١، ضياءالدين فضل‌الله: أدعية السرّ هذا يأتي باسمه نهج البرّ و سيأتي له الأربعون حديثاً في ص٤٢٣.

ص ٣٩٧ س ٤: قوله الكرمندي أقول عنون للرجل في [أعيان الشيعة ٥٤: ٩٦: ١١٦٥٣] استناداً إلى أدعية السرّ فحسب و لم يزد شيئاً و (كرمند) قرية مذكورة في عدّة مواضع من الكتب القديمة و لنا مقالة حولها كانت من نواحي راوند كاشان في طريق إصفهان غير معروف في هذه الأزمان و انظر ما ذكرناه بهامش نسختنا من كتاب الدعوات للراوندي ص٢٩ ط قم.

ص ٣٩٧ س١٩، الأحاديث القدسية: أقول الظاهر أنّ أدعية السرّ أكثر ممّا هو في النسخ المطبوعة من «الجواهر السنيّة ٥: ١٢٧٩» فلاحظ و انظر الأدعية المباركة في «بحارالأنوار ٩٥: ٣٠٦».

«أدعية سعة الرزق» ص ٣٩٨ رقم ٢٠٦٢: أوّلها بعد البسملة هذه وريقات فيها أسرار أدعية يختصّ بأداء الدين و سعة الرزق و آخرها «و لكن الله ألّف بينهم أنّه عزيز حكيم هذه صورة خط مؤلّفه الفقيه العالم الأعلم شيخ مشايخ الإسلام و الإيمان الشيخ أبي‌اسمعيل ابراهيم بن سليمان القطيفي رحمه الله كتبه العبد محمّد الموسوي غفر له فرغ منه سحر ليلة الثلثا ليلة مضت من الشتاء سنة ١٢٤٥» انتهى و النسخة في ١٥ص في

إحدى مجموعات عمّ جدّنا و جدّ جدّتنا العلّامة الحاج سيّد محمّد شفيق جدّنا الإمام المجدّد صاحب الروضات قدّس الله روحيهما رقم المجموعة عندنا ٥٩١٣.

«الأدعية الكافية» ص ٣٩٨ رقم ٢٠٦٧: أقول يأتي لمؤلّفه [الكتاب المبين ١٧: ٢٧٩: ٢٨٤] فراجعه.

«الأدعية المأثورة» ص ٣٩٩ رقم ٢٠٦٩: كرّر في ج٢٠: ٦٤: ١٩٤٤.

«الأدوية القلبيّة» ٤٠٣: ٢٠٩٩: ١٨. قوله «اوّلها». أقول يعني بعد الخطبة و الديباجة و قوله في (س٢٢): أبي‌الحسين بن علي. أقول: الصّواب أبي‌الحسين علي، كما هو واضح و يدُلّ عليه ما في نسختنا المخطوطة و «فهرس الدكتور يحيى مهدوي: ٢٣».

«الأديان و الملل» ص ٤٠٤ رقم ٢١٠٣: ليراجع أيضاً الجزء الثاني ص ٣٧٩.

ص ٤٠٥ س ٤: قوله و مرّ الخ أقول لا دخل لهذا الكلام بترجمة صاحب العنوان فلاتغفل.

«الأذانية» ص ٤٠٥ رقم ٢١٠٩: يأتي ذكرها أيضاً [رسالة في الأذان ١١: ٤٨: ٢٩٢] و لم نطّلع لها على نسخة و انظر [تحقيق فصول الأذان] الخ في [التكملة ٣: ٤٨٥].

«أذكار الاخوان» ٤٠٦: ٢١١١: ٦. قوله (الكراچكي). أقول الصّواب (الكراجُكي) هنا و في مواضع كثيرة من الكتاب، أعني أنّ النسبة إلى كَراجُك و هو بالجيم العربيّة دون الفارسية.

«الأربعون حديثاً» ص ٤٠٩ رقم ٢١٤٦: مرّ لمؤلّفه آنفاً كتاب الأدعية في ص٣٨٩: ٢٠٠٦.

«الأربعون حديثاً» ص ٤١٣ رقم ٢١٤٠ س ١١، **سنة ١٢٨٢**: يراجع لزاماً مكارم الآثار ج٧ رقم ١٥٢٧.

«الأربعون حديثاً» ص ٤١٥ رقم ٢١٤٨: أقول و يأتي لوالده الأربعون حديثاً برقم ٢١٦٩.

﴿الأربعون حديثاً﴾ ص ٤١٦: للمير محمّد زمان الأعرجي الشاه حسيني السمناني يأتي [شرح الأربعين حديثاً ١٣: ٦٩: ٢٢٤].

«الأربعون حديثا» ٤١٧: ٢١٥٦: ٨. أقول يأتي لمؤلّفه القاضي محمّد سعيد الرقم ٢٢٠٩ و أيضاً في ج٦: ١٢ و ٤: ٤٨٢ و ١٦: ٣٤٠.

﴿كتاب الأربعين﴾ ص ٤١٨: في فضايل مولانا و سيّدنا و شافعنا و حبيب إلهنا أميرالمؤمنين و سيّد الوصيّين و أشرف الأوّلين و الآخرين من الأنبياء و المرسلين عدا خاتم النبيّين صلّى الله عليه و آله الأطهرين» كذا وصف الكتاب في آخره و بعده أيضاً «قد اتّفق الفراغ من كتابة هذه النسخة الشريفة الرفيعة و هو من تأليفات المولى الكامل العالم العلاّمة مولانا محمّد شفيع الأسترآبادي في ضحوة يوم الثلثاء ثامن عشر شهر صفر المظفر ١١٣١ ... على يد ... ابن قوج علي نورالدين محمّد السمناني مولداً و الإصفهاني متوطناً ...» و أوّل الكتاب بعد البسملة «الحمد لله و سلامه على عباده الذين اصطفى محمّد و عترته الطاهرة ... أمّا بعد فهذه أربعون حديثاً استخرجتها من كتب العامّة و ذيّلت كلاً منها بشيء اقتضى المقام إيراده» الخ. أقول مولانا محمّد شفيع هذا ابن اخت العلاّمة المجلسي مولانا محمّدباقر صاحب بحارالأنوار المتوفّى سنة ١١١٠ قدّس سرّه و يروي عنه السيّد محمّد بن على بن حيدر الموسوي العاملي [الروضات: ٤٠٣ س١٢ و أيضاً ٦٣٢ س١٨ ط ٢] و كذا هو من مشايخ مولانا الآقا محمّد أكمل والد المحقّق البهبهاني كما ذكره المحقّق في إجازاته مادحاً له و لساير مشايخ والده و ذكره سيّد مشايخنا في «أعيان الشيعة» مقتصراً على ما رآه في إجازة المحقّق ثمّ إنّ مع نسختنا من كتاب الأربعين عدّة فوائد هامّة في التفسير و الحديث و الفقه و غيرها بخط كاتب الأربعين أيضاً من دون قيد اسم لمؤلّفها و نظنّ أنّ جميعها من إفادات المولى محمّد شفيع المذكور و الله العالم بحقايق الأُمور و توجد مجموعة بخطّه ره في المكتبة المركزية بجامعة طهران تاريخها ١٠٨٦ فيها مطالب من المناقب منقولة عن العامّة و في المكتبه المذكورة أيضاً نسخة من منتخب كتاب الأربعين للمولى محمّد شفيع استنسخها الميرزا محمّدعلي بن ميرزا محمّدكاظم الألماسي المجلسي مجموعة جليلة بخطه لاحظ فهرس المكتبة (ج١٢: ٢٧٠٠ و ج١٣: ٣٢٩٢) و راجع كتاب «زندگينامه علامه مجلسى ج ١: ٣٧٣ و ج ٢: ٣٤١ - ٣٤٣».

«الأربعون حديثاً» ص ٤١٨ رقم ٢١٥٧: أقول إنّ الأربعين للشيخ السليمان هذا كتاب بديع نفيس في موضوعه و عندنا منه نسخة بقلم علي بن لطف الله الجشي فرغ من كتابتها في ٤ شهر رجب ١٢٣٤ لها حواش كثيرة و عليها صورة ملكيّة عبدالله بن مبارك بن علي بن عبدالله بن ناصر آل حُميدان الاحسائي أصلاً و الخطي مولداً في سنة ١٢٣٤ ثمّ ملكية محمّد بن علي بن علي بن محمّد الحجري البحراني في حدود ١٢٤٢ ثمّ صارت في

خزانة الحاج سيّد عبدالله خليفة (انظر عن خزانته خاتمة الضياء اللامع: ١٦٦) ثمّ في خزانة العلاّمة ابن خالنا الشيخ أبي‌المجد محمّد الرضا النجفي المسجدشاهي و يأتي ذكر عدّة نسخ اُخرى للكتاب في (ج٢٠: ٢٣٨) فراجعه.

«الأربعون حديثاً» ص ٤١٨ رقم ٢١٥٩ س ١٨، **هو تلميذ آية الله بحرالعلوم: أقول** كذا ذكره صديقنا العلاّمة السيّد محمّدصادق بحرالعلوم في «مقدّمة رجال السيّد بحرالعلوم ره ص٦٨» في فهرس أسماء تلامذة جدّه ره قائلاً «المولى محمّدشفيع الأسترآبادي المتوفّى بعد سنة ١٢٣٨» انتهى و لايخفى انّه غير سميّه الذي يذكره بعد هذه التعليقة فلاحظ.

«الأربعون حديثاً و دليلاً» ص ٤١٩ رقم ٢١٦٢: يأتي أيضاً في ص٤٣٤: ٢٢٠٤.

«الأربعون حديثاً» ٤٢٠: ٢١٦٧: ١٦. يراجع «الإمامة و الردّ على المخالفين فيها ٢: ٣٢٩: ١٣٠٥» و في س١٩ قوله «الشيخ تاج‌الدين حسين بن شمس‌الدين الصاعدي». أقول يأتي له كتاب «گنجينه گرانمايه» و عندنا بخطه مجموعة (جُنك) مبسوطة.

«الأربعون حديثاً» ٤٢١: ٢١٦٨: ١٠. قوله «الذي استظهر صاحب الروضات». أقول تحقيق الكلام حول هذه المطالب موكول إلى تعليقاتنا على «روضات الجنّات» و الله الموفّق.

«الأربعون حديثاً» ص ٤٢٤ رقم ٢١٧٤: يراجع «الروضة النضرة ٤٤٣ – ٤٤٤» و عندنا نسخة الأصل بخطّه.

«الأربعون حديثاً» ٤٢٦: ٢١٨١: ١٢. قوله «المعروفة بالأهوازية». أقول راجع (ج٢: ٤٨٥). و قوله «و أخرجها منه الشهيد الثاني في كشف الريبة». أقول بل نقل عنه عدّة أحاديث و ذكر سنده إليه في الحديث الأوّل من الأحاديث الإثنى‌عشر المذكورة في آخر كشف الريبة و طبع كتاب الأربعين هذا بقم سنة ١٤٠٥ مع مقدّمة مبسوطة و جميعه في ١٠٧ص و عنوان المطبوع «الأربعون حديثاً في حقوق الإخوان» و ذكر ولادة مؤلّفه حدود ٥٦٥ و وفاته حدود ٦٣٩.

«الأربعون حديثاً» ص ٤٢٧ رقم ٢١٨٣: **أقول** يأتي باسمه «الكفاية المهتدي ١٨: ١٠١: ٨٦٧».

«الأربعون حديثاً» رقم ٢١٨٥ – ص٤٢٨ س ٣، **المروي في صحيفة الرضا:** هو الحديث ١١٤ من الصحيفة و لا اختصاص بها وحدها فقد ورد الحديث أيضاً في عيون أخبار

الرضا صلوات الله عليه و هو الحديث ٩٩ و روته العامّة كذلك انظر كنز العمّال ١٠: ٢٢٥ الحديث ٢٩١٨٥.

ص ٤٢٨ س ٧، **أقدم نسخة:** أقول عندنا نسخة من الأربعين بخط سلطان حسين البيهقي كتبها في مشهد الرضا عليه‌السلام و فرغ منها ١٥ شهر رمضان ٩٦٠ و عليه بعض القيود بامضاء سيف سلّمه الله و الظاهر أنّه الذي كتب فيما يلي الأربعين إجازة لجعفر بن إمام‌الدين الطهراني و امضائه سيف‌الدين محمّد الخادم ابن المخدوم الحسيني و تاريخها شهر رمضان ٩٦١ في مشهد الرضا عليه‌السلام و شيخه و اُستاده في تلك الإجازة الشهيد الثاني المقتول بأيدي المعاندين الكفّار سنة ٩٦٦ و عبارته كالآتي قال «بعضها سماعاً و بعضها إجازة عن شيخي شيخ الإسلام بركة المؤمنين و هو أعظم علماء الخاصّة في زمانه زين الملّة و الدين العاملي أبدت ميامن بركاته إلى يوم الدين» الخ. و هذا الإكبار و التعظيم حين ما لم يمض عن عمر الشهيد أكثر من خمسين عاماً. ثمّ بعد الإجازة طائفة من الروايات و الأحاديث المتفرّقة أكثرها بخط أحمد بن محمود الحسيني في سلخ شوال ٩٦١ و على ظهر النسخة تملّكات المجاز المذكور هكذا بالحمرة «من متملّكات العبد الجاني جعفر بن إمام‌الدين علي طهراني غفر ذنوبهما». و لاحظ وصف نسخة اُخرى من الأربعين في «أعيان الشيعة ١: ٨٩» لسيّد مشايخنا الأمين العاملي قدّس سرّه.

«الأربعون حديثاً» ٤١٢: ٢١٣٦. قوله للمولى محمّد باقر بن محمّد جعفر. أقول المظنون أنّه الفشاركي الإصفهاني مؤلّف «آداب الشريعة» المارّ ذكره. و في س١١ (يسى) خطأ صوابه (يُسمّى).

«الأربعون حديثاً» ٤١٤: ١. انظر ص ٤٣ الرقم ٢١٩١.

«الأربعون حديثا» ٤٢٣: ٢١٧٣. للسيّد الخ. أقول مرّ له قريباً «أدعية السر: ٣٩٦».

«الأربعون حديثاً» ص ٤٣٠ رقم ٢١٩١: يأتي ذكره مكرّراً في ج ٧ من الكتاب منها في ص١٢١ و قال إنّه ولد حدود سنة ١٣١٣ فليلاحظ.

«الأربعون حديثاً» ص ٤٣٠ رقم ٢١٩٣ س ٢٢، **الملقّب بحاج عماد:** أقول انظر ترجمة الحاج عماد في مكارم الآثار ٨: رقم ١٦٨٩.

«الأربعون حديثا» ٤٣١: ٢١٩٤. قوله س٣: ما لفظه: و اين حقير الخ. أقول الذي في

النسخة المطبوعة لكتاب اصول العقائد قوله: و حقير در جهل حديثى كه. الخ و راجع الذريعة ج٢: ١٩٨ و الظاهر أنّ شيخنا المرحوم لم يطّلع على اصول العقائد و أنه نقل ذلك عن كتاب «وقايع الأيام» لما يأتي في الموضع المذكور من ج٢ و هكذا يستفاد من ترجمة الرجل في «الكواكب المنتشرة ص ٨٠١».

«الأربعون حديثا» ص ٤٣١ رقم ٢١٩٨: انظر ما مرّ في ص١٢٧ و ٢٢٢ و [الدر النظيم ٨: ٨٦: ٣٠٨] و يراجع «أعيان الشيعة ٥٢: ٧٦ - ٧٨ ط ١ و ١٠: ٣١٩ ط الكبيرة» نقلاً عن مكتوب شيخنا المصنّف و راجع أيضاً [الأنوار الساطعة ٢٠٧].

«الأربعون حديثا الخ» ٤٣٣: ٢٢٠٢. قوله س١٢ «و المتوفّى سنة ٥٨٥». أقول الذي ذكره في «مصفّى المقال» و غيره أنّه المتوفّى بعد تلك السنة أي بعد ٥٨٥.

«الأربعونيات» ص ٤٣٦ رقم ٢٢٠٩، **القاضي محمد سعيد:** مضى ذكره في ص٤١٧ و يأتي في الجزء السادس ص١٢ و الجزء الرابع ص٤٨٢ و الجزء السادس عشر ص ٣٤٠.

أقول العبارة المنقولة عن أوّل الأربعينيّات في ص٤٣٧ لّما نقلها شيخنا المرحوم بواسطة الروضات فقد وقع فيها بعض الخطاء و السهو فتبصّر.

«الإرث و الفرائض و الميراث» ص ٤٣٩ س٨، **في حرف الفاء:** ج١٦ ص١٤٥ فما بعدها.

«الإرث» ٤٣٩: ٢٢١٤. قوله في ص٤٤٠: ٢ «نسخة بخط مير على». أقول يأتي في (ص٥٢٥ الرقم ٢٥٦٤) أنّ النسخة (بخط پيرعلى) أى بالباء الفارسية فتدبّر.

«الإرث» ٤٤٢. راجع «البيّنات» في ج٣: ١٩٥.

«الإرث» ٤٤٢: ٢٢٢٣. أقول يأتي ذكر هذا الكتاب أيضاً في ج١٨: ٥٥.

«الإرث» ٤٤٣: ٢٢٢٧. للعلاّمة الفقيه صاحب الجواهر. أقول فيه التصريح بأنّ أصل صاحب الجواهر قدّس سرّه من إصفهان و أنّ وفاته ظهر يوم الأربعاء أوّل شهر شعبان ١٢٦٦.

«الإرث» ٤٤٧: ٢٢٤٥. للمولى علي أكبر بن محمّد باقر الايجي. أقول هذه نسبة إلى اِژهْ من قرى إصفهان و كتاب الإرث هذا بالفارسيّة موجودة عندنا، و مرّ له الرقم ١٥٤٩.

«ارجوزة» ص ٤٥٩ رقم ٢٣٠٤: و يأتي له ارجوزة في المعاني أيضاً.

«ارجوزة» ص ٤٥٩ رقم ٢٣٠٥: أقول انظر «منظومة في أُصول الفقه ٢٣: ٨٤: ٨١٠٤» و ما ذكرناه في التكملة.

«ارجوزة» ص ٤٦٧ رقم ٢٣٢٧: أقول مرّ له «الإجازة ٢٥٤: ١٣٤٢» و يأتي له «نتايج الأفكار ٢٤: ٤٢: ٢١٠» و راجع «الأنساب المشجّر ٢: ٣٨٨: ١٥٤١» و ما ذكرناه هناك في التكملة و لايغفل.

«ارجوزة» ص ٤٧٠ رقم ٢٣٤٣: أقول راجع ج١٧ص١١٣ رقم ٦٠٦.

«ارجوزة في الرضاع» ٤٧٦: ٢٣٦٧: ٥. قوله «و بعده فاعلم». أقول في نسختنا المخطوطة هكذا «و بعد هذا اعْلَمْ». و خلف تلك الارجوزة نسخة «الأرجوزة في الرضاع» الرقم ٢٣٦٨ لجدّنا العلامة الكبير السيّد صدرالدين محمّد (طاب مثواه) و راجع «الذريعه ١٣: ٧١».

«ارجوزة» ص ٤٧٦ رقم ٢٣٧٠: نسخة هذه الأُرجوزه عندنا في مجموعة صغيرة الحجم أوّلها الدرّة لبحرالعلوم ثمّ خلاصة الأبحاث لجدّنا الحرّ و غيرها.

«أرجوزة» ص ٤٨٠ رقم ٢٣٨٤ س١٣، و الذي: أقول إنّ صاحب «أعيان الشيعة ج١١ مج١٢ص٢٧٢» قد استفاد من تمام هذا العنوان و التحقيق الذي ذكره شيخنا و لم يتفوّه بذكر مأخذه و هذا ظلم فاحش.

ص ٤٧٦ س ٢٣، الناظم: أقول و قد ضبط اسم صاحب الأُرجوزة أيضاً الأُستاد عباس اقبال في كتابه (خاندان نوبختي) اسمعيل و قال إنّ مأخذنا كشف الحجب و نسخة مخطوطة من كتاب أمل الآمل، و لكن عندي نسخة من كتاب الأمل بخط جدّنا الأمجد الأوحد صاحب الروضات و ضُبطَ فيها أحمد و الله أعلم.

«ارجوزة» ص ٤٩٣ رقم ٢٤٢٨: سيأتي له «الأُرجوزة في المنطق ٤٩٨: ٢٤٥٥»

«ارجوزة» ص ٤٩٦ رقم ٢٤٤٤: أقول انظر «شرح أُرجوزة ١٣: ٧٢ س١٦» و «المنظومة ٢٣: ١٣٦: ٨٣٧٨» و جاء في مجلّة «تراثنا ٢: ٤: ٢٠ — ٢٢» نقد للطبعة الحديثة من الأُرجوزة نفسها في «تراثنا ١: ٤: ٢٠٩ - ٢١٧» و هناك نقد لنسبة الأُرجوزة إلى القمي و أنّ الصواب أنّها لغيره و طبعت في مصر منسوبة لابن الشحنة الحنفي و إنّما القمي شارحها فراجعه.

«ارجوزة» ص ٤٩٨ رقم ٢٤٥٥: أقول مرّ له آنفا «الأُرجوزة في الكلام ٤٩٣: ٢٤٢٨»

و انظر «الشريفيّة ١٤: ١٨٨: ٢١٢١».

«ارجوزة» ص ٥٠١ س ٨: أقول انظر العروس في ج١٥ رقم ١٦٣٢ مع التعليقة لزاماً.

«ارجوزة في النحو» ٥٠١: ٢٤٧١. للسيّد محمّد تقي القزويني. أقول اوّل الارجوزة على ما في كتاب «المآثر و الآثار: ١٧٩» قوله: قال التقيُّ بن النقيُّ بن الرّضا مفتخراً بالمصطفى و المرتضى و تأتي حاشيته على الرياض في «ج٦: ١٠٠».

«ارجوزة» ص ٥٠٥ رقم ٢٤٨٧: أقول راجع «ضوء الرشد ١٥: ١٢٠: ٨١٠» مع التكملة.

﴿الارشاد في أحوال الصاحب بن عبّاد ره﴾ ص ٥٠٧: يأتي في ج٧ ص١٢٠ فراجعه.

«الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد» ٥٠٩: ٢٥٠٦. للشيخ المفيد ره. أقول ذكره مرّةً العلاّمة المجلسي في البحار باسم «إرشاد العباد» و ذلك في (ج٢٥: ١٥ س الاخير. ط ١) الموافق (ج١٠٧: ٢٥ ط ٢). و يأتي مختصره باسمه «المستجاد من الارشاد ٢١: ٢».

ص٥١٠ س ٥، سنة ١٣٠٨: طبعة ١٣٠٨ هي المصحّحة بعناية السيّدين الفاضلين من بيت القاضي الطباطبائي التبريزي كما وصفها جيّدا في التعليقة على كتاب اللوامع الإلهيّة ص ٣٣٩ و ذكر المشار في فهرسه أنّ الطبعة المذكورة في ٤٠٠ص بالحجم الوزيري و طبعت في المطبعة الحجرية بتبريز و ذكر أيضاً ساير طبعات الكتاب فراجعه.

«إرشاد الاذهان» ص ٥١٠ رقم ٢٥٠٨: الظاهر أنّ هذا الكتاب للمولى محمّدصادق بن آقا محمّد براد كاهي لنكراني و هو من الكتب النفيسة في هذا الفنّ حيث أثبت فيه الإمامة الخاصّة من الأدلّة و الأخبار المرويّة عن العامّة بطرقهم في ضمن ٤٢ آية من كتاب الله تعالى و ٢٢ حديثاً من كتب العامّة المعتبره الموثقة عندهم و غير ذلك من الأدلّة العقليّة رحمه الله و فرغ من تأليفه ١١ ذيقعدة سنة ١٢٧٩ و طبع في تبريز سنة ١٢٨١. قد ذكره في هذا المجلّد في ص٦١ و ص٨٣ و يأتي له (المراسم الشرعيّة) في ج٢٠ ص٢٩٨ و راجع مكارم الآثار ٧ رقم ١٦٢٣.

«إرشاد الأذهان» ٥١٠: ٢٥٠٩. قوله في ص٥١١: ١٧ «شرح الشيخ عزّالدين حسين بن عبدالصمد والد الشيخ البهائي». أقول قال في وصفه صاحب «نظام الاقوال» ما لفظه: «و حاشية الارشاد عاقته عن اتمامها عوائق الدهر الخوّان» انتهى. و الظاهر أنّهما واحد و يأتي في الحواشي أيضاً (ج٦: ١٥).

«شرح إرشاد الاذهان» ٥١٢: ١٥. قوله «شرح الإمام العلاّمة الأنصاري الشيخ المرتضى شرح لكتاب طهارته». أقول يأتي هذا الكلام أيضاً في الشروح (ج١٣: ٨٠: ٢٥٨) و أنّه «هو المعروف بالطهارة المطبوع مكرّراً» انتهى و هكذا وقع في كتاب سبط العلاّمة الأنصاري دام عزّه «زندگانى و شخصيت شيخ انصارى: ١٣٢ ط ٢» و لكنّ الحقّ أنّ كتاب الطهارة للشيخ شرح لكتابين ١ - شرح للشّرايع من اوّله إلى آخر مبحث الوضوء و ٢ - شرح للإرشاد من مبحث الدماء الثلثة إلى آخر كتاب الطهارة، اتّضح لنا هذا قديماً بعد التأمّل ثمّ رأيناه في «مكارم الآثار ٢: ٤٩٨» نقلاً عن «فهرس ض ٥: ٥٩٦». و أمّا كتاب الزكوة و الخمس و قليل من الصّوم المطبوع كلّها خلف كتاب الطهارة الموصوفة فجميعها شروح لارشاد الاذهان.

«إرشاد الجهلة» ص ٥١٣ رقم ٢٥١٣ س١٤، **الجزيرة الخضراء**: أقول يأتي كتاب «الجزيرة الخضراء» متعدّداً في ج٥ ص١٠٥.

«إرشاد العباد» ٥١٥. يراجع ما ذكرناه بهامش «الارشاد» للشيخ المفيد ره (رقم ٢٥٠٦).

«إرشاد العوام» ص ٥١٥ رقم ٢٥٢٤: أقول انظر «تنبيه الأنام ٤: ٤٤١: ١٩٦٢».

«إرشاد المعلّمين» ص ٥١٩ رقم ٢٥٣٣: أقول يراجع لزاماً «الروضة النضرة ص ٣٤ - ٣٥».

«إرشاد المسترشدين» ٥٢١: ٢٥٣٩. لفخر المحقّقين. نقل عنه و اعتمد عليه جدّنا الشهيد الثاني «طاب ثراه» في أواسط كتابه «تخفيف العباد في بيان أحوال الاجتهاد».

«إرشاد المسترشدين» ٥٢١. قال العالم الفاضل المولى محمّدعلي بن محمّدرضا التوني الإصفهاني في هامش فهرس نسخة الأصل من كتابه «النهاية في شرح الهداية» في النحو بعد نقله كلاماً لابن شهرآشوب (رحمة الله عليه) في مناقبه، ما نصّه: «نقلت من كتاب إرشاد المسترشدين لأستادي المحدّث العالم العامل الزاهد حاجي محمّدحسين البغمجي المشهدي. بغمج قرية من قرى مشهد الرضا (ع)» انتهى المقصود من كلامه.

«إرشاد المسلمين» ٥٢٢. إلى أولاد اميرالمؤمنين. لسيّد مشايخنا العلاّمة السيّد عبدالله المدرّس الشهير بثقة الاسلام رحمه الله. يأتي في الراء بعنوان «رسالة إرشاد المسلمين».

«إرشاد المقلّدين» ٥٢٢. هو رسالة فارسيّة لعمل المقلّدين مؤلّفه سيّد مشايخ إجازة

شيخنا المؤلّف ابن عمّنا السيّد ابومحمّد الحسن صدرالدين الموسوي العاملي الكاظمي المذكورة إجازاته في ص١٧٤. و الإرشاد رسالة موجزة (في ١٣٣ص) مشتملة على مَسائل الطّهارة و الصلوة و الصّوم و الزكوة و الخمس، ذكر في آخرها أنّه فرغ من تأليفها يوم الثلثاء سلخ شهر رجب ١٣٣٨ و هذا التاريخ بعد وفاة خالنا المرجع الشهير ابنُ عمّ السيّد و زوج شقيقته آية الله السيّد السمعيل الصّدر قدّس سرّه (في ١٨ج١-١٣٣٨) و مع انّه لم يذكر على النّسخة محلّ طبعها ولكن لا شكّ انّها طبعت في إحْدى مطابع بغداد و نشرتْ نسخُها في البلاد النائية دون العراقين فإنّا لم نجد لهذا الكتاب ذكراً في واحدٍ من الفهارس و كتبِ التراجم التي رأيناها، و يراجع «مكارم الآثار ٦: ٢٠١٦».

«رسالة في الارض المفتوحة عنوةً» ٥٢٤. راجع (ج١١: ٦٠) و (ج٢١: ٣٥٨).

﴿إرغام آناف الخصوم في تحقيق تزويج امّ كلثوم﴾ ص ٥٢٤: الملقّب بالرسالة الإلهاميّة بالفارسية لبعض علمائنا الأعلام في البلاد الهنديّة. مستخرج من كتابه «لهب النيران لإحراق محرق القرآن» الذي هو في الرّد على أحد نواصب الهند في رسالته «طعن السّنان على من جرح في القرآن». طبع الإرغام في ١٦ص سنة ١٢٩٦ في بمبئي و عندنا نسخة مصوّرة عن المطبوع و وصفه المشار في فهرسه كما وصفناه و لم يذكر مصنّفه أيضاً.

«الأركان في دعائم‌الدين» ٥٢٥: ٢٥٦١. انظر ما علّقنا على «عقود الدين ج١٥: ٣٠٣».

«أركان الايمان» رقم ٢٥٦٤ - ٥٢٦ س ٨، كما مرّ ذكره: في ص٤٣٩ و ذكر هنا اسم الكاتب ميرعلى بالميم.

«إزاحة الشكوك و الأوهام» ٥٢٧. عن مشروطية دولة الاسلام. للشيخ عبدالحسين (تجلّي) الدزفولي المذكور في (ج٩: ١٦٧). ذكره في «مكارم الآثار ٦: ٢٠٦٦».

«إزالة الأوهام» ٥٢٨: ٢٥٧٩. قوله المتوفّى حدود سنة ١٣٤٩. أقول توفّى الشيخ أحمد الشاهرودي ره في محرّم ١٣٥٠ كما يأتي في (ج٨: ١٤٦: ٣: ٥٦٣: ٤) بعد التصحيح.

«ازهار الرياض الربعية» ٥٣٠: ٢٥٨٩. أقول الصواب انّه «ازاهير الرياض المريعة و تفسير ألفاظ المحاورة و الشريعة» مجلّد واحد لأبي‌الحسن البيهقى كما ذكره في «معجم الادباء ١٣: ٢٥٥» عن «مشارب التجارب» و أيضاً أقول راجع كتابنا [جامع الأنساب ١: ٦٠: ٥٩ و المقدّمة ٧٥ و الذريعة في «لباب الأنساب ١٨: ٢٧٧: ٩٣].

«أزهار بستان الناظرين» ٥٣٣: ٢٦٠: ١٤. قوله «ينقل عنه كثيراً المحدّث البحّاثة المتبحّر الشيخ عباس القمي المعاصر في كتابه «كحل البصر» الخ. أقول ينقل هو عنه أيضاً في «منتهى الآمال ١: ١٣٦»

«ازهار الرياض» ص ٥٣٤ رقم ٢٦٠٣: أقول راجع (رياض الازهار) في ج١١: ٣١٩ و (مجموعة الماحوزي) في ج٢٠: ١١٦: ١٨٥. و يذكره الشيخ سليمان في أربعينه السابق الذكر (ص٤١٨: ٢١٥٧) باسم «ازهار الرياض» أيضاً.

«أزهار الناظرين» ٥٣٦: ٢٦٠٦: ٨. قوله عليه الرحمة و الرضوان: «نسبَه إليه في بغية الراغبين». أقول ذكره السيّد عباس نفسُه في كتابه «نزهة الجليس ١: ٢١٨ ط ١».

تمّ و الحمد لله تبييض تعليقات المجلّد الأوّل من الذريعة و نقلها الى هذه الاوراق في السادس عشر من الربيع الآخر ١٤٠٥هـ. و صلّى الله على سيّدنا و نبيّنا محمّد المصطفى و آله الطيّبين الطاهرين و سلّم و يتلوه تعليقات المجلّد الثاني.



الجزء الثاني

«الأساس» ص ٣ رقم ٢: أقول راجع «رسالة الاساس الخ» في ج١١ ص٦٣.

«أساس الاقتباس» ص ٥ رقم ٨: أقول طبع هذا الكتاب بمصر سنة ١٣٢٦ كما ينقل عنه كذلك صديقنا العلاّمة الجليل الدكتور حسين بن علي آل محفوظ الكاظمي حفظه المولى في كتابه المطبوع «متنبيّ و سعدي» و صاحب الأساس المذكور في [الأعلام ٢: ١٥١] بعنوان الحسين بن غياث‌الدين التربتي الهروي اختيارالدين الحسيني المتوفّى ٩٢٨ فراجعه.

«أساس المطالب» ٧. في الدراية و الرجال، للسيّد محمّد القاضي الدزفولي المعروف بصَلَواتي. تقريرات شيخه العلاّمة الحاج الشيخ مرتضى الأنصاري قدّس الله روحه. ذكره في كتاب «زندگاني و شخصيّت شيخ انصارى: ٣٠٦». و له ترجمة اُخرى في «معارف الرجال ٢: ٢٤٩» ربّما يعسر الجمع بينهما.

«أساس القواعد» ص ٧ رقم ١٦ س ١١، **للمولى كمال‌الدين: قيل إنّه** للمولى كمال‌الدين حسين ... و لكنّه خطأ لوجود نسخته المكتوبة في (٨٧٢) في (الرضويّة) أوّله [نحمده على نعمائه الوافية الوافرة و منحه المتوالية المتكاثرة] و هو شرح بقال أقول. ألّف في حياة الماتن يعبّر عن الماتن أحياناً بقال أدام الله ايّامه. شرح منه خصوص المقالات الأربعة و اعتذر بأنّ الخامسة في الجبر و المقابلة كانت مشروحة. صح

«إسالة الدمعة» ٨: ١٩. أقول انظر (أنوار البدرين: ١٧٤) و الظاهر أنّ الإسالة هذه هي الرسالة المطبوعة خلفَ كتاب «الفرحة الانسيّة»، للشيخ حسين آل عصفور طبعة

النجف الأشرف سنة ١٣٤٥ و الرسالة من ص٢٠٦ إلى ٢٠٩ و لم يعرفها الناشر لنقصان اوّلها كما لم يعرفها أحد من الباحثين فيما أعلم و الحمد لله على ما أنعم علينا و علّم، و لكن لايخفى مع ذلك أنّ في تلك الرّسالة المطبوعة الناقصة المغلوطة ما دلّنا على معرفتها و معرفة مصنّفها ففيها ص٢٠٧ س١٧ قوله [فإن قلت.... و هو على ما أصّلتموه في كتاب من لا يحضره النبيه في شرح من لايحضره الفقيه] الخ. فهذا الكتاب كما ذكره شيخنا المصنّف في موضعه (ج٢٢: ٢٣٢: ٦٨٣٩) للشيخ عبدالله السماهيجي المذكور و أيضاً جاء في آخر الرسالة (ص٢٠٩ من المجموعة المطبوعة) ما لفظه «و كتب مؤلّفها عبدالله بن صالح البحراني ... و كتبه ... ابراهيم بن حمد بن محمّد آل عصفور» فالأوّل هو المصنّف و الثاني هو كاتب النسخة و أمّا التاريخ المذكور في هذا الموضع أعني قبل الأقدم اسم المؤلّف و هو بهذه الصورة [سنة ١٢٣١ الحادية و الثلثين و المأتين و الألف] فلا شبهة في التحريف فيه و نسأل الله سبحانه التوفيق للعثور على نسخة كاملة معتبرة من الرسالة إن شاء الله و انظر ما نقلناه عنها في (الأشعثيات).

«أسامي مشايخ الشيعة» ٢٤:١٠. أقول هو الرسالة المطبوعة في «نشريّة دانشكده ادبيّات تبريز. العدد ٨٤» بعنوان «أسماء المشهورين من العلماء» و راجع «تراجم» في ج٤.

«أساور من ذهب» ١١. من مؤلّفات العلاّمة الحاج الشيخ مهدي النجفي المسجدشاهي الإصفهاني ابن خالنا العلاّمة الحاج الشيخ محمّدعلي ابن العلاّمة الكبير جدّنا الأعلى من قبل بعض الاُمّهات الحاج الشيخ محمّدباقر ولد العلاّمة الأكبر الشيخ محمّدتقي صاحب «هداية المسترشدين» رحمة الله عليهم أجمعين. و الأساور مطبوع.

«الاستبصار» ١٤: ٤٢: ٣. قال الفقيه ابن ادريس الحلّي رضي الله عنه في أوائل حجّ سرائره بعد نقل ما أراد من الاستبصار ما لفظه [و هذه طريقته في هذا الكتاب أعني كتاب الاستبصار يقدّم في صدر الباب ما يعمل به من الأخبار و يعتمد عليه و يفتي به، و ما يخالف ذلك يؤخّره و يتحدّث عليه، هذه عادته و سجيّته و طريقته في هذا الكتاب فمذهبه في الاستبصار ما هو ما اخترناه و قد رجع عن مذهبه في نهايته و جُمله و عقوده و اختار في استبصاره ما ذكرناه] انتهى.

«الاستبصار فيما اختلف من الأخبار» ١٤: ٤٣. أقول نذكر نسخة الأصل من الاستبصار في التعليق على [الدرّ المنثور] لجدّنا الشيخ علي الشهيدي [ج٨: ٦٧] فراجعه.

قوله (في س١٦) و قد أحصى بعضُ العلماء. أقول لعلّ هذا البعض هو العلاّمة الشيخ يوسف البحراني صاحب الحدائق الذي أحصى أحاديث كتاب الكافي و الفقيه و التهذيب و الله العالم.

ص ١٤ س٢٠، **قد طبع بالهند:** قال (م. هدايت حسين) في دائرة المعارف الاسلامي الذي ألّفه المستشرقون (المسيحيّون) و ترجمه جماعة بالعربية ثمّ ترجمه محمّدعلي الخليلي إلى الفارسية عند ذكره لمآخذ شرح أحوال ابن بابويه: (٢ - استبصار طوسى چاپ شبر نزر شماره ٦٦١ و بشماره ٤٧١ نيز مراجعه شود) اه و الظ أنّه طبع الاستبصار باهتمام هذا المستشرق في بلاد الهند (راجع ترجمة دائرة المعارف ج١ ص١٤٥ ط طهران سنة ١٣٥٨).

ص ١٤ س٢١، و **النسخة:** أقول و توجد مصوّرة هذه النسخة في المرعشيّة بقم في ١٧٢ ورقة كما في فهرس مصوّراتها ١: ١٠٠ رقم ٩٧.

«استحباب التياسر لأهل العراق» ١٨: ٤٩. يراجع (ج٤ هامش ص٥١٧). و أقول عندنا نسخة هذه الرسالة بخط محمّدصادق بن محمّدعلي السركاني في أواخر مجموعة له تمامها بخطّه و معظمها ترجمته لرسائل هامّة من العربيّة إلى الفارسية و تاريخ بعضها سنة ١٠٤٣ فهو من فضلاء عصره و علماء مصره و الرسالة مختصرة جدّاً في ٧ صفحة من المجموعة المذكورة أوّلها بعد البسلمة [جرى في أثناء فوائد المولى الإمام أفضل علماء الإسلام و أكمل فضلاء الأنام نصير الدنيا و الدين] الخ و راجع كتاب [احوال و آثار خواجه نصير ٢٠٢] و اشتبه الأمر على مؤلّفه حيث ذكر أنّ جدّنا صاحب «مدارك الأحكام» طاب مثواه أيضاً ممّن أورد في كتابه الرسالة بأسرها و لكن هذا وهم منه و إنّما المذكور في صلوة المدارك أصل القصة دون إيراد الرسالة.

«الاستدراك لما أغفله الخليل» رقم ٧٣ — ص ٢٣ س ١، ص ١٢٧: و أيضاً السيوطي في البغية ص٢٨.

«الاستدراك على العمدة» ٢٣. في فضائل أميرالمؤمنين عليّ بن أبي‌طالب صلوات الله و

سلامه عليه للشيخ أبي‌الحسين يحيى بن الحسن بن الحسين بن علي بن البطريق الحلّي متوفّى سنة ستّمائة، كما في «كشف الحجب و الأستار: ٤٣».

«الاستخارات» ١٩. راجع «رسالة في الاستخارة» في (ج١١: ٦٥).

«الاستشعار» ٢٣: ٧٧. يأتي لمؤلّفه أيضاً «الاعتذار» في ص٢٢٣.

«الاستصحاب» ص ٢٤ رقم ٨٤: أقول عندنا قطعة من هذه الرسالة بخط جدّنا الأفقه مؤلّفها طاب ثراه.

«الاستغاثة في بدع الثلاثة» ص ٢٨ رقم ١١٢: عندنا نسخة جيّدة من كتاب الاستغاثة كتب في آخرها من ذكر نفسه «كلب عتبة الرضوي محمّدرضا الحسيني الموسوي» انّ هذه النسخة كتبها له «الأخ المخصوص بالفيض الأبدي و الأزلي نتيجة الفضلاء العظام و سلالة القضاة و العلماء الكرام قاضي محبعلي» ثمّ قال إنّها «حُرِّر و قوبل من نسخة كتبها عمّي الماجد المحفوف برحمة القادر أمير محمّدباقر» ثمّ أرّخ ذلك بشهر محرم ١٠٦٤ ثمّ إنّه ذكر في صفحة العنوان ما لفظه «كتاب الاستغاثة في بدع الثلاثة تصنيف الشيخ الإمام العالم العلاّمة كمال الملّة و الدين ميثم البحريني ... حرّره الفقير إلى مولاه الغني خادم الشريعة البيضاء كلب عتبة الرضا ابن سليمان الحسيني ثمّ الموسوي محمّدرضا ...» ثمّ كتب الحاج ملا محمّدباقر البهبهاني مؤلّف «الدمعة الساكبة» بهامش هذا الموضع أنّ كتاب الاستغاثة هذا لعلي بن أحمد الكوفي أبي‌القاسم الخ. و انظر كلام الشيخ سليمان الماحوزي حول هذا الكتاب في [أنوار البدرين ص ٦٣] ثمّ استدراك مؤلّف أنوار البدرين في ص٦٦ و قد ذكرنا ترجمة الشريف الكوفي في «جامع الأنساب ٥٧ – ٥٩» و أضفنا إليه أشياءً بعد الطبع.

«استقبال الميت» ص ٢٩ رقم ١١٨: أقول راجع «تحقيق القبلة ٣: ٤٨٤».

«استقصاء الاعتبار في شرح الاستبصار» ٣٠: ١٢٠. يعني به كتابَ الاستبصار للشيخ الطوسي المذكور في ص ١٤: ٤٣. و يأتي ذكر هذا الشرح أيضاً في الشروح (ج١٣: ٨٧ س٦) و قال شيخنا في «مصفّى المقال: ٤٠١» عند ترجمة جدّنا هذا إنّ شرح استبصاره مشحون من التحقيقات الرجاليّة و قد أفردت المقدّمة مستقلّة ذكرها المصنّف في الذريعة ١٦: ٣٢٢: ١٤٩٦ فلاحظ و يأتي شرح تهذيبه في ج١٣: ١٥٧.

رأينا من الاستقصاء نسخةً في مجلّد ضخم مشتمل على الجزئين الأوّل و الثالث منه فقط و تمامها بخط أحد الكتّاب الإصفهانيّين فرغ من الكتابة في ٢٦ ذي‌الحجة ١٢٤٤ و لم يكن فيها أثر التصحيح و المقابلة، و هذا كلام الشارح في نهاية الجزء الثالث، قال: «و ليكن هذا آخر الجزء الثالث... و يتلوه... في الرابع كتاب الزكوة... و اتّفق بتوفيق الله تمام هذا الجزء في أواخر شهر صفر من شهور السّنة السابعة بعد الألف... و ذلك في مشهد سيّد الشهداء... و كتب بيده مؤلّفه» انتهى و الظاهر وقوع التحريف في نقل التاريخ. و توجد نسخة اُخرى من الاستقصاء في مكتبة مدرسة الفيضيّة بقم كما في فهرسها (ج٢ ص ٣٦٨ – ٣٧٠) و (تربت پاکان ١: ١٥٦).

ص ٣٠ س ٢٠، **كتب في آخره:** و ذكر هناك اسم الكتاب (استقصاء الاعتبار لشرح الاستبصار) في النسخة المذكورة و في آخر الجزء الثالث كما في المتن.

ص٣١ س ١، **و هي بخط الشيخ حسن:** لم يذكر شيخنا ره أنّ تلك النسخة لأيّ جزء أو أجزاءٍ من الكتاب.

ص٣١ س٧، **و على النسخة أيضاً:** أقول كانت هذه النسخة عند جدّنا الشيخ علي ابن المصنّف فنقل تاريخ الوفاة عن خط الشيخ حسين مفصّلاً في كتابه الدرّ المنثور ٢: ٢١٢ ط قم.

«استقصاء الافحام» ص ٣١ رقم ١٢١ س١٦، **عشرة مجلدات:** ذكر في (نزهة الخواطر) انّه في مجلدين كبيرين و طبع جزئه الثاني أوّلاً سنة ١٢٨٠ في مطبع مجمع البحرين (لوديانه) كما رأيناه عند صديقنا الماجد الحاج السيّد محمّدعلي الميلاني في مشهد و عندنا و عنده أيضاً الطبعة الثانية للجزء الثاني المذكور كطبعته الاُولى.

«استنباط الحشوية» ص ٣٤ رقم ١٣١: انظر ما ذكرناه في «شرح روضات الجنّات ١: ٣٠٩» و أضفنا إليه بعد الطبع أيضاً.

«الاستيفاء» ص ٣٦ رقم ١٤١: قال شيخ الطائفة نفسه قدّس سرّه في التبيان ج١ص٥٤٨ ط حجر في تفسير أية ﴿إنّما وليّكم الله﴾ الخ ما لفظه [و قد استوفينا ما يتعلّق بالشّبهات المذكورة في الآية في كتاب الاستيفاء و حللناها بغاية ما يمكن فمن أراده وقف عليه من هناك] انتهى. م‌ع‌ر في ليلة ١١ شهر رمضان المبارك ١٤١٨

«إسداء الرِغاب» ص ٣٧ رقم ١٤٥: أقول عبارة المصنّف كهذه في المقدّمة «و سمّيته باسداء الرغاب في مسئلة الحجاب عن وجه السّنه و الكتاب بإثبات وجوب التستر على النساء و الاحتجاب» و هو كتاب قيّم جدّا أثبت فيه تحريم النظر حتّى على الوجه و الكفّين و فيه فوائد مجموعة لاتوجد في غيرها جزاه الله تعالى خيراً.

﴿الأسديّة﴾ ص ٣٨: يراجع (الرسالة الأسديّة) في ج١١: ٦٦: ٤١٧.

«أسرار الإمامة» ٤٠: ١٥٧. أقول الظاهر أنّ شيخنا المصنّف لم يطلع على نسخة لهذا الكتاب الشريف كما لم نطّلع نحن أيضاً، و لنا بحث حول عدّة من مؤلّفات العماد الطبري «قدّس الله روحه» في أجزاء فهرسنا المخطوطة و مواضع اُخرى منها في تعليقات الرياض و الروضات و بعض أجزاء الذريعة الآتية و راجع «درجات التولّي لأولياء الله» في (ج٨: ٥٩). و نزيدك هنا بياناً حول الأسرار أنّه قال صاحب «فضائل السادات: ٣٧٧ ط ١» ما لفظه: «و قال الشيخ حسن بن علي الطبريُّ صاحب كتاب كامل البهائي ره في كتابه «مناقب الطاهرين» المشتهر بكتاب «الأسرار في إمامة الأئمّة الأطهار» الخ. أقول و أنت خبير بأنّ «مناقب الطاهرين» باللغة الفارسية و لكن ما نقل في «فضائل السادات» عبارات بالعربيّة، و الله العالم. قوله في (ص٤١ س١): و كذا نقل عنه المحقّق السبزواريُّ. أقول إنّ المحقّق السّبزواريّ نقل ذلك في «الذخيرة» بواسطة جدّنا الشهيد الثاني (رضوان الله تعالى عليه) في رسالته المذكورة من دون تصريح به كما نقل بواسطته أيضاً المحدّث الفيض في «الشهاب الثاقب: ٣٨» و لا دليل في كلام هذين العالمين و لا غيرهما على رؤية كتاب الطبري الذي اسمه عند الشهيد الثاني «نهج العرفان».

ص ٤١ س١٢، و منها: أقول و منها ما نقله صاحب الرياض عن الأسرار في ترجمة الراغب الإصفهاني و انظر ما يأتي (الرقم ١٥٨).

«أسرار الزيارة...» ٤٥: ١٨٠. راجع ما نذكره حول «حقايق الأسرار» في ج٧: ٢٩.

«أسرار الشهادة» ٤٦: ١٨٦. أقول لم يطبع هذا الكتاب و ذكرنا مآخذ ترجمة مؤلّفه في تعليقات «الكرام البررة». و راجع كتاب «شيخيگرى و بابيگرى» ص٨٩ و ما بعدها للصديق الفاضل مرتضى مدرسي چهاردهي.

«أسرار الصّلاة» ٤٧: ١٩٢. للشيخ جمال‌الدين ابن فهد. أقول الظاهر أنّ هذا الكتاب

هو المعروف بمقدّمة في معاني أفعال الصلوة الآتي في الذريعة بعنوان «ترجمة الصلاة».

«أسرار الصلاة» ٤٨: ١٩٧. للسيّد الأمير محمّدصالح. أقول ذكره أوّلاً ولده في «مناقب الفضلاء».

«أسرار الصلوة» ص ٥٠ رقم ٢٠٠: راجع (ج٢٤: ٣٧٤ س٢).

«أسرار الصنايع» ٥١: ٢٠٣. للقاضي محمّدسعيد بن محمّدمفيد. أقول لم نعثر نحن في أسماء آثار القاضي سعيد على هذا الاسم طول فحصنا حول آثاره و أحواله أزيد من ثلثين عاماً، و لكن المولى رجبعلي الإصفهاني اُستاد القاضي سعيد ذكر بهامش كتابه المتصَف بالأُصول الآصفيّة في حاشية نسختنا المخطوطة أن لجنابه (أعني المولى رجبعلي) كتاباً بهذا الإسم ثمّ أطراه وَ مدحه، و ذكرنا كاملاً حول ذلك أيضاً بهامش نسختنا من «كليد بهشت».

﴿أسرار اليقين﴾ ص ٥٧: هو الاسم الذي أثبته أحدهم على أطراف نسختنا من «الدرّ الثمين في أسرار الأنزع النطين».

«اُسرة العترة» ٥٧: ٢٢٩. أقول ذكره جدّنا الإمام المجدّد في «الروضات» من جملة تصانيف جدّنا العلاّمة السيّد صدرالدين العاملي رفع الله تعالى مقامهما و ذلك قبل تأليف «التكملة».

«اُسس الأُصول» ٥٧: ٢٣٠. أقول راجع الذريعة ج٣: ١٧٦: ٦٢٨.

«الاسطرلاب» ص ٥٨: يراجع كتاب «احوال و آثار خواجه نصيرالدين ص٤١٤ فما بعدها» لتفصيل القول حول الاسطرلاب.

«الإسطنبوليّة» ٥٩: ٢٣٢. أقول انظر ما ذكرناه بهامش (ص٢٢٨: ٨٩٥) و راجع ج١١: ٧٣ و ج١٥: ٢٦٨: رقم ١٧٣٥.

«أسماء من استبصر من العلماء» ص ٦٨ رقم ٢٧٦ س ٢٢، **السيّد المعاصر في روضات الجنّات:** أقول ولد شيخنا المصنّف في ١١ع١ سنة ١٢٩٣ و توفّى سيّدنا الجدّ الإمام المجتهد المجاهد المجدّد آية الله العظمى السيّد ميرزا محمّدباقر الموسوي الإصفهاني طيّب الله تربته في ليلة الإثنين الثامن من جمادي الأُولى ١٣١٣ فكان الشيخ حين وفاة صاحب الروضات ابن عشرين سنة و اشتغل بتأليف كتاب الذريعة هذا في ١٣٢٩ كما في المقدّمة و كان

بدء عمله استخرج أسماء المصنّفات من كتاب الروضات فصار وليده و رضيعه و بركة من بركاته الكثيرة و له فضيلة السبق بكمالها و الحمد لله ربّ العالمين.

﴿أسماء المجتهدين﴾ ص ٦٩: انظر (تذكرة المجتهدين ٤: ٤٦: ١٨٢).

«الاسماعيلية» ص ٦٩ رقم ٢٧٧: أقول طبع بطهران سنة ١٤٠٧ رسالة الاسماعيلية هذه مصوّرة عن نسخة مغلوطة خلف المجلّد الأوّل من كتاب [شجره خاندان مرعشى] للسيّد علي‌اكبر المرعشي و ذلك من ص٣٤٠ إلى ص٤٥٨ من الكتاب. و قوله (ميرزا محمّد شاهمير) أقول إلى الميرزا محمّد شاهمير هذا ينتهي نسب السيّد ميرزا محمود المعروف بالمعلّم صاحب مسلك الإماميّة الآتي في (ج٢١: ٢٢: ٣٧٥٥).

«الإسناد المصفّى» ٧٠: ٢٨١. راجع ج٣: ٤٩١ س١٠.

«الأسنة» ص ٧٠ رقم ٢٨٣: أقول انظر «الردّ على ابن الآلوسي ١٠: ١٧٦» و يأتي في «المناظرات مع ابن الآلوسي ٢٢: ٢٨٣: ٧١١٢» انّ اسم الكتاب «الأسنة في قلوب السنة» و مرّ لمؤلّفه «كتاب الإجازات ١: ١٢٩: ٦١٥».

«الأسئلة الآمُليّة» ٧٢: ١٩٠. أقول يأتي ذكر هذه الأسئلة أيضاً في ج٥: ٢٠٤ بعنوان «جوابات السيّد حيدر» و انظر ما ذكرناه هناك في الهامش. و قوله طاب ثراه في ص٧٣: ١٤ «و على كلّ فالسيّد حيدر صاحب الكشكول» الخ. أقول ذكر شيخنا المؤلّف ره في كتابه «الحقائق الراهنة: ١٢١» ما لفظه: «عبدالله بن اسماعيل بن محاسن المعمار الأسَدي المعروف بابن المعمار يحتمل أن يكون الرجل هو مؤلّف «الكشكول فيما جرى على آل الرسول» المذكور في الذريعة ج١٨ ص٨٢» الخ و يراجع مقدّمة كتاب «جامع الأسرار: ٢٩» المطبوع.

«أسئلة ابن زهرة» ص ٧٤ رقم ٢٩٥: راجع «مسائل السيّد علاءالدين» في (ج٢٠: ٣٦٠: ٣٤٠٧).

«الأسئلة البروجردية» ص ٧٧ رقم ٣٠٨: راجع (ج٢١: ٢٩: ٣٧٩٧) و (ج١٤: ١٧٦: ٢٠٦٢) و (ج٢٥: ٢٢٠: ٣٧٠) وقف شيخنا المصنّف ره على النسخة عند الحاج الشيخ علي‌اكبر النهاوندي طاب ثراه في مشهد خراسان و نقل عنها النهاوندي نفسه في كتابه [راحة الروح ص٢٦ فما بعدها] و ليس فيما بين أظهرنا سوى ما ذكرنا أيّ خبر عن الملاّ

كلبعلي المذكور فما ذكره في «تاريخ بروجرد ٢: ١٠٢» تحت عنوان خاصّ للرجل من دون أيّة إشارة إلى مأخذه ليس إلاّ نقلاً عن هذا الموضع من الذريعة كما تراه أيضاً في «زندگينامه علاّمه مجلسى ٢: ٣٩١ و ٤١٢» اسماً خالياً عن ترجمة.

«**الأسئلة الجليلية**» ص ٨٠ رقم ٣١٧: انظر لهذه الأرقام الثلثة (ج٢٠: ٣٧٢: ٣٤٧٦).

«**الأسئلة الخليلية**» ٨٢: ٣٢٤: ٦. قوله: كما في آخر المجلّد الثالث من وقايع الايّام. أقول يعني مجلّد الصّيام من ذلك الكتاب ص٦٤٨، ولكن لنا كلام مع شيخنا المرحوم حول أجوبة المسائل الخليليّة هذه ذكرناه في ملاحظاتنا حول تراجم المجلسيّين و آثارهم.

«**أسئلة السيّد ركن‌الدين**» ٨٣: ٣٢٩. راجع كتاب «احوال و آثار خواجه نصيرالدين: ٥١٤ ط ٢».

«**الأسئلة الشبّرية**» ٨٧: ٣٤٢. أقول يأتي ذكرها أيضاً في ج٨: ١٣١. و قال في ج٥: ٢٠٧ إنّ السيّد شبّر هذا توفّي في البصرة سنة ١٢٨٨. و أمّا «الأسئلة الشبّرية» رقم ٣٤٣ فيذكرها المؤلّف أيضاً في ج٥: ٢٠٧.

«**الأسئلة الشدقمية**» ص ٨٨ رقم ٣٤٦: يأتي ذكر جواباتها في ج٤: ٢١١.

«**الأسئلة الظهيرية**» ص ٨٩ رقم ٣٥٥: أقول و بالله التوفيق إنّ شيخنا المصنّف يكرّر هذه الأسئلة بعنوان «جوابات المسائل الظهيرية ٥: ٢٢٧: ١٠٨٣» و ممّا ألهمني الله سبحانه بفضله و منّه و لم يتفطّن له قبلي أحد منذ طبع كتاب [الفوائد المدنية ١٦: ٣٥٨: ١٦٦٣] بتبريز سنة ١٣٢١ إلى هذا الأوان و هو يوم الجمعة ٣ محرم ١٤٠٨ انّ نسخة الفوائد المطبوعة انقطعت في وسط السطر الرابع ص٢٨٣ بقوله [فلهذا لايحتاج اتباعهم معهم] و ما بعده [في غالب] إلى آخر النسخة في ص٢٩٥ [انتهت المسائل] كلّ هذه الصفحات الثلثةعشر نصّ «الأسئلة الظهيرية» مع فقد أوّلها من النسخة المخطوطة التي طبعت عليها تلك المطبوعة فلاحظ تتمّة الكلام في التكملة على «الفوائد المدنية» ثمّ إنّ الظاهر أنّ قوله في السطر ٢٠ - ٢١ «يوسف بن محمّد بن ظهيرالدين» خطأ و أنّ الصواب «يوسف بن ظهيرالدين» الخ. و يأتي للرجل [السؤال و الجواب ١٢: ٢٤٥: ١٦٠٩] فراجعه و ذكرنا كلاماً حول الظهيري في التكملة بهامش «رسالة في صلاة الجمعة ١٠: ٧١: ٤٨٠» و السلام.

«الأسئلة المازحية» ص ٩١ رقم ٢٦١: أقول يأتي ذكرها أيضاً بعنوان «جوابات الشيخ أحمد ٥: ١٩٩: ٩٢٢» و توجد نسختها مكرّرة في مجموعتين و الرسالة في ٨ صفحة.

«الأسئلة المهنائية» رقم ٣٦٦ – ص ٩٣ س ١، **حرف الجيم:** (ج٥: ٢٣٦ – ٢٣٨ الرقمان ١١٣٦ و ١١٣٧).

«الأسئلة الهندية» ٩٤: ٣٧٢. للمولى عبدالله بن المولى محمّدتقي المجلسي. أقول توفّى المولى عبدالله هذا حوالي سنة ١٠٨٤ كما ذكره الصديق الجليل معلّم الحبيب‌آبادي و عندنا نسخة الأسئلة هذه في مجموعة كانت في خزانة جدّنا الإمام المجدّد طاب ثراه و نشرت في هذه الأواخر منضمّة إلى كتاب «زندگينامه علاّمه مجلسى ره».

«الاشارات» ص ٩٥ رقم ٣٧٧ س ٧، **طبع:** طبع باسم الإشارات و الدلائل على ما تقدّم و يأتي من الوسائل.

«إشارات الأُصول» ٩٧: ٣٨٣. قوله في (ص٩٨ س١): طبع بالمطبعة المعتمدية. أقول طبع من كتاب الاشارات هذا مجلّده الأوّل فقط و عندنا نسخة مخطوطة جيّدة من المجلّد الثاني.

«الإشارة» ٩٨: ٣٨٦. للسيّد كمال‌الدين. أقول ذكر شيخنا المصنّف ترجمته في نقباءالبشر: ١٦٩.

«كتاب الاشتقاق» ١٠٠: ٣٩٢. لابن دُريد. طبع مرّة في اُروبا و اُخرى بمصر طبعة أنيقة.

«الإشراف على سيادة الأشراف» ١٠١: ٣٩٨. راجع ج١٦: ١٧٨. أقول نسخة من الإشراف في مجموعة من رسائل مؤلّفه مكتوبة سنة ١٠٦٩ في مكتبة مسجد گوهرشاد كما في فهرسها ١: ١٩٧: ٢٣٠. و انظر [رسالة في السيّد و السّيادة و تحقيق معناها ١٢: ٢٧٥] و أيضاً [سيادة الأشراف ١٢: ٢٦٩ و ٢٧٠: ١٧٩٥ – ١٧٩٩] و هاهنا فائدة جليلة قال جدّنا الإمام الأفقه الشيخ جعفر كاشف الغطاء طاب مثواه في كتابه [الحقّ المبين ص٧٧ ط ١] عند ذكر بعض المتفرّدات الأخباريّة ما لفظه [و منها قول أكثرهم بأنّ أولاد بنات هاشم «...»

ص ١٠٢ س١٠، **السماوي:** أقول انظر ج١٦ ص١٧٨ فهناك وصف نسخة السماوي أيضاً.

﴿**إشراق الحقّ من مطلع الصدق**﴾ ص ١٠٣: فهرست مركزى ٣ - ٥٢٥ و الزركلي عنه.

«**إشراق هياكل النور**» ص ١٠٣ رقم ٤٠٤: انظر (هياكل النور) في موضعه (ج٢٥: ٢٥٣: ٥٩١) و لإجازة الدواني (ج١: ٢٣١: ١٢١٢).

«**كتاب الأشربة**» ص ١٠٤ رقم ٤٠٨: توجد ترجمته أيضاً مفصّلة في معجم الأُدبا لياقوت ج١ ص٢٣٢.

«**أشرف المناقب**» ص ١٠٧ رقم ٤٢١ س٣، **شرع في تاليفه سنة ١١٠٢**: و فرغ منه سنة ١١٠٣.

﴿**أشعه شعاعيه**﴾ ص ١٠٩: انظر [ديوان شعاع الشيرازي ٩: ٥٢٦: ١٩٢٠].

«**الأشعثيّات**» ١٠٩: ٤٣٦. قوله في (ص١١٠ س١٥): مع شدّة تنقيبها للكتب. أقول الصّواب تنقيبهما. ثمّ إنّا نقول يمكن انّ المحدّث الحرّ أعرض عن النقل عن الأشعثيات تعمّداً فقد قال الفقيه المحدّث الفاضل الشيخ عبدالله بن الحاج صالح السماهيجي المتوفّى ١١٣٥ في كتابه (اسالة الدمعة) عند ردّ التمسّك بحديث من الأشعثيات ما لفظه في جملة كلام له «و من ثمّ لم ينقل منه [أي من كتاب الأشعثيات] العلاّمة المجلسي ره في البحار و لا شيخنا الحرّ في الوسائل مع حرصهما على النقل من كتب الحديث ممّا صحّ نسبته عندهما بوجه من الوجوه و خصوصاً صاحب البحار و من البعيد جدّاً كونهما لم يعثرا عليه] إلى أن قال ره [و إنّما تطابق روايته في الأكثر روايات العامّة] الخ و أمّا جدّنا الإمام العلاّمة المجتهد المجاهد المجدّد آية الله العظمى في العالمين السيّد محمّدباقر الموسوي الإصفهاني فقد عنون لصاحب الأشعثيات في «روضات الجنّات رقم ٥٧٠» و هو أوّل من أشار إلى الكتاب قائلاً بأنّ الجعفريات «لم يكن عند مولانا المجلسي ره زمن جمعه لكتاب البحار و لا عند صاحبي الوافي و الوسائل فضلاً عن غيرهم» و صرّح أيضاً بحصول نسخته عنده بقوله «و قد ظفرنا به في هذه الأواخر من العمر البائر» الخ. فتمام الفضل في الكشف عن هذا الكتاب راجع إلى سيّدنا الجدّ طاب مثواه و إن كتمه المحدّث النوري ثمّ إنّ سيّدنا الجدّ نوّر الله ضريحه قال في آخر العنوان في حقّ الكتاب المذكور ما نصّه الشريف «و ظنّي انّ ترك الطائفة لاشاعته و ترويجه من جهة اشتماله عل شواذّ

الفتاوي و غرائب الأحكام و ما لايوجد نظيره في شيء من مصنّفات علمائنا الأعلام و الله العالم» انتهى كلامه رفع الله تعالى مقامه كما أنّ سيّد زعماء الإسلام في عصرنا هذا قد أثبت عدم اعتبار الأشعثيّات «الجعفريّات» في كتاب فقهه الجليل «مَباني تكملة المنهاج ١: ٢٢٥ - ٢٢٧ ط النجف الأشرف ١٣٩٦» فإنّه بعد أن نقلَ روايةً عن «الدعائم» و «الأشعثيات» قال ما لفظهُ الشريف: «ففيه أنّ ما في دعائم الإسلام لإرساله لم يثبت، و أمّا الأشعثيّات المعبّر عنها بالجعفريّات فهي أيضاً لم تثبت. بيان ذلك ...» إلى أن ذكر بعد بحثٍ له حول الكتاب ما نصّه: «فالنتيجه أنّ الكتاب الموجود بأيدينا لايمكن الاعتماد عليه بوجه». انتهى كما أنّه فنّد هناك أيضاً روايات كتاب الدعائم بقوله حفظه الله: «انّ ما في دعائم الإسلام لإرساله لم يثبت» انتهى. فمن أراد تحقيق الحقّ فعليه بمراجعة كتاب المباني و التأمّل في تمام كلامه المُبتني على ما في مقدّمة «الأشعثيات» المطبوعة خلف «قرب الإسناد». فهذا حال الباعث الأوّل لتأليف كتاب المستدرك. كما اعترف به صاحب الذريعة ره فحصل نسخة من الأشعثيات و نسخة من «دعائم الإسلام ٨: ١٩٧؛ ٧٧١» الذي تكلّمنا حوله أيضاً في موضعه باختصار فاستخرج رواياتهما في قراطيس و ألّف منها و من جميع ما جمعه الإمام العلاّمة المجلسي ره في «بحارالأنوار» ممّا يتعلّق بأبواب الوسائل كتاباً سمّاه مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل و الله من وراء القصد. و ليراجع ترجمة ابن الأشعث المفصّلة في «أعيان الشيعة ٤٥: ٣١٣» و من اللازم الرجوع إلى ترجمة القاضي أبي‌المحاسن عبدالواحد بن اسماعيل الروياني في «الثقات العيون ١٦٨» فلاتغفل.

أيضاً قوله في (ص١١١ س١٣): ... قدّس الله أسرارهم. أقول لايخفى أنّ احتجاج شيخنا المؤلّف طاب مثواه برجوع بعض الأعلام إلى أحاديث المستدرك «مستدرك الوسائل لشيخه المحدّث النوري ره» لاينفع لحجّية ما في المستدرك و اعتبار أخبارها، بل ينفع ذلك إذا كان الإنسان في موضع حماسيّ و في مقام الذبّ عن مؤلّفه المحدّث النّوري، و لكنّ الحقّ أحقّ أن يتّبع. ثمّ إنّ الظاهر أنّ الباعث لشيخنا العلاّمة على وقوفه في هذا الموقف مع أنّ مكانه في حرف الميم بعد السّين هو ما قرأه في كتاب «أحسن الوديعة» من التأمّل في كتاب المستدرك و نيّةِ مؤلّفه، و الله بصير بعباده.

«**الاصباح**» ١١٨: ٤٧٤. قوله الكُندري... أقول ضبطه في (ج٦) أيضاً كذلك بالنون ثمّ رجع عنه في الجدول و ضبطه الكيدري بالياء.

«**إصباح الشيعة**» ١١٨: ٤٧٥. أقول و للإمام السيّد أبي‌محمّد الحسن صدرالدين العاملي الكاظمي ره «رسالة في أنّ مؤلّف مصباح الشريعة إنّما هو سليمان الصّهرشتي تلميذ السيّد المرتضى اختصره من «كتاب شقيق البلخي» كما في ترجمة السيّد ابن عمّنا العلاّمة المطبوعة في مقدّمة كتابه «تأسيس الشيعة لعلوم الإسلام: ١٩» و لْيُراجع «مصباح الشريعة» في ج٢١ من الذريعة و أيضاً مقدّمة صديقنا العلاّمة (محدِّث) الأُرمويّ لكتاب «شرح مصباح الشريعة» ط جامعة طهران.

«**اصطلاحات الصوفية**» ص ١٢٢ رقم ٤٩٠س ٤، **بعد سنة ٧٨٧: يراجع لزوماً ما** ذكرناه في التكملة على رسالة [العلوم العالية ١٥: ٣٢٦: ٢١٠٢].

«**اصطلاحات الصّوفية**» ١٢٢: ٤٩١. أقول إنّ لنا في مواضع ممّا ذكره شيخنا العلاّمة في هذا العنوان مواقع للنّظر بل المنع و قد تعرّضنا لكلّ ذلك في مقال لنا حول كتاب «لطائف الاعلام» و في القسم المخطوط من فهرستنا و في شرح الروضات، و يأتي للكاشيّ «تأويل الآيات» في موضعه، و راجع «مصطلحات الصوفية» في الميم في ج٢١ من الذريعة و يراجع (اصطلاحات صوفيان) في «فهرست أحمد المنزوي ٢: ١: ١٠٣٤».

ص ١٢٢ س١٠، **عبدالرزاق بن جمال‌الدين الكاشاني: أقول** إنّ الرجل كمعاصره صاحب [مصباح الهداية ٢١: ٤٢٣٧] من أصحاب التصوّف العامي خارجون عن دائرة التشيّع و قاعدته و إن استبعدت ما نقول فانظر إلى كلام الرجل نفسه.

ص ١٢٢س١٢، **النصوص**: الصواب الفصوص بالفاء.

ص ١٢٢ س ١٣: قوله (في كتابه لطائف الاعلام) إلى قوله (ثمّ لخّصه و اختصره) هذا زائد و خطأ محض لم يتفوّه به أحدٌ مطلقاً و لعلّ التقوى هو الذي صار سبباً لوقوع المؤلّف في هذا الاشتباه الفاحش فإنّ نسخة اللطائف أيضاً كانت عنده و توجد الآن النسختان في مكتبة مجلس الشورى و رأيت النسختين هناك و على أيّ حال فاللطائف لغير عبدالرزّاق الكاشي كما بيّنّا كلّ ذلك و غيره في مقالتنا الخاصّة و يأتي [اللطائف ١٨: ٣١٣: ٢٦١] كما ذكره ولد المصنّف في ترجمة الرجل في [الحقائق الراهنة ١١٢].

«اصطلاحات المحدثين» ص ١٢٣: أقول انظر [دراية الحديث ٨: ٥٤ - ٥٦].

«الاصل» ص ١٢٥: باسمه تعالى؛ قال ملاّ محمّدأمين بن محمّدعلي الكاظمي ره في كتابه «هداية المحدّثين» بهامش ترجمة ابن الغضائري بعد نقل جملة من خطبة الفهرست لشيخ الطائفة ما لفظه [الفرق بين المصنّف و الكتاب و الأصل أنّ الأوّلين كُتبا بعد انقضاء زمن الأئمّة عليهم‌السلام بخلاف الثالث فإنّه كتب في زمنهم عليهم‌السلام. امن] انتهى يعني امين.

ص١٣٥ س٢، **لتكميل الموضوع راجع عنوان «النوادر» في ٢٤: ٣١٥**: أيضاً عنوان [النسخة ٢٤: ١٤٧].

«أصل أحمد الدهقان» ١٣٩. قال الصّدوق عليه الرحمة في «كمال‌الدين» ما لفظه: «حدّثنا المظفّر بن حمزة العلوي (رض) قال حدّثنا جعفر بن محمّد بن مسعود عن أبيه قال حدّثنا أبوالقاسم قال كتبت من «كتاب أحمد الدهقان» عن القاسم بن حمزة» الخ فليتأمّل.

«أصل سُليم بن قيس الهلالى» ١٥٢: ٥٩٠. أقول مرّ ذكر هذا الكتاب في «ج١: ٦٣» بعنوان «أبجد الشيعة» و راجع «تنقيح المقال ٢: ٥٢» للعلاّمة المامقاني و «سفينة البحار ١: ٦٥١» و مقدّمة الطبع لكتاب سُليم بقلم صديقنا العلاّمة السيّد محمّد صادق الطباطبائي النجفي و «الغدير ١: ١٩٥» للعلاّمة الأميني، عليهم الرحمة، و عندنا نسخة منه بخطّ جدّنا العلاّمة الحاج السيّد محمّد شفيق حدّنا الإمام المجدّد صاحب الروضات رضي الله تعالى عنهما تختلف قليلاً عن المطبوعة.

ص١٥٧ س١، **و كذا نسخة شيخنا العلامة النوري التي هي بخط السيّد محمّد الموسوي الخوانساري**: بسم الله تعالى؛ أقول تظّن و ظنّ الألمعي يقين أنّ كاتب نسخة العلاّمة النوري هو جدّنا السيّد العلاّمة الخبير آية الله الباهرة الحاج مير سيّد محمّد المتولّد ١٢٢٢ المتوفى ١٢٩٣ بإصفهان شقيق جدّنا الإمام العلاّمة المجتهد المجاهد المجدّد آية الله العظمى السيّد ميرزا محمّدباقر الموسوي الإصفهاني صاحب الروضات أعلى الله مقامهما و عندنا نسخة من كتاب سليم هذا بخط جدّنا الحاج مير سيّد محمّد أيضاً فرغ من كتابتها في ١١ ج١ سنة ١٢٨٨ و هي أيضاً موافقة للنسخة التي استكتبها سنة ١٢٧٠ كما في المتن و لا

شبهة أنّ سيّدنا الجدّ استنسخ النسختين عن النسخة العتيقة التي كانت في مكتبة أخيه الإمام صاحب الروضات و قد أشار هو قدّس الله روحه إلى تلك النسخة في ترجمة سليم قال [و عندنا منه نسخة عتيقة تنيف على أربعة آلاف بيت] الخ. و الحاج مير سيّد محمّد قد أحيى بهمّته العالية و كدّه الأكيد طول حياته عشرات من الكتب و مآت من الرسائل استكتاباً و إكمالاً للنواقص و ترميماً و تجليداً ثمّ نثر كالدرّ طائفة منها بين الخواصّ من أهل العلم هنا و هناك و عندنا و عند غير واحد من بني أعمامنا كثير من الكتب الكثيرة و الصغيرة و كذا الرسائل و المجموعات ممّا أحياه هذا الجدّ الأمجد العلاّمة المتبحّر الماهر جزاه الله تعالى خير الجزاء آمين.

ص ١٥٨ س١٣، **بخط أبي‌محمّد الرماني:** كان في أصل الطبع [الريحاني] فأصلحها المصنّف في الاستدراكات المطبوعة بآخر ج ٤ بالرماني و هذا هو الصواب وفقاً لتنقيح المقال ج٢ ص٥٤ و لم يذكر شيخنا المصنّف في [الأنوار الساطعة] أبا محمّد الرماني مع أنّ من دأبه ذكر أمثاله كما لم يذكر العلاّمة المامقاني مأخذ ما نقله عن العلاّمة المجلسي طاب ثراهما قال: [بل أرسل المجلسي ره في حقّ الكتاب ما ينبغي نقله قال وجدت نسخة قديمة من كتاب سليم بن قيس بروايتين بينهما اختلاف يسير و كتب في آخر إحديهما: تمّ كتاب سليم بن قيس بحمد الله و عونه غرّة ربيع‌الآخر من سنة تسع و ستمائة كتبه أبومحمّد الرماني] الخ.

ص ١٥٨ س١٦، **الفاضل المعاصر الشيخ شيرمحمّد:** أقول و عن هذه النسخة للشيخ شيرمحمّد قدّس سرّه طبع الكتاب حوالي سنة ١٣٧٠ في المطبعة الحيدرية في النجف الأشرف و إن لم يصرّح باسمه تقيّةً و كذا لم يذكر فيها تاريخ للطبع و الذي قام بمهمّته هو صديقنا السيّد الفاضل البارع المجتهد المحقّق السيّد محمّدصادق الطباطبائي آل بحرالعلوم طاب ثراه عني بتهيئة النسخة للمطبعة ثمّ مقابلتها و تصحيحها وفقاً لنسخة الشيخ شيرمحمّد و نقل تعليقاته الثمينة عنها إلى هامش الصفحات أي بذيلها مختومة بقوله (عن الهامش) و كذا نقل فوائده التي وصفها شيخنا المصنّف إلى أوّل المطبوعة في ٥٤ صفحة و قد أشار إلى كلّ ذلك السيّد محمّدصادق في كلمته في صدر مقدّمة الطبع و هي الأسطر العشيرة و قوله هناك تقيّةً (بعض الأساتذة) و (الأُستاذ المحقّق) هو الشيخ

شيرمحمّد و أمّا التوقيع في آخر المقدّمة بعنوان (العلوي الحسني النجفي) فهو الإشارة إلى نسبته أعني السيّد محمّدصادق كتم اسمه تقيّةً و هذا ما اهتدينا إليه بعد التأمّل التامّ و الحمد لله ربّ العالمين. ثمّ ليعلم انّه بعد ما انتشرت تلك الطبعة الأُولى النجفيّة استفاد من تحقيقات الشيخ شيرمحمّد طاب ثراه بعض الكتّاب من أصحاب القلم و العلم و لمّا لم يكن في النسخة اسم صاحب المقدّمة و التحقيقات لعلّة التقيّة لم يعتن هؤلاء بشأنه فنقلوا بعض تلك التحقيقات في آثارهم كالناسب إلى أنفسهم تجد مثال ذلك في تعليقة لبعضهم على [جنّة المأوى] لشيخنا الإمام آل كاشف الغطاء و كذا في تعليقة له أيضاً على [أنيس الموحّدين] للمحقّق النراقي قدّس الله أرواحهم كما انّه طبع الكتاب عن الطبعة النجفيّة في ايران و لبنان كراراً من دون رعاية حقّ التقدّم للشيخ و السيّد و الإشارة إلى فضلهم كلّ ذلك سببه إخفاء اسمهما في الطبعة الأصليّة خوفاً و تقيّةً من السلطة الحاكمة الجايرة ألا فلعنة الله على القوم الظالمين. م‌ع‌ر في ٢٨ حجة ١٤٠٩

«أصل» ص ١٥٩ رقم ٥٩٥: يراجع كتاب «معالم المدرستين ٣: ٢٥٩ - ٣١٤ ط ٤ سنة ١٣١٢ طهران» و المقدّمة التي كتبها العلاّمة السيّد مرتضى العسكري لكتاب مرآة العقول (ج٢ ص٣٥٧ فما بعد).

«أصل الاصول» ص ١٦٨ رقم ٦٢٠: أقول راجع (الفصول ١٦: ٢٤١: ٩٥٩) و انظر كتاب (وحيد بهبهاني: ٣٤٥ ط ٢) للدواني.

«أصل الاصول» ص ١٦٨ رقم ٦٢١: راجع الكرام البررة ص٥٧٧ و ما نذكره بهامش «جواهر الأُصول» في (ج٥: ٢٦٣: ١٢٦٣).

«الأصل الأصيل» ١٦٩. هو للحكيم الملاّ رجبعلي التبريزي، طبع منتخب منه في المجلّد الأوّل من كتاب «منتخبات آثار حُكماء: ٢٤٤ - ٢٧١ ط طهران» و يأتي بعنوان «الاصول الآصفيّة» و نظنّ أنّ كلا الاسمين خطأ و أنّ المصنّف لم يسمّ كتابه بشيء منهما. و أمّا عنوان الكتاب فهو «مقالة في أنّ الواحد لايصدر عنه إلاّ الواحد» كما يظهر من النسخة المخطوطة الموجودة عندنا و يتلوها أيضاً «كليد بهشت» ثمّ «رسالة في إثبات الواجب تعالى» و ليس في تلك المجموعة الجليلة اسم للمؤلّف و لا الكاتب و لا تاريخ الكتابة و من المقطوع استنساخها في حياة مصنّفها.

«**أصل الشيعة و أُصولها**» ص ١٦٩ رقم ٦٢٥: أقول راجع في هذا الموضوع عنوان [الشيعة ١٤: ٢٧١ - ٢٧٤] متعدّداً مع التكملة.

«**الاصلاح و فيه الفوز و الفلاح**» ١٧٠: ٦٢٩. أقول تأتي ترجمته باسم «مصباح الطريق» و انظر [جامع المسائل ٥: ٧٠: ٢٧٥] و ترجمة السيّد المجاهد في كتاب [وحيد بهبهاني ٢٥٩ فما بعدها ط ٢] للخطيب الحاج الشيخ علي الدواني مشتملة على الغرائب و العجائب.

«**اصلاح الرسوم**» ١٧٢: ٦٣٣. يأتي للمؤلّف «دفع الإنكار» في (ج٨).

«**الأُصول**» ١٧٤: ٦٤٨. لشيخ العترة أبي‌محمّد يحيى. أقول الرّجل مذكور في «المنتقلة: ٣٣٨ ط النجف» و «المشجّر الكشّاف: ١٤٥» و «موارد الإتحاف ٢: ١٩١» و غيرها.

«**الأُصول الآصفية**» ١٧٦: ٦٥٠. راجع ما ذكرناه حول «الأصل الأصيل» آنفاً. و الأُصول الآصفية طبع منتخب منه في المجلّد الأوّل من منتخبات آثار حكماء انظر ما ذكرنا في هامش ص ١٦٩.

«**أُصول آل الرسول**» ص ١٧٧ رقم ٦٥١: أقول يأتي اطراء شيخنا المصنّف لهذا الكتاب أيضاً في (ج٤: ٥١٢ س١٢-١٤) و قال ابن عمّنا و ابن خالنا المعظّم العلاّمة الحجّة السيّد محمّدمهدي الموسوي الإصفهاني الأصل الكاظمي المولد و المنشأ و الوفاة الذي عثر على قطعة من هذا الكتاب الضخم الفخم أعني أُصول آل الرسول في كتابه «أحسن الوديعة «...»

«**الأُصول الأصلية**» ١٧٨: ٦٥٦. راجع مقدّمة الطبع للكتاب بقلم صديقنا العلاّمة الحاج السيّد جلال المحدّث الأرموي (ط طهران ١٣٩٠). و قوله في (السطر ٢١) يظهر منه أنّ فراغه كان سنة ١٠٤١، الخ أقول الحقّ في ذلك مع شيخنا المصنّف طاب مثواه.

«**أُصول الدين**» ١٨٦: ٦٩٤. قوله (في س١٢) و له تصانيف ذكرت في ترجمته. أقول ترجمته في «روضات الجنّات: ١٥٠» و تكلّمنا نحن حول بعض آثاره و منها «تحفه سلطاني» المطبوع بطهران سنة ١٣٨٠ في حواشينا المخطوطة على الرّوضات و كذا في فهارسنا للمخطوطات و الكواكب المنتثرة ص ١٣٩.

«**أُصول الدين**» ١٨٨: ٧٠٨. قوله (في س٢٢) لسيّدنا المُعاصر محمّد. أقول ذكر المؤلّف

ره في (ج٧: ٢٣٠) أنّ اسمه الشريف محمّدعلي و هو سيّد مشايخنا الحجّة الآية السيّد صدرالدين الصدر طاب ثراه.

«**أُصول الدين**» ١٩٠: ٧٢٠. للمولى محمّدعليّ بن محمّدباقر. أقول هكذا لم يعرفه المشار في كتابه «فهرس المؤلّفين ٤: ١٣٧» أيضاً و قد استظهرنا في تعليقة «مكارم الآثار ٦: ١٩٧٤» أنّ هذا المؤلّف هو بعينه خالنا العلاّمة الحجّة الحاج الشيخ محمّدعلي المشتهر بثقة الإسلام المتوفّى ١٣١٨.

«**أُصول الدين**» ١٩١: ٧٢٥. المنسوب إلى أبي‌الحسن علي بن موسى الرضا عليه‌السلام. أقول عندنا منه نسخة يظهر من كيفيّتها أنّها من مجموعة تفرّق باقيها و أنّها استنسخت في القرن الحادي عشر الهجري و في طرّتها بالحمرة ما لفظه: «كتاب تمام الشّريعة عن الإمام الهُمام علي بن موسى الرضا عليه التحيّة و الثناء» انتهى و في آخرها: «تمّت هذه الرسالة في الأُصول من إملاء إمامنا و مولانا» الخ.

«**أُصول الدين**» ١٩٢: ٧٢٦. للسيّد كاظم. قوله (في س٦) سپاس و ستايش. أقول بعده في نسختنا «بى قياس» الخ. و قوله (في س٧): و عبّر عنه في بعض الفهارس بأُصول العقايد و أنّه مطبوع. أقول نعم طبع كتاب السيّد كاظم هذا في تبريز سنة ١٢٥٩ في خمسمائة و خمس و ستّين نسخة كما في خاتمة الطبع منه و نسخته موجودة عندنا و لم يسمّه السيّد فيه باسم خاصّ بل ذكر في أوّله أنّ بعض الطالبين سأله أن يصنّف رسالة في أُصول الدين الخ، و لكنّ عنوانه في طرّة الكتاب هكذا «كتاب اصول عقايد من تصنيفات حقّه» الخ و الظاهر عدم ذكره في «فهرست كتب مشايخ شيخيه» المطبوع.

«**أُصول العقايد**» ١٩٧. أقول راجع «مخزن الفرائد» في موضعه و يأتي «التوحيد» في حرف التاء متعدّداً.

«**أُصول العقايد**» ١٩٨: ٧٦٢. للسيّد محمّدهادي بن اللوحي. قوله (في س٢٣): و استشهد في بعضها ببيت لآية الله بحرالعلوم. أقول هذا أمر غير معقول فالسيّد محمّدهادي قد توفّى سنة ١١١٣ و ولد السيّد البحر سنة ١١٥٥ فليراجع «وقايع الأيام» و كذا «اصول العقايد» المذكور المطبوع على الحجر حتّى ينجلي الأمر. و نذكر له في التكملة «اعلام الأحبّاء في حرمة الغناء» و قد طبع أُصول العقائد على الحجر في إصفهان باعتناء

المرحوم الحاج السيّد سعيد الطباطبائي النائيني الإصفهاني المشهدي سنة ١٣٥٣ في ٣٢٤ص بالحجم الكبير عن نسخة أوقفها مؤخّراً على خزانة جامع گوهر شاد بالمشهد الرضوي (الفهرس «...» و توجد منه نسخة في المرعشية بقم كما في فهرسها ٢٤: «...» و ترجمة الهادي في «الكواكب المنتشرة ص ٨٠١» و هناك قوله «و اُصول العقائد فرغ منه ٢٣ رمضان ١٠٨٣» إلاّ أنّ عبارته في آخر النسخة المطبوعة كهذه قال «في ليلة الثالثة و العشرين من شهر رمضان المبارك و هي الليلة الثالثة من العشر الثالث من الشهر التاسع من السنة الثانية من العشر التاسع من المائة الاُولى من الألف الثاني من الهجرة» الخ و من الجدير بالذكر انّ الرجل يذكر اسمه و اسم والده و نسبته كالذي في المتن مرّة في مقدّمة كتابه و اُخرى في الخاتمة بهذه الصورة «محمّدهادي بن اللوحي الموسوي الحسيني السبزواري» انتهى. و قوله (ص١٩٩: ١) كما مرّ. يعني في (ج١ ص٤٣١).

«**اُصول علم الحديث**» ص ١٩٩ رقم ٧٦٦: **أقول** راجع «معرفة علوم الحديث ٢١: ٢٥٨: ٤٩٣» و «المدخل ٢٠: ٢٤٦: ٢٨٠٠ و ٢٨٠١» مع التكملة.

«**اُصول فصول التوضيح**» ص ٢٠٠ رقم ٧٧١: يراجع (الردّ على الصوفية) في ج١٠ ص٢٠٦.

ص ٢٠٠ س١٨، **يأتي في**: ج٤ ص٤٩٥.

«**اُصول الفقه**» ٢٠١: ٧٧٢ و ٧٧٣. **أقول** يأتي ذكر هذين الكتابين أيضاً في ج٤: ٣٦٧.

«**اُصول الفقه**» ص ٢٠٤ رقم ٧٨٧، **الشيخ محمّدحسين**: يراجع نقباء البشر.

«**اُصول الفقه**» ص ٢٠٥ رقم ٧٩١: يراجع «مكارم الآثار ٧ رقم ١٥٩١».

«**اُصول الفقه**» ٢٠٧: ٨٠١. للسيّد علي بن عبدالكريم. **أقول** السيّد علي هذا كان من أعلام الدين و توفّي في يوم الخميس العاشر من الشهر المذكور. قال الشاعر «رحمة» الإصفهاني في رثائه و تاريخ وفاته

رحمة حق از پى تاريخ گفت / إنّ لدَينا لعليّ عظيم

ثمّ إنّ ولده الجليل المذكور في المتن مات في صبيحة يوم الجمعَة ثامن عشر ذي القعدة سنة ١٣٤٨ (عام ولادة هذا الضعيف) و للسيّدين الجليلين ذكر في «تذكرة القبور».

«**اُصول الملاحم**» ٢١٢. راجع «الملاحم» و «الملحمة» في حرف الميم.

«الأصيليّ» ٢١٣. راجع «مشجّر الأصيليّ» في (ج ٢٠: ٤٣).

«أضواء الدرر الغوالي» ٢١٦: ٨٤٤. أقول نسخة العلاّمة المجلسي من هذه الرسالة و معها نسخة «الناسخ و المنسوخ» لسعد بن عبدالله الأشعري حصلت عند جدّنا الإمام العلاّمة المجدّد صاحب «روضات الجنّات» و انتقلت إلينا بواسطة الآباء الأماجد طيّب الله مراقدهم. ثمّ إنّه يأتي في (ج١٥: ١٢١) «ضوءُ اللآلي في غصب فدك و العوالي» و أظنّهما واحداً و الله العالم.

«الأطرغش» ٢١٦: ٨٤٤. في اللغة لابن خالويه النحوي. أقول هكذا ورد اسم الكتاب في «بغية الوعاة: ٢٣٢ ط ١ - ج١: ٥٣٠ ط ٢» و ذكرنا في «تعليقات البغية» ما صورته «أقول جاءَ في «الروضات» نقلاً عن هذا الكتاب «المرعش» مكان «الأطرغش» و لعلّه الصّواب و ذكر في الذريعة أنّ في بعض النسخ كتب «المرغش»، و لكنّها بالغين المعجمة، و في «القاموس» المُرَغّشُ من ينعمّ نفسَه لغة في السين و لاتَرْغَش علينا لاتشغب، انتهى و لم يذكر فيه غير هاتين الكلمتين من تلك المادّة، و في «إنباه الرواة ١: ٣٢٥» كتابُ «اطْرَغشَّ» و في التعليقة: «يقال اطرغشّ المريض اطرغشاشاً: إذا برئَ، و اطرغشّ من مرضه إذا قام و تحرّك و مشى» الخ. ثمّ لايخفى أنّ اسم الكتاب في المآخذ المذكورة بصيغة الفعل الماضي و بدون اللام أي «كتابُ اطْرَغشّ» فلايغفل.

«الاطعمة والاشربة» ص ٢١٨ رقم ٨٥٢ س١١، **السيّد شبر**: جامع الأنساب ج١ رقم ٢٦٩.

ص ٢١٨ س ١٥، **هو**: أي كتاب الأطعمة و الأشربة.

«إظهار الحزن المتراكم» ص ٢١٩ رقم ٨٦١: **أقول** يأتي له [مقتل العباس‌عليه‌السلام ٢٢: ٣٣: ٥٩١٠].

«إظهار الحقّ» ٢٢٠. للسيّد أحمد العلوي. يأتي بعنوان «رسالة إظهار الحقّ» في الراء و أيضاً يذكر في (ج٤: ١٥١).

«الاعتبار» ص ٢٢٢ رقم ٨٧١ س ٦، **سنة ١١٤٨: أقول** الذي في «تذكرة شوشتر ص ١٢٨ ط كلكته ١٣٤٣ق» سنة ١١٤٧ و عبارته «در سال چهل و هفت در حويزه وفات نمود» و انظر ما ذكرناه أيضاً في التكملة على «تفسير المولى يعقوب ٤ رقم ١٣٥٠» و تاريخ كتابه الاعتبار موافق لتقويم وستنفلد.

«**الاعتذار**» ٢٢٣: ٨٧٥. قوله (في س٣) و أليم، أقول هذا خطأ مطبعي و الصّواب وَ أَلِيمَ. ثمّ إنّه سيأتي للمؤلّف «إعلام الورى» و «الإنسان الأوّل» في (ص٢٤٠ و ٣٨٩).

«**الاعتقاد**» ص ٢٢٤ رقم ٨٨٢: أقول الذي في كتاب الرجال ص ٤٤٧ ط النجف للشيخ الطوسي قدّس سرّه بعين ما ذكره في فهرسه و قد ألّف الرجال بعد الفهرس فقال بعد ما عنون الرجل ما لفظه [و له دعاء الاعتقاد تصنيفه] انتهى و لهذا نبّهنا عليه في التكملة بعنوان [دعاء الاعتقاد ٨: ١٨٧]. و السلام م‌ع‌ر ليلة الإثنين الخامس من شهر رمضان المبارک ١٤٠٧

«**الاعتقادات**» ٢٢٤: ٨٨٣. للعلاّمة المجلسي المولى محمّدباقر... المتوفّى سنة ١١١١. أقول الصّواب سنة ١١١٠ كما بيّناه في مواضع عديدة من حواشينا و مؤلّفاتنا. ثمّ إنّه توجد عندنا نسخة الأصل من هذه الرسالة الشريفة و مِن أقدمِ طبعاها نسخة طبعت خلف «شرح شافية أبي‌فراس» على الحجر بطهران سنة ١٢٩٦هـ. و يأتي «ترجمة اعتقادات المجلسي» في (ج٤: ٧٩) متعدّداً.

«**الاعتقادات**» ٢٢٦: ٨٨٧. للشيخ أبي‌جعفر الصّدوق المتوفّى ٣٨١. قال قدّس الله روحه في (س٣-٤) طبع مكرّراً... أملاه في نيسابور في مجلس يوم الجمعة... الخ. أقول هذا من أعجب العجايب فإنّ كتاب الاعتقادات للصّدوق طاب مثواه كتاب مفرد لا دخلَ له بمجلس يوم الجمعة المذكورة الذي هو المجلس ٩٣ من كتابه المجالس أو «الأمالي» و هذا المجلس يعرف بوَصف دين الإماميّة و هو في كتاب الأمالي من ص٣٧٩ إلى ص٣٨٨ (طبعة طهران سنة ١٣٠٠). و أعجبُ من هذا أنّه لم يتفطّن بعدُ أحدٌ لهذا الخلط فيما أعلم و الحمد لله على ما أنعم علينا و علّم. و من جملة من لم يكشف له الحجاب عن أمر المجلس و الكتاب هو السيّد السند الزرندي ره مصحّح «ترجمة اعتقادات ابن بابويه. ط طهران. سنة ١٣٧١» فراجعه و الله العاصم. و يأتي تتمّة الكلام في «وصف دين الإمامية».

«**الاعتقادات**» ص ٢٢٦ رقم ٨٨٨: أقول سيأتي ذكر هذه المقالة بعنوان «أقلّ ما يجب الاعتقاد به» في ص٢٧٤ س٩ كما يأتي في (ج١١: ٩٣: ٥٧٢) بعنوان «الرسالة الاعتقادية» و في (ج١٥: ٣٠٦: ١٩٥٦) باسم «العقيدة المفيدة المختصرة» و عندنا منها عدّة نسخ و

طبعت في كتابي المدرّس الرضوي و المدرّسي الزنجاني حول ترجمة الخواجة و أمّا «الوجيزه» فيأتي في (ج٢٥: ٥٢: ٢٧٢) و نظنّها شرحاً لاعتقادات الخواجة كما يظهر من اسمها فلاحظ.

«الاعتقادات الحقّة» ٢٢٧: ٨٩١. راجع «الواجبات الملكيّة» في (ج٢٥: ٣).

«الاعتقادية» ص ٢٢٨ رقم ٨٩٥: يأتي أيضاً في ج١٩: ٢٦: ١٢٩ بعنوان «ما لايسع» الخ و عندنا مصوّرة نسخة منها في الرضوية من مجموعة فرّق بين أجزائها و هذه الرسالة في ٢٦ص و آخرها [فرغ منها مؤلّفها في سنة ٩٥٢ في مجلسٍ واحد و كان الخلاص في ١٢ شهر صفر] الخ ثمّ بذيل الصفحة ما نصّه «تمّت الرسالة المسمّاة الاصطنبولية تصنيف الشيخ زين‌الدين رحمة الله عليه» انتهى و هو الاسطنبولية في (ص٥٩: ٢٣٢).

«الاعتقادية» ٢٢٨: ٨٩٨. للشيخ بهاءالدين محمّد. قوله المتوفّى سنة ١٠٣١. أقول الصّواب أن وفاة الشيخ بهاءالدين محمّد العاملي ره سنة ١٠٣٠ كما بيّناه في مواضع عديدة. و نسخة من «الاعتقادية» هذه كتبها جدّي و شقيق أجدادي الأعلام الكرام الحاج السيّد محمّد الخوانساري ثمّ الإصفهاني الجهارسوقي في ١٦ شهر رمضان ١٢٥٣ في مجموعة من الرسائل الجليلة كلّها بخط السيّد هاشم بن ابراهيم الحسيني السمناني من المعاصرين للشيخ البهائي ره.

«الاعتقادية» ٢٢٩: ٨٩٩. للشيخ الشهيد (طاب مثواه). راجع «فهرس دانشگاه تهران ٩: ١٣٢٤».

«الاعتكافية» ص ٢٣٠ رقم ٩٠٦: أقول انظر [الوثاق ٢٥: ٢٦: ١٢٥].

«الاعتماد في شرح واجب الاعتقاد» ٢٣٠: ٩٠٨. أقول عندنا نسخة مخطوطة من كتاب الاعتماد هذا و معها «الرسالة النجفيّة في سهو اليوميّة» المذكورة في محلّها من الذريعة و كانت هذه المجموعة سابقاً في يد العلاّمة المرحوم ابن خالنا الشيخ محمّدرضا أبي‌المجد النجفي ره ثمّ انتقلت إلينا بالبيع و الحمد لله و أمّا كاتب الرسالتين فهو محمّد بن قمر علي مزاري و فرغ من كتابة الأولى في ذي‌القعدة سنة ١٠٢٣ و من الثانية في ١١ شهر رمضان ١٠٢٥ و ليس في النسخة اسم المؤلّف للرسالتين مطلقاً. ثمّ إنّ قول شيخنا العلاّمة طاب ثراه (في ص٢٣١ س٢) و يظهر من بحث التسليم من هذا الشرح أنّه ألّفه في

حياة أُستاده فخرالمحقّقين الذي توفّي سنة ٧٧١، انتهى أقول و ذلك لأنّ في النسخة المطبوعة من الاعتماد (ص٧٠) دعى له بقوله «مولانا فخرالدين محمّد أدام الله أيّامه» و لكنّ في نسختنا المخطوطة الموصوفة هكذا «مولانا فخرالدين محمّد رحمه الله» و الله العالم. و لايخفى أنّ النسخة المطبوعة من الاعتماد كثيرة الغلط لايحسن الاعتماد عليها قطّ. و من فوائد هذا الكتاب انّه يظهر منه مذهبُ الشارح العلاّمة في أمر صلوة الجمعة و هو قوله (في ص٧٢) عند حصول شرايطها و هي حضور الإمام العادل، الخ.

«الأعداد و الأوفاق» ٢٣٣: ٩٢٤. لميرزا محمّد بن سليمان التنكابني المعاصر المتوفّى قبل سنة ١٣٢٠، ذكره في قصصه. أقول توفّي صاحب «قصص العلماء» في الثلثاء الثامن و العشرين من جُمادى الآخرة (١٣٠٢) كما استفاده صديقنا المعلّم الحبيب آبادي ره من كلام ولده الميرزا مهدي آقا الصّوفي في طهران عام وروده بها في سنة ١٣٥٢ (أعني ورودَ المعلّم بطهران) و كتب المعلّم هذا الخبر لشيخنا المؤلّف طاب مثواه إلى النجف الأشرف فأوردَ وفاته كما ذكرناه في (ج٤: ٤١) و لكنّ ولادته في حدود سنة ١٢٣٠ كما في الموضع المذكور فيخالف ما ذكره الميرزا نفسُه في القصص (ص٧٣ ط الأخيرة) مردّداً بين عامي ١٢٣٤- ١٢٣٥ و اتّفق ولادته و وفاته في قرية سليمان‌آباد من قرى تنكابن.

﴿إعلام الأحبّاء في حرمة الغناء» ص ٢٣٧: للسيّد مير محمّدهادي ابن الميرلوحي الموسوي السبزواري الأصل الإصفهاني صاحب «أُصول العقائد ١٩٨: ٧٦٢» و كلاهما بالفارسية توجد نسختها في خزانة ملك التجار بطهران كما في فهرسها «...» و (فهرس أحمد ٥: ٣٨٨٦).

«أعلام الدين في صفات المؤمنين» ٢٣٨: ٩٤٩. أقول ينقل عنه شيخنا البهائي ره في أوائل المجلّد الثالث من كتابه «الكشكول: ٢٥٧ ط نجم‌الدوله»، قال: «من كتاب أعلام الدين تأليف أبي‌محمّد الحسن بن أبي‌الحسن الديلمي» الخ. و ذكر الشيخ عبدالعزيز آل صاحب الجواهر في كتابه «دائرة المعارف حرف الألف»، أنّه مطبوع و الظاهر خطأه.

«إعلام الورى» ٢٤٠: ٩٥٦. للشيخ سراج الدين حسن. جاء في «أعيان الشيعة ج٢٣: ٣» اسمُه الكامل «اعلام الورى لفوائد دهائي سرى» و يأتي له «الافتخار» و «إكمالُ المنة» و مرّ له «الاعتذار».

«إعلام الورى» رقم ٩٥٧ – ص ٢٤١ س٢، صرّح به في أوله: أقول صرّح بذلك أيضاً في «مرآة العقول ٦: ١١٩ ط جد» قال [و في إعلام الورى بخط مصنّفه أيضاً «استقلّه» و في ربيع الشيعة «استبل» بالباء الموحدّة و هذا أنسب] انتهى.

«أعمال السّنة» ٢٤٥. للحاج ميرزا جواد آقا التبريزي متوفّي (١٣٤٣) المدفون قربَ مزار المحقّق القمي طاب ثراهما (بقُم)، رآى نسخته السيّد العلاّمة الفقيه الحاج السيّد أحمد الزنجاني (طاب ثراه) و نقل عنه في كتابه «الكلام يجرّ الكلام ٢: ٣٧».

«الأعيان الثابتة» ص ٢٤٨: انظر [شرح الحديث القدسي كنت كنزاً مخفياً ١٣: ٢٠٥ س١٨].

«الأغاني» ص ٢٤٩ رقم ١٠٠٢: يراجع مقالة الدكتور محمّدحسين مشايخ الفريدني حول الأغاني في مجلّة (كيهان فرهنگی - رقم التسلسل ٤٧: ٣٦ – ٣٨) و أورد المصنّف ترجمة صاحب الأغاني في [نوابغ الرواة ١٨٣] كما ذكره صاحب [منية الراغبين ٢١٢] فراجعها وصفه المصنّف في النوابغ أيضاً بالزيدي الشيعي و لم يذكره في [مصفّى المقال] مطلقاً ثمّ إنّ ابن النديم ذكر ترجمة الرجل و أسماء كتبه في كتابه [الفهرسة ١٢٧ ط تجدد] و قال [و توفّي سنة نيف و ستّين و ثلثمائة] و في (ص١٥٨) قال [حدّثني أبوالفرج الإصفهاني] الخ.

«الأغراب» ص ٢٥١ رقم ١٠٠٦ س٦، الاعراب: و ضبطه المحدّث الحرّ ره في الأمل بالغين المعجمة نقلاً عن المنتجب فلاحظ.

«الافتخار بمكاتيب الكبار» ص ٢٥٦ رقم ١٠٣٧: و مرّ له إعلام الورى.

«افتخار نامه حيدري» ص ٢٥٦ رقم ١٠٤٠: أقول انظر ترجمة الناظم في «مؤلّفين كتب چاپى للمشار ٦: ٢٠٤ – ٢٠٦» و «مقدّمة ١٤ رساله فارسى للحاج ميرزا أحمد الآشتياني: ١٥ ط قم».

«إفحام الخصوم» ٢٥٧: ١٠٤٥. نُشر في هذه الأيّام قِسمٌ من هذا الكتاب القيّم في طهران (١٨٦ص) و هذا عنوانه الكامل المطبوع: «إفحام الأعداء و الخصوم بتكذيب ما افتروه على سيّدتنا اُمّ كلثوم، عليها السلام الملك الحيّ القيّوم». جاء في مقدّمته المبسوطة النافعة ما لفظه الشريف: «أمّا ما جاء في الذريعة ٢: ٢٥٧ من أنّ كتاب إفحام الأعداء و الخصوم مطبوع في لكهنو (الهند) فغير صحيح و لا أصل له» انتهى.

«الأفق المبين» ص ٢٦١ رقم ١٠٦٣: أقول هذا العنوان زائد كلّه كما في ج٧ ص٢٤١: ١١٦٩ فراجعه.

«إقامة الشهود» ٢٦٣: ١٠٧٧. في الرّد على اليهود. أقول راجع ما فصّلنا حول هذا الكتاب القيّم في تعليقاتنا على «مكارم الآثار ٤: ١٠٧١».

«الاقبال» ص ٢٦٤ رقم ١٠٧٨: أقول و للعلاّمة القزويني محمّد بن عبدالوهاب كلام حول الإقبال شنع فيه على مؤلّفه قدّس سرّه راجعه في «يادداشتهای قزوینی ج٣ ص٨» و ردّ عليه أخونا الشيخ رضا استادي في «...»

«الاقتصاد» ٢٦٧: ١٠٨٧. في معرفة المبدأ و المعاد. أقول تسمية الكتاب في نسختنا التي بخط جدّنا العلاّمة الحاج السيّد محمّد شقيق جدّنا الإمام المجدّد صاحب الروضات في إحدى مجموعاته النفيسة بهذه الصّورة: «... و هذه رسالة موسومة بالاقتصاد و الإرشاد إلى طريق الاجتهاد في معرفة المبدأ و المعاد و أحكام أفعال العباد» الخ.

«الاقتصاد» ٢٦٩: ١٠٨٩. الهادي إلى طريق الرشاد. طبع هذا الكتاب الشريف عن نسختنا المخطوطة بقلم جدّنا العلاّمة المذكور أعني الحاج السيّد محمّد قدّس سرّه و نسخة اُخرى في بلدة قمّ سنة ١٤٠٠ و اسم الكتاب في نسختنا «الاقتصاد الهادي إلى طريق الحَق و سبيل الرشاد» و فرغ من كتابتها الجدّ سنة ١٢٦٧.

«أقضية أميرالمؤمنين عليه‌السلام» ص ٢٧٣ رقم ١١٠٥: أقول قال شمس‌الدين أبوعبدالله محمّد بن قيم الجوزية المتوفّى سنة ٧٥١ و هو الحنبلي المتعصّب تلميذ ابن تيمية المعاند المردود في كتابه القيّم «الطرق الحكمية في السياسة الشرعية ص٦٠» ما لفظه [و قرأت في كتاب أقضية علي رضي الله عنه بغير إسناد أنّ امراة رفعت إلى علي و شهد عليها أنّها قد بغت] الخ و في كتاب الطرق كثير من أقضية أميرالمؤمنين صلوات الله و سلامه عليه.

«إكليل المنهج» ٢٨١: ١١٤١. كان نسخة أصل هذا الكتاب النفيس عند جدّنا الإمام المجدّد طاب مثواه كما صرّح بذلك في «الرّوضات» حين ذكر الرجل في ذيل ترجمة المولى خُداي وردي و لا ندري إلى من انتقلت النسخة بعده. راجع الذريعة ١٥: ١٤٥ و ٢٣: ٢٢٩: ٨٧٥٥.

«إكمال الأعمال» ٢٨٢: ١١٤٤. يأتي لمؤلّفه أيضاً «الجامع في أعمال شهر رمضان» في ج٥ ص٢٨.

«إكمال المنّة» ٢٨٣: ١١٤٨. طبع الإكمال خطأ. و قوله (في س٨) كما مرّ. أي في (ج١: ١٨١) كما مرّ للمُجاز المذكور «إعلام الورى» في ص٢٤٠.

«إكمال منتهى المقال» ص ٢٨٣ رقم ١١٤٩: أقول انظر ما يأتي في «منتهى المقال ٢٣: ١٣: ٧٨٤٥» و التكملة.

«الألباب» ص ٢٨٥ رقم ١١٥٤ س ١٠، **كذلك:** أي بصورة (الألباب) و لكنّه لايذكره المصنّف في اللام و انظر ما ذكرناه بهامش (ج٢٤: ١٣٣) استدراكاً بعنوان (كتاب النسب).

«الالتقاط في الفقه» ٢٨٥: ١١٥٦. رأينا في خاتمة كتاب الغصب منه المطبوع بطهران سنة ١٣٢٢ ما نصّه: «ثمّ لايخفى بأنّ كلّما صدر من مطالب هذا الكتاب بقوله طاب ثراه: التقاط، التقاط؛ كانت من تقريرات إمام الفقهاء و المجتهدين و مؤسّس أساس الأُصوليّين الشيخ مرتضى الأنصاري (أعلى الله مقامه) التي قد قرّر في مجلس درسه و أخذ منه و ضبطه و قرّره مؤلّف هذا الكتاب و كان من أعاظم تلامذته و بلغ بعده في أقصى مدارج الفهم و الاجتهاد و كلّما كان من عباراته و مصدّرة بقوله «متن و شرح» أو كانت مصدّرة بغيرهما كانت من نتايج أفكاره و زبدة ما وهبه الله له بمنّه و كرمه» انتهى.

«إلزام النواصب» ٢٨٩: ١١٧٠. ينقل عنه العلاّمة المجلسي طيّب الله مرقده في «بحارالأنوار» مجلّد الفتن و هو الثامن في طبعة أمين الضرب رحمة الله عليه. هذا و أمّا «إلزام النواصب» المنسوب إلى السيّد الشهيد القاضي نورالله المرعشي طاب مثواه في بعض فهارس آثاره فلا شكّ أنّه خطأ و اشتباه بكتاب «مصائب النواصب» له قده. كما أنّ نسبة «إلقام الحجر» أيضاً إليه فاسد.

ص ٢٨٩ س٢٣، **المطبوع بايران ١٣٠٣:** خلف كتاب [قواعد العقائد ١٧: ١٨٦: ٩٨٥] للمحقّق نصيرالدين الطوسي قدّس الله تعالى روحه و بعد الإلزام «منهاج السالكين» للشيخ نجم‌الدين الطامة الكبرى فالقواعد إلى ص٥٢ ثمّ الإلزام من ص٥٤ إلى

ص١٣٥ ثمّ المنهاج إلى ص١٦١ و بها تمّت المجموعة التي تمّ استكتابها للطباعة الحجرية بالحجم الصغير سنة ١٣٠٣ و طبعت في مطبعة علي قليخان قاجار.

ص٢٩٠ س٨، بأنّه للشيخ مفلح: «رسالة تراجم بعض علماء البحرين» هي الرسالة الثانية المطبوعة بقم سنة ١٤٠٤ في مجموعة عنوانها «فهرست آل بويه و علماء البحرين» و لكن ليس فيها (ص٧٠) سوى اسم «رسالة إلزام النواصب» في زمرة مؤلّفات الشيخ مفلح طاب ثراه فلعلّها غير المذكورة في المتن و الله العالم.

«ألفة الفرقة» ٢٩٢: ١١٨٤. عندنا منه نسخة في «بياض السيّد محمّد معين بن السيّد محمّد مهدي الحسيني» و الظاهر أنّ تاريخ كتابة الألفة شهر صفر ١١٠٥ و تتلوها «مقالة في النفس النّاطقة» للميرزا حسن المذكور أيضاً.

«ألف جارية و جارية» ص ٢٩٤ رقم ١١٨٦: أقول و بالله التوفيق أوّلاً عنون شيخنا الرجل في الأنوار الساطعة ص١١١ و كرّر هناك ما ظنّه هنا بلفظ لعّل و نحن لانوافقه فيما احتمله أو ظنّه بوجه و محمّد بن الرضا أيضاً معنون في الثقات العيون ص٢٦٤ و لعلّه عمّ الذي قبله في ص٢٠٠ باسم علي بن القاسم بن الرضا فكلاهما موصوفان في فهرس المنتجب عليه الرحمة بلفظ واحد من دون ذكر انتسابهما إلى بلد و ثانياً انّ سيّد الأعيان عقد عنواناً للرجل في «أعيان الشيعة ٤٢: ٢٦: ٩١٥١» من دون إشارة إلى مأخذه و نظنّه الذريعة هذا فقط و وقع وصفه هناك «المعروف والده بدقر خوان المعالي» و هو غلط مطبعي أو تحريف حين النقل إلى البياض و ثالثاً توجد ترجمة الرجل و شيء من نظمه في «الوافي بالوفيات للصفدي ٢١: ٤٦٦: ٣١٧» و بالهامش مآخذ ترجمته و نحن نظنّ أنّ الرجل من بيت أميركا الطوسي من أعقاب هرون ابن الإمام موسى الكاظم عليه‌السلام و التفصيل في تعليقات جامع الأنساب المتأخّرة إن شاء الله. م‌ع‌ر عفي عنه في ١٢ حجة ١٤١٥

«ألف ليلة و ليلة» ص ٢٩٤ رقم ١١٨٩ س١١، **طبع ١٢٧٥: فائدة أوّل من طبع** كتاب «ألف ليلة و ليلة» بالعربية في اروبا و باشر نشره سنة ١٨٢٥م («...») هو المستشرق هابجت (١١٨٩- ١٢٥٥) كما في ترجمته في [الأعلام ٥: ٢٥٧].

«ألفيّة الشّهيد» ٢٩٦: ١١٩٥. أقول الأحسن أن يعنون الكتاب «الرّسالة الألفية» كما

أنّ المعهود أنّ شيخنا الشهيد الأوّل طاب مضجعه هو أبوعبدالله محمّد بن مكّي، أعني أنّ اسم والده مكّي، دون محمّد بن مكّي. ثمّ إنّ «شرح الرسالة الألفيّة» للشيخ أحمد بن فهد الحلّي ره المذكور في س١٩ يسمّى «الجواهر المضيّة، في شرح الدرّة الألفيّة» نذكره في موضعه من التكملة، و الله الموفّق.

«كتاب الألفين» ص ٢٩٨ رقم ١١٩٩: يراجع «الحقائق الراهنة ص ٢٤٠».

«ألقاب قريش» ص ٢٩٩ رقم ١٢٠٤: انظر له «أنساب قريش» في ص٣٨٢ و «الجمهرة» في ج٥: ١٤٧: ٦٢٠ و ما بعده.

﴿القام الحجر﴾ ص ٣٠٠: الذي نسبه السيّد النجفي المرعشي في مقدّمة كتاب إحقاق الحقّ ص٩٠ و في ذيل ص١٤ من أصل الاحقاق (ج١) و هو اشتباه منه كما ذكرنا هناك في الهامش.

«الألواح السّماويّة» ٣٠١: ١٢١٢. أقول ذكره المصنّف الخاتونآبادي طاب مرقده في إجازته الجميلة «مناقب الفضلاء» و رأينا في قائمة خزانة كتب جدّنا الأعلى الآية العظمى السيّد ميرزا محمّدهاشم الچهارسوقي المتوفّى في النجف الأشرف سنة ١٣١٨ قدّسنا الله بسرّه كتاباً اسمه بهذه الصّورة «ألواح سماويّة» و أظنّه هذا المذكور و انتقلت النسخة في سهم إحدى بناته الطاهرة.

و نسخة منه في المركزيّة بطهران جاء وصفها في فهرسها ١: ١١؟ كما في زركلي ٦: ١٠٤.

«الأمالي» ٣٠٧: ١٢٢٩. للشيخ ابراهيم بن سليمان القطيفي. أقول الظاهر أنّ الأمالي هذه هي بعَينها المجموعة الّتي يأتي ذكرها في (ج٢٠: ١٠٨: ٢١٥١) و انظر «فضائل السادات: ٣٢٨ ط ١».

«الأمالي» ص ٣٠٩ رقم ١٢٣٦: أقول عندنا نسخة جيّدة للثلث الأخير من كتاب الأمالي هذا يبتدء بمجلس يوم الجمعة الرابع من المحرّم سنة ٤٥٧ [الموافق للصفحة ٣٣٤ من النسخة المط الحجريّة] و تنتهي بانتهاء الكتاب فرغ منها كاتبها الذي لم يذكر اسمه فيها سنة ١٠٩٠ و لمحمّدتقي دانش‌پژوه كلام حول الأمالي في مقدّمة كتاب النهاية للشيخ ره [ج ٣: ٢٠ ط طهران] و انظر وصف نسخة ثمينة من الكتاب إجمالاً في «الأنوار الساطعة ص ٥٨».

«الأمالي» ص ٣١٢ رقم ١٢٤٢: أقول سيأتي في «الأمالي» رقم ١٢٥٧ لأبي‌طالب يحيى بن الحسين الحسيني أنّ السيّد ابن طاوس رضي الله عنه ينقل عنه في كتبه فالظاهر أنّ هذا الأمالي المذكور برقم ١٢٤٢ ليس إلاّ هو و أنّ علي تصحيف يحيى كما جزم به في كتاب «كتابخانه ابن طاوس ص ١٨٢ — ١٨٤» أقول و لعلّه الكتاب الذي نقل عنه الشيخ الطبرسي رضي الله عنه في «مكارم الأخلاق ص ١٠٦ ط حجر سنة ١٣١٤» حديث خطبة النبيّ صلّى الله عليه و آله حين زوّج فاطمة من علي صلوات الله عليهما و نصّه هكذا: [من أمالي السيّد أبي‌طالب الهروي عن زين‌العابدين عليه‌السلام] و عليه فالهروي تصحيف الهاروني و الله العالم. م‌ع‌ر في ليلة ٢١ شهر رمضان ١٤١٧ حامداً مصلّياً مستغفراً و السلام

«الأمالي» ص ٣١٤ رقم ١٢٥٠: أقول يراجع كتاب (طبقات الصوفيّة ص ٤٨ للسلمي) و أعلام الزركلي ٦: ٢٢٥ — ٢٢٦.

«الأمالي» ٣١٥: ١٢٥٢. للشيخ المفيد نوّر الله تعالى مرقده الشريف. قوله في ص٣١٦ س١: و مجموع مجالسه ثلاثة و أربعون مجلساً. أقول في النسخة المطبوعة بطهران (سنة ١٤٠٣) إثنان و أربعون مجلساً مرقمة فحسب.

«الأمالي» ص ٣١٨ رقم ١٢٥٧: انظر ما كتبناه بهامش ص ٣١٢.

«الإمام الثاني عشر» ٣١٩: ١٢٦٠. للسيّد محمّد سعيد. أقول على أثر ما جُدّد نشرُ بعض أجزاء كتاب «عَبقات الأنوار» في بلدتنا إصفهان بإشرافنا و مشاركتنا، بَلغ نبأ ذلك إلى السيّد السند العالم الجليل المشتهر بالسيّد سعيد العبقاتي المذكور و هو حفيد الإمام البارع السيّد مير حامد حسين الموسوي النيشابوري صاحب العبقات عليه سلام الباري، و كان السيّد السّعيد يومئذ في العراق فجاء إلى ايران و شرّفنا في بيتنا بإصفهان يوم الجمعة ٢٤ ذي‌القعدة سنة ١٣٨٢، و أرانا بعضَ أجزاء كتاب جدّه بتكميل والده الأمير ناصر حسين قدّس روحه الطاهر و آنسنا بحديثه أيّاماً قلائل و ذكر أنه كان من تلامذة والدنا العلاّمة الحجّة السيّد ميرزا محمّد هاشم الرّوضاتي طاب مثواه في النّجف الأشرف و تذكّر يومَ شهادته غريقاً في شريعة الكوفة بمرأى منه و مسمعٍ و ذلك في نهار يوم الخميس ٢٧ جمادي الأُولى سنة ١٣٥٦، و لا حول و لا قوة إلاّ بالله، ثمّ سافر السيّد

سعيد إلى قم و طهران و زار مشهدَ الرضا عليه‌السلام و عاد إلى بلاده و بلغنا نبأ وفاته ره في سنة ١٣٨٧ و سيأتي له «الإيمان الصحيح».

«الإمامة» ٣٢٠. قال شيخنا المؤلّف طاب ثراه في (ج٢٠: ٢٥٣: ٢٨٣٤) إنّ العلاّمة الكبير العَديم النظير السيّد هاشم البحراني ذكر في أوّل كتابه «مدينة المعاجز» المطبوعِ الكُتبَ المؤلّفة في الإمامة في أزيد من مائة كتاب، انتهى. و تأتي رسائل في الإمامة في ج١١.

«الإمامة» ص ٣٢١ رقم ١٢٧٢: أقول هذه الرسالة بعين نسختها ممّا رزقني الله سبحانه شراءً من بقايا مكتبة صدر الأفاضل النصيري قدّس الله روحه و هي في ٥٤ ورقة بحجم الثمن و المكتوب منها ١٠٢ صفحة و على ظهرها صورة الملكية لميرزا محمّدتقي المجلسي المعروف بألماسي و لولده ميرزا عزيزالله ثمّ للميرزا حيدرعلي بن عزيزالله المجلسي الإصفهاني و عليها أيضاً خاتم الأخيرين و النسخة بخط مؤلّفها و فرغ منها في أوايل شهر رجب ١١٠٦ و ذكر اسمه في أوّلها (محمّدأمين بن محمّدسعيد بن محمّدصالح حسام) و في آخرها (ابن محمّد السعيد الأشرفي محمّد الملقّب بالأمين و صدّرها باسم الشاه سلطان حسين و مدحه مدحاً بليغاً و قوله (الأشرفي) نسبة إلى تخلّص والده محمّدسعيد في شعره بأشرف كما يأتي له [ديوان أشرف مازندراني ٩: ٧٨: ٤٥١] و للملاّ محمّدأمين [شرح تهذيب الكلام ١٣: ١٥٩: ٥٣٧] و لإجازة ميرزا حيدرعلى قدّس سرّه يراجع ج١ ص ١٩٠-١٩١.

«الإمامة» رقم ١٢٧٥ — ص ٣٢٣ س٤، **ليک دُزد حديقة الشيعه است:** استراق حديقة الشيعة كما زعمه المحدّث النوري و الأمر بخلافه و عندنا منه الورقة الأُولى قديمة وضعتها جوف النسخة المخطوطة الكبيرة للحديقة و أيضاً مصوّرة عدّة أوراق من مخطوطة اُخرى وضعتها في الحديقة أيضاً.

«الإمامة»ص ٣٢٧ رقم ١٢٩٩: أقول اطلبه في «فهرس منتجب الدين ١٠٠: ٢٠٢ ط قم» و لانشك أنّه الذي وقع التحريف في اسمه بالزبيري و الزبري و لم ينج منه صاحب [أعيان الشيعة ٣٢: ١٧٢] فراجعه.

«الإمامة» ص ٣٢٩ رقم ١٣٠٥: يراجع (إحياء الداثر ١٢٨– ١٢٩) و ما علّقناه عليه في نسختنا.

«الإمامة» ص ٣٢٩ رقم ١٣٠٨: أقول يأتي أيضاً بعنوان [المبسوط ١٩: ٥٣: ٢٨] فراجعه.

«الإمامة» رقم ١٣٢٠ — ص ٣٣٢ س ٨، الآتي: أقول يأتي في ج١١ص٣١٦ رقم ١٩١١ و انظر (مناظرة السيّد فتح‌الله الشيرازي) في ج٢٢ص٢٩٨ رقم ٧١٧٧ و كتاب الإمامة هذا موجود ظ عندنا صرّح فيه بتاريخه سنة ١٠٨٨ و لم يذكره أحمد المتروى في فهرسيه في عنوان الإمامة لعدم عثوره على نسخة من الكتاب كوالده فلم يعلما انّه بالفارسية و راجع [البديع ٣: ٧١: ٢١] و [رسالة في النحوم ٢٤: ٧٦: ٣٨٧] و هي لجدّه.

«الإمامة» ٣٣٣: ١٣٣٤. للسيّد محسن الكوهكمري. راجع ج٤: ٣٨٣ و للسيّد ترجمة في «أرمغان إصفهان: ١١٥ فما بعدها» و «تاريخ روابط ايران و عراق: ٢٤١».

«الإمامة الكبرى» ٣٤١. في إثبات الإمامة، للسيّد حسن الموسوي القزويني. كما يأتي في ج٤: ٣٧٥: ١٦٤٠.

«الإمامة و التبصرة من الحيرة» ٣٤١: ١٣٦٠. قوله في ص٣٤٢ س١: و هو غيرُ ما ينقل عنه في «البحار» كما يأتي... إلى آخر ما في العنوان التالي (الرقم ١٣٦١). أقول إنّ الذي حمل شيخنا المؤلّف طاب ثراه على هذا الإدّعاء - أعني نفي انتساب كتاب الإمامة و التبصرة المرويّ عنه في «البحار» عن والد الصدوق عليهما الرحمة - إنّما هو بسبب تسمية صاحب البحار مآخذَ بعض روايات «جامع الأحاديث» الآتي وصفه باسم «الإمامة و التبصرة» و إلاّ فكتاب الإمامة المذكور للوالد هو عين ما نقل عنه العلاّمة المجلسي طاب مضجعه في «بحارالأنوار» كما سيأتي بيانه.

قوله في ص٣٤٢: ٨: «و لكن بالرجوع إلى سند روايات هذا الكتاب» الخ. أقول الأسانيد المذكورة التي لاتتلائم مشيخة الوالد كلّها لكتاب «جامع الأحاديث المذكور في ج٦: ٣١: ١٤٥» دونَ الإمامة و التبصرة. و إجمالُ القول في بيان ذلك أنّه قد رزقنا الله سبحانه في تاريخ ١٣ شهر صفر ١٣٨٥ مجموعةً مخطوطة وحيدة كانت فيها رسالتان أولاهُما «الإمامة و التبصرة من الحيرة لِوالد شيخنا الصدوق طيّب الله تربتيهما» و الثانية نسخة ناقصة من «جامع الأحاديث» للشيخ الفقيه أبي‌محمّد جعفر بن أحمد بن علي القمي صاحب «العروس» و «الغايات» و «المسلسلات» المطبوع مجموعاً في طهران

سنة ١٣٦٩ و هذه المجموعة المخطوطة المذكورة هي بعينها التي كانت عند العلاّمة المجلسي قدّس سرّه و نقل عن رسالتيه في البحار، و قد استنسخها بأمره الشريف أحدُ تلاميذه عن نسخة قديمة مخرومة ناقصة. فأمّا نسخة الإمامة و التبصرة فقد عرفها العلاّمة المبرور بسهولة كما عرفناها حيث إنّ اسمها و اسم مؤلّفها كان مثبتاً عليها في النسخة القديمة و نقلها الكاتب الجديد كما رآها في هذه النسخة أيضاً. و أمّا نسخة «جامع الأحاديث» فلم يعرفها مؤلّف البحار عليه رضوان الله لخرمها و نقصان طرفيها من القديم مضافاً إلى عدم اطّلاعه عن وجود كتاب للقمي باسم جامع الأحاديث لعزّة نُسخها في الغاية فلذا توهّمَها «أصلاً من الأُصول لوالد الصدوق» أو: لبعض معاصريه: البحار ١: ٧ ط ٢» أو «للتلعكبري ١: ٧» أو «لمؤلّف جليل ١: ٢٦» أو «كِلاهُما لوالد الصّدوق ١: ٤٦». و أمّا نحن فقد عرفناها بالغور حيث ذكرنا أنّ نسخة جامع الأحاديث مطبوعة من قبل و مشهورة. و لمّا لم يعرف العلاّمة المجلسي ره هذا الكتاب ربما ينقل عنه في البحار باسم «كتاب الإمامة و التبصرة» من باب التسامح أو من باب التغليب، حيث ذكرنا أنّ نسخة الجامع ملحقة بنسخة الإمامة في المجموعة القديمة بخط واحد و هكذا استنسخ الكاتب الجديد نسختَه.

ثمّ إنّ شيخنا المؤلّف صاحب الذريعة عليه الرحمة لمّا رأى في البحار المطبوعة أحاديث كثيرةً بأسانيد لاتلائِم مشيخة والد الصدوق فلهذا لم يجد بُدّاً من الإنكار فقال إنّ الكتابَ الذي ينقل عنه العلاّمة المجلسي باسم الإمامة و التبصرة مع أنّ سند بعض الروايات صحيح بلا إشكال و لكنّ بعض الأسانيد لايلائم مشيخة والد الصّدوق، فلهذا أنكر طاب ثراه مجموعَ الكتاب رأساً مِن أن يكون لوالد الصدوق فضلاً عن أن تكون النسخة المنقول عنها في البحار كتابه الإمامة و التبصرة مع انّه كان بوُسعه القول التفصيل حيث قد صرّح العلاّمة المجلسي ره في أوّل كتابه بأنّ مع نسخة الإمامة و التبصرة لوالد الصّدوق أصْلاً من أُصول القدماء، الخ.

و قد مرّ هذا الإنكار من شيخنا طاب ثراه في (ج١: ٣٨٣: ١٤- ١٦) و تكرّر منه في كتابه الآخر «نوابغ الأعلام و الرواة في رابعة المآت» و خاصّةً في ص٢٠٧ منه. و تبِعَه في ذلكَ ناشرُ النوابغ و الذريعةِ فادّعى في مقدّمة النوابغ: لح، فِقدانَ نسخة الإمامة و

التبصرة بل نسب غوّاصَ بحارالأنوار عليه الرحمة إلى الخطاء جزماً و ما احتمل انّه يمكن أن يكون هناك مَن هو أبصر منه و أعرف بالواقع، مع أنّ فوق كلّ ذي علم عليم.

فلمّا وصل إلينا النوابغ و أحطنا خبراً بما هنالك كتبنا إليه وقوعَه في الخطأ و البُهتان و تجرّأه على جرح أعظم علمائنا الأعيان من غير حجّة و لا برهان، و ذكرنا له أن لا اعتبار بعدم الوجدان، بل أرسلنا له نسخة مصوّرة من نسختنا لكتاب الإمامة و التبصرة، و أعطينا بعده مصوّرةً اُخرى أيضاً لصَديقنا الماجد المخلصِ في ولاءِ المعصومين عليهم‌السّلام السيّد جلال‌الدين المحدّث الأُرموي طاب ثراه بطلب منه، و ثالثةً لأحد المشتغلين بقم.

و الحاصل، فبعد ملاحظة الأدلّة و البراهين القاطعة و رؤية عين نسخة كتاب والد الصّدوق في المصوّرة التي أعطيناه إيّاها رجع عن قوله في تعليقة له على «الذريعة ٢٤: ١٨٨» و لكنّه مع التأسّف لم يَدعْه إنصافه و صداقته أن يذكر حقيقةَ الأمر كما وقع فتناسَي الفضلَ لمن سبق و ادّعى أنّ جنابه هو الحائز لتلك الفضيلة و أنّه الذي وجَد نسخة الكتاب عندنا في بلدتنا إصفهان مع انّه كان في منفاه بلبْنان، فقال مأجوراً: «ثمّ لمّا وجدت أخيراً نسخة المجلسيّ! المذكورة عند السيّد... بإصفهان». إلى آخر ما قال، و الله تعالى من وراء القصد.

بقي أن نذكر أنّ كاتب نسختنا من الإمامة و الجامع و هو محمّدقاسم بن محمّدرضا الهزارجريبي من تلامذة العلامة المجلسي طاب ثراهما ذكرَ في آخر نسخة الإمامة و التبصرة أنه فرغ من استكتابها في شهر رجب ١٠٩٧ و نقل هناك خاتمةَ نسخة الأمّ بهذه الصورة قال «تمّ كتاب الإمامة... و كتب الحسين بن علي بن الحسين الحميري في شهر المحرّم سنة ٤٧٩» انتهى. و أمّا نسخة الأُمّ تلك المخرومة القديمة فقد كانت في يد السيّد العلاّمة جامع المعقول و المنقول المير محمّد أشرف ابن عبدالحسيب بن أحمد العلوي الإصفهاني المُجاز من العلاّمة المولى محمّد باقر المجلسي المتوفّى ١١١٠ صاحب البحار قدّس الله روحيهما فنقل عنها في كتابه القيّم «فضائل السّادات: ٢٢٩ ط ١» و كذا نقل عن كتاب الإمامة أيضاً صاحبُ كتاب «عوالم العلوم» كما ينقل عنه غيرهما في غيرهما و الله سبحانه العالم بمصير النسخة القديمة العتيقة و نصيبها، و إلى الله تصير الأُمور، و السّلام.

«أمان الخبيث في دراية الحديث» ٣٤٤. للحاج عماد الفهرسي الطهراني الشيخ محمّدمهدي المتوفّى ١٣٥٥ ذكره العلاّمة المعلّم. يأتي بعنوان «رسالة...» في ج١١: ١١٢. و عندي نسخة منه.

«أمانت إلهى» ٣٤٥: ١٣٧٠. طبعت هذه الرسالة في مجموعة الرسائل الثمان راجع «فهرست المطبوعات العربية: ٤١٩» و «فهرست المطبوعات الفارسية ١: ٤٩٢» للمشار.

﴿الأمثال السائرة من شعر أبي‌الطيب﴾ ص ٣٤٦: للصاحب بن عباد. اطلبه في «كتاب الأمثال ١٧: ٢٦٨: ٢١٠».

﴿الأمجدية﴾ ص ٣٤٨: يأتي بعنوان [الرسالة الأمجدية] في (ج١١: ١١٥: ٧١١).

«الإمكانية» ص ٣٤٩ س ٢٢، **الترتيب**: الصواب الترتّب كما يأتي في ج٤ ص«...»

«أمل الآمل» ص ٣٥٠ رقم ١٤٠٠: أقول تكلّمنا بكلمة وجيزة حول «أمل الآمل» في «شرح روضات الجنّات ١: ١٧٢ - ١٧٣» و في المقدّمة للجزء المذكور ص٢٦ و لنا على الكتاب تعليقات كثيرة و يأتي «منتخب أمل الآمل ٢٢: ٣٧٥: ٧٥١٦» و عندنا الآن نسخة من الأمل تمامها متناً و هامشاً بخط جدّنا الإمام العلاّمة المجاهد المجتهد المجدّد صاحب الروضات فرغ من كتابتها بخط الجيّد في [عصر يوم الثلثاء الواقعة في العشر الأواخر من شهر رمضان المبارك ١٢٤٨ بقصبة خوانسار» قبل هجرته و هجرة والده و جمع من الأقارب إلى إصفهان و أشار في الخاتمة إلى وقوع فتنة عامّة في البلدة و قد استنسخ الجدّ الأمجد تلك النسخة عن النسخة التي استنسخها أخوه العالم الفاضل السيّد محمّدجواد مع حواشي الأمير محمّد ابراهيم القزويني كما يأتي في «تتميم أمل الآمل ٣: ٢٣٧: ١٢٢٢» و نسخة السيّد محمّدجواد الآن في خزانة الكتب بمدرسة سپهسالار العامّة بطهران و قد رأيتها هناك و تاريخها «عصر يوم الإثنين ٤ ج٢- ١٢٤٨» و رأيت نسخة من الأمل مع حواشي العلاّمة الميرزا عبدالله أفندي صاحب «رياض العلماء» عند السيّد العلاّمة المرعشي النجفي في قم استفيد منها عند طبع الرياض بقم.

و أمّا طبعات أمل الآمل فذكر المشار في فهرسيه أنّها مطبوعة أوّلاً ملحقة بالطبعة الأُولى لرجال «منتهى المقال» طبعة حجرية بطهران سنة ١٢٦٨ و لكن لايصحّ هذا فيها نظنّ فإنّ نسختنا منه خالية عن الأمل و لم يقل به غير المشار و هو رحمه الله كثير الوهم

في كتبه و إنّما طبع معه الطبعة الأُولى لكتاب «توضيح المقال» فالطبعة الأُولى للأمل هي الملحقة بالطبعة الثانية لمنتهى المقال الحجرية الطهرانيّة أيضاً في سنة ١٣٠٢ و معها الطبعة الثانية المكمَلَة لتوضيح المقال و أيضاً «وجيزة الدراية» للشيخ البهائي ثمّ طبع طبعة أُخرى سنة ١٣٠٧ خلف منهج المقال ثمّ طبعة جديدة في مجلدين سنة ١٣٨٥ في النجف الأشرف كما طبع قسم من تكملة الأمل لشيخ مشايخنا العلاّمة الحجّة السيّد أبومحمّد الحسن صدرالدين سنة ١٤٠٦ بمدينة قم المشرّفة كلاهما باعتناء الحاج السيّد أحمد الحسيني الإشكوري النجفي الذي اهتمّ بطبع قسم من رياض العلماء أيضاً في قم.

ص ٣٥٠ س١٢، **الشيخ عبدالله**: توفّى الشيخ عبدالله الحرّ سنة ١٣٦٨ بِجُبَع، كما في ترجمته في النقباء ص ١٢٠٢.

ص ٣٥٠ س ١٤، **مستقصياً**: قال جدّنا المؤلّف للأمل في خاتمة كتابه «العاشره اعلم أنّ هذا الكتاب يليق أن يكون متمّماً للكتاب الكبير في الرجال لميرزا محمّد بن علي الاسترآبادي المشتهر.

«امّهات النبيّ صلىالله عليه و آله» ص ٣٥٢: يراجع (موارد الاتحاف ص١٨٩).

«الأمير حمزة» ٣٥٢: ١٤١٤. له ترجمة بالعربيّة كتاب كبير مطبوع أدبيّ.

«انتخاب تلخيص المحصل» ص ٣٥٧ رقم ١٤٤٤: أقول يراجع كتاب [أحوال و آثار خواجه نصيرالدين: ٢٦٢– ٢٦٦].

«انتخاب الجيّد» ٣٥٨: ١٤٤٥. من تنبيهات السيّد للشيخ حسن الخ. **أقول** ترجمة الشيخ حسن هذا في «أنوار البَدرين: ٢١٧» و لم أجده في «الكرام البررة» و نسخة من انتخابه الجيّد ممّا اشتريناها من بقايا مكتبة ابن خالنا العلاّمة أبيالمجد محمّد الرضا رحمه الله، و سيأتي للشيخ حسن «أوراد الأبرار».

«الانتصار لبَني فاطمة الأخيار» ٣٦١. لشيخ الشرف العُبيدلي. ذكره في عمدة الطالب: ص٢٣٢ ط النجف الأشرف على مشرّفه أفاضل التحيّة و التحف.

«انجمن خاقان» ٣٦٥: ١٤٨٠. نسخة منه في خزانة كتب مجلس الشورى بطهران و نسخة أُخرى كانت في ملك الحاج الشيخ أحمد بيان الواعظين في إصفهان قال في مقدّمة كتابه «خلدبرين: ٤٢» إنّ المظنون قويّاً أنّ نسخته بخطّ المؤلّف، و ذكر أن المؤلّف لأنجمن خاقان توفّى سنة ١٢٥٢.

«إنجيل أهل‌البيت» س ٣٦٥ رقم ١٤٨٢: أقول يطلق على كتاب الصحيفة الشريفة السجّاديّة سلام الله على منشئها «إنجيل أهل‌البيت و زبور آل محمّد» كما يطلق عليه أيضاً «اخت القرآن الكريم» راجع «الذريعة ١٥: ١٨: ٩٥» و ما ذكرناه في التكملة.

«إنجيل برنابا» ٣٦٦: ١٤٨٣. راجع مقالة مجتبى المينوي عنوانها «اسلام از دريچه چشم مسيحيان» طبعتْ في المجلّد الثاني من كتاب «محمّد خاتم پيامبران: ٢٤٧». و في كتاب [الأعلام ٢: ٣١٨] للزركلي انّ للكاتب الطبيب اللبناني الأصل خليل سعادة مجاعص (١٢٧٣ - ١٣٥٣) المنتقل من مصر إلى برازيل و المتوفّى بها صاحب تآليف مطبوعة منها [ترجمة إنجيل برنابا - ط].

«اُنس الخواطر» ٣٦٧: ١٤٩٠. أقول راجع (نديم الفريد) في ج٢٤ ص١٠٤.

﴿أنس الزائرين﴾ ص ٣٦٨: قال الزركلي في [الأعلام ٤: ٢٧٧: ٢].

«اُنس الخواطر» ص ٣٦٨ رقم ١٤٩١: أقول الصواب أنّ اسم الكتاب «عيون البلاغة في اُنس الحاضر و تعلّة المسافر» كما يأتي في موضعه ١٥: ٣٧٧: ٢٣٧٥.

«اُنسُ العالم» ٣٦٨: ١٤٩٢. ذكره الشيخ الطوسيُّ قدّس الله تعالى روحه الشريف في كتاب الفهرست باسم اُنس العالم و تأديب المتعلّم.

«اُنس الوحيد» ص ٣٦٨ رقم ١٤٩٦: أقول ذكر الشيخ الأجل يحيى ابن البطريق الحلّي رضي الله تعالى عنه و ارضاه المتوفّى سنة ٦٠٠ في مقدّمة كتابه «العمدة ص٧- ٨ ط قم» ما لفظه الشريف [و أيضاً ما ذكره الشيخ السعيد أبوجعفر محمّد بن الحسن الطوسي المقدّم ذكره في كتاب اُنس الوحيد في عاشر قائمة الجزء الأوّل من الكتاب المذكور] الخ.

«اُنس الوحيد» ص ٣٦٨ رقم ١٤٩٧: راجع (نورالبراهين ٢٤: ٣٦٣: ١٩٥٩).

﴿الأنساب﴾ ص ٣٦٩: انظر (مغز الأنساب) في (ج٢١: ٢٩٤: ٥١٣٦) و لعلّ الصواب (معزّ) بالمهملة ثمّ المعجمة المشدّده. و مرّ [الاكليل في الأنساب ٢٨٠: ١١٣٧] و ذكرنا [المجتبى في النسب] في موضعه من التكملة.

«الأنساب» ٣٧١: ١٤٩٨. راجع ج ٢٤: ٤٣٠: ٢٢٥٦ و قد سمّاه شيخنا المصنّف مؤخراً «حديقة النسب ٦: ٣٩٠: س١٩» و لاأدري الآن منشأ تلك التسمية إلاّ انّه قال في أواخر هذا العنوان (في الصفحة التالية) إنّ بعض الفضلاء عبّر عنه بهذا العنوان و قد

توجد ترجمة الملاّ أبوالحسن هذا الذي كان مدرّس الغري في «مكارم الآثار ٥: رقم ١١٠١ متناً و هامشاً و بعد الطبع أيضاً و ذكره صاحب «منية الراغبين ص٤٥٩» مختصراً و من أخطائه في ترجمته أوّلاً حذف اسم محمّد بن علي و معتوق في أجداد الرجل و ثانياً زعمه أنّ أمّه بنت الأمير محمّدصالح و غير ذلك و كأنّه لم ير نسخة من كتابه الأنساب و الله العالم. و من جملة آثاره الهامّة «نصائح الملوك ٢٤: ١٧١: ٨٨٨» فراجعه و نحن نقلنا في كتابنا «جامع الأنساب ٧٥» تعليقة عن هامش «عمدة الطالب ١٨٦ ط النجف» المنقولة عن هامش نسخة مخطوطة معتبرة هاك نصّها: «و قد ذكر صاحب المشجّرة القديمة التي هي الآن عند بعض سادات آل طعمه في مشهد كربلا إلى سنة ١١٦٤ التي انتخب منها شيخنا أبوالحسن مدرّس الغري نوّر الله رمسه» انتهى موضع الحاجة فظهر من هذا الكلام أنّ الرجل كان في عصره مدرّساً مشتهراً في النجف الأشرف و أنّ كتابه و هو هذا المعنون بالأنساب منتخب مشجّرة قديمة كانت نسخة تلك المشجّرة الأصليّة موجودة في سنة ١١٦٤ ثمّ إنّا نظراً إلى كلام الشريف أبوالحسن في مقدّمة كتابه هذا استحسنّا تسميته «كتاب الأنساب الكاشف للنقاب عن حدائق الألباب في معرفة الأنساب» فكتبنا هذا العنوان على الورقة الأولى من نسختنا المصوّرة.

ص ٣٧١ س١٧، **حدائق الألباب**: أقول يأتي ذكر الحدائق هذا في (ج٦) مستفاداً من الأنساب هذا من دون زيادة اطّلاع ما. و عندنا نسخة مصوّرة من كتاب الأنساب المذكور للشيخ أبي‌الحسن و ليراجع «ماضي النجف و حاضرها ٣: ٤٨».

ص ٣٧٢ س١٠، **رأيت منه النسخة**: أقول رأيت أنا نسخة من هذا الكتاب بخطّ العلاّمة الحجة الحاج السيّد أحمد الزنجاني قدّس سرّه عند ولده العلاّمة الحجّة صديقنا الحاج السيّد موسى الشبيري الزنجاني دام ظلّه في قم و في بيته في شهر رجب ١٤٠٢. ثمّ إنّي طلبت من السيّد الصديق أن يجيزني في أخذ صورة من نسخته فأرسل إليّ النسخة مشكوراً و حصّلت نسخة مصوّرة كاملة منها و الحمد لله ربّ العالمين. و ذلك في ١١ ع ١ سنة ١٤٠٣

ص ٣٧٢ س١٧: (يراجع ج٢٤ ص٤٣٠: ٢٢٥٦) و (جامع الأنساب ص٧٥ متن و حاشيه قلمي).

ص ٣٧٢ س٢٠، **شجرة السبطين**: أقول يأتي في موضعه ١٣: ٣١: ٩٨ و هو الذي سمّاه في مقدّمة الطبع للمجلّد ٢٠ص يب «تشجير حديقة النسب للافتوني».

«الأنساب» ٣٧٢: ١٤٩٩. للسيّد أبي‌طالب الزنجاني. أقول لايخفى أنّ عمود نسب السيّد أبي‌طالب المذكور في المتن مطابق تماماً لمأخذ النّقل «مصوّرة نسخة الرضويّة، ق١٦٤» و لكن يختلف عن الصّورة المذكورة في «المشجّر الكشّاف» فراجع كتابنا «جامع الأنساب ١: ٩١» و (منيةالراغبين ٢٨٦) و لم يذكره المصنّف في طبقاته اللهمّ إلاّ أن يكون هو المذكور في «فهرس الشيخ منتجب‌الدين رقم ١٢٨» بقوله [الفقيه الحسين بن محمّد الزنجاني (الريحاني. خ‌ل) المجاور بالحرمين صالح] انتهى فنقله عنه شيخنا المصنّف في (الثقات العيون ٨١) من دون إشارة إلى ما احتملناه و هو بعيد و الله العالم و يأتي للزنجاني هذا (المعارف ٢١: ١٨٦) ثمّ إنّ المصنّف عنون الرجل هنا بأبي‌طالب الزنجاني و انّه ابن الحسين و في (المعارف ٢١: ١٨٦) أيضاً بأبي‌طالب الزنجاني الموسوي فقط و ما في المتن موافق لمأخذه كما قلناه و لعلّه من غلط النسخة و انّ الصواب انّ أباطالب كنية للحسين فأبوطالب الحسين هو نقيب الحضرة و صاحب الأنساب و المعارف و لعلّ وصفه بنقيب الحضرة من جهة ما ذكره المنتجب و الله العالم. م‌ع‌ر في ٢ ع ٢ سنة ١٤١٣

«الأنساب» ص ٣٧٣ رقم ١٥٠٠: أقول بل يأتي بعنوان [أنساب آل أبي‌طالب: ٣٧٦: ١٥١٤].

«الأنساب» ٣٧٣: ١٥٠٢. لبعض الأصحاب، فارسيّ كبير. أقول سيأتي في ص٣٨٤ الرقم ١٥٣٥ نسختان من «الأنساب المشجّرة» موجودتان في مكتبة مدرسة سپهسالار المذكورة.

«الأنساب» ٣٧٤: ١٥٠٥. لابن الصوفي. أقول هو المذكور في «عمدة الطالب: ٣٦١ ط ١ النجف» و انظر الرقم ١٥٢٨ في ص٣٨١ من هذا الجزء و أيضاً الرقم ١٥٣٨ في ص٣٨٧.

«الانساب» ص ٣٧٤ رقم ١٥٠٦: شيخ الشرف الدينوري، انظر (منية الراغبين ٢٦٧) و (النابس ١٨٣) و يأتي له (جرائد البلدان ٥: ٣٩١) و ولده أحمد مذكور في (منية الراغبين ٢٣٧).

«**الأنساب**» ٣٧٤: ١٥٠٨. لشيخ الشرف العُبيدلي. أقول هو المذكور في «العمدة: ٣١٤» و له أيضاً «تهذيب الأنساب» الآتي ذكره في ج٤. و قوله في س١٩-٢٠: (الحسن بن ابراهيم) أقول الصّواب: (الحسن بن علي بن ابراهيم) الخ كما يأتي في ج٤: ٥٠٨: ٢٢٧٢ عند ذكر كتابه الآخر «تهذيب الأنساب».

«**الأنساب**» ص ٣٧٥ رقم ١٥٠٩ س ٣، **السيّد شهاب‌الدين: أقول** سيأتي للولد الرقم ١٥٣٠.

«**أنساب آل أبي‌طالب**» ٣٧٥: ١٥١٢. على نهج عمدة الطالب. أقول يأتي ذكر هذا الكتاب أيضاً في ج٢٤: ١٣٤ بعنوان «نسب آل أبي‌طالب» و يراجع لنسَب مؤلّف العمدة و الاختلاف في بعض الأسماء «الذريعة ١٥: ٣٣٦» و مقدّمة «الفصُول الفخرية: ١١ ط طهران» بقَلم الأُستاذ النابغة جلال‌الدين الهمائي ره و مقدّمة العمدة ط النجف و مقدّمة المجلّد الأوّل من كتابنا «جامع الأنساب» و ما ألحقنا بها بعد الطبع في هوامش نسختنا الخاصّة و انظر أيضاً الفصول الفخرية ص١٨٠.

ص ٣٧٦ س٥، **مما ذكره:** انظر (الذريعة ٢٦ رقم ٧٠٠) و راجع (الفصول الفخريّة) لابن عنبة ص ١٨٠.

«**أنساب آل أبي‌طالب**» ص ٣٧٦ رقم ١٥١٣ س ١٤: قوله الحُسيني، **أقول** كذا فيما يأتي له في (ج١٣ ص٤٢: ١٣٣) باسم (شجون الأحاديث) و كذا أيضاً في كتاب (النابس ص٣١) لشيخنا المصنّف ره و لكن الصواب (الحسني) بفتح الحاء كما يأتي في (ج ١٢: ٧٤: ٥١١) عند ذكر كتاب آخر له اسمه (زهرة الرياض) و كما في كتاب (منية الراغبين ٢٣٧) و (فهرست منتجب‌الدين ص١٠ ط قم) و التعليقة الهامّة عليها.

«**أنساب آل أبي‌طالب**» ٣٧٦: ١٥١٤. لأبي‌طالب المروزي. أقول هذا هو كتاب الفخري كما يأتي في كلام المصنّف ره و لكن الكتاب يُعرف دائماً باسمه «الفخري في النّسب» و ليس هو ما يَنقل عنه السيّد عبدالرزّاق كمونه قدّس سرّه في كتبه النّسبيّة كما سنذكره و انظر لزاماً ما مرّ في (ص٣٧٣: ١٥٠٠)، و يأتي الفخري في موضعه من ج١٦: ١٢٥ و لايخفى أنّ نسخة الفخري هذا لم يكن عند صاحب العمدة و غيره من النّسابة المشهورين سوى ما يوجد من عباراته في «المشجّر الكشّاف» بلا غروٍ و لعلّها

أيضاً بواسطة «الثبت المُصان» و الله العالم. و أمّا المطالب و العبارات التي ينقلها السيّد الجليل الكمونة النجفي في مواضع من كتابه «موارد الاتحاف» مثل قوله عند النقل «ذكره أبوطالب اسماعيل المروزي في أنساب الطالبيّة» فلايريد بذلك كتابه «الفخريّ» لأنه خال عن تلك العبارات، و لم يتفوّه الكمونة ره بشيء حول وصف نسخته المذكورة في شيء من كتبه فانظر ما سنذكره في التعليقة على الرقم ۱۵۱۷ و لاتنس الرجوع إلى ما ذكرناه أيضاً بهامش ج۲٤ص۱۳۹ رقم ٦۹۹. ثمّ إنّ من جملة مآخذ ترجمة السيّد أبيطالب المروزي المذكور هو «الأنوار الساطعة ص۱۸» لشيخنا المؤلّف ره و «منية الراغبين: ۳۲٤» للسيّد كمونة قدّس الله روحيهما.

«أنساب آل أبيطالب» ص ۳۷۷ رقم ۱۵۱۵: أقول و يأتي الكتاب أيضاً في (ج ۲٤: ۱۳۹: ٦۹۸) من غير توضيح.

«أنساب آل أبيطالب» ۳۷۷: ۱۵۱۷. اعلم أنّ الذي ظهر لنا بعد التأمّل في كلمات شيخنا المصنّف ره أنّه بعد طبع الجزء الأوّل من الكتاب هذا وقف بعض أصدقائه الأفاضل على ما حرّره في هذا الموضع و استشكل عليه في بعض مطالبه منها نسبة الكتاب إلى الشيخ أبينصر البخاري فاستدرك ره ذلك في ملاحظة له أوردها في خاتمة (ج۳: ٤۹۰). ثمّ إنّه طاب مضجعه لم يتوقّف عن العمل و البسط في تحقيقه و توضيحه حول هذا الكتاب المجهُول إلى زماننا هذا، فأعاد الكلام عليه في (ج۱۱: ۱۱۹ بعد الرقم ۷٤۸) و لمّا ينته عن الفحص و التنقيب فتراه أيضاً قد بسط القول حوله في (ج۲٤: ۱۳۹: ٦۹۹) فصدق قوله عليه الصلوة والسلام: منهومان لايشبعان، الخ. و أمّا نحن فلم يقنعنا تحقيقاته «شكر الله مساعيه» في المواضع الأربعة فإنّنا لم نعثر على شيء من النّسختين الموصوفتين للكتاب: نسخة سيّدنا الحسن صدرالدين في بغداد و نسخة العلاّمة الشيخ علي كاشف الغطاء في النجف الأشرف و لم ينقل شيخنا ره و لا جملةً من ألفاظ الكتاب مطلقاً، كما أنّا لم نعثر على كلمة للسيّد الصدر «طاب مضجعه» حول هذا الكتاب و نسخته منه في شيء من تآليفه المطبوعة فيما علمنا، و لا على كلمة لغيره من فضلاء العراقين حول الموضوع. و بعد اللّتيا و التي نقول إنّ الذي نظنّه في أمر ذاك الكتاب القيّم الموجود منه نسختان في بغداد و النجف الأشرف (كما مرّ) أنّه بعينه هو

الذي يأتي في (ج٢٤: ١٣٥: ٦٦٦) بقوله: «نسب آل أبي‌طالب، لمؤلّف مجهول ألّفه حدود عام ٦٠٠. نسخة ناقصة الأوّل و الآخر استنسخها عبدالرزّاق كمونه بخطه»، إلى آخر ما ذكره ممّا هو مطابق لأوصاف النسختين، من دون التفات شيخنا إلى هذا الأمر. فلو أنّ السيّد الكمونة أخبر شيخنا بمكان أصل نسخته - و لانظنّه سوى نسخة كاشف الغطاء ره لارتفع النزاع من البين، و لكن السيّد ره أخفي الأمر و لم يُظهره لشيخنا المصنّف و لا في مؤلّفات نفسه، و نظنّ أنّ الكتاب الذي ينقل عنه السيّد دائماً في كتبه النسبيّة باسم «أنساب الطالبيّة لأبي‌طالب المروزي» ليس إلاّ هذا الكتاب المجهول الذي نستبعد كونه تأليف النسابة المروزي و ليس إلاّ الكتاب الذي ذكر شيخنا أنّه لمؤلّف مجهول و بخط السيّد كمونة ره، و الله سبحانه العالم، و قد بحثنا حول الموضوع أيضاً في القسم المخطوط من كتابنا «جامع الأنساب» و يأتي أيضاً في مواضعه المذكورة من الذريعة و في تعليقاتنا عليها، و لايجوز لنا إطالة الكلام في هذا المقام أكثر من ذلك.

قوله طاب مضجعه في السطر ١٩ «ألّفه أيام الناصر بالله» الخ. أقول يريد به الناصر لدين الله أبا العبّاس أحمد بن المستضيء بأمرالله. بويع بالخلافة ٥٧٥ و مات ٦٢٢ كما في كتاب «الفخري في الآداب السلطانية لابن الطقطقي: ٣٢١ فما بعدها. ط بيروت» و كذا في كتاب «تجارب السّلف لهندو شاه بن سنجر: ٢٨٣ فما بعدها. طبعتنا بإصفهان». أمّا الوزير ناصر بن مهدي فهو السيّد نصيرالدين أبوالحسين العلوي الرازي المذكور في «ابن الطقطقي ٣٢٥ و التجارب: ٢٩٥ و موارد الاتحاف ١: ٨١» فوّضت إليه الوزارة حوالي ٥٩٣ و قُبض عليه في ٦٠٤ و مات تحت الاستظهار في ٦١٧ و دفن بمشهد الإمام موسى الكاظم صلوات الله و سلامه عليه. و أمّا السيّد شرف الدين محمّد بن عزّالدين يحيى فهو و والده الشهيد في ٥٨٩ أيضاً مذكوران فيما سمّيناه من المآخذ، و تواريخ و قصص الجميع أيضاً مبسوطة مسطورة في «الكامل لابن الاثير» و «مرآة الزمان للسبط» و «التكملة لوفيات النقلة» و «التّاريخ المنصوري» و أمثالها في مواضع عديدة و السّلام.

قوله قدّس سرّه في س٢٣: «ينقل عنه كثيراً في (عمدة الطالب)» الخ. أقول إنّ الذي ينقل عنه كثيراً في عمدة الطالب إنّما هو أبونصرٍ البخاريُّ النّسّابة الشهير كما هو

معلوم، فعود الضمير في قول شيخنا «ينقل عنه» إلى البخاريّ لا إلى الكتاب الذي مرّ و يأتي فساد نسبته إلى البخاري.

«أنساب آل أبي‌طالب» ٣٧٨: ١٥١٨. للشيخ رشيدالدين. انظر «منية الراغبين ٣٠٦».

«أنساب آل أبي‌طالب» ٣٧٨: ١٥١٩. لأبي‌الحسين يحيى. راجع الذريعة ٢٤: ١٣٥ رقم بعد ٦٦٦.

ص ٣٧٨ س٧، آنفاً: في ص٣٧٤ س١ و ٢.

ص ٣٧٨ س٩، **أبومحمّد الحسن**: راجع (منية الراغبين: ١٩٨).

ص ٣٧٨ س١٨، **السيّد أحمد**: انظر ص٣٨٢: ١٥٣٢.

«أنساب آل أبي‌طالب» ٣٧٨. للسيّد الحاج ميرزا كاظم الطباطبائي التبريزي وكيل الرعايا المعروف بالحاجّ وكيل ثمّ اعتضاد الممالك، من فضلاء طائفته المشهورة في تبريز. أورد ترجمته مهدي بامداد في «تاريخ رجال ايران ٣: ١٤٩» نقلاً عن «تاريخ تبريز: ٢٥٥» لنادر ميرزا و قالَ في وصف كتابه المذكور ما تعريبه: لم يصنّف في علم الأنساب نظيره من حيث الكمال و الجامعية و الشرح و البسط، انتهى و قال: من آثاره تصحيح كتاب «كليله و دمنه» بإشارة من حسنعلي خان أمير نظام گروسي والي آذربايجان و طبعَه في سنة ١٣٠٥ و كان السيّد في ١٣٠٩ حاكم دهخوارقان، انتهى.

«أنساب آل أبي‌طالب» ٣٧٨: ١٥٢٠. يراجع [فهرس الشيخ منتجب‌الدين ص٢٠٠ - ٢٠٢ ط قم] تحقيق العلاّمة السيّد عبدالعزيز الطباطبائي.

«أنساب آل الرسول» ص ٣٧٩ رقم ١٥٢١: أقول مرّ للسيّد عبيدالله [الأديان و الملل ١: ٤٠٤: ٢١٠٣] و يأتي له [الحلال و الحرام ٧: ٦١: ٣٢٦] و ذكره شيخنا المصنّف ره في [النابس في القرن الخامس ١١١] و لكن السيّد كمونة أورده في القرن الرابع من [منية الراغبين ٢٠٨] و هو ضعيف. و ذكرنا الرجل بمناسبة في كتابنا [جامع الأنساب ١: ٨١: ١٠١] و خرج من الطبع غلطاً فسقط اسم أحمد بن موسى المبرقع من البين و رقم الصفحة للذريعة صوابها ٣٧٩ و لنا حول ترجمة الرجل و عقبه و آثاره تحقيقات مبعثرة في بطون الدفاتر و حواشي الكتب مطبوعات و مخطوطات و إلى الله المصير. حرّرت هذا في يوم الأربعاء الثالث من شهر رمضان المبارك ١٤٠٨ هـ قلقاً مضطرباً تمامها من

إصابة الدبابات النارية الهدامّة العراقيّة في بلدتنا إصبهان على الاستمرار آخرها الساعة الواحدة تقريباً صباحاً لليوم الماضي و لا ملجأ من الله إلاّ إليه و صلّى الله على سيّدنا محمّد المصطفى و آله الطاهرين.

«أنساب الطالبيّين» ص ٣٨١ رقم ١٥٢٨: أقول انظر «التشجير ٤: ١٨٣: ٩٢٠».

ص ٣٨١ س٨، **في كتاب الأنساب لوالده**: رقم ١٥٠٥.

«أنساب الصفوية» ٣٨١. أقول اسمه «سلطان الأنساب» منظوم يُذكر في ج٩: ٣١٨: ١٨٨٣.

﴿الأنساب العلوية﴾ ص ٣٨١: الذي نسبه شيخنا المصنّف في (النابس ٦٨ و ١٢٢) إلى حسين بن محمّد بن أبي‌طالب ابن طباطبا و الذي نذكره في التكملة بعنوان (بحرالأنساب ٣: ٣٢) و هو الذي ذكره المصنّف بعنوان «تهذيب الأنساب ٤: ٥٠٨: ٢٢٧١». م‌ع‌ر في ٢٥ ع ١ سنة ١٤١٣

«أنساب العلويين» ص ٣٨١ رقم ١٥٣٠: أقول مرّ لوالده الرقم ١٥٠٩ و في كلا الموضعين وصفهما بالحسيني التبريزي.

«أنساب المجلسي» ٣٨٢: س١٢. قوله: مرّ بعنوان إجازة ميرزا حيدرعلي. أقول مرّ في ج١: ١٩١ و راجع «الكرام البررة: ٤٥١» و «مكارم الآثار ٢: ٥٢٩» و «زندگينامه علاّمه مجلسى ١: ٣٤٧» و لايخفى عليك أنّ إجازة الميرزا حيدرعلي غير رسالته في أنساب عشيرته و انظر أيضاً «تذكرة المجلسي».

«الأنساب المشجّرة» ص ٣٨٢ س ١٦، و يأتي: في ج١٣ ص٢٩.

﴿أرجوزة في سلسلة نسب﴾ الخ ص ٣٨٢: عنوان لتسعة منظومات مرّ ذكر جميعها في ج١ ص٤٧٧ - ٤٧٨ فليراجع لزاماً.

«الأنساب المشجّرة» ٣٨٢: ١٥٣٢. للسيّد أحمد بن محمّد بن المهنّى. أقول: نسخة من كتاب النسب المشجّر لأحمد العبيدلي هذا موجودة في الخزانة الرضويّة بمشهد خراسان و عندنا مصوّرة كاملة منها، ذكر المؤلّف نسبَه و عشيرته في «الورقة ١٠٤ظ» و تاريخ تأليفه سنة ٦٥٧ في وجه الورقة ٩٥ و الرّجل مذكور في «المشجّر الكشّاف ١٢٣ ط مصر» و ربّما يُذكر الكتاب بعنوان «بحر الأنساب» و كذا «تذكرة الأنساب» و

«تذكرة النسب» و رأينا نسخةً اُخرى للكتاب أيضاً في الخزانة المذكورة في شهر رجب ١٤٠٢. و انظر في هذا المجلّد ص٣٧٣ س١ و يأتي ذكر الكتاب أيضاً في ج٢١: ٤٥ بعنوان «مشجّر النسب» و راجع «مذيّل مشجّر النسب» في ج٢٠ ص٢٥٩ و انظُر «ج٨: ٢٧٣» و تعليقتنا هناك. و المؤلّف مذكور في «الأنوار الساطعة: ١٢» و كتاب «منية الراغبين: ٣٦٨».

أقول انظر ما ذكره المصنّف في «تهذيب الأنساب ٤: ٥٠٨: ٢٢٧١» و انظر لزاماً «ذيل الأنساب المشجّرة ١٠: ٤٧: ٢٦٨» و «مذيّل مشجّر النسب ٢٠: ٢٥٩: ٢٨٦٧» و قد رأيت مصوّرة بعض أوراق للمذيّل المذكور (على الظاهر) عند شخص ادّعى أنّ أصلها المخطوط عند ولد الشيخ «...» جاراللهي بطهران و وعدني بخبر عن إرادة بيعها في عام ١٤١٢ و لم يعد بعد ذلك. م ع ر في ٢٥ ع ١ سنة ١٤١٣

ص ٣٨٣ س١١، **النسابة العقيقي**: انظر ص٣٧٨: ١٥١٩.

ص٣٨٤ س٢، و **كتب اسمه بالذهب في وسط الصفحة**: أقول و هكذا نسخة الخزانة الرضوية في ظهر الورقة ٦٣ كما هو المشاهد في نسختنا المصوّرة، و الله العالم.

«الأنساب المشجّرة» ٣٨٤: ١٥٣٣: ٥، قوله: في أنساب الطالبيّين. أقول بل في «أنساب آل أبي‌طالب: ٣٧٦: ١٥١٤» فلاحظ.

«الأنساب المشجّرة» ص ٣٨٤: نسخة موجودة في الخزانة الرضوية و عنها اخذتُ تصويراً كاملاً في ١٩٠ ورقة و في آخرها توقيع هذه الصّورة «الحسن بن عبدالله ابن أحمد الحسيني النسّابة الشهير بسيّد ركن‌الدين نقيب الأشراف و ذلك في شهر محرم الحرام سنة ٨٧٣» انتهى. و الظاهر أنّها الصورة القديمة لما جدّد و طبع المجدّد باسم «بحرالأنساب» باهتمام الحاج السيّد محمود الحسيني المرعشي في طهران سنة ١٣٨٥ فليتحقّق إن شاء الله و لعلّ «الأنساب المشجرة» للجدّ و «بحرالأنساب» للحفيد.

«الأنساب المشجرة» ص ٣٨٤ رقم ١٥٣٥: أقول مرّ في ص٣٧٣ ذكر نسخة من كتاب الأنساب في تلك المكتبة و يأتي المشجّرتان في (ج٢١: ٤٦: ٣٨٩٢).

«الأنساب المشجّرة» ٣٨٤: ١٥٣٦. أقول توجد نسخة قديمة من هذا الكتاب الكبير المبسوط في إحدى مكتبات تُركيا و عندنا مصوّرة منها.

ص۳۸۵ س۲۲، **كما في هذه النسخة:** ق۳ من نسختنا المصوَّرة.

«الأنساب المشجرة» ص ۳۸۷ س ۲، **الغريقي:** الصواب الغريفي بالغين المعجمة و الفاء.

ص ۳۸۷ س۵، **شجرة النبوة و الشجرة الطيّبة:** أقول كلاهما مذكوران في موضعهما بالتفصيل.

«الأنساب المشجّرة» ۳۸۷: ۱۵۳۸. لأبي‌الحَسن علی. أقول راجِع الرقمين ۱۵۰۵ و ۱۵۲۸.

«الأنساب المشجرة» ص ۳۸۷ رقم ۱۵۴۰: انظر ما ذكرناه في التكملة بعنوان «المشجّرة المجدية ۲۱: ۴۵».

«الأنساب المشجّر» ۳۸۸: ۱۵۴۱. للشيخ أبي‌صالح محمّد المهدي. أقول هو تلميذ ابن عمّه الملاّ أبي‌الحسن المذكور في ص۳۷۱ رقم ۱۴۹۸ قال المصنّف في «مصفّى المقال ۴۷۴» عند ترجمته [له اُرجوزة لطيفة في تواريخ المعصومين عليهم‌السّلام و كتاب مشجّر في أنساب ذراريهم رآه سيّدنا الحسن صدرالدين أوّله: أحمدك اللهمّ بارئ النسم، مصلّياً على رسولك العلم] انتهى. أقول أوّلاً إنّ هذا البيت أوّل ما افتتح به «الأُرجوزة ۱: ۴۶۷: ۲۳۲۷» كما مرّ و كما في «ماضي النجف ۳: ۵۴» و «معارف الرجال ۳: ۸۴» دون غيره و ثانياً إنّ سيّدنا الحسن صدرالدين لم يذكر عند ترجمة الرجل في «تكملة أمل الآمل ۳۹۲ ط قم» كتاب النسب المشجّر له كما لم يذكر اُرجوزته و الذي يغلب على ظنّي أنّ السيّد حين كتابة الإجازة لشيخنا المصنّف اشتبه عليه الأمر فنسب كتاب «الأنساب ۳۷۱: ۱۴۹۸» للاستاذ سواء رآه أو لم يره إلى تلميذه المهدي و بهذا الاعتبار يعني اعتماداً على المصفّى ذكره صاحب «منية الراغبين ۴۷۵» و لا عبرة به و بما ذكره صاحب «معارف الرجال ۳: ۸۳» من عدّ «الأنساب المشجّرة» من مؤلّفات الرجل من دون استناد و نظنّ أنّ مأخذهما كتاب الذريعة و اشباهه كما هو الحال في «معجم رجال الفكر و الأدب ۳۲۸: ۱۳۳۶» للأميني و هذا صريح كلام صاحب «ماضي النجف ۳: ۵۴» حيث قال عند ترجمة أبي‌صالح ما نصّه [آثاره له الأنساب المشجّر كما في الذريعة]. و ممّا يؤيّد ما ذكرناه في أمر السيّد الصدر و ما صدر عنه في إجازة شيخنا

المصنّف انّ صاحب «أعيان الشيعة ٤٧: ٥٩: ١٠٧٤٧» لمّا عنون الشيخ أباصالح ابتدء بنقل ترجمته عن تكملة الصدر فقال ما نصّه [في تكملة أمل الآمل: الفقيه المحدّث النسّابة شيخ المشايخ في عصره] الخ و لكن هذا الكلام لايوجد في النسخة المطبوعة من التكملة فيظهر من المطابقة بين النصّين أنّ السيّد الصدر حرّر ترجمة الرجل أوّلا حسب ما نقلها عنه سيّد الأعيان ثمّ تفطّن لخطائه في عدّ الرجل نسّابة فغيّر و بدّل ترجمته و حرّرها ثانياً كما تراها في النسخة المطبوعة و ليس فيه ما يشعر أو يوهم بنسّابيّة الرجل و نزيدك بياناً انّ الصدر لم يذكر في ترجمة الملاّ أبي‌الحسن كتابه في الأنساب و لاتعرّض لعلمه بالنسب و لم يصفه بهذا العنوان مطلقاً فنعلم من ذلك أنّ الصدر لم ير كتاب أبي‌الحسن في الأنساب أبداً بل سمع من البعض انّ للفتونى كتاباً في النسب فحسبه لأبي‌صالح و أثبته في إجازة المصنّف و سرى الوهم من تلك الإجازة إلى آثار شيخنا ره و منها إلى ساير المؤلّفين و أمّا السيّد الصدر فنرجّح انّه تفطّن لخطائه في ذلك و لم يعده في ساير آثاره كما انّه لم يزد في وصف الرجل في [طبقات الإجازات بالروايات] على قوله الشيخ المحدّث و المحدّث النوري في خاتمة المستدرك ٣٨٧ وصف بقوله [نخبة الفضلاء و المحدّثين و زبدة العلماء العاملين أبوصالح] فقط و الله العالم بحقايق الأمور. م‌ع‌ر عفي عنه في ١٤ محرّم ثمّ في ٢١ شهر شعبان المعظّم ١٤٠٨

«أنساب النواصب» ص ٣٨٨ رقم ١٥٤٣: أقول راجع (فوائد المطالب في ردّ أنساب النواصب) في ج١٦ص٣٥٩ رقم ١٦٦٦ ثمّ إنّا لم نجد للرجل ترجمة في (رياض العلماء) و لكن الأفندي ره ذكره في كتابه الآخر «تحفه فيروزيه شجاعيه ق١٤٠د» بقوله ترجمة [و مولانا علي داود الاسترآبادي الخادم للروضة المقدّسة الرضويّة الفاضل المعتبر المعروف المجتهد في كتاب أنساب النواصب] انتهى ترجمه موضع الحاجة. و راجع لزاماً [مرآة العقول ٢٦: ٤٨٨] للعلاّمة المجلسي قدّس سرّه في شرح الحديث ٥٢٣ من كتاب الروضة.

«انسان العين» ص ٣٨٩ رقم ١٥٥٣: قال سيّد مشايخنا المحسنين الأمين العاملي ره في «أعيان الشيعة ٤٥: ٢٩٤» بعد عنوان لأبي‌أحمد الأخباري هذا و لم يذكر شيئاً في ترجمته ما لفظه «و له كتاب مخطوط رأينا منه نسخة في طهران في مكتبة شريعتمدار الرشتي قال: أمّا بعد فهذه تعليقات لكتاب الفاضل المعاصر أبي‌القاسم بن الحسن الذي شرح به

في مقام النقض وجيزتي المعروفة بقبسة العجول الملقّبة بمنية الفحول و سمّاه بعين العين ردّ للمعيّنين فبيّنت عثرات أقلامه و وسمتها بغبن العين و لقّبتها بعواصف الحين و لعلّ المجموع حريّ بأن يسمّى بإنسان العين لمعرفة الزين و الشين و عنونت المتن بقلت و الشرح بقالَ و الجواب بأقول».

«إنشاء الاشتياق» ٣٩١: ١٥٥٨. للعلاّمة المجلسي. قوله (المتوفّى سنة ١١١٠). أقول هذا هو الصّحيح في تاريخ وفاة العلاّمة المجلسي تغمّده الله سبحانه بغفرانه و اسكنه بحبوحة جنانه دون ما في بعض المواضع من هذا الكتاب و غيره (١١١١). و أمّا الإنشاء هذا فلم يذكر صاحب «زندگينامه علاّمه مجلسی» أيضاً له نسخةً و لا مأخذَ النقل كالذي في المتن.

«إنشاء الصّلوات» ٣٩٢: ١٥٦٤. قوله: للعارف الممتحن أمين الحق معين الإسلام كما كتب على ظهر النسخة المولى حسن نزيل إصفهان، طبع سنة ١٢٧٥. أقول هذا من غوامض العبارات في الذريعة، استفاد منه في «دانشمندان و بزرگان إصفهان: ٢٥١: ٣٤٨» أنّ الأوصاف المذكورة للمولى حسن فعقد له عنواناً خاصّاً و لم يزد على مأخذه الذريعة هذا شيئاً و لم أعرف الرجل لحدّ الآن. و قد طبع كتاب إنشاء الصّلوات المذكور أيضاً سنة ١٣١٦ طبعة حجريّة ملحقاً بكتاب «شرح الصلوات» للسيّد أحمد بن محمّد الأردكاني و رقم صفحات الإنشاء من ص١٢٠ - إلى ص٢٤٧ و نسخته عندنا موجودة و ليس في ظهر الكتابين من هذه الطبعة عنوان أو تعريف. و اعلمْ أنّ من رجال إصفهان العارفين الفاضلين جدّاً هو الحاج ملا حسن بن زكريّا الأرندي النّائيني المتوفّى سنة ١٢٧٠ كما هو مذكور في «الكرام البررة ٣٠١» و «دانشمندان ٢٦٢» و الله سبحانه العالم بحقايق الامور.

«إنشاء الصلوات» ص ٣٩٢ رقم ١٦٥٦ س٩، شرح زيارة الجامعة: أقول هذا سهو و الصواب [شرح زيارة عاشوراء ١٣: ٣٠٨: ١١٣٠] و سيأتي له «الأواني ٤٧١: ١٨٣٥» فراجعه.

«إنشاء قائم مقام» ص ٣٩٣ رقم ١٥٧٢: راجع (رسالة إنشاء قائم مقام ١١: ١٢١» و (منشآته ٢٣: ٣٥: ٧٩٤٠) و (ديوانه ٩: ١٨٥: ١١٦٥) و (مخزن الإنشاء ٢٠: ٢٢٤: ٢٦٨٢).

«إنشاء وقايع الروم» ص ٣٩٣ رقم ١٥٧٥: انظر ترجمة الميرزا عزيزالله في «زندگينامه علامه مجلسى ج١ص٣٦٦ الرقم ٣٤».

«الانصاف» ص ٣٩٥ رقم ١٥٨٥: قال صدرالمتألّهين في «الأسفار ٤١ ط ١» ما نصّه [و كذا لاينفع الاعتذار بما وُجد في مسوّداتٍ بقيت من الشيخ الرئيس سمّاها بالإنصاف و الانتصاف] الخ.

«الانصاف» ٣٩٦: ١٥٨٨: ٥. قوله: و صورة الإجازة الخ. أقول هي المذكورة في ج١: ١٣٩.

«الانصافية» ص ٣٩٩ رقم ١٥٩٨: يراجع مجله حوزه ٥٥ ص١٤٤.

«انقلاب طوس» ص ٤٠٢ رقم ١٦١٣ س٣، **طبع ١٣٣٦**: و ألحق في خلال الكتاب به اُرجوزة مسمّاة بالوجيزة الطوسيّة في مظالم الرّوسية له من ص٣٤ إلى ص٦٣.

«أنموذج العلوم» ص ٤٠٤ رقم ١٦٢١: راجع «رسالة في المعقولات الثانية ٢١: ٢٦٦: ٤٩٧٦».

«أنموذج العلوم» ٤٠٦: ١٦٢٥. في المنطق و الحكمة الخ. أقول: الذي رأيناه في مأخذ النقل و هو «روضات الجنات: ٦٣٢ ط ١ = ٦٠٥ ط ٢ بتصحيحنا» قوله: «كتاب الأنموذج في المنطق الخ» ثمّ الصّواب في س١٤ «نعمةالله علي» اسمان لواحد.

«الانموذجة الابراهميّة» ٤٠٩: ١٦٣٣. راجع (ج٦: ١٦١) و (ج١: ٢٣١).

«كتاب الأنواء» ٤٠٩. أقول للشيخ أبي‌العبّاس النجاشي عليه الرحمة كتاب «مختصر الأنواء و مَواقع النجوم التي سمّتها العرب» كما ذكره في ترجمة نفسه في «كتاب الرجال».

«الأنوار و مفتاح السّرور و الأفكار» ٤٠٩: ١٦٣٨. انظر «مقتل أميرالمؤمنين عليه‌السلام ٢٢: ٣٠: ٥٨٨٣» و «مولد النبيّ صلّى الله عليه و آله ٢٣: ٢٧٦ س٣» و أيضاً مجلّد الصيام من كتاب «وقايع الأيّام: ٦٤٧» للخياباني ره.

و أقول انظر «الدرّ المنثور ٢: ١٦٣ - ١٦٥ ط قم» لجدّنا الشيخ علي الشهيدي قدّس سرّه و يراجع «الكواكب السائرة بأعيان المائة العاشرة للغزّي ج ٢ ص ١٩٤» و الأعلام للزركلي ٧: ٥٧ ط الكبيرة و إحياء الداثر للمصنّف ص ٩٠ - ٩٢.

«الأنوار الإلهيّة» ٤١٥. في الحكمة الشرعية. قوله في س١٧: سنة ٧٩١. **أقول** مأخذ شيخنا للمؤلّف طاب ثراه لهذا التاريخ مجهُول عندنا مع أنّ رواية ابن فهد عن السيّد المذكور غير مذكورة في الإجازات، إلاّ أنه يقول في «مهذّب البارع»: حدّثني... و التاريخ المذكور هو لإجازة الشيخ علي بن عبدالحميد كما مرّ في (ج١: ٢٢٠) هذا و قد صرّح ابن فهد نفسُه في إجازته لابن العشرة بأنّه حدّثه مشافهةً، و هذه الإجازة في «أنيس المسافر ١: ٣٩٧».

«الأنوار البدرية» ص ٤١٩ رقم ١٦٥٧: نسخة عصر المجلسيّين عليها خط المحقّق الحكيم ملاّ علي النوري توجد في المكتبة المركزية لجامعة طهران كما في فهرسها ٩: ١٣٢٦: ٢٥٢٧.

«الأنوار البهيّة» ص ٤٢٠ رقم ١٦٦١ س ٢٢، **الشيخ عباس**: المتوفّى سنة ١٣٥٩.

«الأنوار البهيّة» ٤٢١: ١٦٦٢. في شرح الإثني عشرية. قوله في س١ للسيّد نورالدين. **أقول** هو جدّنا العلاّمة صاحب الشواهد المكّية و ذكر نفسه شرحه هذا في إجازته للمولى محمّدمحسن الاسترآبادي كما في «إجازات بحارالأنوار: ١٤١ ط ١» و ذكره في كشف الحجب ٣١٩ و عنه في كتاب أحوال الشيخ البهائي ١٥٩ لنفيسي و أخطأ في ذكر نسبه.

«الأنوار الجلالية» ص ٤٢٣ رقم ١٦٧٠ س١١، **جلال‌الدين: أقول** لم يذكره المصنّف في الضياء اللامع و ليراجع «موارد الاتحاف للسيّد كمونة ٢: ٥٣».

«أنوار الحدائق» ٤٢٤. هو اسم لشرح فارسي للفوائد الصّمدية لشيخنا البهائي. نسخته عندنا.

«أنوار البديع» ٤٢٦: ١٦٨٠. في أنواع البديع. راجع ج٣: ٧٦ و ج٤: ٩.

«أنوار الرياض» ٤٢٧: ١٦٨٣. **أقول** توجد بعض أجزاء هذا الكتاب و جملة من ساير مؤلّفات مؤلّفه السيّد الشهشهاني طاب ثراه عندنا و بعضها بخطّه الشّريف.

أقول انظر له «جامع السعادة ٥: ٥٩: ٢١٩» و ما ذكرناه في التكملة.

و قوله في ص٤٢٨ س١: الحاج الشيخ علي القمي. أقول هو العالم الزاهد الجليل الذي كان مشهوراً بالورع و التقوى و العدالة و التجنّب عن الدخول في أُمور الدنيا و

الاشتغال بما لايعنيه كما كان قدّس الله روحه مثالاً لكلام المعصوم عليه‌السلام «كونوا دعاةً بغير ألسنتكم» الأمر الذي انعكس ضدّه في آخر الزمان فانقلب امرُ دين الناس و دنياهم و بالجملة توفّي الزاهد القمي في النّجف الأشرف بعد مرض طويل المدّة في سنة ١٣٧١ عام تشرّفنا بالعتبات.

«**الأنوار الشاهيّة**» ٤٣٠. راجِع ج١٣: ٣٩١س٤.

«**أنوار العقول**» ٤٣١: ١٦٩٧. من أشعار وصيّ الرسول. راجع «كشف الحجب و الأستار: ٦٨» و «كلمة طيّبة: ١٢٠» و كلاهما ط الهند، و انظر الديوان المطبوع بهامش «نهج‌البلاغة» طبعة المرحوم الحاج السيّد سعيد الطباطبائي النائيني الإصفهاني المشهدي الخاتمة تغمّده الله بغفرانه.

«**الأنوار العلويّة**» ص ٤٣٤ رقم ١٦٩٨ س ١٤، **٢١ - ج ١ - ٨٥٣**: في روضات الجنّات بشرحنا ١: ١٦٠ ط إصفهان نقلاً عن نسخة عتيقة من هذا الكتاب ما نصّه «آخرها عصر السّبت الثاني عشر من جمادي الأُولى أحد شهور سنة ثلث و خمسين و تسعمائة» و تسعمائة هناك غلط لاندري منشأه فإنّي وجدت التاريخ كذلك في نسخة الأصل بخط المصنّف (مصنّف الروضات) و أمّا ذكر تاريخ اليوم فلم نهتد إلى صوابه و لعلّ ما في متن الذريعة من غلط الطبع و الله العالم. و انظر «شرح ألفية الشهيد ١٣: ١٠٨: ٣٣٩ و الذي قبله».

«**أنوار القلوب**» ٤٣٨: ١٧١٠. للسيّد محمّدباقر الخ. أقول هو الملاّباشي الشيرازي صاحبُ «بحر الجواهر خاقاني» المذكور في ج٣. طبع كتابه الأنوار في مجلّدين بطهران. راجع «مؤلّفين مشار ٢: ٧٢».

﴿**الأنوار القدسية**﴾ ص ٤٣٨: يراجع «ديوان الشيخ محمّدحسين ٩: ٢٤٧: ١٤٩٨».

«**أنوار المشارق**» ٤٤٠. هو كتاب فارسي في القرائة و التجويد ظاهراً. ذكره مؤلّفه في رسالة عربيّة له ألّفها في بيان اختلاف القرآت للآيات القرآنية الموجودة عندنا.

«**الأنوار المشرقة**» ٤٤٠: ١٧١٧. أقول ذكره ابنُ مؤلّفه الأمير محمّدحسين في «مناقب الفضلاء».

«**أنوار المشعشعين**» ص ٤٤١ رقم ١٧١٨: يراجع «كتاب‌شناسى آثار مربوط به قم» للسيّد المدرّسي الطباطبائي.

«الأنوار المضيئة» ٤٤١: ١٧٢١. أقول ذكره جدّنا الإمام المجدّد في الروضات فقال: و في بعض إجازات الأصحاب أنّ له كتاب الأنوار المضيئة، الخ.

«الأنوار المضيئة» ٤٤٢: ١٧٢٣. قوله في ص٤٤٣ س١٧: كما يأتي. أقول يأتي في ج١٦ ص٧٧ و راجع ج٢٠ ص١٨١.

«أنوار الملكوت» ص ٤٤٤ رقم ١٧٢٥: و انظر وصف نسخة نفيسة من الأنوار إجمالاً في تعليقة مالكها السيّد محمّدعلي «قاضي طباطبائي» التبريزي على كتاب اللوامع الإلهيّة ص٧٩.

«أنوار النزول» ٤٤٦. كتاب للحاج آقا محمّد بن الحاج محمّد ابراهيم الكرباسي الإصفهاني، كما في المكارم.

«أنوار الهُدى» ٤٤٧. في تحرير كلام السيّد المرتضى. لشيخ أبي‌محمّد علي بن عناية الله البسطامي الشهير ببايزيد الثاني. ذكره في كتابه «رسالة في القضاء و القدر». انظر ما أوردناه في مقدّمة الطبع لرسالة «الجبر و التفويض» لصدر المتألّهين. طبعة إصفهان.

﴿أنوار الهُدى﴾ ص ٤٤٧: للعلاّمة الحاج الشيخ محمّد بن محمّد زمان الكاشاني كما يأتي في «قبله اثنى عشريه ١٧: ٤٣».

«أنواع الجماع» ص ٤٥٠ رقم ١٧٤٤: انظر ترجمة المسبّحي في النابس ١٦٨ و الأعلام ٦: ٢٥٩.

«أنيس الادباء» ص ٤٥١ رقم ١٧٥٣: يراجع ما كتبناه بهامش منتخب التواريخ ص٦٣٠ ط اسلاميه و يراجع فهرس مشار.

«أنيس الأعلام» ص ٤٥٢ رقم ١٧٥٦ س٢٢، ميرزا محمّدصادق: أقول إنّ الذي جاء في خاتمة كتابه الشريف النفيس «أنيس الأعلام ٢: ٥٧٨» هو التعبير عن هذا الحبر النحرير بالشيخ محمّدصادق دون الميرزا محمّدصادق فإنّ الميرزا في اصطلاح أهل الإسلام لايجوز إطلاقه إلاّ على من كان من ولد سيّدنا و مولانا أميرالمؤمنين علي بن أبي‌طالب صلوات الله و سلامه عليه و على الأطايب من آبائه و أولاده و هذا القصور قد وقع في بعض كتب التراجم أيضاً نظير «علماء معاصرين» للواعظ الخياباني الذي رأى مجلس وعظ فخرالإسلام في تبريز و انظر له «خلاصة الكلام ٧: ٢٣٢: ١١٢٢» و نذكر له «تعيين الحدود» في موضعه.

«أنيس الجليس» ص ٤٥٤ رقم ١٧٦٤: مكرّر للعدد ١٤٨٩ من هذا الجزء.

«أنيس الشيعة» ٤٥٨: ١٧٧٨. أقول من جملة ما ذكر مؤلّف هذا الكتاب فيه أنّ ولادة أبي‌الفضل العبّاس ابن اميرالمؤمنين صلوات الله عليهما كانت في الرابع من شهر شعبان سنة ٢٦. نقل ذلك عنه السيّد المقرّم في كتابه «العباس» ط النجف الأشرف.

«أنيس الصّالحين» ٤٥٨: ١٧٧٩. أقول ينقل عنه صاحب كتاب «وسيلة الشفاء».

«أنيس الليل» ٤٦٤: ١٧٩٩. قوله في س٦: و مرآة المصنّف، كلّها له. أقول لايخفى أنّ «مرآة المصنّف في أحوال المؤلّف» رسالة ألّفها المرحوم ميرزا يحيى المدرّس البيدآبادي الإصفهاني في ترجمة شيخنا مؤلّف أنيس الليل، قدّس الله روحيهما.

«أنيس المتقين» ٤٦٤: ١٨٠١. أقول عندنا نسخة من هذا الكتاب الجليل خلف باب الزكوة و الخمس من «جامع السعادة» للسيّد الشهشهاني نفسه و كلاهما بالفارسيّة و رقم الكاتب في نهاية جامع السعادة و اسمه محمّد بن المرحوم الحاج محمّدتقي في السبت ١٣ شوال ١٢٨٤ و الأنيس مرتّب على مقدّمة في بيان معنى التقوى و ثلاثة أبواب ١ - في المعاصي الكبيرة ٢ - في المعاصي الصغيرة ٣ - في علم الأخلاق، و الخاتمة في بيان العدالة و المروّة و لكن نسختنا لاتتجاوز الباب الأوّل وصلت إلى الكبيرة العشرين و المائتين.

«أنيس المسافر و جليس الخواطر» ٤٦٥: ١٨٠٧: ٢٣. قوله «من حرف الألف». أقول هو إلى حرف الجيم و هو تمام المجلّد الأوّل من المجلّدات العشر لرياض العلماء و لكن النسخ المطبوعة من الكشكول - طبعة بمبئي و كذا طبعة النجف الأشرف - غير تامّة محرّفة مغلوطة يلزم الرجوع إلى المخطوطات المعتبرة و توجد نسخة منه عند (محمود فرهاد معتمد) بطهران كما في «نشريّه كتابخانه مركزى دانشگاه تهران ٣: ١٥٥» و نسخة الحاج فرهاد ميرزا في مكتبة مسجد گوهرشاد كما في فهرسها ١: ٧٢: ٨١ و راجع الذريعة ١٨: ٨١ ذيل عنوان الكشكول.

أقول نحن لم نجد تاريخاً مصرّحاً به لتأليف الكشكول إلاّ أنّه حصل لنا الظنّ بأنّه كان مشغولاً به في السنين الأخيرة من حياته قدّس الله روحه. انظر التكملة على ما يأتي في «الرجال الصغير ١٠: ١٢١».

«أنيس المستوحشين» ٤٦٦: ١٨٠٨. يراجع ج٥: ١٧٩: ٧٧٨.

«أنيس المشتغلين» ٤٦٦: ١٨٠٩. عندنا منه نسخة مغلوطة و ليست في أواخرها المطالب المذكورة في المتن فلعلّها ناقصة الآخر أيضاً.

«أنيس الموحدين» ص ٤٦٦ رقم ١٨١٤: أقول أحسن طبعاته ما أشرف عليه الفاضل الشهيد السيّد محمّدعلي القاضي الطباطبائي و حشاه و أضاف إليه بمطالب هامّة في مختلف الجهات و طبع في تبريز سنة ١٣٩٤ مع مقدّمة إليه في ترجمة المصنّف و المجموع في قريب من ثلثمائة ص.

﴿أنيس المؤمنين﴾ ص ٤٦٧: لصاحب [منهج الفاضلين ٢٣: ١٩٤: ٨٦٠٩] كما في ترجمته في [إحيا الداثر ١٧٤].

﴿أنيس الوحيد﴾ أو ﴿الأنيس الوحيد﴾ ص ٤٦٩: انظر [انس الوحيد ٣٦٨: ١٤٩٥].

«أنيس الوحدة و جليس الخلوة» ٤٦٩: ١٨٢٦. أقول تأمّل فيما ذكره شيخنا طاب ثراه في حقّ مؤلّف هذا الكتاب فليتتبّع و لايغفل إن شاء الله و لا سيّما في نسبه و نسبته و مذهبه.

ص ٤٦٩ س١٢، الحسني الگلستاني: أقول كانت العبارة في أصل الطبع (الحُسيني الكاشاني) فصحِّحتْ في الجدول آخر الكتاب (الحسني الگلستاني) و هذا هو المطابق للطبعة المحقّقة من كشف الظنون و أيضاً (الحَسنية) كانت أوّلاً (الحُسينية) فصححت في الجدول إلى (الحَسنيّة).

«الأواني» ص ٤٧١ رقم ١٨٣٥ س ١١، ميرزا محمّدحسن الاشتياني: أقول مرّ له آنفا «إنشاء الصلوات ٣٩٢: ١٥٦٥» و ذكر انّه المتوفّى ١٣٢٣ و هو الصواب فإنّه يستفاد من «خاطرات شيخ الملك: مجموعة خاطرات وحيد ٢: ٧٢٥» و شيخ الملك ولد الملاّ عبدالرسول و أيضاً نقلاً عن الرجل في «فهرس الرضوية ٦: ٣٣٢» انّه توفّى في الوباء العام في طهران يوم الخميس ٢٢ ع٢ سنة ١٣٢٢ عن ٩٧ سنة و من عجائب ما ذكره المشار طاب ثراه في ترجمة الرجل في كتابه «المؤلّفين ٣: ٨٥١» نقلاً عن هذا الموضع من الذريعة هذه انّه مات بعد ١٣٣٢ ذكر ذلك مرّتين و هو باطل كما لايخفى و أمّا شيخنا المصنّف طاب مثواه فذكر ترجمة مختصرة للرجل في «النقباء: ١١١٥» و قال إنّه توفّى في حدود سنة ١٣٢٣ فراجعه و انظر ما ذكرناه في التكملة حول «شرح زيارة عاشوراء ١٣: ٣٠٨: ١١٣٠» و السلام.

«**كتاب الأوائل**» ٤٧١: ١٨٣٦. قوله لأبي‌عبدالله... المعروف بابن الحجّام. أقول كذا ضبطه العلاّمة المامقاني طاب مثواه في «تنقيح المقال» أعني بالحاء المفتوحة و الجيم المشدّدة، ولكن ضبطه جماعة منهم ابن داود الحلّي في رجاله بالجيم المضمومة و الحاء المهملة.

«**كتاب الأوائل**» ٤٧٢. هو الكتاب الكبير الملمّع بالعربيّة و الفارسيّة الذي جمعناه و رتّبناه و ألّفناه من مسوّدات العالم الجليل الحاج آقا محمّد الشهير بمقدّس الإصفهاني ابن عبدالحسين بن حسن بن ابراهيم الحسيني السّبزواري، المتوفّى في إصفهان يوم الخميس ١١ ع١ سنة ١٣٧٨ عن ثلث و سبعين سنة. طبع الكتاب في عام ١٣٨١ باصفهان في ٦٠٨ صفحة بمباشرتنا و إشرافنا و كتبنا له مقدّمة في ١٦ صفحة و الفهارس في ٣٠ صفحة، و الحمد لله على التوفيق.

«**أوائل المقالات**» ص ٤٧٢ رقم ١٨٤٤: أقول طبع هذا الكتاب الجليل في تبريز سنة ١٣٧١ و معه «تصحيح الاعتقاد» أيضاً للمفيد قده باعتناء المرحوم الشيخ عباسقلي الواعظ الجرندابي مع مقدّمات و تعاليق هامّة و لكن المجموع يحتاج إلى تصحيح و تحقيق جيّد حديد إن شاء الله.

«**أوصاف الأشراف**» ص ٤٧٧ رقم ١٨٦٦: أقول استظهر دانش‌پژوه أنّ أوصاف الأشراف للخواجة مستفاد من رسالة فارسية في التصوف لأبي‌منصور المظفر بن أردشير العبادي المتوفّى ٥٤٧ ، انظر [نشريه كتابخانه مركزى دانشگاه تهران درباره نسخه‌هاى خطى ٤: ١٢٥– ١٢٧] ثمّ قام الدانش بنشر الرسالة في ١٤٠٣ باسم [مناقب الصوفية] و تكلّم في المقدّمة حول أوصاف الأشراف من دون التعرّض لما ذكره سابقاً من أنّ الأوصاف مستفاد من المناقب و لعلّ سكوته عن ذلك لتنبيه صاحب مقدّمة طبعة اُخرى للمناقب على خطائه في ذلك و على كلّ حال نقول إنّ رسالة كأوصاف الأشراف و حتّى كتاباه [اخلاق محتشمى] و [اخلاق ناصرى] كلّها على جانب من معتقدات المحقّق الطوسي قدّس الله روحه أعني إذا أراد الإنسان الوقوف على عقائد هذا الرجل العظيم الشأن فلابدّ له على مراده هذه الكتب الثلاثه بل انّه عليه الرحمة و الرضوان أودع ما كان يدين به في كتب اُخرى مثل تجريد العقائد و قواعد العقائد و رسالته في الإمامة و

نظائرها و تراه حتّي قد قصّر في شرح الإشارات عن البحث حول مبحث مقامات العارفين هناك مع أنّ معاصره المعتزلي ابن أبي‌الحديد في [شرح نهج‌البلاغة] قد بسط الكلام حول المبحث المذكور بسطاً صوفياً عرفانياً و تكلّم حول كلام الشيخ أبي‌علي في الإشارات و غير ذلك بأبسط ما يمكن فلايظنّنّ أحدٌ التصوّف العشقي الوحدتي الملائم مع جميع الملل و النحل سوى التشيّع الإمامي في حقّ المحقّق الطوسي ممدوح تلميذه العلاّمة الحلّي قدّس الله روحيهما و للخوض في هذه المطالب مكان آخر و الله العاصم. و ذكر دانش‌پژوه في مقدّمة المناقب ص٢١ انّ أوصاف الأشراف طبع مع ترجمته بالعربية لركن‌الدين محمّد الجرجاني في ١٣٤٥ش في طهران و ذكر مدرّس رضوي في [احوال و آثار خواجه ٤٥٨] انّ تلك الترجمة طبعت بتصحيح محمّد المدرسي الزنجاني فراجع الكلّ. و السلام م‌ع‌ر في ١٠ ع ١ سنة ١٤٠٩

و قد نقل الشيخ محمّد الخليلي الأوصاف إلى العربيّة و طبعه في النجف الأشرف سنة ١٣٧٥ في ١١٠ص انتقده الشيبي في [شرح ديوان الحلاّج ٣٠٢] فراجعه.

«الأوليات» ص ٤٨١ رقم ١٨٨٩: مكرّر للعدد ١٨٨١ في ج١.

«إهداء الحقير» ٤٨٢: ١٨٩٤. للسيّد المرتضى. أقول توفّي العالم الكبير المرحوم الحاج السيّد مرتضى الشهير بِخُسْروشاهي أعلى الله مقامه في أواسط شهر رجب ١٣٧٢ كما في بعض مذكّراتنا و كذا في «مكارم الآثار» ذيل ترجمته في تاريخ ولادته ليلة الثلثاء ١٤ من شوال المكرّم سنة ١٢٩٩ و العامان موافقان لما في «مؤلّفين كتب چاپى ٦: ١٣٨» للمشار، فلا عبرة بما في «معجم رجال الفكر و الأدب في النجف ١٥٥» من أنّ وفاة السيّد سنة ١٣٥٦. و يأتي له قده أيضاً «نثارات الكواكب» في النون، و قال العلاّمة المجاهد الأمينيُّ رضوان الله عليه في كتابه «الغدير في الكتاب و السّنة و الأدب ١: ١٥٧» ما لفظه الشريف: السّادس و العشرون [من المؤلّفين في حديث الغدير] الحاج السيّد مرتضى الخسروشاهي التبريزي المُعاصر. أفردَ كتاباً في دلالة الحديث و أسماه «إهداء الحقير في معنى حديث الغدير» طبع في العراق، أغرق نزعاً في التحقيق و لم يبق في القوس منزعاً» انتهى، و رحم الله معشر الماضين و حفظ الباقين من كيد الخائنين و مكر الماكرين الباغين.

«أهمّ ما يُعمل» ٤٨٤: ١٩٠٢. قوله في س٢٣: محمّد بن المرتضى. أقول راجع ج١: ٢٢٨: ١١٩٤ فما بعدها.

«الأهوازيّة» ٤٨٥: بلا رقم. أقول الأهوازيّة رسالة قيّمة عجيبة يجب الرجوع إليها و الاستفادة منها و العمل بما فيها دائماً إن شاء الله. قوله في س٧- ٨: «نقلها بعينها السيّد محيي‌الدين في أربعينه». أقول مرّ ذكر هذا الأربعين في ج١ ص٤٢٦. قوله أيضاً في س٨ «و يأتي شرحها للسيّد علاءالدين. أقول إنّي لم أُعثر في الذريعة على موضعٍ يذكر فيه شرحَ الأهوازيّة مطلقا لا لعلاءالدين و لا لغيره و الظاهر أنّ السيّد الأمين طاب ثراه ناقلٌ عن هذا الموضع من الذريعة حيث إنّه عدّ في «أعيان الشيعة ٤٣: ٢١٩» من جملة تصانيف علاءالدين «شرحَ الرسالة الأهوازيّة الصّادقية». و الظاهر أنّه اشتبه الأمر على شيخنا المؤلّف طاب مضجعه فظنّ أنّ كتابَ «شرح وصيّة الإمام الصّادق عليه‌السلام إلى الشيعة» للسيّد علاءالدّين گلستانه الذي سمّاه «منهج اليقين» و يأتي في ج٢٣ هو شرح الأهوازيّة. و من الغريب أيضاً أنّ المحدّث القمي ره كذلك نسب شرحَ الأهوازية في كتابه «الفوائد الرضوية» إلى السيّد علاءالدين و لم ينسبه إليه في كتابيه الأخرين «الكنى و الألقاب» و «هَديّة الأحباب» و الفوائد الرضوية الّفت في سنة ١٣٣٣ فهو أقدم في ذكر ذلك من شيخنا المؤلّف و سيّد مشايخنا الأمين طيّب الله تربتهم و أمّا ادّعاءُ مؤلّف «مُستدرك سفينة البحار ٤: ١٦٥» في ذيل عنوان «رسالة مولينا الصّادق عليه‌السلام إلى أصحابه و أمره إيّاهم بمدارستها الخ» حيث قال: «أقول و شرحَها بالفارسيّة السيّد الأجلّ الميرزا علاءُالدين گلستانه شارح نهج‌البلاغة و سمّاها منهج اليقين» فلايتجاوز ما ذكره مشايخنا الأقدمون قولُه في س٩: قال المحقّق الداماد في الراشحة الخ. أقول هذا الكلام المنقول عن الداماد بعينه للعلاّمة الحلّي قدّسنا الله بسرّه العزيز في كتابه «إيضاح الاشتباه» عند ترجمة أحمد بن عليّ النّجاشي. فالدّاماد أعلى الله مقامه ناقل عن العلاّمة لا محالة و إن لم يصرّح بذلك و الله العاصم.

«إيجاز المقال» ص ٤٨٧ رقم ١٩٠٩: أقول توجد نسخة من كتاب أمل الآمل لجدّنا الإمام الحرّ العاملي طاب ثراه في خزانة كتب السيّد الإمام الحكيم ره في النجف الأشرف و كانت تلك النسخة في ملكيّة الملاّ فرج‌الله المذكور فكتب في موضع ترجمته

بالهامش ما نصّه [لنا لقب مشهور في شيراز و هو شيخ الوقت] الخ. قوله ره [السيّد المعاصر] أقول توفّى جدّنا الإمام العلاّمة آية الله العظمى المجدّد السيّد محمّدباقر الموسوي الإصفهاني صاحب الروضات في سنة ١٣١٣ عن ٨٧ سنة و للشيخ المصنّف حينئذ دون عشرين سنة و تعبيره بهذا الشكل ليس إلاّ اقتداء بشيخه المحدّث النوري الذي كان معانداً للسيّد الجدّ طاب مثواه من غير سبب إلاّ الحقد و الحسد و متابعة نفس الأمّارة بالسوء حين ترى المصنّف ره كيف يتواضع و يخضع لشيخه النوري دون أن يتفوه بكلمة [الشيخ المعاصر] خشية حطّه عن مقامه الكاذب بل يرجّحة على مثل العلاّمة المجلسي قدّس الله روحه [انظر ما ذكره حول المستدرك ج٢١ ص٧ – ٨] نستجير بالله سبحانه و النوري من مواليد ١٢٥٤ فهو أصغر من السيّد الجدّ طاب مثواه بثمان و عشرين سنة لأنّ ولادة جدّنا الإمام ١٢٢٦ و لم تطل حياة النوري بعد إتمام كتابه المستدرك الحافل ختامه بالنيل عن الجدّ العلاّمة قدّس الله روحه بل توفّى قبل اتمام طبعه فمات في ١٣٢٠ عن ٦٦ سنة و تمّ طبع كتابه المذكور بعدها في ١٣٢١ و لاتحسبنّ الله غافلاً عما يعمل الظالمون.

ص٤٨٨ س ١، **بمناسك شاه وردية**: انظر [المناسك الشاه وردية ٢٢: ٢٧٦: ٧٠٨٣].

«الإيضاح في الردّ على ساير الفِرق» ٤٩٠: ١٩٢٦. قوله في ص٤٩١ س٧– ٨ «و ذكر في تذكرة النّوادر وجودَه في خزانة أياصوفية و بانگی فُور و اسكوريال و الخديويّة» انتهى. أقول هذا المطلب بأسره لا دخل له بإيضاح ابن شاذان بل هو متعلّق بكتاب الإيضاح في النّحو للشيخ أبيعلي الفارسي الآتي ذكره في الرقم ١٩٣١. تبدّل مكانه خطأً عند تبييض النسخة، فسبحان من لايسهو.

«إيضاح الاشتباه» ص ٤٩٣ رقم ١٩٤٣: عندنا منه نسخة كتبها لطفالله بن عطاءالله الحويزي في مجموعة رسائل كتابة إحداها سنة ١١٠٤.

«إيضاح الأنباء» ٤٩٣. نقول يأتي الإشارة إليه في ج٤: ١١٦ فراجعه.

«إيضاح دفائن النواصب» ٤٩٤: ١٩٤٢. قوله قدّس سرّه في س١٢: قال الكراجُكيُّ في تصانيفه الاستبصار. أقول رأيت في كتاب الاستبصار المذكور ما نصّه: [و قد كان الشيخ أبوالحسن محمّد بن أحمد بن شاذان القمي رضي الله عنه – و له تقدّمٌ واجبٌ في

الحديثين و علم ثاقبٌ لصحيح النقلين - وضعَ كتاباً سمّاه «إيضاح دفائن النواصب» جَمع فيه أخباراً أخرجها من حديثهم - أي من حديث العامّة - و أنا لاستخرجُها من طريقهم في فضايل أهل‌البيت صلوات الله عليهم، منها ما يتضمّن النّص بالإمامة على الأئمّة الإثنى عشر صلوات الله عليهم و سمعناه منه في سنة إثنى عشر و أربعمائة بالمسجد الحرام و أنا موردٌ بعضَه إذا انتهيت إليه ما أذكر طرفاً ممّا روته الشيعة في معناه و اعتمد عليه] اه و قد أورد الكراجكي في كتابه هذا مطالبَ عن كتاب الإيضاح بنصّه و فصّه، رحمة الله تعالى عليه و عليه. و راجع ج١٩: ٢ و ج٢٢: ٣١٦: ٧٢٥٤ و ما كتبته في مفتتح نسختي من المناقب المط بالنجف و لنا مقالة مستقلّة حول الموضوع.

«**إيضاح الدلائل**» ص ٤٩٥ رقم ١٩٤٣: انظر ج٧ ص٩.

«**إيضاح الفوائد**» ٤٩٦: ١٩٥٠. أقول إنّ أحسن نسخة توجد لهذا الكتاب القيّم هي التي كتبَها الشهيد الأوّل محمّد بن مكّي العاملي قدّس الله روحه، صورة خاتمتها في «مؤلّفين مشار ٤: ٨٣٥».

«**إيضاح مخالفة السنّة**» ٤٩٨: ١٩٥٤. قوله (في ص٤٩٩ س١): و توجد في خزانة.... إلخ. أقول راجع كتاب «تحقيق درباره اوّل أربعين: ٧٧٣ - ٧٨١». و قوله (في س٣): السيّد آقا ميرزا الإصفهاني. أقول هو الذي يأتي ذكره أيضاً في (ج١١: ٢٣١: ١٢) و ذكره مختصراً سيّد مشايخنا الأمين العاملي قدّس سرّه في «أعيان الشيعة ٤٩: ١٠١» و أمّا شيخنا المؤلّف فالظاهر انّه ترجم له في حرف الكاف من نقباء البشر باعتبار اسمه الكاظم و لّما يطبع بعد.

«**إيضاح المسترشدين**» ٤٩٩: ١٩٥٦: ١٤. قوله: لكن صاحب الرياض سمّاه بما ذكرناه. أقول و كذا سمّاه جَدّنا الإمام المجدّد رفع الله درجته في روضات الجنّات نقلاً عن «لؤلؤة البحرين».

«**إيضاح المقاصد لفرايد الفوائد**» ٥٠١. أقول راجع «الفوائد البهائية» في ج١٦: ٣٢٦.

«**إيضاح النافع**» ص ٥٠٢ رقم ١٩٦٤: أقول لعلّ الصواب «الإيضاح النافع» بإثبات اللام و الله العالم و يأتي ذكر كتاب آخر بهذا الاسم في ج٢٥: ١٦٨: ٨٥.

«**إيقاظ العلماء**» ٥٠٤: ١٩٧٣. للحاج المولى أحمد. أقول يأتي له «روضة الأمثال» في موضعه.

«إيقاظ النائمين» ص ٥٠٥ رقم ١٩٨٠ س ١٦، تميم أمل الآمل: الصوابُ «تتميم» و انظر رسالة القاضي في (ج١١: ١٣٨: ٨٥٨).

﴿الإيقاضات﴾ ص ٥٠٨: ربّما يطلق على [الكلمات الطريفة ١٨: ١١٦: ٩٧٠] للفيض كما في نسختنا.

«الايمان» ص ٥١٠ رقم ٢٠٠١ س ٤، خريّت الصناعة: خريّت الصناعة يا شيخ المورّخين هو الإمام العلاّمة المتتبّع المجتهد المجاهد المجدّد آية الله الباهرة صاحب الروضات قدّس الله تعالى روحه و لكنّ الضغائن الدفينة بيد غارسها في قلوب أصحابه باقية نامية إلى الأبد و الناس إلى أمثالهم أشبه عصمنا الله سبحانه من الخطا و الزلل آمين. و غير خفيّ على الناظر في نسخ الأصل من الكتابين أنّ الرياض كتاب جمع و تتبّع و استقصاء و الروضات كتاب تحقيق و تدقيق و اجتهاد و تنميق.

«إيمان أبي‌طالب» ص ٥١٠: بسم الله تعالى؛ أقول يأتي في ذيل عنوان «حساب عقود الأنامل ٧: ٩: ٣٤» بحث جليل حول إيمانه عليه‌السّلام بحساب الجمل و للعلاّمة السيّد محسن الأمين العاملي ترجمة أبي‌طالب عليه‌السلام مبسوطة في كتابه «أعيان الشيعة ٣٩: ١٢٣- ١٦٧» أربعة و أربعين صفحة جمع فيها فأوعى و فيها بعض أشعاره عليه‌السّلام و انظر «ديوان أبي‌طالب و ذكر إسلامه ٩: ٤٢: ٢٤٣» و «شعر أبي‌طالب عليه‌السلام ١٤: ١٩٥: ٢١٦١» و لسيّدنا العلاّمة خاتم المجتهدين السيّد عبدالهادي الشيرازي (١٣٠٥- «...») قصيدة طريفة في مدح شيخ الأباطح عليه‌السّلام أوردها الخاقاني في [شعراء الغريّ ٦: ١٤١] فراجعه. و من المختصرات الجيّده التي اُلّفت في زماننا حول إيمان أبي‌طالب عليه‌السّلام و ترجمته و الذبّ عنه كتاب [أبوطالب عمّ رسول الله صلّى الله عليه و آله تأليف محمّد كامل حسن المحامي بإشراف و مراجعة عادل نويهض] نشره المكتب العالمي في بيروت سنة ١٩٧٩ في ١٢٥ص في سلسلة [عظماء الإسلام] و من غرائب هذا الباب كتاب «السهم الصائب لكبد من أذى أباطالب» للشيخ أبي‌الهدى الصيّادي الرفاعي المعرّي الحلبي المهاجر إلى الآستانة المتوفّى ١٣٢٨ و هو مطبوع كما يظهر من «الأعلام ٦: ٩٤» ألا فجزى الله تعالى جميع المدافعين عن الحقّ و الذابّين عن أهله خير الجزاء.

و لكاتب الآخر في بعض التعليقات على بعض الكتب المؤلّفة حول سيّدنا أبي‌طالب عليه‌السّلام و الحمد لله ربّ العالمين.

«إيمان أبي‌طالب» ص ٥١٣ رقم ٢٠١٦: أقول و طبع كتاب الشيخ المفيد قدّس الله تعالى روحه في مجموع «نفائس المخطوطات ٦٥- ٨٤ ط بغداد ١٣٨٣» بتحقيق صديقنا الاستاذ العلاّمة الخبير الحاج شيخ محمّدحسن آل ياسين جزاه الله تعالى خيراً و أطال بقاه و أدام علاه.

«ايناس سلطان المؤمنين» ٥١٧ س١٩. قوله طاب ثراه (ابن أبي‌طاهر بن الحسين القطعيّ). أقول لايخفى أنّ أباطاهر المذكور هو عبدالله بن أبي‌الحسن محمّد المحدّث الدينوريّ و هو ابن أبي‌الطيّب طاهر بن الحسين القطعي، فسقط اسم الرجلين المذكورين من المتن سهواً. و يأتي بسط في ترجمة المؤلّف عند ذكر كتابه «تنبيه وسن العين» في ج٤: ٤٤٩ فراجعه.

تمّ بحمد الله سبحانه و منّه تبييض تعليقات المجلّد الثاني من الذريعة و نقلها إلى هذه الأوراق في ليلة الخميس الرابع عشر من الجمادي الآخرة عام ١٤٠٥هـ. حامداً مصلّياً مسلّماً مستغفراً سائلاً من المولى سبحانه حسن الخاتمة و يتلوه إن شاء الله الجزء الثالث.

الجزء الثالث

«**باب الأبواب**» ٤: ٣. لميرزا مهدي خان الدكتور. أقول توفّي الميرزا مهدي خان في الرابع من المحرّم سنة ١٣٣٣ كما أرّخه القزويني في ترجمة الرحل في «مجلّة يادگار ٥: ١-٢» و راجع «مؤلّفين كتب چاپى ٦: ٣٩٩» للمشار و مقدّمة ترجمة مفتاح باب الأبواب بالفارسيّة. و من الغريب ما ذكره صاحب كتاب «فهرست نسخه‌هاى خطى فارسى ٦: ٤٤٣٨» فراجعه.

«**الباب المفتوح**» ٧: ٨. أورد العلاّمة المجلسي طاب مثواه هذه الرسالة في «بحارالأنوار» كما ذكره شيخنا المصنّف طاب ثراه، تجدها في الطبعة القديمة ج١٤: ٤١٢ - ٤١٧ و في الطبعة الجديدة ج٦١: ٩١ - ١٣١ و توجد نسخة مخطوطة من الرسالة في مجموعة موجودة في المكتبة المركزية بجامعة طهران (الفهرس ١١: ٢١١٠) و تلك النسخة منقولة عن البحار كما وصفها المفهرس.

«**بارقه حقيقت**» ٩: ١٥. أقول يراجع لزاماً ما كتبناه بهامش عنوانها في «مؤلّفين مشار» و «ريحانة الأدب».

«**الباقيات الصالحات**» ١١: ٢٥. للمولى أحمد بن الحسن اليزديّ. أقول هذا الكتاب في التفسير و المعجزات بالفارسيّة، عندنا مجلّده الأوّل.

«**الباقيات الصالحات**» ١٢: ٢٩. قوله في س٨ (طبع مكرراً سنة ١٢٧٦ و ١٣١٦ و ١٣٤٧) أقول و أيضاً سنة ١٣٠١.

«**الباقيات الصالحات**» ١٢: ٣٠. للشهيد الأوّل طاب ثراه. عندنا نسخة منه في

مجموعة جليلة بخط جدّنا العلاّمة الحجّة الحاج السيّد محمّد شفيق جدّنا الإمام المجدّد صاحب الروضات قدّس الله روحيهما، كما أن عندنا أيضاً «الكلمات النافعات في شرح الباقيات الصالحات» يأتي.

«بانت سعاد» ١٣: ٣٣. قوله ذكره كشف الظنون في القاف الخ. أقول كما يأتي في هذا الكتاب أعني الذريعة أيضاً في ج١٧: ١١٠ بالعنوان المذكور فراجعه و انظر قصّة بُرد النبيّ صلّى الله عليه و آله في كتاب «تجارب السّلف: ٣٠٧ من طبعتنا بإصفهان سنة ١٤٠٢».

«بحارالانوار» ص ١٦ رقم ٤٣: أقول هل العلاّمة المجلسي قدّس سرّه أخذ اسم كتابه هذا من بحارالعلوم الآتي؟ و يأتي في (ج ٤: ٤٢١) تلخيص البحار متعدّداً كما أنّ في المجلّد الرابع أيضاً ترجمات بجلّدات البحار و في (ج٢٢: ٣٧٦: ٧٥٢٣) منتخب البحار ثمّ إنّه لم يتعرّض شيخنا المصنّف هنا لبيان كيفيّة مآخذ البحار و لكن قال عند ذكره لكتاب [تفصيل وسائل الشيعة ٤: ٣٥٢: ١٥٥٠] ما لفظه [و اقتصار البحار على ما عدا الكتب الأربعة مع كون جُلّ أحاديثه في غير الأحكام] انتهى و هذا الكلام غير تام فإنّ العلاّمة المجلسي قدّس الله روحه ينقل عن الكتب الأربعة الكافي و الفقيه و التهذيب و الاستبصار و جعل للجميع رموزاً كما فعل بغيرها و ثانياً في كتابه أحاديث الأحكام و غيرها كما هو واضح.

«بحارالأنوار» ١٩ س١. قوله «في ستّة عشر ألف بيت، فرغ منه سنة ١٠٨٠». أقول رأيت نسخة مخطوطة من هذا المجلّد الرابع للبحار و قد قيّد كاتبها أنّها في ١٨٨٠٠ بيتاً تخميناً و تاريخ الفراغ من التأليف في تلك النسخة في شهر ربيع‌الآخر من السنة المذكورة.

ص٢٠ س٦، **محمّد نصير**: انظر ما ذكرناه بهامش (صحيفة المتّقين ١٥: ٢٣: ١١٧).

«بحارالانوار» ٢٥ س٢١. قوله «ميرزا فضل‌الله بن شيخ الإسلام الزنجاني». أقول توفّى الميرزا فضل‌الله هذا بطهران في يوم الإثنين ١٦ من شهر رجب سنة ١٣٧٣ و قد كان من أقطاب العلم و الفضل، ولادته في يوم الجمعة ٢٣ شوال ١٣٠٣ فعمره يوم وفاته كان سبعين سنة. ذكرنا ترجمته في مقالة نشرت بعد وفاته بأيّام في جريدة «چهلستون.

العددين ١٢٣ و ١٢٤» الإصفهانية، و له تأليفات يذكر بعضها في المتن، و توجد ترجمته أيضاً في كتاب «علماء معاصرين: ٢٢٤» و «شهداء الفضيلة: ٢٥١» و المقدّمة لكتاب «أوائل المقالات» و المقدّمة لكتاب «عظمة حسين بن علي عليه‌السلام» و غيرها. أفاض الله على تربته الرحمة.

ص٢٦ س ١٠، **حتّى انّ شيخنا العلاّمة النوري:** أقول المحدّث النوري لم يزد في مستدرك الوسائل على ما وجده البحار إلاّ نزراً قليلاً بل كلّ ما في المستدرك مأخوذ عن البحار طبعة أمين الضرب و إن لم يصرّح بذلك في طول كتابه و هذا دأبه في ساير ما ألّفه.

«**بحار النوائب**» ص ٢٨ رقم ٤٦: يراجع مكارم الآثار ج٨ رقم ١٧١٩.

«**بحر الأسرار**» ٢٩: ٥٠. للطبيب العارف ميرزا محمّدتقي. أقول ترجمته في «مكارم الآثار ٢: ٥٥٦: ٢٢٣». و يأتي في «ديوان طريقتي كرماني ٩: ٦٤٨: ٤٥٨٩» أنّ بحر الأسرار هذا في تفسير سورة الفاتحة طبع في كرمان سنة ١٣٢٩ في ٣٣٥ص و يأتي أيضاً بعنوانه الآخر «السبع المثاني ١٢: ١٢٩: ٨٨٣» و كذا في «مثنوى بحرالأسرار ١٩: ١٢٥» و انظر له «خلاصة العلوم ٧: ٢٣٠: ١١٠٩» و «ديوان مظفرعلي‌شاه ٩: ١٠٦١» و ذكرنا له «جامع البحار» في موضعه من التكملة.

«**بحرالأنساب**» ٣٠. قال في «ترجمة تاريخ بروكلمن ٦: ٤١ ط مصر» ما لفظه: «منصور الباز الأشهب بن موسى الكاظم بن جعفر الصّادق بن محمّد الباقر بن علي بن زين‌العابدين بن حسين، توفّي بالعراق في ثاني جمادي الأولى سنة ٥٧٨ [= ٣ — ٩ — ١١٨٢م]. له «بحرالأنساب» في أنساب العَلويّين: القاهرة. ثان ١٥٢/٥». انتهى ما في بروكلمن من الغرائب و العجائب. و قال جرجي زيدان في «تاريخ آداب اللّغة العربيّة ٣: ٢١٣ ط دارالهلال» ما لفظه: «بحرالأنساب. في دارالكتب المصريّة نسخةٌ من كتاب اسمُه بحرالأنساب يُنسب إلى الباز الأشهب البطحائي في مجلّدين صفحاتهما ١٤٥٠/ صفحة، الأوّل منهما في النّسب القديم من آدم فالآباء كالعادة. و الثاني في نسب السيّد البدوي و كراماته. و هو غير «بحرِالأنساب» لابن عتبة (كذا) و «بحرِالأنساب» للنجفي النسّابة (يعني المشجّر الكشّاف) المتقدّم ذكرهما (يعني في ص ١٨٩ و ١٩٧ من تاريخ آداب اللغة). انتهى و الله تعالى العالم.

«بحر الأنساب» ص ٣٠ رقم ٥٣: أقول و صاحب منية الراغبين ص٣٧ ذكره استناداً إلى هذا الموضع فحسب.

«بحر الأنساب» ص ٣٠ س٢٠: انظره في ج٢١ ص٤٤.

«بحر الأنساب» ٣٠: ٥٥. مشجّر كبيرٌ الخ. أقول يمكن أن يكون هذا البحر عينَ «الأنساب المشجّرة» للسيّد أحمد العبيدلي المذكورة في (ج٢: ٣٨٢: ١٥٣٢) فإنّه يُطلق أحياناً هذا الاسم على كتابه.

«بحر الأنساب» ٣١. للعلاّمة النسابة أبي‌محمّد الحسن المشتهر بركن‌الدين الحسيني الموصليّ طبع في طهران سنة ١٣٨٥. و الظاهر أنّ هذا الكتاب تحرير آخر للّذي ذكرناه بعنوان «الأنساب المشجَّرَة» استدراكاً في موضعه أو أنّ أحدهما للوالد و الآخر للولد و لعلّ هناك نسخة ثالثة هي للحفيد و اسمها «الدرّ النضيد» توجد أصلها في مكتبة مجلس الشورى بطهران. و الله العالم.

«بحر الأنساب» ٣٠: ٥٥. قوله في ص٣١ س١٤ «و بعده تملك ابنه السيّد جعفر» أقول: توفّى السيّد جعفر هذا سنة ١٣٣٤ كما في «نقباء البشر: ٢٩٥». و قوله في س٢١ «الشريف الفتوني في كتابه». أقول قد ذُكر كتاب الشريف هذا بعنوان الأنساب في (ج٢: ٣٧١).

«بحر الأنساب» ص ٣١ رقم ٥٦ س ٢٣، **ذكره في كشف الظنون: أقول** ذكره بعين هذا اللفظ إلاّ قوله (عليه‌السلام) ففي الط الأخيرة (١: ٢٢٤) رضي الله عنه و لننظر في سائر المآخذ إن شاء الله للتعرف بالكتاب.

«بحر الأنساب» ٣٢. هو كتاب أبي‌عبدالله الحسين ابن محمّد بن طباطبا النسّابة الموجودة عندنا مصوّرة نسخة الرضويّة و الاسم ثابت في أوّلها و ذكره شيخنا المصنّف في كتابه (النابس ص٦٧ - ٦٨) عند ترجمة الرجل باسم (الأنساب العلويّة) و في (بغية الراغبين ص٢٤٤) عند ذكر ترجمته الحسنة عبّر عنه بقوله كتاب «تهذيب الأنساب المسمّى بحرالأنساب مبسوط» و ذكر أيضاً أنّ نسخة الرضوية منقولة إليها من النجف الأشرف من مكتبة الإمام السيّد أبي‌الحسن الموسوي الإصفهاني قده المتوفّى ١٣٦٥ و أنّه رأى النسخة في حياته عنده و ذكر ولادة الرجل في ٣٨٠ و وفاته في ٣٤٩ و يأتي

التهذيب في ج٤: ٥٠٨: ٢٢٧١ و يأتي له أيضاً جريدة نيشابور في ج٥: ٩٨: ٤٠٢ و لكن لايخفى أنّ في نسخة بحر الأنساب هذا غموض و إشكال يحتاج إلى التأمّل و التصفّح في النسخة فإنّ المؤلّف تراه يقول دائماً (صاحب الكتاب) كذا و كذا و في الورقة ١٦٣ ما نصّه «لم يذكر صاحب الكتاب عقباً لأولاد صلح و ذكر ابن طباطبا ذكر أولاده و عقبهم» و في الورقة ١٦٤ قوله «لم يذكر صاحب الكتاب انتشار الولد من إدريس و إنّما ذكره ابن طباطبا» و في موضع آخر منه في ق ٣٤ «هذا ما ذكره صاحب الكتاب ابن أبي‌جعفر» انتهى و امثال هذه العبارات فيه كثيرة و الله العالم. ثمّ إنّي كتبت آخر تحقيقاتي بهامش النابس ٦٨ فليراجع و ليصحّح عليه.

«**بحر الأنساب**» ٣٢: ٥٧. أقول راجع مقدّمة كتاب (نشوة السلافة: ٥١) و راجع أيضاً ما نذكره في التكملة حول كتاب «سبك الذهب ١٢: ١٣٣» و نسختها. و رزقني الله تعالى في حوالي عام ١٤٠٤ مصوّرة نسخة الخديويّة و لم أجد في صلب الكتاب اسماً له و لكن وصفه بمختصر في أنساب بني‌هاشم الكرام و ذكر نسب نفسه في ق ٤٨ ظ إلاّ أنّ في طرة النسخة ما صورته [كتاب بحر الأنساب لمؤلّف عمدة الطالب] أوّله بعد البسملة [الحمد لله الذي خصّ نبيّه محمّد المصطفى بخير البيوت كما خصّه بخير النفوس] الخ و النسخة في ١٣٧ ورقة و عليها خط العلاّمة الزبيدي صاحب تاج العروس و النسخة المذكورة هي التي رآها جرجي زيدان فوصفها في [تاريخ آداب اللغة العربيّة ج٣ ص١٨٩ ط دارالهلال] كما مرّ و استفاد من كلامه المحدّث القمي في [الكنى و الألقاب ١: ٣٦١ ط نجف] ثمّ إنّ الظاهر أنّ ابن عنبة ألّف العمدة الثالثة المذكورة في (ج١٥: ٣٣٨: ٢١٧٠) بعد تأليف بحرالأنساب هذا بمعنى انّه لخّص البحر في الثالثة و قدّمها لأحد المشاهير في عصره كما كان دأبه في كلّ ما بقي من آثاره و افتتح العمدة الثالثة بما افتتح به البحر من الخطبة فلاحظ.

«**بحر الجواهر**» ص ٣٢ رقم ٦٣ س ٢٣، **الشاهشاني**: الصواب الشاهشاهاني راجع (دانشمندان و بزرگان اصفهان ٤٢٥) و (مؤلّفين مشار ٤: ٢٥).

«**بحر الجواهر**» ٣٣: ٦٥. في الطبّ. قوله في س١٦: ميرزا سيّد رضي الطبيب الشهير. أقول هو الذي أشرف أيضاً على طبع كتاب (القانون) للشيخ الرئيس سنة ١٢٩٦ق.

بطهران و كتبَ له خاتمةً للطبع تدلّ على براعته في العلم و الأدب، و السيّد مذكور في «الكرام البررة: ٥٧٥» و لكنّه لم يزد شيخنا العلاّمة أعلى الله مقامه هناك أيضاً شيئاً على ما استفاده من (بحر الجواهر) هذا. و قد ذكرناه في ذيل (تاريخ سمنان) المطبوع في نسختنا الخاصّة.

«**بحر الجواهر**» ٣: ٦٦. قوله في ص٣٤ س٧: رأيت النّسخة عند الشيخ محمّدباقر الخ. أقول الشّيخ محمّدباقر هذا مذكور في «نقباء البشر: ٢٠٧». و قوله في س٨: الآتي في الميم. يعني (ج٢٠: ٧٦).

﴿**بحر الحقائق**﴾ ص ٣٦: في الفقه لفقيه السادة الدشتكيّين الحاج ميرزا ابراهيم المجتهد ابن الحاج ميرزا جاني السيّد الحسين بن مجدالدين محمّد ابن السيّد عليخان شارح الصحيفة السجاديّة الحسيني الحسني الشيرازي صاحب «الحاشية على المعالم ٦: ٢٠٤: ١١٢٣».

«**بحر العلوم**» ص ٤٢ رقم ٩٠: أقول ذكره التبريزي في «مرآة الكتب ٢: ٩٨» فراجعه.

ص ٤٢ س١٩، **الشهير بجابلقي**: المتوفّى في عشر شهر صفر سنة ١٣٦٧ رحمه الله. راجع (زندگاني محمّد صلّى الله عليه و آله) ط الواعظ الچرندابي ص يب و ما علّقنا عليه.

«**بحر الفوائد**» ص ٤٤ رقم ١٠٠: أقول توجد منه نسخ في المرعشيّة بقم منها نسخة رقمها ٤٣١٠ و اُخرى ٧٢٤٣ و ليراجع كتاب منية الراغبين للسيّد كمونة ص٤٥٥ و ما كتبناه بهامشه.

«**بحر الفوائد**» ص ٤٥ رقم ١٠١: يراجع «مكارم الآثار ج٨ رقم«...»

«**بحرالمعارف**» ٤٧: ١١١. قوله طاب ثراه: «طبع مرّة» الخ. أقول النسخة التي طبعت سنة ١٢٩٣ هي بعينها الطبعة الحجريّة التبريزيّة للكتاب في ٥٥٠ صفحة بالحجم الكبير، و امّا طبعة بمبئي فالظاهر أنّها اشتباه و إن قالها المشار أيضاً فلعلّه نظراً إلى ما في الذريعة و الحاصل أنّ بحرالمعارف هذا طبع بتبريز فقط على ما نظنّ، و هو كتاب جمع فيه مؤلّفه كلّ رطب و يابس في طريق التصوّف و لنا حوله مقالة مفردة.

﴿**بحر المصائب**﴾ ص ٤٧: أقول نقل عباسقلي خان في «الطراز المُذْهَب» عن «بحر

المصائب» انّ زينب بنت أميرالمؤمنين عليهماالسلام توفّيت و دفنت بالمدينة المنوّرة. انظر كتاب «التذكرة في الأدب و العلم و الاجتماع ص٤٥ ط بيروت ١٣٧٧» للشيخ موسى عزّالدين العاملي و فيه تحقيق حول المزارات المعروفة باسم الزينبيّة» أمّا مؤلّف بحر المصائب «...»

«**بحر المعارف**» ص ٤٧ رقم ١١١، **عبدالصمد**: أقول انظر [ديوان صمد ٩: ٦١٨: ٤٤٠٧].

ص ٤٧ س١٣، **ترجمه في الروضات**: ذكره أيضاً في شهداء الفضيلة ص«...»

«**البحيرة**» ٥٠: ١٢٥. راجع «تاريخ بحيرة» في ٣: ٢٤١: ٨٨٨ و استدراكه من خاتمة ج٧.

«**البداء**» ص ٥٢: البداء عند الإماميّة و تفصيل الكلام حول الموضوع عند الخاصّة و العامّة في كتاب (استقصاء الإفحام ج١ ص١٢٩ فما بعدها) ففيه غنىً و كفاية شكر الله سعي مؤلّفه ره فليراجع. ثمّ اعلم أنّ من جملة من يعيش في عصرنا هذا من المسمّين بأهل السنّة - و ما أدراك ما هم - هو الدكتور مصطفى زيد ألّف كتاباً سمّاه «النسخ في القرآن» الكريم فقال في طيّ كلام له (ص٢٢ ط مصر ١٣٨٣) ما هذا لفظه [و لسنا ندري مع هذا كيف استساغ الرافضة خذلهم الله أن يربطوا بين النسخ و البداء] إلى ساير كلماته المشعرة بالنصب و البغض و لايحيق المكر السيء إلاّ بأهله و يحقّ لنا أن نخاطب هذا الدكتور و من سلك مسلكه بما نظمه القاضي نظام‌الدين محمّد بن قاضي القضاة اسحق بن المطهّر الإصفهاني صاحب «شرف ايوان البيان ١٤: ١٨٠: ٢٠٧٣» من قوله قل للنواصب كفّوا لا أباً لكم / لشيعة الحقّ بأبي الله توهينا، و نحن لانعجب من هذا النّاصب و أهل نحلته و إنّما العجب ممّن يسمّى هؤلاء و يصفهم بالإخوان و يذهل عن قول الله سبحانه و تعالى ﴿و من يضلل الله فلا هادي له﴾. فإنّما المؤمنون إخوة و إخوان الشياطين ليسوا بإخوان المؤمنين و إلى الله المشتكى و يأتي رسالة في «النسخ ٢٤: ١٤٦: ٧٧٣٦».

«**البداء**» ص ٥٤ رقم ١٣٩: به فهرست خودمان شماره ١ رجوع شود.

«**البداء**» ٥٥: ١٤٠. قوله «المولى محمّد رفيع الجيلانى». أقول هذا الرجل مذكور في

«رسالة ترجمة آقا حسين الخوانساري» للميرزا أبي‌المعالي الكرباسي رحمة الله عليهم (ص٨ من النسخة الخطية). و اسم والده فرخ بالخاء كما بيّناه في كتابنا دو گفتار.

«بداية الدّراية» ٥٨: ١٥٩. عندنا نسخة مخطوطة سنة ١٠٥٠ من البداية و يأتي شرحه في ج١٣: ١٢٤. أقول و قد اشتبه الأمر على كاتب مقدّمة «سلسلة الابريز» ص٩ فنسب البداية للشهيد الأوّل هذا.

«بدايع الأحكام» ٦١: ١٧١. قوله في س١١ «الملقّب في شعره بلاهوتي». أقول ذكر في كتابه الآخر «بدايع الأنوار» أنّه المتخلّص بمُخلِص، و يظهر من آثاره أنّه من العرفاء القائلين بذوق التألّه.

«بدايع الأخبار» ص ٦١: هو (تاريخ افغاني) نذكره في موضعه.

«بدايع الأشعار» ص ٦٢ رقم ١٧٥: أقول انظر «ديوان قوامي گنجوى ٩: ٨٩١: ٥٩١٦» و «صنايع الأسحار ١٥: ٨٩: ٥٨٩».

«بدايع الأفكار» ٦٣: ١٧٩. عندنا من هذا الكتاب نسخة و في مكتبة مجلس الشورى بطهران أيضاً منه نسخة هي من كتب السيّد محمّدصادق الطباطبائي المُهداة للمكتبة و له نُسخ اُخرى.

«بدايع الانوار» ٦٣: ١٨٢. ذكر مؤلّفه في الخاتمة (ص٣٣٢) أنّه فرغ منه في ٤ ع١ سنة ١٣٠٢ ثمّ طبع ١٣٠٦.

«بدايع الحكم» ٦٤: ١٨٥. يراجع «النفس كلّ القُوى» في ج٢٤: ٢٦٤.

«بدر الدجى» ٦٨: ٢٠١. قوله في س٧: «العلاّمة ميرزا محمّد كامل صاحب النزهة الاثنى عشريّة». أقول لايخفى أنّ اسم كتاب العلاّمة ميرزا محمّد الدهلوي المتخلّص بكامل هو «نُزهة إثنا عشريّه» الموافق جمعُ أرقام حروفه ١٢٠٤ و هو عام تأليفه و الكتاب باللغة الفارسيّة و في غاية النفاسة. و انظر موجز ترجمته في «الكرام البررة ٥٣٦» (ذيل نجوم السّماء و كتاب تراجم عبدالحى ديده شوند احتياطاً) و انظر «برهان الصادقين» و كتبنا حاشية في التكملة حول البدر هذا.

«البدور الباهرة» ٧١: ٢٠٩. قوله في س١٢: «و سمّيت الجميع بوفيات الأعلام» الخ. أقول ثمّ عَدل عنه و سمّاه حين طبع أوّل جزءٍ منه «طبقات أعلام الشيعة».

«بديع التواريخ» ص ٧٢ رقم ٢١٣: أقول راجع [گنج زر ١٨: ٢٣٧: ١٨٨] مع التكملة.

«بديع اللغة» ٧٣: ٢١٦. طبع هذا الكتاب سنة ١٣٦٢.

«البديعيّة» ٣: ٧٦: ٢٢٨. راجع ج٤: ٩.

«البديعية» ص ٧٧ رقم ٢٣٠ س٢٥، **الملا الحلي**: أقول يراجع فهرس أعلام الذريعة ص١٨٣٧.

﴿كتاب البرّ و الإثم﴾ ص ٧٨: للشيخ أبي‌على ابن سينا يقال إنّه [الفيض الإلهي ١٦: ٤٠٦: ١٩٣٨] قال في أواخر كتاب «الشفاء ٢: المقالة ١٠: الفصل ١»: [و اعلم أنّ أكثر ما يقرّ به الجمهور و يفزع إليه و يقول به فهو حقّ و إنّما يدفعه هؤلاء المتشبّهة بالفلسفة جهلاً منهم بعلله و أسبابه و قد عملنا في هذا الباب كتاب «البرّ و الإثم» فليتأمّل شرح هذه الأمور من هناك] انتهى و انظر «فهرست نسخ مصنّفات ابن سينا» للمهدوي.

«البراهين السّاطعة» ٨٠: ٢٤٣. أقول عندنا مجموعة من بعض رسائل الملاّ حسن بن علي الشهير بگوهر و فيها تقريظ شيخه أحمد الاحسائي لكتابه «مخازن جواهر أسرار التنزيل» المشتمل على الإجازة في الرواية و كذا تقريظ و إجازه السيّد كاظم الرشتي، و يأتي بعض آثاره في ج١١: ٤: ٩ و ج١١ (أيضاً): ٢٠٥ و ج٥: ١٧٤.

﴿البراهين الجلية في شرح القصيدة العلوية﴾ ص ٨٠: انظر [السيف المنتضى ١٢: ٢٨٩: ١٩٤٥] و «نقباء البشر: ٩٦٦».

«البَركات الوضويّة» ٨٧. ينقل عنه سيّد مشايخنا الأمين طاب مضجعه ترجمة ابن المتوّج البحراني في «أعيان الشيعة ٩: ٢٦».

«البرهان» ص ٩٢ رقم ٢٩١ س٥، **البغداد**: أقول يأتي في [مصادر الأنوار ٢١: ٩٦: ٤١٠٦] إنّهما طبعا في النجف الأشرف.

«برهان الصادقين» ٩٧: ١١. راجع ما ذكرناه في «بدر الدجى».

«برهان قاطع» رقم ٣١٧ - ص ٩٩ س٢، سنة **١٣٠٥**: و ثالثة في بمبئي سنة ١٢٧٢.

«البُرهان القاطع» ٩٩. للمولى محمّدطاهر القمي كما في هامش «روضات الجنّات: ٣٣٦ ط ٢».

«**برهان المرتاضين**» ص ١٠١ رقم ٣٢٥: أقول راجع لزوماً [حكمة العارفين ٢٦: ٢٧٩: ١٣٩٩].

«**بساتين الخطباء**» ١٠٤: ٣٣٧. أقول كانت نسخة من البَساتين هذا عند مير محمّد مهدي سلطان العلمائي آخر إمام للجمعة في زماننا من بيت الخاتون آباديّين و قد توفّي إلى رحمة الله تعالى في سنة ١٣٩٥ بإصفهان.

«**البسامة الكبرى**» ص ١٠٤ رقم ٣٣٨ س١٨، **بابن عبدون**: **أقول** يراجع لزوماً «الكنى و الألقاب» للمحدّث القمي قدّس سرّه في (ابن عبدون).

«**البُستان في تفسير القرآن**» ١٠٥: ٣٣٩. راجع «تأسيس الشيعة: ١١٦ و ٣٤٠».

«**البستان**» ص ١٠٥ رقم ٣٤٠: يراجع الكواكب المنتشرة ص٤٨١ و ص٦٧٥ و ما علّقناه عليه في نسختنا الخاصّة.

﴿**بستان راز و گلستان نياز**﴾ أو ﴿**الهى‌نامه و مناجات‌نامه**﴾ ص ١٠٦: بالنظم و النثر الفارسيّين للسيّد السند الأفقه السيّد محمّد كاظم الطباطبائي اليزدي النجفي المتوفّى ١٣٣٧ طاب ثراه طبع في مجلّة «نور علم س ٢ ع ٣: ١١٢ - ١٢٧».

«**بُستان السَّياحة**» ١٠٦: ٣٤٦. قوله «الشيرواني العارف». أقول أراد شيخنا رحمه الله بهذا الوصف أعني العارف أنّ الرجل صوفي، و إلاّ فتهتّك الرجل بالنّسبة لحرمات الله و النيل من الفقهاء و رجال الدين و الفضيلة في كتابه المذكور و غيره ينافي حقيقة العرفان و الخوف من الرحمن.

«**بُستان العُقول**» ١٠٧. لناصرخسرو العلوي الشاعر الحكيم ذكره في كتابه المطبوع «زاد المسافرين: ٣٣٩: ١٧» و في مقدّمة الطبع للزاد انّه لم يعثر على نسخةٍ للبُستان لحدّ الآن.

«**بستان الكرام**» ص ١٠٧ رقم ٣٤٩ س١٢، **للمقدّس المنصوب إلى المقدس**: اين فضولى مانند ساير استدراكات ج٢٥ عموماً از علينقى غنوصى است.

«**بستان الواعظين**» ص ١٠٨ رقم ٣٥٧: در [زندگينامه علامه بحرينى ص١٣٣] گويد اشتباه است. بايد بآنجا و رياض و شماره فوق ٣٥٦ رجوع و دقت شود و درباره همه تأليفات سيّد هاشم بايد ارجاع شود.

«بشارات الشيعة» ١١٢: ٣٧٩. أقول التّرديد من شيخنا ره في تاريخ وفاة الفاضل الخاجوئي ره (في س١٨) في غير محلّه. انظر «روضات الجنّات ١: ٣٠٦» بشرحنا. و قوله (في س٢٣): و هي بخط الأمير محمّداسماعيل الخ. أقول لم يزد في «زندگينامه علاّمه مجلسي ١: ٣٢١» حول هذا الرجل على ما نقل عن هذا الموضع شيئاً. و نذكر في تعليقات ج٤ نسخة «ترجمة بشارات الشيعة» هذا باللّغة الفارسية.

أقول عندنا منه نسخة قال مصنّفه في آخره [شرعت في تأليفه غرّة شهر اللّه المعظّم سنة ١١٥٥] الخ و قال كاتب النسخة [استكتبت من النسخة التي نمقها الأُستاد المحقّق العارف المدقّق المصنّف دام ظلّه العالي و قابلت معها من أوّله و آخره و أنا الضعيف ... ابن أبوالحسن الإژيه الرويدشتي من أقلّ تلامذة الجناب المصنّف المذكور سلّمه اللّه تعالى] انتهى و عندنا أيضاً ترجمة البشارات لمحمّد ابراهيم بن محمّدباقر النجم آبادي ليس في آخره تاريخ رقم النسخة ٦١٨٩ غير مجلّد إلى الآن.

ص ١١٣ س ١، **محمداسماعيل بن الأمير ... گلستانه**: حفيد السيّد گلستانه ره (لم يزد المهدوي في كتابه للمجلسي ج١ ص٣٢١ على ما نقله عن المتن شيئاً سوى ذكر والده.

«**البشارة لطلاّب الاستخارة**» ١١٣: ٣٨٢. قوله (في س٢٠) و فرغ منه في الأربعاء ١٧ ج٢ ١١٠٠. أقول الصّواب ما في خاتمة نسخة صاحب «رياض العلماء» طاب ثراه، و هي ضمن مجموعة في الاستخارات موجودة عندنا و هذه صورة ما في آخر تلك النسخة قال: «و كان ذلك ضحى يوم الأربعاء التاسع و العشرين من شهر رجب لسنة التسعين و ألف» الخ. و يؤيد ذلك ما نقل في هامش تلك النسخة عن الاصل المنقول عنه.

«**البشارة**» ١١٤: ٣٨٤. للسيّد مجدالدين. قوله (في س١٢) قال في «عمدة الطالب». أقول راجعه ص١٧٩ (طبعة النجف الأشرف الأُولى) و راجع الجزء الأوّل من كتاب «آثار الشيعة الإمامية: ٣٥».

«**بشارة المصطفى**» ص ١١٧ رقم ٣٩٨ س٩. أقول قد أعرض شيخنا المصنّف هنا عن كلام شيخه في خاتمة المستدرك (ج٢١ ص١٦ ط قم) حيث ذكر أنّ شيخي الطبري التاسع و العاشر أخبراه سنة ٥٦٠ فإنّ هذا باطل لا مرية فيه و كان المأمول من شيخنا أن يكشف هنا عن خطأ شيخه و لكنّه لحبّه المفرط له طواه كشحاً و الحقّ أحقّ أن يتّبع و اللّه العاصم.

ص ١١٨ س ٦، **ليس تمام الكتاب:** أقول في هذا الكلام ردّ على استغراب شيخه المحدّث النوري في خاتمة مستدركه (ج٢١ ص١٣ ط قم) حيث نسب كلام الإمام الحرّ إلى طغيان القلم و ردّه و فوق كلّ ذي علم عليم.

«**بشارة المؤمنين**» ١١٨. قال الميرزا عبدالله أفندي الإصفهاني رحمه الله في أواخر مقدّمة كتابه «تحفه حُسينيّه» الذي هو في شرح «الصّحيفة الإدريسيّة» ما لفظه بالفارسيّة: «و ما خود شطرى وافى ازين مطالب را در مَطاوى كتاب «بشارة المؤمنين» كه بفارسى در ردّ مذاهب باطله أهل عالَم نوشته‌ايم و در طيّ قِسم دوم از كتاب «وثيقة النجاة» كه بعربى در باب اصول دين و فروع دين تأليف نموده‌ايم، بعون الله تعالى – كما هو حقّه – مندرج ساخته‌ايم» انتهى.

«**بشرى المحقّقين**» ص ١٢٠ رقم ٤٠٧: عندي نسخة مصحّحة من رجال ابن داود و تصحيح ابن الصايغ و مقابلته على نسخة استاده الشهيد الثاني و ضبطه فيه هكذا (كتاب بشرى المحقّقين في الفقه ستّ مجلدات) اه.

«**بصائر الدرجات**» ١٢٤: ٤١٦. أقول ذكرنا في القسم المخطوط من كتابنا «فهرست كتب خطّي» نسخةً من البصائر الكبير كما ذكرنا هناك أيضاً نسختين من البصائر الصغير.

«**بضاعة الفردوس**» ١٢٧: ٤٢٣. قوله (في س٥) ذكره في الروضات. أقول هذا مبنيّ على ما رآه جدّنا الإمام المجدّد طاب مثواه من النقل عن هذا الكتاب في هامش نسخة من كتاب «مناقب الطاهرين» للعماد نفسه قدّس رمسه و تلك النسخة موجودة عندنا و الحمد لوليّه.

«**بضاعة النجاة**» ١٢٨: ٤٣٢. أقول لعلّ الصّواب «البضاعة المزجاة» و الله العالم.

«**بعض مثالب النواصب**» ص ١٣٠ رقم ٤٤٠: انظر «النقض ٢٤: ٢٨٣»

«**بغية الراغبين**» ١٣١: ٤٤٥. قوله (في ص١٣٢ س٤) كما تأتي في الرسائل. أقول لم نجد في حرف الراء في الرسائل (ج١١) مؤلّفاً لابن فهد و لا لغيره في موضوع الشكّ و السّهو مطلقاً و لكن يذكر طائفة من تلك المصنّفات في (ج٧ ص٢٤٧– ٢٥١) بعنوان «الخلل في الصّلوة» و أيضاً في السّين بعنوان «السّهو» في (ج١٢: ٢٦٦–٢٦٧) و ثالثة

بعنوان «الشكّ» في (ج١٤: ٢١٠ - ٢١٣). و اعلم أنّه لايوافق ما نقل في المتن من أوّل النّسخة على ما ينقله عن رسالة ابن فهد في المواضع المذكورة إلاّ في بعض الكلمات و الله هو العالم بحقايق الأُمور.

«**بغية الطالب**» ص ١٣٣ رقم ٤٥٠: انظر ما سيأتي في التكملة على «بغية الطالب ١٣٥: ٤٥٦»

«**بغيَة الطالب في معرفة المفروض و الواجب**» ١٣٣: ٤٥١. أقول هذه الرسالة في الحقيقة أمّ الرّسائل العلميّة المؤلّفة بعدَها فإنّ لمؤلّفها الإمام البارع جدّنا الأكبر الشيخ جعفر قده قدم راسخ في الفقه الجعفري و أُصوليه مع نبوغ و ابتكار و انتاج لم يسبقه في ميزاته سابق، و عندنا عدّة نسخ من كتابه هذا و يأتي الكلام على حواشيه في ج٦: ٢٨ أيضاً فراجعه و من نُسخنا ما هي بخط جدّنا العلاّمة الحجة السيّد جلال‌الدين ره.

«**بغية الطالب**» ص ١٣٥ رقم ٤٥٦: أقول قوله [في بيان أحوال أبي‌طالب] هكذا يأتي في [كتاب في الأنساب ١٧: ٢٦٨: ٢١٣] و هكذا عنونه في [دائرة المعارف الإسلامية ايران ٤: ٢٩٥] للشيخ عبدالعزيز الجواهري و لكن في [ماضي النجف و حاضرها ٣: ٣٣] وصفه بقوله [بغية الطالب في نسب آل أبي‌طالب] و لعلّ صاحب [منية الراغبين ٤٧٠] اعتمد على الماضي فذكر الكتاب بالوصف المذكور و عقد عنواناً لمؤلّفه بهذه المناسبة و عدّه في جملة النسّابين و خلافاً لسيرته لم يذكر مأخذاً لتلك الترجمة مطلقاً و وقع في خطأ آخر حيث لم يفهم على ما نظنّ كلام صاحب الماضي فقال في ذيل العنوان أعني عنوان السيّد محمّد بن حيدر ما لفظه [و له تعاليق كثيرة على عمدة الطالب تدلّ على طول باعه و علوّ كعبه في النسب و له كتاب بغية الطالب في نسب آل أبي‌طالب] الخ و نحن لانشك في خطأ صاحب المنية على ما بيّناه مضافاً بأنّه لم يذكر أحد غيره أنّ للسيّد محمّد بن حيدر هذا تعليقة على العمدة و إنّما التعليقة للشيخ محمّدكاظم العميدي النسابة المذكورة ترجمته في «المنية» عقيب عنوان السيّد محمّد بن حيدر و تعليقاته موجودة في نسخة العمدة بخط السيّد حسين بن مساعد كما هو معلوم كرّر ذكر تلك النسخة في «الذريعة» و ذكرناها في مقدّمة جامع الأنساب أيضاً و أمّا السيّد محمّد بن حيدر و كتابه المذكور فليس له ذكر في [تكملة أمل الآمل] للسيّد حسن صدرالدين ره كما لم

يذكره شيخنا المصنّف في «مصفّى المقال» بل ذكر في «المصفّى ٤١٦» سميّه و معاصره السيّد محمّد بن علي بن حيدر الموسوي العاملي المكّي (ل ١٠٧١ ف ١١٣٩) صاحب «تنبيه وسن العين ٤: ٤٤٩: ٢٠٠٧» و كلا الرجلان معاصران معنونان في أمل الآمل و ظنّهما في «أعيان الشيعة ٤٤: ٣١٨: ٢٠٩٣» واحداً و هذا خطأ منه و قد خلط بين الترجمتين و خبط و أمّا سيّد مشايخنا الإمام صاحب «بغية الراغبين ١: ٤٨ – ٤٩» فذكر كليهما و نبّه على تغايرهما و أمّا شيخنا صاحب الذريعة فذكر الأوّل في «الكواكب المنتثرة: ٦٥١» صحيحاً و والده السيّد حيدر في (ص٢٢٩) كما ذكر الثاني في (ص٦٦١ – ٦٦٣) و من المؤسف أنّه جاء في ختام ترجمته المكّي (ص ٦٣٣) قوله (و ذكرنا له «بغية الطالب في احوال أبي‌طالب في الذريعة ٣ رقم ٤٥٦» و الظاهر أنّ هذا الخطاء من الناشر و الله العالم فقد قلنا إنّه أورد ترجمة صاحب بغية الطالب في ص٦٥١ صحيحاً و سبحان من لايسهو و اعلم أنّه قد مرّ آنفا [بغية الطالب في أنساب آل أبي‌طالب ١٣٣: ٤٥٠] و لعلّه من الأوهام أو الأخبار الدخيلة و الله العالم بحقايق الأمور ثمّ انظر ما يأتي في «تحفة الأبرار ٤٠٥: ١٤٥٤» و ما يأتي في «عمدة الطالب ١٥: ٣٣٧: ٢١٦٩ و تكملتها و اغتنم هذه الفائدة و لاتنس الدعاء لنا و طلب الغفران و قد كتبت هذه الأسطر في بيتنا بإصفهان ضحى نهار الأربعاء ١٨ شهر شعبان ١٤٠٨.

«بغية المريد» ١٣٦: ٤٦٢. قوله في (س٢١) سنة ٩٤٥، أقول ربما يُقرء في نسختنا القديمة من رسالة البغية و كذا في نسختنا المخطوطة من «الدرّ المنثور» هكذا: سنة ٩٤٠، أي الأربعين و التسعمائة. قوله (س٢٢): كما يظهر من كتابه هذا. أقول: نصّ كلام ابن العوديّ هكذا: إلى يوم انفصالي عنه بالسفر إلى خراسان في عاشر ذي‌القعدة، الخ، و هذا في أنّ ابن العودي هو الذي سافر إلى خراسان أظهر من سفر الشهيد الثاني إليها. ثمّ إنّ ابن العُوديّ أدرج في رسالته قطعةً وجدها بخط استاده الشهيد روّحَ الله روحه، تتضمّن مولده و جملةً من أحواله، و أنّ جدّنا العلاّمة الحاج مير سيّد محمّد شقيق جدّنا الإمام المجدّد صاحب روضات الجنّات أعلى الله مقاميهما استنسخ هذه القطعة مستخرجاً من نسخة رسالة ابن العودي في إحدى مجاميعه النّفيسة و هي المذكورة في الذريعة ج٤: ١٥٧: ٧٦٣ و راجع «شهداء الفضيلة».

ص ١٣٧ س٢، ظفر: أقول و رآه أيضاً جدّنا الإمام الحرّ عليه الرحمة و نقل عنها قال في كتابه أمل الآمل عند ترجمة ابن العودي هذا ما نصّه «...»

«**بغية الوعاة**» ٣: ١٣٧: ٤٦٤. أقول ذكر في (ج١: ١٧٤: ٨٧٤) أنّ البغية هذه مطبوعة.

«**بلابل و القلاقل**» ص ١٤٠ رقم ٤٧٧: فهرست مرعشى ١٤: ٢٢١: ٥٤٤٠.

«**البلاغ المبين**» ص ١٤١ رقم ٤٨٢: يراجع (الجواهر السنية ٥: ٢٧١: ١٢٧٩) و ذكرنا ترجمة الرجل و بيته و نسبه في كتابنا (جامع الأنساب ١: ١٣٤).

«**البلاغ المبين**» ص ١٤١ رقم ٤٨٤: يراجع [نقض الوشيعة ٢٤: ٢٩١: ١٥١٥].

«**بلال غُلّة المطالب**» ١٤٢: ٤٩١. أقول البلال مثلثة الباء بمعنى النُّدوَّة و الماء و الغُلّة العطش الشديد. قوله للسيّد منصور. أقول في فضائل السّادات ص ٣٨٠: للسيّد أبي‌منصور، و ترى كلتا الصّورتين في المواضع المختلفة للفضائل حتّى في نسخة الأصل بخطّ السيّد محمّد أشرف و الله العالم، و عندنا مصوّرة عن الأصل المذكور.

«**البلد الأمين**» ١٤٤: ٤٩٤. راجع ج٩: ٩١١: ٦٠٢١. «ديوان كشفي الدارابي».

«**البلغة**» ص ١٤٦ رقم ٥٠٢: أقول ذكر العلاّمة المامقاني ره في [تنقيح المقال ٢: ٣٣٠ - ٣٣١: ٨٦٩٩] بعد نقل توثيق المحقّق البحراني في «البلغة» لعمرو بن دينار المكي ما لفظه [و توثيق المحقّق البحراني إيّاه مع غاية تدقيقه و عدم مبادرته إلى توثيق الرجال إلاّ بعد الفحص الأكيد] و هذا الكلام من مثل العلاّمة المامقاني في حقّ صاحب البلغة و كتابه بمكان من الاعتبار ثمّ إنّه يأتي [البلغة الصافية ١٤٧: ٥٠٦] أيضاً في الرجال و هو لعالم بحراني معاصر للشيخ سليمان هذا كما يأتي له [معراج أهل الكمال ٢١: ٢٢٨: ٤٧٤٨].

«**بناء المقالة العلويّة**» ١٥٠: ٥١٩. راجع «المقالة العلويّة» في ج ٢١ ص ٣٩٥ رقم ٥٦٣٥ و يأتي متعدّداً «النقض على العثمانيّة» في ج٢٤: ٢٨٨ و ٢٨٩.

«**البوارق**» ص ١٥٣ رقم ٥٣٢: يراجع كتاب كتابشناسى آثار مربوط بقم للسيّد المدرّسي الطباطبائي.

﴿**البوارق الإلهيّة**﴾ ص ١٥٣: للعالم العارف محمّدسعيد بن محمّدمفيد الشريف القاضي القمي. أحال إليه في أواخر كتابه «شرح الأربعين حديثاً ص٦٢٧ ط ١».

«بهجة الآمال» ١٥٩: ٥٦٣. **أقول طبع مؤخّراً من أجزاء هذا الكتاب الضّخم بعضها** في طهران و من الجدير بالذكر أنّ المؤلّف كثيراً ما ينقل عن كتاب روضات الجنّات لجدّنا الإمام المجدّد طاب مثواه بعين عباراته من دون إشارة ما، و هذا ما يقتضي منه العجب و نسئل الله سبحانه العصمة. ثم إنّ الميرزا محمّدحسن العلياريّ (ص١٦٠ س٦) مذكور في «نقباء البشر: ٤١٦» لشيخنا المؤلّف ره.

«بهجة الآمال» رقم ٥٦٣ — ص ١٦٠ س٦، **محمدحسن**: ترجمة الميرزا محمّدحسن هذا مذكورة في نقباء البشر ص٤١٦.

«بهجة الأولياء» ١٦٠: ٥٦٧. قوله (في س٢٣) نور العين. أقول الصواب (نور العيون) الموجود نسخته عندنا و قد ذكر مؤلّفه البهجة في كتابه في الحكاية العاشرة من حكاياته. و ترى ذكرَ البهجة أيضاً في كتاب «المآثر و الآثار: ١٤١» و انظر «زندگينامه علاّمه مجلسى ره ٢: ٣٢١ فما بعدها».

«بهجة الحدائق» ص ١٦١ رقم ٥٦٩: عندنا نسختان من هذا الشرح الجليل و راجع (ج٦: ٢٨٤: ١٥٤٣) و (ج١٤: ١٤٥ س٦ - ٢٢).

«بهجة الصّدور» ١٦٢. التّاريخ الذي ينقل عنه جمع من المعاصرين كلاماً في ترجمة الكريمخان الشيخي الكرماني، ليس من كتب الشيعة و لا ساير فِرق المسلمين، بل هو من جملة مهملات حيدرعلي المبلّغ البهائيّ المتوفّى ١٣٣٨ في بلدة عكّا. طُبعت البهجَة بنفقة الأغنام في بمبئي على الحجر سنة ١٣٣٢ في ٥٣٠ص كما طبع هناك أيضاً أباطيله الموسومة بدلائل العرفان سنة ١٣١٢ و الذي لايوجَد في ملفّقات هذا الغبيّ و سائر أهل نحلته رائحة علم و لا عرفان بل كلّها ضلال و هذيان.

«بهجة الشعرا» ص ١٦٢ رقم ٥٧٣: **أقول** راجع (رسالة حديقة الشعراء ١١: ١٧٢: ١٠٧٠ و ١٠٧١).

«بهجة الطالبين» ١٦٣. شرحٌ فارسيّ للرّسالة الكبرى في علم المنطق السيّد الشريف الجرجاني. و الشرح للسيّد محمّد بن محمود الحسينيّ اليزديّ. طبع على الحجر بطهران في ١٣١٧ و رقم صفحاتها ٩٤ بالحجم الصغير و بهامشها متن الكبرى ثمّ نظمُها لنور عليشاه الصّوفي المشهور. كانت عندنا نسخة من هذه المجموعَة اللطيفة ثم سُرِقت هي و غيرها منّا.

«بهجة العناوين» ١٦٣: ٥٧٦. قوله في س١٣ «حدود سنة ١٢٧٢». أقول ذكر ترجمة الرجل في «مكارم الآثار ٦: ٢٠٢٠: ١٢٤٤» و هناك ولادته في يوم الخميس الخامس من ذي‌الحجة سنة ١٢٧٢ نقلاً عن كتاب «شيعه چه مى‌گويد» لولده السرّاج، و راجع «نقباء البشر: ١١١٠».

«بهجة المباهج» ص ١٦٣ رقم ٥٧٧: أقول رأيت نسخة من بهجة المباهج في بعض البيوت بإصفهان فيها نقص في أوّلها و آخرها على أغلاطها الكثيرة يظهر منها أنّها من مكتوبات القرن ١٠ أو ١١.

﴿بهجة المباهج﴾ ص ١٦٣: منظومة لمولانا حيرتي المروي الخراساني أصلاً من أشهر شعراء عصره بل المقدّم على جميعهم خاصّة في مدايح المعصومين صلوات الله عليهم و التبرّي من أعدائهم و توفّي بكاشان أثر سقوطه عن السطح في ٩٦١ ذكرناه أيضاً بهامش «ديوان المولى حيرتي القزويني ٩: ٢٧٦: ١٦٥٥».

«البياض» ١٦٦. قال سيّد مشايخنا الأمين العاملي ره في «أعيان الشيعة ١: ق٢: ٤٧٩» في وصف نسخة «مجموعة الأمثال الشعريّة» الموجودة في الخزانة الرضويّة ما لفظه: بقطع كبير جدّاً و خطّ على ورق كلاهما في غاية الجودة عدد أوراقه ٢٦٧ بشكل ما نسمّيه سفينة و يسمّيه الايرانيّون بَياضاً أي بشكل مستطيل و أسفل الكراريس من جهة العرض لا من جهة الطول و كلّ صفحة منه عشرة أسطر و له هامش كبير جدّاً من الجانبين» انتهى المقصود من كلام سيّدنا المحسن الأمين، و يأتي في الذريعة من قبيل البياض «التذكارات» و «جُنك» و «السفينة» و بعض «المجاميع» المذكورة في حرف الميم.

«البياض الابراهيمي» ص ١٦٦ رقم ٥٩٠: الكتاب الضخم الفخم في المناظرات.

«بياض الكمالي» ١٧٠: ٥٩٦. الصّوابُ البياض الكماليّ و قوله في س٦ «شرح الشافية الموسوم بالقيود الوافية» أقول يأتي بكلّ واحد من العنوانين في (ج١٣: ٣١٤: ١١٥٩) من دون إشارة إلى القيود و في (ج١٧: ٢٢٧: ١٢٤٨) و فصّلنا الكلام نحن حوله في كتابنا المطبوع «فهرست كتب خطى ١: ٣٨٥» و يأتي شرحه لقصيدة دعبل الخزاعي رضي الله عنه في (ج١٤: ١٢: ١٥٢٦) و راجع «زندگينامه علاّمه مجلسى ٢: ٣٥١ - ٣٥٣» و نتكلّم

على «شرح الشافية» أيضاً في تعاليقنا على الجزء (١٥: ٢٢٠: ١٤٥٠: العاجلة في شرح الشافية).

ص ١٧٠ س ٧، سنة **١١٠٣**: في عصر يوم السبت الرابع عشر من شهر رمضان المبارك من شهور السنة المذكورة كما في آخر نسخة من شرح القصيدة بخط جدّنا العلاّمة الحاج ميرزا زين‌العابدين الخوانساري رحمه الله.

«البيان في أنواع علوم القرآن» ١٧٢: ٦٢١. قوله (س١٢) ذكره النجاشي. أقول و كذا ذكره سيّد مشايخنا الصدر في كتابه الآخر «تأسيس الشيعة» إلاّ أنّه أشار بعد ذلك إلى فهرس مصنّفات شيخنا المفيد في كتاب النجاشي، قدّس الله تعالى أرواح الجميع بجاه النبيّ و عترته الطاهرة صلوات الله عليهم.

«البيان» ١٧٤: ٦٢١. في الفقه للشيخ السعيد أبي‌عبدالله محمّد بن محمّد بن مكّى. أقول والدُ الشيخ (أنار الله برهانه) هو جمال‌الدين أبومحمّد مكّيّ بن محمّد، كما هو المعلوم بديهيّاً، و إنّما الشيخ محمّد بن محمّد بن مكّيّ هو ابن الشهيد، فتكرار محمّد سهو من قلمه الشريف و جلّ مَن لا يسهو. ثمّ إنّي وُفّقت لزيارة نسخة الأصل من كتاب البيان بخطّ مؤلّفه الجليل عام زيارتي للنجف الأشرف سنة ١٣٦٦ عند العلاّمة السيّد حسين بن علي بن أبي‌طالب الحسيني الهمداني مؤلف «هدية الملوك» - على ما ببالي، و خط الشهيد ره في نهاية الغموض و لم تكن النسخة تامّة فكتب الباقي بخطّه العلاّمة الشيخ ابراهيم البلاغي.

«بيان الاوزان» ص ١٧٦ رقم ٦٣١: انظر ترجمته في مكارم الآثار ج٧ رقم ١٤٨٣.

«البيان البديع» ص ١٧٧ رقم ٦٣٢: نسخة عندنا رقم ٤٠٦١.

«بيان الغيب» ١٨٣: ٦٤٨. أقول يأتي للسيّد العصار «التأمّليات» في (ص٣٠٢ س١١٢٣) و «الحجج الرضويّة» في (ج٦: ٢٦٤: ١٤٤٤) و بعض حواشيه في (ج٦: ١٧٣ و ١٨٥ و ١٨٦) أيضاً.

«البيان المبرهن» ص ١٨٣ رقم ٦٤٩: و يأتي له في نفس الموضوع «جواب السؤال ٥: ١٨٣: ٨٠٦» كما يأتي «القاسمية ١٧: ٤: ١٩» و طبع مقالة في الردّ على المسألة في نشرة «گلچرخ ٥: ١٢» كما طبع الردّ عليها في النشرة أيضاً (٧: ١٢) و السلام.

«**البيان الشافي**» ١٨٢. هو في حلّ أحاديث كتاب الكافي. راجع (استقصاء الافحام ١: ١٤٥).

«**بيچون نامه**» ١٨٦: ٦٦٣. راجع «دانشمندان آدميت ج١: ٥٠٢» و «فهرست مشار ١: ٢٨٥» و كتابه الآخر «مؤلفين كتب چاپى ٣: ٧٢٣».

«**بَيْدَرُ الفَلاح**» ١٨٦: ٦٦٦. يأتي تحقيق في اسم مؤلّفه في (ج٦: ١٥٠: ذيل الصفحة).

«**بيدِل**» ١٨٦: ٦٦٧. اسم هذا المقتل المعروف «سحاب البكاء» فيأتي في موضعه أيضا.

«**بيست مقاله**» ١٨٩: ٦٧٥. راجع (ج٦: ١٠٦ بالهامش).

«**بي‌سَرنامه**» ١٩٠. يأتي في ص١٩٨: ٧٢٩.

«**بينش غرض آفرينش**» ١٩٥: ٧٠٦. أقول طبع هذا الكتاب في يزد سنة ١٣٨٠هـ. أو حواليها في ٦٢ صفحةً باهتمام الفاضل الجليل السيّد جواد الطباطبائي (مدرّسي يزدي) عن نسخةٍ فرغ الكاتبُ عن كتابتها في يوم السّبت السّادس من ذي‌الحجّة ١١٣٦ في قرية خور ميزك التي فرّ إليها الكاتب مع الأهل و العيال خوفاً من الأفاغنة، و هي من قرى مِهريز يزد. ذكر هذا الكاتب أنّ المؤلّف للكتاب هو الفاضل الهنديُّ بهاءالدين محمّد بن تاج‌الدّين حسن الإصفهاني، و طبِع مع تلك النسخة رسالتان لصدرالدين محمّد بن نصير الطباطبائي جَدّ السيّد المدرّسي و هُما «عين الحقيقة» و «لسان الصّدق» كلاهما في تفسير بعض السّوَر المباركة (التوحيد و الدهر و القَدر) بالعربيّة مع مقدّمة في ترجمة المفسِّر (ص٦٣-١٥٢) و يراجع «آينه دانشوران. ط ٢» لترجمة المفسِّر أيضاً. و عندنا نسخة من كتاب بينش غرض آفرينش بخطّ جدّنا الأعلى والدِ صاحب الرّوضات رضي الله عنهما و ليس في تلك النسخة اسمُ المؤلّف كنسختَي الذريعة. و لم نجده في فهرس أحمد المتروي و ذكره مشار في فهارسه.

﴿**كتاب بيوت السخاء و الكرم**﴾ ص ١٩٥: ذكرناه في التكملة في الكاف.

«**پند أهل دانش و هوش**» ١٩٩: ٧٣٨. أقول النّسخة المطبوعة بمصر موجودة عندنا و الذي ظهر لنا بعد التأمّل التامّ فيها أنّ الكتاب من ملفّقات بعض الأغبياء من الطائفة البهائية الملحدة غير المُسلمة ألّفوه و نشروه في الحطّ عن شأن علماء الإسلام و فقهائهم

برجاء ترويج اللادينيّة و تبليغ أفكارهم الإلحاديّة الاستعمارية كما أنّ طابعها و ناشرها فرج ا. زكي الكُرديّ المشهور أنه الزنديق البهائي، و لاتوجَد للكتاب نسخة مخطوطة في الظاهر، مع أنه لو كان من مؤلّفات شيخنا البهائي بهاءالدين محمّد بن الحسين بن عبدالصمد المتوفّى سنة ١٠٣٠ لانتشرت منه مآت نسخة طول أربعة قرون مضت من عهد الشيخ. و ليراجَع «مناظره فار و سنّور» في (ج٢٢: ١٩٨).

«پيراهن يوسفي» ص ٢٠٠ رقم ٧٤٥: يراجع «دمع ذردف ٨: ٢٦٤: ١١١٤» مع التكملة.

«التائية» رقم ٧٥١ — ص ٢٠٢ س٦، التبيسي: البنيس بالباء المكسورة ثمّ النون قرية في قرب شبستر (تبريز) و النبيس تصحيف أيضاً كذا في آخر ج٦ من الذريعة استدراكاً لهذا الموضع.

«تاج الأشعار» ص ٢٠٥ رقم ٧٥٨: أقول يأتي «سلوة الشيعة ١٢: ٢٢٣: ١٤٧١» و «ديوان الفنجكردى ٩: ٨٤٩: ٦٨١ق» و قال الموفّق بن أحمد الخوارزمي المتوفّى ٥٦٨ في كتابه «مقتل الحسين صلوات الله و سلامه عليه ٢: ١٢٨ طبع النجف» ما لفظه «و للإمام السيّد الأديب أبي‌الحسن علي بن أحمد النيشابوري جامع كتاب «تاج الأشعار في النبيّ المختار و آله الأطهار: أيا سائلي عن مذهبي و طريقتي - محبّة أولاد النبي عقيدتي» إلى تمام ١٥ بيتاً.

«التاجُ الشَرفي» ٢٠٦: ٧٦١. قوله في س١٣: من دلائل الإماميّة الخ. أقول في نسختنا من كتاب «المجموع الرائق» هكذا: من دلائلِهم عليهم‌السلام و دلائل صاحب الأمر ع». و لايخفى أنّ كلّما ذكره شيخنا العلاّمة طاب ثراه حول (التاج الشرفي) فمنقول عن (المقنع) المندرج في طيّ «المجموع الرائق».

﴿تاج التواريخ﴾ ص ٢٠٦: للخواجه محمّد بن حسن خان الإصبهاني المشعري. ينقل عنه بهذا الوصف واقعةً لما بعد سنة ٩٢٠ في «آتشكده اردستان ج١ ص٢٠٦».

﴿تاج الأنساب﴾ ص ٢٠٦: لمحمّد بن أسعد المعروف بابن الجواني النسابة المصري الآتي له «طبقات الطالبيّين ١٥: ١٥١: ٩٩٢» و بعدها «طبقات النسّابين: ١٠٠٣». ذكر الثلثة شيخنا المصنّف في «الثقات العيون ٢٤٩» و لكن صاحب «منية الراغبين ٣٠١» قال

باتّحاد التاج و طبقات الطالبيّين و انظر «جوهر المكنون» في «تكملة الذريعة».

﴿التاريخ﴾ ص ٢١١: قال حمزة الإصفهاني في [تاريخ سني ملوك الأرض و الأنبياء ص٨ طبع برلين ظ] ما لفظه «و أمّا لفظ التاريخ فمحدث في لغة العرب لأنه معرب من ماه روز. و بذلك جاءت الرواية» ثم نقل الرواية و قال في آخره «ماه روز و معناه حساب الشهور و الأيّام فعربوا الكلمة فقالوا مورّخ ثمّ جعلوا مصدره التاريخ و استعملوه» انتهى و انظر التفصيل حول تعريف التاريخ في [مجلّة باستان‌شناسى و تاريخ ١: ٢: ٥١ - ٥٦ طهران ١٣٦٦ش].

«تاريخ ابن أعثم» ٢٢٠: ٨١١. جاء في مقالة عنوانها «ترجمة فارسى تاريخ أعثم و دو مترجم آن» لكاتبها الفاضل محمّد دبير سياقي المطبوعة في «مجلّة راهنماى كتاب ١٩: ١١- ١٢: ٨٩٣ - ٨٩٥» تاريخها «بهمن - اسفند ١٣٥٥ش» أنّ لمحمّدحسين روحاني بحثاً ممتّعاً حول الموضوع أيضاً طبِعت في المجلّة المذكورة (الأعداد ٤-٦ من السنة نفسها) فليراجع إن شاء الله.

«تاريخ ابن العميد» ص ٢٢٤ رقم ٨١٧: أقول انظر لزاماً «رسائل ابن العميد ١٠: ٢٤٠: ٧٦٧».

﴿تاريخ افغاني﴾ ص ٢٣٥: هو (بدايع الأخبار) في ذكر فتنة الأفغان في عهد الشاه سلطان حسين الصفوي لعبدالنبيّ البهبهاني المنشي. انظر مقالتين حول الكتاب في نشرة «كيهان فرهنگى: س٣ ع ٤ و ع ٥ تير و مرداد ١٣٦٥ش».

«تاريخ الأنبياء» ٢٣٦: ٨٧٠. أقول من الغريب عدُّ شيخنا رحمه الله مؤلّفات الأمير عليشير النوائي و أقرانه كعبدالرحمن الجامي من جملة آثار الشيعة فإنّ الرجل بعيد في أحواله و آثاره عن الشيعة بُعد المشرقين، و يذكر له «مجالس النفائس ١٩: ٣٧٢: ١٦٥٧».

«تاريخ أولاد الأطهار» ص ٢٣٧ رقم ٨٧٥: عمود نسب مؤلّف «تاريخ أولاد الأطهار» و طائفته مذكور في (آتشكده اردستان ج١ ص٧٥).

«تاريخ ايران» ٢٣٩: ٨٨٥. قوله في (ص٢٤٠: ٨) مالكم خان. أقول هو مؤلّف «پير و جوان» و يأتي ذكره في (ج٨: ٢٢٥) و اسمُ أبيه يعقوب، و الرجل من عمّال الأجانب و أيادي الاستعمار.

«تاريخ پانصد ساله خوزستان» ص ٢٤١ رقم ٨٨٧ س١، **أحمد الحسيني: يأتي ذكره** الغير الشريف أيضاً في ج٧ ص٢٨٥ فلاحظ.

«تاريخ بحيرة» ٢٤١: ٨٨٨. مرّ ذكر هذا الكتاب في هذا المجلّد أيضاً (ص٥٠: ١٢٥).

«تاريخ تبريز» ص ٢٤٢ رقم ٨٩٩: يراجع لزاماً مكارم الآثار ج٧ رقم ١٥٤٧.

«تاريخ تُستر» ٢٤٣: ٩٠٠. قوله (في س١٠) صاحب الإجازة الكبيرة. أقول مرّ ذكر هذه الإجازة في (ج١: ٢٠٦: ١٠٧٧) و يأتي أيضاً ذكر نسخة منها في (ج١٨: ٣٧٩: س الاخير) كما أنّ عندنا أيضاً نسخة منها كتبناها بخطّنا قبل ثلثين عاماً. و يأتي للسيّد المجيز «ديوان فقير جزائري» في (ج٩: ٨٤٢).

﴿تاريخ تيمور﴾ ص ٢٤٥: الگوركاني قد ألّف حول تاريخ هذا الأمير عدّة كتب و لكن العجب من العلاّمة المرحوم السيّد محسن الأمين العاملي حيث ملأ الرابع عشر من كتابه [أعيان الشيعة ٣٤٢ - ٤٤٨ ط ١] أي ١٠٦ صفحة حول ترجمة هذا الجبّار و الله العاصم.

«تاريخچه أدبيات ايران» ص ٢٤٦ رقم ٩٠٩ س١٢، (ج ٧ و ٨ و ٩): و إلى الآن التي سنة ١٣٢٥ الشمسي ينشره.

«تاريخ جهانآراء» ص ٢٤٧ رقم ٩١٤: أقول إنّه الذي نقل عنه صاحب رياض العلماء «٢: ٣٦٧» تاريخ شهادة الشهيد الثاني بأيدي كفّار الرومية فلاحظ.

﴿تاريخ حسامي﴾ ص ٢٤٩: قال الحاج الشيخ محمّدحسين الآيتي البيرجندي في كتاب بهارستان.

«تاريخ حزين» ٢٤٩. انظر ما سنذكره بعنوان «تاريخ الصفوية» على هامش ص٢٦١.

«تاريخ الحرمين» ٢٤٩: ٩٢١. أقول لم نعثر نحن أيضاً على نسخة من هذا التاريخ الجليل و لكن كثيراً ما نجد الإحالات عليه في كلام مصنّفه العلاّمة في مواضع من أجوبة مسائله الموجودة عندنا بخطّه ره.

﴿تاريخ خانواده اسفندياري﴾ ص ٢٥٠: لأسدالله بن مهدي النوري الإسفندياري طبع بطهران عام ١٣٢٩ش في ٢٠٠ص ذكره مشار.

«تاريخ الدخانية» ص ٢٥٢ رقم ٩٧٣: راجع «الدخانية» في ج٨ ص٥٠ و انظر كتاب «انديشه ترقي» لفريدون آدميّت ص٣٤٣ و كتاب الدكتور عبدالهادي الحائري الأخير.

«تاريخ الري» ٢٥٤. لأبي‌الحسن بن بابويه نقل عنه بهذا العنوان ابنُ حجر في «لسان الميزان» تراجمَ جمعٍ من الأعيان، منها ما في ج١ ص٨ - ١٣٦.

«تاريخ سامراء» ٢٥٥: ٩٥١. الموسوم بمآثر الكبراء. يأتي بهذا العنوان أيضاً في ج١٩: ٦.

«تاريخ سلطاني» ٢٥٨. راجع «مجلّه وحيد. العدد المسلسل ١٩٧».

«تاريخ سيستان» ص ٢٥٩ رقم ٩٦٣: و طبع سنة «...» بتصحيحه و تحشيته و كتب له مقدّمة نافعه.

«تاريخ شاهنشاه پهلوى» ص ٢٥٩ رقم ٩٦٧: انظر ما مرّ بعنوان [تاريخ پهلوى ٢٤٢: س٥].

«تاريخ الصفويّة» ٢٦١. للشيخ علي حزين اللاهيجي كما عبّر عنه في الذريعة ٩: ٢٣٥ س١٨ و هو الآتي باسم «سوانح عمري» في (ج١٢: ٢٥٤).

«تاريخ طبرستان» ص ٢٦٢ رقم ٩٨١: راجع لتصحيح المتن و تكميل مطالبها النسخة المطبوعة للتاريخ سنة ١٣٦٠ في طهران و مقدّمتها لعباس إقبال و لنا عليها بعض القيود و راجع لوصف نسخها المخطوطة و نسخ ساير التواريخ الفارسيّة «فهرست نسخه‌هاى خطى فارسى لأحمد منزوي ج٦».

«تاريخ عالم‌آراء العباسي» ص ٢٦٣ رقم ٩٨٧ س٢١، أو سنة **١٣١٤**: بل في كلتا السنتين تدريجاً و تاريخ إتمامه سنة ١٣١٤.

«تاريخ العلماء» ص ٢٦٥ رقم ٩٩٣: يراجع «دمع ذروف ٨: ٢٦٤: ١١١٤» و مكارم الآثار ٧: رقم ١٥٥٣.

«تاريخ العلماء» ٢٦٥: ٩٩٤: ١٠. قوله «النزهة الإثنى عشريّة». أقول قد بيّنّا فيما سلف من الكلام حول «بدر الدجى» أنّ هذا هو الاسم التاريخي لذلك الكتاب الجليل و صوابه هكذا: «نُزهه إثنا عشريّه». فالعنوان تركيب فارسيّ الشكل و إن كانت الأجزاء بالعربيّة. و الكتاب أيضاً بالفارسيّة.

«تاريخ علماء البحرين» ٢٦٦: ٩٩٥. ينقل عنه في «أنوار البدرين» المطبوع في النجف الأشرف و راجع «لؤلؤة البحرين: هامش ص٨ ط النجف».

«تاريخ غازاني»ص ٢٦٩ رقم ١٠٠٤: قوله في آخر العنوان: ٢٧١: ٤: كما أنّ جملة من الأصحاب الخ. أقول يا ليته ذكر أسماء مشاهير هذه الجملة من الأصحاب على الأقلّ. و راجع ما نذكره إن شاء الله حول «وصيّتنامه رشيديّ» المذكور في (ج٢٥: ١٠٨) بهامش «الوقفيّة الرشيدية» في ج٢٥: ١٤٠.

«تاريخ فارس‌نامه» ص ٢٧١ رقم ١٠٠٦: أقول يأتي ذكره أيضاً بعنوان [فارسنامه ناصرى ١٦: ٩٤: ٥٢] فراجعه و ترجمة الرجل في «مكارم الآثار ٤: ١٠٤٣» و «دانشمندان و سخنسرايان فارس ٢: ٢٥١».

«تاريخ القرآن» ٢٧٥: ١٠١٩. أقول توفّى مؤلّفه الشيخ أبوعبدالله الزنجانيُّ في يوم الخميس السّابع من جماديالآخرة عام ١٣٦٠ في بلدة زنجان و كانت ولادته في ربيعالأوّل سنة ١٣٠٩ كما في مقدّمة كتابه «زندگانى محمّد صلىالله عليه و آله» المطبوع للمرّة السادسة في تبريز. و يا ليته لم يقلّد نولدكه المستشرق في تسمية كتابه بهذا الاسم و كان الأحسن أن يسمّيه بما لايمسّ كرامة القرآن العظيم كما لايخفى على متدرّب.

«تاريخ قصص الخاقان» ٢٧٥: ١٠٢١. راجع «قصص الخاقاني» في (ج١٧: ١٠٦).

«تاريخ قم» ٢٧٦: ١٠٢٥: ١٠. قوله «المنهاج الصفوي». أقول هو كتابٌ في فضائل و مناقب السادة الأشراف كما في خاتمة المستدرك: ٣٦٩. و يأتي في كلام شيخنا المصنّف طاب مضجعه إلى ص٢٧٨ ما يفيد في المقام و يأتي المنهاج الصفوي في (ج٢٣: ١٦٣) و لم يذكر له نسخةً و كذا لم يذكر في فهرس أحمد و بحثنا حول الكتاب و حول تاريخ قم في بعض رسائلنا و مقالاتنا و في تعليقة لنا على نسختنا من فضائل السّادات (ص٣٦٢ ط ١) و ليتأمّل في نصّ كلام المير محمّد أشرف هناك، و يراجع أيضاً «جنّة المأوى: الحكاية ٨» للمحدّث النوري و كتابنا «فهرست كتب خطى ١: ١٦٤» و الله سبحانه الموفّق المعين.

في مقدّمة «فهرست نسخ خطى كتابخانه آستانه مقدّسة قم» بحث طويل جامع الأطراف حول كتاب تاريخ مدينة قم و نسخها الموجودة ينبغي الرجوع إليه.

«**تاريخ قم**» ص ٢٧٧ رقم ١٠٢٧: يراجع «كتابشناسى آثار مربوط به قم» للسيّد المدرّسي الطباطبائي.

ص ٢٧٨ س١٣، **في خاتمه المستدرك**: ص٣٦٩؛ و في فضائل السادات ص٣٦٢ للسيّد محمّد أشرف بن عبدالحسين بن أحمد بن زين‌العابدين المذكور في المتن ما نصّه «از آن جمله حكايتى است كه در تاريخ مدينة المؤمنين قم كه از حسن بن محمّد قمى است باين عبارت وارد است [رويت عن مشايخ قم انّ الحسين بن] إلى آخر ثلثة عشر سطراً نقلها بالعربية فقال بعدها [و آنچه در بعضى تواريخ فارسى مدينة المؤمنين مرقوم بنظر رسيد در بيان اين روايت كه ترجمه بعنوان اجمال و دليل تداول و شهرت اين مقال مى‌تواند شد باين مضمون است كه در زمان امام حسن عسكرى صلوات الله و سلامه عليه سيّدى بود مسمّى بسيّد حسين] الخ يراجع ج١ من كتابنا «**فهرست كتب خطى** ص١٦٤» و يراجع «جنّة المأوى» الحكاية الثامنة. للمحدّث النوري ره.

«**تاريخ القاضي قوام الملك الأبرقوهي**» ٢٧٩: ١٠٣١: ١٥. قوله «ينقل عنه في تاريخ نگارستان» أقول يأتي في النون و هو للغفاري. و ينقل عن تاريخ القاضي أيضاً شيخنا البهائي في «الكشكول. ج٤» بعنوان «تاريخ قوام الملكي» و يظهر من نقل الشيخ أنّ الكتاب مرتّب على حوادث السنين. انظر «الكشكول ٢: ٣٣٠ ط قم».

«**تاريخ كربلا**» ص ٢٨٠ رقم ١٠٣٦: طبع عام ١٣٤٩ كما جاء في ترجمة مؤلّفه بقلم المرحوم السيّد صالح الشهرستاني المطبوعة في «أعيان الشيعة ٥٠: ١٢٤ - ١٢٥» و استدرك في «ج٥٦: ٤٤» انّ وفاة الرجل في ١٢ شوال ١٣٨٠ و ولادته في كربلاء سنة ١٢٩٩ و مؤلّفاته الكثيرة موجودة عند ولده السيّد عبدالصالح حفظه المولى.

«**تاريخ مختصر الدول**» ٢٨٦. مؤلّفه ابن العبري اليسوعي أبوالفرج گريگوريوس بن أهرون الملطي المسيحي المتوفّى بمراغة سنة ٦٨٤ و عمره يناهز الستّين. هذا التاريخ و إن لم يكن للشيعة و لكنّه مهمّ جدّاً حيث إنّ مؤلّفه معاصر للمحقّق نصيرالدين محمّد الطوسي أنار الله برهانه، فذكر وقايع زمانه و قبله و أورد فيه ترجمةَ جماعة من الأفاضل و ذكر فيه أسماء طائفة كبيرة من كتب الحكماء الأقدمين و مقالاتهم و استفاد فيه من غرر أخبارهم و آثارهم، فيحسن الرجوع إلى هذا التاريخ مع ملاحظة ما ذكره الشيخ

العلاّمة الأمينيُّ نوّر الله مضجعه في كتاب «الغدير في الكتاب و السنّة و الأدب ٦: ٢٩٩» و أيضاً ما ذكره صاحب المقدّمة لكتاب «التاريخ المنصوري: ٢٤ ط دمشق».

«**تاريخ مِلل شرق و يونان**» ٣: ٢٨٨: ١٠٦٣. مؤلّفه عبدالحسين بن وثوق الخلوة محمّد، وُلد في حدود ١٣٢٢ و قتل في حفلة عزاء سيّد الشهداء صلوات الله و سلامه عليه في مسجد سپهسالار بطهران في يوم الجمعة ١٢ محرّم الحرام ١٣٦٩ و دفن يوم السّبت بعدها بجوار مزار سيّدنا عبدالعظيم الحسني عليه‌السّلام. ثمّ صُلب قاتله بعد أيّام في ليلة ١٧ من المحرّم. و هژير بالضم و الفتح بمعنى الداهية و غيرها. و طبع له أيضاً «پطرزبورغ تا قسطنطنية» و «تاريخ قرون وسطى» و «حافظ تشريح». و له ترجمة في «المؤلّفين للمشار ٣: ٧٦٤» و «تاريخ بامداد ٢: ٢٥٨» و «مكارم الآثار» و غيرها.

«**تاريخ ملوك الأرض**» ٢٨٨: ١٠٦٥. طبع في برلين باسم «تاريخ سِني ملوك الأرض و الأنبياء» و راجع «أعيان الشيعة ٢٨: ١٤٠- ١٤١».

«**تاريخ ملوك الكلام**» ٢٨٨: ١٠٦٦. راجع «كلام الملوك» في الكاف و «ملوك الكلام» في الميم.

بسم‌الله الرحمن الرحيم

سرحت النظر في هذه التعاليق القيّمة و الحواشي الثمينة لسيّدنا الأُستاذ المحقّق البحّاثة فقرّت العين و سرّ القلب و دعوت له بالتوفيق و التأييد و العون و التسديد لا زال راشداً مسدّداً و ابتهل إلى الله أن يمدّ في عونه و يأخذ بناصره في إكمال هذا المجهود الثقافي العظيم فلايقوم به إلاّ هذا العملاق فإنّه فارس ميدانه وفّقه الله لإنجازه و كان ذلك في ١٤ ربيع‌الثاني سنة ١٤٠٦ عبدالعزيز الطباطبائي.

﴿**تاريخ نضر بن مزاحم الكوفي**﴾ ص ٢٩١: انظر (صفين ١٥: ٥٢: ٣٤٤).

«**تاريخ نسف و كش**» ص ٢٩١ رقم ١٠٧٦: راجعه ما نذكره حول طبّ النبيّ في (ج١٥: ١٤٤: ٩٥٩).

«**تاريخ وصاف الحضرة**» ص ٢٩٤: يأتي في ص٣٥٨ رقم ١٢٨٨.

«تاريخ وقايع الأيام و السنين» ص ٢٩٥ رقم ١٠٩٣: يأتي في حرف الواو فراجعه.

«تأليف المحبة» ص ٣٠٠ رقم ١١١٨ س ٤، **الرياض:** و توجد نسخته عندنا برقم ٥٩١٥.

«التأمليات» ص ٣٠١ رقم ١١٢٢: يراجع مكارم الآثار (رقمي ٦٩٤ و ١٤١٣).

«تأويل الآيات» ص ٣٠٣ رقم ١١٢٧: طبع التأويلات بالهند و القاهرة و لكن اشتبه عليهم الأمر فنسبوه إلى ابن العربيّ فلاتغفل. و يأتي لعبدالرزّاق «شرح منازل السائرين» في ج١٤: ٨٨: ١٨٤٨. و ليراجع مستدرك السفينه ٣: ١٨١.

﴿تأييد النبوة و تسديد الإمامة﴾ ص ٣٠٩: تأليف يونس بن عبدالرحمن قمي، ذكره الشيخ عبدالجليل في كتابه النقض ص٢٧٠.

«التبديل و التحريف» ص ٣١١ رقم ١١٥١: انظر ما يأتي في (ص٣٩٤: ١٤١٥ فما بعدها) و (ج١٦: ٢٣١: ٩١٢).

«التبر المذاب» ص ٣١٢ رقم ١١٥٢: أقول انظر له «تذكرة الشعراء المعاصرين ٤: ٣٧: ١٣٦» و هو غير كتاب [التبر المذاب في بيان ترتيب الأصحاب] للسيّد أحمد بن محمّد الحافي الحسيني نسباً الشافعي مذهباً الذي نقل عنه الشهيد الحاج ملا محمّدتقى بن محمّد البرغاني القزويني المستشهد في محراب مسجده الجامع الصغير بقزوين سنة ١٢٦٣ في كتابه النفيس [مجالس المتقين ق٦١ ط ١٢٧٠] الذي ألّفه سنة ١٢٥٨ قال [و أمّا الثاني في كتب العامّة منها التبر المذاب لأحمد الشافعي] انتهى و نقل عنه أيضاً جدّنا الإمام قدّس الله روحه في ترجمة محمّد بن إدريس الشافعي في «روضات الجنّات» و في «فهرس المرعشيّة بقم ١٩ رقم ٧٣٣٠ التعريف بنسخة من «التبر المذاب» في مناقب المعصومين عليهم‌السلام من طريق المخالفين و أنسابهم و تواريخهم في ٧١ ورقة لم يذكر مؤلّفه أمّا تاريخ كتابة النسخة فسنة ١٣١٦ق. كانت أيضاً نسخة من كتاب الحافي عند الحاج ملا على الواعظ الخياباني التبريزي كما ذكره في مجلّد الصيام من كتابه «وقايع الأيّام: ٦٥٢ ط ١».

ص ٣١٢ س٤، **محمّدصادق:** انظر (زندگى‌نامه علامه مجلسى ٢: ٤٢).

﴿التبصرة في معرفة المذهبين الشافعية و الإمامية﴾ ص ٣١٤: للشيخ أسعد بن أبي‌روح المذكور في لسان الميزان ج١ ص٣٨٦ و له كتب آخر فراجع.

﴿التبصرة﴾ أو ﴿تبصرة الفقهاء﴾ ص ٣١٤: انظر «الفقه الاستدلالي» في ج١٦: ٢٨٣: ١٢٢٨.

﴿تبصرة الحكماء﴾ ص ٣١٧: للقطب الذهبي المشرب النيرزي صاحب «ديوان قطب الذهبي ٩: ٨٨٤: ٥٨٧٣» ذكره في «مرآة الكتب ٢: ١١٧» و نقل عنه في (ص١٩٥ ما قيّدناه بهامش «حديقة الشيعة ٦: ٣٨٥: ٢٤٠٨» فراجعه.

﴿تبصرة الطالبين﴾ ص ٣١٨: للميرزا محمّد بن سلطان محمّد الناعت لنفسه بالمحقّق الأردبيلي الصوفي له أيضاً في التصوف (تذكرة الذاكرين) يراجع كتاب «خاكسار و اهل حق ص١٩٣ ط ٢».

«تبصرة العوام» ص ٣١٨ رقم ١١٧٧: لزاماً يراجع ما ذكره ولد المصنّف فيها يأتي بعنوان «نزهة الكرام و بستان العوام ٢٤: ١٢٣: ٦٢٤».

قال المولى محمّدطاهر القمي المتوفّى ١٠٩٨ في كتابه (تحفة الأخيار ص١١٨) ما لفظه «و سيّد اجل اعظم ابوتراب مرتضى بن الداعي الحسيني الرازي عليه الرحمة كه از اكابر فضلاى شيعه اماميه است در كتاب تبصرة العوام» الخ. و اعترض عليه الجاهل الغبي محمّد مؤمن التنكابني المتطبّب صاحب الطب المعروف بتحفة حكيم مؤمن الذي كان من أشدّ أعداء الفقهاء و المجتهدين و من المتصوّفة الملحدين المتطفلين على مائدة الحكّام و السلاطين في حاشية له على كتابه السخيف المسمّى ضدّاً «تبصرة المؤمنين» و هذا عين عبارته قال «عجب‌تر آنكه تبصرة العوام را نسبت به جناب مير مرتضى علم الهدى به جهت قبول عوام داده و حال آنكه جناب سيّد السادات فارسى ظاهراً نمى‌فهميده‌اند چه جاى آنكه به فارسي كنند». انتهى كلامه الكاشف عن خرافته و عداوته متوهّماً أو موهماً أنّ المولى محمّدطاهر يريد بالرجل السيّد المرتضى علم الهدى البغدادي صاحب الشافي و الأمالي قدّس الله روحه مع أنّه صرّح بنسبة الرجل إلى الري و لكن حبّ الشيء يعمى و يصمّ و الله تعالى العاصم. لتبصرة العوام راجع «فهرست دانشگاه ج١٥: ٤٠٩٧: ٥٠٥١».

ص ٣١٩ س٢١، (مناهج اليقين): انظر «مناهج اليقين» في ج٢٢: ص٣٥١ رقم ٧٤٠١.

«تبصرة المتعلمين» ص ٣٢١ رقم ١١٨٠: أقول رأيت في ظهر نسخة من كتاب

الشرايع ما لفظه «اعلم أنّ تبصرة الأحكام أربعة آلاف مسئلة» الخ.

«**تبصرة المؤمنين**» ص ٣٢٥ رقم ١١٨٨: و يأتي ذكره في ص٤٠٢ س٢٠ في هذا الجزء أيضاً. و يراجع ما كتبناه في هامش ص٤١٧.

و نسخة في مجموعة اكتتبها عباسعلي درويش النعمة اللهي الصوفي الكرماني في ١٢١٥ كانت عند الميرزا طاهر التنكابني فانتقلت بعد وفاته إلى مكتبة مجلس طهران كما في فهرسها (١٠: ٤: ٢٠١٠ - ٢٠١١) و نسخته القديمة عندنا.

«**التبيان**» ص ٣٢٨ رقم ١١٩٧: أقول راجع ما ذكره شيخنا المصنّف طاب مضجعه بعنوان «تفسير التبيان ٤: ٢٦٦» و انظر وصف نسخة عزيزة من الكتاب أيضاً في «الثقات العيون: ٢٩١» و انظر «مختصر التبيان ٢٠: ١٨٤: ٢٥٠٤» و ذكر جدّنا الإمام الأفقه الأصلح آية الله العظمى السيّد محمّدهاشم شقيق الإمام المجدد آية الله العظمى السيّد محمّدباقر صاحب الروضات الإصفهانيّين رضوان الله عليهما في كتاب النكاح من أجوبة مسائله أنّ التبيان آخر مصنّفات شيخ الطائفة الطوسي قدّس الله روحه.

«**تبيين المحجة**» ص ٣٣٤ رقم ١٢١٤ س١٠، محسن: (مذكور في رجال آذربايجان ص١٠٥).

«**تتميم الافصاح**» ص ٣٣٦ رقم ١٢٢١: أقول لمّا كان هذا الكتاب من أنفس آثار هذا الباب و حصل لدنيا ثلث صفحات من أوّله بخط أحد أجدادنا الأعلام الحاج مير سيّد محمّد شقيق آية الله العظمى الإمام صاحب روضات الجنّات أعلى الله تعالى مقاماتهما رأيت إلحاق تلك الصفحات الثلاث بهذه التكملة لمكان التتميم من الأهمّية التامّة و الصفحات تصوير خط الجدّ المبرور بعينه فلاحظ و اغتنم و تدبّر فيها[1].

«**تتميم أمل الآمل**» ص ٣٣٧ رقم ١٢٢٢ س ٥، حسين: في ص ١٩٩ من الطبعة الثانية للروضات و ما نقله في الروضات توجد في حواشي نسخة موجودة عندنا و كلّها متناً و هامشاً بخط جدّنا الإمام العلاّمة المجدّد آية الله العظمى سيّد ميرزا محمّدباقر الموسوي الإصفهاني صاحب الروضات نقلاً عن نسخة الآمل التي استكتبها أخوه الأكبر منه سنّاً

---

١. ظاهراً در هنگام چاپ، قصد الحاق داشته‌اند. ب

السيّد محمّدجواد و هو عن خط الأمير محمّدإبراهيم القزويني صاحب الحاشية كما ذكرناه بهامش موضعه «أمل الآمل ٢: ٣٥٠: ١٤٠٠» و الأمير محمّد معصوم والد المحشّي من المترجمين في أمل الآمل رحمة الله عليهم أجمعين.

«**تتميم أمل الآمل**» رقم ١٢٢٤ - ص ٣٣٨ س٩، **الظاهر: أقول** هذا الاستظهار كقوله في «الكرام البررة ٧٩٩» في غير محلّه بل نسخة المحدّث النوري عين نسخة شيخه المذكور كما صرّح به في خاتمة مستدركه ص٣٨٦ في السطرين الأخيرين و نظنّ أنّ المحدّث النوري استعارها من شيخه المذكور و هي اليوم عند السيّد هاشم بحرالعلوم في النجف الأشرف كما يأتي في (ج٢٠: ٦٠) و قد مرّ ذكر هذه المجموعة في [كتاب الإجازات ١: ١٢٦: ٦٠٥] و [كتاب الإجازات ١: ١٣٠: ٦١٧] و يأتي في [لؤلؤة البحرين ١٨: ٣٧٩: ٥٣٦] و في [مجموعة الإجازات الكبيرة ٢٠: ٦٠: ١٩٠١] و ترى وصف الكتاب و مؤلّفه أيضاً في مفتتح كتاب الفيض القدس للمحدّث النوري.

ص ٣٣٨ س ٢١، **مناط الترتيب**: و هذا من اعوجاج السليقة.

ص ٣٣٩ س٥، **النجف**: انظر في ج١ ص١٢٦ كتاب الإجازات و ج١٨ ص٣٨٠ /٣٧٩ و ج٢٠: ٢٦٣ س١.

«**تتميم أمل الآمل**» ص ٣٣٩ رقم ١٢٢٥: **أقول** نقل عنه في [أعيان الشيعة] بعنوان [تتمّة أمل الآمل] منه في ترجمة [أحمد بن عبدالله البلادي ٩: ١٧].

«**تتميم الجامع العباسي**» ص ٣٤٠ رقم ١٢٢٨: ليراجع ج٥ من الذريعة في ذيل الجامع العباسي.

«**تثبيت المعجزات**» رقم ١٢٤٢ — ص ٣٤٦ س١، **الشيخ عبدالوهاب**:/ الشيخ حسين بن عبدالوهاب. صحيح اينطور است.

«**تجارب الأمم**» ص ٣٤٧ رقم ١٢٥٢: يراجع مقالة [مسكويه و كتاب تجارب الأُمم] بقلم محمّد جاودان بالفارسية في مجلّة [كيهان فرهنگى - رقم التسلسل ٤٩] الصادرة في طهران في شهر شعبان المعظم ١٤٠٨ (فروردين ٦٧ش) ص١٥ - ١٨ فإنّها نافعة من حيث الدلالة على مآخذ التجارب و مباحث أُخرى حول الكتاب و محقّقيه.

«**تجارب السلف**» ص ٣٤٨ رقم ١٢٥٤: **أقول** اعلم أوّلا أنّ «تجارب السلف» هذا

مؤلّفه من العامّة بل من متعصّبيهم فلايجوز عدّ كتابه في مؤلّفات الشيعة و ثانياً ليس الكتاب ترجمة للفخري المطبوع بل هو كما يأتي في [منية الفضلاء ٢٣: ٢٠٦: ٨٦٥] ترجمة للمنية هذه المفقودة نسختها بعد عصر الترجمة و قد صدرت الترجمة أعني التحارب في ٧١٤ كما بيّناه في مقدّمتنا للكتاب طبعة إصفهان سنة ١٤٠٢ في ٤٠٠ص و مقدّمتنا في ١٦ صفحة و طبعتنا هذه للتحارب بالاوفست عن النسخة القديمة الوحيدة المنحصرة المورّخة سنة ٨٤٦ الموجودة في إصفهان و سائر النسخ كلّها جديدة استكتبت عن هذه النسخة في النصف الثاني من القرن ١٣ و بعضها أساس طبعة الأُستاذ عباس إقبال و كلّ هذه النسخ محرّفة مغلوطة فالمعتمد نسخة إصفهان فقط. و لم يظهر لحدّ الآن نسخة أُخرى قديمة و الله العالم.

«**تجربة الأحرار**» ص ٣٤٩ رقم ١٢٦١: و قال في ج١٢ ص١٢٠ [و في تجربة الأحرار في علماء قزوين المولى إسمعيل الخاجوي ...] ثم نقل عنه ترجمته و كذا ذكره أيضاً في (ج٤٥ ص٣٢١ و ٣٢٦) و الله العالم.

«**تجريد البلاغة**» ص ٣٥٢ رقم ١٢٧٥: أقول طبع تجريد البلاغة هذا في سنة ١٤٠١ (١٩٨١م) في القاهرة (دارالشروق) بتحقيق الدكتور عبدالقادرحسين كما في [مجلة معهد المخطوطات العربية ٣١: ١: ٢٧٢].

«**تجريد الكلام**» ص ٣٥٢ رقم ١٢٧٨: للتجريد هذا انظر كتاب (احوال و آثار خواجه نصير ٤٢٢ فما ٤ بعدها ط ٢ للسيّد محمّدتقى مدرس رضوى و هناك تفصيل في شروحه) و أيضاً انظر كتاب (مولوى نامه ٢: ٩٧٩ للهمائى) و يأتي ذكر شروح التجريد في (ج١٣: ١٣٨ فما بعدها) و من الشروح (علاقة التجريد) و (نهاية التجريد) المذكورين في موضعيهما و غيرهما.

ص٣٥٣ س٢٢، **قال في أوله**: أقول ليس في أوّل نسختنا القديمة من هذا الشرح القديم شيء من هذه المطالب بل ليس فيها ذكر لشرح العلاّمة الحلّي ره و لا لغيره و الله العالم. (بايد در مقدمه قوشچى نگاه كنيم و كذا در فهارس دانش‌پژوه و غيره و كتب راجع به خواجه). نسخة من هذا الشرح مذكورة في «نسخه‌هاى خطى دفتر ٧ ص١٢١ نشريه كتابخانه مركزى دانشگاه تهران».

قال الإصفهاني المذكور في مقدّمة شرحه: (فأشار إليّ من طاعته فرض يجب عليّ أدائه إلى أن قال (و انّبه على ما ورد عليه من الاعتراضات و اشير إلى أجوبة ما أورد فيه من الشبهات خصوصاً على مباحث الإمامة فإنّها قد عدل فيها عن سمت الاستقامة الخ) و قد ظلم في حقّ نفسه هذا الرجل أعني شمس‌الدين محمود بعلّة تعصّبه و عماه في مذهبه الباطل و قد تجاوز عن طريق الحق تجاوزاً مخوفاً و تهاوراً [...] كما لايخفى على البصير الذي طالع هذا الكتاب على الخصوص في مباحث الإمامة و الخلافة و ليس لقابل المقايسة مع الفاضل القوشجي و إن كان هو أيضاً في التعصّب لكنّه ذكر في شرحه أخباراً كثيرة متواتره من كتبهم في أدّلة الإمامة و الأئمّة و لكنّه يوجّها بالأباطيل و لم يكلّف نفسه باستخراج المزخرفات و الأقاويل كما فعله شمس‌الدين من ذكر توجيهات قبيحه و تأويلات شنيعة في الأخبار الواردة عن النبيّ(ص) في الإمامة عليك بمطالعة هذه الشروح كلّها حتّى يبيّن لك طريق الحقّ و كثيراً اقرا شرح العلاّمة الحلّي رحمه الله و شرح المولى أمير سيّد أشرف الحسيني ره.

ص ٣٥٤ س٩، **القوشجي**: انظر (ج٦ ص١١٣).

ص ٣٥٥ س١٣، **يوم الخميس**: أقول و في هذا اليوم بعينه توفّى العلاّمة البارع السيّد حيدر ابن خالنا الإمام السيّد اسماعيل الصدر قدّس الله روحيهما في الكاظمية على مشرفها السلام عن نحو ٤٧ سنة من العمر كما في ترجمته في [النقباء ٦٨٣] و كانت ولادة والدنا العلاّمة الحجّة جامع المعقول و المنقول المجتهد البارع في الفروع و الأُصول آية الله الباهرة سيّدنا السيّد ميرزا محمّدهاشم الروضاتي عطر الله مرقده في يوم الجمعة منتصف المحرّم سنة ١٣١٩ بإصفهان كما ذكرناه عند ترجمته في كتابنا [زندگانى آية الله چهارسوقى ١٠٥ – ١١١].

«**تجزئة الأمصار**» ص ٣٥٨ رقم ١٢٨٨: قال في كتاب زنبيل ص٢٠٩ «نسب مؤلف كتاب وصّاف كه در رساله نرد و شطرنج ذكر كرده: عبدالله بن فضل‌الله بن أبي‌نعيم بن روزبه الشيرازي» انتهى و ليراجع كتاب «طبقات ناصرى ٢: ٣٥٨» و مقدّمة جلال‌الدين همايي لكتاب «الفصول الفخريه: ٦ فما بعدها» و انظر ما يأتي في «وصاف الحضرة ٢٥: ٩٤».

«**تجويد القرآن**» ص۳٦١: **أقول يأتي من هذا القبيل عدّة كتب في القرآات** (ج۱۷: ٥٢ - ٥٩) كما يأتي أيضاً عدّة كتب بعنوان المفردة في (ج۲۱: ۳٦٥ - ۳٦٨).

«**تجويد القرآن**» ص ۳٦٤ رقم ۱۳۱۷ س۱۸، **الآتي**: يراجع (**اللؤلؤيّة** ج۱۸ ص۳۷۷).

«**تحت راية الحقّ**» ص ۳۷٥ رقم ۱۳٦۳ س ۱۲، **بصيدا ۱۳٥۱**: انظر ج۷ ص۱۱٤ من الذريعة.

«**التحرير**» ص ۳۷۷ رقم ۱۳۷۲: أقول راجع (الشك و السهو و التلافي و الجبران) في (ج۱۲: ۲۱۳: ۲۲٤٤) و (مسئلة في الاعتكاف) في ج۲۰: ۳۸۳: ۳٥٤۸.

«**التحرير**» ص ۳۷۷ رقم ۱۳۷۳: مثل «القامعة للبدعة» قال في أواخرها «كما بيّناه في عدّة من كتبنا و ثلّة من زبرنا كما في رسالة التحرير في مسائل الديباج و الحرير.

«**تحرير الأحكام الشرعية**» ص ۳۸۷ رقم ۱۳۷٥: هو الفتّاح؛ رأيت حوالي عام ۱۳۷۰ على ظهر نسخة مخطوطة من كتاب الشرايع عدد مسائل عدّة من كتب الفقه و منه ما قال «تحرير الأحكام مائة ألف مسئلة و ستّون ألف مسئلة» انتهى و الله العالم.

ص ۳۷۹ س ۲، و **حكى**: أقول جعل المصنّف الكتاب في أربعة أجزاء و رأيت في آخر نسخة السيّد العلاّمة حسين بن مساعد الحسيني صاحب «تحفة الأبرار ٤۰٥: ۱٤٥٤» و المذكور في [إحياء الداثر ۷۲ - ۳] و تفصيل القول في حقّه في كتابنا (شرح روضات الجنّات) التي استنسخها عبدعلى بن علاءالدين بن عبدالرحمن النصري سنة ۸٥٤ هكذا (فرغت من تسويده في ثامن شوال سنة سبع و تسعين و ستمائة و كتب حسن بن يوسف مطهّر (كذا) مصنّف الكتاب و الحمد لله) و في آخر جزئه الثالث «تمّ الجزء الثالث من كتاب التحرير و يتلوه في الرابع بعون الله تعالى و منّه كتاب الميراث و كتب حسن بن يوسف بن مطهّر مصنّف الكتاب في صفر ختم بالخير سنة سبع و تسعين و ستمائة و الحمد لله».

«**تحرير أكر ثاوذوسيوس**» ص ۳۸۳ رقم ۱۳۸۳: مفتتح نسخة من كتاب الأكر استنسخت حوالى عام ۱۰۷٤ ما نصّه (بسم. الحمد (إلى قوله) على محمّد و آله و صحبه أجمين كتاب الأكر لثاوذوسيوس و هو ثلث مقالات و تسعة و خمسون شكلا و في بعض النسخ بنقصان شكل في العدد و قد أمر بنقله من اليونانية إلى العربية أبوالعباس

أحمد بن المعتصم بالله و تولّى نقله قُسطا بن لوقا البعلبكي إلى الشكل الخامس من المقالة الثالثه ثم تولّى نقل باقيه غيره و أصلحه ثابت بن قرة الحرانى المقالة الأُولى اثنان و عشرون شكلاً) و النسخة في كتب السيّد مصطفى الحسيني.

«تحرير الطاووسي» ص ٣٨٥ رقم ١٣٩٠: لصديقنا المرحوم العلاّمة السيّد محمّدصادق البحرالعلوم النجفي كلمة حول «التحرير الطاووسي» في تعليقته على «رجال السيّد بحرالعلوم ١: ٣٠٤ - ٣٠٦».

«تحرير القواعد الكلامية» ص ٣٨٧ رقم ١٣٩٤: عندنا منه نسخة كتبها محمّدتقى بن محمّدحسن الخوانساري الإصفهاني ١٢٨٤ بأمر السيّد الجليل الحاج ميرزا عبدالغفار الحسيني التويسركانى الإصفهاني و فيها حواشي المؤلّف بخط السيّد و فيها اسم والد المولف (ملاّ مير) و معها نسخة (الفوائد في فضائل السادات) للفاضل الخواجوئى و نذكره في محلّه و هي بخط السيّد المذكور و هو من أصدقاء جدّنا الإمام المجدد صاحب الروضات أعلى الله تعالى مقامهما.

«تحرير القواعد المنطقية» ص ٣٨٨ رقم ١٣٩٥: نقول اولاً لم نجد في تأليفات القطب الرازي الكثيرة دليلاً على تشيعه مطلقا بل في تأليفاته و تأليفات غيره ما يدل على خلافه يمكن ان نشير إلى بعضها في هامش ما يأتي من وصف كتبه «الحواشي القطبية ٧: ١٠٢ س٢١» و (لوامع الاسرار ١٨: ٣٥٩: ٤٧٢) و (المحاكمات ٢٠: ١٣٢: ٢٢٥٧) و مر ذكر إجازته من العلاّمة الحلى قدّس الله تعالى روحه (ج١: ١٧٧: ٩٠٧) و لم نجد إجازته للشهيد الأوّل طاب مثواه و ثانياً في اسم صاحب الشمسية اختلاف في المصادر هل هو علي أو عمر كما ان في اسم الشارح أيضاً اختلاف هل هو محمّد أم محمود و ليس هنا محلّ البحث و ثالثاً ما ذكره شيخنا العلاّمة انه فرغ من الشرح في اوائل ج٢ سنة ٧٩٢ فلايخفى انه لايوجد بين اظهرنا لهذا التاريخ مصدر سوى ما نقله مؤلف [فهرست كتابخانه آستان قدس رضوى بمشهد خراسان ١: ٣٤] عن خاتمة نسخة من الكتاب رقمها في المكتبة (١١٩) و الله العالم بمبلغ اعتبارها و امّا غير هذه النسخة من النسخ المخطوطة فوق حدّ الاحصاء منها ما ذكر في [فهرس مخطوطات دارالكتب الظاهريه - الفلسفة و المنطق و آداب البحث] و غيرها و منها النسخ المطبوعة الكثيرة فلايوجد في

شيء منها تاريخ التاليف و الله العالم و يأتي تتمة الكلام حول هذا الكتاب عند ذكره مرة اُخرى في «شرح الشمسيّة ١٣: ٣٣٧» و صلى الله على سيّدنا محمّد و آله الطاهرين في ليلة ٢٣ شهر صيام ١٤٠٦.

«تحرير المجسطي» ص ٣٩٠ رقم ١٤٠٢:[٢]

عنوان كتاب در روی ورق اوّل نسخه ابتياعی حقير از كتابخانه مسجدشاهی

هذا صورة خط المحرّر طاب ثراه

نقلت من خطّه

تحرير المجسطي

حرّره احوج خلق الله إليه محمد بن محمد بن الحسن الطوسي

خاتمه نسخه

و أقول و اذ وفقني الله تعالى أيضاً لاتمام ما قصدته و انجاز ما وعدته فلاقطع الكلام حامداً له على الائه و مصليا على جميع اوليائه خصوصا على خاتم انبيائه و البررة من آله و احبائه. نقلت هذه النسخة من النسخة التي كانت بخط المصنّف قدّس سرّه و قد وقع الفراغ منه في خامس شهر صفر ختم بالخير و الظفر من شهور سنة الف و عشرين هجرية و كاتبه العبد محمّد مؤمن الإصفهاني. قد تشرف بمطالعة هذا الكتاب الشريف و قرائته صاحبه الفقير إلى الله الغني ابوجعفر كافي بن محتشم بن عميد بن محمّد بن شاهنشاه القايني ختم الله له بالحسني باطيب البلاد و اعظمها و اشرفها و هو إصفهان جعله الله مملوا بخيرات حسان سنة سبعة و عشرين بعد الالف ...

قال ارسطو فوت الحاجة خير من طلبها إلى غير اهلها.

---

٢. علامه روضاتی - همانگونه كه در سطر بعدی خواهد آمد - نسخه‌ای از تحرير المجسطي را در اختيار دارند كه از روی نسخهٔ خط مؤلف استنساخ شده است. برای اينكه تصوير و حال و هوای آن در مقابل ديدگان خواننده قرار گيرد، يک برگ را در نسخه چاپی الذريعه قرار داده‌اند كه روی آن را عنوان كتاب و خاتمه، و پشت آن را آغاز كتاب «تحرير المجسطي» - با همان كيفيت نسخهٔ خطی - بخط خويش استنساخ كرده‌اند. ما نيز سعي كرده، همان وضعيت را حفظ نمائيم. ب

بسمه تعالى شأنه

[مفتتح كتاب تحرير مجسطي للخواجه قدّس سرّه]

بسم‌الله الرحمن الرحيم

أحمد الله مبدأ كلّ مبدأ و غاية كلّ غاية و مفيض كلّ خير و وليّ كلّ هداية و أرجو حسن توفيقه في كلّ بداية و نهاية و اصلّي على عباده المخصوصين بالعناية و الدارية سيّما محمّد و آله الموسومين بالنبوّة و الولاية المنقذين من كلّ عماية و غواية و بعد فقد كنت برهةً من الزمان عازماً على أن أحرّر لنفسي و لساير طلبة العلم من الإخوان كتاب المجسطي المنسوب إلي بطلميوس القلوذي الذي هو الدستور العظيم لأصحاب صناعة الهيئة و التنجيم تحريراً لايفوته مقاصد ذلك الكتاب النظرية و مناهجه العلمية حتّى ترتيب الفصول و أبواب الحساب و رسوم الجداول و أوضاع الأشكال و لايشيوبه شيء خارج منه غير ما يحتاج إلى تقديمه في تيسير عسير أو حلّ إشكال و اُشير إلى بعض ما استنبطه المحدّثون أو ذهب إليه المتأخرون ممّا زادت النظريات به حسناً و بهاءً او نقصت العمليّات منه كدّاً و عناءً بشرط ايثار الايجاز و الاختصار و الاحتراز عن الاسهاب و التكرار و ذلك لأنّي لم اكن اظفر في اختصارات هذا الكتاب على كثرتها بمستجمع لهذه الشروط بجملتها و كانت العوايق شاغلةً ايّاى دونه حايلة بيني و بينه إلى ان استسعدت بلقاء الجناب الرفيع و الأخ العزيز افضل العصر و اوحد الدهر حُسام‌الدين و سيف المناظرين الحسن بن محمّد السّيواسي ادله (أدام ظ م‌ع‌ر) الله فضله و كثر في الافاضل مثله فزادني رغبته في ذلك رغبةً و جدّ و جدُّه لي همّةً فعملت ذلك مع قلّة البضاعة و قصور الباع في الصناعة بحسب ما أعان عليه الوقت و ساعد التوفيق و البخت و نبّهتُ صريحاً على ما هو خارج من أصل الكتاب ممّا اضفت إليه ليحصل الوقوف باسير السّعي عليه و خالفتُ بين اَشكال المتن و غيرها ممّا اوردته بلَون الخطوط و الأرقام ليتمرا [ليتراء ظ م‌ع‌ر] في بادي النظر من غير احتياج إلى زيادة اهتمام و إنّما تكلفت ذلك لكون الكتاب علما بين اهل العلم ينصّون عليه في محاوراتهم و يشيرون إلى مواضع مسايله من الفصول و الاشكال في حوالاتهم ثمّ انّى وسّمته بتحرير المسجطي حين اتممته ... و أقول الكتاب مشتمل على ثلث عشرة مقالة و مائة و أحد و أربعين فصلاً و مائة و ستة و

تسعين شكلا على ما في النسخة التي نقلها اسحق بن حنين و اصلحها ثابت بن قرّة كما سيجيء مفصّلاً.

للمجسطي ثلث نسخ مشهورة إحديها من نقل الحجاج و الثانية من نقل اسحق و قد صحّحها ثابت و الثالثة منسوبة إلي ثابت وحده و موسم الفصول في نسخة الحجاج بالانواع و في نسخة ثابت بالابواب و قد يختلف النسخ في اعدادها و اعداد الاشكال في بعض المقامات منه. نقل من خط المصنّف قدّس سرّه[٣].

ثمّ إنّي رأيت في جمادي الآخر عام ١٣٩٤ نسخة اُخرى من كتاب تحرير المجسطي في كتب مكتبة السيّد الخاتونآبادي وقع الكاتب الغير المعلوم اسمه تاريخ الفراغ من استنساخه في آخره (عصر يوم الاحد الثاني و العشرين من شهر ذيالقعده الحرام سنة ثمانية و عشرين من الهجرة) و اظنه اراد سنة ١٠٢٨ و لمّا رأينا في هذه النسخة ان الكاتب نقل تواريخ عديدة من اصله الذي استكتب عنه بالواسطة أو من دون الواسطة في خاتمة كلّ مقالة من مقالات الكتاب احببنا ايراد تلك التواريخ هنا و إن كان في بعضها خطأ ظاهر فقد قال اولا: (و ليكن هذا آخر كلامنا في تفسير المقالة الاُولي من كتاب تحرير المجسطي و ذلك قبل زوال يوم الجمعة العاشر من شعبان الواقع في شهور سنة تسع و عشرين و سبعمائه) و قال ثانياً: (و ليكن ... و ذلك ليلة الاربعا لثلث عشرة ليلة خلت من شهر جماديالآخرة لسنة ٧٥٣[٤]) و قال ثالثاً: (و ليكن ... العصر من يوم السبت غرة شهر ... رجب ٧٠٣) و قال رابعاً: (و ليكن ... و ذلک من صباح يوم الجمعة لاربع عشرة ليلة خلت من شهر رجب ... سنة و سبعمائه) و قال خامساً: (و ليكن ... لخمس ليال خلون من شهر شعبان ٧٠٣) و قال سادساً (تمّ تفسير المقالة السادسه من كتاب تحرير المجسطي و تم بتمامه السفر الأوّل من هذا الكتاب و الله ... لسبع ليال تبين من شهور ربيع الأوّل سنة ٧٠٤) و يراجع بقية كلامه هنا) و قال سابعاً (و هذا آخر الكلام ... بكرة يوم الاثنين السادس عشر من شهر ربيع الاخر سنة ٧٠٤) و قال ثامنا

---

٣. اين پاراگراف، مانند نسخه‌هاى خطى در حاشيه آمده است. ب

٤. بتمام حروف نوشته.

(و ليكن ليلة الاربعا الثالث من جمادى الأُولى ٧٠٤) و قال تاسعاً (قد تمّ ... صباح يوم السبت لثلث بقين من جمادى‌الأُولى ٧٠٤) و قال عاشراً (و ليكن ... صباح الاثنين لسبع ليال خلون من شهر جمادى الآخر ٧٠٤) و قال في آخر المقالة الحادية عشره (ضحوة يوم الجمعة لثمانية عشره ليلة خلت من شهر جمادى الآخرة ٧٠٤) و قال في آخر ١٢ (ليلة الثلثا لست خلون من شهر رجب ٧٠٤) و قال في آخر الكتاب من النسخة الموصوفة (و يرحم الله عبداً قال آمينا اتّفق الفراغ من تتمّة تعليقة [...] جمادى‌الأُولى سنة ٧٣٠ هجر) و لايخفى ان هذه النسخة حيث استنسخت من نسخة قديمة رديّة الخط قد وقع فيها أغلاط كثيرة و فيما نقلنا من التواريخ أيضاً فليراجع النسخ الأُخرى.

ص ٣٩١ س١: قوله رحمه الله تعالى (انتقلت إلى اروپا) الخ أقول إنّي نظرت في ١٩ قعده ١٤٠٤ إلى كتاب السيّد محمّدتقى مدرس الرضوي في ترجمة المحقّق الطوسى الطبعة الثانية سنة ١٣٩٤ فرأيته لم يزد في ص٣٤٨ بعد نقل كلام الشيخ هذا شيئاً و لو كانت تلك النسخة في يد واحد من الغربيّين لشهرها و لم يخفها و الله عالم بمراد شيخنا و حقيقة كلامه و حقيقة حال نسخة الاصل بخط المحقّق.

«تحريف القرآن» ص ٣٩٤ رقم ١٤١٥: انظر كلام شيخنا المصنّف طاب ثراه حول هذا الموضوع فيها مرذيل عنوان (التبديل و التحريف: ٣١١ فما بعدها). و فيما يأتي بعنوان (فصل الخطاب ج١٦: ٢٣١: ٩١٢).

﴿تحريم الارتماس على الصائم دون نفضه﴾ ص ٣٩٥: للشيخ سليمان بن عبدالله الماحوزي ذكره في اللؤلؤة.

«تحريم الخمر في الإسلام» ص ٣٩٥ رقم ١٤١٨: و يأتي له حيات رضوان مكان في ج٧.

﴿تحريم الذبيحة﴾ ص ٣٩٥: انظر «الذبيحية» في ج١٠.

﴿تحريم النظر في التوراة و الانجيل﴾ ص ٣٩٥: اسمه «الاصل الاصيل» و ليس لعلمائنا بل هو تأليف شمس‌الدين محمّد بن عبدالرحمن السخاوى الشافعي المتوفّى ٩٠٢ كما في كشف الظنون و لكنّا أحببنا أن نلفت نظر فقهائنا الأعلام إلى هذه المسألة المهمة و من الله التوفيق.

﴿تحريم حلق اللحية﴾ ص ٣٩٥: انظر «حلق اللحية» في ج٧: ٦٣.

﴿تحريم القرض بشرط البيع المشتمل على المحاباة﴾ ص ٣٩٥: انظر [القرض ١٧: ٧٦: ٣٩٦].

«تحصيل المنافع» ص ٣٩٨ رقم ١٤٢٨: يراجع (إيضاح المنافع) في ج٢.

«التحصين» ص ٣٩٨ رقم ١٤٣٠: أقول نقله إلى الفارسية محمّدصادق بن محمّدعلى السركانى مترجم طائفة من الكتب و الرسائل عندنا مجموعة منها بخطه شكر الله مساعيه و فرغ من هذه في يوم الجمعة ١١ ع١ سنة ١٠٤٣ و توجد لهذا المترجم الفاضل الصادق مجموعة اُخرى أيضاً ممّا نقله إلى الفارسية ذكرها أحمد بن شيخنا المصنّف ره في فهرسه الكبير [ج١ ص٦٥٥] بعنوان [ترجمه مسائل فقهى و كلامى] فراجع.

«تحف الأخبار» ص ٣٩٩ رقم ١٤٣٣: أقول يأتي له [تفصيل وقايع الايام ٤: ٣٥٥: ١٥٥١].

«تحفة الابرار» ص ٤٠٤ رقم ١٤٥١: رأيت في نسخة مخطوطة سنة ١٢٤٨ هكذا (مسمّى بتحفة الابرار الملتقَط من آثار الائمة الاطهار لتنوير قلوب الاخيار) و النسخة في مكتبة السيّد مصطفى الحسيني.

ص ٤٠٤ س٩، عربي: النسخة الموصوفة فوقها كلها فارسية و كذا نسخة صاحب الروضات اعلى الله مقامه.

«تحفة الابرار» ص ٤٠٥ رقم ١٤٥٣: يراجع ص١٨١ رقم ٦٤٠ و توجد من التحفة عدة نسخ اُخرى فانظر (فهرس المركزية بجامعة طهران ج١٦ ص٣٢). و انظر ما ذكره المؤلّف في «العمدة ١٥: ٣٣٣: ٢١٥٤». و في «معرب تحفة الابرار ٢١: ٢٣٩: ٤٨٠٩».

ص ٤٠٥ س١٦، نجف: كان في الأصل المطبوع علم فبدلناه (نجف) وفق جدول استدراك الخطاء المطبوع خلف ج٤ و لكنّه يأتي في الموعد (ج٢١: ٢٣٩: ٤٨٠٩) على ثم استدرك في جدول الجزء الاخير علم و بحث شيخنا حول هذا الاسم و نسبه و كتابه المذكور أيضاً في ج٤: ٨٨: ٣٨٩ فليراجع.

«تحفة الابرار» ص ٤٠٥ رقم ١٤٥٤: أقول انظر ما ذكرناه بهامش [تحرير الاحكام ٣٧٨: ١٣٧٩] و راجع [الحاشية على عمدة الطالب ٦: ١٥٠: ٨١٥] و مقدّمة كتابنا [جامع الأنساب ١: ٧٠].

ص ٤٠٦ س١، **الكفعمي**: في كتابه (فرج الكرب ١٦: ١٥٦: ٤٢٣).

«**تحفة الابرار**» ص ٤٠٧ رقم ١٤٠٧: أقول يأتي له (دراية نثار ٨: ٥٦: ١٦٨) و له غيرها.

«**تحفة الاجلّة**» ص ٤٠٨ رقم ١٤٦٣: توفّي سردار الكابلى قدّس سرّه في كرمانشاه صبيحة يوم الثلثاء الرابع جمادى الأُولى ١٣٧٢ ذكر ترجمته الشيخ محمّدحسين (خليلى كرمانشاهي) في (جريدة كرمانشاه - العدد ٣٠٠٦ - الصادرة في ٣١/١٢/١ش) و تفصيل ترجمته في (ريحانة الادب) و غيرها و للاستاذ غلامرضا (كيوان سميعى) تلميذ سردار كتاب جليل مطبوع في ترجمة استاده هذا.

«**تحفة الاحبّاء**» ص ٤٠٩ رقم ١٤٦٦: قال في المجلس الخامس من مجالس المؤمنين - ج١ ص٥٢٨ (مؤلّف گويد كه صورت عقيده امير جمال‌الدين از كتاب تحفةالاحبّا كه بنام خواجه مظفّر تيكچي استرآبادى نوشته و غير آن ظهور تمام دارد و لهذا مخدوم الملك لاهورى بعضى از نسخ آن كتاب را حكم بسوختن نمود) انتهى. أقول و قد حصل عندي بفضل الله تعالى نسخة عتيقة نفيسة من هذا الكتاب المستطاب و لله الحمد و ذلك في أواخر شهر صيام ١٣٨٦هـ. ثمّ بعد التتبع في النسخة رأيتها ناقصة جدّاً بل لايكون فيها من التحفة سوى عدّة أوراق.

«**تحفة الاحبّاء**» ص ٤٠٩ رقم ١٤٦٧ س١١، **١٢٨٢**: أقول هذا هو الصّواب في تاريخ ولادة الرجل كما ذكره في ترجمة نفسه في كتابه (علماء معاصرين ص٤٠٦) و انه كان في ٢٨ شوال و يأتي كتابه المذكور في ج١٥: ٣١٧: ٢٠٢٩ بعنوان (علماى معاصر) خطأً و هناك ولادته في ١٢٨٣ خطأ أيضاً و أمّا وفاة الحاج ملا على طاب ثراه فاتفق في يوم الاحد ١٤ صفر ١٣٦٧ في تبريز و ذكر الواعظ الجرندابي في مقدّمة كتاب «زندگانى محمّد صلى الله عليه و آله» للشيخ أبي‌عبدالله الزنجاني (ص يب) تاريخ وفاته كما ذكرناه و لكن وقع اشتباه له أو من المطبعة في عامها فطبع (١٣٦٨) و الصواب (١٣٦٧) و يأتي بعض تأليفاته الاخر في مواضعها من اجزاء الذريعة و لم يذكر شيخنا ره جميعها و ذكره نفسه في كتابه المذكور و مرّ ذكر الرجل في هذا المجلّد ص٤٢ س١٩.

«**تحفة الاخوان**» ص ٤١٥ رقم ١٤٩٠: و ذكره أيضاً في آخر ترجمة القاضي سعيد

القمي و ليعلم أنّ هذا الرجل (يعني القاضي سعيد) غير الفاضل المحدث المتتبع الماهر مولانا سعيد المرندى صاحب كتاب تحفة الإخوان في الاحاديث المتعلقة ببعض آيات القرآن و الغالب عليه ذكر ما ورد في شأن العترة الطاهرة من الأخبار النادرة و الله العالم. انتهى

«**تحفة الاخوان**» ص ٤١٥ رقم ١٤١٩: يراجع (فتوت‌نامه).

«**تحفة الأخيار**» ص ٤١٧ رقم ١٥٠٠: و تاريخ تأليف الكتاب سنة ١٠٧٥ كما يقوله في اواسطه.

أقول و أنّي قد تأمّلت في هذا الكتاب و في تبصرة المؤمنين للحكيم مؤمن فظهر لى أنّ التبصرة في ردّ هذا الكتاب أعني تحفة الأخيار و لمولينا محمّدطاهر أيضاً غير هذا الكتاب في الرّد على الصوفية فليراجع.

﴿**تحفة الأريب في الردّ على أهل الصّليب**﴾ ص ٤١٩: للفاضل المحقّق المؤيد من عند الله سبحانه الشيخ محمّدصادق الأُرومى المنعوت بفخرالإسلام ذكره في كتابه النفيس [انيس الأعلام ٢: ٢٠٧ ط ١].

«**تحفة الأزهار**» ص ٤١٩ رقم ١٥٠٧: يراجع (فهرست مركزى دانشگاه ج٢ ص٥٣٠) للمتروى ففيها وصف الاقسام الأربعة الموجودة من الكتاب في تلك المكتبة و مصوّرة الأجزاء الأربعة في المرعشية بقم كما في فهرست مصوراتها ١: ٢٣٢ - ٢٣٤. و يأتي له [زبدة الأنوار ١٢: ٧٢: ٥٠٥] و انظر ترجمة الرجل في [منية الراغبين ٤٤٥] باختصار فانظر مصادره.

«**تحفة الاشراف**» ص ٤٢٠ رقم ١٥٠٩: أقول عدّ القطب الرازي مؤلف كتاب التحفة هذا من الشيعة متابعة من شيخنا المصنّف لشيخه المحدث النوري في خاتمة كتابه [مستدرك الوسائل] مال إلى تشيع الرجل مخالفة و معاداة لجدّنا الإمام الزاهد المجتهد المجدد صاحب روضات الجنّات قدّس الله تعالى روحه شأنه في جميع المواضع الصعبة فيختار النوري خلاف رأى جدنا الإمام العلاّمة و بالجملة دون اثبات تشيع القطب هذا خرط القتاد كما بيّنا الأمر في شرح الروضات و رأيت في آخر المجلّد الثاني من كتاب الكشكول للشيخ البهائى ص٢٤٣ قوله [منقول من حواش الكشاف للقطب رحمه الله] الخ.

«**تحفة الأعيان**» ص ٤٢١ رقم ١٥١٥: **أقول** هو مصحح (كشف الحجب و الاستار) و ذكر كتابه هذا في مقدّمة الكشف.

«**تحفة الإمامية**» ص ٤٢١ رقم ١٥١٦: يراجع «مكارم الآثار ج٦ ص٢١٨٥ الرقم ١٣٦٩».

«**تحفة الامير**» ص ٤٢١ رقم ١٥١٩ س١٣، **محمّد بن مهدي**: + الحسيني الحافظ؛ كما ذكره نفسه.

و اعلم أنّ هذا الكتاب طبع في تبريز في سنة ١٢٦٠ و قد فات من شيخنا ذكره و زاده المصنّف بعد ما كتبته إلى ابنه و عندنا منه نسخة خطيّة أيضاً.

«**تحفة الأمين**» ص ٤٢١، **يأتي**: في ج٨ ص٦٧.

«**التحفة الجلالية**» ص ٤٢٤ رقم ١٥٣٥: ذكر السيّد جلال‌الدين الارموى الشهير بمحدّث رحمه الله في مقدمته لكتاب «الفصول الفخرية» تأليف صاحب «عمدة الطالب» انّ «التحفة الجلالية في انساب الطالبية» بالفارسية أيضاً لصاحب العمدة و ان عنده نسختان منه و هو بصدد طبعه كالفصول و لكنه لم يقدم على طبعه و توفّى إلى رحمة الله تعالى.

«**التحفة الجمالية**» ص ٤٢٤ رقم ١٥٣٦ س٢١، **أقول**: و قد مرّ ذلك أيضاً في ج٢ ص٣٧٥ فراجعه.

ص ٤٢٥ س ٢ ص٤٢٥، **الآتي**: في ص٤٤٨.

«**تحفة الحاتمية**» ص ٤٢٥ رقم ١٥٤٠: **أقول** الصواب انّ الشيخ توفّى سنة ١٠٣٠ و طبعت التحفة مؤخراً سنة ١٤١٢ بمشهد الرضا عليه‌السلام طبعة محققة جيّدة في ازيد من مائة صفحة و فيها تاريخ الكتاب يوم الخمسين ١٢ ربيع‌الاخر ١٠١٨ و لعلّه تاريخ التأليف و الله العالم.

«**تحفة الحسينية**» ص ٤٢٧ رقم ١٥٤٩ س٢٣، **يأتي**: في ص٤٣٠.

﴿**تحفه حسينيّه**﴾ ص ٤٢٨: در ترجمه صحيفه ادريسيّة للميرزا عبدالله بن عيسى‌بيك بن محمّدصالح‌بيك الإصفهاني الشهير بالافندى صاحب (رياض العلماء) فرغ منه في ١٧ ع ١ سنة ١٢٢٢ عملها للشاه سلطانحسين الصفوى و نسخة الاصل بخطه طاب ثراه

كانت عند الحاج ميرزا فخرالدين نصيرى اميني بطهران كما في (ريحانة الادب) ثم باعها للمكتبة المركزية بجامعة طهران على ما يظهر من فهرسها ٨: ٦٨٣ و النسخة المبيّضة منه عندنا و انظر ج٤ ص١١١ رقم ٥٢٠ و ج١٥ ص١٣ رقم٦٦.

«التحفة الحسينية» ص ٤٢٩ رقم ١٥٥٦: ليُراجع جدّاً «فوائد الرضويّة» للمحدّث القمي جزئه الثاني ص٤٣٣.

«التحفة الحسينية» ص ٤٢٩ رقم ١٥٥٧: أقول نقل عن هذا الكتاب جدّنا العلاّمة الحاج مير سيّد محمّد شقيق صاحب الروضات في بعض تعليقاته على نسخة مخطوطة من كتاب عمل السنة (رقم 9747) و اظن انها النسخة التي رأها شيخنا عند خالنا السيّد العلاّمة الحاج مير سيّد محمّد بن اخى جدّنا المذكور طاب ثراهما و راجع (شرح الصحيفة) في ج١٣ ص٣٥٦ رقم ١٣١٩.

«التحفة الحسينية» ص ٤٣٠ رقم ١٥٥٨ س ٦، مرّ: في ص ٤٢٧.

ص ٤٣٠ س ٨، **المسالک الجامعية**: طبع بهامش الفوائد الملية للشهيد الثاني و منه نسخ في الرضويّة منها في ج٥ ص٦١٢.

«تحفة الخاقان» ص ٤٣١ رقم ١٥٦٢: و يشبه هذا التفسير في التقسيم بالانواع تفسير معاصره المولى محمّدرضا بن الملا محمّد امين الهمدانى الصوفي المتوفّى في جمادىالأولى سنة ١٢٤٧ كما في بستان السياحة ص٦٤٤ ط ٢ و يأتي في ج٨ ص٨٣.

﴿تحفه درويشان﴾ ص ٤٣٢: وجيزة لصدرالدين بن محمّدباقر المنعوت بالكاشف المرتاض الصوفي الدزفولى صاحب (صراط الحق) و (قاصم الجبارين) و غيرها من كتب الضلال اولها بعد البسملة (بجهة حصول مهمات عظيمة و مقاصد جسيمة) نسختها في آخر مجموعة من رسائله عندنا و في جميعها بدع و خرافات و انحرافات و اضلال عصمنا الله تعالى بمنه و كرمه آمين.

«تحفة الدهر» ص ٤٣٢: أقول وضعها ولد مصنّفها في كتابه «الدر المنثور» تجدها في ج٢: ١٠٠ - ١١٨ طبعة قم.

﴿تحفة الرازي إلى المجدّد الشيرازي﴾ ص ٤٣٣: مؤلف هذا الكتاب الشيخ آغابزرگ الطهراني ذُكر في الكنى و الألقاب المطبوع سنة ١٣٥٨ ج٣ ص١٨٥ و هذا الكتاب في

احوال مولانا السيّد محمّدحسن الشيرازي قدّس سرّه و لكن في مقدّمة ج١ من هذا الكتاب عبر عنه بهدية الرازي و هو الصحيح.

«تحفة الرجال» ص ٤٣٣ رقم ١٥٧٢: أقول نقل عنه بعد فوته بعض تلامذته في هامش نسخة من [تلخيص المقال] و هي الان عندنا كلاماً طويلا مفتتحا بهذا العنوان [قال الشيخ الفاضل الاوّاه شيخنا الشيخ عبدالله بن صالح في حواشى [تحفة الرجال]: انها ذكرت حماد بن عثمن بن عمرو بن خالد الفزاري في ترجمة] الخ و شيخنا المصنّف لم يذكر للتحفة نسخة لا هنا و لا في [مصفي المقال ٢٤٨].

«تحفة الرضا» ص ٤٣٤ رقم ١٥٧٤: رأيته في (١٣٦٥) في المكتبة و فيها مسائل الصّلاة الإجماعية منه و غيرها للسيّد معزّالدين محمّد بن أبي‌الحسن الموسوي. تاريخه (الرضا = ١٠٣٢). الإجماعيّات ٧٤٢ و ما خطر بباله (٣٧٦ مسألة) صح. و تفصيل الكلام حول الكتاب و مصنّفه في الجزء الخامس من فهرس الرضويّة ص٣٧٩ فراجع.

«التحفة الرضويّة» ص ٤٣٤ رقم ١٥٧٧ س١٢، محمد: للسيّد محمّد القصير راجع إجازته في ج١: ٢٤٦: ١٣٠٠.

«التحفة الرضويّة» ص ٤٣٦ رقم ١٥٨٢ س ٩، الكرامات: و فيه أيضاً القصيدة التائية لدعبل و ترجمتها بالفارسية كما تقدّم.

«تحفه رفيعي» ص ٤٣٧ رقم ١٥٨٥: اوله بعد الخطبة العربية «امّا بعد چون اقلّ عباد محمّدقاسم ساوه‌اي الشهير به خُدابخش همگى و تمامي اوقات خود را نزد علماء كرام اماميه و فقهاء ذوى‌الاحترام اثناعشريّه ... صرف علوم دينيّه ... جمعى از صلحا و اتقياى ساوه ... التماس نمودند ... چون اين مكينه روز شنبه دوم شهر صفر ... ثلاث و ثلثين بعد الف ... شروع نمود ... جدولى چند مشتمل بر پانصد و پنجاه خانه در ذكر مراتب آباء و اولاد با ازواج ... و تيمّناً و تبرّكاً اين رساله را بنام نامى ... امير رفيع‌الدين محمّد الموسوي الحسيني ... مؤلف ساخته به تحفه رفيعى موسوم گردانيد ... و اين رساله مشتمل است بر مقدمه و دوازده فصل و خاتمه» و آخره هكذا «فرغت من تأليف هذه الرسالة الموسومة بتحفة الرفيعية في يوم الخميس رابعة عشر ... حجة ثلث و ثلثين بعد الف» انتهى. و عندي نسخته القديمة في ١٤٦ ورقة و نسخة منه

أيضاً عند زوج عمّتي الحاج السيّد محمّدمهدي الروضاتي و هي مخرومة. و لايخفى انّ التاريخين لشروع التاليف و ختمه كما مرّ مصرّح بهما في نسختنا و اذا صحّ ذلك كان مدّة اشتغاله بالتاليف اثناعشر يوماً و هذا من الغرائب فان الكتاب مبسوط كبير و في موضوع هامّ جدّاً و الله الموفق.

«**تحفة الزّائر**» ص ٤٣٨ رقم ١٥٨٨: الصواب سنة ١١١٠ كما تبيّن لنا و لا مجال للشك فيه بعد و انظر «تحية الزائر ٤٨٨: ١٨١٦».

«**تحفة السامي**» ص ٤٤٠ رقم ١٥٩٥، **تراجم الشعراء**: شعراء اوايل زمن الصفوية.

ص ٤٤٠ س ٤، **شاه اسماعيل الصفوي**: المتولد في يوم الثلثاء ٢١ شعبان سنة ٩٢٣ و المتوفّى سنة ٩٨٣ و تمّ تأليف كتابه هذا سنة ٩٥٧ كما أرّخ كلّ ذلك في مقدّمته المطبوعة.

«**تحفة السعيد**» رقم ١٥٩٨ — ص ٤٤١ س٥، **المهرجاني**: أقول المهرجاني هذا هو الاعلمي صاحب «مقتبس الاثر».

﴿**تحفة السلطان**﴾ ص ٤٤١: لصاحب منهاج العارفين. كما يأتي في ج٢٣ ص١٦٧.

﴿**تحفه سلطاني**﴾ ص ٤٤١: للشيخ جعفر القاضي الذي مرّ له «اصول الدين» في (ج٢: ١٨٦: ٦٩٤) و لعلّهما واحد. الّفه في الحكمتين العملية و النظرية بأمر الشاه سلطان حسين الصفوي (المستشهد سنة ١١٤٠) كما صرّح به في المقدّمة و وصف نفسه فيها في ص٥ بقوله «محمّدجعفر شيخ‌الإسلام دارالسلطنه إصفهان» و وصف استاده في ص١٠٨ بقوله «و حق در مسئله حركت آنست كه استاد محقّق و ربّاني مدقّق كه مثلش در زمان فلاسفه تا بحال بهم نرسيده آقا حسين أدام الله فيض افاداته و افاض على قبره سجال رحماته در كتب خود تنقيح آن نموده» الخ. طبع بطهران سنة ١٣٨٠ و عندنا منه نسخة مخطوطة و ما اظن المؤلّف صاحب «نوروزيّة» الآتي في ج٢٤: ٣٨٢: ٢٠٥٥ و «رياض الاشراف» المذكور في تعليقاتنا في موضعه من حرف الراء بل هما جعفران فاضلان متعاصران من أعيان علماء إصفهان احدهما كمرئيّ الاصل و هو صاحب التحفة و اصول الدين و راجع له «ذخائر العقبى» في (ج١٠: ٦: ٣٧) و له غيرها و الاخر سبزواري الاصل و له الرياض و النوروزيّة و الله العالم بحقايق الامور.

﴿التحفة السلطانية و الهدية الحسينية﴾ ص ٤٤١: الاسم الحقيقى الواقعى الذي سمّاه به مؤلفه كتابه «شرح الأسماء الحسنى» ١٣: ٨٩: س١٨. و المؤلّف هو السيّد مير علاءالدين گلستانه الاصفهاني و قد طبع محرفا و محذوفا منه باسم [كاشف الأسماء ١٧: ٢٣٥: ٤٣] و مرة اُخرى باسم [روضة العرفاء ١١: ٢٩٩: ١٧٩١].

«التحفة السليمانية» ص ٤٤١ رقم ١٦٠٣: ذكره المشار في فهارسة فراجعه و عندنا النسخة المطبوعة على الحجر في طهران في ٢٦٤ صفحة. بحجم الثمن و اسمه في تلك النسخة [تحفه سليمانيه] و ألحق بها في الطبع [ترجمة رسالة علم النفس ١٥: ٣٢٤: ٢٠٨٤] فراجعه أيضاً و راجع التكملة هناك. و يأتي «ترجمة العهد» المذكور في ج٤ متعدداً كما يأتي شروحه أيضاً في (ج١٣).

«التحفة السليمانه» ص ٤٤٢ رقم ١٦٠٤: ذكره المشار في فهرسيه فراجعه.

﴿تحفه شاهجهاني﴾ أو ﴿التحفة الشاهجهانية﴾ ص ٤٤٣: و هي حاشية و شرح على تهذيب المنطق و الكلام للسعد التفتازاني. طبع بكانپور الهند سنة ١٢٩١ و الشارح هو الشيخ عبدالله بن الحسين اليزدي. ذكر كل ذلك في «معجم المطبوعات: ١٩٤٦» و أقول هذا هو كتاب المنطق المعروف بحاشية ملا عبدالله و يأتي ذكرها في ج٦ ص٥٣ الرقم ٢٦٨ فراجعه.

«التحفة الشاهية» ص ٤٤٤ رقم ١٦١٢:/ تحفه شاهى؛ كما في النسختين المخطوطتين من هذه الرسالة قال مصنفها في المقدّمة «مسمّى بتحفه شاهى».

ص ٤٤٤ س٢١، گنه — گوياني: / كُنْه — داناني؛ كما في النسخة المخطوطة المورّخة سنة ١٢٤٠ عند السيّد آقا طه البهشتي و في نسخة السيّد مصطفى أيضاً (گوياني) مكان (داناني) و تاريخ هذه النسخة سنة ١٠٦٦.

«تحفة الطالب» ص ٤٤٨ رقم ١٦٣٠ س١٤، الآمل: نقلاً بالمعنى و لاحظ النص في «امل الآمل ١: رقم ١٧٣ ط النجف» و يجب للتاريخ الرجوع إلى النسخ المخطوطة.

«تحفة العابدين» ص ٤٥٠ رقم ١٦٣٧: ذُكِر في الروضات في ذيل ترجمة الشيخ علينقى الكمرئى فلاحظ.

«تحفة العابدين» ص ٤٥٠ رقم ١٦٤٠ س٢١، بيروت: راجع معجم المطبوعات.

«تحفة العالم» ص ٤٥١ رقم ١٦٤٣ س١٧، المولود: ذكر في ص١١٢ من تحفة العالم ولادته في اليوم التاسع من ذي‌الحجّة سنة ١١٧٢ و ذكر الآقا أحمدُ الكرمانشاهي في مرآة الاحوال جهان‌نما وفاته في خامس ذي‌العقده سنة ١٢٢٠ على ما نقله مولينا المعلم.

ص ٤٥٢ س١، ابوالقاسم: يأتي له كتاب حديقة العالم في الجزء السادس ص «...».

«تحفة العبّاسيّ» ص ٤٥٢ رقم ١٦٤٤: أقول هذا بعينه كتاب تحفه عباسى الآتي للمولى طاهر القمي و عندي منه نسخة.

«تحفة العشاق» ص ٤٥٤: في أحوال بعض مشايخ الصوفيه من الشيعة و مناقبهم تأليف المولى محمّدكريم الشريف القمي في زمان شاه سليمان كما قال في اوايل كتابه. قال في أوّله هذا لفظه (اما بعد اين رساله‌ايست موسومه بتحفة العشاق در بيان حال و احوال عاشقان بجان و دل مشتاق ... مرتب على ١٤ باب و خاتمه، مقدمه در مواعظ و نصايح، باب ١ در توحيد، باب ٢ در بيان شريعت و طريقت و حقيقت، باب ٣ در بيان ولايت، باب ٤ در بيان تصوف، باب ٥ در بيان عشق عفيف، باب ٦ در بيان ذكر خفي و جلي، باب ٧ در بيان صوت حي، باب ٨ در بيان فقر، باب ٩ در بيان جواز كم خوردن، باب ١٠ در بيان جواز تنهايي و اعتكاف حيواني و كم خوردن، باب ١١ در جواز شال پوشيدن، باب ١٢ در بيان كشف كرامات و الهام و خوابهاى مؤمنان، باب ١٣ در بيان شطح و طامات و كلماتي كه اسرار ربوبيت در او مندرجست و باب ١٤ در بيان احوال رجال الغيب، خاتمه در فناء في الله) في اوائل الكتاب ما هذا لفظه و غير از دلائل مذكوره دلايل چند كه در رد قول فقيه بيان فرموده در هنگاميكه با حقير مناظره مى‌نموده در ماه رمضان المبارك سنه هزار و نود و هفت بعد از هجرة ... قال أيضاً في اوايل الكتاب مصابيح القلوب كه از مؤلفات شيعه واقعى ملا محمّدحسين كاشفي صاحب تفسير و مؤلف روضة الشهداء مذكور است الخ. و تتلو هذا الكتاب رسالة اداب المعاني و فهرست كتب ابن سينا و في آخر كتاب آداب المعاني الذي هو أيضاً بخط كاتب التحفه (در دارالسلطنه اصفهان بسرعت تمام از روى نسخه‌اى كه حضرت ابوى قدّس الله روحه از جهت داعى تحصيل نموده قلمى شد و نسخه اصل نزد حضرت وحيد الزماني دام ظله اعتماد الدوله العليه است و به ايشان تكليف نمود (سنة ١٠١٧).

نسخه ديگر اين كتاب در فهرست دانش‌پژوه بر دانشگاه ص٤١٨ به بعد ياد شده.

﴿تحفة العقلاء﴾ ص ٤٥٤: قال مولانا محمّدطاهر القمي المتوفّى ١٠٩٨ في كتابه «تحفة الاخيار ص «...»» ما لفظه «و ما در كتاب تحفة العقلا بيان كذب و مكر و حيله داود طائى كرده‌ايم» الخ. و قال في ص٢٠٧ «و ما در كتاب تحفة العقلا ذكر آن كرده‌ايم» انتهى. و نظيره ما في ص ٩٦.

«تحفة العليل» س ٤٥٦ رقم ١٦٦٣: أقول قد وصفنا نسخة تحفة العليل في كتابنا «فهرست كتب خطى كتابخانه‌هاى اصفهان ج١ رقم ٣٠» و قلنا إنّ التحفة مكتوبة بهامش نسخة من كتاب منهاج الصّلاح للعلامّة الحلّي قدّس الله و وصفنا تلك النسخة هناك و ذكرنا ان التحفة كتبت بهامش الورقة ٢٢٨ إلى ٢٣٢ و لّما تتمّ التحفة لفقد ما بعدها من النسخة و لا شكّ في انّ جدّنا الإمام المجدد طاب ثراه ذكر التحفة في كتابه الروضات استناداً إلى تلك النسخة بعينها و كانت عندنا إلى هذه الأواخر إلى ان ارسلناها إلى احدى المكتبات العامة. و النسخة الموجودة الان عندنا بخطّ جدّنا العلاّمة محيي ما اندرس من اثار الإمامية الحاج السيّد محمّد المتوفّى سنة ١٢٩٣ شقيق جدّنا الإمام صاحب الروضات اعلى الله مقامهما في ثلث و ثلثين صفحة صغيرة اوّلها «في بعض الكتب القديمة المكتوبة في زمن العلاّمة الحلّي اعلى الله مقامه هكذا: من كتاب تحفة العليل تصنيف الشيخ قطب‌الدين الراوندى قدس روحه. بسم ... اما بعد حمد الله الذي جعل ذكره شفاء العليل و رداء الغليل و الصلوة على رسوله محمّد و اله المعصومين من كثير المعاصي و القليل فان الصادق عليه السلام قال انّ الله عز و جل ليتعاهد المؤمن بالبلاء» و آخرها «و قال النبى صلى الله عليه و اله اذا رايتم المجذومين فاسألوا العافية» و كتب جدّنا كاتب النسخة في الحاشية «الى هنا وجدنا من هذه الدعوات» و أيضاً «بلغ قبالاً وفقنا الله لاكمالها» ثم أقول ان في النسخة حالاً بياضات في أواخرها و قد عرضنا النسخة على كتاب «سلوة الحزين» المطبوع سنة ١٤٠٧ بقم فظهر لنا انّ تلك النسخة كتلخيص و منتخب للسّلوة و تفيد لتصحيحها و اصلاحها في بعض المواضع و هذه النسخة استكتبها الجدّ المرحوم عن النسخة المخطوطة اعلاها و السلام. و حرّر في ليلة ١٧ شهر شعبان ١٤٢٠.

«تحفة العوام» ص ٤٥٧ رقم ١٦٦٥: فهرس المشار ج١ ع١٠٤.

«**التحفة الغروية**» ص ٤٥٨ رقم ١٦٧٤: انظر ما نقله المحدث النوري ره عن أواخر مبحث الخلل من التحفة هذه في كتابه [دارالسلام فيما يتعلّق بالرؤيا و المنام ١: ٢٠٣ - ٢٠٥]ففيه فوائد هامّة.

«**تحفة الفاطميين**» ص ٤٦٠: يراجع (كتاب‌شناسى اثار مربوط به قم) للسيّد المدرسى الطباطبائي ص١٧٣ - ١٨٩ و هو غير «تحفة الفاطمية الموسوية» في نفس الموضوع و المذكور في كتاب‌شناسي ص١٦٠ فما بعدها.

﴿**تحفة الفقراء**﴾ ص ٤٦٠: رحلة (سفرنامه) الميرزا على صفاءالسلطنة المشتاقى المتصوّف من المشهد المقدس الرضوي إلى طهران في سنة ١٢٩٩ - ١٣٠٠ فيها طرائف و فوائد طبع في مجموعة «فرهنگ ايران زمين ١٦: ٩٠: ١٩٠» و يأتي له «ديوان مشتاقي نائيني» و لولده «مقدّمة ديوان مشتاقي نائيني».

﴿**تحفه فيروزيه شجاعيه بجهت سده سنيه حسينيه**﴾ ص ٤٦١: كتاب مبسوط في التبري و مطاعن الاعداء صراحةً للميرزا عبدالله افندى صاحب رياض العلماء قدّس الله روحه. الفه بالفارسية سنة ١١٢٢ باشارة الشاه سلطان حسين الصفوى في تحقيق حال أبي‌لؤلو فيروز و مقتل عمر ابن الخطاب الخ. في طيّها مباحث جليله و مطالب المفيدة منها ما ذكرناه بهامش [عقد الدرر] و لمّا كان الفه بعد فراغه من الرياض فلهذا يوجد اسمه فيه كتاليفه الاخر [التحفة الحسينيه] و لم نعثر له على ذكر له في كتب التراجم و ساير فهارس المكتبات و النسخة الموجودة ناقصة من حيث فقدان بعض اوراقها من اولها و آخرها بل و اوسطها أيضاً و ذلك لكثرة استفادة اهل المطالعه من النسخة و تاريخ التأليف مصرح به في الورقة ٧٤ظ. و هي مبيضة الاصل فيها بعض التصحيحات بخط الافندى شكر الله مساعيه احال فيه إلى بعض مؤلفاته الاخر كترجمة «جاماسب‌نامه» و غيرها و لايخفى ان عام تأليف التحفة هذه هو عام تأليف التحفة الحسينيه له أيضاً كما مرّ في موضعه و مما تحدث به فيه سفر حجه للمرة الأُولى و يظهر منه انها كانت حوالى عام ١٠٨٣ و مما بحث حوله (ق١٧٩ فما بعدها) مؤلفات الشيعة و الاصول الاربعمائة و الخسائر الواردة على آثار الطائفة و مآثرها و أشار هناك إلى سياحته طول أربعين عاماً و التفصيل حول ساير المطالب موكول إلى موضع آخر.

«**تحفة القراء**» ص ٤٦٢ س٩: يراجع فهرستنا الكبيرة و الصغيرة.

﴿**تحفة لب الالباب**﴾ ص ٤٦٣: در جنة النعيم في احوال مولينا عبدالعظيم از اين كتاب نقل مى‌كند و اسم مؤلف را هم مى‌برد در أواخر آن.

«**التحفة المحمّدية**» ص ٤٦٧ رقم ١٧١١: أقول ذكره في [أعيان الشيعة ٤٧: ١٥٢: ١٠٨٤٩].

«**التحفة المحمّدية**» ص ٤٦٨ رقم ١٧١٢ س٤، **محمود**: هو الآميرزا محمود الحاج السيّد محمد بن السيّد مهدي بن السيّد عبدالفتّاح كما فصّل ذلك في خاتمة كتابه هذا و ذكر انّ هؤلاء كانوا كلّهم من القرّاء و قرأ كلّ واحد منهم على والده و الآخر على عمّه السيّد رضا و هو على والده السيّد محمّد و هو على استاده الحاج محمّدرضا السبزواري و هو على جدّه عمادالدين على الشريف القاري و هو على السيّد حسين المغربي و هو على الشيخ محمّد المغربي و هو على الشيخ محمّد الجزري المشهور اه.

ص ٤٦٨ س٥، **طبع بطهران**: في سنة تأليفه.

﴿**تحفة المراد**﴾ ص ٤٦٨: في شرح القصيدة الحكمية للمير أبي‌القاسم الفندرسكى و الشارح الميرزا عباس الشريف الدارابي المتوفّى حوالى ١٣٠٠ يأتي في الشين (ج١٤: ١٥: ١٥٤٤).

«**تحفة المسافر**» ص ٤٦٨ رقم ١٧١٨ س ٢٣، **١٣٥٣**: أقول هذا التاريخ صحيح دون ما في «نقباء البشر ٣٤١ و ٨٩٤» من أنّه توفّى سنة ١٣٥٢.

با تقويم پارس كاملاً مطابق است. بايد ماضي النجف و شعراء الغري هم ديده شود اگر شرح حال دارد ارجاع شود.

«**تحفة الملوك**» ص ٤٧٢ رقم ١٧٣٤: راجع (شجره طيبه ص٢٩) للمدرس الرضوي.

ص ٤٧٢ س١٢، **سهالار**: الصواب سپهسالار.

﴿**تحفة من الطالب الغالب إلى علي بن أبي‌طالب**﴾ ص ٤٧٢: هذا عنوان كتاب من الله تعالى نذكره تيمّناً و تبركاً بحديثه قال ابن شيرويه «...» (كفاية الموحدين ٢: ٢٨٣ حديث ٢٥).

«**تحفة المؤمنين**» رقم ١٧٤٥ — ص ٤٧٤ س٤، **مفصّلاً**: أقول ليس هناك تفصيل فترجمة الرجل في نسخة الاصل من الرياض لا تتجاوز ثلاثة أسطر من خط مؤلفه (ص «...» قم ٣٦٢) و في النسخة المطبوعة (٢: ٤٥٤) عن تسعة أسطر.

ص ٤٧٤ س٦، **الرياض:** ج٢ ص٣٠٠ و نقل كلام الرياض بالواسطة و إن لم يصرح بها في سفينة البحار ج١ ص٥٠٦ مغلوطاً.

«التحفة المهدية» س ٤٧٤ رقم ١٧٤٩ س٢٣، **١٢٩٦:** يأتي للمصنف الدرّ الثمين في ج٨ ص٦٦ و ذكر هناك انه ولد حدود سنة ١٢٩٧ و انا لم ار تاريخ ولادته في كتاب ريحانة الادب عند ترجمة نفسه و لكنّه ذكر في ما كتبه في شرح احواله في خاتمة ديوان المعصومين و نقل عنه الخياباني في علماء معاصرين ص٤٠٤ ولادته في سنة ١٢٩٦ كما في المتن.

«تحقيق دلائل الاحكام» ص ٤٨٣ رقم ١٧٩١: **أقول** نسخة منه في الصلاة أيضاً في المرعشية بقم نسب في فهرستها ج١٧ رقم ٦٤١١ إلى الشيخ مشكور نفسه.

﴿تحقيق غيبة المنتظر﴾ عجّل الله تعالى فرجه ص ٤٧٤: للاشرف بن الاغر بن هاشم العلوي الحسني الرملي الحلبي المتوفّى سنة ٦١٠ صاحب «جنة الناظر ٥: ١٦٠: ٦٨٠» ذكره شيخنا المصنّف بعنوان كتاب «الغيبة الحجة ١٦: ٧٥: ٣٧٦».

«تحقيق القبلة» ص ٤٨٤: **أقول** عندنا ترجمة هذه الرسالة الجليله لمحمّدصادق بن محمّدعلى السركانى بخطه و هو الذي نقل طائفة من الرسائل و الكتب و المقالات الفقهية و الكلامية في حوالى سنة ١٠٤٣ إلى الفارسية و عندنا منها مجموعة و ذكر أحمد ولد المصنّف ره له مجموعة اُخرى في فهرسه الكبير (ج١ ص٦٥٥) فالرجل من الفضلاء الممتازين القادرين على نقل المطالب المهمة من العربية إلى الفارسيه و بالجملة فترجمة تحقيق القبله في ٧٠ صفحة الا ان المترجم لم يكمل ترجمة التنبيه الثامن من التنبيهات الثمانية و لعله لنقصان في نسخته العربية و ذكرنا آنفاً ترجمة التحصين في صفات العارفين للمترجم.

«التحقيق المبين» ص ٤٨٤ رقم ١٧٩٩: **أقول** عندنا نسخة رقمها ٥٧٠٣ من هذا الكتاب الشريف في (٢٧٢ ورقة أي ٥٤٤ صفحة) تاريخ كتابتها في آخرها بعد ذكر تاريخ التأليف كما في المتن سابع عشر شهر محرم الحرام سنة ١١٠٥ خمس و مائة بعد الالف لم يذكر الكاتب اسمه اول الكتاب بعد البسملة و غيرها (نحمدك اللهم يا رافع العلوم باحسن الكلام نهجا للمسترشدين).

﴿**رسالة وجيزة في تحقيق فصول الاذان و الاقامة** خصوصاً تهليل آخر الاقامة﴾ ص ٤٨٥: للملاّ أبي‌الحسن الشريف العاملي الاصفهاني النجفي المترجم في «مكارم الآثار ٥: ١٨٢٧» رسالة نفيسة عندنا في ٢٦ ورقة صحّحها المصنّف و كتب في هوامشها الحواشي بخطه الشريف قال في اول الحواشي ما نصّه [قد استفدت برهة من فوايدها ممّا افاده السيّد السند العلاّمة و الفاضل الصالح الفهامه وحيد عصره و فريد دهره خالى و شيخى و استادى و من إليه في جميع العلوم استنادى شيّد الله به اركان الايمان و حشره مع آبائه الطاهرين خلفاء الرحمن في رسالته المعمولة في تحقيق تهليل آخر الاقامة و اثبات تثنيته. منه عفي عنه] انتهى كلامه و الرسالة المذكورة اطلبها في [التهليلية ٤: ٥١٦: ٢٢٩٢] و النسخة في مجموعة كانت قديماً في ملك العلاّمة مير محمّدحسين بن مير محمّدصالح الحسين الخاتون آبادي الاصفهاني الذي كتب على ظهر ما نصه [رسالة لواحد من المعاصرين و هو ابن عمىّ العلاّمة مولانا ابوالحسن الشريف سلمه الله في بيان وحدة تهليل آخر الاقامة] انتهى و انظر له [نصائح الملوك ٢٤: ١٧١: ٨٨٨].

«**تحية اهل القبور**» ص ٤٨٨ رقم ١٨١٤: رجوع به مقدمه رجال سيّد بحرالعلوم [كما في زندگی‌نامه علامه بحرانى ص٧٠ و ٧١] و پاورقى ص ٧٠.

«**تحية الزائر**» ص ٤٨٨ رقم ١٨١٦: تحية الزائر على ما يظهر من فهارس المشار طبع مرتين بطهران على الحجر في ١٣٢٠ و ١٣٢٧ و مرة بتبريز في ١٣٢٣ و انظر ما ذكرناه في التكملة حول «اللؤلؤ و المرجان ١٨: ٣٨٨: ٥٧٢».

ص ٤٩٠، س ٢١، **شرف‌الدين محمد**: راجع الذريعة ج١١ ص١١٩ س١١ و راجع (موارد الاتحاف) ج١ ص٨٠.

ص ٤٩٢: قد صحّحتُ المجلّد الثاني على هذا الاستدراك و استدراكات اُخرى إلاّ ما زاغ عنه البصر و مال عنه النظر صحّحه صاحبه.

ص ٤٩٦: الحمد لله و له المنة قد صحّحت هذا المجلّد على هذا التصحيح و على تصحيحات اُخرى في ساير مجلّداته. صحّحه مالكه.

ثمّ نقل جميع الاستدراكات المطبوعة بخاتمة ج٢٥ على هامش هذه النسخة كساير الأجزاء و الحمد لله في ليلة ٢٩ صفر ١٤٠٥.

الجزء الرابع

«**التخجيل من حرف الانجيل**» ص ٣ رقم ٣: يراجع معجم المؤلّفين للكحالة ج٥.

«**تخريج الايات و الاحاديث**» ص ٤ رقم ٦: لتوضيح كَلِمَتَي الاخراج و التخريج راجع «زندگانى سردار كابلى ص١٠ من الخاتمة».

﴿**تخليص التلخيص**﴾ ص ٤: للفاضل العميدى كذا نقل عنه صاحب «جواهر الكلام ١١: ١٧٦: ٣» في مسئلة صلاة الجمعة و الظاهر انّه في الفقه و الله العالم بمراده قدّس الله تعالى روحه.

ص ٥ س ١١، **ما طاب اصل لايطيب فرعه**: / ما طاب فرع لايطيب اصله.

ص ٩: قصيدة البُردة مع ترجمتها بالنظم الفارسي في كتاب المشكول المطبوع ص٣٥ فما بعدها و توجد نسخة مخطوطة من البردة و الترجمة المذكورة عندنا في مجموعة و انظر شروح القصيدة في حرف الشين ج١٤ ص٦ - ٧.

«**تخميس الفندرسكية**» ص ١١ رقم ٢٧: يراجع ج١٧ ص١٣٣.

﴿**تخميس لامية العجم**﴾ ص ١٢: في رثاء الإمام السبط الشهيد أبي‌عبدالله الحسين صلوات الله و سلام عليه و على آبائه و اولاده المعصومين لابن علوان الرفاعى الحلى المتوفّى ١٣ شهر رجب ٧٠٦ رحمه الله تعالى و رضي عنه. حقّقه الاستاذ اسد مولوى مشكوراً و نشره في مجلة (تراثنا ٢: ١: ٢٠١ - ٢١٦) و نذكر له «الغديرية» في موضعه فراجعه.

«**تخميس الهائية الازرية**» ص ١٣ رقم ٣٥: أقول انظر «دُرَر اللآلى ٨: ١٣٢: ٤٩٢» مع التكملة.

«**تخمين الاعمار**» ص ١٤ رقم ٣٩: راجع (مكاتيب قطب محيى) في (ج٢٢: ١٣٦: ٤١٥) و ما ذكرناه بهامشه و ديوانه في (ج٩: ٨٨٤).

«**تداخل الاغسال**» ص ١٧ رقم ٤٥: انظر «المسائل التداخليه ٢٠: ٣٣٩: ٣٢٩٨» و نذكر «حلو التناول» في موضعه.

«**تدوين الآثار في احوال علماء خوانسار**» ص ١٩ رقم ٦٢، **محمدحسن**: يأتي له تعيين ساعات الليل و النهار.

«**التذكارات**» ص ١٩ رقم ٦٤: **أقول** قد مرّ من هذا القبيل «البياض» في ج٣ و راجع من هذا القبيل ما يأتي أيضاً في حرف الجيم (ج٥ ص١٦٥ فما بعدها) بعنوان (جُنگ).

ص ١٩ س١٥، **صاحب الروضات**:/ صاحب الرياض.

«**التذكارات**» ص ٢٠ رقم ٦٦: يراجع الروضة النضرة للمصنف ص٥٨٣ و عباسنامه و خلاصة السير.

ص ٢١ س٤، **نصير**: راجع للنصير هذا (ج١٣: ٣٦: ١٢٠) و (ج٢٥: ٥٥: ٢٩٥).

«**التذكرة**» ص ٢٢ رقم ٦٩ س ٩، **المولى باقر**: يراجع النقباء ٢١٨: ٤٧٢.

«**التذكرة**» ص ٢٥ رقم ٧٧ س٨، **كشكوله**: **أقول** ينقل المحدّث البحراني عن التذكرة في كشكوله «انيس المسافر» مراراً عديدة منها: «...»

«**تذكرة ابن العراق**» ص ٢٧ رقم ٨٥: قال القاضي الشهيد صاحب مجالس المؤمنين عليه الرحمة في كتابه الآخر «مصائب النواصب» في حاشيته منه على قوله «و اما السادس عشر فلان ما ذكره من تحليل اصحابنا الدخول في دُبر المراة». قال ما نصّه [و يلمح إلى مقدمات ما افتى به مالك وطى الغلام الشعر الذي نسبه الشيخ نورالدين على بن عراقى «كذا في نسختنا م‌ع‌ر» المصري الشافعي في تذكرته إلى القاضي الاديب ابوالحكم مالك بن مراحل] الخ أقول فهذا الرجل هو المذكور في كتاب «الأعلام ٣: ١٢» للزركلى بقوله ابن عِراق (٩٠٧ - ٩٦٣) على بن محمّد بن على بن عبدالرحمن ابن عراق الكنانى نورالدين فقيه متصوف له نظم و فيه قوّة على نقد الشعر] الخ و ذكر عدة من مصنفاته دون التذكرة و والد الرجل محمّد بن على بن عبدالرحمن (٨٧٨ - ٩٣٣) أيضاً صاحب مصنفات و ترجمته في الأعلام ٦: ٢٩٠. م‌ع‌ر عفي عنه في ٥ شهر رمضان ١٤١٨.

﴿**تذكرة الأنساب**﴾ ص ٢٩: ربما يطلق على «الأنساب المشجرة» لأحمد العُبيدلي المذكور في ج٢ ص٣٨٢ و يأتي بعنوان (تذكرة النسب).

«**تذكرة الاولياء**» ص ٢٩ رقم ٩٩: يأتي بعنوان روضة الابرار انه مطبوع.

«**تذكرة الاولياء**» ص ٢٩ رقم ١٠٠: أقول غير خفي على ذوى المسكة و النهى بأنّ القاضي الشهيد «نوّر الله ضريحه» لم يذكر الرجل في مجالس المؤمنين إلاّ لدواع خاصة دون الشهادة بتشيّعهم كما بيّناه مختصراً في التكملة هذه فيما يأتي من الكلام على مجالسه و إذا كان العطار النيسابوري على مذهب التشيع كما توهّمه المصنّف ره هنا و في «الانوار الساطعة ص١٤٧» فليس على وجه الأرض سنّي قَطّ و لكن انظر إلى ما قاله القاضي الشهيد نفسه في كتابه إحقاق الحق ما لفظه «و كذا روى شيخ اهل السنة و وليّهم فريدالدين العطار في تذكرته» إلى آخر كلامه الذي نقلناه في «شرح الروضات» و أمّا بديعالزمان فروزانفر المتخصص في احوال و آثار الصوفيه و العرفاء مع انه كان كما رأيناه من اهل الدنيا و حبّ زخارفها و رياساتها فقال اولاً بتسنّن الرجل و تعصّبه و تصلّبه في حبّ الخلفاء الثلاث و ذكر شواهد هذا الأمر في كتابه «شرح احوال عطار ص٥٧» ثمّ مال إلى تشيّعه و إماميّته مع توجيه كلام القاضي الشهيد المرعشي ره في مجالس المؤمنين و لم يأت بشيءٍ و لكنه رجّح أن يكون العطار كسائر اهل التصوف و العرفان غير مقيد بمذهب و دين لأنهم عشّاق و دينهم العشق (و مذهب عاشق ز مذهبها جداست) و هذا تمام الكلام و على الإسلام السلام.

«**تذكرة مير نقي الكاشي**» ص ٣٠ رقم ١٠٢: انظر الرقم ١١٠ في الصفحة الآتية.

«**تذكرة خلاصة الافكار**» ص ٣١ رقم ١١٠ س ٢٠، **هو**: خلاصه الاشعار و خاتمته.

«**تذكره خوشگو**» ص ٣٢ رقم ١١٢: يراجع «سفينه خوشگو» في موضعه و قال في مقدّمة فرهنگ سخنوران إنّه الّف بين سنة ١١٣٧ - ١١٤٧ و رقم النسخة في مكتبة سپهسالار ٢٧٢٤.

«**تذكره دولتشاهية**» ص ٣٢ رقم ١١٤: أقول لم نعثر لحدّ الان على تاريخ ولادة دولتشاه و لا على وفاته إلاّ انّه صنّف كتابه تذكرة الشعراء هذا عام ٨٩٢ و عمره حينئذٍ ما يقرب من الخمسين و انظر «ديوان دولتشاه ٩: ٣٣٢: ١٩٦٨».

«تذكرة الذاكرين» ص ٣٣: في التصوف للميرزا محمّد بن سلطان محمّد المتخلص بمحقق الأردبيلي! له (تبصرة الطالبين) و غيرها توجد التذكرة عند الدكتور السيّد أحمد التويسركاني و ليراجع (كتاب الخزائن للنراقي ص٣٣٤) و ما ذكرنا هناك بهامش نسختنا. يادداشت اصلى را در ج٢ زندگينامه علامه مجلسى گزارده‌ام بين ص٣٦٦ - ٣٦٧.

«تذكره شاه طهماسب» ص ٣٥ رقم ١٢٧: عندنا نسخة مطبوعة ببرلين. و يراجع (روزنامه شاه طهماسب) في ج١١ ص٢٧٠.

«تذكره شعاعيّه» ص ٣٦: انظر [ديوان شعاع الشيرازي ٩: ٥٢٦: ١٩٢٠].

«تذكرة الشعراء» ص ٣٦ رقم ١٣١: قال السيّد محمّد المشكوة في مقدّمة الطبع لكليد بهشت إنّ هذه التذكرة الّفت ١٠٨٣ - ١٠٨٦ و نسختها النفيسه موجودة عند ملك الشعرا بهار.

«تذكره الشعراء المعاصرين» ص ٣٧ رقم ١٣٦: أقول انظر «تذييل تذكرة الشعراء المعاصرين ٥٤: ٢٢١».

«تذكره الشعراء المعاصرين» ص ٣٨ رقم ١٣٨، الحزين: أقول انظر للحزين أيضاً ص٤٠ رقم ١٥٢ و ص٣٣٤ رقم ١٤٢٧ من هذا الجزء و ج٩ ص٢٣٥ و ج١٢ ص٢٥٤ و ج١٣ ص٣٢ رقم ١٠٧ و مقدمة تاريخه و تذكرته المطبوعتين حوالى سنة ١٣٧٢ باصفهان.

«تذكره شمس التواريخ» ص ٣٨ رقم ١٤٠: يأتي أيضاً بعنوان شمس التواريخ في ج١٤ ص٢٢٠.

«تذكرة العابدين» ص ٣٩ رقم ١٤٩: قال في الروضات و قيل إنّ من جملة تلامذة هذا الجناب (يعنى المير محمّدباقر الداماد) هو السيّد الامير محمّدتقى بن أبي‌الحسن الحسيني الاسترآبادي صاحب كتاب تذكرة العابدين في الفقه و رسالة في وجوب صلوة الجمعة و رسالة في شرح خطبة الشرايع و غير ذلك انتهى.

«تذكرة العاشقين» ص ٤٠ رقم ١٥٢: انظر للحزين ص٣٨ رقم ١٣٨.

«تذكرة العظيمية» ص ٤٠ رقم ١٥٦: توفّى الحاج الشيخ محمّدابراهيم الكلباسى بطهران في (٢٠ ع٢ سنة ١٣٦٢) و كانت ولادته في (١١ شوال ١٣٠٢) كما في مكارم الآثار.

ص ٤٠ س ٢٠: يراجع ما علّقته أخيراً على روضاتنا الجديدة.

﴿تذكره علوى﴾ ص ٤١: بالفارسية تراجم ١١٠ شاعراً و مداحاً لأميرالمؤمنين عليه‌السلام ألفها رضا بن عبدالخالق الثابتى ط طهران في ١٣٧٤ في ٢٠٠ص كما في فهرس مشار.

«**تذكره علوية**» ص ٤١: في ترجمة نظام العلماء التبريزي لعلى بن أحمد طبع بتبريز سنة ١٣٢٤ في ١٥٦ص كما في فهرس المشار.

«**تذكرة الكحالين**» ص ٤٤ رقم ١٧٤: يراجع نقباء البشر ص٥٧٧ فما بعدها.

«**تذكرة المتقين**» ص ٤٦ رقم ١٨٠: انظر كلمة شيخنا السيّد الأمين حول الشيخ محمّد البهاري في «أعيان الشيعة ٤٥: ٣١٢» و طبع له في تبريز سنة ١٣١٣ مقدّمة و تعليقات لكتاب «مناقب اميرالمؤمنين عليه‌السلام ٢٢: ٣١٥: ٧٢٥٣».

ص ٤٦ س١٩، **بتائب**: أقول انظر «ديوان التائب ٩: ١٦٣: ١٠٢٢» و له ترجمه في «خلدبرين ٢٥٢» لبيان الواعظين.

«**تذكرة المجتهدين**» ص ٤٦ رقم ١٨٢: أقول طبع في مجلة كلية الآداب بتبريز «نشريه دانشكده ادبيات تبريز الرقم المسلسل ٨٣ عام ١٣٤٦ش: ٣٠٤ - ٣٢٠» مع مقدمه رسالة «مشايخ الشيعة أو أسماء المجتهدين» للشيخ شرف‌الدين يحيى بن عزالدين المذكور في المتن و رقم التراجم المذكورة فيها ١٠٩ و الرسالة المطبوعه عين ما ذكره شيخنا المصنّف بقوله [و الظاهر انه غير رسالة في تراجم مشايخ الشيعة] الخ. ثمّ طبع في العدد بعده من المجلّة المذكورة أيضاً (ص٤٠٩ - ٤٢٢) رسالة عنوانها [أسماء المشهورين من العلماء] و فيها ١٠١ ترجمة و لم يذكر هناك مؤلف الرساله و قد تبين لنا بعد ما قارنا بين الرسالتين المطبوعتين ان الأولى مأخوذة من الثانيه كمّاً و كيفاً و الله العالم بحقايق الاحوال و راجع [الضياء اللامع ١٤٢] و السلام. ٤ صفر ١٤٠٨.

ص٤٧ س ٥، **كما يأتي**: يعنى «تراجم مشايخ الشيعة ٦٠: ٢٤٩».

«**تذكرة المصائب**» ص ٤٨ رقم ١٩٠: يأتي له «سبيل النجاة ١٢: ١٤١: ٩٥٣ و يراجع مكارم الآثار ج٧ رقم ١٦٢٤.

«**التذكرة النصيرية**» رقم ٢٠٣ — ص ٥١ س٣، (**المتوفّى ٩٣٤**): يأتي في ج١٣ ص١٤٤ سنة ٩٨٤ و في آثار الشيعة الإماميه ج٤ ص٦٢ سنة ٩٢٤.

«**تذكره نقل مجلس**» ص ٥١: تأليف محمود ميرزا ابن فتحعلي‌شاه قاجار (نقل عنه في خيرات حسان ج٢ ص٢٣).

«**تذييل سلافة العصر**» ص ٥٤ رقم ٢٢٣: أقول شاكراً و محدّثاً لنعمة مولاى ربي جل ثناؤه إنّه قد حصلت النسخة الوحيده من التذييل هذا عندنا بخط ولده السيّد بهاءالدين محمّد و قد الحق بآخره [الرحمّية ١١: ٢٤٨: ١٥٢٠] أيضاً لوالده فوضعنا المجموع في اجزاء كتابنا الكبير [رياض الابرار ١١: «...»] و أستنسخنا أيضاً نسخة بخطّنا عنه و اتحفناها لبعض الإخوان (الحاج آقا محمود المرعشي في شهر شعبان ١٤٠٩).

«**الترابية**» ص ٥٥ رقم ٢٢٦ س ١٨، بي‌بهاء: الصواب (بي‌بها) بالفارسية بلا مدّ.

«**تراجم آل المجلسي**» ص ٥٧ رقم ٢٣٠: يراجع المجلّد العاشر ص١١٤.

﴿**تراجم علماء البحرين**﴾ ص ٦٠: مرّ بعنوان (تاريخ علماء البحرين) للشيخ سليمان بن عبدالله.

«**تراجم مشايخ الشيعة**» ص ٦٠ رقم ٢٤٩: انظر «تذكرة المجتهدين ٤٦: ١٨٢».

ص٦١ س ٩: قوله (اخيراً) أقول يريد به كتاب «مناقب أميرالمؤمنين عليه‌السلام» المطبوع على الحجر في تبريز سنة ١٣١٣ و معه مقدّمة للشيخ محمّد البهاري صاحب «تذكرة المتقين ٤٦: ١٨٠» و يأتي الكتاب بعنوان «المناقب ٢٢: ٣١٥: ٧٢٥٣» فراجعه.

«**تراجم مشايخ الشيعة**» ص ٦١ رقم ٢٥٢ س ٢٤، **ما مرّ**: مراده «تذكرة المجتهدين ٤٦: ١٨٢ و انظر رقم ٢٤٩».

«**تراجم ولاة الحويزة**» ص ٦٢ رقم ٢٥٦ س١٥، **في رسالة**: يراجع (رسالة في نسب السيّد عليخان) في ج٢٤ ص١٤٠.

﴿**رسالة في الترتّب**﴾ ص ٦٤: تأتي متعدده في الراء.

«**ترتيب خلاصة الاقوال**» ص ٦٥: للشيخ الميرزا محمّدجواد طبع بايران سنة ١٣١٢.

«**ترتيب مسائل علي بن جعفر**» ص ٦٧ رقم ٢٨٢: أقول راجع [مسائل على بن جعفر ٢٠: ٣٦٠: ٣٤٠٦].

«**ترتيب مشيخة من لايحضره الفقيه**» ص ٦٨ رقم ٢٨٣: و نسخته اُخرى عندي و الظ ان نسخة الاصل هي التي كانت عند جدنا صاحب الروضات و انتقل اخيراً إلى مكتبه الإمام اميرالمؤمنين بواسطة شيخنا الأميني رحمه الله.

«ترتيب النجاشي» ص ٧٠ رقم ٢٨٧: رأيت منه نسخة تامّة منضمّة إلى الخلاصه و الإيضاح و رجال الشيخ و دراية الشهيد و المجموع بخط محمّد على بن وليّ الموسوي الاصفهاني نزيل مكّة كتبها سنة ١٠١٦ و لم ار في نسخة الترتيب المذكورة اسماً للمرتب اصلا و لا تاريخ الترتيب.

«ترجمان اللّغة» ص ٧٢ رقم ٢٩٦: يراجع «فهرست نسخه‌هاى خطى فارسى ٣: ١٩٧٥» و مقالة لدانش‌پژوه في مجله «هنر و مردم ١٨١: ٢٢» و توجد عدّة اوراق كتبها عبدالله المنشئ الطبري مصحّح ترجمة القاموس في مجموعة عندنا رقمها ٥٦٥٤ و هي مجموعة من رسائل شيخنا البهائى و غيرها و على الورقة الاُولى تملك عبدالكريم بن محمّد يحيى القزويني فلاحظ.

«ترجمة الآثار الباقية عن القرون الخالية» ص ٧٣ رقم ٢٩٧ س ٩، أيضاً: توجد نسخة هذه الترجمة في مكتبة الملك بطهران كما في مقدمه «ترجمه آثار الباقيه ابوريحان بيرونى» لأكبر داناسرشت - صيرفي طبع طهران سنة ١٣٢١ش.

«ترجمه ابصار العين في أنصار الحسين عليه‌السلام» ص ٧٣ رقم ٣٠١: أقول يراجع حتماً (ابصار العين) في ج١ ص٦٥.

«ترجمه احقاق الحق» ص ٧٥ رقم ٣١٣: يراجع لزاماً مجموعه (ميراث اسلامى ايران دفتر هشتم).

«ترجمة أخبار الاستنطاق» ص ٧٥ رقم ٣١٤: سيأتي له التشجير الفاطمى في ص١٨٤ و تأتى حاشيته على رياض المسائل في ج٦ ص٩٩.

«ترجمة اربعين البهائي» ص ٧٦ رقم ٣٢٢: أقول صرّح المترجم في اول الكتاب بأنه سماه بهذا الاسم اى «ترجمه قطب شاهى» و سيأتي في موضعه اشارة و اما العنوان الآتي في حرف القاف ج ١٧ ص ١٥٦ باسم «قطب شاهى» فالظاهر انه من الحاقات احد المصحّحين و لا وجه له و فيه تعريف للكتاب و لنسخة قديمة منه فيلاحظ.

ص ٧٧ س١٣، مطبوع: مرّة سنة ١٣٠٩ ببمبئى و اُخرى سنة «...» بطهران.

«ترجمه اعتقادات الصدوق» ص ٧٩ رقم ٣٣٧: يراجع ج١٣ ص١٠١ و حاشيه ذيل.

«ترجمه اعتقادات المجلسي» ص ٧٩ رقم ٣٣٨: أقول ماخذه كشف الحجب ص١١٢

فقط لم يذكره هنا و لا في كثير من مواضع نقله عنه و قوله «جواهر زواهر كه» الصواب «جواهر زواهر حمد كه» كما في المأخذ و مرّ ذكر رسالة الاعتقادات للعلامه المجلسي في ج٢ ص٢٢٤ و من جملة من نقلها إلى الفارسية المترجم العلاّمة الماهر الميرزا ابوالقاسم بن أحمد اليزدى فرغ من الترجمة سنة ١٢٤٢ كما ذكره صديقنا الفاضل الميرزا جعفر سلطان القرائى التبريزي في مقدمته لترجمه اعتقادات الصدوق للميرزا محمّدعلى (رقم ٣٣٧) المطبوعة بطهران في ١٣٧١ و الظاهر وجود النسخة عنده. و يأتي للمترجم أيضاً ترجمة شرايع الإسلام.

«ترجمة الفية الشهيد» ص ٨١ رقم ٣٥٢: أقول سيأتي (رقم ٦٧٢) ترجمة مكارم الاخلاق و راجع (إحياء الداثر: ١١٩ و ١٢٠).

«ترجمة الانوار النعمانية» ٨٢ رقم ٣٥٨: أقول هذا خطأ و الصواب ان الكتاب المطبوع هو المجلّد الأوّل من ترجمة الانوار و يشتمل على ٥٩٠ صفحه و في اخره ما لفظه «اين آخر ترجمه جلد اول انوار است. جلد دويم از كتاب نكاح است كه ترجمه مى‌شود. حرره الاقل ميرزا محمّد في ١٢٩٦» و الميرزا محمّد هذا هو كاتب النسخة في سنة ١٢٩٦ على الورق المخصوص للطبعة الحجرية و اظن انها طبعت في المطبعة الحجريه باصفهان و المشهورة في زمانها بمطبعة دروازه دولت و طائفة من الكتب المنسوبة للعلامة الحجة آقا نجفي الاصفهاني ره طبعت في تلك المطبعة و لم نعثر على المجلّد الثاني من ترجمه الانوار هذه و يغلب على الظن انّه لم يطبع بعد و اما خطأ شيخنا المؤلّف رحمه الله في نسبه الترجمه فليعلم اولاً ان في اول المجلّد الأوّل ما يلى نصه قال بعد الخطبة «و بعد چنين گويد بنده مجرم عاصي محمّدتقى بن محمّدباقر بن محمّدتقي» الخ و هذا هو العلاّمة الحجة الشيخ محمّدتقى المعروف بآقا نجفي المتوفّى سنة «...» دون جدّه صاحب حاشيه المعالم المذكور في المتن و لكن لايخفى ان هذه الترجمة للمير زين‌العابدين ابن السيّد حسن بن السيّد محمّد بن مير على‌اكبر الرضوي الخونساري المذكور في ج٧ ص١٣ س٣ فقد صرّح بذلك و باسمه و عمود نسبه السيّد المذكور في ص٤٥١ من النسخة المطبوعة و ذكرنا ما يتعلق بذلك في نسختنا فليراجع و الحمد لله رب العالمين. حرّره الحقير محمدعلي روضاتي في ليلة السبت ٩ شهر رجب ١٤٠٠.

«ترجمة الباب الحادي عشر» ص ٨٣ رقم ٣٦٤ س ٥، سامان: ساممان هذا ليس مذكوراً في اجزاء المجلّد التاسع من الذريعه و لا في فرهنگ سخنوران و يأتي ذكره أيضاً في (جواب بعض العامة ٥: ١٧٨: ٧٧٥) و في مواضع اُخرى مذكورة هناك.

«ترجمة بحارالانوار» ص ٨٣ رقم ٣٦٩: يراجع أيضاً (ترجمة اول مجلدات البحار) و (ترجمة عاشر البحار) و مرّ ذكر البحار و ترجمة ساير اجزائها في الباء.

﴿ترجمه بشارات الشيعة﴾ ص ٨٤: للفاضل الخاجوئى المذكور في ج٣: ١١٢: ٣٧٩. عندنا نسخة الترجمة كما مرّ ذكرها هناك.

«ترجمة البلد الأمين و الدرع الحصين» ص ٨٤ رقم ٣٧٤: رأيته في النجف و هو تأليف المير محمّدباقر بن الامير اسمعيل المدرس الخاتون آبادي المتوفّى (١١٢٧).

«ترجمه تحفة الابرار» ص ٨٨ رقم ٣٨٩: مرّ ذكر أصل التحفة في ج٣: ٤٠٥: ١٤٥٣ و يأتي الترجمة هذه أيضاً بعنوان المعرب في (ج٢١: ٢٣٩: ٤٨٠٩).

«ترجمة تفسير العسكري(ع)» ص ٨٨ رقم ٣٩٧: يأتي في ج٥ ص٢٦٤ جواهر الإيمان في ترجمة تفسير القرآن.

«ترجمة توحيد المفضل» ص ٩١ رقم ٤٠٩: أقول الطبعة الاخيرة لترجمة التوحيد صوّرت عن خط (عبدالرحمن دلفراقى) المعاصر في ١٧١ص رقعية و طبعت في طهران حوالي سنة ١٤٠٥.

«ترجمة جاماسب‌نامه» ص ٩٣ رقم ٤٢٢ س٩، الحويزي: و كذا أحال إليها في كتابه الآخر «تحفه حسينيه» و ليراجع الجزء الخامس في جاماسب‌نامه ص٢٢.

«ترجمة الجامع العباسي» ص ٩٣ رقم ٤٢٥: جاء في ذيل ص٣٨ من السنة الثالثه من تقويم (كشور ايران) في مقالة لسعيد نفيسى هكذا «باز چند كتاب ديگر در تاريخ گرجستان نوشته شده و در اينها نيز داستان‌هاى ايرانى را به ميان آورده‌اند و از آن جمله كتابيست از «فادسادان ژئورژيجانيدزه» كه جامع عباسى كتاب معروف شيخ بهائى را هم به زبان گرجى ترجمه كرده و مؤلف فرهنگ گرجى به عربى و فارسى نيز هست» انتهى.

«ترجمة الجزيرة الخضراء» ص ٩٣ رقم ٤٢٨: أقول انظر (الجزيرة الخضراء ٥: ١٠٥).

«ترجمة الحسنية» ص ٩٧ رقم ٤٥٢: يراجع (الحسنية) في ج٧ ص٢٠ و في فهرس مشار (ترجمه رسالة الحسينية) في ج١: ص١٢٩٠ و يراجع فهرس أحمد المتروى ايضا.

«ترجمة الحقايق» ص ٩٧ رقم ٤٥٣ س١٧، نسبه: و رأيت أنا أيضاً نسبتها إليه في بعض المجاميع ولكن لم ينقل عن الترجمه شيئاً.

«ترجمه خطب اميرالمؤمنين ع» ص ٩٩ رقم ٤٦٦: و يأتيان في ج٢٤ رقم ١٢٩ و ١١٩٠ و انظر ديوانه في ج٩.

«ترجمة الخواص» رقم ٤٧٢ — ص ١٠١ س٥: الصواب في الموضعين (فضلِ إلهْ).

«ترجمة زهر الربيع» ص ١٠٦ رقم ٤٩٧: و الطبعة الأولى بمطبعة اصله العربي في بمبئي.

«ترجمة سلوان المطاع» ص ١٠٧ رقم ٥٠٢: أقول و توجد نسخة منه في المركزية بجامعة طهران كما في فهرسها ج١٦ ص٤٠ و ذكر ان اسمها فرائد الاصقاع فراجعه.

«ترجمه شرايع الإسلام» ص ١٠٨: و شرحه بالفارسية سوى مباحث العبادات لأبي‌القاسم بن أحمد اليزدى شرع فيه من كتاب الجهاد إلى آخر كتب الشرايع و فرغ منه في سنة ١٢٤٣ و جعل مقدمه كتابه في مباحث الدراية كما ذكرناها في التكملة بعنوان «رسالة رجاليّة» يكثر المترجم الشارح في الفقهيات من النقل عن فقهاء عصر الغيبة لا سيّما العشرين شخصاً منهم و أهمّ موارد الذكر فائدةً حين نقل آراء الشيخ الطوسى و ابن ادريس و جدّنا المحقّق الكركى المتوفّى ٩٤٠ و لم يذكر فيه بعد جدّنا الشهيد الثاني المستشهد ٩٦٥ أحداً سوى العلاّمة السبزواري المتوفّى سنة «...» في عدة مواضع و ذكر المترجم معاصره صاحب رياض المسائل المتوفّى سنة «...» مرّة واحدة فقط و نحن نظنّ ان الكتاب كلّه كترجمة للرياض و الله تعالى هو العالم بحقائق الامور و قد طبع الكتاب في اربع مجلدات كلّها في ازيد من الفي صفحة من مطبوعات جامعه طهران و بآخر الاجزاء فهارس الأعلام و الكتب.

«ترجمه شرح نهج‌البلاغه» ص ١٠٩ رقم ٥١٠ س١٩، ولايش:/ درويش؛ كما في وقايع الأيّام (حاشيه ص٣٦٣).

«ترجمة الشفاء» ص ١١٠ رقم ٥١٤: أقول راجع ما ذكرناه في التكملة بعنوان [شرح شفاى بوعلى ١٣: ٣٣٦].

﴿ترجمة الشيعة و فنون الإسلام﴾ ص ۱۱۰: إلي الفارسيه للسيّد علي‌اكبر البرقعي اتمام ترجمته سنة ۱۳٦۰ و طبعه بعد هذه السنة بطهران.

«ترجمة الصحف الادريسية» ص ۱۱۱ رقم ۵۲۰: يراجع ما ذكرناه في هامش ص۴۲۸ ج۳ و يراجع ج۱۵ ص۱۳.

«ترجمة الصلاة» ص ۱۱۳ رقم ۵۳۱: تعرف هذه الرسالة بعنوان (مقدمه في معاني افعال الصلوة) أيضاً كما تأتي في ج۲۲ ص۹۰ الاشارة إليها و الظاهر أنّها المذكورة في الروضات باسم (اسرار الصلوة) كما مرّ و عندي منها نسخة بخط جدنا الإمام صاحب الروضات و والده القمقام في مجموعه جليلة رقمها ۳۴٦۲ و كتب الجد اسمه على احد اطراف النسخة كالمتن (ترجمة الصلاة) و إن لم يذكر هو و لا غيره في النسخة اسم المؤلّف. و طبعت الرسالة بطهران سنة ۱۳۰۰ ضمن مجموعة فيها اسرار الصلوة للشهيد الثاني و رسالة الكر للسيّد محمّد الحسيني التبريزي كما في فهرس المشار. و أيضاً عندنا نسخة اُخرى مع شرح الالفية لابن فهد رقم ۳۴٦۹ هي أيضاً كانت عند الجد و لعلّه استنسخ من هذه و كَتَب الجد على ظهر هذه النسخة ما لفظه «رسالة في معاني افعال الصلوة و شرح الفية الشهيد كلاهما لابن فهد الحلي صاحب عدة الداعي رحمه الله». انتهى.

«ترجمة طبايع الاستعداد» ص ۱۱۴ رقم ۵۴۲: و المترجم هو عبدالحسين ميرزا القاجار ابن مؤيدالدوله طهماسب ميرزا ابن محمّدعلي ميرزا دولتشاه، يراجع مقدّمتنا في مفتتح نسختنا من الطبايع.

«ترجمه طب الأئمّة عليهم‌السلام» ص ۱۱۴ رقم ۵۴۳: يراجع فهرست أحمد ۱: ۵۰۲.

«ترجمة الطرائف» ص ۱۱۵ رقم ۵۴۴ س۵، بعض: هذا البعض هو الحاج ملا محمّدصادق الطبسي الطهراني كما يظهر من الذريعة ج۲۳ ص۱۹۱ ذيل عنوان كتابه الآخر (منهج السداد في ترجمة نجاة العباد) و صرّح به المشار في كتابه «مؤلفين كتب چاپي ج۳ ع۴۹۵» و قد ذكرنا ما يتعلّق بذلك في ظهر نسختنا من المترجمين و في هامش كتاب المشار و كذا في هامش «نقباء البشر ص۸۵۵» حيث عنون للطبسي المذكور رحمه الله.

«ترجمة العتبي» ص ١١٦: يراجع (ترجمه تاريخ العتبى).

«ترجمة عهد مالك اشتر» ص ١٨٨: يراجع لمعرفة طائفة صالحة من ترجمات هذا العهد المبارك ديباجه محمّدتقي دانش‌پژوه لترجمه العهد بقلم حسين العلوي الاوي ط طهران ١٣٥٩ش. والديباجة ممتّعة من نواحي شتى ثمّ ان من جمله المترجمين للعهد هو صاحب «روضة الانوار عباسى ١١: ٢٨٩: ١٧٥٣» فراجعه.

ص ١١٨ س٢١، «تحفه سليماني»: يأتي بعنوان [التحفة السليمانية ٣: ٤٤١: ١٦٠٣].

«ترجمة عهد مالك اشتر» ص ١١٩ رقم ٥٦٩: أقول انظر «سلوك الولاة ١٢: ٢٢٧: ١٤٨٧» و «شرح العهد ١٣: ٣٧٤» و «شرح النهج ١٤: ١١٦: س١٦» و راجع «زندگينامه علامه مجلسى ٢: ١٥٧ و ١٩٣ و ٢٠٩» و قوله (و انّ) الصواب «إنْ» الشرطية بالتخفيف و اُطلق بصيغة المجهول. ثمّ إنّ عندنا جزء في ثمانية اوراق للسيّد عبدالحسين الحسيني الشهير بالخاتون آبادي جى من قرى كورة دارالسلطنة اصفهان (كما في اولها) و الاوراق كلها مقدّمة لترجمة عهد مالك بالفارسية و هي نسخة الاصل و السيّد هو صاحب «وقايع السنين» و لم نطلع على الباقي و الورقة الاُولى منها أيضاً مفقودة و الله العالم.

«ترجمة عهد مالك الاشتر» ص ١١٩ رقم ٥٧٠: يأتي أيضاً بعنوان «شرح العهد ١٣: ٣٧٤: ١٣٩٨».

«ترجمة عهد مالك اشتر» ص ١١٩ رقم ٥٧١: يكرّر العنوان في «شرح العهد ١٣: ٣٧٥: ١٤٠١».

﴿ترجمه عهد مالك الاشتر النخعي رضي الله عنه﴾ ص ١١٩: بالفارسية للمحقق السبزواري شيخ‌الإسلام محمّدباقر بن محمّدمؤمن المتوفّى سنة ١٠٩٠ جعلها الباب الاخير من كتابه القيّم [روضة الانوار العباسي] الذي صنفه سنة ١٠٧٣ لاجل الشاه عباس الثاني الصفوى المتوفّى ١٠٧٧ طبع الكتاب طبعة حجرية جيده في طهران سنة ١٢٨٥ كما يأتي في موضعه و ترجمته للعهد طريقة ممتازة.

«ترجمة الغرر و الدرر» ص ١٢١ رقم ٥٧٨: قال في فهرست المكتبة الرضويّة (نظم الغرر و نضد الدرر – فارسى – مترجم ملا عبدالكريم بن محمّد بن يحيى القزويني از

علماء عصر شاه سلطان حسين صفوی بوده و اين كتاب ترجمه غرر و درر عبدالواحد آمدی است و اين نسخة از باب ششم تا باب نهم) اه.

«ترجمة الفرزدقية الميمية» ص ۱۲۲ رقم ۵۸۳: انظر ما مرّ [تخميس الفرزدقية ١٠: ٢٦] و يأتي [شرح قصيده الفرزدق ١٤: ١٣: ١٥٣٦ - ١٥٤١] و [قصيده الفرزدق ١٧: ١٢٣: ٦٤٨]و نظم الجامي مطبوع في «سلسلة الذهب» من منظومات [هفت اورنگ ط طهران] إلاّ ان عبدالرحمن الجامي من النواصب عند فقهاء الإماميه و من المكفّرين عند علماء اهل السنة المنصفين القائلين بكفر مبغض أبي‌طالب عليه‌السلام و كذا كفر من ذكره بمكروه كما بيّناه في شرح الروضات [هامش ط ۲ ص٤٢٠].

«ترجمة القرآن» ص ١٢٦ رقم ٥٩٦: أقول طبع هذه الترجمة في بمبئي بمباشرة الميرزا محمّد ملك الكتاب في سنة «...» إلاّ أنّها نسبت إلى آقا جمال‌الدين و قال في آخره ما هذا لفظه چون اين كتاب مستطاب حرز الامان و ثمره شجره حضرت سبحان المسمّى بموائد الرحمن في ترجمة القرآن، كه جناب ... المولى محمّد بن حسين ملقب بجمال‌الدين و معروف بآقا جمال و موصوف بمحقق خونساري طاب‌ثراه حسب الفرمان شاهنشان ايران نادر شاه افشار از آغاز تا انجام بي زيادة و نقصان حرف بحرف و لفظ بلفظ از لغت عرب بزبان فارسي ترجمة و [...] مانند ... بسعي و اهتمام جناب ... حاج ميرزا موسى سياح إصفهاني بدست آمد لهذا در اينوقت اين بنده ... ميرزا محمّدملك الكتاب ... كتاب را بزيور طبع درآورده ... پس از همه بهتر همان كه اين حسن خداداد ساختم بنام نامی نوابه عليه ... خورشيد بانو غراباغی معروف به خان قزي شاهزاده قفقازيه ... إلى ان قال چون اين كتاب مستطاب موائد الرحمن از كتب خانه نادری يارث بنواب عليه عاليه موصوف رسيده لهذا حسب الاجازه آن مخدّره در دفتر كورنمت هندوستان بموجب قانون ۲۰ سنة ١٨٦٧ ثبت گرديد ... انتهى. أقول اما الترجمة فهو مكتوب في متن الكتاب و القرآن الشريف مكتوب في هامشه فلاحظ. ثم أقول هذا اقدم حاشيه منّي كتبتها على الذريعة بعد ما اشتريتها في سنة ١٣٦٧ و الحمد لله.

﴿ترجمة كشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء﴾ ص ١٣٠: لجدّنا الافقه الاكبر

الشيخ جعفر النحفي طاب ثراه توجد نسخة الترجمه بالفارسية لكتاب الصلوة إلى آخر الزكاة و تاريخها سنة ١٢٢٨ عام القحط العام في خزانة المسجد الاعظم بقم كما في فهرسها ٨٠ و ذكر ان الترجمه للعلامة الكبير الميرزا محمّدباقر النواب اللاهيجاني الإصفهاني شارح النهج.

«ترجمة كشف المحجة» ص ١٣٠ رقم ٦٢٠: انظر هامش ص١١٥.

«ترجمه كشكول البهائي» ص ١٣٠ رقم ٦٢١: الظاهر انه ابن خاتون العاملي مترجم الأربعين البهائيه فليراجع مطارح الانظار.

«ترجمه لئالى الأخبار» ص ١٣١ رقم ٦٢٧: يأتي له عدد ٧٤٨.

ص ١٣١س١٧، (**١٣٤٢**): الصّواب ١٣٤٨ كما في عدد ٧٤٨.

«ترجمة اللغة التركية بالفارسية» ص ١٣١ رقم ٦٣٠: راجع ما ذكرناه في التكملة على [تاريخ الأنبياء ٣: ٢٣٦: ٨٧٠].

«ترجمه مسكن الفؤاد» ص ١٣٥ س١: و اُخرى اسمها (ذخيرة المعاد) تأتي في هامش موضعها في ج١٠.

«ترجمه مصائب النواصب» ص ١٣٥ رقم ٦٥١ س١٤، **اسمه:** قال صديقنا المير جلال‌الدين المحدث الاُرموى في مقدمه الصوارم المهرقه ص سا بعد نقله كلام المتن ما نصّه: أقول استدراك صاحب الذريعه بلا مورد لما سيأتي من انّ علاءالملك و علاءالدولة كليهما من اولاد القاضي ره انتهى.

«ترجمة مصباح الشريعة» ص ١٣٥ رقم ٦٥٢: انظر ج٢١ ص١١٠.

«ترجمه مصباح المتهجد» ص ١٣٧ رقم ٦٥٧: لايخفى ان في الصفحة الاخيرة (ص ٦٠٠) من المصباح المذكور ما لفظله «قد فرغنا من المقابلة و تصحيح هذا الكتاب مع كمال السعي و بذل الجهد في شهر جمادى‌الاخرى سنة ١٢٣٨ في مشهد الرضا» انتهى ثمّ بذيله «در مطبعه علمى بطبع رسيد» و غير خفي انّ تلك المطبعة الحجرية كانت في طهران هذا.

«ترجمة معالم الاصول» ص ١٣٧ رقم ٦٦١: أقول طبع مؤخّراً في سنة ١٣٧٩ بطهران مع مقدمه لمرتضى مدرسى الجهاردهي في ٤٤ صفحة.

﴿ترجمه مكارم الاخلاق طبرسي﴾ ص ١٣٩: موسوم به (مكارم الكرائم) للمولى على بن الحسن الزواري عليه الرحمه صاحب التراجم الكثيرة و تفسير القرآن و غير ذلك عندي نسخة من هذا الكتاب و تاريخ كتابتها في ١٥ شهر رجب المرجب سنة ١٠١٢. ثم انّي وهبت هذه النسخة لخزانة كتب السيّد الفاضل السيّد محمّد الشهير بمحيط الطباطبائي مقيم طهران و اهداني هو بمجموعه قيّمه نفيسه عزيزة على و الحمد لله تعالى و ذلك في عام ١٣٧٧.

﴿ترجمه مهج الدعوات﴾ ص ١٤٠: للسيّد السند الامير محمّدباقر الداماد صاحب الرواشح ترجمه بالتماس واحدة من صالحات حرم السلطان الصفوى كما صرّح بذلك و باسمه و تاريخ ترجمته و هو (١٠٣٩) او (١٠٣٢) في اوّل الكتاب و رأيت نسخة الترجمة مكتوبة بخط مترجمه ظاهراً في هوامش نسخة جيّدة من المهج عند ابن عمّ جدّى العالم الفاضل السيّد محمّدحسن بن العلاّمة السيّد أحمد بن صاحب الروضات في ليلة النصف من شهر رمضان سنة ١٣٧٨. ثم أقول انى قد اخذت تلك النسخة من السيّد الجليل الحاج السيّد محمّدرضا ابن المرحوم السيّد محمّدحسن الروضاتي بعد عشرين سنة في اوائل ذى‌القعدة ١٣٩٨ و تأمّلتها جيّداً فظهر لى انّ ما كتبته هنا غير تامّ او غير صحيح و ليس في تلك النسخة ما يستفاد منه ان ترجمة المهج للسيّد الداماد مطلقا و بعيد أن تكون تلك الترجمة المكتوبة في حواشى النسخة بخط السيّد الداماد غاية البعد و ليس للترجمة مقدّمة و لا خاتمه و ان فقدت الورقة الاخيرة من النسخة و عبارات الترجمة خاصة بغير ادعية الكتاب و ليس فيها ترجمة الادعية و عباراتها مطابقة لعبارات الترجمه المكتوبة على هوامش النسخة المطبوعة المذكورة في ج٢٣ برقم ٩٠٠٩ و امّا التي فيها اسم السيّد الداماد فهي الصفحتان ١٠ و ١١ من تلك النسخة المخطوطة و قد كُتب في حواشيهما حرز للسيّد الداماد و هي التي رقم في آخرها ما نصّه «و كتب بيمناه ... محمّد الباقر الداماد الحسيني ... در عشر اخير شهر محرم الحرام ١٠٣٩... حسب الحكم نواب مستطاب آفتاب احتجاب وليّة الانعامى سنية الاكرامي عليه عاليه متعاليه خلد الله ظلالها مبسوطه بالتظليل على البرية مرقوم شد». انتهى كلامه و لا ربط لذلك ترجمة الكتاب أصلاً و مطلقاً و ان كُتبت نسخة الحرز في خلال الحواشي و هذا ما ظهر لى بعد التأمّل التامّ و

قد تصفحت النسخة جيّداً و لم أعثر سوى ما ذكر على اسم السيّد الداماد في أيّ موضع اخر من النسخة و ما ذكرناه سابقاً من انّ الترجمة للسيّد المبرور فهو سهو منّي و مبنيّ بعد الاعتماد على قول مالكها في ذلك على خلط حواشي النسخة بالحرز المذكور و عدم الدّقة اللازمة في امثال تلك الامور ليس إلاّ و الحمد لله الذي هداني إلى حقيقة الأمر ثم لايخفى ان كلّما سطرته هنا انما هو لاجل تصحيح ما كتبته سابقاً اى قبل عشرين سنة في هامش تلك الصفحة من نفي دلالة العبارة المنقولة على كون ترجمه المهج للسيّد داماد فقط فاذا تبين من موضع آخر و نسخة اُخرى ان الترجمة أيضاً له فلا كلام و دون اثباته خرط القتاد و لعل هذه الترجمة هي التي للمولى كمال‌الدين حسين الالهي الاتية في ص١٤١ و الله العالم بحقائق الاسرار. في التاسع من قعدة ١٣٩٨ حامداً مصلياً.

«ترجمة نثر اللآلى» ص ١٤١ رقم ٦٨٧: عندنا منه نسخة في أواخر مجموعة رقم ٢٢٠٩ و في موضعين من مقدّمة نظمه انه (نديمي) لا (نديم).

«ترجمة نجاة العباد» ص ١٤٢: لجدّنا الإمام المجدد صاحب الروضات قدّس الله تعالى روحه نسخة الاصل منه بخطه الشريف عندنا.

«ترجمه نجاة العباد» ص ١٤٢ رقم ٦٩٠: أقول نسخة منه موشحة آخرها بخط يد صاحب الجواهر طاب مثواه في خزانة المسجد الاعظم بقم كما في فهرسها ٥٣٢ و نسخة من الترجمة الموصوفة عندنا بخط كاتب فرغ من كتابتها سنة ١٢٦٢ في النجف الأشرف و في مفتتح كتاب الصوم و خاتمة الاعتكاف آخر الكتاب تصديق صحة النسخة بخط المرحوم صاحب الجواهر و خاتميه.

«ترجمه نفحات اللاهوت» ص ١٤٣ رقم ٦٩٦ س ٨، **روضات الجنّات**: في الروضات ط ٢ ص ٣٩١ س الأخير في ذيل ترجمة المحقّق الكركي و الظاهر نقله أعلى الله مقامه عن الرياض كذلک (ج ٣ ص ٤٤٢) و عدّه المصنّف في ج ٢٤ رقم ٢٩١ في عداد اثار الملاّ محمّد بن أبي‌طالب سميّ السيّد.

«ترجمه نفحة اليمن» ص ١٤٣ رقم ٦٩٧ س١٣، **(١٣٤٦)**: حالاته في ج١ تاريخ گويندگان اسلام لبيان الواعظين ص ٢٧٩.

«ترجمه نواقض الروافض» ص ١٤٣ رقم ٦٩٩: طبع هذه الترجمة بطهران في سنة ١٣٦٨ مع مقدّمة طويلة للحفيد المذكور الميرزا مرتضى المدرسى.

«ترجمة النهاية» ص ١٤٣ رقم ٧٠٠: راجع «النهاية ٢٤: ٤٠٣» و ما كتبنا حولها لزوماً و توفّى الحاج السيّد نصرالله التقوى في «...» محرم سنة ١٣٦٧.

«ترجمه نهج‌البلاغه» ص ١٤٥ س١٤: اسمه منهاج البراعة كما أنّ شرح القطب الراوندى أيضاً اسمه كذلك.

«ترجمه نهج‌البلاغه» ص ١٤٥ س٢١، تلميذ: أقول راجع ما ذكرناه بهامش ج٢١: ١٠٦: ٤١٥٢ عند ذكر كتابه الآخر (مصباح الذاكرين).

﴿ترجمة وفيات الأعيان﴾ ص ١٤٦: و شرحه اسمه «مشكاة ادب ناصرى» يأتي في ج٢١ ص٥٢.

«تراجم الاشخاص على ترتيب اسمائهم» ص ١٤٧: يراجع ما نقلناه في مفتتح نسختنا المطبوعة من مجموعة الرسائل المذكورة عن كتاب أعيان الشيعة ج٤٧ ص٨.

«ترجمة أبي‌بصير» ص ١٤٨ رقم ٧٢٤: للشيخ محمّدتقى التستري [الدرر النضير في المكنين بأبي‌بصير] مبسوطة جداً طبعت في المجلّد الحادى عشر من كتابه [قاموس الرجال ٥٩ - ١٧٦].

«ترجمة أبي‌الحسن البيهقى» ص ١٤٩ رقم ٧٢٨: أقول و تأتي رسالة اُخرى في ترجمة البيهقي هذا في (ج١١ رقم ٩٠١).

«ترجمه أبي‌مسلم المروزي» ص ١٥٠: راجع «رسالة ازهاق الباطل» في ج١١: ٦٢: ١٣٨٦. و السيّد عبدالحسيب المذكور هو مصنف [سدرة المنتهى ١٢: ١٥٤: ١٠٣٦] و غيرها.

«ترجمة الشيخ البهائي» ص ١٥٣ س ٨: بل اسمه (رشحات سمائي) و هو فارسى كما شافهنا به مؤلفه دام عمره.

«ترجمه المولى جعفر شرف‌الدين» ص ١٥٤ رقم ٧٤٨: مضى له عدد ٦٢٧.

«ترجمه السيّد جمال‌الدين» ص ١٥٤ رقم ٧٥٠: انظر «خاطرات السيّد ٧: ١٣٣: ٧٢٣» و الاحالات الكثيرة هناك حين الطبع و بعده في الاستدراكات و راجع «مكارم الآثار ٥: ١٤٥٥: ٨٣٠».

﴿ترجمة سلمان الفارسى و فضايل﴾ ص ١٥٧: اسمه نفس الرحمن في فضايل سلمان للحاج النوري.

«**ترجمه السيّد شبّر**» ص ١٥٨ رقم ٧٧٠: **يأتي مفصّلاً في** ج١١ ص١٤٣ و يراجع (رسالة في نسب السيّد عليخان) في ج٢٤ ص١٤٠ و انظر ص١٦٥ الآتية.

«**ترجمه السيّد عبدالله**» ص ١٦٠ رقم ٧٨١: أقول لم يذكر المصنّف وصف النسخة و قد نقل عن هذه الرسالة صاحب أعيان الشيعة منها في ترجمة الشيخ حسين بن على بن محفوظ (ج٢٧ ص٦١).

﴿**ترجمة عبدالله بن العباس**﴾ ص ١٦٠: للفقيه العلاّمة السيّد على ابن السيّد محمّدحسن المتلقّب بالفانى الإصفهاني «...» و لعبدالحميد طهماز السنّى [عبدالله بن عباس رضي الله عنه الإمام البحر عالم العصر] فرغ منه في ٢٠ شهر رجب ١٣٩٨ و طبع في بيروت في ١٢٨ص و لكاتب الاحرف تعليقات على الكتابين.

«**ترجمه آقا محمّدعلى بن آقا باقر الهزار جريبي النجفي**» ص ١٦٠ رقم ٧٨٣: أقول يأتي أيضاً بعنوان [رسالة في تذكرة احوال ١١: ١٤٢: ٨٩١].

﴿**ترجمة محمّد بن فضلعلى الشهير بالفاضل الشربياني**﴾ ص ١٦٥: لولده المحسن نزيل تبريز كما يأتي في ص٣٨٥ رقم ١٦٨٣.

«**ترجمه السيد محمّد بن الفلاح**» ص ١٦٥ رقم ٨١٧: ذكرنا في جامع الأنساب ص١٢٦. يراجع (رسالة في نسب السيّد عليخان) في ج٢٤ ص١٤٠ و ما ذكرنا هناك في الهامش.

﴿**ترجمة يزيد بن معاوية**﴾ ص ١٦٧: لعنة الله عليه و على معاوية. كتاب [يزيد بن معاوية فرع الشجرة الملعونة في القرآن] أثر هامّ خالد صنفه أبوجعفر أحمد المكّي في مكّة المكرمة و طبع في بيروت سنة ١٣٩٨ في ١٩٢ص جزاه الله تعالى خيراً و ليزيد انظر كتاب [تجارب السلف ص٥٧ و قبلها و بعدها طبعة إصفهان سنة ١٤٠٢ بعناية راقم الاسطر] و أيضاً تعليقات السيّد حسن قاضي طباطبائي التبريزي رحمه الله على التجارب ط تبريز و كذا راجع الباب الخامس من كتاب [انساب النواصب] و لايزال هذا الكتاب مخطوطا لم يطبع بعد و أيضاً [الزام النواصب صفحه ١٠٠ ط ضمن مجموعة صغيرة] و أيضاً كتاب [جذبه ولايت ٩٢].

«**تُرفة الصمديّة**» ص ١٧٠ رقم ٨٣٨: الذي تبيّن لنا انّ هذا الكتاب للشيخ

محمّدحسين البروجردى من فضلاء اوائل القرن ١٤ شرح هو الصمدية بالفارسية و سمّاه تُرفة الصمدية و صدّره و ختمه باسم الميرزا حسين‌خان بن الحاج آقا عيسى ابن على الاصفهاني الذي يظهر من آخر هذا الكتاب و خاتمه كتاب (النص الجلى) الآتي في موضعه انه كان «عمدة الاقران معتمد السلطان» فلما كان هذا الرجل من أعيان زمانه و اثرياء أوانه فلذا استفاد منه الشيخ محمّدحسين البروجردى في طبع الكتابين المذكورين لأداء نفقة طبعهما و لكن الاسف انا لم نعرف هذين الرجلين مطلقا لعل الله يحدث بعد ذلك امرا.

«**ترياق فاروق**» ص ١٧١ رقم ٨٤٥: يراجع طرائق الحقايق ج٣ هامش ص٢١٧ و فهرس المشار ج١ ع ١٣٣٢ و قد ردّ على الترياق هذا الميرزا محمّدباقر الهمداني الشيخى بكتابه «الاجتناب» كما مرّ في ج١ و يأتي للسيّد أيضاً تنبيه الانام فراجعه.

«**تزويج ام كلثوم**» ص ١٧٢ رقم ٨٥٠ س١: يعنى لعمر بن الخطاب و لم يذكره شيخنا تقيةً من الاعداء قاتلهم الله و ذكره في النقباء ص٣٢٥ بعنوان «رساله عدم تزويج ام كلثوم». أقول انظر «فهرست كتب مشايخ شيخيّه ج٢ صفحه ٤٥٨ رقم ٥٤» و انظر أيضاً «سؤال و جواب در جواز تزويج بنات ابوتراب» في ج١٢ من الذريعة ص٢٤٦. أقول و اما كتاب الحجة البلاغي فلم نعثر نحن و لا صديقنا الشيخ رضا الاستادى في مقالته حول ترجمة البلاغي في مجلة «مشكوة ١» على نسخته و قد ذكره شيخنا المؤلّف في كتابه الاخر «اعلام الشيعة» أيضاً من دون اشارة إلى نسخته. ثم ان المسألة العاشرة من «المسائل السّرويه» هي في تزويج اميرالمؤمنين عليه‌السلام بنته من عمر و تزويج النبى صلّى الله عليه و آله بنتيه زينب و رقيه من عثمان فاجاب عنها شيخنا المفيد عليه سلام الله في ص٦١ من «أجوبة المسائل السرويه» المطبوعة سنة ١٣٧٠ في النجف الأشرف و هي ضمن مجموعة جليله من آثاره و قد نقل كلام المفيد ره السيّد ناصر حسين الموسوي طاب ثراه في كتابه الكبير النفيس غاية النفاسة المسمّى «افحام الاعداء و الخصوم» بتكذيب ما افتروه على سيّدتنا ام كلثوم عليها سلام الملك الحى القيوم ص١٥٦ و للبياضي ره بحث حول الموضوع في كتابه الصراط المستقيم ج٣ ص١٢٩ في فصل خاص ناقلاً فيه عن الشافي للمرتضى و عن غيره.

قال السيّد الميرزا محمّدباقر الرضوي المدرس في كتابه «شجره طيبه ص ٢٢» ما نصّه «محقق كركى در رساله تزويجيّه كه رقيّه و ام‌كلثوم دختران صلبى پيغمبر بودند يا دختران خديجه اسم على بن أحمد را به احترام تمام ياد كرده فرموده «اورد الشيخ العارف الاجل بالسير و آثار اهل‌البيت الاطهار ابوالقاسم علي بن أحمد الكوفي ره في كتاب البدع المحدّثه بعد رسول الله(ص)» انتهى. أقول يريد بكتاب البدع المحدّثه «كتاب الاستغاثه في بدع الثلاثه» المطبوع الساير الدائر ذكر ما نقل عنه في اواسطه فراجعه و نقل الحاج ملا محمّدباقر مؤلف (الدمعة الساكبة) بخطه في هامش نسختنا من الاستغاثه كلام صاحب الانوار المضيئة حول الموضوع بواسطه «الانوار النعمانيه» للسيّد الجزائري ره. ثم انى عثرت بحمد الله تعالى على الرسالة المذكوره في المتن (الرقم ٨٥٢) فرأيت العبارة المنقوله في كلام السيّد المدرس في ص١٠ من تلك النسخة المطبوعة خلف المكارم و تبيّن لى بعد ذلك ان في مكتبتنا نسخة مخطوطه من الرسالة بعينها ضمن مجموعة من الكتب و الرسائل و اجوبة المسائل كثير منها للمحقّق الكركى (و رقمها 3504) و صرّح جامعها جدنا الحاج السيّد محمّد شفيق صاحب الروضات في فهرس المجموعة ان تلك الرسالة للمحقق الكركي هذا. و قال في تلك الرسالة ما نصّه «اما تزويج ام‌كلثوم فقد ذكر السيّد الاجل المرتضى في كتابه المسمّى بتنزيه الانبياء: و قد ذكرنا في كتابنا الشافي الجواب عن هذا الباب مشروحاً» الخ. و ليراجع ج١١ ص١٤٦ و ج٢٠ ص٣٩٦ و عندنا بحمده تعالى بمجموعة اُخرى بخط عمّنا الحاج سيّد محمّد المذكور و فيها (الورقه ٢٥٧ - ٢٥٦) (مسألة من املاء السيّد المرتضى في انكاح اميرالمؤمنين ابنته عمر بن الخطاب) في ثلث صفحات. و عندنا أيضاً رسالة (ارغام اناو الخصوم) المطبوع في الهند حول هذه المسائل كما ذكرناها في موضعها و لصاحب مقامع الفضل (رقم السؤال ل رلب) كلام طويل حول تزويج النبى و كذا الوليّ و يعترف بالوقوع في الموارد الثلاثه اضطراراً و تقيّة منهما صلوات الله عليهما فليراجع. و يأتي في ج ١١ ص ١٤٦ قوله «رسالة في تزويج عمر لاُمّ كلثوم بنت علي ع للشيخ سليمان بن عبدالله الماحوزي المتوفّى ١١٢١» الخ فراجعه. و كذا في ج ١١ ص ١٩٦ «رسالة في زحجيّ عثمان بن عفان» فليراجع.

﴿تزويج النبى ص عايشه و حفصه﴾ ص ١٧٢: يأتي باسمه «القيسرانية» في ج١٧ ص٢٢٥».

«التسامح في أدله السنن» ص ١٧٣ رقم ٨٥٧ س١٤، **(١٣٣٧): أقول** هذا خطاء و الصواب سنة ١٣٤٦ قبيل ظهر ٢٦ ج٢ كما نبّه عليه العلاّمة المعلم في ترجمة الرجل في «مكارم الآثار ج٧ رقم «...»».

«تسديد المكارم و تفضيح الظالم» ص ١٧٥ رقم ٨٦٨: يراجع خاتمه مكارم الاخلاق ط طهران سنة ١٣١٤ و «مكارم الآثار ج٦ رقم ١٣٥٦».

﴿تسع مسائل فقهية﴾ ص ١٧٧: للشيخ حسين بن عبدالصمد نسخة في مجموعه عندنا رقم ٥٦٥٤. راجع ج٢٠ ص٣٤٠.

«تسلية القلوب الحزينة» ص ١٧٩ رقم ٨٨٤: **أقول** انظر مقدّمة كتاب الإيضاح للفضل بن شاذان ص٣٥. و يأتي ذكر المولى فتحعلى في ج١٦: ٣٤٤: ١٥٩٨.

«تسلية المجالس الموسوم بزينة المجالس» ص ١٧٩ رقم ٨٨٥، **للسيد: أقول** صرّح العلاّمة المجلسي ره في عاشر البحار بنسبته الموسوي و امّا ما نسبه شيخنا المصنّف ره إلى الأخباري فقد استفاده من كتاب «روضات الجنّات ٦٢٦ ط ١ ص٥٩٨ ط ٢» ليس إلاّ و لكنه على عادته لايراعى حق سيّدنا الإمام المجدّد اقتداءً بشيخه المحدث النوري فكلّ يعمل على شاكلته و ذلك ظاهر من اشتباهه اولاً في ذكر اسم كتاب رجال الأخباري ثم تصحيحه اجمالاً في الجداول و ممّا لانشكّ فيه انّ الأخباري ذكر السيّد المذكور في كتابه استناداً إلى ما رآه في فصل مصادر البحار (ص٢١ ط ج) و لم يطّلع على اكثر مما فيه و ظنّه التعدد وهم و عليه فالميم في الأوّل بالضم و في الاخر بالفتح و اما لنسخة كتاب التسلية فلم نطلع عليه لحدّ الآن و الله تعالى المستعان و عدُّ المحدث القمي اعلى الله مقامه في مقدّمة كتابه «تسلية الاحزان» من جمله مآخذ نقله الظاهر انّه نقل عنه بواسطة البحار فقط دون المباشرة.

«تسمية من شهد مع أميرالمؤمنين» ص ١٨١ رقم ٨٩٨ س٥، **في الفهرست: أقول** و ذكر الشيخ هناك سند روايته لهذا الكتاب عن مصنفه فلابدّ انه كانت نسخته موجودةً في عصره و قد توفّي الشيخ رحمه الله سنة ٤٦٠ كما هو معلوم و انظر ما ذكرناه حول لفظ

الصحابي في التكملة على [صحابة النبي صلى الله عليه و آله ١٦: ٩: ٤٩].

«**تسهيل الغوامض**» ص ١٨٢ س٢١، **للمولى عبدالواسع**: پدر مير محمّدصالح خاتون‌آبادي نامش عبدالواسع است بايد تحقيق كرد شايد همين شخص باشد.

«**تشجير حديقة النسب للأفتوني**» ص ١٨٤: لشيخنا المصنّف كما ذكر في مقدّمة (ج٢٠ ص-يب) و يأتي «الحديقة ٦: ٣٩٠ س١٩» و يأتي ذكر التشجير بعنوان [شجره السبطين ١٣: ٣١: ٩٨].

«**تشريح الاصول الصغير**» ص ١٨٥ رقم ٩٣٢: **أقول** عندنا نسخة من المجموعة المذكورة و هي طبعة تبريز و معها رسائل اُخرى.

«**التشريف بالمنن في التعريف بالفتن**» ص ١٨٩ رقم ٩٤٤ س٨: قوله محمّد الطاوس الدوادى أقول الصواب محمّد بن محمّد الطاوس الداودى كما في «الانوار الساطعه ٤٩» و فيه أيضاً ١١٦ عند ترجمة «على بن موسى بن جعفر بن محمّد بن أحمد بن محمّد بن أحمد بن محمّد بن محمّد الطاوس» ثم ان التشريف بالمنن هذا غير كتابه «التشريف بتعريف وقت التكليف» الذي تكلّم حول نسخه في «الانوار الساطعه ٤٩/٥٠» و كذا في «مستدركات الذريعة».

«**تشنيف الآذان**» ص ١٩١ رقم ٩٥٢: أقول و لم يذكر في فهرس المشار.

«**تشويق المسالكين**» ص ١٩٢ رقم ٩٥٤ س٩، **جوابات**: يأتي بعنوان جواب المسائل الثلاث في ج٥ ص١٨٧ س١٧. و طبع التشويق أيضاً في المجلّد الثاني من كتاب جنتان مدهامتان للنهاوندى ره ص١٨.

«**تصحيح اعتقاد الإمامية**» ص ١٩٣ رقم ٩٦١: أقول طبع هذا الكتاب الجليل خلف «اوائل المقالات» للمفيد أيضاً في تبريز سنة ١٣٧١ باعتناء المرحوم الشيخ عباسقلى الواعظ الجرندابي ره مع مقدمات و تعاليق هامة و لكن يحتاج الكتابان إلى تحقيق دقيق من جديد و عندنا نسخة من التصحيح مكتوبة في بلدة الكاظمين سنة ١٢٢٣ صححها جدنا العلاّمة الحاج السيّد محمّد شقيق الإمام المجدد صاحب الروضات قدس الله روحيهما و النسخة في مجموعة «...» و يراجع [وصف الاعتقاد] في التكملة ٢٥: ٩٨.

«**تصحيح خبر رد الشمس لعلي عليه‌السلام**» ص ١٩٤ رقم ٩٦٦ س ١٩: رأيت ترجمته في تاريخ الإسلام للذهبى في ع ١ سنة ١٤١٨.

«تصفّح الصحيحين في تحليل المتعتين» ص ١٩٨ رقم ٩٨١: مرّ في ج١ عند ذكر اتفاق صحاح الاثر انه توفّي سنة ٦٠٦ و وجدت في عبقات الانوار وفاته نقلاً عن لسان الميزان لابن حجر سنة ٦٠٠ و الظاهر نقل شيخنا سلمه الله ههنا أيضاً من هذا الكتاب و لم أر وفاته في كتاب آخر فليتتبّع. نعم ذكر في «كشف الحجب و الاستار ص٤٣ و مواضع أخر منه» ان وفات ابن بطريق سنة ستمائة و لا أشكُّ في انّه أيضاً نقلها عن لسان الميزان فانّ صاحب الكشف هو اخو صاحب العقبات.

«التصوف و العرفان» ص ١٩٩ رقم ٩٨٧ س١٨، (في ١٠٠٨): مرّ ذكر الإجازة في ج١ ص٢٣٨ و انظر بحثا اجمالياً حول التصوف في كتاب تشكيل شاهنشاهى صفوية للدكتور نظام‌الدين مجير شيبانى ص٤١ و كذا في كتاب (تاريخ ايران از اسلام تا سلاجقه ٤: ٣٨٤ فما بعدها) ترجمه حسن انوشه قال الدكتور على اصغر حريرى في مقال له نشر في (مجله يغما ٥: ١٩) ثم في كتاب [عطار ص٩٧ للدكتور مهدى حميدى] ما لفظه بالفارسية [اصلاً شيعيان اثناعشرى نمى‌توانند تصوف را با دين خود تطابق بدهند. صوفيان در اصل گروندگان دين بُت هندوان بودند كه پس از تسلط اسلام براى حفظ هستى خود در كسوت تصوف در آمدند و آنرا به اسلام پيوند زدند] انتهى كلام الدكتور حريري فتدبّر نسئل الله سبحانه التوفيق لمتابعة الرسول و المعصومين من عترته و الاستنان بسنّتهم صلوات الله و سلامه عليهم و التجنّب عن كل وليجة دونهم و كل مطاع سواهم آمين. م ع ر ٧ شهر شعبان ١٤٠٦.

«تضمين الالفية» ص ٢٠٠ رقم ٩٩٥: انظر ترجمته في نقباء البشر ص٢٨٠.

«التطبيقية» ص ٢٠١ رقم ٩٩٧: طبع على الحجر بطهران سنة «...»

«تطهير الحصر و البواري» ص ٢٠١ رقم ١٠٠٢: أقول راجع (الحصر و البواري ٧: ٢٣ س٢٤) و عندنا منه نسخة بخط لطف‌الله الحويزي في مجموعة المكتوبة سنة ١١٠٤.

«تظلّم الزهراء» ص ٢٠٢ رقم ١٠٠٥: يراجع (تحقيق درباره اول اربعين ص١٣٤).

«التعازي» ص ٢٠٥ رقم ١٠٢٤ س١٤، في **مستدركه**: ج٣ ص٣٧٠ و كذا تلميذه المحدث القمي في سفينة البحار ١: ٥٣٤ في (رقي) و نسبته هناك أيضاً الحسيني خطأ مكان الحسني لجهله بنسب السيّد و هو حسني و هو صريح المستدرك و هو كما سرد نسبه

ابن الجوزي في المنتظم في ترجمة أبيالغنائم النرسي و نقل عنه شيخنا رحمه الله في النابس ص١٧٠ و عنه في مقدّمة كتاب فضل زيارة الحسين عليه‌السلام ص١١ و الكتاب أيضاً لصاحب التعازي طبع بقم سنة ١٤٠٣ و صورة النسب المنقول عن المنتظم مطابق لما في المشجر الكشاف ص١٩٩ - ٢١٠ فلعلّ صاحب المشجر أيضاً ناقل عن ابن الجوزي و الله العالم.

ص ٢٠٥ س١٨، **بالغري**: بالمشهد المقدس بالغري على ساكنه السلام. صح كما في المستدرك و لعل الحذف و التصرفات من الناشر.

«**تعبير الرؤيا**» ص ٢٠٨ رقم ١٠٤٢: و قد نقل عن التعبير هذا شيخنا يوسف البحراني في كتابه الكشكول المطبوع.

«**تعبير طيف الخيال في تحرير مناظرة العلم و المال**» ص ٢٠٨ رقم ١٠٤٣ س١٥، **الشيرازي المولد**: المولود ١٧ رجب ١٠٨٤ «من استدراكات ج٢٥» و هذا خطاء بلا شبهة. راجع (ج١٢: ٧٣ زهرة الحياة الدنيا) و (ج١٩: ٣٥٧ مجالس الأخبار).

«**تعجيز المسيحين في تأيد برهان المسلمين**» ص ٢١٠ رقم ١٠٤٥: **أقول** الصواب [تعجيز المسيحيّين] و نذكر له «تعيين الحدود».

«**تعديل الميزان**» ص ٢١١ رقم ١٠٤٨: و قد طبع تعديل الميزان هذا في حاشية كتاب (الحاشية على التهذيب) في المنطق في سنة «...» رأيته.

«**تعريف الشيعة**» ص ٢١٧ رقم ١٠٨٤: **أقول** يراجع في هذا الموضع عنوان [الشيعة ١٤: ٢٧١ - ٢٧٤] متعدداً.

«**تعزية الحسين عليه‌السلام**» ص ٢١٧ رقم ١٠٨٦: **أقول** من اراد الوقوف على أسماء بعض المآخذ حول تعزية سيّد الشهداء صلوات الله و سلامه عليه فليراجع مقاله «گزيده كتابشناسي تعزيه» بالفارسية للدكتور أبيالقاسم رادفر المطبوعة في مجلة [كيهان فرهنگى ٤٣: ٣٣ - ٣٤ و ٤٦: ٥١].

﴿**تعقيبات الصلوات**﴾ ص ٢١٨: للسيّد مير محمّدباقر بن اسماعيل الحسيني الخاتون آبادي الاصفهاني المتولد ١٠٧٠ المتوفّى ١١٢٧ ظ صاحب [نوروزنامه ٢٤: ٣٧٩: ٢٠٤٢]. ألّف التعقيبات بالفارسية حسب الأمر الأشرف الاعلي يعني بامر الشاه سلطان حسين

الصفوی و النسخة عندنا بخط حسن في ٤٠ ورقه بالحجم الصغير استنسخت في عهد المؤلّف كما هو الظاهر و ليس فيها تاريخ و لا اسم الكاتب و النسخة تلو [آداب صلوة الليل ١: ٢٣ التكملة] و ترجمة السيّد في [مكارم الآثار ١: ١٣١] و [زندگی‌نامه علامه مجلسی ١: ٣٢٤ فما بعد].

«تعلة المشتاق» ص ٢١٩ رقم ١١٠١: أقول استفاد صاحب «منية الراغبين ٢٩٩» في ترجمته من هذا الموضع من الذريعة و ترك ذكر المأخذ و لكنه اشار إلى موضعين آخرين يذكر الرجل فيهما اجمالا كتابان اخران للابيوردی هما «قبسة العجلان ١٧: ٣٥: ١٩٣» و «كتاب الأنساب ١٧: ٢٦٨: ٢١٢» و الله العاصم.

«التعليق العراقى» ص ٢٢٢ س١٩، **كما يأتي**: في ج٢٣ ص١٥١ و يراجع (المرشد إلى التوحيد) في ج٢٠ ص٣٠٥.

«التعليقة البهبهانية» ص ٢٢٣ رقم ١١٢٠ س١٠، **«الرجال الكبير»**: و قد أدرجها الشيخ ابوعلی الرجالی في رجاله منتهى المقال.

«التعليقة على التعليقة» ص ٢٢٣: قد بحث علينقى المتروى ولد المصنّف في فهرس مكتبه المشكوة ج٢ ذيل ص٣٧١ حول الفرق بين التعليقه و الحاشيه فراجع.

«التعليقة السجاديّة» ص ٢٢٣ رقم ١١٢٢: يأتي لمؤلفه الملاّ مراد قدّس الله روحه في ج١١: ١٢: ٥٥ رسالة في اثبات الواجب تعالى و [الحاشية على المختلف ٦: ١٩٦: ١٠٧٣] و نسخة كتابنا العمدة لابن البطريق استكتبت من نسخته و نقلت فيها حواشيه الكثيرة إلى نصفها.

ص ٢٢٣ س٢٥، **لزبدة**: أقول هذا التعبير موجود في الروضات.

ص٢٢٤ س ١، **التفريشي**: يراجع لنسبته ما ذكرناه بهامش نسختنا من [يادداشتهای قزوینی ٥: ٢٨٥ فما بعدها] و غيرها.

ص ٢٢٤ س٨، **يوم الاثنين**: نصّ الشارح كالتّالى «في السحر من ليلة الاثنين السابع عشر من شهر ربيع الأوّل» الخ كما في نسختنا.

«التعليقات» ص ٢٢٤ رقم ١١٢٤: أقول انظر «منتخب التعليقات ٢٢: ٣٨٦: ٧٥٥٤» و قال الدكتور يحيى مهدوى «...» و راجع «فهرست مركزى ٣: ٢٠٥ - ٢٠٧».

ص۲۲٥ س ۱، **السيّد أحمد:** هو الذي ذكرناه في كتابنا «فهرست كتب خطى ۱: رقم ٤۲ و ٤۳».

﴿**التعميم و التنبيه**﴾ ص ۲۲۷: لأبي‌محمّد الحسن بن حمزة الحسين ص٥۹٥.

«**تعويذ المطالع...**» ص ۲۲۷ رقم ۱۱٤۳: يراجع ج٦ ص ۷٦ و ۱۳٤ و يراجع (تنوير المطالع) في ص٤۷۲.

ص ۲۲۷ س۲٥، **الخزانة الرضوية:** كما في فهرسها ج۱ ص۱۰ فصل ۲ منطق.

﴿**تعيين الحدود على النصارى و اليهود**﴾ ص ۲۲۸: لفخر الإسلام ره قال في أواخر كتابه النفيس الشريف «انيس الأعلام ۲: ٥٦٥» إنّه في حكاية مناظرته مع جماعة اليهود و انّه فصل فيه شرايط الجزية و الكتاب في احد عشر الف بيت تقريباً و مر له «تعجيز المسيحيّين ۲۱۰: ۱۰٤٥».

«**تعيين ساعات الليل و النهار**» ص ۲۲۸ رقم ۱۱٤۸، **محمّدحسن:** هو صاحب تدوين الآثار المذكور في ص۱۹ و مرّ جدّه في ص۱٤۸.

«**تعيين الفرقة الناجيه**» ص ۲۲۸ س۲۰، **متعدّداً:** منها اشهرها للشيخ ابراهيم (رقم ٤۷۳) و يأتي في الفاء.

﴿**تعيين المخالفين لأميرالمؤمنين** و سيّد الوصيّين عليه من الله أفضل الصلوات و أكمل التحيّات﴾ ص ۲۲۸: رسالة موجزة لجدنا الشيخ على بن عبدالعالى المحقّق الكركى طاب ثراه نسختنا عندنا في مجموعة جليلة كاتبها جدنا العلاّمة الحجة الحاج المير سيّد محمّد شفيق جدنا الإمام المجدد صاحب الروضات و توجد أيضاً نسخة في (كتابخانه مركزى دانشگاه تهران) كما في فهرسها ۸: ٥۸۱ و هي أيضاً في مجموعة جليلة.

«**تفريج القاصد لتوضيح المقاصد**» ۱۱٥۹رقم ص ۲۳۰ س٥، **نزيل قم:** و ينقل عنه المرحوم الحاج مير سيّد على بن الحاج سيد محمد بن الحاج ميرزا زين‌العابدين الموسوي جدنا الامجد في بياض عندنا بخطه. و كذا ينقل عنه والده المرحوم الحاج مير سيّد محمّد شفيق صاحب الروضات في بعض مجاميعه فلا شك في وجود النسخة عندهما و يكتب هو التفريج بالحاء فلاحظ. و راجع ما ذكرناه بهامش ج۱ ص۱٥۰ رقم ۷۱٤.

«**تفريج الكربه عن المنتقم لهم في الرجعه**» ص ۲۳۰: أقول يأتي له رسالة في [عدم صعود جثة الإمام عليه‌السلام إلى السماء ۱٥: ۳۳۸: ۱٥٤۷].

ص ٢٢٣ س٢١، **الراغب الاصفهاني:** أقول عدّ الراغب في رجال الشيعة المفسرين من الغرائب كما ذكرنا بهامش [اخلاق راغب ١: ٣٧٤: ١٩٥١] و سيأتي [تفسير الراغب ٢٧٤ س١٣].

«تفسير الائمة لهداية الامّة» ص ٢٣٦ رقم ١١٦٨: يأتي مختصره في ج٢٠: ١٨٨: ٢٥١٩ و لأخي هذا المفسّر المولى محمّدتقى [العقال ١٥: ٢٨٠: ١٨٣١].

ص ٢٣٧: يراجع ج٥ ص١٥١ و أيضاً (فهرس گوهرشاد ١: ٣٦).

ص ٢٣٧: براى شرح حال ميرزا محمّدرضا (واقعه نويس) رجوع شود برياض العلماء محمدين كه مفقود الاثر است چون مؤلف رياض تمام يا قسمتى از اين تفسير را داشته و حقير تملك او را بر چند جلد از آن ديدم و اين تفسير معروف بوده است به تفسير واقعه‌نويس و يك نسخه كبير از مجلد هشتم (يا چنانكه خيلى قديم در روى برگ اول آن نوشته: جلد هفتم تفسير واقعه (كذا و مقصودش واقعه‌نويس است) تفسير سوره توبه سوره يس سوره النور) در نزد حقير تا سال ١٤٠٢ قمرى موجود است. بشماره (6474) و روى برگ اول بخط تعليق بسيار زيبا چنين نوشته است (هو مما استكتبه العبد الاقل محمّدابراهيم بن زين‌العابدين النصيري الطوسى مرجئا من الله تعالى توفيق مطالعته و فهمه و ضبطه) مهر (على بس است ظهير محمّدابراهيم ١٠٨٧) اه و لابد لقب اين شخص ظهيرالدين بوده. پس از نوشتن اين شرح نسخه موصوفه را به آقاى حاج آقا محمود مرعشى دادم و بقيه نسخى كه ديده‌ام در فهرست حسينى نوشته‌ام.

«تفسر ابن الجحام» ص ٢٤١ رقم ١١٧٩: **قال الشيخ محمّدهادى الطهراني في مبحث** تحريف الكتاب من جزء الادلة العقليه لكتابه محجة العلماء ص١٤٢ في جملة أسماء من افراد لأثبات التحريف بالتصنيف ما نصّه: «مير محمّد بن العباس بن على بن مروان الماهيار المعروف بابن الجحّام صاحب التفسير المعروف الذي قالوا فيه إنّه لم يصنف في اصحابنا مثله». انتهى.

ص ٢٤٢ س٦، **و غيره:** أقول مثل غاية المرام.

«تفسير ابن عباس» ص ٢٤٣ رقم ١١٨٥: انظر مدح تفسير ابن عباس في كتاب [انس

التائبين ١: ٨] للشيخ أحمد جام المتوفّى ٥٣٦ ذكر انه المعوّل عليه في التفسير و التأويل و انه اجلى من الشمس دون غيره. و رأينا في كتاب [محجة القرايات «...»

«تفسير ابن المتوج» رقم ١١٩٢ — ص ٢٤٧ س٢٢، (**المتوفّي ٨٢١**): يراجع تعليقنا على الروضات ط ٢ ص٦٣٩ عن ج١ ص٤٢٩ فهناك ٨٢٦ و هو الصحيح.

«تفسير أبي‌الجارود» ص ٢٥١ رقم ١٢٠٢: يراجع ما سيأتي في «تفسير على بن ابراهيم ص٣٠٣».

«تفسير اهل التطهير» ص ٢٦٣ رقم ١٢٢٧: أقول و يأتي أسماء ساير تفاسير العلاّمة في ص٢٩٣.

«تفسير الجرجى» ص ٢٦٩ رقم ١٢٤٨: أقول اسمه «امّ الحقايق في كشف الدقايق» انظر وصفه في فهرسنا لمكتبة السيّد.

«تفسير المولى الحكيم محمّدحسين» ص ٢٧٢ رقم ١٢٦٥: يراجع الكواكب المنتشره ص٢١٥.

ص ٢٧٢ س٢٢، **تفسيره**: أقول و ذلك في ذيل ترجمة الملاّ رجبعلى ج١ ص٢٨٤ ط قم و يلاحظ ان سعيد أيضاً مذكور هناك و لم يصفه الافندى بالقاضي بل قال مكرراً (الحيكم محمّد سعيد) و وصفه بالحكيم كوچك كما لم يذكر اسم ابيهما و امّا القاضي سعيد فهو رجل آخر هو صاحب الأربعين و الأربعينيات و شرح توحيد الصدوق و هذا الخلط و الخطاء قد انجر ذيله إلى هذا الزمان و الله المستعان. م‌ع‌ر في ٢٧ صيام ١٤١٥ و قد بحثنا حول هذه المطالب مستوفي في مقدّمة نسختنا من كليد بهشت و حواشيها و في مواضع اُخرى أيضاً فليراجع لزاماً. ثمّ بعد كلّ ذلک صنبفنا رسالة خاصّة حول هذه المواضع باسم الرسالة السعيديّة بالفارسية و طبعت في مجموعة «دومين دو گفتار» و الحمد لله ربّ العالمين.

﴿تفسير السياري﴾ ص ٢٧٧: أبي‌عبدالله أحمد نسخة منه عندي في مجموعة خلف صفوت الصفات للكفعمى بخط جدنا الحاج عمو ره العلاّمة الحجة المحقّق الحاج السيّد محمّد شقيق الإمام صاحب الروضات. ثم أقول هكذا سمّاه جدّي في اخر النسخة و لعله (ثواب الاعمال) للسياري المذكور في الذريعة ج٥ ص١٩ و الله العالم.

«تفسير شاهی» ص ٢٧٧ رقم ١٢٧٨: تفسير شاهی طبع في مجلّدين بتبريز و مرّ لمؤلفة (تاريخ الصفويه) في ج٣ ص٢٦١ و يأتي له «الحاشية على شرح المطالع ٦: ١٣٣: ٧١» و راجع ترجمته في [دانشمندان و سخنسرايان فارس ٣: ٢٥٩ - ٢٦٠] و هناك تراجم عدّة من اقاربه. و انظر لأبيه الناصب [ديوان اشرف جرجانی ٩: ٧٧: ٤٤٦].

«تفسير الإمام الصادق عليه‌السلام» ص ٢٧٨: و هذا العنوان منّي انظر تفسير علی بن ابراهيم القمي رقم ١٣١٦.

«تفسر المولی صدرا» ص ٢٧٨ رقم ١٢٨٣: يراجع ج٢٠ ص٧٦.

«تفسير الشيخ عبدالنبي» ص ٢٨١ رقم ١٢٩٠: أقول انظر لزوماً [ديوان اشرف الطسوجی] ٩: ٧٧: ٤٤٧.

«التفسير العرفانی» ص ٢٨٢ رقم ١٢٩١: شايد كشف الاسرار ميبدی باشد.

«تفسير العسكري» ص ٢٨٥ رقم ١٢٩٥: في قاموس الرجال ج٤ ص٤٥٤ في ترجمة سليم بن قيس بعد اثبات صحة كتابه قال (فالكتاب الموضوع ان اشتمل على شيء صحيح يكون في الاقلية كما في التفسير الذي افتروه على العسكري عليه‌السلام).

بايد تمام عبارت نقل شود و أيضاً از ج٦ ص٣٢٦ و رجوع بشرح حال حضرت عسكری هم در آن كتاب شود. و كتاب الأخبار الدخيله او و همچنين كلام شيخ ميرزا ابوالحسن شعرانی در آخر تفسير مجمع‌البيان چاپ اسلاميه.

الفائدة ٤٩ من الفوائد الطوسية للشيخ الحرّ في نسختنا المخطوطة بيان حال تفسير العسكري عليه‌السلام و راجع الذريعه ج١١ ص١٥٢ رسائل حول التفسير و إنّ من العجيب عدم ذكر شيخنا المصنّف نسخة مخطوطة لتفسير الإمام العسكري صلوات الله و سلامه عليه و قد رأيت في كتاب [دايرة المعارف الإسلامية ايران ٨: ١٦٣] للشيخ عبدالعزيز آل صاحب الجواهر ذيل عنوان (خ ط) و عند عدّه لخزائن الكتب و منها خزانة البلاط الصفوی في اصفهان فعند انجرار الكلام إلى نسخة من القرآن الكريم في تلك الخزانة بخط الإمام العسكري عليه‌السلام على حد زعمه ذكر ان نسخة مخطوطة معتبرة من تفسير العسكري هذا موجودة في كتبخانه بشيرآغا في اسلامبول و الله العالم.

[مقدمه كنز العرفان ص ١٧ ديده شود].

ص ٢٨٨ پاورقي پاورقی س١٢: «كتاب الضعفاء» لابن الغضائري ره و يأتي في «رجال ١٠: ٨٨ و ٨٧: ١٦٤ و ١٦٣» و قال السيّد العلاّمة الخوئي في «معجم رجال الحديث ٧: ١٢٥» ما لفظه [على انّا لو علمنا بأنّ منشأ شهادته (اى شهادة النجاشي) شهادة ابن الغضائري لم يكن بدّ من الاخذ بها فانّه من مشايخ النجاشي و هُم ثقات و نحن انما لانعتمد على التضعيفات المذكورة في رجال ابن غضائري لعدم ثبوت هذا الكتاب عنه و امّا لو ثبت منه تضعيف بنقل النجاشي او مثله لاعتمدنا عليه لا محالة] انتهي و ليراجع (الباس ص١٥) مع الحاشية.

«تفسير العلاّمة الحلي» ص ٢٩٣: أقول و مرّ ذكر تفسير آخر للعلامة باسم الإيضاح في ص٢٦٣ مشيراً إلى محلّه في ج٢.

«تفسير غياث ابن ابراهيم» ص ٢٩٦ رقم ١٣٠١ س٢، **الكوفي**: انظر ص٢٩٩ س٨.

«تفسير القمي» ص ٣٠٢ رقم ١٣١٦: يأتي في ص٣٠٤ انه توفّى ٣٢٨.

ص ٣٠٣: قال العسقلاني في لسان الميزان ج ١ ص٢٢٣ الرقم ٧٣٤ ما لفظه [ز - أحمد بن علي بن ابراهيم بن هاشم بن الجليل القمي ابوعلى نزيل الري ذكره ابن بابويه في تاريخ الري و قال سمع اباه اسعد بن عبدالله و عبدالله بن جعفر الحميري و أحمد بن ادريس و غيرهم و كان من شيوخ الشيعة روى عنه ابوجعفر محمّد بن علي بن بابويه و غيره] انتهى. و راجع الثقات العيون/٣٢.

ص ٣٠٣ س٢٢، **ما لفظه**: قابلت ما نقله عن التفسير بنسخة مخطوطه لنا من مخفوظات القرن العاشر في الظاهر (رقم 6478).

ص ٣٠٣ س٢٣، **العباس**: للعباس يراجع المجدى ص١١٧ ط قم و الثقات العيون ص١٤٥.

ص ٣٠٤ س١٥، (**المتوفّى ٣٢٨**): انظر ص٣٠٢.

«تفسير **الحافظ محمّد**» ص ٣١٣ رقم ١٣٢٨ س ١٩، **يأتي**: في ج٢٤ ص١٠٦.

«**تفسير نيلفروش**» ص ٣١٨ رقم ١٣٤٣: **أقول** انظر خاتمة المستدرك ص٣٨٨.

«تفسير واحدي» ص ٣١٩: انظر (مختصر التفاسير ٢٠: ١٨٨: ٢٥١٦).

«**تفسير ملا يعقوب**» ص ٣٢١ رقم ١٣٥٠ س١٨، **الآتي**: أقول إنّ الآتي بعد هذا بالعربية.

ص ٣٢١ س١٩، (**المتوفى ١٠٤٧**): أقول الصواب ١١٤٧ كما يأتي في «النور الساطع ٢٤: ٣٦٩: ١٩٨٠» مع التكملة يراجع.

«**تفسر آية البسملة**» ص ٣٢٥ رقم ١٣٧٢: **أقول** هو الذي ذكره جدنا الشيخ على سبط الشهيد الثاني في [الدر المنثور ٢: ١٨٩] عند ذكر مصنفات جدّه المبرور ذكره بعنوان [رسالة في شرح بسم الله الرحمن الرحيم عندي بخط والدى رحمه الله] انتهى و يشير إليه شيخنا المصنّف بعنوان [شرح البسملة ١٣: ١٢٦: س٣] و لم يذكر له نسخةً إلاّ ان نقله عنه يشهد برؤيته لنسخة.

«**تفسير آية الكرسي**» ص ٣٢٩ رقم ١٣٩٩: يراجع فهرس الرضويّة ج٤ ص٤٤٣ و رجال اصفهان ص٢٠٠. و انظر ج١٥ ص٢٤٩ عنوان «عروة المتقين».

«**تفسير آية النور**» ص ٣٣٤ رقم ١٤٢٩ س١٣، (**١٣١٩**): و اوردها تمامًا الشيخ هادى الكوزه كنانى في كتابه (روضة الامثال من ص٢٢١ إلى ص٢٣٥) و ان لم يصرّح باسم مؤلفها مع انه بالغ في اطرائه.

«**تفسير آيه يوم يأتي بعض آيات ربّك**» ص ٣٣٤ رقم ١٤٣٠ س١٩، **أيضاً**: ذكر هذه الحاشية في ج٦ ص١٢٥ ع ٦٧٦ فلىراجع.

«**تفسير سورة الاخلاص**» ص ٣٣٥ رقم ١٤٣٨: ذكره ابنه في إجازته مناقب الفضلاء.

«**تفسير سورة الاخلاص**» ص ٣٣٦ رقم ١٤٤٢ س٩، **القياس**:/ يُقاس؛ كما في نسختنا المكتوبة سنة ١٠٩٥ في ضمن مجموعة من رسائل البهايي و غيره رقم ٥٠٥٤ و الحمد لله.

«**تفسير سورة البقرة**» ص ٣٣٧ رقم ١٤٥٢: و راجع رقم ١٤٨٢.

«**تفسير سورة الفاتحة**» ص ٣٣٩ رقم ١٤٧٩: ذكره ابنه في مناقب الفضلاء.

«**تفسير سورة الفاتحة**» ص ٣٤٠ رقم ١٤٨٢: و راجع رقم ١٤٥٢.

«**تفسير سورة هل أتى**» ص ٣٤٣ رقم ١٥٠٨: يراجع الروضة النضرة ص٥٧١.

«**تفصيل وسائل الشيعة**» ص ٣٥٢ رقم ١٥٥٠: لهذا الكتاب الكريم شرح عظيم يسمى [نهاية التحصيل في شرح مسائل التفصيل] اشير إليه و إلى نسخته في فهرس المكتبات الملحق بآخر ج٧ ص٢٩١: ٣٩ من الذريعة فيراجعه و من الغريب عدم تعرضه له لا في حرف النون و لا في المستدرك و سبحان من لايسهو.

ص ٣٥٣ س٣: قوله (و اقتصار البحار) أقول في هذا الادعاء نظر كما بيّناه عند ذكر «بحارالانوار ٣: ١٦: ٤٣» ثم اعلم انّ الحاج كريمخان الشيخى المتوفّى ١٢٨٨ نقل في كتابه الكبير [فصل الخطاب ١٦: ٢٢٩: ٨٩٥] جميع احاديث الوسايل هذا بحذف الاسناد الا من كان من العامه فذكر اسم ذلك الراوى العامى تاركاً لما كان مكرّراً فيه لفظاً او معنى واستقصى جميع ما فيه فائدة مؤسّسة كما بيّنه في مقدّمة كتابه ص٩ فراجعه و الظاهر أنّ الخنان نقل عن نسخة الوسائل المطبوعة لاوّل مرّة في سنة ١٢٦٩ إلى ١٢٧١ و على اي حال يلزم للباحث الرجوع إلى فصل الخطاب أيضاً و لايغفل. م‌ع‌ر في ١٤ قعده ١٤٠٩.

ص ٣٥٤ س٨، **السيد جعفر**: بزرگش نخوانند اهل خرد / كه نام بزرگان بزشتى برد.

ص ٣٥٦ س١٥، **من زعم**: الظاهر انّ الزاعم هو الشيخ السنكلجى الطهرانى.

«تفضيل السادات على المشايخ» ص ٣٦٠ رقم ١٥٦٨: أقول يأتي في نفس الموضوع [فضائل السادات ١٦: ٢٥٨ فما بعدها] مكرراً.

«تفضيل القرابة على الصحابة» ص ٣٦٠ رقم ١٥٧١: أقول لم يرد على ما في المتن في «الانوار الساطعة ٧٣» شيئاً سوى ان ابن عمنا العلاّمة السيّد ابوالقاسم ذهب بتلك النسخة و سائر ما كان يهلكه إلى بلاد الهند حين انتقاله إليها و توطنه فيها.

«التقريرات» ص ٣٦٧ رقم ١٦٠١: مضى ذكره في ج٢ ص٢٠١.

«التقريرات» ص ٣٧٤ رقم ١٦٣٤: أقول يأتي ذكره أيضاً في [شرح طهارة الوافي ١٣: ٣٦٦].

«التقريرات» ص ٣٧٤ رقم ١٦٣٦: أقول يأتي ذكره أيضاً في [شرح طهارة الوافي ١٣: ٣٦٦]. قال في [أعيان الشيعة ٣٣: ٢٢٧] في ترجمة جدنا الشيخ حسن صاحب المعالم قدّس سرّه ما لفظه [و كان بحرالعلوم الطباطبايي يدرس كتاب الوافي في العصر الذي قبل عصرنا و الّف صاحب مفتاح الكرامة مجلداً في تقرير بحث استاذه المذكور لكتاب الوافي مشحونا بالفوائد] انتهى موضع الحاجة.

«التقريرات» ص ٣٧٤ رقم ١٦٣٧ س ٢٥، **الآتي ذكره**: رقم ١٦٤٣.

«التقريرات» ص ٣٧٦ رقم ١٦٤٣ س ١٢، **الهمداني**: انظر رقم ١٦٤٨.

«التقريرات» رقم ١٦٤٨ — ص ٣٧٧ س١: انظر رقم ١٦٤٣.

«التقريرات» ص ٣٨٢ رقم ١٦٨٠ س٢٣: يعني الاعلمي صاحب مقتبس الاثر قدّس سرّه.

«التقريرات» ص ٣٨٤ رقم ١٦٨٦: أقول راجع (ج١: ٢٦٨: ١٤٠٨) و التكملة.

«تقريظ الدفاتر» ص ٣٨٧ رقم ١٧٠٢: أقول مر ذكر هذا الكتاب خطأ بعنوان «تعريض الدفاتر ٢١٤: ١٠٧٣» ثم تفطن شيخنا المصنّف طاب مضجعه للخطأ فاستدركه في مواطن عديدة و يأتي للشريف في هذا الجزء «تهذيب الطبع ٥١١: ٢٢٧٩» كما يأتي «ديوان ابن طباطبا ٩: ٢٦: ١٥٣» فاستفد من الجميع و من الله التوفيق و انظر لزاماً توابغ الرواة ص٢٤٣ و ما بهامشها.

ص ٣٨٨ س١، في محله: ص٣٦٢.

«تقليد و طهارت» رقم ١٧٢١ ص ٣٩٠ س٣، (حدود ١٢٩٥): في شهنشاه‌نامه انه ولد في ١٢٨٧ فراجع.

«تقليد الميت» ص ٣٩٢: أقول عندنا منه نسخة في مجموعة كتابة بعضها سنة ١٢٤٣ و نسخة اُخرى قديمه في مجموعة من رسائله و غيرها رقم ٧٧٠ و لم يصرّح الشهيد الثاني باسم السيّد حسين في الرسالة و كلام كشف الحجب في التسمية مستند إلى تصريح الشيخ ابن العودى رحمه الله في رسالته المعهودة المدرجة في كتاب الدر المنثور لجدنا العلاّمة الشيخ علي سبط الشهيد المصنّف قدّس سرّهما.

ص ٣٩٢ س١١، خامس: في نسختنا خامس عشر.

«تقليد الميت» ص ٣٩٣ رقم ١٧٣٩: نُسَخُها عندي في مجموعة لطف‌الله الحويزي.

«تقويم الآيات» ص ٣٩٤ رقم ١٧٤٨: نسخة منه في مكتبة السيّد مصطفى فهرستُها.

«تقويم الايمان» ص ٣٩٦ رقم ١٧٥٢ س٤، تجلّلت: و الصّواب تمجّدت.

ص ٣٩٦ س٦: أقول و يأتي شرحه «كشف الحقائق ١٨: ٢٩: ٥٢٢» فراجعه.

«تقويم پارس» ص ٣٩٦ رقم ١٧٥٣: توفّى الشيخ حبيب‌الله في عصر يوم الخميس ١٢ صفر سنة ١٣٦٧ و كانت ولادته في يوم الاربعا ٢١ ذى‌القعده ١٢٧٨ كما ارخه في «...» و كذا في مختصر المكارم ولكن يأتي في ج٨ ص٢١٩ ولادته في سنة ١٢٨٢ و نقله عن

تاريخ سرتيپ عبدالرزاقخان و انظر ترجمته في «مكارم الآثار ٦: ٢٢٠٤ رقم ١٣٨٠» و راجع التعليقه المطولة الآتية في ذيل ص٣٩٧ - ٤٠٣.

«**تقويم العوج**» ص ٣٩٧ رقم ١٧٦١: تقويم العوج للحاج محمّدرحيم خان ابن الحاج محمّدكريم خان الكرماني المشهور المتوفّى سنة «...» هو في الردّ على البابية و البهائية و له أيضاً رسالة اُخرى في الردّ عليهم لعنهم الله و ردّ على التقويم بعض حُمقاء البهائية في كتابه المطبوع ببمبئى سنة ١٣١٣ المسمّى بدلائل العرفان.

ص ٤٠٢ س١١، **التقاويم**: يأتي ذكر التقاويم مفصّلا في ج٨ ص٢١١.

ص ٤٠٢ س٢٤، **الشيخ**: راجع [نقباء البشر ٩٥] و [أعيان‌الشيعة ٥٤: ١٠١].

«**التقية**» ص ٤٠٣ رقم ١٧٦٩: أقول صرّح شيخ الفقهاء قدّس الله روحه في «جواهرالكلام ١١: ٢٥: ١٤ ط النجف» بان الشارع قد جعل حكم التقية في الواقع ديناً، انتهى.

ص ٤٠٣ س ٢٢، لميرزا: انظر ما مرّ آنفا «تقويم پارس ٣٩٦: ١٧٥٣».

«**التقيه**» ص ٤٠٥ رقم ١٧٨١: انظر رقم ١٧٨٤.

«**التقية المنطقية**» ص ٤٠٥ رقم ١٧٨٤: انظر رقم ١٧٨١.

«**التكليفية**» ص ٤٠٨ رقم ١٧٩٩: أقول رأيت (ترجمة الرسالة التكليفية الشهيدية) في مجموعة آخرها (اتصالات الكواكب) كما ذكرناها في موضعها و المترجمة المذكورة مجهولة من جميع جهالها و انما عرفتها المطابقة مضمون خطبتها و فصولها مع ما في المتن.

ص ٤٠٨ س٩، يأتي: في ج١١ ص٢٣٠.

«**تكملة الأخبار**» ص ٤١٠ رقم ١٨٠٨: أقول راجع [ديوان نويدى شيرازى ٩: ١٢٣٦: ٧٠٢٦]و انظر لزوماً كتاب [فهرست اسامى و آثار خوشنويسان قرن دهم هجرى و نقد و بررسى گلستان هنر] تأليف فيروز منصورى.

«**تكملة الاسماعيلية**» ص ٤١١ رقم ١٨١١: يأتي له «**چهار دفتر**» في ج٥ ص٣١٢.

«**تكملة امل الآمل**» ص ٤١١ رقم ١٨١٢: أقول قد مرّ تتميم أمل الآمل في ج٣ متعدّداً فراجع.

«**تكملة بغية الطالب**» ص ٤١٢ رقم ١٨١٣: انظر ما ذكرناه بهامش ج١١ ص٢١٤ رقم ١٢٨٢ و ص٢١٦ رقم ١٣٠٨.

«**تكملة رجال أبي‌علي**» ص ٤١٣ رقم ١٨٢٠: انظر ما ذكرناه في التكملة «منتهى المقال ٢٣: ١٣: ٧٨٤٥» و راجع [رجال الشيخ درويشعلى الحائري ١٠: ١١٥ س٢٢].

﴿**تكملة الذريعة**﴾ إلى تصانيف الشيعة ص ٤١٣: هو هذا الكتاب الذي بين يديك.

﴿**تكملة الروضة البهيّة**﴾ ص ٤١٣: هي الحاشية عليها المذكورة في (ج٦ ص٩٥) و تأتي باسمها (مخزن الاسرار الفقهيه).

﴿**تكملة عقد الدرر في أخبار المنتظر**﴾ ص ٤١٥: مرّ بعنوان [أبهى الدرر ١: ٧٩: ٣٧٩].

«**تكملة منهج المقال**» ص ٤١٦: و هو الرجال الكبير للميرزا محمّد الاسترآبادي و التكملة هي «أمل الآمل» لجدّنا الحرّ العاملي قدّس الله أسراره كما صرّح بذلك في خاتمة الآمل فراجعه.

«**تكملة نجوم السماء**» رقم ١٨٣٤ — ص ٤١٧ س٣، **محمدسعيد**: توفّي المرحوم السيّد محمّدسعيد في عام ١٣٧٧ و اقيمت له في طهران مجلس فاتحة «...» و قد اطعت انا على وفاته من «...»

«**التلخيص**» ص ٤١٩ رقم ١٨٤٦ س٩، **مرآة الجنان**: / التدوين.

﴿**تلخيص الاحكام**﴾ ص ٤١٩: للعلامة الحلّي يأتي في ص٤٢٧ بعنوان تلخيص المرام.

«**تلخيص اخبار شعراء الشيعة**» ص ٤١٩ رقم ١٨٤٧، **أبي‌عبدالله**: اگر صاحب معجم الشعراء باشد كه چاپ شده كنيه و تاريخش با اينجا فرق دارد.

«**تلخيص الاقوال**» ص ٤٢٠ رقم ١٨٥٢: **أقول** وصفنا نسختين نفيستين من هذا الكتاب في كتابنا «فهرست كتب خطى كتابخانه‌هاى اصفهان الرقمين ١٣ و ٣٣» و قوله (الذي فرغ من جزئه الثاني) الصواب من جزئه الثالث و هو الاخير كما بيناه في موضعه فلاحظ (ج٢٣: ١٩٨: ٨٦٢٠).

و انظر الحواشي عليه في ج٦ ص٤٧ – ٤٨.

ص ٤٢٠ س٢١، (**مد ظله**): و في اخر نسختنا في التلخيص هكذا فرغ منه مؤلفه الراجي عفو ربه الهادى محمّد بن على الاسترآبادي في عاشر شهر جمادى الاخره سنة ٩٨٨ حامدا مصليا اه.

﴿**تلخيص تحفة الابرار**﴾ ص ٤٢١ رقم ١٨٥٧: أيضاً للحاج ملا محمّدجعفر بن محمّد

صفي الآبادئي سمّاها الوجيزة كما في الروضات و هو مطبوع. و يأتي وسيلة النجاة في نفس الموضوع في (ج۲۵: ۹۰: ٤۹٤).

«تلخيص حديقة الشيعة» ص ٤۲۲ رقم ۱۸٦۰ س۸: و قبل النوري حكاه عنه صاحب الروضات(قده) في ترجمة نصيرالدين على بن حمزة الطوسي ص۳۸۱ ط ۲.

«تلخيص الخلاف» ص ٤۲۲ رقم ۱۸٦۱: مؤلفه مذكور في ج۱ ص۲۵۱ و ج٤ ص٤۳۸ و ج٥ ص «...»

ص ٤۲۲ س۱۱: و هو من مصادر كتاب فضائل السادات فليلاحظ.

«تلخيص الفوائد الحائرية» ص ٤۲٥: يأتي شرحه باسم (تنقيح المقاصد الاصوليه) فليراجع.

«تلخيص المحصل» ص ٤۲٦ رقم ۱۸۸۰، **«نقد المحصّل»**: كما يأتي في محلّه و مرّ (انتخاب تلخيص المحصل) لابن كمونه في (ج۲: ۳٥۷).

عندي نسخة من هذا الكتاب و هي بخط العلاّمة الفهامة رئيس الطايفه الشيخ جمال‌الدين العلاّمة الحلى ره و على ظهرها و هامشها تصديق السيّد الداماد رحمة الله عليه بأنّها بخط العلاّمة و لعمري انها نسخة عزيزة نفيسة فيه المطالب الكثيرة المفيدة وفّقنا الله لمطالعة هذا الكتاب و ساير الكتب.

«تلخيص المفتاح» س ٤۲۸ رقم ۱۸۸۸: عندي منه نسخة عتيقه.

«تلخيص الهيئة» ص ٤۲۸ رقم ۱۸۱۳ س ۲٤، (**۱۳٥۰**): ۱۷ رمضان يوم الثلثاء.

«تلقين اولاد المؤمنين» ص ٤۲۹ رقم ۱۸۱۸: أقول و كذا نسبه إليه الذهبي في العبر ج۳ ص۲۲۰ في ترجمته ره.

﴿تمام الشريعة﴾ ص ٤۳۰: يراجع ما ذكرنا في هامش ص۱۹۱ من ج۲.

«التمحيص» ص ٤۳۱ رقم ۱۹۱۳ س۲۳، **الوافيه**: أقول لايخفى ان كتاب الوافية للشيخ ابراهيم هو الذي اشتهر بالرسالة في تعيين الفرقة الناجية و يأتي ذكرها في حرف الفاء و عندي نسخ منها و في اوائل تلك الرسالة أيضاً ما نصة «روى ابومحمّد الحسن بن على بن الحسين بن شعبة الحرانى في كتاب التمحيص» الخ.

«التمهيد» ص ٤۳۳ رقم ۱۹۲۱: أقول و كذا احال إليه في «تصحيح الاعتقاد: ۷۰» نقلنا كلامه عند ذكر «مصابيح النور ۲۱: ۹۲: ٤۰۹۱».

«تمهيد القواعد» ص ٤٣٤ رقم ١٩٢٤: أقول انظر ما ذكرناه في التكملة على كتابه «شرح نهج البلاغه ١٤: ١٤٠: ١٩٨٠».

«التمهيدات» ص ٤٣٤: راجع ما ذكرناه بهامش اللوايح في (ج١٨: ٣٧٢: ٥١٠).

«التمييز بين صواقع الكابلي و تحفة عبدالعزيز» ص ٤٣٥ رقم ١٩٣٢: راجع (ج١٥: ٢١٤ عبقات الانوار) و (ج٢٤: ١٠٨ نزهة اثناعشريه) و ما ذكرنا بهامش الموضعين.

«التنباكية» ص ٤٣٦ رقم ١٩٣٨: أقول انظر [رسالة في تحليل التتن و القهوة ١١: ١٤٠: ٨٧٦].

﴿التنبيه بالمعلوم من البرهان﴾ ص ٤٣٧: راجع الرقم ١٩٥٤ الآتي في ص٤٣٨.

«التنبيه في التنزيه» ص ٤٣٨ رقم ١٩٥٤: طبع باسمه الاصلي في قم سنة ١٤٠١ في ١٠٤ص و مقدّمة في ٨ صفحات و هو من جلايل الكتب و نفايس الآثار و يحتاج طبعه إلى عناية اكثر و فهارس و تعليقات هامّة و من الله التوفيق.

﴿التنبيه لمن يتفكّر فيه﴾ ص ٤٣٩: قال السيّد الجليل على بن طاوس رض في «مهج الدعوات ص «...»» «و من ذلك دعاء الصادق عليه‌السلام لما استدعاه المنصور مرّة سابعة» إلى أن قال «و هو دعاء جليل مضمون الاجابة نقلناه من كتاب قالبه نصف الثمن يشتمل على عدّة كتب أوّلها كتاب التنبيه لمن يتفكّر فيه و هذا الدعاء في آخره» الخ فراجعه.

«التنبيه و الاشراف» ص ٤٣٩ رقم ١٩٥٦: أقول ان كتاب المروج غير مذكور في موضعه من الذريعة لسبب لانعلمه فذكرنا شيئاً في مكانه من التكملة كما ذكرنا بعض الكلام حول كتابه الآخر «سرّ الحياة ١٢: ١٦٧: ١١١٢» فراجعهما.

«تنبيه الأنام» ص ٤٤١ رقم ١٩٦٢: أقول و توجد منه أيضاً نسختان في المرعشية بقم رقمها ٣١١٧ و ٥٨٤٥ و مرّ للسيّد الجليل الشهرستانى في نفس الموضوع أيضاً كتاب (ترياق فاروق) في ص١٧١ و قد ذكرهما في الطرائق ج٣ هامش ص٢١٧.

«تنبيه اهل الكمال و الانصاف» ص ٤٤١ رقم ١٩٦٤: قوله «النزهة الاثنى عشرية» أقول هكذا اورد الاسم في موضعه «٢٤: ١٠٨: ٥٧٠» و هو سهو كما بيّناه هناك في التكملة فراجعه.

«تنبيه الخواطر» ص ٤٤٢: ليراجع الروضات ص٧٣٥ حتماً.

«تنبيه الراقدين» ص ٤٤٢ رقم ١٩٧١: يراجع لزاماً ترجمة الرجل في «نقباء البشر ٥٤٢ رقم ٩٧٣».

«تنبيه الراقدين» ص ٤٤٣ رقم ١٩٧٢: رأيت نسخة منه في بياض بخط محمّد مجيد بن حاجي محمّدشفيع التوىسركانى فرغ من كتابتها في ٣ قعده سنة ١٠٨٢ ليس فيها تاريخ التأليف و ذكر الكاتب في مفتتحها ما لفظه «هذه رسالة تنبيه الراقدين من مصنفات مجتهد الزماني مولانا محمّدطاهر أدام الله تعالى أيّام إفاداته» و النسخة عند حاج محمّدعلى الحاج حيدري رأيتها في شوال ١٤٠٠. ثم ملّكني الله تعالى بلطفه نسخةً ممتازة من تنبيه المولى محمّدطاهر ره في اوايل محرم ١٤٠٤ وهبني اياها عمّي السيّد محمّد حفظه الله و صرّح المصنّف في آخرها باسمه و انه الفه في بلدة قم في ليلة ٢١ محرم ١٠٦٦.

«تنبيه الراقدين» ص ٤٤٣ س٧: يأتي بعنوانه الاصلى (الزوراء).

«تنبيه الغافلين» ص ٤٤٤ رقم ١٩٨٠ س١٦، (١٢٧١): و سنة ١٣١٠ أيضاً.

﴿تنبيه الغافلين﴾ ص ٤٤٥: لشيخنا في الرواية الحاج الشيخ محمّدرضا الجرقوئي الاصفهاني الحائري كما في الذريعه ذيل (ودائع الحكم ٢٥: ٦٢: ٣٣٤) و فهرس المشار.

﴿تنبيه الغافلين و تذكير العاقلين﴾ ص ٤٤٦: لجدنا العلاّمة الفقيه الفحل الشيخ على بن محمّد السّبط صاحب (الدر المنثور) كانت النسخة عند جدنا الإمام المحدد صاحب الروضات فنقل عنها في ترجمة المحقّق السبزواري (ص١١٧ ط ٢) ثم حصلت لنا النسخة بخط المصنّف ره و الحمد لوليّه و ذكره شيخنا المصنّف ره بعنوان [رسالة في تحريم الغناء] في ج١١: ١٣٩: ٨٦٢ فراجعه.

«تنبيه وسن العين» ص ٤٤٩ رقم ٢٠٠٧: انظر «مصّفى المقال ١٨٠ و ٤١٦» و «منية الراغبين ٤٧٢» و لزاماً [الأعلام للزركلى ٦: ٢٩٥] و هناك صورة خطّه عن كتاب له.

الوَسَنُ ثَقْلَةُ النوم (منجد) و الثقلة نَعْسَةٌ تغلبك (منجد).

«التنبيهات» ص ٤٥٠ رقم ٢٠٠٩: انظر (ج١٣: ٣٩١ س٢٣) و قال شيخ مشايخنا العلاّمة سيّد ابومحمّد الحسن صدرالدين قدّس سرّه في «تكملة الأمل ٣٥٦» في ذيل ترجمة صاحب «المدارك» ما لفظه «و كذلك ما اشتهر من نسبة شرح العلويات السبع لابن

أبي‌الحديد إلى السيّد صاحب المدارك لا اصل له انّما هو للسيّد محمّد بن الحسن بن أبي‌الرضاء العلوي كما نصّ عليه في كشف الظنون» انتهى. و اشارته في نفي انتساب إلى صاحب المدارك إلى قضية اصلها مذكور في التعليقه على كتاب «احقاق الحق ٣: ٢٢٩ ط الحديثة» من انّ الشرح طبع منسوباً إلى صاحب المدارك قبل سنين في بلدة تبريز فلاحظ.

«**التنبيهات العلية**» ص ٤٥٢ رقم ٢٠١٥: أقول ذكر في التنبيهات في أسرار صلوة الجمعة (ص٥٤ - ٥٦) ان تلك الصلوة افضل الاعمال (ص٥٦ س١١ ط العصّار) (ص١٦٤ س٦ ط ١٣١٣) و هي الطبعة التي في مجموعة «الرسائل العشر» للشهيد الثاني ره و عندنا منه نسخة مع مسكن الفؤاد له بخط لطف‌الله المنسوب بافضل كتبهما في ١٠٩٥.

«**تنبيهات المنجمين**» ص ٤٥٢ رقم ٢٠١٧ س٢٥، **في النجف**: و طبع بطهران عام ١٢٨٤ في ٣٠١ص.

«**التنزيل و التحريف**» ص ٤٥٤: راجع [القرآت ١٧: ٥٢: ٢٨٤] مع التكملة.

ص ٤٥٦: ارقام اين صفحه درست نيست.

«**تنزيه الأنبياء و الائمة عليهم‌السلام**» ص ٤٥٦ رقم ٣٠٣٢ س١٤، **عبر فيه**: ص٧ و ص٢٦٤.

﴿**تنزيه الحق**﴾ ص ٤٥٦: للحاج ميرزا موسى آقا الاسكوئي الحائري ابن محمّدباقر بن محمّدسليم بالفارسية في «...» طبع في «...»

«**تنزيه ذوى‌العقول**» ص ٤٥٧ رقم ٢٣٠٧: و نقل كلام الشهيد عنه في الرجال الوسيط و في الروضات ص٣٧٥ ط ٢ و راجع منية الراغبين و السؤال و الجواب للسيّد حجة الإسلام في اوائله في المسئله الأولى من (الجنائز).

﴿**تنزيه القلوب**﴾ ص ٤٥٧: كتاب نقل عنه العلاّمة المير محمّدحسين الخاتون آبادي الاصفهاني في كتابه «خزائن الجواهر السلطاني» حديثا في فضل احياء ليلة النصف من شهر رجب الاصب.

«**تنزيه القميين**» ص ٤٥٧ رقم ٢٠٤٢: يراجع كتاب كتابشناسى آثار مربوط به قم للسيّد المدرّسي الطباطبايي و طبع الكتاب للمرة الثانية بقم في مجموعة «ميراث اسلامى ايران. دفتر ٦».

«تنسوق نامه ايلخانى» ص ٤٥٨ رقم ٣٠٤٦: طبع «تنسوخنامه ايلخانى» بطهران سنة ١٣٨٩ (١٣٤٨ش) و بعناية الاستاذ السيّد محمّدتقى (مدرس رضوى) مع مقدّمته الطويلة و تعليقات و فهارس عديدة ثم جدّد طبعه بالاوفست في ١٤٠٥ و ما نقله المصنّف ره من اوله لاينطبق على النسخة المطبوعة باللفظ فليراجع. و انظر مقالاً للافشار في كتابه «مجموعه كمينه ١٨٨ و ٣٥٤» عنوانه «جوهرنامه نظامى مأخذ تنسوخنامه و عرايس الجواهر» و يأتي «جواهرنامه ٥: ٢٨٣» متعدّداً.

ص ٤٥٨ س٨، في محلّه: في ص١٩٢.

«تنضيد العقود السنية» ص ٤٥٨ رقم ١٠٤٧ س٢٤، و مما استطرفت: أقول هذه العبارة من جملة ما نقله شيخ شيخنا المصنّف اعنى المحدث النوري في هامش كتابه [كشف الاستار ١٤٤ - ١٤٦ طبع قم ١٤٠٠] فانظر تمام الكلام فيه مع كلام المنجم باشى الحنفي حول الحديث الشريف المذكور في المتن.

ص ٤٥٩ س ٥، منها: و منها في مجلد ٢ من حديث السفية ص «...» ط هند نقل منه ما استطرفه شيخنا دام ظلّه.

«تنضيد النقود» ص ٤٥٩ رقم ٢٠٤٨: أقول يراجع (مكارم الآثار ج٨ رقم ١٧١١).

«تنقيح الابحاث» ص ٤٦٠ رقم ٢٠٥٤: اعلم انّ ابن كمونة هذا يهودى مزوّر ما شمّ رائحة الايمان قط انظر ما ذكرناه بهامش [اللمعة الجوينية] في (ج١٨: ٣٥١: ٤٣٨) و «المطالب المهمة ٢١: ١٤١».

«تنقيح الاصول» ص ٤٦٠ رقم ٢٠٥٦: ذكرنا بهامش (ج١: ١٤٥) إجازة الفاضل النراقي لأخيه مؤلف التنقيح هذا.

«تنقيح المقال» ص ٤٦٦ رقم ٢٠٦٩: كتاب في الاصول و في مقدمته ترجم جماعةً لم يذكرهم الاسترآبادي في رجاله الكبير رأيت نسخة منه في قم عند السيّد شهاب‌الدين النجفي النسّابة «كذا في ماضي النجف و حاضرها» ج٢ ص٦٨ و نسخة منه كانت عند المرحوم الحاج السيّد مصطفى الصفائى الخوانساري القمي انتقلت بعد فوته إلى مكتبه الآستانه الرضوية في مشهد طوس و معها جزء من أجزاء رياض العلماء كما في (فهرست ١٥٠٠ نسخه خطى للاستادى).

«**تنقيح المقال في علم الرجال**» ص ٤٦٦ رقم ٢٠٧٠ س ١٥، **سنتين**: قال ره في خاتمة المجلّد الثالث من التنقيح ص١٢٤ بعد أن أورد مستدركاً لتراجم الكتاب إلى حرف الزاي و اعتذر من إتمامه لمضايقة الطبع و انحراف مزاجه جدّاً ما لفظه [و قد آل الأمر بي إلى هنا في الثلث الأخير من ليلة الجمعة رابع ذي‌القعدة الحرام سنة ١٣٥٠ فكانت مدّة اشتغالنا بتصنيف هذا الكتاب من البدو إلى الختام مع إعادة النظر فيه مرّة بعد اُخرى سنتان و ثمانية أشهر تقريباً] الخ. أقول و الأمر المهمّ الذي تبيّن لنا أنّ العلاّمة المامقاني قدّس سرّه لم يعتمد على كتاب مستدرك الوسائل و خاتمته مطلقاً فلم ينقل عنه شيئاً في طول كتابه و لايوجد اسمه فيه. اين مطلب را اينجا نوشتم امّا بايد موضع آن مرحوم را با حاجى نورى و مستدرك و همين مطلب فوق را با آقاى محيى‌الدين ممقانا و فرزندشان صحبت كنيم كه اگر اشتباه كرده‌ام قلم بزنيم در هامش عنوان مستدرك هم نوشته‌ام.

ص ٤٦٦ س٢٢، **تعليقات تنقيح المقال**: و طبع باسم «قاموس الرجال» في اجزاء كثيرة.

ص ٤٦٨ پاورقي: اتفاقاً غير از كتاب اول بقيه را هنديها استعمال كرده‌اند.

«**تنوير المرآة**» ص ٤٧١ رقم ٢٠٩٢: أقول توفّى العلاّمة الكبير المرحوم الحاج الشيخ على الزاهد القمي ليلة الاربعاء ٢٢ ج٢ سنة ١٣٧١ في النجف الأشرف و كانت ولادته بطهران في ٧ شهر رمضان ١٢٧٣ كما في ترجمة المبسوطه العالية في «نقباء البشر ١٣٢٣ - ١٣٢٩». و قد كنا ايام وفاة الشيخ الزاهد في كربلا المشرفة و كان النيروز لسنة ١٣٣١ الشمسيّة موافقا ليوم الجمعة ٢٤ ج٢ من تلك السنة اعنى ١٣٧١ و تبركنا هناك بالحضور في الحرم المطهر الحسيني سلام الله على ثاويها و الحمد لله.

«**تنوير المطالع**» ص ٤٧٢ رقم ٢٠٩٤: يراجع (تعويذ المطالع) في ص٢٢٧.

«**تواريخ الائمة**» ص ٤٧٣ س١٤: راجع (كتاب المواليد) في ج٢٣ ص٢٣٥ س١٠.

«**التوحيد**» ص ٤٧٩ رقم ٢١٢٩: يراجع ج١٩ ص٣٥٣.

«**التوحيد**» ص ٤٨٢ رقم ٢١٥٤ س٨، **محمدسعيد**: مرّ ذكره في ص٤٧٩ و يأتي ذكره أيضاً في ج٦ ص١٢ و مواضع اُخرى.

«**التوحيد**» ص ٤٨٢ رقم ٢١٥٦: قال السيّد العلاّمة الخوئى في [معجم رجال الحديث ١٧: ٣٩] إنّ المفضل بن عمر مطعون.

«**التوضيح الأنور**» ص ٤٩١ رقم ٢٢٠٤: أقول نسخة من كتيّب الناصب الاعور عندنا في مجموعة من الردود النواصب على الشيعة الكرام و اسمها [العارضة على الرافضة]كما في «أعيان الشيعة ٤٥: ٣٤٤» في ترجمة الشيخ عضدالدين محمّد بن محمّد بن نفيع الحلى المذكور في مواضع من التوضيح فراجعه و انظر ترجمة الشيخ خضر في [الضياء اللامع ٥٥] و في موضعه من الأعيان. و توجد عندنا نسخة من التوضيح الانور ناقصة من اولها و اوسطها و كذا تنقص الورقة الاخيرة المشتمله على اسم الكتاب و تاريخ الكتابة احتمالاً و اما تاريخ التأليف ففيه في نسختنا اضطراب و ليست النسخة بتلك الصحة و الاعتبار و اما ما نقله شيخنا ره عن الرياض في ترجمه حبلرود فهو ملخص و محصل الكلام الافندى و الله المستعان.

«**توضيح البيان**» ص ٤٩١ رقم ٢٢٠٥: هو بعينه تسهيل الاوزان المذكور في (ص١٨٢ س٢) منه.

«**توضيح الدلائل**» ص ٤٩٣ رقم ٢٢١٣: توضيح الدلائل على ترجيح الفضائل للشهاب أحمد سبط قطب‌الدين الايجي ينقل عنه كثيراً في عقبات الانوار و قد ذكرناه في فهرس مآخذ اجزاء حديث الثقلين من العبقات و توجد نسخته في المكتبة المليّة بشيراز و تصويرها في المرعشيّة بقم.

«**توضيح المشربين**» ص ٤٩٥ رقم ٢٢٢٨: يراجع اصول فصول التوضيح في ج٢ ص٢٠٠ و (الردّ على الصوفية) في ج١٠ ص٢٠٦ و (سلوة الشيعة) في ج١٢ ص٢٢٤.

«**توضيح المطالب**» ص ٤٩٨ رقم ٢٢٣١: آيا سيّد است؟ نسبش در ذيل احوال جدش ميرفندرسكى در ريحانة الادب است البته فقط تا جدش.

«**توضيح المقاصد**» ص ٤٩٨ رقم ٢٢٣٢: أقول و طبع أيضاً غير ما ذكر في ايران و عندنا منه نسخة بخط جدّ جدّتنا و عمّ والد جدّينا الحاج السيّد محمّد شقيق الإمام صاحب الروضات ره فرغ من كتابته يوم التروية سنة ١٢٧٩ وضعتها في مجموعة من الرسائل الصغار و ينقل السيّد القاضي في كتابه حول الأربعين المطبوع بتبريز عن طبعة مصر و امّا صاحب معجم المطبوعات فلم يعثر عليه فلم يذكره في كتابه و نحن ذكرناه في هامش نسختنا من المعجم ع ١٩٩٠ فراجعه. م‌ع‌ر أواخر شهر صفر ١٤٠٤.

«توضيح المقال» ص ٤٩٨ رقم ٢٢٣٣: نسخته في الرضويّة كما في الريحانه.

«توضيح المقال» رقم ٢٢٣٤ — ص ٤٩٩ س٢، التوضيح: فرغ من تأليفه في سنة إثنتين و ستين بعد الف و مأتين كما في خاتمته و جاء في آخر النسخة المطبوعة لأوّل مرّة منه ما نصّه «و كان الفراغ من تحريرها في سنة سبع و ستّين و مأتين بعد الالف بقلم الجاني الفاني محمّد بن حسين الحسيني القمي» انتهى. و هذا الرجل كاتب النسخة للطبعة الأُولى و من الجدير بالذكر أنّ كلا من الطبعتين غير مصححة و فيهما اغلاط كثيرة فلايجوز الاعتماد على الكتاب إلاّ بعد التصحيح. ثم اعلم ان قوله (و هو ترجمة تسعة و خمسين شيخاً) أقول وقع في كلام شيخنا المصنّف بعض الخبط و التداخل و الصواب المصرّح به من كلام المحقّق الكنى في اخر التوضيح في الطبعة الأُولى انه ذكر نفسه تسعة و خمسين شيخا رجاليا فتممهم بترجمة نفسه فصار العدد ستين ثم استدرك عليه النوري بتسعة و خمسين غيرهم أيضاً فلمّا طبع التوضيح للمرّة الثانية و الحق به استدراك النوري مع مقدّمة و خاتمة للمصنف الكنى اضاف الكنى أيضاً إليهم الملا ابراهيم الخوئي ليصير العدد في الاستدراك أيضاً مكملاً الستين و اعلم ان النوري لم يذكر في استدراكه حقداً و حسداً و عناداً اعظم من الّف و صنّف في التراجم و الرجال الا و هو جدنا الإمام العلاّمة المجتهد المجدد المجاهد الفقيه الفحل جامع المعقول و المنقول حاوى الفروع و الاصول صاحب المناقب و المفاخر سيّدنا الميرزا السيّد محمّدباقر الموسوي الاصفهاني قدّس الله تعالى روحه و نوّر مرقده فانه الذي اتى بتأليفه «روضات الجنّات» ما لم يأت به الاوائل و الأواخر كما هو الظاهر الباهر و لاينكره الا كالنوري المعاند المكابر و لولا كتاب الروضات لم يكن للنوري و امثاله و اقرانه دليل و مفتاح و لكن من لم يجعل‌الله له نوراً فما له من نور فهو من مصاديق قوله سبحانه ام يحسدون الناس على ما آتاهم الله من فضله.

«التوضيحات» ص ٤٩٩ رقم ٢٢٣٦: يراجع (يادگارنامه حبيب يغمايي) ص٣٤٧ بيعد.

«التهذيب» رقم ٢٢٦٢– ص ٥٠٤ س٣، تهذيب المسترشدين: أقول نقل عنه بهذا العنوان الاخير جدّنا الشهيد الثاني في رسالة صلوة الجمعة ص٨٠ ط الحجرية كلام القاضي الكراجكي في المسئلة و عنه تلميذه الشيخ حسين بن عبدالصمد في رسالته أيضاً

فلاحظ ج١٥: ٧٠: ٤٧٤. و كذا السماهيجى في أواسط «القامعة للبدعة» و الفاضل السراب في خاتمة رسالته المعمولة في وجوب الجمعة و غيرهم أيضاً و لا شبهة في أنّ الجماعة كلّهم ناقلون بواسطة رسالة الشهيد الثاني دون مباشر لرؤية نسخة التهذيب و الله العالم.

«تهذيب الأحكام» ص ٥٠٤ رقم ٢٢٦٣: أقول إنّ لسيّد اساتيدنا و مشايخنا آية الله العظمى الحاج آقا حسين الطباطبائي البروجردي قدّس الله روحه كلام متين حول تهذيب الاحكام هذا و غيره من مصنفات شيخ الطائفة قدّس الله روحه و ترتيب تصنيف كلّ منها أورده الأُستاد في مجلس درسه ببلدة قم حين البحث في مسئلة الخمس تجد تقرير بيانه في كتاب [زبدة المقال في خمس الرسول و الآل ٦١ - ٦٢ ط قم ١٣٨٠] فراجعه.

رأيت في آخر كتاب المهذب البارع في شرح المختصر النافع ما لفظه (قال فخرالدين لمّا قرأت على والدى التهذيب في المرّة الثانية في طريق الحجاز في سنة ثلاث و عشرين و سبعمائة سألته عن هذه الرواية لمّا بلغت عليه) الخ. و مراده بالتهذيب تهذيب الاحكام هذا ثمّ لايخفى ان من الجدير بالذكر أنّ ابن الجنيد المتوفّى ٣٨١ قد سبق الشيخ الطوسى انار الله برهانه في تسمية كتابه الكبير بالتهذيب فلعلّ الشيخ تبعه في التسمية و سيأتي كتاب ابن الجنيد باسمه «تهذيب الشيعة لاحكام الشريعة» و الله العالم و يأتي الاشارة إلى نسخة جليلة اُخرى للتهذيب في (ج٥: ١٩٦: ٩٠٤) هي بخط الشيخ زين‌الدين (على) بن ادريس المعروف بابن فروج من تلامذة جدّنا الشهيد الثاني المستشهد سنة ٩٦٦ و انظر وصف نسخة من التهذيب في كتاب [أعيان الشيعة ٤٦: ٣١: ٢٤٥] و كذا في (الروضة النضرة) في ترجمة الميرزا محمّد الاسترآبادي و السيّد محمّدعلى الاصفهاني و لم يذكر المحسنان مكان وجود تلك النسخة الثمينة.

و رأينا نحن نسخة من التهذيب من اوله إلى اخر كتاب الزكوة مع الزيادات عند ابن خالنا العلاّمة السيّد الحاج آقا حسين الموسوي الشهير بخادمى في اصفهان ليس فيها اسم الكاتب و لعلّه و الله العالم هو الشيخ زين‌الدين بن ادريس المذكور و في اخر تلك النسخة انهاء و إجازة الشيخ حسين بن عبدالصمد العاملي ره بهامش الصفحة الاخيرة

منها و ليس فيها أيضاً اسم المجاز و تاريخ الانهاء و الإجازة [يوم الجمعة عشري شهر شعبان سنة تسع و خمسين و تسعمأته] و بخط الشيخ حسين أيضاً انهاء بآخر كتاب الطهارة من تلك النسخة تاريخها [يوم الجمعة حادى عشري رمضان سنة ستين و تسعمأته] انتهى. و استكتب الكاتب تلك النسخة عن نسخة كان في آخرها ما لفظه [و يتلوه الجزء الخامس و هو الرابع من كتاب الصيام وقع الفراغ منه آخر نهار الجمعة من سادس ذي‌القعدة من سنة خمس و سبعين و خمسمأته كتبه ورام بن نصر بن ورام بن عيسى بن ورام بن أبي‌النجم بن ورام] انتهى. و أيضاً نقل الكتاب لتلك النسخة التي رأيناها هناك عن نسخة مصحّحه لجدّنا الشهيد الثاني ما نصّ الشهيد في نسخته [في مجالس آخرها يوم الاحد لخمس مضت من شهر ربيع الاخر سنة خمس و خمسين و تسعمائة] أقول و تلك النسخة اعنى نسخة الجد الشهيد اليوم في مكتبة الملك بطهران و انظر «إجازة يحيى بن الحسن بن سعيد لورام بن نصر بن ورام ١: ٢٦٤: ١٣٨٦ و ترجمة ورام عن نسخته من التهذيب فقط في «الثقات العيون ٣٢٧» و السلام حرّر في ١٨ صفر الخير ١٤٠٨.

«تهذيب الاخلاق» ص ٥٠٧: للميرزا محمّدصالح بن المير عبدالواسع الخاتون آبادي صاحب التهليلية ذكره في اواسط كتابه حدائق المقرّبين في ذيل عنوان سيم خلوص نيّت ... إلى ان قال و تحقيق آن مراتب و معاني و توضيح ثوبت فضائل و قبول في درجات [...] بسط و تفصيلي مى‌خواهد كه مناسب اين رساله نيست و در كتاب تهذيب الاخلاق ايراد نموده‌ام ... انتهى. و لايبعد كون التهذيب هذا هو المذكور بنمرة ٢٢٦٥ فلابدّ من الرجوع إلى الإجازة.

«تهذيب الأنساب» ٥٠٧ رقم ٢٢٧١: أقول يأتي لابن طباطبا هذا (جريدة نيشابور) في ج٥: ٩٨: ٤٠٢ و ذكرنا له (بحر الأنساب) بهامش ج٣: ٣٢ و انظر التعليقة التالية و لم يذكر شيخنا المصنّف ره هنا مأخذ نسبته كتاباً إلى الحسين النسابة باسم تهذيب الأنساب سوى انه قال ينقل عنه السيّد أحمد في كتابه الأنساب المشجره و في مقدّمة العلاّمة المرعشي النجفي للباب الأنساب ص٤٨ عند ترجمة الحسين ما لفظه [و له من الكتب تهذيب الأنساب المسمى بحر الأنساب مبسوط و كتاب الكامل في النسب و

كتاب الأنساب المشجرة و جريدة نيشابور] انتهى و الله العالم بحقايق الامور. م‌ع‌ر في ليلة ٩ صفر ١٤١٢. ثمّ انى كتبت اخر تحقيقاتي بهامش النابس ٦٨ فليراجع و ليراجع تكملة الذريعة ٣: ٣٢ و ليصحّح جميع الموارد. م‌ع‌ر في ٢٥ ع ١ سنة ١٤١٣.

«**تهذيب الأنساب**» ص ٥٠٨ ٢٢٧٢، **للشيخ الشرف**: هو شيخ الشريف العمري صاحب كتاب المجدى و ينقل عنه و عن كتابه هذا كثيراً في المجدى و مر له «الأنساب» في (ج٢: ٣٧٤: ١٥٠٨) و نذكر له «الحاوى» في موضعه و من الغريب رغم شهرة الرجل و مقامه انا لم نجد له عنواناً خاصاً في «منية الراغبين في طبقات النسابين» مع انه ذكر بعض تآليفه و ورد اسمه فيه عرضاً و ممّا تبيّن لنا ان الكتاب الذي نقل عنه صاحب رياض العلماء في ترجمة الشريف المرتضى بعنوان «تهذيب الأنساب و نهاية الاعقاب» هو أصل ما صنّفه شيخ الشرف ابن أبي‌جعفر العبيدلي و من المؤسف جداً فقد باب الميم من ابواب الرياض فهناك موضع ترجمة شيخ الشرف و وصف مصنفاته و العبارات المنقولة عنه في الرياض لاتوافق تماماً ما في كتاب الحسين ابن طباطبا الذي هو في الحقيقة تلخيص و تحقيق و تكميل كتاب معاصره شيخ الشرف المذكور و سمّي في النسخة الموجودة في الرضوية «بحر الأنساب» و الظاهر ان هذا هو الذي مرّ آنفا باسم «تهذيب الأنساب ٢٢٧١» و راجع عمدة الطالب ص٣٢٤ ط النجف و ما ذكرنا هناك في الهامش.

ص٥٠٩ س ٣، (**٢٣ – ج١ – ٩٦٩**): التاريخ صحيح كما في تقويمنا التاريخيّ و من الغريب عدم تعرض شيخنا المصنّف لكتاب التهذيب و نسخته هذا في ترجمة شيخ الشرف في النابس و الجزائري علامة كبير له ترجمة في النقباء رقم ٦٨١ و ابسط منها في ماضي النجف ٢: ٩٣ – ٩٥ و قد توفّي ١٣٧٨ كما في مستدركات النقباء و لعل نسخة التهذيب الفريدة انتقلت إلى ولده العلاّمة الشيخ عزالدين الجزائري و الله العالم رزقنا الله سبحانه بلطفه نسخة منه آمين. م‌ع‌ر في ٢٥ ع ١ سنة ١٤١٣هـ.

«**تهذيب الشيعة**» ص ٥١٠ رقم ٢٢٧٧: راجع «مختصر الأحمدى ٢٠: ١٧٦: ٢٤٧١».

«**تهذيب الطبع**» ص ٥١١ رقم ٢٢٧٩: أقول مرّ له في هذا الجزء «تقريظ الدفاتر ٣٨٧: ١٧٠٢» فلاحظ.

«**تهذيب طريق الوصول**» رقم ٢٢٨٠ — ص ٥١٢ س٦، **الأخباري**: أقول ذكر هذا في كتابه «الفوائد المدنية ٢٧٧ ط تبريز ١٣٢١».

«التهليليه» ص ٥١٥ رقم ٢٢٩٠: عندنا نسختنان من هذه الرسالة في مجموعتين رقم ٢٥٤ و ١١٢٤ الأولى كتبت مع الجبر و الاختيار للدوانى و غيرهما في سنة ١٢٥١ في بندر كلكته و على طرتها أنّها للمحقق الدوانى جلال‌الدين و الثانية كتبت في ٩٦٨ في اردبيل و في فهرس هذه المجموعة الثانية أيضاً أنّها للدوانى المذكور.

ص٥١٦ س ١، المعارين: الصواب الغاوين كما في نسختينا المخطوطتين.

«التهليلية» ص ٥١٦ رقم ٢٢٩٢: أقول لم يذكر المصنّف مكان النسخة و لم نعثر عليها و لابن اخته العلاّمة الجليل ملا ابوالحسن الشريف أيضاً رسالة ذكرناها في التكملة بعنوان [تحقيق فصول الاذان و الاقامه ٣: ٤٨٥] ذكر فيها انه استفاد من رسالة خاله المذكور و نقلنا عبارته هناك فراجعه.

«التهليلية» ص ٥١٦ رقم ٢٢٩٤: انظر رقم ٢٢٩٠.

﴿رسالة التياسر﴾ ص ٥١٧: في القبلة للشيخ الاجل المحقّق جعفر بن الحسن بن يحيى بن الحسن بن سعيد الحلى صاحب كتاب شرايع الإسلام ذكره الشيخ الحر في المجلّد الثاني في رجاله المسمّى بتذكره المتبحرين و لم يذكر تلميذه ابن داود ره في كتاب رجاله هذه الرسالة لكن بعد ما عدّ بعض مصنفاته قال و له كتب كثيرة غير ذلك ليس هذا موضوع استيفائها و الله اعلم.

بسم الله تعالى يقول العبد سيّد محمّدعلى روضاتى إنّي كتبت هذه المطالب حول رسالة التياسر قبل خمسة و ثلثين سنة على ما يبالي و اليوم يوم الخميس ٤ ذي‌القعدة ١٤٠٤ عثرت بمناسبة ما على ما ذكره شيخنا المؤلّف طاب ثراه حول الرسالة في الجزء الثاني ص١٨ بعنوان (استحباب التياسر) الخ فراجعه.

«تيمورنامه» ص ٥١٨ رقم ٢٣٠٣: أقول انظر [ديوان شرف يزدى ٩: ٥١٧: ٢٨٨٣] و ما في التكلمة.

ص ٥١٨: صحّح الكتاب على جميع تصحيحاته.

قد صحّح جميع الاستدراكات في أجزاء الذريعة. و أخيراً اضفت إلى الكتاب ما جاء من الاستدراك في خاتمة ج٢٥ و الحمد لله ربّ العالمين في آخر شهر صفر ١٤٠٥.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الجزء الخامس

«ثاقب المناقب» ص ٥ رقم ٨ س ١٠: قوله «و الشيخ يوسف البحراني في كشكوله» أقول: و أيضاً في كتابه درّة النجفية ص «...» حديثاً واحداً.

و قوله في س١١ «و شيخنا العلاّمة النوري» أقول: شيخكم و علاّمتكم هذا لم ير ورقةً واحدة من الثاقب هذا و إنّما «...»

و في س١٢ «وقايع الأيّام» أقول: في ص٤٩١ و ذكره في فهرست مآخذ كتابه ص ٤ عدد ٥٦ و قال ألّفه سنة (٥٦٠)

«ثبات قلب السائل» ص ٦ رقم ٩: يراجع «القامعة للبدعة» في ج١٧: ١٥: ٩٠ للسمّاهيجى أيضاً.

«الثبت المصان بذكر سلالة سيّد ولد عدنان» ص ٦ رقم ١١: أقول ينقل شيخنا في ج١ ص٣٤٩: ١٨٣٤ و ج١٠: ١٨٦: ٤٢٩ تاريخ وفاة النسّابة العبيد عن الثبت المصان و لابدّ ان يكون النقل بالواسطة و نعتقدان الواسطة كلمة ناشر اخبار الزينبات في الطبعة المصرية و اسم مؤلف الثبت هذا في المتن عبيدالله (ص١٦ و ٣٣) و كذا في المشجر الكشاف ١٢٦ مع اختلافات في نسبه أيضاً.

«الثغر باسم» ص ٧ رقم ١٩ س١٧، **ج ٢ – ص ٣٨٨**: الصواب ج١: ٣٨٨: ١٩٩٧.

«ثقات الرواة» ص ٨ رقم ٢١ س ٥، **بخطه**: و طبع بطهران ١٢٦٥.

«الثقات العيون» ص ٨ رقم ٢٢، **وفيات الأعلام**: سمّاه أخيراً «طبقات أعلام الشيعة».

«ثقوب الشهاب» ص ٨ رقم ٢٦: و يراجع شهاب المؤمنين في ج١٤ ص٢٥٥.

«**ثلاثون مسالة**» ص ٩ رقم ٣١: لم يذكره المصنّف في كتابه (حياة الشيخ الطوسي) كما لم يذكر شرحه الآتي في (ج١٤ ص٦٤) بعنوان (شرح المسائل الكلاميّة) للسيّد عزيزالله المدرّس خان هذا الكتاب يعرف بالمسائل الكافية أيضاً و قد عثرنا على شرحين آخرين له بالعربيّة كما يأتي و قد رأيت نسختين من هذه الرسالة في المكتبة المركزيّة لجامعة طهران و لنا ترجمة هذه الرسالة و رسالة أُخرى في الكلام أيضاً للشيخ الطوسي بالفارسية و رأيت نسخة ثالثة لها في المكتبة الرضويّة و قابلت النسخ كلّها.

«**ثمار المجالس**» ص ١٠ رقم ٣٦: قال الأفندي رحمه الله في كتابه الآخر «تحفه حسينيّه» في شرح الصحيفة الإدريسيّة الموجودة نسخته الأصلية عند الحاج ميرزا فخرالدين النصيري الأميني بطهران و نسخته المبيضّة المصححّة عندنا ما لفظه في أواسط الكتاب «مترجم گويد كه من خود در بعض مجلدات كتاب ثمار المجالس تفصيل احوال مُسوخات و شرح عدد ايشانرا بنوعى تحقيق و استقصا نموده و بعربى نوشته‌ام كه گمان كلّى دارم كه ازين بيشتر تتبع نتوان نمود و الله يعلم» انتهى و ذكره أيضاً في مواضع اُخرى منه فليراجع.

«**ثمر الاستعداد**» ص ١١: للشيخ عبد على بن ناصر بن رحمة الحويزي ذكره في هامش كتابه «معارج التحقيق و مناهج التوفيق» الموجود نسخته في مجموعة من رسائله عندنا.

«**ثمرات الاوراق**» ص ١٢ رقم ٤٦: طبع في هامش تزيين الأسواق.

«**الثمرة**» ص ١٣ رقم ٥١ س١٦، «**الفيض القدسي**»: و وقع أيضاً هكذا في خاتمة المستدرك ص٤٠٩ و ظاهره النقل عن جامع الرواة للأردبيلي و يأتي في ص٥٦ انّ النسخة التي كانت عند العلاّمة النوري هي المستنسخة عن الأصل و على هذا فالاشتباه من كاتب جامع الرواة حيث انّ الموجود في النسخة المطبوعة على نسخة الأصل التي هي بخط مؤلفه و موجود في دانشگاه طهران سنة ١٠٧٩ و العبارة هكذا: توفّى رحمه الله تعالى في شهر شوّال سنة الف و تسع و سبعين رضي الله عنه و ارضاه. انتهى.

«**ثمرة الحياة**» ص ١٤ رقم ٥٥: + و ذخيرة الممات.

﴿**ثمر الفؤاد و سمر المعاد**﴾ ص ١٤: للحاج مؤمن الجزايري المذكور ذكره في طيف الخيال.

﴿ثمرة الشجرة الإلهيّة﴾ ص ١٥: يراجع ج١٣ ص٧٩.

«ثمرة الفؤاد» رقم ٦٤ — ص ١٦ س١، الرسول: و الذي عبّر عنه في الحديث و أورده صاحب الثمرة انّ العقول هي الحجة الباطنة و الرسل و الأئمّة هم الحجّة الظاهرة.

«ثواب القرآن» ص ١٩ رقم ٨٧: أقول و لعلّه الموجود عندنا في مجموعة أوّلها صفوة الصفات للكفعمي و بخط جدّنا الحاج عمو ره و سمّاه تفسير أبي‌عبدالله محمّد (أحمد ظ) السياري والله أعلم. و انظر له كتاب القراآت في ج١٧ ص٥٢.

«جاء الحق» ص ٢٠ رقم ٩٤: أقول انظر ج١٥: ٧١: ٤٧٥.

«جاماسب نامه» ص ٢٢ رقم ١٠٤: طبع ببمبئی سنة ١٣١٢ و در ٤: ٩٣ نوشته‌ام در (تحفه حسينيه) از آن ياد كرده - در (تحفه فيروزيه شجاعيه) مفصل‌تر نوشته است بايد عبارتش نقل شود با خصوصيات چاپی و رجوع بمشار.

«جام جم» ص ٢٣ رقم ١٠٥ س ٨: قوله (استبصر و له ستون سنة) «...» و من مديحه في حقّ عثمان بن عفان، قوله «يافت عثمان ز شرم ايمان زَين / كاتب وحی گشت و ذوالنورين» «...» و يأتي [ديوان اوحدی ٩: ١١١: ٦٨٧].

«جام جهان نما» ص ٢٤ رقم ١١٠: أقول لايخفى أنّ [جام جهان نما] في اللسان الفهلوی هو عبارة عن الاسطرلاب كما في كتاب «احوال و آثار خواجه نصيرالدين ص٤١٥» نقلاً عن حمزة الإصفهاني فراجعه.

﴿جام جهان‌نمای عباسی﴾ ص ٢٤: انظر ص٣٠١.

«الجامع في الأحاديث» ص ٢٧، يأتي: انظر ص٤٣ س١٠ و يأتي في ج٦ ص٣١٢ س٣.

«الجامع في أعمال شهر رمضان» ص ٢٨ رقم ١٢٥ س٧، مير عبدالباقي: مرّ له «إكمال الأعمال» في ج٢ و ذكر ترجمته في مكارم الآثار ج٢ ص٣١٦ و دانشمندان و بزرگان اصفهان ص٤٠٤ و مرّ ذكر جدّه (رقم ١٢٣).

«جامع الأحاديث النبويّة» ص ٣١ رقم ١٤٥: لايخفى أنّ العلاّمة المجلسي(قده) لم يذكر هذ الكتاب في بحاره و لكنّه وقعت بيده نسخة ناقصة منها لم يكن فيها اسم المؤلّف و الكتاب و كانت النسخة تلو نسخة الإمامة و التبصرة من الحيرة للشيخ على بن بابويه القمي فلم يعرفها و لكنّه نقل ظ كلّما كان في النسخة في البحار بعنوان أصل من أُصول

القدماء (و غيره) و الذي أظنّ أنّ تلك النسخة كانت في ملك المير محمّد أشرف صاحب فضائل السادات فأعارها للعلاّمة المجلسي أُستاذه فأمر هو أحد تلامذته باستنساخها فاستنسخها تماماً و هذه النسخة التي هي بخط محمّدقاسم بن محمّدرضا تلميذ المجلسي و تاريخها ١٠٩٧ و صحّحها و قابلها العلاّمة المجلسي بنفسه قد كانت عند بعض علماء اصفهان فأهداها في سنة ١٣٨٥ أحد أعقابه إليّ فبعد ما طالعتها و لاحظتها عرفت أنّ تلك النسخة مشتملة على الإمامة و التبصرة من الحيرة للشيخ علي بن بابويه ره و على قطعة من جامع الأحاديث لما كان معروفا عندي لأجل أنّ نسخة الجامع قد كانت مطبوعة من قبل في طهران كما قد حلّ بذلك مشكلة شيخنا صاحب الذريعة في أمر الكتاب الأوّل أعني الإمامة و التبصرة. ثمّ إنّ المير محمّد أشرف قد نقل عن الكتاب الثاني و عن نفس تلك النسخة الناقصة (بلاشبهة في ذلك) في كتابه فضائل السادات ص٢٢٩ طبع ١ السنة ٥٣ فليراجع و لينظر ما علّقتها هنا و إلى مقالة مفردة لنا في أمر الكتابين و الحمد لله ربّ العالمين و صلّى الله على سيّدنا محمّد و آله الطاهرين حرّره السيّد محمّدعلى روضاتي في ٢٦ صفر الخير ١٣٩٩ في بيته بإصفهان.

ثمّ إنّه قال العلاّمة آقا محمّدعلي البهبهاني المتوفّى سنة «...» في تحقيقه حول مسألة الفناء في مجموعة له عندنا بخطّه طاب ثراه [هامش ق١٣ من المجموعة] ما لفظه «روى الشيخ الفقيه أبومحمّد جعفر بن أحمد بن علي القمي مؤلّف كتابه العروس في كتابه جامع الأحاديث عن النبي(ص) أنّه طرق طائفة من بني إسرائيل» و أظنّه ناقلاً عن النسخة الكاملة التي تملّكها سردار الكابلي بعده و الله العالم و لعلّ الآقا محمّدعلي أورد المطلب في كتابه «مقامع الفضل» أيضاً فليراجع و انظر ما ذكرناه حول الإمامة و التبصرة في موضعه و السلام. حرّر في ليله ٣ ع٢ سنة ١٤٠٦.

﴿جامع الأحكام﴾ ص ٣٢: الرسالة الشكّية الآتية في الشين للملاّ عليمدد الساوجي سمّيت بذلك حين الطبع.

«جامع الأخبار» ص ٣٣ رقم ١٥١: قال الشيخ الحرّ في إجازته للشيخ محمّد فاضل المشهدي (ص١٦١ من إجازات البحار) ما نصّه (و أجزت له أن يروي عنّي كتاب مكارم الأخلاق و كتاب جامع الأخبار للحسن بن الفضل الطبرسي بالسند السابق عنه) انتهى.

ص ٣٣ س ١٢، من (١٢٨٧): بل من سنة ١٢٧٠ فقد طبع بطهران في هذه السنة نسخة بالقطع الوزيري على الحجر. يراجع «نسخه‌هاى خطى، دفتر ٧ نشريه كتابخانه مركزى دانشگاه تهران ص١٢٦».

ص ٣٣ س٢١، جماله: / إجلاله (الثقات العيون).

ص ٣٣ س٢٢، الثاني: / الثامن (الثقات العيون).

ص ٣٣ س٢٣، املاءً: / لمّا (الثقات العيون).

و المتن موافق للنسخة المطبوعة من الجامع.

ص ٣٥ س ١: فيه الردّ على صاحب المستدرك شيخ المصنّف.

«جامع الأخبار» ص ٣٧ رقم ١٥٣ س ٢٠، مجامع الأخبار: أقول عدّ في الروضات من جملة كتبه بجامع الأخبار فلاحظ.

«جامع الأسرار» رقم ١٦٤ — ص ٣٩ س٢، و ينقل عنه: و ينقل عنه جدّنا العلاّمة في آخر المجلّد الثالث من كتابه الروضات في ذيل أحوال كميل بن زياد المشهور ره.

«جامع الأقوال» ص ٤٢ رقم ١٧٤: أقول ذكره العلاّمة السيّد أبومحمّد الحسن قدّس سرّه في [تكملة الآمل ٤٣٦: ٤٢٥] و هناك اسم جدّه الأعلى زين‌العابدين مكان زين‌الدين و المتن موافق لما في ترجمة الرجل في إحياء الداثر ٢٧٦ فراجعه. و انظر ما يأتي [فائدة في ألفاظ التعديل ١٦: ٧٨: ١٣].

«جامع الأنوار» ص ٤٣ رقم ١٧٥: جامع الأنوار ترجمه هفتم بحار نيست بلكه مختصر آنست به عربى فتأمل. صحّحه المصنّف بعد ما كتبته إلى انبه.

﴿جامع البحار﴾ ص ٤٣: بالفارسية للصوّفي الطبيب محمّدتقى الكرماني المدعوّ بمظفّر علي شاه حسب طريقة الصوفية و ليس من دأبنا عدّ أمثاله في رجال الشيعة و لكن المصنّف ره ذكر آثاره و منها «بحرالأسرار ٣: ٢٩: ٥٠» فتبعناه ذكر تفصيل أحواله مع الغلوّ و الأكاذيب في «بستان السياحة ٥١٣ طبع افست» للشيروانى الصوفي المبدع المعاند المكفّر و ذكر فيه تصانيف الرجل و منها «جامع البحار» هذا و نقل شطراً منها فيه (ص٥١٤ – ٥٣٥) و جلّها في ذمّ العلماء و الفقهاء الأجلاّء ولكنّه مدح الغزالى الناصب و بقوله [و كتاب إحياء العلوم لأسوة العرفاء المحقّقين أبي‌حامد الغزالي] انتهى. فاعرف

معيار العرفاء المحقّقين عند القوم من هذا التعريف و الله العاصم.

«جامع البزنطي» ص ٤٣، **مرّ آنفاً**: انظر ص ٢٧ س ١١ و يأتي في ج٦ ص٣١٢ س٣.

«جامع البين من فرائد الشرحين» رقم ١٧٧ — ص ٤٤ س ٧، **بعلاّمة**: الصواب بلا شدّة.

«جامع التأويل لمحكم التنزيل» ص ٤٤ رقم ١٧٨ س١٨، **الحسيني**: الصواب الحسني كما هو معلوم.

و في س٢٠ قوله ص٧٢ الصحيح ص٧٩.

«جامع التفسير» ص ٤٥ رقم ١٧٩ س٢٤: انظر ما ذكرناه في ج١ ص٣٧٤.

ص ٤٦ س٢، **الحكماء**: هذا خطأ و الصواب (أخبار البشر) كما بيّناه في التعليقة على (أخبار راغب).

«جامع التواريخ» ص ٤٦ رقم ١٨٢: أقول طبع قسم مهم من [جامع التواريخ حسني] في تاريخ التيموريّة بعد تيمور و ينتهي إلى سنة ٨٥٧ في مطابع لاهور كما وصفناه في التكملة على [مقصد الإقبال ٣٢: ١١٠] و تشيّع مصنّفه غير معلوم بل يظهر تسنّنه من كتابه و إن مدح فيه أميرالمؤمنين و أهل بيته الطاهرين سلام الله عليهم أجمعين. و أمّا قول شيخنا ره في فراغ الرجل من تأليف كتابه فالنصّ الموجود و في آخره لايلائم ما ذكره لأنّ في ص١٧٥ واقعة بتاريخ ليلة السبت الثامن من شهر ذيالقعدة سنة سبع و خمسين و ثمانمائة موافق تخاقوى ئيل التركى و تمّ الكتاب في ١٧٦ص و بعدها تعليقات و تصحيحات و فهارس.

«جامع جفري» ص ٤٧ رقم ١٨٧: راجع «جامع مفيدي» في ص٧٢: ٢٨٣ و ص٣١٨ س١٦ و قوله في س٢٢ (رحج الآيق) الصواب (رجّح الآيق).

«جامع الحساب» ص ٤٨ رقم ١٩٤: أقول سيأتي هذا الكتاب بعنوانه الأصحّ [جوامع الحساب ٢٤٩] و انظر التفصيل في كتاب [احوال و آثار خواجه نصير ٣٨٠ فما بعدها للرضوي].

«جامع الخيرات» ص ٥١، **في شرح أسرار الصلوة**: يعني التنبيهات العلية للشهيد الثاني ره.

«جامع الدلائل» ص ٥٢ رقم ٢٠٦ س٢٥، **«في كشف الحجب»: +** و روضات الجنّات و بعض نسخ أمل الآمل.

«جامع الرواة» رقم ٢١٣– ص ٥٥ س٣، **هذا كالشرح: أقول** هذا صحيح إلاّ أنّ الأردبيلي رحمه الله لم ينقل في كتابه الحواشي الكثيرة التي أوردها الميرزا نفسه على كثير من تراجم كتابه الوسيط هذا بحيث قلّما توجد صفحة من صفحات الوسيط ليست فيها حاشية منه قدّس سرّه و في تلك الحواشي تحقيقات عالية جليلة و الظاهر أنّ النسخة التي كانت عند الأردبيلي من الوسيط و نقل عنها في كتابه كانت غفلا عن تلك الحواشي نظير عدّة نسخ عندنا من الوسيط أهمل الناسخون عن نقل الحواشي و لكنّها موجودة تماماً في نسختين عندنا أيضاً كتبتا في حياة الميرزا و على أكثر مواضعهما حواشي الميرزا طاب ثراه و من هذه الناحية يجب الاهتمام بشأن الرجال الوسيط و إحيائه بتحقيق الكتاب بعد جمع ما أمكن من نسخه و طبعها مع جميع الحواشي و عرض المتن على جامع الرواة أيضاً و الله الموفّق. م‌ع‌ر عرفه ١٤٠٩

ص ٥٦ س ٦، **سليمان:** ليراجع مقدّمة جامع الرواة المطبوع سنة ١٣٧٢ إلى سنة ١٣٧٥ بطهران في ص٧.

ص ٥٦ س٢٤، **(١٩ ع ١١٠٠):** كما رأيت بخطّه في فهرست مكتبة جامعة طهران ج٢ ص٧٤٤.

﴿جامع الستّين﴾ ص ٥٨: لمولانا خواجه ضياءالدين أحمد بن محمّد بن زيد الطوسي هكذا نقل عنه الميرزا عبدالله الأفندي في كتابه (تحفه حسينيه) في ترجمة الصحف الإدريسية قال «و مولانا خواجه ضياءالدين أحمد بن محمّد بن زيد طوسى در كتاب جامع الستّين خود در قصص انبياء در احوال حضرت ادريس پيغمبر آورده كه ادريس فرزند مهلائيل بوده» الخ.

«جامع السعادة» ص ٥٩ رقم ٢١٩: **أقول** مرّ للسيّد الشهشهاني أنوار الرياض ٢: ٤٢٧: ١٦٨٣» و سيأتي له «جنّة المأوى ١٦٠: ٦٧٧» كما يأتي له أيضاً غيرها منها «مشكوة الهداية ٢١: ٦٤: ٣٩٦٨» و عندنا نسخة جامع السعادة و «...»

«جامع الشرايع» ص ٦١ رقم ٢٢٦: لايخفى أنّ الصحيح الجامع للشرايع كما ضبطه

الرجاليّون في كتبهم.

ص ٦١ س٦، **يوم عرفه**: الصحيح ليلة عرفة كما قاله تلميذ صاحب العنوان الحسن بن داود و صاحب الآمل و النقد و المنهج و غيرهم فلاتغفل. (صحّحه المصنّف بعد ما كتبته إلى ابنه)

و قوله (٦٨٩): قائله السيوطي في البغية نقلاً عن الذهبي.

و قوله (٦٩٠): قائله ابن داود و صاحب المنهج و النقد و غيرهم.

«الجامع العباسي» ص ٦٢ رقم ٢٤٢ س٢٥، **(١٠٣١)**: الصواب سنة ١٠٣٠ كما بيّناه مراراً و راجع ما ذكرناه في التكملة حول «شارع النجاة ١٣: ٤: ٧».

ص ٦٣ س٦: أقول قد مرّ «ترجمة الجامع العباسي» في ج٤ ص٩٣.

«جامع العقايد» ص ٦٣ رقم ٢٤٣: و ذكره ابنه في مناقب الفضلاء و قال إنّ قصده إتمامه و الله أعلم.

ص ٦٦ س١: يراجع حتماً (نابغه فقه و حديث ص٤٧) و (تاريخچه محله خواجو).

«جامع الفوائد» ص ٦٧ رقم ٢٦٢: يراجع جمع الفوائد في ص١٣٩ و الظاهر اتحادهما و راجع «شرح خطبة قواعد الأحكام ١٣: ٢٢٤: ٧٩٥» و هو مشتمل على مطالب عالية و عندنا منه عدّة نسخ لايزيد صفحات الرسالة على عشر في الغالب.

﴿الجامع الكبير﴾ ص ٦٩: في الفقه الشريف للسيّد محسن الأعرجي طاب ثراه. انظر (مقدّمة الجامع الكبير) في مكانه.

«جامع المسائل» ص ٧٠ رقم ٢٧٥: أقول يأتي أيضاً ملخّصاً بعنوان «السؤال والجواب ١٢: ٢٤٩ س١٨» و انظر للسيّد «الرسالة العمليّة بالفارسية ١١: ٢١٨: ٢٢١» و لعلّهما واحد و الله العالم.

«جامع المسائل النحويّة» ص ٧٠ رقم ٢٧٧ س٢٣، **الدرّ المنثور**: ذكرهما في كتابه «طيف الخيال» الذي فرغ منه المؤلّف في ظهر يوم السبت ١٦ شوال ١١١٦.

«جامع المعارف و الأحكام» ص ٧١ رقم ٢٨١: أقول توجد عدّة مجلدات من هذا الكتاب الشريف عند الدكتور اصغر مهدوى بطهران بعضها بخط المصنّف كما فصّل في «نشريه كتابخانه مركزى دانشگاه تهران ٢: ١٤٦ - ١٤٧».

«جامع مفيدي» ص ٧٢ رقم ٢٨٣: يراجع (ج٥ ص٣١٨ س١٦) و «فهرست أحمد منزوى ٦: ٣٠٢ فما بعدها) و (مجموعه در ترجمه احوال شاه نعمةالله ولى كرمانى) نشر ژان اوبن ط طهران ١٩٥٦م ١٣٧٦ق.

«جامع المقاصد» ص ٧٢ رقم ٢٨٤: أقول لتاريخ وفاة المحقّق الكركى ره يراجع إجازاته في ج١ و ما كتبنا هناك في الحواشي و أيضاً يراجع الدرّ المنثور للشيخ علي ج٢ ص١٦٠ و تعليقتنا المخطوطة هناك و فهرسنا الكبير رقم ٨٦٢ حول المطالب المظفّريّة.

«الجبر و الاختيار» ص ٨٢ رقم ٣٢٠ س١٠، طبع: أقول مرّ ذكرنا في هامش ص١١٨ ج١٨ ذيل عنوان (كلمات المحقّقين) أنّ هذه الرسالة لصدر المتألّهين الشيرازي و قد أخطأ الناسخون في نسبتها إلى الفيض و لمّا وفقني الله سبحانه لطبع رسالة صدرا في سنة ١٣٨١ باصفهان اغفلت عن التعرّض لهذا الخطاء فاستدركت ذلك بعد الطبع في هامش نسختي الخاصّة و الله العاصم.

«الجبر و المقابلة» ص ٨٦ رقم ٣٤٩، البهشتي: انظر إلى كتاب الحساب ج٧ ص٦ و رسالة في الحساب ج١١ ص١٧٦.

ص ٨٧ س١، الآتي: رقم ٣٥٧.

«الجبر و المقابلة» ص ٨٧ رقم ٣٥٥: أقول انظر التفصيل في كتاب «احوال و آثار خواجه نصير ٣٨٣» للمدرّس الرضوي بعنوان [رساله در حساب و جبر و مقابله].

«الجبر و المقابلة» ص ٨٨ رقم ٣٥٧ س ٨، آنفاً: رقم ٣٤٩.

«رسالة الجدري» ص ٨٩ رقم ٣٦٦: يراجع لزاماً «مكارم الآثار ج٧ رقم ١٥٤٧».

«الجذر الأصمّ» ص ٩٢ رقم ٣٨٤: أقول انظر [ضالّة الفضلاء ١٥: ١١٣: ٧٥٦].

«جرائد البلدان» ص ٩٣ رقم ٣٩١، أبوحرب: هو صاحب (الأنساب ٢: ٣٧٤: ١٥٠٦) و سيذكر في ص٩٧ س٢٣.

«الجراب» ص ٩٤ رقم ٣٩٢ س٣، المشارك معه: الصواب و المحرضّ له فانّه لم يشاركه في تأليفه شيئاً قط و هذا واضح لمن نظر في آخر الروضات و قد تكرّر هذا الخطاء الفاحش و الظلم المدهش من شيخنا المصنّف في النقباء ١١٤٧ و لننقل أوصاف صاحب الروضات للرجل في إجازته له و من خاتمة الروضات و من النسخة الروضات للسيّد

عبدالغفار و يظهر من الأوصاف أنّه لم يذكره بوصف علمي مطلقاً و حثّ الأصدقاء لأصحاب التأليف و التصنيف أمر شايع من القديم قلّما يتّفق خلافه و قد حثّ الفقيه فضل‌الله الالغاطي المروزي صديقه و صاحبه السمعاني على إتمام كتابه الأنساب و يعجبه ذلك [رجال تاج العروس ص٣: ٣٣٧] فهل الحثّ يلازم المشاركة في التأليف يا هذا؟

﴿الجراب﴾ ص ٩٤: للميرزا محمّدحسين الهمداني الاصفهاني المتوفّى (١٣٢٤) أيضاً كشكول كما في «مكارم الآثار» فليلاحظ. ثمّ لايخفى أنّي زرتُ خزانة كتب ملك التجار في طهران في ١٤ ذي‌الحجة ١٣٨٧ و طلبت نسخة الجراب من الطالقاني مدير الخزانة و كان هناك الميرزا أحمد المتروي ابن المؤلّف فلم يجده في الفهارس فراجع في الوقت نفسه الحاج حسين آقا الملك و كان في البيت فتكلّم معه في شأن الجراب و مالكه الحاج شيخ عبدالرحيم فأجابه بأنّي ما سمعت اسم هذا الكتاب قطّ و لا أعرفه أصلاً و هذا من الغرائب و لكنّه اعترف الطالقاني باشتراء بعض كتب الشيخ عبدالحسين و الله العالم.

«جريدة الأنساب» ص ٩٧ س٢٤، كما مرّ: يعني في ص٩٣.

ص ٩٨ س٢، «تذكرة النسب»: أقول مصوّرة نسخة من التذكرة هذه عندنا موجودة و أصلها في الرضوية و المطالب المنقولة عنها في المتن في ق١٦٥ منها في آخر النسخة و قوله (ج٢ ص٢٨٢) الصواب (ج٢ ص٣٨٢).

ص ٩٨ س٣، من طبقة مشايخ مؤلف: / طبقة مشايخ العلاّمة، ترجمه مؤلّف.

ص ٩٨ س٤، ابن عينه: الصواب ابن عِنَبة.

«جريدة طبرستان» ص ٩٨ رقم ٤٠٠، يحيى: أقول هكذا عمود نسب السيّد أبي‌طالب يحيى في نسختنا المصوّرة من كتاب المشجّر المعرّف بتذكرة النسب حرفا بحرف كما هو كذلك في الثقات العيون (ص٣٤٠) إلاّ في عبيدالله الأعرج فإنّه طبع في الثقات عبدالله و هو من خطاء الطبع و علاوة على ذلك عمود النسب في نسخة التذكرة غلط و الصواب «...»

«جريدة طرابلس» ص ٩٨ رقم ٤٠١: أقول هذا ليس كلام البيهقي و لا مُراده فإنّه بعد أن أورد نسب الرحل بقوله (فصل. ديگر: فرزند طرابلسى است و هو محمّد بن

أبي‌البشائر) إلى آخر النسب قال بلافصل ما لفظه (و عليه العهدة عن خروج نسبه بالرجوع إلى جريدة طرابلس) انتهى و ليس في هذا الكلام دلالة على أنّ السيّد أخذ نسبه عن جريدة طرابلس و لا على وجود تلك الجريدة مطلقاً. م‌ع‌ر عفي عنه في ليلة ١٣ قع ١٤٢٤

«**الجزم لفصل ابن حزم**» رقم ٤٣٨ ص ١٠٥ س١، **صالح بن حمزه:** / داود بن سلمان بن نوح.

«**الجزيرة الخضراء**» ص ١٠٥ رقم ٤٤٥ س ٢١، **البحار: أقول** و أسقطها المترجم المعاصر في ترجمته الفارسية المطبوعة ظنّاً بطهران منه بأنّ القصّة لا أصل لها سلّمنا ذلك ولكن الأمانة العلميّة قاضية بخلاف ذلك و الله العاصم و انظر حول الجزيرة الخضراء (ج١: ١٦٥: ٨٢١ في تكملتنا و أيضاً ج١: ٥١٣: ٢٥١٣) و للصديق الماجد الجليل الشيخ أكبر التبريزي (على اكبر مهدي‌پور) كتاب [جزيره خضراء و تحقيقى پيرامون مثلث برمودا] ط بطهران سنة ١٤٠٤ و هو كتاب ممتع جدّاً و لغته فارسية و فيه الردّ على المنكرين بالكسر و المنكرات بالفتح في عدّة من المؤلّفات المطبوعة و من جملتها الردّ على هذه التعليقة الطويلة على هذا العنوان كما أنّ له الردّ على القاضي الطباطبائي في تعليقته على الأنوار النعمانيّة حيث استشهد السيّد بالذريعة و حاشيتها هذه و للسيّد القاضي أيضاً كلام حول المسئلة في ما الحقه بكتاب [أنيس الموحّدين طبع تبريز]فراجعه و لنا حول بعض هذه المطالب و غيره أيضاً نظرات و انظر «العمدة ١٥: ٣٣٣: ٢١٥٤» و أصلح في المتن (في س٢٠) الخضراء بالضاد المعجمة و (في س٢١) المجلّد مكان مجلّد.

«**جزيلة المعاني**» ص ١٠٧ رقم ٤٤٦: + لقب للدّر الثمين. صح

ص ١٠٧ س ٣٠، (**تبريز – ١٣٠١**): **أقول** و في الطبعة الحديثة من الأنوار (ج٢: ٥٨) و يوجد التفصيل أيضاً في أواخر كتاب (غرائب الأخبار و نادر الآثار) للسيّد نعمة الجزائري المذكور و نسخته المخطوطة عندنا موجودة بخط أحد أجدادنا الكرام أعلى الله تعالى مقاماتهم في دارالسلام و انظر «وسيلة النجاة ٢٥: ٨٨: ٤٨٤» مع التكملة.

«**رسالة جعفر الصادق عليه‌السلام**» ص ١٠٩ رقم ٤٥٣، **الحجر:** انظر «رسالة الجعفريّة» في حرف الراء.

«**الجعفريّة**» ص ۱۱۰ رقم ٤٥٧ س۲۳، **خمسة أبواب**: أقول الصواب أنّ الجعفريّة مرتبة على مقدّمة و أربعة أبواب و خاتمة.

و أمّا قوله (نسخة خط المؤلّف) هذا أيضاً خطاء فإنّ النسخة الموصوفة ليست بخط المصنّف يقيناً اشتباه من مؤلّف فهرس الرضويّة ج ٢ ص ٣٣ رقم ١٠٩ ففي (حياة المحقّق الكركي و اثاره ج ٤ ص ١٢٣) تصوير الصفحة الأخيرة من تلك النسخة و فيها صريحاً (عاشر شهر جمادي الأوبل — لا الأولى و لا الآخرة — سنة سبع عشر و تسعمائة) و هكذي الحال في النسخة التي ذكرها شيخنا بعدها في السطر الآخر فالصفحة الأخيرة منها تصويرها في الكتاب المذكور ص ١٢٧ و هناك (عبدالعلي بن نورالدين) و هكذا في فهرس المكتبة ج ٤ ص ٣٣ رقم ١١١ بهذه الصورة (كاتب عبدالعلي بن نورالدين پسر مؤلف است) و هذا أيضاً كما ترى و الله العاصم. م‌ع‌ر في ليلة ١٩ محرّم ١٤٣١

قال المحقّق الكركي في مقدّمة الجعفريّة (و بعد فان التماس من اجابته من أفضل الطاعات الخ) أقول رأيت في هامش نسخة مخطوطة في عام ١٠٨١ عند قول المصنّف هذا ما نصّه: (و هو السيّد الأعظم أسوة الأكابر و الأعالى ملجأ الأفاضل فريدالزمان و وحيد الأوان السيّد الحسيب النسيب الأجلّ الأقدس فريد الدنيا و الدين فريدون (كذا) جعفر الحسيني النيشابوري أدام الله تعالى شرف معاليه و قرن بالسيادة و السعادة أيّامه و لياليه بمحمّد و ذويه ١٢) انتهى و النسخة من كتب السيّد الخاتون‌آبادي. أقول و لذا سمّيت الرسالة بالجعفريّة.

ص ١١١ س٢، **المقاصد العليّة**: بل في حاشية الفوائد المليّة المطبوعة خلف المقاصد العليّة.

ص ١١١ س١٢، **عبدالعالي الميسي**: نسبها إليه شيخنا الحرّ في الآمل عند ذكره فراجع.

ص ١١٢ س١٢، **الاشعثيات**: و تراجع عنوان «رواية الأبناء عن الآباء» في ج١١ ص٢٥٨.

«**الجعلية الصادقية**» ص ١٢٢: راجع (الرسالة الجعلية) في (ج١١: ١٦٤: ١٠٣٣).

«**الجغرافيا**» ص ١١٣ س١٣: و ينقل عنه الاصطخري كما في معجم المطبوعات ص٤٥٣.

«**جغرافياي نظامي**» ص ١١٦ رقم ٤٨٠ س٢٥، رزم آرا: قتل علي رزم‌آرا على يد خليل طهماسبي من عمّال حزب فدائيان اسلام قبل الظهر من يوم الأربعاء ٢٨ ج١ سنة ١٣٧٠ حين دخوله في المسجد السلطاني بطهران لختم مجلس ترحيم آية‌الله الميرزا محمّد الفيض و وجه تسميته بالحاج علي أنّه ولد في عيد الأضحى كما رأيت في بعض المنشورات و كان حينئذٍ رئيس الوزراء.

«**الجفر**» ص ١١٩ س٥، **يعرفونها**: أقول الصواب (يعرفونهما و يحكمون بهما) أي الجفر و الجامعة كما نقل كلام الشريف في المقصد الثاني من نوع العلم عنه مفصّلاً التهانوي في «كشّاف اصطلاحات الفنون ١: ٢٠٢ - ٢٠٣ ط ١» و لاحظ الطبع المصرية أيضاً و الله الموفّق و انظر أيضاً كتاب «مجمع النورين ١: ٣٩٣ فما بعدها» و هو كتاب الحيوان للسبزواري الواعظ فقد تكلّم فيه حول الجفر و الجامعة و حول كلام شارح المواقف و أيضاً يراجع كتاب «معالم المدرستين ٢: ٢٩٩ فما بعدها». قال صاحب «أعيان الشيعة ٢٧: ٦٠» في ترجمة الملاّ حسين الواعظ الكاشفي بعد عدّ مصنفاته السبعة و الثلثين ما لفظه «هذا ما وصل إلينا من أسماء مؤلّفاته و يلاحظ انّ جلّها أو كلّها بالفارسية و انّ جملة منها فيما لاثمرة فيه كالنجوم والسحر و أسرار الحروف و الأعداد و الجفر و غير ذلك مع أنّ الجفر لا يصحّ عدّة علماً لأنّ الجفر هو الجدي و قد ورد أنّ النبي صلّى الله عليه و آله أملى على عليّ عليه‌السلام ما كتبه في جلد جفر كما أشار إليه المقري بقوله: لقد نجبوا لأهل البيت لمّا اروهم علمهم في مسك جفر و بقي هذا المكتوب مخزوناً عند أئمّة أهل البيت لم يطّلع عليه إلاّ بعض خواصّهم فتوهّمُ أنّه علم يمكن استخراجه بشيءٍ من الحساب و نحوه توهّمٌ سخيف» انتهى كلام صاحب الأعيان حول الجفر و الله العالم. م‌ع‌ر في ٢٥ ج ٢ سنة ١٤١٤

«**جلوات ناصرية**» ص ١٢٧ رقم ٥٢٣: يراجع مكارم الآثار ج٧ رقم ١٤٩٨.

﴿**جمال حديقة أنوار الجنان الناضرة و كمال حدقة أنوار الجنان الناظرة**﴾ ص ١٢٩: للكفعمي ره كذا في «صفوة الصفات في شرح دعاء السمات» عند شرح قوله(ع) «و ركدت لها البحار و الأنهار».

«**الجماهر**» ص ١٣٢ رقم ٥٤٣: أقول انظر مقالة حول هذا الكتاب في مجلّة (آينده.

مرداد سنة ١٣٦٢ش ص٣٦٩ ببعد).

«**الجمع و التوفيق بين رأيي الحكيمين في حدوث العالم**» ص ١٣٤: أقول بل يأتي في «حدوث العالم ٦: ٢٩٤: ١٥٦٩».

«**الجمع بين رأيي الحكيمين**» ص ١٣٥ رقم ٥٥٩: يراجع حدوث العالم للمير الداماد في ج ٦ ص٢٩٤.

«**الجمع بين الفاطميتين**» ص ١٣٧ رقم ٥٦٦ س٩، **الرسالة**: هذه الرسالة مذكورة في ج٤ ص١٥٨.

«**جمع الشتات**» ص ١٣٨ رقم ٥٧٥: أقول و إجازة امام الحرمين لجدّنا العلاّمة الحجّة السيّد ميرزا مسيح ابن الإمام المجدّد و صاحب الروضات بخطّه موجودة عندي في كتابي رياض الأبرار و راجع ج١١: ٢٥: ١٤٥ إلى ١٤٨.

«**جمع الفوائد**» ص ١٣٩ رقم ٥٧٧: يراجع جامع الفوائد في ص ٦٧.

«**كتاب الجمل**» ص ١٤١ رقم ٥٩٨ س٢٤، **كتاب صفين**: يأتي في (الصفين ١٥: ٥٢: ٣٤٤).

«**جمل الاعراب**» ص ١٤٣ رقم ٦٠٨: و عندنا نسخة مكتوبة سنة ١١١٤.

«**جمل العلم و العمل**» ص ١٤٤ رقم ٦٠٩ س١٣، **لايتأكّد**:/ لايكاد ينفكّ؛ كما في نسختنا و الظ أنّه الصحيح.

«**الجموع و المصادر**» ص ١٤٦ رقم ٦١٧: عندنا نسخة بخط المرحوم الحاج آخوند الجورتاني في مجموعته المرقمة ٢.

ص ١٤٦ س٩، **لبلابل**:/ تلاتل.

«**الجمهرة**» ص ١٤٦ رقم ٦١٨: يراجع ما علّقناه على الروضات.

ص ١٤٦ س٢٥، **قرأعلّي**:/ قرأ عليّ.

«**الجمهرة**» ص ١٤٧ رقم ٦٢٠، **النسب**: انظر «أنساب قريش» في ج١: ٣٨٢ و «نسب قريش» في ٢٤: ١٤١: ٧٠٣ و ما قبله و قد طبع.

قال المسعودى في المروج ج١ ص٢٧٤ عند ذكره نسب النبى صلّى الله عليه و آله هذا ما في نسخة ابن هشام في كتاب جمهرة النسب.

«جنات الخلود» رقم ٦٤٦ — ص ١٥١ س ٢، **باغ عدن: لايخفى أنّ** (باغ عدن) مطابق لسنة ١١٢٧ و في آخر النسخة المطبوعة سنة ١٢٧٣ انّ تاريخ مدّة الاتمام سنة واحدة بعد الشروع فيه (يكسال بعد از آن است) و الاستاذ أحمد المنزوى ذكر في (فهرست نسخه‌هاى خطى فارسى ج٦ ص٤٤٥٠/١) عدّةً من نسخ الكتاب المخطوطة و الظ أنّ أقدمها في الرضوية و المجلس من عصر المصنّف. ثمّ لايخفى أيضاً أنّ المصنّف ذكر اسمه في خاتمة كتابه بهذه الصورة (محمّدرضا امامى خاتون‌آبادى) و راجع «ابواب الهداية» في ج١.

«جنّات عدن» ص ١٥١ رقم ٦٤٧ س١٩، **طيف الخيال:** موجود عندنا بحمده تعالى و الكتاب مذكور فيه.

«جنّات الوصال» ص ١٥٢ رقم ٦٥١ س١٤، **المتوفّى:** ارّخ وفاته في نورالأبصار للشيخ اسدالله و في مختصر المكارم سنة ١٢٣٠.

«جنان الجنان و روضة الأذهان» ص ١٥٣ رقم ٦٥٢ س١٨، **طلايع:** الصواب في اسم والد طلايع رُزّيك بتقديم الراء المهملة المضمومة و انظر بعض أخباره في كتابنا جامع الأنساب ١: «...»

ص ١٥٧ س ٢٤، **مسعود: أقول** الظاهر أنّ شيخنا المصنّف عليه الرحمة نسي أن يذكر مسعوداً و كتابه في الروضة النضرة فكتبته بهامش نسختنا.

«جنة المأوى» ص ١٦٠ رقم ٦٧٧: هذا الكتاب عندنا موجود في مجلّدين كبيرين تامّتين اوله «الحمد لله على الارشاد لنصرة الدين بالاجتهاد» و مرّ له «جامع السعادة ٥٩: ٢١٩».

«جنة الناظر و جنّة المناظر» ص ١٦٠ رقم ٦٨٠: نذكر له «تحقيق غيبة المنتظر» عليه‌السلام في موضعه من الهاء.

«جنة النعيم و العيش السليم في أحوال سيّدنا عبدالعظيم» ص ١٦٠ رقم ٦٨١: **أقول** مرّ في هذا الموضوع [جنّات النعيم ١٥٢: ٦٥٠] و غيره و يأتي [الخصائص العظيمية ٧: ١٦٩: ٨٩٦] و يأتي للحاج ملاباقر [الخصائص الفاطمية ٧: ١٧٣: ٩٠١].

«جنگ» ص ١٦٥ س ١: **أقول** نقل الحاج فرهاد ميرزا في كتابه «زنبيل: ٢٥٨/٩»

جدول مربّعات عن جنگ نفيس وصفها بقوله «مربّعات از جنگى كه براى شاه سليمان جمع آورى كرده بودند نقل شد» انتهى.

«**جنگ**» ص ١٦٥ رقم ٧٠١: طبع هذه السفينة بعنوان «...»

﴿**جنگ نامه**﴾ ص ١٦٩: يراجع فهرس المكتبة المركزيه لجامعة طهران ج١٦ ص٥٢٤.

«**جنگ هفتاد و دو ملّت**» ص ١٦٩: راجع العنوانين في القاف و الهاء.

«**جواب الشيخ ابراهيم حسنا**» ص ١٧٢ رقم ٧٤٧: عندي نسخته مع جواب الجواب ضمن مجموعة رسائل كتبها لطف‌الله الحويزي عام ١١٠٤.

«**جواب اعتراضات سلطان العلماء**» ص ١٧٤ رقم ٧٦٢: يأتي تفصيله في (الردّ على سلطان العلماء ١٠: ٢٠٠: ٥٢٤)

«**جواب بعض الأشراف**» ص ١٧٨ رقم ٧٧٤ س١٤، **للشيخ محمّد: هو** صاحب «شرح اصول الكافي» المسمّى (هُدى العقول ٢٠: ٢٠٢: ٢٧٠).

«**جواب بعض العامّة**» ص ٧٨ رقم ٧٧٥ س٢٥، **مجموعه:** لم أجد ذكراً لها في المجموعات في ج٢٠.

ص ١٧٩ س٣، **جوابات:** انظر ص٢٠١ رقم ٩٣٩ و (ج١٢: ٢٤٢: ١٥٩٠) و (ج٤: ٨٣: ٣٦٤).

«**جواب السؤال عن نجاسة المخالفين**» ص ١٨٣ رقم ٨٠٩: يراجع التكملة على [رفع الالتباس «...»

«**جواب السؤال عن وجه تزويج أميرالمؤمنين ع ابنته عمر**» ص ١٨٣ رقم ٨١١: يأتي ذكره مختصراً أيضاً في ج٢٠ ص٣٩٧ و انظر أيضاً ج٢٤ ص٣٠٠ س١٧ و نسخته عندنا في مجموعة جليلة كلّها بخط جدّنا و شقيق أجدادنا العلاّمة الحاج مير سيّد محمّد الموسوي الخونساري رقمها في المكتبة ٧٠٩ و أوّل رسائلها الاقتصاد للشيخ الطوسي.

«**جواب شبهات إبليس**» ص ١٨٤ رقم ٨١٥: نسخة منها بآخر نسخة جيدة من المجالس في مكتبة مسجد گوهرشاد كما في فهرسها ١: ٣.

«**جواب المسائل الثلاث**» ص ١٨٧ رقم ٨٣٩، (١١١١): كما مرّ في ج ٤ ص ١٩٢.

«**جوابات ابن فروخ**» ص ١٩٦ رقم ٩٠٤: أقول ذكره المصنّف في (إحياء الداثر ٩٠ و

١٥٩ مكرّراً) من دون إضافة شيءٍ آخر على ما في المتن و لم يذكر نسخة تهذيبه في موضعه «تهذيب الأحكام ٤: ٥٠٥: ٢٢٦٣» و انظر ما ذكرناه في التكملة هناك.

«**جوابات أبي‌سعيد أبي‌الخير**» ص ١٩٧ رقم ٦١٥: مكرّر للعدد (٧٥٢).

«**جوابات الشيخ أحمد العاملي**» ص ١٩٩ رقم ٩٢٢: **أقول** قد سبق ذكر هذه الجوابات بعنوان «الاسئلة المازجية ٢: ٩١: ٢٦١» و عندنا منها نسخة بخط عمّنا العالم الفاضل السيّد محمّدجواد شقيق الإمام المجدد صاحب الروضات قدس الله تعالى روحيهما في مجموعة جليلة كلّها بخطه ره تاريخ بعضها ١٢٣٩ و عندنا أيضاً نسختان في مجموعة رسائل اُخرى بخط حبيب بن أحمد الاصفهاني من القرن ١٣ و يأتي للشهيد أيضاً الرقم ٩٥٩ و يأتي (جوابات المسائل الشاميّة) له أيضاً.

«**جوابات بعض الافاضل**» ص ٢٠١ رقم ٩٣٨: **أقول** توجد عندنا رسالة الجوابات هذه في مجموعة من رسائل الجد الشهيد طاب مضجعه تاريخ كتابة بعضها ١٢٤٣ أوّلها بعد البسملة «الحمد لله حق حمده» و هي في سبعة صفحات.

«**جوابات بعض فضلاء خراسان**» ص ٢٠١ رقم ٩٣٩: انظر ص١٧٩ س٣ و يأتي التفصيل في [سؤال و جواب ١٢: ٢٤٢: ١٥٩٠]

«**جوابات ثلاث و ثلاثين مسألة**» ص ٢٠٣ رقم ٩٤٨ س١٩، **مجموعة: أقول** يأتي ذكر هذه المجموعة أيضاً في ج٢٤: ٢٥٤: ١٣٠٩.

«**جوابات السيد بدرالدين الحسن**» ص ٢٠٤ رقم ٩٥١: انظر (الجوابات ٢٠٩: ٩٧٣).

«**جوابات السيد حيدر**» ص ٢٠٤ رقم ٩٥٤: **أقول** مرّ ذكر هذه الاجوبة أيضاً في ج٢ ص٧٢: ١٩٠ بعنوان: (الاسئلة الآملية) و لايخفى ان نسخة الاصل عن هذه الرسالة ضمن مجموعة جليلة نفيسة تجد تفصيلها في (فهرس مكتبة مشكوة المهداة لجامعة طهران ج١ ص٧٠ و ج٣ ص٤٣) و هناك ان المشكوة اشتراها من مكتبة الآقا ضياءالدين النوري ره ثمّ ان المحدث النوري نقل عن هذه الاسئلة في الجزء الأوّل من مستدركه ص٣٩٣ فراجعه و انظر أيضاً مقدمه كتاب جامع‌الاسرار للآملي ص ٣٢ فلعلّ ما ذكره شيخنا ره من ان نسخة الاصل في الخزانة الرضوية خطأ او توجد في الخزانة أيضاً نسخة اُخرى و الله العالم. و يأتي الاشارة إليها أيضاً في «المسائل الحيدرية ٢٠: ٣٤٥» و راجع مقدّمة محمّد

الخواجوى لكتاب [اسرار الشريعة] للسيّد حيدر ٣٢ - ٣٤ ط طهران ١٣٦٢ش. ثمّ اعلم أنّ عندنا في مجموعة رسالة في عشرة صفحات مشتملة على تسع و ثلثين مسئلة اعتقادية او عملية و هذا عنوانها بعد البسملة «كتب اجوبة هذه المسائل شيخ المشايخ افضل المتقدمين و المتأخرين فرخ الملة و الدين مسئلة ما قول علماء الدين و الفقهاء العصر» و آخرها بهذه الصورة «كتب الاجوبة بأسرها محمّد بن مطهر الحلى تمّ».

«**جوابات الستين مسألة**» ص ٢٠٥ رقم ٩٥٩ س ٢٣، **الوزي**: مرّ له عدد ٩٢٢.

ص ٢٠٥ س٢٤، **الرجل**: أيّ الرجل؟ زوجها أم غيره؟ يمكن ان يقال بانّ الشهيد ره لم يرد إلاّ الأوّل و الله العالم.

«**جوابات سلار**» ص ٢٠٦ رقم ٩٦٠: انظر رقم ١٠٦١ ص٢٢٣.

«**جوابات المولى علي**» ص ٢٠٩ رقم ٩٧٢: أقول إنّ تلك المسائل و الاجوبة مهمة جداً مشتملة على أسماء جمع من العلماء و آثارهم بالمناسبة فعلى الطالب التدبر فيها و هي في نسختنا المطبوعة سنة ١٣٠٣ على الحجر من كتاب [جامع الشتات ٧٨٤ - ٧٩١] و تاريخ الجوابات يوم الاحد ١١ ج٢ سنة ١٢٢٧ قبل وفاته المجيب باربع سنين تقريباً و يأتي للمسائل [جوابات المسائل الوفاتية ٢٢٧: ١٠٨٤].

«**جوابات السيد زين‌الدين علي**» ص ٢٠٩ رقم ٩٧٣: انظر (الجوابات ٢٠٤: ٩٥١).

«**جوابات المولى كلبعلي البروجردي**» ص ٢١٠: أقول بل يأتي في الميم (ج٢١: ٢٩) بعنوان [المسئولات] و مرّ في (ج٢: ٧٧) أيضاً.

«**جوابات السلطان اقا محمدخان**» ص ٢١٠ رقم ٩٨٠ س١٦، و **تجرده**: يشبه سؤال فتحعلى شاه رقم ٩٧٧.

«**جوابات السيد محمد**» ص ٢١١ رقم ٩٨٣: مرّ الأسئلة الشدقميّة في ج٢ ص٨٨.

ص ٢١١ س١٩، **كما مرّ**: + العدد ٩٧٣.

«**جوابات المسائل الاسلامبولية**» ص ٢١٤ رقم ١٠٠١ س٦، **محمّدصادق**: لعلّه المتوفّى ذى‌القعدة سنة ١١٢٥ المدفون في صحن مزار السيّ فاطمة الكائنة بالقرب من محلّتنا الجهارسو شيرازيها و كان الرجل من العلماء الاجلاء [دانشمندان اصفهان ١٦٩].

«**جوابات المسائل البحرانية البحرية**»: أقول يأتي ذكرها أيضاً عرضاً [المسائل البحريّة

٢٠: ٣٣٨] و طبع بقم سنة ١٤٠٩ في [الرسائل العشر] لابن فهد قدّس الله روحه في ٢٦ص و رقم المسائل ١٨ و في تلك الأجوبة مطالب هامّة منها في جواب المسألتين رقم ٨ و ٩ في ولاة الجور و في التآمر على الناس و من جهة أهميّة الرسالة استدعى تلميذ العلاّمة المجلسي أعلى الله مقامهما الحاقها بالبحار و ليس التلميذ المذكور الافندى صاحب الرياض رضي الله عنه كما توهّمه بعض بل هو غيره كما تبيّن لنا ثمّ لايخفى أنّه جاء في خاتمة الرسالة ما نصّه [و كتبت هذه الاجوبة في يوم سادس عشري شوّال من سنة اربعين و ثمانمائة] فاذا كان هذا التاريخ للمجيب نفسه فهذه الرسالة آخر ما برز من قلمه الشريف أو من أواخر آثاره و الله العالم. م‌ع‌ر ١٣ ج ١ سنة ١٤١١

«جوابات المسائل البهبهانية» ص ٢١٦ رقم ١٠٢١: ليراجع أيضاً ج٢ ص٧٧.

«جوابات المسائل التبانيات» ص ٢١٧ رقم ١٠٢٣: راجع «المسائل التبانيات» في ج٢٠: ٣٤٠: ٣٢٩٩.

﴿جواب المسائل الثلاث﴾ ص ٢١٧: كما في ج٤ ص١٩٢ س٩؛ مضى بعنوان جواب المسائل الثلاث في ص١٨٧.

«جوابات المسائل الجبلية» ص ٢١٧: أقول انظر ما سيأتي في ص٢٤٠ س٤.

«جوابات المسائل الجزائرية» ص ٢١٨ رقم ١٠٢٩: أقول نقل عن هذه الرسالة السيّد نعمةالله الجزائري ره في [نورالأنوار ٢٣٥] و منها نسخ في المرعشية بقم كما في فهرسها رقم ١١٦١ و ٦٤٠٣. و انظر [جوابات المسائل الفقهية ٢٢٩: ١٠٩٦].

«جوابات المسائل السروية» ص ٢٢٢ رقم ١٠٦٠: طبع هذا الكتاب القيّم في النجف الأشرف سنة ١٣٧٠ ضمن مجموعة من آثار الشيخ المفيد عليه سلام الله الهامة و اعلم أنّه أحال إلى [أجوبة مسائل أصحابنا من الآفاق] في كتابه «تصحيح الاعتقاد: ٧٠» و قال صاحب كتاب «كشكول اللغة» الكبير المبسوط المخطوط الموجود عندنا بأجزائه الستّة في مادّة البرزخ ما لفظه [و قال السيّد المرتضى ره في جواب المسائل السرويّة أمّا الكلام في عذاب البرزخ فطريقه السمع دون العقل] إلى آخر ما نقله العلاّمة المجلسي في «مرآة العقول ١٤: ٢٢١ - ٢٢٢» قائلاً [قال الشيخ المفيد قدّس الله روحه في أجوبة المسائل السرويّة] الخ فكلام صاحب كشكول اللغة خطأ و الله العالم.

«**جوابات المسائل السلارية**» ص ٢٢٣ رقم ١٠٦١: انظر ص٢٠٦ رقم ٩٦٠.

«**جوابات المسائل الشامية**» ص ٢٢٤: مرّ له الرقمان ٩٢٢ و ٩٥٩.

«**جوابات مسائل شتى**» ص ٢٢٤ رقم ١٠٦٦ س٢٠، **المتوفى ١٠٣٩**: أقول يأتي في ج٦ ص١٧٥ س٢٥ و ص١٧٧ س٨ و ج٢٥ ص٢٧٤ س٢١ أنّ صاحب اليتيمة هذا توفّى سنة ١٢٩٠ و يرجع مكارم الآثار ج٤ ص١٣٠٦ و [أعيان‌الشيعة ج١٠ ص١٢ ط رحلي].

«**جوابات المسائل الشكوية**» ص ٢٢٥ رقم ١٠٦٨: أقول يأتي أيضاً [المسائل ٢٠: ٣٥٣: ٣٣٧٧].

«**جوابات المسائل الشيرازية**» ص ٢٢٥ رقم ١٠٦٩: أقول يأتي أيضاً بعنوان [المسائل ٢٠: ٣٥٣: ٣٣٧٩] و أيضاً للشيخ يوسف البحراني قدّس سرّه بعدها.

«**جوابات المسائل الظهيرية**» ص ٢٢٧ رقم ١٠٨٣: أقول قد مرّ ذكر هذه الجوابات بعنوان «الأسئلة الظهيرية ٢: ٨٩: ٣٥٥» فراجع ما ذكرناه هناك في التكملة.

«**جوابات المسائل العرفانية**» ص ٢٢٧ رقم ١٠٨٤: أقول و له اسؤلة في طي مكتوب لطيف عن المحقّق القمي فأجابها و طبع الجميع في جامع الشتات للمجيب كما مرّ [جوابات المولى علي ٩: ٢٠٩: ٩٧٢].

«**جوابات المسائل العمادية**» ص ٢٢٨: انظر في التكملة [الحشريّة ٧: ٢٣].

«**جوابات المسائل الفقهية**» ص ٢٢٩ رقم ١٠٩١: أقول يكرّر هذا العنوان في [السؤال و الجواب ١٢: ٢٤٥: ١٦٠٩] و مرّ لمؤلفه آنفا (رقم ١٠٨٣).

«**جوابات المسائل الفقهية**» ص ٢٢٩ رقم ١٠٩٢: أقول يعني (ج١٢: ٢٤٧: ١٦٢٥) و هناك عدّة رسائل من مسائل المحقّق الكركي و عندنا نسخة من الجوابات هذه (في ٩٠ ص) خلف نسخة من مسائله الآتي في السين (رقم ١٦٢٤) و كاتبها ابراهيم بن ناصر بن موسى الاحسائي و في الختام صورة ملكية الشيخ محمّد مكي من ذريّة الشهيد الأوّل و صاحب «سفينة نوح» الآتي في موضعه فراجعه و انظر «المسموعة ٢١: ٢٥: ٣٧٧٢» و ترجمة المحقّق الكركي ره في الطبقات.

«**جوابات المسائل الفقهية**» ص ٢٢٩ رقم ١٠٩٦ س٢٥، (**١٠٣١**): الصواب سنة ١٠٣٠ و قد مرّ للشيخ [جوابات المسائل الجزائريّة ٢١٨: ١٠٢٩] الذي عنونه في «كشف الحجب

١٦٤» بجواب المسائل الفقهيّة كما في كتاب «حياة الشيخ البهائي ص١٦١» للنفيسي.

«جوابات المسائل المهنائية الاولى» ص ٢٣٦ رقم ١١٣٦: يراجع «الأسئلة المهنائيّة ٢: ٩٢: ٣٦٦» و «المسائل المهنائيّة ٢٠: ٣٧٠: ٣٤٦٣» و عندنا نسخ مخطوطة من مسائل السيّد مهنّى و أجوبتها و طبع في قم و انظر وصف نسخة نفيسة عزيزة مشتملة على الإجازات و الفوائد في «أعيان الشيعة ٤٩: ١٨ – ٢٢».

«جوابات المسائل النهاوندية» ص ٢٤٠: أقول مرّ أيضاً في ص٢١٧ س٢١ و انظر ج٢٠ ص٣٤٢ رقم ٣٣٠٩.

«جواز ابداع السفر في شهر رمضان» ص ٢٤١ رقم ١١٥١: أقول أورد هذه الرسالة كما يأتي في (ج٨: ٧٧ س٥) جدّنا العلاّمة الشهيدى في مفتتح الجزء الثالث من كتابه «الدرّ المنثور الذي طبع ناقصاً بقم في مجلدين» و الرسالة في خمس صفحات من نسختنا المخطوطة ثمّ ذيلها الجدّ بجوابه لمختار الشهيد في المسئلة و أرّخها هناك بثالث عشر شهر رجب ١٠٩٥.

ص ٢٤١ س٩، **اجماعنا:**/ إجماعهم؛ كما في نسختنا.

ص ٢٤١ س ٩، **تعالى:**/ عزّ و جلّ؛ كذا في نسختنا.

ص ٢٤١ س١١: راجع ج٨: ٨٧٧: ٥.

«جواز نقل الموتى» ص ٢٤٥: و عندي رسالة حول موضوع نقل الجنائز و أحكام القبور فارسية للسيّد الامير محمّدحسين بن الامير عبدالباقى الحسيني الخاتون آبادي ره و كتبت في آخر النسخة بعض المطالب المفيدة و الحمد لله.

«جوامع الأُصول» ص ٢٤٧ رقم ١١٩٢ س٢٤، **المتوفّى ١٢٧٣:** في ثالث ج٢.

ص ٢٤٨ س٥: نسخة منه في ملك ج١ ص٢٠٥.

ص ٢٤٨ س٢٦، **محله:** أقول يأتي بعنوان رسالة في الرياء ١١: ٥٩.

«جوامع الشتات» ص ٢٥١ رقم ١٢٠٤ س١٥، **حدود ١٣١٠:**/ آخر ج١ سنة ١٣٠٨. صح

«جوامع الكلام» ص ٢٥٢ رقم ١٢١٠ س١٩، **بطهران:** فهرس الملك ج١ ص٢٠٧.

«جوامع الكلام في دعائم الإسلام» ص ٢٥٢: يراجع ما علّقته في ذيل ص٢٥٥.

«**جوامع الكلم**» ص ٢٥٣ رقم ١٢١٣: لم يذكر شيخنا المصنّف تاريخاً للسيّد ميرزا و لا لأجزاء كتابه و ساير آثاره في هذا الموضع شيئاً مطلقاً.

ص ٢٥٣ س١٣، **المجلسي**: مرّ ذكر إجازة العلاّمة المجلسي من السيّد ميرزا قدّس الله روحيهما في ج١: ٢٥٧: ١٣٥٤.

ص ٢٥٣ س١٨، **جوامع الكلم**: و يظهر ذلك أيضاً من جدّنا العلاّمة صاحب الروضات في بعض إجازاته و من سيّدنا و مولانا السيّد أبومحمّد الحسن صدرالدين الكاظمي كذلك في إجازته الكبيرة لبعض أهل العصر عند ذكر مشايخ العلاّمة المجلسي.

ص ٢٥٥ پاورقي: أقول و عندي خط السيّد ميرزا الجزائري و هو إجازته للسيّد محمّد بن السيّد حسن البحراني المورّخة سنة ١٠٧٦ أو سنة ١٠٧٩ و في آخر الإجازة ما لفظه: «و أجزت له أيضاً طيل عمره أن يروي جميع ما صنّفته و ألّفته في الحديث و غيره من رسايلي و مسايلي و مقدّماتي خصوصاً كتاب جوامع الكلام في دعائم الإسلام نفع الله به المؤمنين الخ» هذا و الحمد لله ربّ العالمين حرّره م‌ع‌ر عفي عنه في ٢٠ حجة ١٣٩٩. و ذكر في فهرس المكتبات الملحق بآخر ج٧ ص٢٩١ من الذريعة انّ عدّة مجلدات من كتاب جوامع الكلم هذا في مكتبة العلاّمة السيّد جلال‌الدين (محدّث الاروميه‌ئى) هذا. م‌ع‌ر حرّر في ليلة ١١ شهر صيام ١٤٠٥

ص ٢٥٧: ملاحظه: ارقام اشتباه شده تصحيح شود. م‌ع‌ر في قعده ١٤١٥

«**الجواهر**» رقم ١٢٢٥– ص ٢٥٧ س ٦، **الحسيني**: الصواب الحسين و لم أر التنبيه على هذا الخطاء في جداول الاستدراكات.

ص ٢٥٧ س١١، **النسخة**: يأتي ذكر هذه النسخة الأخيرة أيضاً في «المراسم العلوية ٢٠: ٢٩٨: ٣٠٦٥» كما ذكرها شيخنا المصنّف في «الثقات العيون ص٧٤» في ترجمة الحسين بن سعيد.

«**الجواهر و العقود**» ص ٢٥٨ رقم ١٢٣٩ س١٢، و له في هذا الموضوع:/ و يسمّى.

«**جواهر الأخبار**» ص ٢٥٩ رقم ١٦٤٧: أقول ذكر المشار في فهرسه (ع ٢٥٩) انّ هذا الكتاب طبع مرّة في ثلث مجلّدات بتبريز سنة ١٢٨٠ و اُخرى أيضاً بها سنة ١٣٠٩ و الظاهر أنّ الاُولى خطأ و اشتباه بتاريخ تأليفه و لعلّه لم يطبع من الكتاب إلاّ ثالثه و الله العالم و العاصم.

«جواهر الأسرار و ذواهر الأنوار» ص ٢٦١ رقم ١٢٥٧: **أقول طبع الكتاب في بلاد** الهند و مجلّد منه في اصفهان قال بديع‌الزمان فروزانفر في «شرح حال مولوی ص١٦٥» إنّ (جواهر الأسرار) احسن الشروح الفارسية للمثنوی علی الاطلاق» انتهی و ذلك لاحاطة[٥] الرجل و جامعيّته و حضور ذهنه إلى حدّ وسيع. و في رأيي أنّ الرجل ما شمّ رائحة التشيّع مطلقاً مع تأليفه في الفضائل و الله العالم. انظر مقالة «شرح فصوص الحكم للخوارزمي» في مجلّة «آينده ١٠: ٤ و ٥: ٣٥٩ - ٣٦٤» و راجع كتاب [شكوة شمس: ٥١٩ و ٥٥٤ و ٨٤٨].

«جواهر الاسرار و ذخائر الانوار» ص ٢٦١ رقم ١٢٥٩، **أنوار التنزيل**: مرّ ذكر الحواشي عليه [٦: ٤١ فما بعدها].

﴿جواهر الأُصول﴾ ص ٢٦٣: انظر «منظومة في أُصول الفقه ٢٣: ٨٤: ٨١٠٤» مع التكملة.

«جواهر الاصول» ص ٢٦٣ رقم ١٢٦٣: قوله مختصرة أقول كذا وصفها المصنّف ره في الكرام البررة (ص٥٧٨) أيضاً ولكنّه قال عقيب ذلك ما لفظه «و هو تامّ من اوله إلى آخر التعادل و التراجيح في مجلد كبير بخط دقيق يقرب من القوانين و علّق عليه حواش كثيرة و له خاتمة» الخ. ثمّ إنّا قد تأمّلنا فيما ذكره في الذريعة (٢: ١٦٨) حول أصل الأُصول فتبيّن لنا أنّ ما ذكره في الكرام من قوله [و هو تامّ] إلى قوله [حواش كثيرة] متعلّق بأصل الاصول وقع في البين سهواً و أمّا قوله [و له خاتمة] فالضمير راجع إلى الجواهر كما هو صريح المتن فلاتغفل.

«جواهر الايمان» ص ٢٦٤ رقم ١٢٦٨ س١٨، **الجودتاني**: الجورتانی به راء صحيح است.

«جواهر الايمان في ترجمة تفسير القرآن» ص ٢٦٤ رقم ١٢٦٩ س٢٣، **محمّدباقر اليزدی**: سلطان العلماء كما في فهرس المشار ص٥١٤.

ص ٢٦٤ س٢٤، **طبع في ١٣٢٠**: في بمبئي كما في فهرس المشار و مرّ في ج٤ ص٨٩ تراجم أُخرى لهذا التفسير فراجع.

---

٥. ن: لاحاطته.

«جواهر التفسير لتحفة الأمير» رقم ١٢٦٨ — ص ٢٦٦ س٢، **الله عليم:/** بسم الله الرّحمان الرّحيم نبدأ و الله عليم.

ص ٢٦٦ س٨، **كما يأتي:** في (ج٢٠: ١٩٣: ٢٥٣٦).

«الجواهر السنيّة في الأحاديث القدسيّة» ص ٢٧١ رقم ١٢٧٩: للفقيه العلاّمة آخوند ملاّ حبيب الله الكاشاني صاحب (رياض الحكايات) كتاب (اسرار الانبياء و انوار الاصفياء) في ترجمة الجواهر هذا بالفارسية مع بعض التصرّفات طبع بقم في ١٤٠٥.

ص ٢٧١ س١٣، **بايران:** في سنة ١٣٠٢ في ص٢٩٢ طبع بطهران بحجم الربع قال الكاتب في خاتمته «تمّ كتاب جواهر (كذا) السنيّة في الاحاديث القدسيه من نسخة الاصل لمصنّفه» و لكن ليس في هذه النسخة خاتمة المؤلّف و في «فهرس المشار» ذكر طبعة واحدة للكتاب طبعة بمبئي في ١٣٠٢ في ٢٩٢ص حجم رقعي. ثمّ إنّه قد طبع الكتاب في النجف الأشرف سنة ١٣٨٤ في ٣٧٦ص وزيري نقلا عن نسخة ط بمبئى سنة ١٣٠٢ و اعيد طبعة النجف بالاوفست موخراً في المشهد المقدّس الرضوي و في هذه نقلا عن نسخة بمبئى خاتمة المؤلّف و تاريخ التأليف «يوم الجمعة في العشر الاخير من شهر رمضان المعظم قدراً سنة ١٠٥٦» فلعلّ طبعة طهران تجارية اصلها طبعة بمبئي و الله العالم بحقائق الامور و مرّ في «ادعية السرّ ١: ٣٩٧: ٢٠٦١» أنّ تلك الادعية المعراجية منقولة في «الجواهر السنية» هذا. م ع ر في ١٨ شهر شوال المكرّم ١٤١٦

«جواهر العقول في شرح فرائد الاصول» ص ٢٧٢ رقم ١٢٨٣: أقول و عندي نسخة كانت عند أبي‌المجد الرضا رحمه الله و راجع حول ترجمة السيّد كتاب «دارالسلام فيما يتعلق بالرؤيا و المنام ١: ٢٣٥».

«جواهر العقول» ص ٢٧٢ رقم ١٢٨٤ س٢٠، **مطبوع:** طبع في بمبئي.

ص ٢٧٤ س٢٦، **قدره:/** قد رقى؟

«جواهر القوانين في أصول الدين» ص ٢٧٥ رقم ١٢٩١: أقول اورد العلاّمة المرحوم الحاج الشيخ علي اكبر النهاوندى طائفة من كلماته حول الإمام المنتظر عليه‌السّلام في «النجم الازهر ص٩» من اجزاء موسوعته الكبرى «العبقري الحسان» و ذكر أنّه ألّف الجواهر سنة ١٣٣١ فراجعه.

«جواهر الكلام» ص ٢٧٥ رقم ١٩٦: للعلامة الشيخ محمّدجواد مُغْنِية رئيس المحكمة الشرعيه الجعفرية العُليا ببيروت مقالة جليلة تحليليّة حول جواهر الكلام نشرت في مجلّة (النجف. السنة الاُولى. الجزء الثالث. مورّخة ١٥ جمادي الأُولى ١٣٧٦) فليراجع.

ص ٢٧٦ س١، **حدود (١٢٠٠)**: و راجع الكرام البررة ص٣١١ و ٣١٣ و ماضي النجف ج٢ ص١٣٢.

ص ٢٧٦: مجلّدات كثيرة من الجواهر توجد في مكتبة مدرسة الآخوند همدان مذكورة في فهرسها الغير المعتبرة.

ص ٢٧٦ س٧، **تلاميذه**: هكذا مجملاً في الكرام و يا ليته ذكر المأخذ دقيقاً و في ماضي النجف أيضاً (غرّة شعبان ١٢٦٦) من دون ذكر المأخذ.

«جواهر الكلمات» ص ٢٧٨ رقم ١٣٠٤ س ٢٥، **الرستمداري**: رستمدار دهى است كوچك از دهستان قله كش بخش مركزى شهرستان آمل. الخ (اعلام فرهنگ معين) و أمّا التادواني فلم أجده في الفرهنگ.

ص ٢٧٩ ٤، **اجازة**: و مرّ ذكر الإجازة في ج ١ رقم ١٢٠٢ و ليراجع إحياء الداثر في مواضعه و لم يذكر شيخنا مكان تلك النسخة مطلقاً و في الرضويّة عدّة نسخ من الكتاب.

«جواهر الكلمات» ص ٢٧٩ رقم ١٣٠٧، **الحسن**: راجع الجزء الأوّل ص٢٥١ من هذا الكتاب. رأيت خطه على ظهر مناهج اليقين للعلاّمة في مكتبة «...»

«جواهر المسائل» ص ٢٨٠ رقم ١٣١٠: قال السيّد المدرس الطباطبائي في كتابه «فهرست نسخه‌هاى خطى كتابخانه مدرسه رضويه قم ص٦٣» إنّ جواهر المسائل هذا لمحمّد مهدي بن محمّدعلى المحلاتى مختصر كتاب «تحفة الابرار» لاستاذه السيّد الشفتى المذكور بالفارسية و فرغ منه في ٥ محرم ١٢٥٩ في قرية زانيان و انّ ما في الذريعة هذا من انه تلخيص المطالع خطا، انتهى.

﴿الجواهر المضيّة في شرح الدرّة الألفيّة﴾ ص ٢٨٠: رسالة لأحمد بن فهد الحلّى في شرح الفيه الشهيد عندنا نسختها (رقم ٣٤٦٩) و انظر «شرح الالفية ١٣: «...» و ملخّص ترجمة ابن فهد في «الضياء اللامع: ١٠».

﴿جواهر المطالب في فضائل الإمام على بن أبي‌طالب عليه‌السلام﴾ ص ٢٨١: لبعض علمائنا رأى نسخته صاحب البحار و صاحب «أعيان الشيعة» يراجع الأعيان ج١ ق٢ ص٣٩٤.

«**جواهر مكنونة**» ص ٢٨٢ رقم ١٣٢٠ س٥، **طبعت**: يعنى (في ٨ صفحات) خلف كتاب گوهر شبچراغ للحاج ملا محمّدحسن النائيني المذكور طبعة اصفهان.

«**الجواهر المنثورة في الأدعية المأثورة**» ص ٢٨٢ رقم ١٣٢١: أقول ذكرنا المؤلّف و بيته في كتابنا «فهرست كتب خطى ١: ١٥٩ و حواليها» و انظر [كتاب الدعاء ٨: ١٨٥: ٧٤٣].

«**جواهرنامه**» ص ٢٨٣ رقم ١٣٢٤: أقول راجع «مجموعه مكينه ١٨٨ فما بعدها و ٣٥٤» لأفشار مقالة «جوهرنامه نظامي مأخذ تنسوخنامه و عرايس الجواهر» و ذكر في «كشف‌الظنون ١: ٦٢٠» كتاب «جوهرنامه لأحمد بن يوسف التيفاشي» المرتب على ابواب خمسة فيها ذكر تكون الجوهر و خاصيته و ثمنه و ذكر بعض من اضاف بعض المطالب إلى الكشف وفاة التيفاشي في سنة ٦٥١ و السلام. في ٣ ع ١ سنة ١٤٠٨

«**جواهرنامه**» ص ٢٨٣ رقم ١٣٢٥: أقول قد ذكرنا في مواضع عديدة خروج العطار الشاعر الصوفي عن دائرة التشيّع فهو من الأحناف كما نبّه عليه القاضي الشهيد قدّس سرّه في هامش كتابه إحقاق الحق.

«**جواهرنامه**» ص ٢٨٣ رقم ١٣٢٦: نسخة منه عند الاستاذ السيّد محمّدتقى (مدرس رضوى) فاستفاد منها عند تحقيق و طبع كتاب «تنسوخ‌نامه ايلخانى».

«**جوايز السلطان و الحكّام**» ص ٢٨٦ رقم ١٣٣٤: عندي منها نسخة ناقصه في احدى مجاميع جدّنا الحاج السيّد محمّد و بعدها حواشى الحاج السيّد حسين على شرح اللمعة.

«**الجوهر الثمين في تفسير القرآن المبين**» ص ٢٨٨ رقم ١٣٤٥: طبع الكتاب مؤخّراً في بيروت في ستّة اجزاء بطباعة انيقة و اخراج جميل و مقدّمة كتبها الدكتور السيّد محمّد آل بحرالعلوم جزاهم الله تعالى خيرا كما ذكر خبره في نشرة (تراثنا ٩: ٢٢٥).

﴿**جوهر الجواهر**﴾ ص ٢٨٩: كتاب كبير نفيس مطبوع في الامثال و الحكم والنوادر بالفارسية و العربية لشيخ الأدباء و المورّخين الحاج ميرزا حسنخان بن على الجابري

الأنصاري الاصفهاني المتولد في شيراز ليلة الجمعة ١٨ شهر رجب ١٢٨٧ المتوفّى في اصفهان صبيحه يوم الخميس ١٥ جمادى الاخرة ١٣٧٦ و دفن في احدى مزارات تخت فولاد باصفهان له تأليفات كثيرة مطبوعة ذكرناه في كتابنا [زندگانى آية الله چهارسوقى ١٣١ - ١٣٢] طبع عامّة كتبه باصفهان و لنا على بعضها تعليقات انظر مقالة [أمثال و حكم] في مجلّة «كيهان فرهنگى الرقم المسلسل ٤٧: ٥٠ - ٥١».

«الجوهر الفريد» ص ٢٨٩ رقم ١٣٥٣ س٢٤، **كان:** + كما في معجم الألقاب.

﴿جوهر اللسان في علم الميزان﴾ ص ١٩٠: لميرزا ضياءالدين الاصفهاني طبع بطهران سنة ١٣٣١ في ص١٠٠ بالحجم الربع.

«الجوهر المقصود، في اثبات الرجعة الموعود» ص ٢٩٠ رقم ١٣٥٤، **البيان:** كان ره يلقّب بيان الواعظين و هو صاحب كتاب خلدبرين المطبوع بمجلّده الأوّل.

﴿الجوهر المكنون في القبائل و البطون﴾ ص ٢٩٠: للشريف النسابة محمّد بن اسعد الجوانى - نقل عنه الطعن في المنتسبين إلى عبدالله بن عمر بن الخطاب المعروفين بالعمريين في مصر و أعمالها نقل عين عبارته في صفحة العنوان للجزء الأوّل من كتاب السلوك للمقريزي بخطّه تجد صورتها في مفتتح الكتاب طبعة مصر. أقول محمّد بن اسعد الجوانى هو الذي يأتي له «طبقات الطالبيّين ١٥: ١٥١: ٩٩٢» و غيره ولكن النويري الذي لخصّ الجوهر نسبه إلى الحسن بن محمّد الجوانى النسابة فليراجع «منية الراغبين ٢٨٥ و ٣٠٠» و ما ذكرناه بهامش نسختنا. م‌ع‌ر ٢٧ شعبان ١٤١٢.

«الجوهرة» ص ٢٩١ رقم ١٣٦٣، **١٢٨٥**/: ١٢٨٦. صحّحه المصنّف بعد ما كتبته إلى ابنه.

«الجهادية» ص ٢٩٦ رقم ١٣٩٠، **أبي‌الحسن:** يراجع الكرام البررة ص٣٦ و ما ذكرنا في الحاشية على ج١ ص٢٩٦.

«الجهادية» ص ٢٩٦ رقم ١٣٩٢ س١٦، **الأكبر:** أقول يراجع (غاية المراد في احكام الجهاد) في (ج١٦ ص١٦ رقم ٦٦).

﴿جهان نما﴾ ص ٣٠١: في جُغرافيّة العالم بالفارسية. تأليف فلوغون رفائيل الانكليزي طبع بتبريز سنة ١٢٦٧ بخط «جرعه» الشاعر الآتي ذكره في (٩: ١٩٣).

«جهان نماي عباسي» ص ٣٠١: أقول و نظيره الذكرى للمير صدر الشيرازي و

[رسالة في التداوي بالمسكر] لميرزا أبي‌المعالي الكرباسي المذكورين في موضعيهما من الذريعه. و للقاضي يراجع مجلة (كيهان انديشه العدد ٧١ ص١٨٨ – ١٩١)

﴿جهينة الأخبار﴾ ص ٣٠٢: انظر (حضينة الأخبار ٧: ٢٥: ١٢٠).

«جهد المقلّ في أجوبة المسائل» ص ٣٠٢ رقم ١٤١٧ س٤، وجب:/ جمادى الأولى.

﴿چشمه زندگى﴾ ص ٣٠٧: لمحمّد هادى بن محمّدصالح الشيرازي الموجود عندنا نسخة: يراجع «مجله هنر و مردم ش١٩١/١٩٢ ص٩٨ و ش١٧٩ ص٤٩ و «فهرست كتابخانه آقاى مرعشي قم ج١ ص١٦٦ رقم ١٤٧ و ج١٩ ص٣٠٢ رقم ٧٥٠٣».

«چهار آئينه» ص ٣١١ رقم ١٤٨١: كلمه چهار آينه اصطلاحى بوده است گويا و اين كلمه را خيلى جالب علامه مجلسى در مقدمه زادالمعاد استعمال فرموده نقل شود. و بايد بلغت‌نامه دهخدا و معين مراجعه شود – چهار آئينه در فهرست أحمد منزوى هست ج٢ (در فهرست نامهاى ٢/٢ ذكر شده است) و هر سه كتاب نزد آقاى حاج سيّد محمّدرضا زنجانى (معروف بحاج ملا رضا) ساكن تهران موجود است. چهار آينه و پنج صيقل را خودمان در يك بياض داريم و يك نسخه چهار آينه در مرعشى قم هست (فهرست ١٩: ٣٣٥: ٧٥٢٩) و يك نسخه هم كه گويا هر سه رساله را داشت نزد سيّد «...» حسينى كه در كتابخانه فرهنگ اصفهان بود ديدم يك روز آورد مترلمان.

«چهار مقاله» ص ٣١٤ رقم ١٥٠٠ س١٦، **طهران ١٣١١**: و طبع أيضاً في بمبي و في حواشيه و أيضاً في طهران سنة ١٣١٩.

«چهار مقاله» ص ٣١٤ رقم ١٥٠١ س١٩، للشيخ أبي‌القاسم:/ للشيخ محمّدحسين بن أبي‌القاسم.

ص ٣١٩: قد صحّح جميع الاستدراكات في أجزاء الكتاب؛ مصحّحه صاحبه. م.ع.د

ص ٣٢٠: قد صحّح الكتاب بتمامه على هذا التصحيح و سائر التصحيحات المذكورة في باقي مجلّداته و الحمد لله. ثمّ صحّحنا الاستدراكات المطبوعة مع الجزء ٢٥ في هذه النسخة و الحمد لله في غرّه ع ١ سنة ١٤٠٥.

الجزء السادس

«حاجي باباي اصفهاني» ص ٥ رقم ٩: أقول إنّي لاستبعد أن يكون هذا العنوان بأسره من قلم شيخنا المؤلّف طاب مضجعه فإنّ الكتابين تأليف أجنبيّ عن الإسلام معاند كما هو معلوم و أمّا الشيخ أحمد الروحی المترجم فهو أيضاً ملحد بابي ازلی كما صرّح به المورخ المتثبت محمّد القزويني المعروف عند اصدقائه بالعلاّمة صرّح بعقيدة الرجل انه بابی ازلی في مقالاته المطبوعة في (مجلة يادگار ٣: ٤: ١٨) و أيضاً (١٣: ١٠: ١٧ فما بعدها) و عنها في (لغت‌نامه دهخدا) و غيرها فإدخال آثار أعداءِ الإسلام فضلا عن التشيع في هذا الكتاب الذي أُسّس بنيانه على التقوى من اول يوم ليس إلاّ من قبل صاحب التوقيع و راجع ما ذكرناه أيضاً حول ساير تصانيف الزنديق في ساير الأجزاء كالذي يأتي في (هشت بهشت) في (ج٢٥: ٢٢٣) و غيره و الله العاصم. و انظر مقالة «حاجی بابا الاكزاره اصفهاني» لجمال زاده في مجلة «آينده ١١: ٩ - ١٠: ٦٧٠ - ٦٧٤» و هناك وصف الكاتب للروحی البابي بالشهيد المظلوم و أيضاً قطعات من مكاتيب مجتبى المينوی إلى الكاتب ذكر في إحديها اشتياقه إلى تقبيل وجه جمال‌زاده و يد زوجته الاجنبية فانظر إلى محو آثار الإسلام و الشعائر الدينية عن قلوب هؤلاء و جوارحهم و السلام لا له.

ص ٧: قد بحث علينقى المنزوی ولد المصنّف في فهرس مكتبة المشكوة ج٢ ص٣٧١ حول الحاشية و التعليقة و الفرق بينهما فراجع.

«الحاشية على القديمة منهما» ص ١٠ رقم ٢١ س١٠، **المطلوب**: كذا في الفهرس ج٣

ص٢٢٨ ولكن الصواب (المطلب) كما في نسخنا المخطوطة من اثبات الواجب و بعض حواشيه منها بمجموعة نفيسة من كتب السيّد عندنا.

«**الحاشية عليه**» ص ١١ رقم ٢٧، **لغياث**: انظر ج١٣ ص٦٠ س٤.

«**الحاشية عليها**» ص ١١ رقم ٢٩: **أقول** يأتي ذكر هذه الحاشية أيضاً بعنوان «شرح الاثنى عشرية ١٣: ٦١: ١٩٣» و الصواب أنها حاشية عليها اى على بعض مواضعها كما وصفها الشيخ نجيب‌الدين علي الجبعي تلميذ البهائي في مفتتح شرحه على الرسالة المذكورة و كما عنونها في «فهرس جامعة طهران ٥: ١٨٥٥» حيث وصف نسخة المشكوة المذكورة في المتن و كذلك في كتاب «حياة الشيخ البهائي ٩٨ و ١٦٢» للنفيسى و هكذا في «فهرس المكتبة الرضوية ٥: ٤٠٥» عند وصف نسخة اُخرى للحاشية فكلّهم عبّروا عنها بالحاشية دون الشرح الذي أخطأ في وصف الحاشية به النوري صاحب المستدرك ٣: ٣٩١ تبعاً لصاحب اللؤلؤة مضافاً إلى ان البهائى نفسه وصفها في اولها و آخرها بتعليق الحواشي. ثمّ انّ الصحيح في تاريخ وفاة الشيخ سنة ١٠٣٠ كما بيّناه في مواضع عديدة و كذا قوله «في ايام العدلة المباركة المهدية» خطأ صوابه «في ايام العزلة المباركة البهية» كما في الفهرسين المذكورين.

«**الحاشيه عليها**» ص ١٢ رقم ٣١: قال المصنّف في الجزء الرابع ص٤٨٢ عند ذكره شرح توحيد الصّدوق للقاضي سعيد هذا أنّه المولود (١٠٤٩) و المتوفّى بعد (١١٠٣) فليلاحظ. ثمّ تبيّن لي أنّ تاريخى القاضي في الذريعة مبنيان على مقدّمة السيّد المشكوة ليس إلاّ فراجع ما كتبناه مبسوطا حول القاضي و آثاره في مواضع عديدة و منها في فهرس مكتبتنا.

ص ١٢ س١١، (**١٠٧٧**): الصواب (١١٧٧) كما في المأخذ.

«**الحاشية عليه**» ص ١٤ رقم ٣٩: **أقول** أورد فيها متن رسالة [استحباب التياسر ٢: ١٨ : ٤٩] كما في كتاب [احوال و آثار خواجه نصير ٢٠٣].

«**الحاشية عليه**» ص ١٥ رقم ٤٢ س٣، **نظام الاقوال**: **أقول** راجع ما ذكرناه في الحاشية على الارشاد في ج١ ص٥١٢. قال فيه (و حاشية الارشاد عارته من إتمامها عوائق الدهر الخوان).

«الحاشية عليه» ص ١٥ رقم ٤٧: أقول انظر «شرح الارشاد ١٣: ٧٦: ٢٥٠» و أيضاً «ج١٣: ٧٨ س٤».

ص ١٦ س١، تامّة: و كذلك نسختان عندنا إحداهما كتبت سنة ٩٨١ [رقمها ١٢٦] و الأخرى كتبها علي بن محمّدحسين خواجه علي في يوم الاحد هو يوم النيروز سابع عشر شهر جمادى‌الثاني (كذا) سنة ١٠٠١ (رقمها ٨٥٠٦).

ص ١٦ س٥، فياض: مذكور في «إحياء الداثر ص١٨٢» استناداً إلى النسخة الموصوفة فقط و لكن هناك الربعي مكان العربي و الفنائى مكان الغنابي فليراجع فهرس الرضوية بل اصل النسخة المخطوطة.

ص ١٧ س٦، حسين بن الحسن: ليس هذا الرجل مذكوراً في طبقات شيخنا المصنّف.

«الحاشية عليها» ص ١٧ رقم ٥١: أقول عندنا أيضاً نسخة في مجموعة استنسخت حوالى سنة ١٢٤٣ في اصفهان في ٦٤ص و نهايتها أيضاً صوم الحزن. ثمّ اعلم انه قد تبيّن لنا ان وفاة الداماد في عين سنة ١٠٤٠ فاغتنم هذا و سيأتي التاريخ الصحيح في كلام شيخنا المصنّف ره انظر (الحاشية على المختلف ١٩٤: ١٠٦٤) فالمصنّف ره يلعب بالتواريخ المختلفة للاعلام كالداماد و الشيخ البهائى و العلاّمة المجلسي قدّس الله روحهم فمرّة يذكر هذا و أخرى ذاك و ثالثة يجمع بينهما كما يأتي ١٠٤١ أيضاً في (الحاشية على [كتاب] من لا يحضره الفقيه ٢٢٣: ١٢٥١).

«الحاشية عليه» ص ١٨ رقم ٥٢: أقول و لولده الشيخ محمّد بن الحسن «استقصاء الاعتبار» مر في ج٢: ٣٠ و يأتي في ج١٣: ٨٧.

«الحاشية عليه» ص ١٩ رقم ٦١: و ينقل عنها السيّد الجزائري في شرح التهذيب كثيراً فليلاحظ.

«الحاشية عليها» ص ٢٠ رقم ٦٨ س١٢، حدود ١٣١٠:/ ١٧ ذى‌القعدة ١٣٠٧.

«الأشباه و النظائر» ص ٢١، (٩١٠):/ (٢٠ ج١ - ٩١١) صحّحه المصنّف بعد ما كتبته إلى ابنه.

ص ٢١: حواشى اشارات شيخ الرئيس چه شده؟

«الحاشية عليها» ص ٢٣ رقم ٨٩: أقول عندنا من هذه الحاشية الجليلة نسختان بالوصف و اصلها لايزيد على السبعين صفحة.

«الحاشية عليها» ص ٢٤ رقم ٩٠: نسخة چاپى مقاصد عليه و نسخه خطى ما كه به شماره ١٠٩٦ و در يك مجموعه خودم گذاردم با منسك كبير شيخ حسن و ايقاظات داماد حتماً ديده شود اين جا حاشيه مى‌خواهد.

«الحاشية عليها» ص ٢٤ رقم ٩٤ س١٨، كان: و كذا في النسخة المطبوعة بطهران أيضاً و كذا في نسختنا المخطوطة في مجموعة كاتبها لطف‌الله الحويزي ره تاريخ كتابة بعض رسائلها ١١٠٤.

«الحاشية عليه» ص ٢٥ رقم ١٠٠ س٢٢، **بعد (١١١٤)**: كما في تحفة العالم ص٦٤ أو في (٢٣ شوال ١١١٢) كما في الروضات.

«بغية الطالب في معرفة المفروض و الواجب» ص ٢٨: يراجع ما ذكرناه بهامش البغية في حرف الباء و بهامش (تكملة البغية) و ما ذكرناه بهامش (الرسالة العملية) في ج١١: ٢١٤: ١٢٨٢ و ٢١٦: ١٣٠٨.

«تاريخ بيهقي» ص ٣٠ س١٨، **ابن فندق**: هو ابوالحسن على بن محمّد البيهقى المذكور قبل هذا العنوان.

«الحاشية عليها» ص ٣٢ رقم ١٤٦: أقول قد حصلت لى بالشراء نسخة من حاشية التحرير للمحقق الكركى من اولها إلى قول المصنّف «قوله اذا حصل الجنب عند غدير» ثمّ شيء من شرح هذا الكلام و هذه النسخة مع حاشية الكركى على ارشاد الاذهان للعلامه أيضاً إلى أواخر مبحث البيع في مجموعة و ليس لهما تاريخ الكتابة و لا اسم الكاتب أو الكاتبين و الظاهر أنّ النسخة من آثار حوالى عام ١٠٠٠هـ و رقمها في مكتبتنا (4182).

«الحاشية عليها» ص ٣٦ رقم ١٧٠: أقول انظر الأرقام ١٧٣ و ٣٨١ و ٣٨٢ و ٣٧٤.

ص ٣٧ س٨: أقول بل يأتي رقم ٥٨٦.

«الحاشية عليها» ص ٣٧ رقم ١٧٣: أقول انظر الرقم ١٧٠ و ما ذكرنا في التعليقة.

«الحاشية عليها» ص ٣٩ رقم ١٩٠: يأتي ذكره أيضاً؛ مفصّلا في ج٧ ص١٥٢ فراجعه.

«تفسير البيضاوي» ص ٤١: انظر [الحاشية على تفسير البيضاوى ٥٩: ٣٠٠ و ٣٠١] و [جواهر الاسرار ٥: ٢٦١: ١٢٥٩].

«الحاشية عليه» ص ٤٤ رقم ٢١١: انظر [شرح تفسير البيضاوى ١٣: ١٥٠: ٥١٠].

باسمه العليم؛ و أقول عندنا من هذه الحاشية التي نقل مفتتحها اوّلاً نسخة فقدت آخرها و الظاهر أنّها بخط من كتب ملكيّته على الورقة الأولى بهذه الصورة [للمفتقر إلى الله الغافر الغنى محمّد بن الحسين الشهير بباقر جربادقاني عفي عنهما غيّهما بالنبيّ و الوليّ] و سجع خاتمه [عبدالله محمّدباقر ١٠٣٠] و على النسخة حواش للشيخ المحشى و حواش توقيعها بخط كاتب النسخة هكذا [حسين مدّ ظلّه] و امثال هذه التعابير كما يدعو للشيخ في الحواشي بالبقاء و في الورقة الثانية حاشية ذكر في آخرها ما لفظه [شرح المحشى مدّ ظلّه] فالنسخة مكتوبة في حيوة الشيخ و لكن لم نعرف الحسين صاحب الحواشي على هذه النسخة و الظاهر أنّ الكاتب تلميذ لهما و نسختنا تنتهي بالتعليق على الآية ٢٣ من سورة البقرة. امّا النسخة التي اولها (انّ احسن) الخ. فهي المطبوعة بهامش تفسير البيضاوى الطبعة الحجرية الطهرانية سنة ١٢٨٣ و هي لاتختلف عن نسختنا المخطوطة سوى في الخطبة فلابدّ انّ الشيخ ره نفسه أنشأ لكتابه خطبتين و ما كتبت بهامش التفسير انقص من نسختنا المخطوطة و تنتهي بص ١٦ و المخطوطة تنتهي بص ١٨. م‌ع‌ر في ليلة ٢٩ ج ١ سنة ١٤١٧

ص ٤٤ س ١٣، الشين: لم يزد هناك على هذا شيئاً.

«الحاشية عليه» ص ٤٦ رقم ٢٣١: توفّى المرحوم السيّد ميرزا هادى الخراساني(قده) بكربلا في «...»

«الحاشية عليها» ص ٤٧ رقم ٢٢٩: أقول ليس لحاشية التكملة هذه ذكر في ترجمة السبط و لا في ترجمة الخفري في نسخة الاصل من رياض العلماء مطلقا و إنّما المذكور فيه حاشيته على حاشية الخفري على شرح القوشجي للتجريد و سيأتي ذكرها برقم ٢٣٢ و انظر الكواكب المنتثرة ص٣٩٢ و نظّن أنّ الخطاء من شيخنا المصنّف وقع سهواً والله العالم. م‌ع‌ر في ليلة ٢٧ شوال المكرّم ١٤١٦

«تلخيص الأقوال» ص ٤٧: أقول ذكر شيخنا المصنّف ره في «مصفى المقال ١١٠» أنّ للفقيه الاوحد الحاج ملا محمّدجعفر بن محمّد صفي الآبادئى الفارسى الاصفهاني صاحب «نقود المسائل الجعفرية» حواش كثيرة مفيدة على تلخيص الاقوال و النسخة

عند شيخنا العلاّمة الشيخ محمّدصالح الحائري نزيل سمنان صاحب كتاب «حكمت بوعلى».

«**التهافت**» ص ٥٠ س٦، **الطوسي**: سيأتي ذكره في ص٧٦ س٢٣.

«**الحاشية عليه**» ص ٥٠ رقم ٢٤٧: أقول إنّ من المقطوع أنّه لا يوجد أثر من التشيع في آثار هذا الحكيم و لا في آثار صاحب التهافت فلا ثمرة في ذكر أمثال هذه الكتب و مصنفيها سوى تسويد الاوراق.

«**الحاشية عليه**» ص ٥١ رقم ٢٥٢: أقول إنّ الذي نظنّه انّ الأمر اشتبه على السيّد حاج آقا و الصواب ان الكتاب الذي كان في مكتبة جدّه إنّما هو حاشية الشيخ محمّد ابن صاحب المعالم الآتي ذكرها (رقم ٢٦٢) دون الذي ادّعاه و نسبه إلى صاحب المعالم و سبب الاشتباه ان بعض الجهال كتب على الورقة الأُولى من نسخة حاشية الشيخ محمّد ما لفظه «حاشيه صاحب معالم اصول بر تهذيب حديث» انتهى و سبب اشتباه هذا الرجل كثرة اشتهار صاحب المعالم بين الناس دون ولده الشيخ محمّد الذي عاش في البلاد العربية و توفّى شابّاً عن خمسين سنة من عمره فقد ولد ٩٨٠ و توفّي في مكّة المكرّمة سنة ١٠٣٠ و المحشي نفسه قد صرح في مفتتح كتابه المذكور باسمه «محمّد بن الحسن» و مع ذلك اشتبه الأمر عليهم و سيأتي تتمّة الكلام حول النسخة فانتظر و امّا السيّد حاج آقا المتكرر ذكره في الذريعة فهو الحاج السيّد محمّدباقر (الثاني) اى المسمّى باسم جدّة حجة الإسلام الشفتي البيدآبادي توفّي في ٣ شهر رمضان ١٣٣٣ و ترجمته في دانشمندان اصفهان للسيّد المهدوى ص١٥٦.

«**الحاشية عليه**» ص ٥١ رقم ٢٥٥: أقول و ينقل عنها كثيراً العلاّمة المجلسي ره في [ملاذ الأخيار] و لعلّه استقصاها و كذا ينقل عنها الفاضل الخاجوئى مولانا محمّد اسماعيل ره مثل ما نقل عنها في رسالة له في حكم الغسل قبل الاستبراء المطبوعة في مجموعة رسائله الفقهية ج١ ص٣٢٧ ط قم و كذا ينقل عنها المحدّث النوري شيخ المصنّف ره في خاتمة مستدركه في ترجمة ابن داود الرجالى فيظهر وجود النسخة عند هؤلاء و لعلّها مدوّنة استقلالاً.

ص ٥١: حاشيه ميرداماد و مير سيّد أحمد در نسخه ناقص الاخر ج ١ تهذيب خط مير سيّد أحمد كه داريم.

﴿الحاشية على تهذيب الاحكام﴾ ص ٥٢: قال السيّد العلاّمة النجفي المرعشي في تعليقات «تذكرة القبور ٢٢٠» و عنها ملخّصاً في «دانشمندان اصفهان ٢١٧» إنّ الميرزا عبدالمنان الأباجعفري الطوسي كان من العلماء الزهاد و له تعليقة نفيسة على تهذيب جدّه شيخ الطائفة توفّي سنة ١٢١٩ و دفن في اواسط مزار تخت فولاد باصفهان انتهى.
أقول هذا الرجل من بيت صاحب [تفسير الائمة ٤: ٢٣٦] و ذكره شيخنا المصنّف في «الكرام ٧٩٦» نقلاً عن «تعليقات التذكرة» فقط و حصلت عندنا بفضل الله تعالى مجموعة من رسائل المحقّق البهبهاني المتوفّى سنة ١٢٠٥ و هي بخط ولد لصاحب العنوان اعني الميرزا عبدالمنان كما رقم في موضعين من المجموعة اولها بآخر [الفوائد الجديدة] و هذا نصّ كلامه قال [تمّت هذه الرسالة في يوم احد رابع شهر جمادى الأولى في يد اقل عباد الله محمّد يحيى بن عبدالمنان الطوسي ابوجعفري سنة ١٢٣٢] انتهى.

«الحاشية عليه» ص ٥٢ رقم ٢٦٢: أقول يأتي في الشروح ج١٣: ١٥٧ س١٦ و هناك تعليقتنا حول نسختنا فراجعه.

«الحاشية عليه» ص ٥٣ رقم ٢٦٨: أقول سمّاها في معجم المطبوعات ص١٩٤٦ تحفه شاهجهاني - او - التحفة الشاهجهانية - نقلاً عن نسخة الحاشية المطبوعة بكانپور سنة ١٢٩١ و ليراجع الجزء الثالث هامش ص٤٤٣.

«الحاشية عليه» ص ٥٤ رقم ٢٧٢ س١٧، سمّاها: كما في هامش نسختي من هذه الحاشية و انظره في ج٢٤ ص١٠٢ و راجع (العجالة) أيضاً في ج١٥ ص٢٢٠ و كتاب ترجمة الدواني للشيخ علي الدواني ص١٦٤.

«الحاشية عليها» ص ٦٠ رقم ٣٠٧، اسحق: انظر الكواكب المنتثرة ص٥٥ و ٦٤١.

«الحاشية عليها» ص ٦٢ رقم ٣١٩: عندنا منه نسخة كتبت عام ١٢٩٢.

«الحاشية عليها» ص ٦٣ رقم ٣٢٤: سيأتي «الحاشية على مغني اللبيب رقم ١١٩٢».

«الحاشية الخفريّة على الشرح الجديد للتجريد» ص ٦٤ س٢٢، الآتي: في ص١١٦ رقم ٦٢٣.

«الحاشية عليها» ص ٦٤ رقم ٣٣١: أقول و إنّا رأينا نسخة من حاشية محمّدابراهيم بن صدرالدين محمّد الشيرازي هذه بعنوان [تعليقات حواشي المحقّق الخفري على الشرح

الجديد للتجريد] كانت تاريخ كتابتها يوم الجمعة السابع عشر من شهر شعبان ١١٨٦.

ص ٦٥: براى حواشى شرح تجريد رجوع شود به فهرست مجلس ج٥ حتماً.

«الحاشية عليها» ص ٦٥ رقم ٣٣٤: أقول لايخفى انّ هذا الكلام الذي الحقه المصنّف في الهامش خطأ لا ربط بينه و بين ما في المتن فإنّ الرجل المذكور في المتن من اعظم حكماء القرن الثالث عشر و سوف يتكرر ذكره و ذكر حاشيته هذه في ص١١٤ ابسط مما ذكره هنا.

و رأيت بخط هذا المحشى كتاب مَن لا يحضره الفقيه، فرغ منه في (١٠٧٦).

«الحاشية عليها» ص ٥٣ رقم ٣٣٥: انظر ص١١٤ و راجع كتابنا «زندگانى آيت‌الله چهارسوقى ص٩٦».

أقول عندي منها نسختنان احداهما مع الحواشي الكثيرة منه عليها و من (محمّداسمعيل الاصفهاني ره) و الأُخرى أيضاً مع حواشي (منه) ضمن مجموعة فيها (حاشيه المولى عبدالرزاق على الخفري) و (الرسالة الزمانيه) للفاضل الخواجوئي.

«الحاشية عليها» ص ٥٣ رقم ٣٣٦: توجد نسخة منها منضمةً إلى نسخة اثباته المذكور في مكتبة السيّد مصطفى الحسيني و ذكرها في فهرس المكتبة المذكورة.

«الحاشية عليها» ص ٦٦ رقم ٣٤١: أقول انظر كتابنا «زندگانى آيت‌الله چهارسوقى ص٩٦».

«الحاشية عليها» ص ٦٦ رقم ٣٤٤: يراجع فهرست مجلس ج٥ ص١٤٣.

﴿الحاشيه على الحاشية الخفريّة على الشرح الجديد للتجريد﴾ ص ٦٧: حاشية محمّدمسيح بن اسمعيل الفدشكوئى الفسائى الشيرازي تلميذ المحقّق آقا حسين الخوانساري ثمّ شيخ الإسلام بفارس و المتوفّى سنة ١١٢٧ عن عمر يقرب تسعين سنة مرّ له «أثبات الواجب تعالى ١: ١٠٩: ٥٢٨» نسخة الحاشية كتبها جدّنا العلاّمة المحقّق الكبير الحاج أمير أبوالقاسم جعفر بن السيّد حسين الحسيني الموسوي الاصفهاني الجرفادقاني الخوانساري شرع في كتابتها في النجف الأشرف يوم الخميس ١٩ شهر شوال ١١٤٥ و فرغ منها يوم الجمعة الثالثة من السنة نفسها في ١٠٥ ورقة موجودة في مكتبة جامعة طهران المركزية كما في فهرسها ٨: ٥٧٨.

«**الحاشية عليها**» ص ٦٨ رقم ٣٤٩: نسخه آن در فهرست كتب خطى كتابخانه سيّد مصطفى نوشته شد.

«**الحاشية عليها**» ص ٦٩ رقم ٣٥٧ س٦، **الحاشية الفيّاضية**: انظر ص٧٠٨ رقم ٤٠١ و ما ذكرنا في الهامش.

«**الحاشية عليها**» ص ٦٩ رقم ٣٦٠: رأيت نسختها منضمة برسالة أُخرى في ٢٦ ج١ سنة ١٤٠٦ في يد الحاج حيدري من كتب شيخ‌الإسلام المسروقه و الكتاب لايق بالدقة و التأمّل.

ص ٦٩ س ١٥، **جمال‌الدين**: [يراجع زندگانى جلال‌الدين دوانى ص١١٠].

«**الحاشية الخطائيّة** على الشرح المختصر لتلخيص المفتاح» ص ٧٠ س١٦، **المتوفّى (٧٩٢)**: أقول هكذا يأتي تاريخ وفاة السّعد في ص١٩٢ و ص٢٠٢ سنة الاثنين و التسعين و كذا في كلام مؤلّف كشف الظنون ١: ٤٧٤ مصرّحاً و لكن في معجم المطبوعات ٦٣٥ ذكر ولادته و وفاته بالرقم ٧٢٢ – ٧٩٣ فليحقق.

ص ٧٠ س١٧، ***كشف الظنون***: ج١ ص٤٧٣ يبعد ط اخير.

ص ٧٠ پاورقى: قال اسمعيل پاشا في «هدية العارفين ١: ٦٥٦» [الخطائى – عثمان بن عبدالله نظام‌الدين الخطائى الحنفي المعروف بمولانازاده المتوفّى في سنة ٩٠١ له حاشية على التلويح للتفتازانى في الاصول. حاشية على مختصر التفتازانى لشرح التلخيص. حاشية على المطول في المعانى و البيان] انتهى. أقول في ظهر نسختنا من حاشيته على المختصر «الخطائي» بالهمزه لا بالباء الموحدة. راجع فهرسنا الكبير رقم ٢٩٣.

«**الحاشية عليها**» ص ٧١ رقم ٣٦٦ س١٦، **المتوفّى (٩٨١)**: في اضافات كشف الظنون ط أخير أنّه توفّى ١٠١٥ (ج١ ص٤٧٦).

ص ٧١ س١٦، **حمداً لمن خلق الانسان**: + و؛ كما في نسخة مخطوطة و في كشف‌الظنون ص٤٧٦ ج١.

ص ٧٢ س٢، **٩٤٢**: أقول هذا التاريخ في الروضات أيضاً سنة ٩٦٢ و لكن في نسخة السيّد مصطفى الخاتون آبادي سنة ٩٧٢ و اليك نصّ الخاتمة من تلك النسخة و ان كانت غير معتبرة قال (و قد اتفق الفراغ من تعليق ما وسعه المجال مع توزّع البال و تشتت

الحال لافق الخلق إلى عفو ربّه الابدى عبدالله (كذا) بن شهابالدين يزدى في السابع عشر من ذىحجة اثنين و سبعين و تسعمائة بدار الملك شيراز حفّت ... في المدرسة الصدريّة المنصوريّة).

«**الحاشية الخطابية على الشرح المطوّل لتلخيص المفتاح**» ص ٧٢ س١٧، **نظامالدين عثمان:/** نظامالدين أحمد بن عثمان.

«**الحاشية عليها**» ص ٧٣ رقم ٣٧٣: **أقول** انظر ص٧٤ الرقم ٣٨١.

«**الحاشية عليها**» ص ٧٣ رقم ٣٧٤: **أقول** انظر ص٣٦ رقم١٧٠.

«**الحاشية عليها**» ص ٧٤ رقم ٣٨١ س ١٨، **مرّت: أقول** يعني في ص٧٣ رقم ٣٧٣ و انظر الرقم اللاحق.

«**الحاشية عليها**» ص ٧٤ رقم ٣٨٢، **أوّلها: أقول** هذا الابتداء المنقول في المتن عين ما مرّ في الرقم السابق و هكذا ذكر الحاشيتين أيضاً في (شرح زندگانى دوانى ص١٦٤) و الظاهر وقوع الاشتباه في ذلك و عندنا من هذه الحاشية نسخة قديمة اعنى من زمن الدوانى و خطبتها مشتملة على ذكر وقايع و لعلّها اشارة إلى ظهور دولة الصفوية فهي من أواخر مصنفاته ان لم تكن الاخيرة و لا تاريخ في نسختنا مطلقاً و رقمها 9755 و راجع ص٣٦ رقم ١٧٠.

«**الحاشية على الشرح المختصر الحاجبي**» ص ٧٥ س ٢٢، **السيد الشريف: فهرسنا** الكبير رقم ٢٩٩.

«**الحاشية عليها**» ص ٧٦ رقم ٣٩٠ س١٠، **في (ص ٧٣)**: و **أيضاً** ص١٣٣ س١.

«**الحاشية عليها**» ص ٧٦ رقم ٣٩٤ س٢٢، **رأيتها: أقول** حواشي المولى عبدالله ره مكتوبة على هوامش نسخنا من الحاشية الدوانية كما سيأتي بيانها في التعليقة الآتية.

«**الحاشية عليها**» رقم ٣٩٦ — ص ٧٧ س١١، **أيضاً: أقول** و مثلها أيضاً عندنا نسخ عديدة مفتتح جميعها بعد البسملة بهذه الصورة «قوله الفيّاض الوهّاب» كالمنقول في المتن و هذا الكتاب أيضاً ممّا صار معركة الآراء طول ثلثة قرون بعد التأليف فعلّق عليه جماعة من مشاهير اهل المعقول في تلك القرون امثال المحقّق جمالالدين الخونساري و شمسالدين الجيلانى و المولى عبدالله اليزدى من علمائنا الأعلام قدّس الله تعالى أرواحهم.

ص ٧٧ س١٣، **الحال: أقول** انظر ص١٣٤ رقم ٧٢٤.

«الحاشية الفيّاضيّة على شرح المطالع» ص ٧٨: **أقول** يراجع ص١٣٣ رقم ٧١٥ و التعليقة الآتية ثمّ ليصحّح المطالب المذكورة في المتن و انظر أيضاً (الفيّاضية) في ج١٦ ص٤٠٠.

«الحاشية عليها» ص ٨٧ رقم ٤٠١، **فتح‌الله: أقول** لا اشك أنا انّ هذه الحاشية هي التي تأتي في ص١٣٤ رقم ٧٢٣ فليصحّح و مرّ للسيّد المذكور حاشيته على الحاشية القديمة على الشرح الجديد للتجريد في ص٦٩ رقم ٣٥٧.

«الحاشية عليها» رقم ٤٠٤ — ص ٧٩ س٣: و يظهر من نسختنا (رقم ٤٦٤٤) المورّخه سنة ١١٢٦ وفاة المحشي قبل ذلك التاريخ حيث يدعو له الكاتب في الحواشي بقوله (منه رحمه الله).

«الحاشية على المختصر و على المطول» ص ٧٩ س١٣، **مرّت:** في ص٧٠.

«الحاشية عليه» رقم ٤١١ ـص ٨١ س٦، **غريب:** لا غرابة فيه أصلاً.

«الحدائق الناضرة» ص ٨١: **أقول** انظر في هذا الجزء [مقدّمة الحدائق ٢١٦ س١٥] و أيضاً [الحدائق ٢٨٩: ١٥٥٧] و [الرد على مقدمات الحدائق ١٠: ٢٢٥: ٦٧١ و ٦٧٢] و [مقدّمة الحدائق ٢٢: ٥٤: ٦٠٢٦].

«الحكمة الصادقية» ص ٨١: ليراجع ص٨٩ و فهرست رضويه ج١ ص٦٦ حكمت و ج٤ ص٧٣ و ص٩٤. و رجال اصفهان ص «...» و ج٧ ص «...»

«حكمة العين» ص ٨٢، **علي:** نام او در كشف الظنون ج١ ص٦٨٦ و ج٣ ص١٠٦٣ به نحو ديگر است و بايد تحقيق شود در همه مواضع و به شرح حكمة العين علامه حلي طبع آقاى متروى رجوع شود و أيضاً رجوع شود به حكمة العين و به عين القواعد در كشف الظنون.

«الحاشية عليها» ص ٨٢ رقم ٤٢١: **أقول** أوّلاً ان الارجح عندنا ان شهادة جدنا الشهيد الثاني قدّس الله روحه في سنة ٩٦٥ و ثانيا انّ نسخة الخلاصة الموصوفة حصلت قبل الشيخ مساعد بيد العلاّمة الرجالى مولانا الميرزا محمّد الاسترآبادي فنقل عنها في كتبه قال في آخر تعليق له على ترجمة الحسين بن اسكيب من الرجال الوسيط [تلخيص

المقال] ما لفظه الشريف: [ز بخطه على صه] و ذلك بعد نقله تحقيقا للشهيد الثاني حول الرجل و عندنا نسخة مخطوطة من الخلاصة عليها بعض تعليقات الجد الشهيد طاب ثراه.

«الحاشية عليها» ص ٨٣ رقم ٤٢٥: **أقول** قال المحشي ره في اواسط نسخة حاشيته على كتاب من لايحضره الفقيه ما لفظه «و الاخر حسن لاشتماله على ابراهيم بن هاشم و هو غير مصرّح بتوثيقه في كتب الرجال الا انّ مدحه متظافر حتى ان والدى قدّس الله روحه كان يقول انى استحيى ان أخرج حديثه من سلك الصحاح و قد اطنبنا الكلام في توضيح حاله في حواشينا على خلاصة الأقول» انتهى. ثمّ إنّ كتاب الرجال الكبير المذكور في المتن يأتي وصفه في ج١٠ ص١٠٢ بعنوان «رجال تلميذ الشيخ البهائي» و اعلم انه يظهر من الشيخ فخرالدين الطريحي المتوفّى سنة ١٠٨٥ في مادة علم من كتابه «مجمع البحرين» انّ نسخة الخلاصة مع حواشى الشيخ البهائى عليها كانت عنده فنقل عنها كلاماً حول نسخة الاصل من شرح الاشارات للعلامة الحلى ره كما يأتي في كلام المصنّف حول «شرح الاشارات ١٣: ٩٠» فراجعه.

«الحاشية عليها» ص ٨٦ رقم ٤٤٠: **أقول** قال صاحب رياض العلماء ٣: ٢٢٦ ط قم في ترجمة السيّد عبدالله النقره‌كار صاحب [العباب ١٥: ٢٠٨: ١٣٧٣] ما لفظه [و لكن قد صرح الشيخ على الكركى من علمائنا في بعض تعليقاته على هوامش كتاب ذكرى الشهيد بان هذا السيّد علماء أصحابنا] انتهى و قد سهى شيخنا المصنّف ره في [الحقائق الراهنة ١٢٣] حيث عبّر عمّا نقلناه عن الرياض بقوله [حكى في الرياض عن خط المحقّق الكركي انه من سادات علمائنا] انتهي فقوله عن خط المحقّق ليس بصواب.

«الحاشية عليها» ص ٨٧ رقم ٤٥٣، **ناصر**: الرجل مذكور بهذا العنوان في الروضات ص «...» و أعيان الشيعة ج٥٢ ص١١١ و لكن ذكره شخينا الشهيد الثاني ره في أواخر شرح الدراية بعنوان ناصرالدين ابراهيم.

ص ٨٧ س٧، **بحاشية: تأتي في ص١٧٢.**

«الحاشية عليها» ص ٨٧ رقم ٤٥٤: **أقول** انظر «رجال ابن داود الحلى ١٠: ٨٤: ١٥٥» و التكملة و عندنا نسخة المعلّم صاحب «مكارم الآثار».

«الحاشية عليه» رقم ٤٥٧ — ص ٨٨ س٦، **بقم**: و رأيت نسخة الاصل من هذه

الحاشية بخط المير قدّس سرّه في مكتبة ملك بطهران في سنة ١٣٧٦.

«الحاشية عليه» ص ٨٨ رقم ٤٥٨، أبيالفضل: انظر «ديوان أبيالفضل الطهرانى» في ج٩: ٤٧: ٢٦٣. أقول نقل شيخنا المصنّف في [مصفى المقال ٤٨٠] عن [رياض العلماء] انّ الامير نجمالدين من علماء عصر الشاه عباس الصفوى [المتوفّى «...» له تعليقات على رجال النجاشي كتبها بهامش نسخته.

«الروضة البهيّة في شرح اللمعة الدمشقية» ص ٩٠ س٢٣، (٩٦٦): الأصوب أنّ جدّنا الشهيد الثاني قدّس سرّه استشهد سنة ٩٦٥.

«الحاشية عليها» ص ٩٠ رقم ٤٧٢: أقول سيأتي حاشية والده (الرقم ٤٩٥).

﴿الحاشية عليها﴾ ص ٩١: المطبوعة في جملة من الحواشي بهامش «الروضة البهية» المكتوبة بخط «...» للطبعة الحجرية سنة «...» و الحاشية لأحمد. له «حاشية المعالم ٢٠٤: ١١٣٣».

«الحاشية عليها» ص ٩١ رقم ٤٨١: يأتي له كتاب الشكيات في ج١٤: ٢١٨: ٢٢٦٩.

«الحاشية عليها» ص ٩٢ رقم ٤٨٥ س٢٣، راجعاً: الصواب انّه توفّى في اثناء سفره من طريق العراق قريب النجف الأشرف و ذلك قبل أن يحجّ.

أقول طبع حواشى الشيخ جعفر القاضي مع شرح اللمعة ط عبدالرحيم امّا بعضاً و اما تماماً و نسخة منها مخطوطة موجودة عندنا. و مرّ له اصول الدين و تحفه سلطاني.

«الحاشية عليها» ص ٩٤ رقم ٤٩٥: أقول و يأتي الرد عليه في ج١٠: ٢٠٠: ٥٢٤.

«الحاشية عليها» ص ٩٦ رقم ٥١٣: أقول راجع لزاماً «الروضة النضرة ص٥١٧ و ٣٦٣» و عندنا من حاشيته نسخة مخطوطة.

«الحاشية عليها» ص ٩٧ رقم ٥١٧ س١٥، ذكر: و كذا السيّد عبدالله الجزائري في إجازاته الكبيرة و من الغريب اتّحاد تعبيريهما عن هذه الحاشية ان لم يشتبه الأمر على شيخنا المؤلّف ره و الرجل مذكور في شهداء الفضيلة ص٢٣٥.

«الحاشية عليها» ص ١٠٠ رقم ٥٣٣ س٦، بقزوين: مضى الفيّته النحوية في ج١ ص٥٠١.

«الحاشية عليه» ص ١٠٠ رقم ٥٣٨ س٢٣، محمود: توفّى الميرزا محمود هذا بطهران في

أواخر شهر جمادى الأُولى سنة ١٣٧٥ و اقيمت له عدّة فواتح.

«الحاشية عليه» ص ١٠٢ رقم ٥٤٩ س ١٥، لم يتيسّر لي: أقول بل لعدم قابليته للاستجازة فان جدنا السيّد السند الإمام المجدد آيةالله العظمى السيّد ميرزا محمّدهاشم قدّس الله روحه كان قد تجاوز ٨٢ سنة من عمره الشريف و شيخنا المصنّف حينئذ من أبناء الخامسة و العشرين.

«زبدة الاصول» ص ١٠٢: الصواب سنة ١٠٣٠ كما مرّ مراراً و يأتي «الزبدة ١٢: ١٩: ١١٥» و شروحها في (ج١٣: ٢٩٧ - ٣٠٢).

«الحاشية عليها» ص ١٠٣ رقم ٥٥٥: أقول نسخة من هذه الحاشية المدونة عندنا تجري مجرى الشرح جاء في آخرها ما نصّه «فرغ من نقله إلى البياض اقل العباد عملاً و اكثرهم رجاءً و املاً محمّد المشتهر ببهاءالدين العاملي عامله الله بلطفه الخفي و الجلي في ثاني عشر اول شهور سنة الثامنة من العشر الثاني بعد الالف ١٠١٨» انتهى و هذا ينافي ما نقلناه بهامش «الزبدة ١٢: ١٩: ١١٥» من تاريخ الاصل لبعضهم و هو ١٠٢٠ و الله العالم و امّا كاتب النسخة فهو علي ابن كربلای رضاقلی ایروانی نظهر من كلامه انه كان من طلاّب مدرسة «الجدّة» باصفهان على حسب تعبيره «مدرسة جده، كوچك ظاهراً بزرگ بانياً» فرغ من كتابتها في يوم الخميس ١٦ شهر رجب ١٢٣٩.

«الحاشية عليه» ص ١٠٤ رقم ٥٦٢ س١١، التدقيق: أقول نص كلام المرحوم في «التتميم ص١٢٠ ط قم» [في كل مرتبة كتب عليه حواشي نافعة] الخ.

ص ١٠٤ س١٤: أقول كلام شيخنا المصنّف ره من قوله (و أظنّ) إلى (في حال الحيوة) زائد لا دخل له بصاحب حواشي الكتاب الشافي فانّ صاحب الحواشي هو الملا محمّدحسين بن شاهمحمّد و هو المراد به في تذكرة الملوك و اما المجاز من الشيخ محمّد امين هو ابن محمّدعلى و قد بيّنت الأمر في حواشي الكواكب المنتثره و مواضع اُخرى فليراجع. امّا الملاّ محمّد حسينا صاحب نسخة حاشية المعالم غير معلوم الأب فيمكن ان يكون احد الرجلين كما يمكن ان يكون ثالثاً لهما و العلم عندالله سبحانه. في ليلة ١٠ ج٢ سنة ١٤١٨.

«الحاشية عليه» ص ١٠٦ س١٠، قزويني: توفّى غفر الله له و عفي عنه في غروب يوم

الجمعة ١٨ رجب سنة ١٣٦٨ بطهران و دفن في جوار حضرة عبدالعظيم الحسني عليه‌السلام في مقبرة الشيخ أبي‌الفتوح الرازي(قده).

ص ١٠٦ س ١٠، **مؤلّف:** لو عبّر عنه بصاحب بيست مقاله لكان أنسب حيث ان (بيست مقاله) مجلّدان جمع فيهما مقالات القزويني أولهما بعناية الاستاذ ابراهيم (پورداود) و طبع ببمبئي سنة ١٣٠٧ش و الثاني بعناية الاستاذ عبّاس (اقبال) و طبع بطهران سنة ١٣١٣ش و الأوّل مذكور في ج٣ ص١٨٩.

ص ١٠٦ س١٢، **نوبخت:** الصواب نوبختي.

«الحاشية عليه» ص ١٠٧ رقم ٥٧٦: يراجع فهرسنا الكبير.

ص ١٠٧ س١٠، **و هو ... الأعظم:**/ و المراد به جامع البلد و هي المسجد الاعظم. هكذا العبارة في نسخة السيّد.

«شرح آداب المناظرة و البحث» ص ١٠٩، **محمد:** شمس‌الدين الحسيني الحكيم المهندس توفّي بعد سنة ٦٩٠ كما في ترجمته في الأعلام للزركلي و قد اخطأ في قوله ان المتن للشاشي و الشرح للسمرقندى فراجعه. و له «اشكال التأسيس» تاتي شروحه في الشين كما يأتي هناك أيضاً شروح لآداب البحث المذكور في المتن و يأتي له أيضاً «الصحائف الإلهيّة ١٥: ٩: ٤٦» لكن شيخنا المصنّف ره لم يعرف صاحبه باسمه مطلقاً.

«الحاشية عليه» ص ١٠٩ رقم ٥٨٦: **أقول** انظر ما ذكرناه في التكملة على [لباب الحساب ١٨: ٢٧٩: ٩٩] و لايغفل.

«الحاشية عليه» ص ١١١ رقم ٥٩٨: رجوع به مطلبى كه در حاشيه روضات طبع ٢ ص٣٠٢ نوشته‌ام شود.

«الحاشية عليه» ص ١١٢ رقم ٦٠١ س١، **(٧٧٥):** الصواب (٧٥٥) كما في المأخذ (و هو إجازات البحار ج١٠٧ ص٢٠٦) و كما في الحقايق الراهنه ص١٤٩ و نقل في أعيان الشيعة ج٤٦ ص٤ التاريخ خطأ كما في المتن و ان لم يصرح باسم ماخذه و زاد عليه خطا اكبر منه و هو ايراد اسم الرجل في المحمّدين ثمّ نقل الخطأين عن الأعيان في معجم المؤلّفين ج١١ ص٣٦ و زاد عليهما في نسبة الرجل فوصفه بالحلبي بزيادة الباء و الله العاصم.

«الحاشية عليه» ص ١١٢ رقم ٦٠٤ س٩، **المذكور**: و يأتي ذكره أيضاً في ص١٨٤ و ص١٩٥ و ص١٣٢ و ص١٤٦.

«**الشرح الجديد للتجريد**» ١١٣، **علي**: انظر له «ميزان الحساب ٢٣: رقم ٩١٠٨» مع التكملة.

«الحاشية عليه» ص ١١٣ رقم ٦١٢ س٢٤: و عندنا أيضاً منها نسخة ضمن مجموعة من تعليقاته ره.

«الحاشية عليه» ص ١١٤ س٣، (**رياض القدس**): يأتي في ج١١ ص٣٣٤.

«الحاشية عليه» ص ١١٤ س٥: أقول لايخفى انّ هذه الحاشية هي المذكورة بعينها في ص٦٥ كما اشار إلى ذلك المصنّف أيضاً في المتن و الكتاب مذكور في «فهرست دانشگاه ٣ ص٢٣٦» و لم يذكر هناك ان النسخة بخط المؤلّف فلعلّ هذا الكلام من قول السيّد المشكاة في كتابه إلى المؤلّف و قوله (و تاريخ كتابة الشرح) يعني (شرح المشاعر) و نسخة شرح المشاعر مذكورة في الفهرس ص٢٨٢ و في الذريعة ج١٤ ص٦٥ و الله العالم. ثمّ لايخفى ان الرجل من كبار الحكماء المتألّهين و اورع العلماء الربانيّين و كان ساكنا في اصفهان و توفّي سنة ١٢٦٠ و ذكرناه مفصّلا في فهرسنا ذيل عنوان كتابه (شرح المشاعر) فليراجع. في محرم ١٣٩٥ م‌ع‌ر عفي عنه

«الحاشية عليه» ص ١١٤ رقم ٦١٤ س١٨، **الروضات**: و نفس مؤلفها في إجازة مناقب الفضلاء.

«الحاشية عليه» ص ١١٦ رقم ٦٢٣، **شمس‌الدين**: ترجمتُه في ذيل ترجمة منصور من روضات الجنّات و ما علّقناه عليها في نسختنا الخاصة ص٦٤٦.

ص ١١٦ س١٧: و أيضاً نسخة منها في مكتبة السيّد مصطفى الحسيني و قد فهرستها و هي منضمة إلى نسخة من (اثبات الواجب القديم) و أيضاً نسخة أُخرى نفيسة منضمة إلى حاشية حاشية شرح المطالع للدواني موجودة عندي بخط مولانا اسمعيل الخاجوئي و أيضاً نسخة أُخرى كذلك رقمها ٤٣٧٩.

«الحاشية عليه» ص ١١٦ س٢١، **الصدرية**: يأتي هناك مجملاً و سيأتي في ص١٤٦ و في ١٣٤/٥ أيضاً و تفصيل الكلام في فهرس المكتبة المركزية بدانشگاه طهران ج٣ ص٢٣٢ و

اوّل ديباجة القديمة قوله «يا من وفّقنا لتجريد الكلام في تقرير عقايد الإسلام» و بعد الديباجة هكذا «قوله في الحاشية قيل لم يرد معينا إلخ. أقول مراده بالزيادة في الجملة الزيادة بوجه ما» نسخة من القديمة مع الديباجة عند الحاج شيخ مرتضى المدرس الاردكاني باصفهان.

«الحاشية عليه» ص ۱۱۷ س۲۲: منها نسخة في الخزانة الآصفية كما في فهرسها ۲: ۳۱۳ و قد اشتبه الأمر على مؤلّف الفهرس فظنّها للمولى صدرا.

«الحاشية عليه» ص ۱۱۹ رقم ٦۳۹، **محمّد صالح الثاني**: بايد رساله انساب مجلسی و احتمالاً فهرست مجلسی دیده شود. آقای مهدوی در کتاب شرح احوال مجلسی نوشته‌اند مولی محمّدصالح ثانی فرزند مولی عبدالباقی فرزند مولی محمّدخان مازندرانی و معروف به آقا بزرگ است.

«الحاشية عليه» ص ۱۲۱ رقم ٦٥۱: **أقول** انظر [شرح حكمة الاشراق ۱۳: ۲۱۱: ۷٤۹].

«شرح حكمة العين» ص ۱۲۱ س ۱۲: الكاتبي مذكور في مفتتح شرح ميرك بهذه الصورة (نجم الملة والدين أبي‌بكر بن عمر الكاتبي القزويني) كذا رأيت في نسختين من الشرح.

«الحاشية عليه» ص ۱۲۱ رقم ٥٦۳، **(۱۰۸۱)**: لم أجد قائلا لهذا التاريخ في غير هذا الموضع مع أنّ الأقوال في وفاته كثيرة و الصحيح توفّي عام ۱۰۷۹ أو ۱۰۸۰.

«الحاشية عليه» ص ۱۲۱ رقم ٦٥٦، **عليّ**: هو ابن الشيخ فضل‌الله القومي الزاهدي ظ و نسختها موجودة عندي في مجموعة.

«الحاشية عليه» ص ۱۲۲ رقم ٦٥۹ س۹، **الحكمة: أقول** هذا مفتتح حاشية الملا ميرزاجان الباغنوي الشيرازي على شرح حكمة العين و عندنا نسخة قديمة من هذه الحاشية و توجد أيضاً في الرضويّة (كما في فهرسها ٤ ص۳۸) و في سپهسالار (كما في فهرسها ج۳ ص۲۲٤) و غيرهما. و عناوين حاشية الباغنوي هذه (على ما في نسختنا المنضمّة إلى شرح حكمة العين للميرك المرقمة 4658) هكذا «قوله قدّس سرّه – قال الشارح» و اظنّ ان منشأ اشتباه شيخنا المؤلّف او من تقدّمه هو تشابه شهرتي الشيرواني و الباغنوي فالأوّل المولى ميرزا و الثاني المولى ميرزاجان و الله العالم.

«الحاشية عليه» ص ١٢٢ رقم ٦٦٠ س١٣، **أنزنا:/** زدنا.

و س١٤، **ناشر:/** ناصر.

نسخة مخطوطه خاتون آبادي سنة ١٠٦٧ و نسخته الأخرى قديمة.

«الحاشية عليه و على الحاشية الشريفيّة عليه» ص ١٢٥ رقم ٦٧٦، **معين:** ليراجع ج٤ ص٣٣٤ ع١٤٣٠.

«الحاشية عليه» ص ١٢٧ رقم ٦٨٨: هذا هو السيّد صادق الفحّام المذكور ذيلا كما يأتي في ج٨ ص١٤٠.

«شرح مختصر ابن الحاجب العضدية» ص ١٢٩ س ٥، **عبدالرحمن:** هو صاحب المواقف الآتي ص١٣٧ س٤.

«الحاشية عليه» ص ١٢٩ رقم ٦٩٣: عندنا منها نسخة ضمن طائفة من تعليقاته ره.

«الحاشية عليه» ص ١٢٩ رقم ٦٩٦: عندنا نسختان من هذه الحاشية و هي للمولى ميرزا محمّد بن الحسن الشيرواني ره. انظر ص١٣٢.

ص ١٢٩ س١٨، **الدواني:** هذا خطأ و الصواب ان شرح الشرح للسعد التفتازاني كما لايخفى.

ص ١٢٩ س ٢١، **في غير ما وضع:/** (في غير وضع أوّل) كما في نسختنا و نسخة الرضوية كما في فهرسها ج٦ ص٢٧.

«الحاشية عليه» رقم ٦٩٧ — ص ١٣٠ س١، **أوله:** انظر ص١٣٢.

و س ١، **(المشكاة):** (ج٥ ص١٦٧٣/٤ فهرست).

و س ١، **قوله:** أقول و هكذا مفتتح نسختنا من هذه الحاشية و آخرها (لا يصير سبباً لان يعمل به دون الاخر فتامل فتامل تم بحمد الله و حسن توفيقه) و ليس فيها اسم الكاتب و لا تاريخ الاستنساخ و لكنها من القرن ١٢ ظ و قد كانت من خزانة كتب أبي‌المجد ره و في ظهر النسخة ما نصّه (حاشية ملا ميرزاجان بر شرح مختصر اصول) انتهى.

«الحاشية عليها» ص ١٣٠ رقم ٦٩٨: أقول كلّ ما مرّ و يأتي عنوانه «الحاشية عليه» و هنا يقول «الحاشية عليها» فلعلّ هناك سقط و لعل الساقط قبل ذلك حاشية المير سيّد شريف الجرجاني وليفحص.

ص ١٣٠ س١١، **قال:/ قيل؛** كما في نسخة السيّد الناقصة.

«**الحاشية عليه**» ص ١٣٢ رقم ٧٠٨ س٤، **قوله:** هذا اول حاشية الملا ميرزاجان الباغنوى أيضاً كما مر في صدر ص١٣٠ فليته نقل جملةً من كلام المحشى حتى يتبيّن الأمر. ثمّ أقول حاشية المدقق الشيروانى هي التي مرّ وصفه في ص١٢٩ ع٦٩٦ و هي مطابقة للنسختين الموجودتين عندنا و كذا للنسختين الموجودتين في الرضوية كما في فهرسها ج٦ ص٢٧ فلايغفل.

«**شرح المطالع**» ص ١٣٢: مقدّمة كتاب مطالع الانوار للارموى نقلتها عن نسخة مخطوطة لقسمه المنطقي قال: (بسم. رب انعمت فزد. اللهم انا نحمدك و الحمد من الآئك) إلى ان قال: (و نبتهل اليك في ان تصلّي على محمّد سيّد مرسلين و خاتم النّبيين و على آله الطاهرين و بعد فهذا مختصر في العلوم الحقيقية و المعارف الالهيه سمّيته بمطالع الانوار و رتبته على طرفين الأوّل في المنطق و الثاني اربعة اقسام الأوّل في الامور العامة و الثاني في الجواهر خاصّة و الثالث في الأعراض خاصة و الرابع في العلم الالهي خاصّة).

أقول و للسيّد الشريف الجرجاني حاشية على لوامع الاسرار هذا لم يذكرها الشيخ المصنّف هنا إلاّ ما سيأتي بعد أسطرٍ و قد مرّ ذكرها مع الحواشي الكثيرة عليها في ص٧٦ – ٧٨.

«**الحاشية عليه**» ص ١٣٣ س١، **المذكور (ص ٧٣)**: و أيضاً ص٧٦ س٩.

«**الحاشية عليه**» ص ١٣٣ رقم ٧١٣: أقول انظر له «تفسير شاهي ٤: ٢٧٧» و توفّى المير السيّد شريف المذكور بشيراز سنة ٨١٦.

«**الحاشية عليه**» ص ١٣٣ رقم ٧١٥ س٩: لايخفى أنّ هذه الجملة اعني قوله (الحمد لله فيّاض ذوارف العوارف) بعينها كلام شارح المطالع في مفتتح كتابه فكان اللازم على شيخنا ره نقل شيء بعدها في اول الحاشية ثمّ أقول يراجع ص٧٨ س٥ كما اشار إليه في المتن أيضاً و كذا ص١٣٤ رقم ٧٢٣ و يصحّح المواضع المذكورة إن شاء الله.

«**الحاشية عليه**» ص ١٣٤ رقم ٧٢٣: أقول لا شك في انّ هذه الحاشية هي عين ما مرّ في ص٧٨ رقم ٤٠١ فليحرّر.

«**الحاشية عليه**» ص ١٣٤ رقم ٧٢٤: يراجع ص٧٦ ع٣٩٦.

«الحاشية عليه» ص ١٣٦ رقم ٧٣٩: نظن انّ هذا العنوان خطأ من رأسه نشأ من جهل بعض المفهرسين الذي نقل عنه شيخنا المصنّف طاب ثراه كما نظن انّ المشار أيضاً في المؤلّفين نقل الخطا عن هذا الموضع (مؤلفين كتب چاپى ١: ٥٤٥) و ان الصواب ان هذا الرجل كاتب نسخة حاشية الهيدجى (رقم ٧٤١) للطبعة الحجرية و لما لم يكتب اسم المحشى في اوائل الكتاب بل ذكر السيّد الكاتب اسمه و نسبه في صفحة العنوان فلهذا صار سبباً لوقوع من لم يكن من اهل الخبرة في هذا الاشتباه و الله العالم و السيّد المذكور هو الكاتب لعدة كتب من المطبوعات الحجرية كالخصايص العباسية للكرباسي و بعض اجزاء وسايل الشيعة ط ١٣١٤ و غيرها و قد اوضحنا ذلك أيضاً في تعليقاتنا المخطوطة على كتاب المشار و على مكارم الآثار ج٦ ص١٩٦٥ و الله الموفق.

«الحاشية عليه» رقم ٧٤١ — ص ١٣٧ س١، **١٣٤٩**: راجع ما نذكره في التعليقة على «ديوان الهيدجى» في (ج٩: ١٣٠٤: ٨٣٦٤).

«شرح المواقف» ص ١٣٧، **عضدالدين**: مرّ ذكره في ص١٢٩ س٤ و ليراجع لزاماً كتاب «تاريخ گزيده ص٦٩٩ طبع نوائى» لحمدالله المستوفي معاصر العضد.

«شرح الهداية الاثيرية» ص ١٣٨: أقول انظر «هداية الحكمة ١٤: ١٧٣ - ١٧٦ و على شرح صدرالحكماء أيضاً حواش لم يذكرها المصنّف و هي مكتوبة بهوامش النسخة المطبوعة الحجرية سنة ١٣١٣ بطهران.

«شرح هياكل النور» ص ١٤٠: راجع (١٤: ١٧٦ - ١٧٨ و ٢٤٠)

«الحاشية عليه» ص ١٤١ رقم ٧٦٣، **للسيد**: انظر في ج٢ ص٤٠٩ «الانموذجة الابراهيميّة» و الرجل مذكور أيضاً في ج١ ص٢٣١.

«الحاشية عليه» ص ١٤١ رقم ٧٦٤ س٨، (**١٣٣٠**):/ (١٣٠٣).

«الحاشية عليه» ص ١٤٣ رقم ٧٧٥: أقول عندي نسخة صاحب الرياض من هذه الحاشية و قد كتب في ظهر الصفحة الأُولى منه ما نصّه [حاشيه الهى شفا ملاصدراى شيرازي من المقالة (كذا) إلى آخر المقالة السادسة و ليس في هذه النسخة شرح المقالة السابعة و الثانية و التاسعة و العاشرة و لعلّه ره لم يؤلف ما بعد ذلك و اخترمه الموت فلاحظ] ثمّ كتب بعد ذلك ما نصّه [بسم الله بفرزندى ميرزا زين‌العابدين بخشيده شده

حرّره العبد الجاني عبدالله بن عيسى الإصبهاني] و سجع خاتمة (الراجي لعفو الله عبدالله) و فرغ الكاتب (طهماسب قلى ولد ملا عزيزالله فراهانى ساكن بلده طيّبه قم) من استنساخ النسخة في السادس عشر من ربيع‌الثاني سنة ۱۰۷٤ و أضاف الميرزا عبدالله بعد كلام الشارح [فح أيضاً يكون النظر في أحوال العلل الفانية أفضلها] هذه العبارة بخطّه [قد فرغت من تعليق هذا الشرح على إلهيّات الشفا للشيخ الرئيس أبي‌عبدالله حسين بن عبدالله بن سينا البخاري إلى هذه المقالة و قد بقي شرح المقالة السابعة إلى آخر الإلهيّات] انتهى. و كانت هذه النسخة في خزانة أبي‌المجد الإصبهاني رحمه الله و اشتريتها أنا بعد عشرين عاماً من وفاته. و انظر ما مرّ في الرقم ٧٦٩.

«الحاشية عليه» ص ١٤٣ رقم ٧٨٠: تأتي بعنوان «شفاء القلوب» فراجعه.

«الحاشية عليه» ص ١٤٤ رقم ٧٨١: طبعت بهامش الشوارق المط سنة ۱۲۸۰ و عندنا منها نسخة بخط المرحوم الحاج ميرزا بديع.

«الحاشية عليه» ص ١٤٤ رقم ٧٨٤ س٢٠، **الگيلاني**: الظاهر أنّه الحاج محمّدجعفر الرشتي.

«الحاشية عليه» ص ١٤٤ رقم ٧٨٥: يراجع التكملة على [الشواهد ١٤: ٢٤٣: ٢٣٨٢].

«الحاشية عليه» ص ١٥٠ رقم ٨١٥: للسيّد حسين بن مساعد و كتابه راجع [عمدة الطالب ١٥: ٣٣٦: ٢١٦٨] و التكملة و أيضاً. انظر ما كتبناه بهامش «تحفة الابرار ٣: ٤٠٥: ١٤٥٤» و راجع «إحياء الداثر ٧٢».

ص ١٥١: حاشيه علل الشرايع للعلامة المجلسي در نسخه خودمان بخطه الشريف – كتاب آقاى مهدوى تفحص شود.

«الحاشية على عيون أخبار الرضا» ص ١٥١: للميرك موسوى المشهدى رأيتها على هوامش نسخة من العيون و المحشي مذكور في الآمل فراجعه.

نسخه مرحوم عموآقا مجتبى كه خودم خريدم و دارم بايد تكميل شود.

«الحاشية عليه» ص ١٥٣ رقم ٧٢٧، **النجفي**: ذكره المؤلّف في نقباء البشر ص٩٧ و قال انه توفّي حدود سنة ۱۳۰۹ و ذكره سيّد مشايخنا في الأعيان ج٨ ص٦٠ و قال انه توفّي بالنجف ۱۳۰۹ و يأتي له (ينابيع الاصول) في ج٢٥ ص٢٨٧ و هناك انه توفّي

بالنجف ١٣٠٨ و لعل (١٣٠٨) من تصرفات ولد شيخنا المؤلّف و الرجل مذكور أيضاً في (معجم المؤلّفين ج١ ص٢٠١) لعمر رضا نقلاً عن النقباء و الأعيان.

«**الحاشية عليه**» ص ١٥٦ رقم ٨٥٠ س٨، **المطبوع**: لم اجد ترجمته في النتيجه و لكنّه ترجم فيه استاده الهروى فراجع.

«**الحاشية عليه**» ص ١٥٧ رقم ٨٥٥ س٦، (**١٣١٨**):/ ١٣١٩. صح

«**الحاشية عليه**» ص ١٥٨ رقم ٨٦٥: ذكرها في المآثر و الآثار.

«**الحاشية عليه**» ص ١٥٨ رقم ٨٦٦، (**١٣٠٩**): أقول هكذا رأينا تاريخ وفاة الآخوند ملاّ على الخوئى في مصادر اُخرى اى سنة ١٣٠٩ و نقله كذلك شيخنا المصنّف ره في ترجمة الرجل في النقباء (ص٨ - ١٣١٧) عن تكملة استاذه السيّد الصدر الذي كان حاضراً في تشييعه إلاّ انّ في اوائل حاشيته (اى في ص١٧ من النسخة المطبوعة في تبريز خلف المشارق و تشريح الاصول) تعليقة (منه) كتبت بالهامش و بذيلها توضيح هذه صورتها [هذه الحاشية مصححة بخطه الشريف رحمه الله ليتنى مت قبله ما رأيت نفس فاقداً له وقد توفّى في العزى في العشرة الاُولى من المحرم في سنة ١٢٨٩] انتهى و هذه التعليقة مكتوبة أيضاً بمداد الطبع و بخط كاتب النسخة و الظاهر أنّها منقولة عن مخطوطة الاصل و الله العالم بحقايق الامور. ثم انّ سائر المصادر أيضاً خال عن اسم والد ذاك الاستاذ المحقّق الاصولى الفحل اعنى الاخوند ملا على الخوئى و العلم عند الله سبحانه.

«**الحاشية عليه**» ص ١٦١ رقم ٨٨٥ س١٩، **بايران**: في سنة ١٣٠٥.

«**الحاشية عليه**» ص ١٦١ رقم ٨٨٦ س٢١، **يوم فاته**: الصواب يوم وفاته.

«**الحاشية عليه**» ص ١٦٢ رقم ٨٨٩: أقول انظر ما سيأتي في «الحاشية على المكاسب ٢٢١: ١٢٣٨».

ص ١٦٢ س١٦، حدود (**١٣٥٨**):/ (٢٧ - ج١ - ١٣٥٦). صح

«**الحاشية عليه**» ص ١٦٤ رقم ٨٩٧ س١٢، **بالقاضي**: هو الآتي في الرقم ٩٠٦ أيضاً و ٨٩٨.

«**الحاشية عليه**» ص ١٦٥ رقم ٨٩٨: مرّ ذكره آنفاً رقم ٨٩٧.

«**الحاشية عليه**» ص ١٦٥ رقم ٩٠٢: يراجع ما كتبناه في مفتتح نسختنا من اخبار الاسرار و انظر رقم ٩٠٧.

«الحاشية عليه» ص ١٦٧ رقم ٩٠٦ س٥، **القاضي:** هو الذي مرّ ذكره في رقم ٨٩٧ و ٨٩٨.

«الحاشية عليه» ص ١٦٧ رقم ٩٠٧: مرّ ذكرها رقم ٩٠٢.

«الحاشية عليه» ص ١٧١ رقم ٩٢٨: بسمه تعالى؛ رأيت في شهر صيام ٩٤ نسخة من (حاشية الشيخ علي على قواعد الاحكام) كما كتب على ظهرها في مكتبة السيّد مصطفى الخاتون آبادي و اولها هكذا (بسم. كتاب الطهارة. قوله رحره فالوضوء يجب للواجب من الصلوة و الطواف و مسّ كتابة القرآن. وجوب الصلوة و الطواف ثابت باصل الشرع غير متوقف على احداث المكلّف) و آخرها (و قوله و كذا يسقط الفائت الخ المراد به سقوط في هذه الحالة و ان امكن و قوله يحتمل التكبير ولاء الخ اراد به في المسئلتين جميعاً فيكون المراد بالتكبير ما هو اعم من الكل و البعض قوله و بنى الشاك في العدد على الاقل) تمت.

«الحاشية عليه» ص ١٧٢ رقم ٩٣٠ س٤، **بالمسائل المظاهرية:** يأتي في (ج٢٠: ٣٦٧: ٣٤٤٩) و انظر «شرح خطبة القواعد ١٣: ٢٢٤: ٧٩٥».

«الحاشية عليه» ص ١٧٢ رقم ٩٣١ س٧، **القطبية:** يأتي في (ج٧: ١٠٢: س٢١) فراجعه.

«الحاشية عليه» ص ١٧٢ رقم ٩٣٣، **ناصر:** المذكور في ص٨٧.

«القواعد الكلية الاصولية و الفرعية» ص ١٧٢: يأتي باسم «القواعد و الفوائد» في ج١٧ ص١٩٣.

ص ١٧٤ س٧، **الكسرواني:** الكِسْرُوان مذكور في المنجد في الادب و العلوم ص٤٣٨.

«الحاشية عليه» ص ١٧٥ رقم ٩٥٣ س٢٥، **بلا عقب:** انظر ص١٧٧ س٨.

«الحاشية عليه» ص ١٧٧ رقم ٩٦٤، **جعفر:** ص١٧٥ س٢٠.

«الحاشية عليه» ص ١٧٧ رقم ٩٦٥: تأتي هذه الحاشية بعنوان حديقة البساتين و هما واحد فلاتغفل.

«الحاشية عليه» ص ١٧٧ رقم ٩٦٦ س١٦، **(١٢٩٩):** بل سنة ١٣٠٠.

«الحاشية عليه» ص ١٨١ رقم ٩٨٨، **فقط:** أقول نسخة هذه الحاشية موجودة عندنا استخرج حواشي السيّد عن هوامش نسخة اصول الكافي السيّد محمّدتقي بن محمّدصادق

الموسوي و فرغ من استكتابها و جمعها و نقلها في نسخة صفحاتها ١٨٤ في سنة ١٠٩٤ قال الجامع في الخاتمة ما لفظه «و المسئول من الله ان يوفقني لجمع حواشي الفروع في محل آخر» انتهى و سيأتي للسيّد بدرالدين «حجية الأخبار الرقم ١٤٦٥» كما يأتي ذكره في (ج٢٣: الرقم ٧٨٢١ ص٧ - ٨) و لنذكر له (حواشي المطول) بهامش ص٢٠٢ و انظر «رسالة في صلوة الجماعة ١٥: ٦٢: ٤٣٠». ثمّ ان الرجل ذكره معاصره محمّد مؤمن بن شاه قاسم السبزواري المشهدى في إجازته للسيّد مرتضى بن مصطفي التبريزي المورخة سنة ١٠٦٠ في مشهد خراسان كما ذكرناها في موضعها من التكملة فقال المجيز [و اعلم انى قد قرات معظم الكتب الأربعة على شيخى ... المرحوم محمّد الشهير بنصر المحدث التونى ... (إلى ان قال) ثمّ قابلت التتمة مع السيّد السند الحسيب النسيب زبدة المتقدمين و اسوة المتأخرين الفائق في فنون العربية و علم الفقه و الحديث على اهل زمانه السيّد بدرالدين الحسيني العاملي المدرس في الروضة الرضية الرضوية و هو قد قرأ الاحاديث على الشيخ الإمام العلاّمة بهاءالدين محمّد العاملي الحارثى] انتهى المقصود من تلك الإجازة ثمّ لايخفى ان السيّد بدرالدين هذا لم يذكره جدنا الشيخ الحر العاملي في [أمل الآمل] كما لم يذكره سيّد مشايخنا في «تكملة أمل الآمل» فكانهما لم يعرفاه مطلقاً و هذا من شيخنا الحرّ اعجب و هو غير العالم الفقيه الاصولى الكامل السيّد بدرالدين بن كمال‌الدين بن حيدر بن نورالدين العاملي فانه هذا متأخر عنه و مذكور في عنوان والده في «التكملة ٣٢٤» و مستقلا فيها ص١١٠ و السلام.

«الحاشية عليه» ص ١٨١ رقم ٩٨٩: أقول بعض هذه الحواشي مكتوبة على نسخة نفيسة من الكافي و هي الان عندي و الحمد لله وحده. و قوله [الظهرية] الصواب «حوابات المسائل الظهيرية ٥: ٢٢٧: ١٠٨٣».

«الحاشية عليه» ص ١٨٢ رقم ٩٩٤، يأتي: في ج١٤ ص٢٤٢.

«الحاشية عليه» ص ١٨٣ رقم ٩٩٨: راجع (الدر منثور) في (ج٨: ٧٦: ٢٦٩).

«الحاشية عليه» ص ١٨٤ رقم ١٠٠١: و يأتي أيضاً في ج١١ ص٩٦ و ج١٢ ص٢٧.

ص ١٨٤ س٦، جزماً: و وقع أيضاً هكذا في خاتمة المستدرك و قد ذكرنا منشأ هذا الاشتباه في الجزء الخامس ص١٣ فليراجع.

«**كاشف الظلام في علم الكلام**» ص ١٨٤: (تأخّر ذكره سهواً).

ص ١٨٥: (كتاب من لا يحضره الفقيه) مذكور في حرف الميم بإسقاط كتاب و هو خطأ.

ص ١٨٥: (الكشاف) ص٤٦.

«**الحاشية عليها**» ص ١٨٧ رقم ١٠٢٣: أقول يراجع (الكلام يجرّ الكلام ج١ ص١١٢) و (مكارم الآثار).

«**الحاشية عليها**» ص ١٨٨ رقم ١٠٢٦: أقول يأتي له «شرح الكفاية ١٤: ٣٤: ١٦١٧» و توفّى السيّد الحكيم بعد أن نال مرجعية الشيعة سنين عديدة في «...» سنة ١٣٩٠ و له ذكر في الأعلام للزركلي ٥: ٢٩٠.

«**الحاشية عليها**» ص ١٨٨ رقم ١٠٣٠: أقول يأتي مكرّراً بعنوان «شرح الكفاية ١٤: ٣٥: ١٦١٩».

«**الحاشية عليها**» ص ١٨٨ س ٢٥، للسيّد هادي: توفّى قدّس سرّه في شوال المكرم سنة ١٣٦٧ في النجف الأشرف.

«**الحاشية عليه**» ص ١٩٠ رقم ١٠٣٩: أقول لعلّ هذه الحاشية لجدّنا المحقّق الكركي صاحب جامع المقاصد و التي ذكرها جدنا الإمام المجدد في الروضات.

﴿**مجمع الرجال**﴾ للقهبائی ص ١٩١: الحاشية عليه لملا أبي‌الحسن الشريف العاملي الغروی [تنقيح المقال ٣ خاتمة الخاتمة: ١٣١] نقلاً عن رجال بحرالعلوم فلينظر في رجال البحر.

«**المجدی**» ص ١٩١: يراجع «حواشي المجدی» مكرراً في ج٧ ص١٠٩.

«**الحاشية عليه**» ص ١٩١ رقم ١٠٤٦ س٨ قوله، أبوه: الصواب أبيه أو (و هو أبوه).

«**الحاشية عليه**» ص ١٩٢ رقم ١٠٥٤: يأتي له الحاشية على مغنى اللبيب في ص٢١١.

ص ١٩٤: شماره‌های ١٠٦١ و ١٠٦٢ كه نوشته‌اند (متوفّی ٩٤٠) فقط محقق كركی صاحب جامع المقاصد در ٩٤٠ فوت شده و هو علی بن حسين بن عبدالعالی و ميسی در ٩٣٨ فوت شده و هو علی بن عبدالعالی.

«**الحاشية عليه**» ص ١٩٥ رقم ١٠٧٠: قال ولده في الدر المنثور ٢: ٢١٣ ذهبت فيها

ذهب من الكتب انتهى. أقول عثر عليها جدّنا الإمام العلاّمة السيّد صدرالدين العاملي و الظاهر أنّها ممّا ورثه من اُمّه الكريمة بنت الشيخ علي بن الشيخ محيي‌الدين بن الشيخ علي و هو صاحب الدر المنثور طاب ثراهم و بعد سنين اشتراها من بعض اولاده المرحوم ميرزا مجدالدين النصيري و بعد وفاته رزقني الله تعالى تلك النسخة الشريفة ابتياعاً من بعض بياعي الكتب مع طائفة اُخرى من مخطوطات خزانته ره و هي نسخة الاصل بخط المحشي و لكنّها اوراق قليلة و الظاهر ضياع الباقي في البين و معها فوائد كثيرة رجالية و حديثية فهي مجموعة جليلة بخطه ره و فيها أيضاً بعض المطالب نثراً و نظما بخط جدنا السيّد الصدر المذكور البسه الله تعالى حلل النور. و في النسخة خاتمان سجع احدهما «نصرالله بن ابوالقاسم الشريف» و الآخر «عبده عبدالله» و لم نعرف صاحبيهما كما لم نعرف صاحب تعليقة على موضع من النسخة بتوقيع (عبدالحسين الموسوي) و العلم عند الله سبحانه و عدد اوراق المجموعة جميعاً ۷۵ ورقة. و قد مرّ له حاشية التهذيب و يأتي حاشية على معالم والده طاب ثراهما.

«الحاشية عليه» ص ۱۹۵ رقم ۱۰۷۱، (۱۰۳۱): الصواب سنة ۱۰۳۰ كما مرّ مراراً و يأتي كثيراً.

«الحاشية عليه» ص ۱۹۵ رقم ۱۰۷۲: أقول عندنا أيضاً نسخة من هذه الحاشية و ذكر اسمه في اولها بقوله «محمّد الملقب برفيع‌الدين الحسني هذه تعليقات علّقتها» و آخرها «تمّ كتاب الطهارة مع الحواشي» و النسخة ليست بالحديثة و لكنّها خال عن التاريخ و اسم الكاتب و اوراقها ۱۷۰ و قد اشتريناها أيضاً من بقايا خزانة كتب مجدالدين النصيري الأميني و في اولها و آخرها خط والده العلاّمة الميرزا لطفعلي صدرالافاضل رحمهما الله.

«الحاشية عليه» ص ۱۹٦ رقم ۱۰۷٤: أقول و يأتي له [الحاشية على كتاب من لايحضره الفقيه ۲۲۵].

«الحاشية عليه» ص ۱۹٦ رقم ۱۰۷۵: و رأيتها انا متفرقة على هوامش نسخة من المجلّد الأوّل و كذا على هوامش نسخة من الجزء الثالث من المدارك كلاهما في مكتبة السيّد مصطفي و ان لم تكن متعينة بل بتوقيع (ابراهيم رحمه الله) و لكن النسخة قديمة فلابدّ أنّها حواشي السيّد هذا.

﴿حواشي المطوّل﴾ ص ٢٠٢: للسيّد الجليل المحقّق المدقق الاجل الاكمل الامثل الافضل عمدة المتأخرين زبدة المتبحرين السيّد بدرالدين الحسيني العاملي قدّس الله روحه، مدحه بكل هذه الاوصاف السيّد محمّدتقي بن محمّدصادق الموسوي في مقدّمة حواشي الرجل المستخرجة عن نسخته من اصول الكافي سنة ١٠٩٤ و قد مرّ ذكرها في (ص١٨١ الرقم ٩٨٨) ذكر حواشي المطول في بعض تلك الحواشي.

«الحاشية عليه» ص ٢٠٣ رقم ١١٢٤ س١١، بهاءالدين: أقول كان الشيخ بهاءالدين هذا صهراً للحاج مير سيّد محمّد البهبهاني (١٢٩١ - «...») مقدم علماء طهران ابن السيّد عبدالله باني مباني المشروطية الهدامة و المقتول بسببه في ١٣٢٨ توفّي الشيخ بهاءالدين عن عمر طويل جاوز المائة في «...» و ذكرنا أُسرة البهبهاني في (مشجّرات جامع الأنساب ج١ ص٢٨ و في تراجمه ص١٥١).

«الحاشية عليه» ص ٢٠٤ رقم ١١٣٣: أقول هكذا اورد المحشى اسمه و نسبه باضافة الحسني بعد الحسيني في نسختنا المكتوبة سنة ١٢٤٨ و على ظهر النسخة صورة ملكية هذه العبارة [و قد اشتريت هذه النسخة الشريفة من مصنفات عاليجناب مقدس القاب علامى فهامى مجتهد العصر و الزماني جناب كهف الحاج و المعمرين حاجى ميرزا ابراهيم الشيرازي ... و انا ... محمّد حسين بن محمّد اشرف الخراساني في المدرسة المسمى بالجدة الصغيرة من مدارس دارالسلطنة اصفهان ... في سنة ١٢٥٩] انتهى فالمحشى هو المذكور في «مكارم الآثار ٥: ١٤٩١ رقم ٨٥١» عن «فارسنامه ناصرى ٧٧٧ و ٩٢٧ طبع ٢» و المكارم نقل عن الطبعة الأُولى و والده السيّد حسين المشهور بميرزاجاني المذكور أيضاً في «المكارم ٢: ٤٤٢ رقم ١٨٧» عن الفارسنامه و الميرزاجاني هذا عمّ صاحب الفارسنامه و تراجم الجميع مبسوطة في الكتابين المذكورين و امّا شيخنا المصنّف ره فالظاهر انّه لم يعرف صاحب العنوان مطلقا و لذا لم يذكر له ترجمة في «الكرام البررة» و ذلك لانه لم يكن عنده كتاب «فارسنامه ناصرى» ظاهراً و للرجل أيضاً «حاشية الروضة البهية في شرح اللمعة» و كتاب «بحرالحقائق» في الفقه و السلام. شوال ١٤١١.

﴿الحاشية عليه﴾ ص ٢٠٦: لجدنا الاعلى الحاج ميرزا السيّد زين‌العابدين والد صاحب الروضات يأتي في الشروح (ج١٤: ٧١: ١٧٨٦).

«الحاشية عليه» ص ٢٠٦ رقم ١١٤٨: أقول انظر (ج١١: ١٣٥: ٨٤١) و راجع كتاب (زندگينامه علاّمه مجلسى ٢: ٣٢ و ٤١).

«الحاشية عليه» ص ٢٠٩ رقم ١١٦٩ س٢٣، (ص٩): آنجا هم حواله مى‌دهند به ج٤ ص١٥٣.

«الحاشية عليه» ص ٢٠٩ رقم ١١٧٠: نقل فيها و في غيرها من مصنفاته عن شيخ بهاءالدين محمّد العاملي المتوفّى قبله بشهر فيقول مثلاً في موضع من أواخر هذه الحاشية «قوله لنا انها شهادة اه اعترض على هذا شيخنا ايده الله في مشرق الشمسين» الخ و عندنا نسختها المصححة اكثرها بخط المحشى ليس فيها اسم الكاتب و لا تاريخ الكتابة و اوراقها ١٤٠ بالحجم الصغير ورثناها من خزانة الجد الاعلى العلاّمة الحجة الحاج سيّد زين‌العابدين والد الإمام المجدد صاحب الروضات قدّس الله تعالى روحيهما، و الحمد لله ربّ العالمين و لجدنا الاعلى المذكور أيضاً حاشية على المعالم تذكر في الشروح و مرّ للرجل الحاشية على تهذيب الحديث في ص٥٢: ٢٦٢ و الحاشية على المختلف ص١٩٥: ١٠٧.

«الحاشية عليه» ص ٢١١ رقم ١١٧٩، حسن: توفّى سنة ١٠١١.

«الحاشية عليه» ص ٢١١ رقم ١١٨٣: مضى له الحاشية على المختصر للتفتازانى في ص١٩٢.

«الحاشية عليه» ص ٢١٢ رقم ١١٨٨ س٦، (١٢٩٣): الصواب ثانى شهر صيام سنة ١٢٨٨ كما في گلستان پيغمبر ص٨٩.

«الحاشية عليه» ص ٢١٢ رقم ١١٩١: أقول توجد نسختها في مكتبة جامع گوهرشاد (فهرسُها ص٣٥٦) و المركزي بطهران (الفهرس ج١٦ ص٣٦٤) و غيرها و يأتي باسمها (عناء الاديب) فى ج١٦ ص٦٣ رقم ٣١٥.

«الحاشية عليه» ص ٢١٢ رقم ١١٩٢: أقول و مرّ له في هذا المجلّد «الحاشية على حاشية ملاّ عبدالله رقم ٣٢٤».

«الحاشية عليه» ص ٢١٨ رقم ١٢١٨: أقول ثمّ قد عثر على تعليقات الرشتى أحد تلامذته يسمّى حسينا «المتشرف باسم ثالث الأئمّة عليهم‌السلام» على حدّ تعبيره

فعرضها على الاستاذ و هذبها و رتبها و طبع خلف «غاية الامال» للمامقاني سنة ١٣١٧ بطهران على الحجر (من ص٥٠٦ إلى ص٥٢١) و لم يلتفت إلى ما ذكرناه المصنّف و كم ترك الأوّل للآخر و الحمد لله. امّا السيّد ابوالقاسم اللواساني فذكر المصنّف في «النقباء ص٧٤» ولادته في سنة ١٣٠٠ و وفاته في ١٣٦٦ و أحال ترجمته و ترجمة اخيه أحمد إلى ترجمة ابيهما السيّد محمّد و لمّا يطبع حرف الميم لحدّ الآن. م‌ع‌ر في ٤ شهر صيام ١٤١٤.

«الحاشية عليه» ص ٢٢٠ رقم ١٢٣٢: يراجع مكارم الآثار ج٨ رقم ١٦٥٢.

«الحاشية عليه» ص ٢٢١ س٨، يأتي: في ج٢٣ ص٢٠٥ و مرّ في ج٤ ص٣٨٦ و يراجع كتاب المؤلّفين للمشار ج٦ عمود ٣٣٥.

«الحاشية عليه» ص ٢٣١ رقم ١٢٣٨: أقول لايصحّ اطلاق الخوانساري على والدنا العلاّمة الحجة السيّد محمّدهاشم الروضاتى الاصفهاني و لا على والده العالم الزاهد المحقّق اعلى الله تعالى مقاماتهما و امّا الحاشيتان على «الفرائد ١٦٢ و ٨٨٩» و على المكاسب هذه فقد سألت شيخنا المصنّف عنهما فأخبرني برؤيتهما عند والدى طاب مضجعه حين ما كان مشتغلا في النجف الأشرف فلما استشهد غريبا هناك سنة ١٣٥٦ و لم يكن احد من اهله معه ضاع بعض آثاره و من جملته الحاشيتان عدا اوراق قليلة كما ضاعت إجازاته و شهاداته العلمية التي اخبرني أيضاً المصنّف برؤيتها عنده و إلى الله المصير.

«من لايحضره الفقيه» ص ٢٢٣: كان الأصوب أن يعنون الفقيه في حرف الكاف بلفظ (كتاب من لايحضره الفقيه) كما لايخفى.

«الحاشية عليه» ص ٢٢٣ رقم ١٢٤٩ س١٢، **فضائل السادات:** في ص٣١.

«الحاشية عليه» ص ٢٢٣ رقم ١٢٥١: انظر ما مرّ بهامش «الحاشية على الاستبصار ١٧: ٥١».

«الحاشية عليه» ص ٢٢٤ رقم ١٢٥٨: أقول لعلّها النسخة التي كانت في خزانة السيّد محمّدمهدي نايب الصدر، انظر ما ذكرناه بهامش شرح التهذيب له في (ج١٣ ص١٥٧) و يأتي عند ذكر هذه الحاشية في (ج١٤: ٩٤) إجمالاً بعنوان الشرح انّ اسمه (معاهد التنبيه) المذكور في (ج٢١: ٢٠٨: ٢٦٤٣).

«الحاشية عليه» ص ٢٢٤ رقم ١٢٦٠: أقول و عندنا منه نسخة في مجموعة من رسائله (رقم ٥٦٥٤) و أيضاً نسخة مع «الحديقة الهلالية» له ره.

ص ٢٢٤ س١٨، (**١٠٣١**): الصواب سنة ١٠٣٠ كما نبّهنا عليه مراراً كما يأتي عند ذكره لهذه الحاشية أيضاً بعنوان الشرح في ج١٤ ص٩٤.

ص ٢٢٤ س ٢١، **عنه**:/ عن تقريره؛ كما في نسختنا.

«**الحاشية عليه**» ص ٢٢٥ س ١٢: **أقول** و كذا [الحاشية على المختلف ١٩٦: ١٠٧٣].

«**منية اللبيب في شرح التهذيب**» ص ٢٢٦: يأتي في ج١٣ ص١٦٨.

ص ٢٢٦ س٢٤، **ضياءالدين**: اسمه عبدالله.

ص ٢٢٦ س٢٥، **أبي‌الفوارس**: لقبه مجدالدين.

ص ٢٢٦ س ٢٥، **علي**: كنيته أبوالحسن.

«**الحاشية عليه**» ص ٢٢٧ رقم ١٢٧٧: عندنا نسخة من النقد و على حواشيه هذه التعليقات و ينقل عن نسخة خطه ظ الشيخ عبدالنبى الكاظمي صاحب تكلمة النقد كما في أعيان الشيعة ج ١٠ ص٨٧.

«**الحاشية عليه**» ص ٢٢٨ رقم ١٢٧٨: **أقول** و يأتي لحفيده و سمّيه [رجال السيّد شفيع ١٠: ١١٩: ٢٤٤] و هو في نفس الموضوع.

«**الحاشية عليه**» ص ٢٢٨ رقم ١٢٧٩ س٦، **خاتمة المستدرك**: ص٣٦٩.

«**نهج‌البلاغة**» ص ٢٢٨: **أقول** و يأتي في ج٧ ص١١١ «حواشي نهج‌البلاغة» كما يذكر المؤلّف ره في كتابه الآخر الأنوار الساطعة ص٤ أيضاً الحواشي على نهج‌البلاغة للشيخ أحمد بن الحسن الناوندى فليراجع.

«**الحاضرات الحسنى**» ص ٢٣٢ رقم ١٢٩٨: ليس موضع ذكر هذا الكتاب في هذا المحل و قد اشتبه على المؤلّف انه المحاضرات هذا بدون الميم فذكره هنا.

«**حافظ تشريح**» ص ٢٣٢ رقم ١٣٠٠: راجع لمؤلّفه «تاريخ ملل شرق و يونان» في ج٣: ٢٨٨ و ما علّقناه عليه.

«**كتاب الحاكم**» ص ٢٣٣ رقم ١٣٠٣: **أقول** عبارة الكشف المطبوع سنة ١٣٦٢ باسلامبول هكذا (في ص١١٧٠ ج٢): «العمدة في النحوة — لأبي‌نزار ملك النُحاة حسن بن صافي (بردون التركى) المتوفّى سنة ٧٢٤ اربع و عشرين و سبعمائة» و ليس كما ترى فيها ملك الرافضة و لعلّ الطابع اسقطها ولكن ذكر في المقدّمة ان هذه النسخة طبعت على نسخة خط المؤلّف و الله العالم.

﴿الحاوي في النسب﴾ ص ٢٣٤: قال صاحب الرسالة في اصطلاحات النسّابة المطبوعة خلف عمدة الطالب (ص٣٤١ طبعة بمبئى) ما نصّه «قال ابوجعفر النسّابة العبيدلى في كتابه المسمّى الحاوى في صدر الجزء الأوّل: انما لم يذكر أسماء البنات لان اسمائهنّ قد ثبت في المبسوط ... الخ» أقول الصّواب ان الحاوى لأبي‌الحسن محمّد بن أبي‌جعفر العبيدلى شيخ الشرف المتوفّى ٤٥٠ صاحب [تهذيب الأنساب ٤: ٥٠٨: ٢٢٧٢] و ينقل عن الحاوى صاحب المجدى و هو تلميذه و يعرف شيخ الشرف عند النسابة بابن أبي‌جعفر فحرّف بيد بعض النساخ إلى أبي‌جعفر.

«الحاوي» ص ٢٣٤ رقم ١٣١٠: أقول انظر [الحاوي ٢٣٦: ١٣١٣].

﴿الحاوى لأنساب الناس﴾ ص ٢٣٥: مشجّرات مجلّدات تتجاوز العشرة على قالب النصف صنفه ابن عبدالسّميع الخطيب النسّابة كما في غاية الاختصار ص٨ طبع النجف و قال «قرأت بخطه رقعةً كتبها إلى بعض الخلفاء يقول فيها و قد جمع العبد من المشجرات و الأنساب و الأخبار ما لاينهض به جمل بازل» انتهى و راجع «منية الراغبين ص٣٥٦».

«الحاوى» ص ٢٣٦ رقم ١٣١٣، **في الفقه:** أقول رأيت في آخر مقدّمة كتاب «بحر الأنساب ص ٧» للسيّد ركن‌الدين الموصلى المطبوع بطهران سنة ١٣٨٥ ما لفظه «و ذكر صاحب كتاب المصباح و صاحب كتاب الحاوى مولانا السيّد ركن‌الدين الاسترآبادي ان العلماء اختلفوا في موضع قبر فاطمة» الخ و الله العالم بمراده و ترجمة المذكور في المتن مذكورة في (الحقايق الراهنة ص١٩٤). قوله [كما مرّ] يعنى آنفا في [الحاوى ٢٣٤: ١٣١٠].

«حاوي الأقوال في معرفة الرجال» ص ٢٣٧ رقم ١٣١٥: يراجع ترجمة سعيد بن جبير في رجال المامقانى رحمه الله.

﴿حاوي المرام في شرح شرايع الإسلام﴾ ص ٢٣٧: يراجع ج١٣ ص٣١٧ س١٥.

«الحبية» رقم ١٣١٩ — ص ٢٣٩ س١، **«الجبة»**: أو الجعبة.

«الحبل المتين» ص ٢٣٩ رقم ١٣٢٦ س٢٤، **النهاوندي:** انظر كتاب [راحة الروح ص٧٣] له ره و راجع [وسيلة الرضوان] في (ج٢٥: ٧٧: ٤٢٠).

«الحبل المتين» ص ٢٤٠ رقم ١٣٢٧: أقول و قد صرّح سعيد نفيسي في كتاب «احوال و اشعار فارسى شيخ بهائى ص٩٧» بانّ نسخة الأصل من الحبل المتين هذا عنده.

ص ٢٤١ س ٨: أقول قد مرّ ذكر هذا الإجازة في ج١ ص٢٣٧ و يأتي ذكر مجموعة بخط الحاج بابا هذا في ج٢٠ ص٩٢.

«الحبوة» ص ٢٤٣ رقم ١٣٣٩ س٦، يوم الثلاثاء: و بعده بيومين فرغ من تأليف رسالته في ارث الزوجة (ج١١: ٥٥: ٣٤١).

ص ٢٤٣ س١٠، (١٣١٩): كما طبع أيضاً بطهران سنة ١٣١٣ في مجموعة «الرسائل العشر» لجدّنا الشهيد الثاني قدّس الله روحه و عندنا نسخة في مجموعة كتابة بعضها ١٢٤٣.

ص ٢٤٩: يراجع عنوان (مناسك الحج) في ج٢٢.

«كتاب الحج» ص ٢٥٠ رقم ١٣٦٢ س٢٣، المتوفي: في مقدّمة كامل الزيارة المطبوع بالنجف انّ الصحيح انه توفّى سنة ٣٦٧ على ما يظهر من الخرائج و الجرائح لا سنة ٣٦٩ فانّه تصحيف سبع بتسع و ما في رجال الشيخ من أنه سنة ٣٦٨ فلعلّه اشتباه، فليتتبع.

ص ٢٥٤ پاورقى: أسامي عدّة كتب في أمر السفور و الحجاب.

﴿الحجة في وجوب صلوة الجمعة في زمن الغيبة﴾ ص ٢٥٦: بالعربية لملاّ مقيما اليزدى المتوفّى سنة ١٠٨٤ و هو محمّدمقيم بن محمّدعلى بن قاسم بن على بن اسماعيل بن تاج‌الدين على اليزدى اول من اقام من علماء الإمامية الجمعة وجوباً في بلدة يزد طبع خلف العقد الطهماسبى (او العقد الحسيني) للشيخ حسين بن عبدالصمد في مجموعة (من ص٥٥ إلى ص٩٠) و في المقدّمة ترجمة المصنّف بقلم صديقنا الفقيه السيّد جواد بن أحمد المدرسي اليزدى حفظه الله. نقل صاحب الرسالة فيها كلام «المحقق نجم‌الملة و الدين مولانا عبدالله الشوشتري» عن رسالته في وجوب صلوة الجمعة بالفارسية ثمّ كلام «الشيخ بهاءالملّة و الدين محمّد رزقه الله مرافقة المعصومين» في «جامع عباسى» حيث قال «بدانكه ميان مجتهدين در وجوب نماز جمعه در زمان غيبت حضرت امام(ع) خلاف است و أصح آنست كه مكلف مخيّر است» و يأتي ذكر هذه الرسالة في الصاد

(ج١٥: ٨١: ٥٣١) و انظر ما ذكرناه في التكملة على [رسالة في صلوة الجمعة ١٥: ٧٩: ٥٢٢].

«الحجة و الإمامة» ص ٢٥٦ رقم ١٤٠٣: يراجع ج١٩ ص٣٥٣.

«حجة الإسلام» ص ٢٥٧ رقم ١٤٠٨: يراجع ج١٨ ص٣١ و يراجع قصص العلماء: ١٢٩ - ١٣٠ و فهرس مكتبة ملك بطهران ج٢ ص٢٠٧ و تاريخ مآثر سلطانيّة المطبوع سنة ١٢٤١ حيث ذكر انّ اسم الفادري هذا يوسف.

«الحجة البالغة للشيعة في جواز نقل الموتى في الشريعة» ص ٢٥٨ رقم ١٤١٣: يراجع عدة رسائل في «جواز نقل الموتى» في حرف الجيم و انظر «نقل الاموات ٢٤: ٢٩٣ متعدداً».

أقول و هذا الكتاب في الرد على [رسالة في تحريم نقل الجنائز ١١: ١٣٩: ٨٦٦].

ص ٢٥٨س١٩، **الحسيني**:/ الحسني. صح، كما صحّحه المصنّف في نقباء البشر ص٨٧٦.

«حجة الخصام» ص ٢٦٠ رقم ١٤٢٢: أقول راجع كتابنا جامع الأنساب ١: ١٣٣ و مؤسس الدولة المشعشعيه ص١٤٦.

«حجة الذاهب إلي إيمان أبيطالب» ص ٢٦١ رقم ١٤٢٤ س١٩، **المتوفّي**: + في سابع عشر شهر رمضان.

«الحجج الرضوية» ص ٢٦٤ رقم ١٤٤٤ س٨، **فهرس كتبه**: مَضى بعض كتبه في ج٣ ص١٨٣ و ص٣٠٢ و كذا حواشيه في ص١٧٣ و ص١٨٥ و ص١٨٦.

«الحجج القويه» ص ٢٦٥ رقم ١٤٤٩: قال الصحفي على الخاقاني في كتابه [شعراء الغري ١٢: ٥١٢] عند ذكره للكتب التي استنسخها بخط يده [الحجج القوية في اثبات الوصية مجهول المؤلّف و هو من رجال القرن السابع الهجري نسخته مرتين الأولى موجودة في مكتبة الآثار و الثاني سرقها منيّ علم معروف معاصر] انتهى.

«حجية الأخبار» ص ٢٧٠ رقم ١٤٦٥: أقول راجع حاشيته على الكافي في (ص١٨١ رقم ٩٨٨).

«حجية الأخبار» ص ٢٧٠ رقم ١٤٦٩: عندنا منه نسخة خلف رسالته في صلوة

الجمعة و غيرها و أيضاً نسخة اُخرى و صواب العبارة المنقولة يطلب منها و الرسالة مبسوطة ليس فيها تاريخ التأليف و استنسخت النسختان في حياة السراب.

«حجية المظنة» ص ۲۷٦ رقم ۱۵۰٤: أقول انظر الصواب في تعريف هذا الكتاب تحت عنوان «شرح حجية المظنة ۱۳: ۱۸۵: ٦٤۱» و لاتغفل.

«حجية المظنة» ص ۲۷۸ رقم ۱۵۱۳ س۹: قوله (و عبّر عنه بسمّي الخَلَف) الظاهر انّ المراد الخلف الحجّة المنتظر صلوات الله و سلامه عليه و على آبائه المعصومين و عجّل الله تعالى فرجه حيث ان السيّد المجاهد اسمه محمّد بن السيّد على قدّس الله أرواحهم.

«حجية المظنة» ص ۲۷۸ رقم ۱۵۱۵: انظر ما نذكره بهامش ج۱۱: ۲۱٦: ۱۳۰۸.

«حجية اليد» ص ۲۷۸ رقم ۱۵۲۳: أقول راجع (رسالة في قاعدة اليد و كشفها عن الملك) في (ج۱۷: ۱۳: ۷۵).

«حدائث الازهار و أخبار بيت النبيّ المختار» ص ۲۸۰: أقول انظر التكملة على [حدائق الازهار ۱۵۳۲].

«حدائق الابرار و حقائق الأخبار» ص ۲۸۰ رقم ۱۵۲۹: بسمه تعالى؛ نقل صاحب الروضات ره بخطه في هامش نسخته التي هي بخطه أيضاً من كتاب أمل الآمل عن هامش المنتسخ عنها (و قد تحقق لديّ أنّها كانت بخط اخيه الاكبر منه السيّد محمّدجواد ره و قد استنسخ هو نسخته من نسخة خزانة السيّد حسين القزويني و توجد نسخه السيّد محمّدجواد الآن في مكتبة مدرسة سپهسالار في طهران و على هاتين النسختين حواشي السيّد ابراهيم القزويني والد السيّد حسين المذكور و اعلم ان النسخة المطبوعة سنة ۱۳۰۲ من كتاب الأمل منقولة عن نسخة السيّد محمّدجواد ظاهراً و فيها أيضاً تعليقات السيّد ابراهيم). و الحاصل أنّ صاحب الروضات قد نقل عند ترجمة العيناثي هذه التعليقة و اليك نصّها قال صاحب التعليقة «و عندنا كتاب حدايق الابرار و حقايق الأخبار بخط المؤلّف قدّس سرّه و كان تاريخ كتابتها اليومَ (كذا) الاثنين الثالث من شهر صفر ختم بالخير و الظفر من شهور سنة احدى و ثمانين و الف من الهجرة النبوية على مشرفها افضل الصّلوة و اكمل التحية كذا وجدته في المنتسخ» انتهت الحاشية و الظاهر ان صاحبها السيّد حسين المذكور في المتن او والده السيّد ابراهيم و الله العالم. م‌ع‌ر عفي

عنه في سلخ شعبان ١٣٩٨. ثمّ انّ المحدّث النوري ره نقل الحكاية بتمامها عن مقدمات «معارج الاحكام في شرح شرايع الإسلام» في كتابه [دارالسلام فيها يتعلق بالرؤيا والمنام ١: ١٧٧].

﴿حدائق الاذهان﴾ ص ٢٨١: انظر التكملة على [حدائق الازهار].

«حدائق الازهار» ص ٢٨١ رقم ١٥٣٢: أقول و في نسخة [المروج ٢: ٢٣٤ ط مصر سنة ١٣٠٤ و ٤: ٢٧ ط مصر ١٣٧٧] الاذهان بالذال المعجمة و النون قال عند ذكر محمّد الديباج ما نصّه [و قد اتينا على كيفية وفاته و ما كان من امره و غيره من آل أبي‌طالب و مقاتلهم ببقاع الارض في كتابنا حدائق الاذهان في اخبار آل أبي‌طالب و مقاتلهم في بقاع الارض] انتهى. ثمّ أقول ان صاحب كتاب (منية الراغبين) قد غفل عن ذكر العلاّمة المسعودى في كتابه مع ان الرجل من اعاظم العالمين بالأنساب و الأخبار و اعلم و ابصر و اوثق من أبي‌الفرج صاحب الاغانى و المقاتل الذي ذكره في المنية و سبحان من لايسهو.

«حدائق الجنان» ص ٢٨٢: للامير محمّدصالح الخاتون آبادي ذكره ولده في إجازته مناقب الفضلاء عند ذكر مؤلفات والده فليلاحظ.

«حدائق الحقايق» ص ٢٨٤ رقم ١٥٢٣: راجع (ج١٤: ١٤٥: س٦ – ٢٢) و عندنا نسخة الحدائق.

«حدائق الحقايق في تفسير دقايق احسن الخلائق» ص ٢٨٥ رقم ١٥٤٤، تفسير:/ فسر؛ كما في نسختنا و غيره.

ص ٢٨٥ س ٧، احسن:/ أفصح؛ كما في نسختنا و هو الأصح.

ص ٢٨٥ س١٠، (٥٧٦): و ينقل عنه الكيدري بقوله قال في المنهاج.

ص ٢٨٥ س١١، «خاتمة المستدرك»: و من صاحب كشف الحجب ص٤٧ و ص٣٥٨ و تراجع ج١٤ ص «...»

ص ٢٨٥ س١٦، نسخة: هذه نسخة من شرح قطب‌الدين الراوندى الموسوم بمنهاج البراعة و قد اشتبه الأمر على مؤلف فهرس الفاضلية كما نبه عليه في فهرس الرضوية ج «...» ص «...» و النسخة موجودة اليوم مع سائر نسخ الخزانة الفاضلية في الخزانة

الرضوية و تراجع فهرستنا ج١ ص «...». ثمّ انّ في مكتبة الاوقاف العامّة في بغداد نسخة نفيسة قديمة الخط من شرح الكيدري المذكور فرغ منها الناسخ في ٧٣٩ كما في فهرس تلك المكتبة ج٤: ٤٠٤.

«**حدائق المعارف في طرائق المعارف**» ص ٢٨٨ رقم ١٥٥٣ س٢٥، **بين البرهان: الصواب أن** يقال بين البرهانين الخ.

«**حدائق المقرّبين**» ص ٢٨٩ رقم ١٥٥٥ س٢٢، **النوري**: لايخفى ان الشيخ النوري لم يكن عنده الحدائق هذا و لا رآه حتّى انه اشتبه عليه اسم مؤلفه و توهّم أيضاً ان الكتاب باللسان العربي مع انه بالفارسيّة و كلّما نقل عنه النوري انما هو بواسطة الروضات لا غير و لكنّه ره لشدّة تعصّبه على جدنا العلاّمة لم يصرّح غالباً بماخذه حتى التبس الأمر على شيخنا المؤلّف ره فظنّ ان شيخه النوري ره أيضاً ينقل عنه بلا واسطة كصاحب الروضات هذا كما انّ مؤلف طرائق الحقايق أيضاً لم يعرف من الكتاب ازيد ممّا عرفه المحدث النوري ره و سبحان من لايسهو.

«**الحدائق النديّه**» ص ٢٩٠ رقم ١٥٥٩ س١٩، **١٠٧٩**: نعم في نسختنا المصحّحة بتصحيح السيّد الشارح هكذا التاريخ «صبيحة يوم الاثنين لثلاث عشرة خلّون من جمادى الآخرة احدى شهور سنة تسع و سبعين و الف ... و ذلك بالديار الهندية» انتهى.

«**حدائق اليقين**» ص ٢٩٢ رقم ١٥٦٤ س٢٠، **رحمه الله: أقول** و نقل عنه أيضاً صاحب «فضائل السّادات ص١٥٧». و يأتي مضيء الأعيان في ج٢١: ١٣٥ و راجع رياض العلماء ج٥: ٤٦٧ و العبارة مغلوطة في ط قم.

«**حدائق النواظر**» ص ٢٩٢ رقم ١٥٦٥: **أقول** انظر انوار البدرين ص٢٠٩.

ص ٢٩٣: ...حدوث: يراجع اثبات حدوث ... في ج١.

«**حدوث العالم ذاتاً و قدمه زماناً**» ص ٢٩٤ رقم ١٥٦٩: **أقول** عنوان الرسالة في الطبعة المذكورة هكذا «رسالة في مذهب ارسطاطاليس». تاريخ نسخه چاپى و نسخه خطى ارجاع به شماره آتى ١٥٧٦.

«**حدوث العالم**» ص ٢٩٥ رقم ١٥٧٦: **أقول** يأتي الكلام على هذه الرسالة أيضاً في «رسالة في حدوث العالم ١١: ١٧١» فراجعه.

«الحدود» ص ٢٩٦: لأبي‌طالب الاسترآبادي كما في معالم العلماء.

«الحدود و الحقائق» ص ٣٠١ رقم ١٦١١ س١٣، الهمداني: هو صاحب هدية الملوك و غيره و ترجمته في النقباء ص٦٠٤.

ص ٣٠٢: أقول انظر الروايات عن الائمة المعصومين عليهم‌السلام حول ما ترويه العامّة عن النبى صلى الله عليه و آله في كتاب [بحارالانوار الطبع الجديدة ٢: ٢١٤] و عنوانها [الباب ٢٨ ما ترويه العامة من اخبار الرسول صلى الله عليه و آله و ان الصحيح من ذلك عندهم عليهم‌السلام و النهي عن الرجوع إلى اخبار المخالفين و فيه ذكر الكذابين] الخ.

«كتاب الحديث» ص ٣١٢ رقم ١٧٠٢ س٨، مشايخهما: أقول و الظاهر من نقل المحقّق و الشهيد عن جامع البزنطى انّ نقلهما بالواسطة و الله العالم.

«كتاب الحديث» ص ٣٣٢ رقم ١٨٩٨ پاورقي: رزيق بن مرزوق الكوفي كان من الاعراب و يبعد ان يكون اسمه معرباً عن الفارسى ثمّ انه لم نر اسماً فارسيا في آخره كاف.

«كتاب الحديث» ص ٣٤٤ رقم ٢٠٢٥: قال في «كشف المحجّه ١٨ ط النجف ١٣٧٠» ما لفظه [ما رويته من كتاب أبي‌محمّد عبدالله بن حماد الأنصاري من اصحاب مولانا الكاظم عليه‌السلام. و نقلته من اصل قُرِءَ على الشيخ الصّدوق - الذي ذكر جدّك ابوجعفر الطوسى انه لم يكن له نظير في زمانه - و هو هارون بن موسى التلعكبري، تغمده الله جل جلاله برضوانه، تاريخه سنة ست و سبعين و ثلثمائة] الخ.

«كتاب الحديث» ص ٣٥٩ رقم ٢١٨٨: أقول هل يعدّ مالك بن انس و هو من الائمة الأربعة لأهل السنة بهذا الاعتبار من رجال الشيعة و كتابه من كتبهم حتى من دون ان يعقب المصنّف كلامه بقوله المعمول (فراجعه) فتنبّه.

ص ٣٧٥: أقول يراجع لزاماً عنوان [شرح حديث فلان ١٣: ١٨٦ — ٢١٠ متعدّداً].

﴿حديث سدّ الابواب﴾ ص ٣٧٧: المعروف المشهور المتسالم عليه انظر لتحقيقه مقالة (اهل البيت (اهل بيت النبوة سلام الله عليهم اجمعين) في المكتبة العربيه] في مجله [تراثنا ٣: ٢: ٧ - ١٧].

﴿حديث سلسلة الذهب﴾ ص ٣٧٧: راجع «مهمان‌نامه بخارا ص٣٤٣» و «سفينة البحار؟ رواه الصدوق رضوان الله عليه في كتبه الشريفة «التوحيد الباب ١ الحديث ٢٣» و «العيون ٢: باب ٣٧».

«حديث الكساء» ص ٣٧٨ رقم ٢٣٧٤: يراجع لحديث الكساء ج١٦ ص٣٦.

﴿حديث مقتل اميرالمؤمنين﴾ ص ٣٧٨: انظر (مقتل ٢٢: ٣٠: ٥٨٨٣).

﴿حديث الطير﴾ ص ٣٧٨: انظر (طرق حديث الطائر ١٥: ١٦٢: ١٠٥٧).

﴿حديث المنزلة﴾ ص ٣٧٨: انظر (طرق حديث أنت منّي ١٥: ١٦٦: ١٠٥٦) و هناك غير ما ذكر أيضاً لغيرهما من الاحاديث.

«حديقة الافراح لازاحة الاتراح» ص ٣٨٠ رقم ٢٣٨٩: له أيضاً نفحة اليمن مرّ ترجمته في ج٤ ص١٤٣.

«حديقة البساتين» ص ٣٨٢ رقم ٢٣٩٦: مرّ هذه الحاشية أيضاً في الرقم ٩٦٥ و توهّم دام ظلّه ان الحديقة غير الحاشية و لكنّهما واحد فراجع و لاتغفل.

فرغ منه في ليلة الاربعاء لاثنتي عشرة بقيت من شهر شعبان سنة ١٢٨٩.

«حديقة الرّوضة» ص ٣٨٤: حاشية على الرّوضة البهيّة طبعت في هوامش الروضة سنة ١٣٠٩ و صرّح كاتبها عبدالرحيم التبريزي في آخر بعض هذه الحواشي بنسبتها إلى الميرزا محمّدعلى القراجه‌داغي الذي مرّ حاشيته على الروضة فليتأمّل و ليلاحظ.

«الحديقة السليمانية» ص ٣٨٥ رقم ٢٤٠٥: أقول الظاهر أنها بالفارسية و انّ اسم الكتاب «حديقه سليمانى» حيث أحال تفصيل قصه المارية القبطية إليها في اواسط كتاب «آداب سنيّه» المذكور في «التكملة».

«حديقة الشعراء» ص ٣٨٥ رقم ٢٤٠٧: أقول راجع (رسالة حديقة الشعراء ١١: ١٧٢: ١٠٧١) و ما ذكرناه في التكلمة. و هو ملّخص من بهجة الشعراء لمؤلّف البهجة و هو أسرار المذكور في (دانشمندان آذربايجان ص ٤٠) و كان قد عاونه في تأليفيه هذين الحاج كاظم نائب و قد ذكر في احوال جودى الشاعر في بهجة الشعراء هجوه لكاظم هذا فليصحّح ما ذكر في (ج٣ ص١٦٢).

﴿حديقة الشعراء﴾ ص ٣٨٥: تأليف أحمد بن ابوالحسن الشيرازي نسخة منه بخطّ

المؤلّف موجودة بمكتبة (سلطان القرائى) و نسخة اكمل منها أيضاً بخطّ المؤلّف في مكتبة عبّاس الاقبال قال في مقدّمته أنّ والدى مات في (١٢٥٠) و انا ابن تسع سنين. قال شيخ مفيد (داور) في (مرآت الفصاحة) انّه ما ألف غير الحديقة و مات حدود (١٣١٠).

«حديقة الشيعة» ص ٣٨٥ رقم ٢٤٠٨ س١٨، **أمل الآمل**: فرغ الشيخ الحُرّ ره من تأليف الآمل في اوّل جمادى الثانية سنة ١٠٩٧ و ينقل هو أيضاً عن الحديقة في كتابه الآخر «الاثنى عشرية في الردّ على المارقين من الاثنى عشرية» المذكور في ج١ ص١١٦ و الموجود نسخته عندي و تاريخ تأليفه قبل الآمل لذكره فيه.

ص ٣٨٥ س٢١، **الأردبيلي**: من المواضع التي صرّح شيخنا المصنّف بنسبة حديقة الشيعة إلى المولى أحمد الأردبيلي في «الكاشف عن اليقين ١٧: ٢٣٨: ٦٣» و في «قرب الاسناد ١٧: ٦٩: ٣٦٤».

ص ٣٨٥ س٢٥: يراجع «فهرست مشترك پاكستان ٢: ١٠٨٦ حديقة الشيعة و ١١٦٧ كاشف الحق».

ص ٣٨٦ س٨: و راجع «مناقب قطبشاهى ٢٢: ٣٣٣» و المواضع المذكورة هناك.

ص ٣٨٦ پاورقى: يراجع الذريعة ج٢٠ ص٢٦٩ ذيل مرآة الحق و ليراجع «فهرس كتب السيّد محمّد المشكوة في جامعة طهران ج٣ ص٦٠٠ بعد» لمفهرسه محمّدتقى دانش‌پژوه فإنّه بحث عن الكتاب بحثاً جيّداً و نقل عن الحاج محمّدجعفر الكبودرآهنگى في اوائل كتابه «مرآت الحق و مراحل السالكين» الآتي ذكره في ج٢٠ ص٢٦٨ ان المحقّق الأردبيلي قد مال إلى وحدة الوجود في حاشية شروح التجريد، و الظاهر انّ ما نقله عن المرات انّما هو بواسطة طرائق الحقايق ج١ ص٩٩ فليراجع و انظر أيضاً «كاشف الحق» في ج١٧ ص٢٣٦ و «الرد على الصوفية» في «ج١٠ ص٢٠٥» و «هداية العالمين» في «ج٢٥ ص١٨٣» و كلّما نسبه المتروى إلى المحقّق الأردبيلي من القول بوحدة الوجود انما هو اعتماداً على الطرائق و قد عاتبته في مكالمة لى معه على ذلك الاعتماد من دون تحقيق و مراجعة فلم يحر جواباً و كذالك حال صاحب «مولوى‌نامه» والله الهادى. ثمّ انه قد اجاب التبريزي عن الاشكالات الباردة الواردة حول نسبة الكتاب إلى المحقّق في «مرآة الكتب ٢: ١٩٢ - ١٩٦» ننقل منه ما ذكره في أواخر البحث قال «و جملة القول في هذا

المقام ان قرائن صدق النسبة اكثر من قرائن كذبها و النافي بالنسبة إلى المثبت قليل و المثبت بعد استناده إلى الدليل و قد اعلى النافي المستند على الاصل ثمّ انى وقفت في كتاب تبصرة الحكماء لقطب‌الدين السيّد محمّدعلى ذكر بعض العرفاء و عدّ منهم المولى المقدّس الأردبيلي قال و اما الفصل الذي في كتابه المسمى بحديقة الشيعة فليس من ذلك الكتاب بل أدرج ذلك الفصل و احد من المنكرين للعرفاء الإلهيّين و هو المسمى بالملا معزالدين الأردستاني و لقد ذكر في هذا الفصل بعض الاحاديث التي وضعها و ليست تلك الاحاديث في الكتب التي بين اظهرنا و يعتمد عليها علمائنا رضوان الله عليهم و لذلك الرجل الاحمق الذي وضع تلك الاحاديث حكاية مذكورة في كتاب معراج الكمال الاستاذي المولى شاه محمّدف انتهى كلامه» أقول و التبريزي الذهبى المذكور ذكر هذا المطلب أيضاً في كتابه الآخر المسمّى [الحكمة العلوية او فصل الخطاب ١٦: ٢٢٩: ٨٩٨]على ما حكاه عنه في «فهرست مركزى دانشگاه تهران ٣: ٤٣٢» و يظهر من كلمات التبريزي في كتابيه انّه لاينكر أن يكون اصل الحديقة للمحقق الأردبيلي مطلقاً و انّما كلامه اعتماداً على [معراج الكمال] في فصل ذم الصوفية فقط و الله العالم. م‌ع‌ر عفي عنه في صفر ١٣٩٩

قال الحكيم مؤمن الطبيب الصوفي المتعصّب في كتابه «تبصرة المؤمنين» في مبحث التقية ما لفظه «و در اين زمان لوحى معركه‌گير كلمات چند انشاء در مذمت صوفيه نموده و ملحق برسالة ملا أحمد اردبيلى ساخته» انتهى المقصود من كلام.

«**حديقة العارفين**» ص ٣٨٨ رقم ٢٤١٧ س١٤ (في المناقب و الاخلاق) صح. و في س١٥ على هامش ترجمة العربيّة.

«**حديقة العالم**» ص ٣٨٨ رقم ٢٤١٩: أقول و الكتاب بالفارسية و له ترجمة بالعربية للسيّد أبي‌الحسن بن نعمة‌الله بن اسماعيل بن مرتضى بن نورالدين ابن السيّد نعمة‌الله الجزائري و نسختها الناقصة من اخرها في ٨٢ ورقة في جامعة عليگره و مصورتها في معهد المخطوطات بالقاهرة كما في فهرسها ٢: ٣: ١٣٤.

ص ٣٨٨ س ١٨، **للمير**: هو الذي ألّف له المير عبداللطيف خان كتاب تحفة العالم المطبوع بالهند و ذكر فيه ولادة مير عالم في يوم الخميس سابع عشر رمضان سنة ١١٦٦

و كان وفاته في ليلة العشرين من شهر شوال سنة ١٢٢٣ على ما في مختصر المكارم.

ص ٣٨٨ س ١٨، رضي‌الدين: هو محمد ابن السيّد نورالدين بن السيّد نعمة الله الجزائري الشوشتري ره.

﴿حديقة العلم﴾ ص ٣٨٨: عدّه في ص٢٤٥ من معجم المطبوعات من تصانيف السيّد عليخان الشيرازي صاحب السلافة و قال إنّه طبع بحيدرآباد عام ١٢٦٦ فليراجع.

«حديقة النسب» ص ٣٩٠: أقول الصواب [الأنساب ٢: ٣٧١: ١٤٩٨] فراجعه مع التكملة.

«الحديقة الهلالية» س ٣٩١ رقم ٢٤٣٢ س١٥، (١٠٢٣): هو غلط يقيناً و تصحيف من الكاتب و تاريخها كما مرّ في ص٢٨٨ سنة ١٠٠٣ و كذا في نسختنا المكتوبة في عصر الشيخ. صحّحه المؤلّف بعد ما كتبت ذلك إليه في آخر ج ٨.

﴿حذو النعل بالنعل﴾ ص ٣٩٢: لمحمّد بن جرير بن رستم السروى صاحب المسترشد. راجع ترجمته في (تاريخ طبرستان ١: ١٣٠) لابن اسفنديار.

«الحرز اليماني» ص ٣٩٤ رقم ٢٤٤٨: يراجع دعاء السيفي و الدعاء السيفي في ج٨ ص١٩٠ و نسختنا من هذا الدعاء مع ذكر السند في كتاب الدعاء الذي على ظهر نسخته خط الحاج محمّدابراهيم القزويني ره (رقم ٥٠٠١ من خزانتنا) و رواه ابن طاوس ره بسنده في مهج الدعوات ص١٠٥ ط طهران و راجع أيضاً كتاب [دارالسلام ١: ١٦٠ - ١٦١] للمحدث النوري ره و [فهرست نسخه‌هاى خطى چهار كتابخانه مشهد ١: كتابخانه جامع گوهرشاد: ٢٩٩]. و الكلمة التي اضافها الناشر إلى هذا الموضع في خاتمة الجزء ٢٥ من الاستدراك و هذا كلامه [راجع لشان اليمن عند الغنوصيّين ذ ٢٥: ٢٦٨] فاعلم ان هذه الكلمة اعنى الغنوص و الغنوصي من البدع المحدثة التي ابتدعها بعض ملاحدة الاشتراكيين المحاربين المعاندين للاديان السماوية و قد قال الله سبحانه و تعالى في كتابه الكريم و لاتنابزوا بالألقاب بئس الاسم الفسوق بعد الايمان ور اجع لزوماً [سلام المؤمن و اصلاح المهيمن ١٢: ٢٠٩: ١٣٨٨].

«حرمة الاذان الثلاث...» ص ٣٩٥ رقم ٢٤٥٣ س١٣: عبارت معيوب است. يراجع الطبقات.

«حرمة التمتع بالفاطميات» ص ۳۹۵ رقم ۲٤٥٦ س۲۳، **نوادر**: (نوادر أحمد بن محمّد بن عيسى) يأتي ذكره مفصّلاً في ج۲٤ ص۳۲۲.

«الحروف المعجم» ص ۳۹۷ رقم ۲٤٦۷: و في نسختنا من رجال ابن داود المصحّحة بتصحيح ابن الصايغ المشهور (حروف المعجم) بحذف لام الحروف.

ص ٤۰۰: مكتبة السيّد حجةالإسلام الشفتي باصفهان.

ص ٤۰۰: يأتي ذكر مكتبة اُخرى من المكتبات في آخر المجلّد الآتي ۷ و الذي يليه ۸ فليراجع. ثمّ بآخر كتاب الضياء اللامع للمصنف ره.

ص ٤۰۰ س۱۸، **السيّد نصرالله**: توفّى في يوم الجمعة ۲۱ محرم سنة ۱۳٦۷ بطهران.

ص ٤۰۱: قال العلاّمة النجفي المرعشي في مقدّمة معادن الحكمة ص سب أنّ زوجة العلاّمة الآية الاخوند ملا محمّدعلى الإمامي الخوانساري النجفي هي بنت العلاّمة الميرزا أحمد بن العلاّمة المولى محسن الفيضي من احفاد الفيض و من تلامذة العلاّمة الشيخ مرتضى الأنصاري و هي والدة حجةالإسلام و المسلمين الآقا محمّد النجفي نزيل بلدة اراك و والدة زوجة آية الله الحاج السيّد أحمد الخوانساري نزيل طهران و السلام.

ص ٤۰۰ س۲، **العراق**: + و بعضها باعها للسيّد أبي‌الحسن الاصفهاني و منه انتقلت إلى المكتبة (الرضوية).

ص ٤۰۰ س٦، **اليوم**: أقول في ليلة غرة صيام ۹۸هـ اخبرني ع مترِوى بالهاتف من بيته بطهران انه سافر في الاسبوع الماضي إلى اراك و زار الحاج الشيخ محمّد الإمامى الخوانساري المذكور في المتن بعنوان المولى محمّد و بيته في اراك بشارع الخوانساري و (كوچه خونساري) و قال انه قد طعن في السنّ و قد باع (على ما قال) اكثر نسخ المكتبه و بقى له حوالى ثلثمائة نسخة هذا ما ذكرناه لي المتروى. ثمّ انّ لغلامحسين رضانژاد (نوشين) مقالة في اربع صفحات حول ترجمة الحاج الشيخ محمّد الإمامى المذكور طبعت في مجلة (وحيد) العددان ۲٦۲ و ۲٦۳ ص۷۰ – ۷۳ الصادرة في شهر رمضان ۱۳۹۹ بطهران قال فيها إنّ الشيخ محمّد هذا توفّى في بيته في اراك صبيحة يوم الثلثا ۲٥ جمادى‌الاخر ۱۳۹۹ = ۵۸/۳/۱ عن ۸۷ سنة قمرية فليراجع. و ليراجع (گنجينه دانشمندان ۸ ص۱۲٤).

«مكتبة (الطهراني بكربلا)» ص ٤٠٢ س٣١: لترجمة الشيخ عبدالحسين يراجع بمجلة مسجد العدد ٢٥ عندنا موجود.

ص ٤٠٢ س٣٦، أحمد: توفّى الشيخ أحمد حدود سنة ١٣٧٧ بكربلاء و قد ذكره المصنّف في ترجمة والده الشيخ حسين المازندرانى المتوفّى ١٣٣٩ في نقباء البشر ص٥٨٦ حدثني الحاج الشيخ محمّدباقر النجفي الشهير بالُفت في ليلة ٢٩ صفر سنة ١٣٧٩ في داره باصفهان ان الشيخ على كان ضنيناً بالكتب و قبل وفاته توفّى الشيخ مهدي الذي خلف ولدين هما حسين و آخر و بعد وفات الشيخ على انتقل الكتب إليهما و هما فعلا فيها ما فعلا و حدّث الالفة أيضاً ان الحسين هذا كان صديقا له (اى للاُلفة) في كربلا فيراجع المكتبة و يأخذ منها ما شاء و يتقلّب فيها كيفما شاء و ذلك في حدود سنة ١٣٢٥هـ.ق. و بعد مجيء الالفة إلى ايران صار الشيخ حسين بن مهدي الذي قال الالفة كنت اخاطبه (حسين جون) من كثرة تعلّقي به صار من دعاة البهائية و سمّى نفسه (فاضل كاشى) ثمّ جاء إلى اصفهان و صادف الالفة و انكر المصادقة معه و سابقته له و كلّما ازداد الالفة ايناساً له اشتدّ هو انكاراً عليه و امّا الشيخ أحمد المازندرانى فقال الالفة إنّه كان مرادى الأوحدى و لم يكن احد في الدنيا احبّ الىّ منه و لا اعزّ لدي قال و كنت معاشراً معه و له فضائل عظيمة انتهى. ثمّ انّ من اعظم نفايس تلك المكتبة المجموعة الرجالية النفيسة غايتها و هو بخط المرحوم الشيخ أبيعلى الرجالى ره و يأتي تفصيلها في ج١٨ ص٣٧٩ عند ذكر لؤلؤة البحرين و انظر كلاماً للمدرس الرضوي حول مكتبة الشيخ عبدالحسين شيخ العراقين في كتاب «شجره طيبة ص٣٤٦» و أيضاً للسيّد الأمين في [أعيان الشيعة ٣٧: ١٠٨] في ترجمة شيخ العراقين القصيرة كلام حول خزانة كتبه فراجعه لزاماً.

ص ٤٠٣: مكتبة بيت الكرباسي [الكلباسي] باصفهان - راجع ما اثبتناه بهامش ص١٨٣ من الضياء اللامع.

ص ٤٠٤: براى آخر ج٧ ص٢٩٣ برود آنجا «مكتبة الاستاد سعيد نفيسي الطهراني» انظر «الضياء اللامع ١٩٠» و احسن من كتب حول تلك المكتبة الاستاذ ايرج افشار اليزدى في مقالة «آثار چاپ نشده از سعيد نفيسى» انظر كتابه «مجموعه مينه ٢١٦ - ٢٣٠».

٤٠٨: بسمه تعالى قد صحّحت جميع الاستدراكات في أجزاء الكتاب و الحمد لله وحده. كتبه مالكه الجاني م.ع.ر عفي عنه

٤١٢: صحّح الكتاب بتمامه على هذا التصحيح و غيره و الحمد لله تعالى. كتبه مالكه العبد محمدعلي الموسوي الروضاتي

ثمّ استدركتُ في نسختي هذه أيضاً ما اورده في الجدول المطبوع خلف ج٢٥ من الذريعة المباركة رحم الله مؤلفه الجليل و فرغت منه في غرة ع١ سنة ١٤٠٥ و الحمد لله تعالى.



الجزء السابع

«**كتاب الحساب**» ص ٥ رقم ٣: أقول انظر «فائق المقال ١٦: ٩١: ٣٤» و ما ذكرناه في التكملة.

«**كتاب الحساب**» ص ٦ رقم ١٢: رجوع به الجبر و المقابلة ج ٥ ص ٨٦ و رسالة في الحساب ج ١١ ص ١٧٦.

«**حساب جديد**» ص ٨ رقم ٢٧ س ١٥: المولود ذي القعدة ١٢٥٩.

ص ١٠ س ٨، **بكل لسان**: أقول للسيّد الجزائري ره بيان حول هذا الحديث الشريف في كتابه (غرائب الأخبار و نوادر الآثار).

﴿**الحسام البتّار في قتال الكفّار**﴾ ص ١٢: انظر «غاية المراد في أحكام الجهاد» في (ج ١٦: ١٦: ٦٦).

ص ١٣ س ٥، **تمام النسب**: أقول هذا السيّد هو الذي ذكر تمام نسبه في كتابه (ترجمة الأنوار النعمانيّة المجلّد الأوّل منه المطبوع ص ٤٥١) و قد طبعت الترجمة هذه أيضاً باسم المرحوم آقا نجفي الإصفهاني فإنّ السيّد كان خصيصاً به منقطعاً إلى عشيرته و لعلّ حسام الشيعة أيضاً من هذا القبيل و الله العالم. ثمّ إنّي رأيت المجلّد الأوّل من «حسام الشيعة» بالفارسية في الردّ على النصارى و الجواب عن شبههم أوّله بعد الخطبة هكذا «أمّا بعد چنين گويد الفقير إلى الله الغني محمّدتقي بن محمّدباقر بن محمّدتقي» الخ و في الصفحة الأخيرة منه ما نصّه «هذا هو المجلّد الأوّل من كتاب حسام الشيعة هذا كتاب شهاب ثاقب در اثبات مناقب از كتب سماويّه» ثمّ ذكر الكاتب انّه من مؤلّفات الآقا

بخفي ره و هذا المجلّد الأوّل الذي رأيته مطبوع ظاهراً في المطبعة الحجرية بإصفهان الشهيرة بمطبعة دروازه دولت و ليس في النسخة تاريخ مطلقاً هذا. م‌ع‌ر عفى الله عنه في ٩ شهر رجب ١٤٠٠

﴿حسن الأثر من مكارم أخلاق سيّد البشر(ص)﴾ ص ١٥: هو الباب الثالث من (كحل البصر في سيرة سيّد البشر) للمرحوم العلاّمة الوحيد الحاج الشيخ عباس القمي المتوفّى ٢٣ حج سنة ١٣٥٩ طبع هذا الباب منه خاصّة باستدعاء بعض فضلاء النجف خلف كتابه هدية الأحباب سنة ١٣٤٩.

«حسن و دل» ص ١٦ رقم ٧٤: و الصحيح أنّه لميرزا محمّد رضي بن محمّد شفيع المتخلّص ببنده مؤلّف «زينت التواريخ» المذكور في (مجمع الفصحاء و انجمن خاقان) المتوفّى (١٢٢٢) كما ذكر في «دانشمندان آذربايجان ص ٧٠» راجع (ج ٩ ص ٣٧٢ س ١٥). صح

«الحُسنية» ص ٢٠ رقم ٨٩: نسخة الحُسنية العربية مطبوعة في كشكول الشيخ يوسف البحراني ره و عندي أيضاً نسخة مخطوطة منها.

«الحسنية في الاصول الدينية و الفروع العبادية» ص ٢٠ رقم ٩٠: يأتي له «اللمعة ١٨: ٣٥٣: ٤٤٨» و راجع كتاب «تذكره هفت اقليم ٣: ١٢٨» و «رياض العلماء ٣ ص ٣١٢» و «فهرست ميكروفيلمهاى كتابخانه مركزى دانشگاه ١: ٧١٧».

«حشر الأشياء و معاد كل شيء» ص ٢٢ رقم ١٠٣: وصف نسخة من هذه الرسالة بهذا الاسم في فهرس المرعشي بقم ٣: ١٦٨: ٩٧٤ معها رسالة حدوث العالم أيضاً للصدرا كلتاهما بخط محمّدعلي بن الحاج زين‌العابدين الجبل عاملي الإصفهاني في سنة ١٢٨٢ و عندنا نسخة استكتبت حوالي سنة ١٢٢٠ في مجموعة كبيرة من الرسائل الحكمية (ص ٢٠٣ — ٢٣٦).

﴿الرسالة الحشرية﴾ ص ٢٣: للسيّد عماد الحسني الطالقاني و سمّيت في الورقة الأولى من النسخة «أجوبة المسائل العماديّة» فرغ منها في الإثنين سلخ محرم سنة ١٠١٣ نسختها بخط مصنّفها في ٩ ورقة هكذا وصفها في فهرس المرعشيّة بقم (٣: ٣٤٦: ١١٧٥) و ليس بصواب و عندنا أيضاً نسخة من هذه الرسالة جاء في آخرها [تمّت هذه النسخة الشريفة

المسمّاة بالرسالة الحشريّة في يوم السبت ثاني شهر شعبان المعظّم من شهور سنة ١٠٧٤ العبد المذنب الراجي المرتجي الملتجي سياوش الكرجي تمّ] انتهى و ليس في نسختنا اسم المصنّف و لا عنوان أجوبة المسائل العماديّة و لكن تبيّن لنا بعد الفحص الأكيد أنّ عنوان الأجوبة صحيح و أنّ العماد الذي هو مصنّف الرسالة ليس إلاّ عمادالدين الطبري الحسن بن علي بن محمّد المازندراني مصنّف كتاب «الكامل البهائي» في حوالي سنة ٦٧٥ و نسخة ثالثة للرسالة عرّفت في «فهرس مكتبة سالار جنگ ٤: ٢٠٣» أوّلها بعد البسملة [ربّ تقرّبنا إليک و أنبنا إلى بابک] و أوّل المسائل [سؤال كيف يجر اسم الكافر على من قال بالشهادتين جواب] و قد فصّلنا الكلام حول الرسالة في فهرسنا بالفارسية و السلام. في ٢٨ شهر رجب ١٤١١

«حصار ناى» ص ٢٣ رقم ١٠٦: راجع (ديوان مسعود سعد سلمان ٩: ١٠٣٦: ٦٧٥٠).

«حضينة الأخيار و جهينة الأخبار» ص ٢٥ رقم ١٢٠: ليراجع «جهينة الأخبار» المذكور في كشف الظنون ج ١ س ٦٢٣ ط اسلامبول و رسالة السيّد الادرلي إلينا.

«حظ و لذ» ص ٢٥ رقم ١٢٣: و يأتي ذكره مفصّلاً بعنوان حلويات العلوم.

«حظيرة القدس» ص ٢٦ رقم ١٢٦: ذكره مؤلّفه في كتابه الآخر الفخري في النسب ص ٥٥ و ص ٣٤ و ٣٩ و ٧٧.

«حظيرة القدس» ص ٢٦ رقم ١٢٧: ذكره في إيضاح المكنون في ذيل كشف الظنون ج ١ ص ٤٠٧ و قال (أوّله: الحمد لله وحده الخ ثمّ قال إنّه من كتب الخديوية بمصر) و راجع ما ذكرناه بهامش ج ٥ ص ٦.

«حظيرة القدس» ص ٢٦ رقم ١٢٧، أبي‌علي: اسمه عُمر كما في ذيل الكشف.

«الحقائق في أسرار الدين و مكارم الأخلاق» ص ٢٨ رقم ١٤١: رجوع بوقائع السنين كه ذيل وقايع ١٠٩١ گويد تاريخ حقائق (ختمنا) است كه ١٠٩١ مى‌شود پس آن در سال آخر عمرش تأليفش تمام شده گويا روز و ماه فوتش را هم دارد.

«حقائق الأسرار في ترجمة سابع عشر البحار» ص ٢٩ رقم ١٤٥: طبع في بمبئي سنة ١٢٩٩ ثمّ مصوّراً في طهران سنة ١٣٤٠ش.

«حقائق الأسرار» ص ٢٩ رقم ١٤٦: أقول لم يصرّح المؤلّف باسمه في الكتاب لا في المقدّمة و لا في الخاتمة و لم أعثر عليه في طيّ الكتاب و قال كاتب النسخة المطبوعة في عنوان الصفحة الأولى منه ما نصّه: «هذا كتاب حقائق الأسرار من مؤلّفات زبدة العلماء و نخبة الفقهاء الكرام الفاضل الكامل و العارف العامل التقي النقي الزكي ثقة الإسلام دام ظلّه العالي» انتهى فلعلّ شيخنا الرازي ره فهم ذلك من قول «التقي» و من وضع النسخة التي تشبه سائر ما طبع باسم الآقا نجفي ره طبعاً مع أنّ أخاه المرحوم الحاج شيخ محمّدعلي كان يدعى «ثقة الإسلام» و لعلّ المشار الذي نسب الكتاب إلى مولانا المذكور أيضاً في فهرسه أخذ ذلك من الذريعة و الله العالم. في ٨ صفر ١٣٩٨

«حقائق الإيمان» ص ٣٠ رقم ١٥٥: ترجمه حقائق الإيمان شهيد، للسيّد عبدالحسين الخاتون آبادي صاحب وقايع السنين نسخته الأصليّة ظاهراً عند الحاج السيّد مصلح‌الدين المهدوي كما حدّثني به في ليلة ٦ ج ٢ ١٣٩٨.

«حقائق الإيمان» رقم ١٥٥ — ص ٣١ س ١٨، ثامن ذي القعدة (٩٥٤): أقول و هكذا التاريخ في نسختنا المخطوطة بخط جدّنا العلاّمة الحاج السيّد محمّد ره و فيه كلام فإنّه لايلائم مع إجازته في الخميس الثاني من قعدة ٩٥٤ كما مرّ في ج ١ ص ١٩٤.

«حقائق التفضيل» ص ٣٣: انظر جعفر بن ورقاء في منتهى المقال ٢: رقم ٦٠٦.

«الحقائق القدسيّة و الرقائق الانسيّة» ص ٣٥ رقم ١٧٢: يراجع مقدّمة معاون الحكمة ص كط و مقدّمة شرح الأربعين للقاضي سعيد ص يو/١٨.

«الحقائق المحمّديّة» ص ٣٥ رقم ١٧٥: و قد مرّ في (ج ١ ص ١٠٨ س ٦) بعنوان «إثبات الواجب» و يأتي شرحه الموسوم «كشف الحقائق المحمّديّة». صح

«الحقّ المبين» ص ٣٧ رقم ١٩٠: قال جدّنا الإمام طاب مثواه في آخر كتابه [تمّت الرسالة بلطف الله ربّ العالمين و ببركات النبيّ صلّى الله عليه و آله و الأئمّة الطاهرين في إصبهان حماها من نوائب الحدثان (كذا) في الليلة الخامسة من شهر رمضان و سمّيتها الحقّ المبين في تصويب رأي المجتهدين و تخطئة الأخباريّين و الله وليّ التوفيق] انتهى كلامه الشريف و الظاهر أنّه نسي أن يقيّد عام التأليف في نسخته الأصل فبقي الكتاب على حاله بلا تاريخ إلاّ أنّه قال في الردّ على قول الأخباريّة بنقص القرآن الكريم ما لفظه

[ثمّ العجب كلّ العجب من قوم يزعمون أنّ الأخبار محفوظة على الألسن و الكتب في مدّة ألف و مائتي سنة] الخ (ص ٦٨).

ص ٣٧ س ٢٥، و «**القواعد الشرعيّة**»: «القواعد الشرعيّة» هذا يأتي في (ج ١٧: ١٨٣: ٩٦٩) بعنوان «القواعد الستّة عشر» و التاريخ المذكور غير صحيح فقد كتب في هامش آخر صفحة من الكتاب (ص ١٦٠) و في موضعين آخرين من النسخة أنّ تاريخ الكتابة للطبعة الحجريّة (في ع ١ سنة ١٣١٩) و عندنا نسخة مخطوطة من الحقّ المبين معها عدّة رسائل للمؤسّس البهبهاني و غيرها كتبت في حياة جدّنا الشيخ الأكبر المصنّف طاب مثواه و نسخة اُخرى ناقصة في مجموعة اُخرى تاريخها سنة ١٢٩٧ و اعلم أنّ خاتمة الكتاب [على ما في ص ١٢٤ من النسخة المطبوعة] لاتوجد في نسختنا المخطوطة التامة و اسم الكتاب مذكور في تلك الخاتمة فقط و الظاهر أنّ المصنّف ألحق الخاتمة بكتابه بعد مدّة فإنّه لم يذكر اسم للكتاب في المجموعة المخطوطة و أمّا في مجموعتنا الاُخرى فقد ذكر الكتاب في ظهر المجموعة عند ذكر فهرس المجموعة بخط كاتبها محمّد بن عبدالله الخوانساري بهذه الصورة [رسالة للشيخ جعفر النجفي من الردّ على الأخباريّين] و أمّا تاريخ التأليف فكذلك في الخاتمة المطبوعة بدون ذكر العام و هو أيضاً دليل على إلحاق الخاتمة بالكتاب بعد مدّة مديدة نسي عام التأليف الذي كان جدّنا الشيخ الأكبر في ذلك العام نزيل إصفهان و الله العالم. ثمّ إنّ عندنا أيضاً نسخة من كتاب «المسائل و الأجوبة» لجدّنا الكاشف طاب ثراه من جملة الردود على الأخباريّة و شيخهم الميرزا محمّد النيشابوري فذكر في أوّله [رسالة الردّ على الأخباريّة] فلعلّها عين كتابه الحقّ المبين أو هي غيره ففي آخره أعني آخر المسائل و الأجوبة قال «و من أراد الاطّلاع على تفصيل الحال فلينظر إلى الحقّ المبين لصواب المجتهدين و خطا الأخباريّين» انتهى بلفظه الشريف و السلام. حرّره م‌ع‌ر في ١٥ ج ١ سنة ١٤٠٦

«**الحقّ المصاب في حكم الخز و السنجاب**» ص ٣٩ رقم ١٩٧: انظر «رسالة الحقّ المصاب ١١: ١٧٦».

﴿**الحقّ يعلو**﴾ ص ٣٩: رسالة في أمر الدستوريّة في إيران ظاهراً و طبعت في باريس غير معلوم الكاتب كما يظهر من مكتوب للميرزا علي آقا المصلوب التبريزي أرسل عدّة

نسخ منها إلى النجف الأشرف في شهر شوال ١٣٢٧ و المكتوب طبع في كتاب [مجموعه آثار قلمى ثقة الإسلام ٣٣٩] و لم أجد ذكراً لتلك الرسالة في الفهارس.

«**الحق اليقين**» ص ٤٠ رقم ٢٠٣: أقول لايخفى أنّ الصواب فيما مرّ و يأتي هو (حق اليقين) دون «الحق» و انظر (جوابات اعتراضات بعض العامّة على مباحث الإمامة من كتاب حق اليقين ٥: ١٧٤: ٧٦٠) و أيضاً الصواب في تاريخ وفاة العلاّمة المجلسي سنة ١١١٠ كما نصّ عليه شيخنا المصنّف ره في عنوان (بحارالأنوار). م‌ع‌ر في ج ٢ سنة ١٤٠٦

«**الحق اليقين في أُصول الدين**» ص ٤٠ رقم ٢٠٧: أقول عندنا نسخة أُخرى خلف [كلمات مخزونة] للفيض كاتب الجميع محمّد بن حسن بن محمّد الشاطري فرغ من الأخير [قبيل العصر يوم الأربعاء السابع و العشرين من ذي القعدة ١١٤٢] من خزانة كتب جدّنا العالم الحجة الورع السيّد جمال‌الدين المتوفّى ٤ شهر رجب ١٣٣٩ ذكرناه في كتابنا «زندگاني آية الله چهارسوقى ١١٩ — ١٢٠».

«**الحق اليقين**» ص ٤٢: أقول الحقّ أنّ [الحقّ اليقين] هو اسم الكتاب الذي سمّاه به مؤلّفه فقد قال في تقريظه لكتاب [منهاج الطالبين ٣٩٢] للحاج حسينقلي جديد الإسلام ما لفظه [و قد قلعنا هذا الأساس في كتابنا «الحقّ اليقين» في معرفة أُصول الدين و في الرسالة الفارسية] انتهى و بما أنّ هذا التقريظ ممّا صدر عن قلمه في آخر أيّامه و مشتمل على مطالب هامّة يلزم نقل تمامه في هذه التكملة و إن كان فيه الخروج عن اسلوب الكتاب قال رحمه الله تعالى ما نصّه [«...»

﴿**حقيقة الإنسان و الروح**﴾ ص ٤٧: للدواني اطلبها في التكملة حول [علم النفس ١٥: ٣٢٤: ٢٠٨٤].

﴿**حقيقة الإيمان**﴾ ص ٤٨: لجدّنا الشهيد الثاني ره مرّ بعنوان (حقائق الإيمان) في ص ٣٠.

﴿**حقيقة الإيمان و الكفر**﴾ ص ٤٨: للمولى محمّد النراقي. انظر «شرح خطبة مولانا أميرالمؤمنين» في التكملة (ج ١٣: ٢١٢).

«**حقيقة الصلاة**» ص ٤٩: أقول حقيقة الصلاة هذه هي (روح الصلاة) الآتي في ج ١١ ص ٢٦٤ كما ظهر لنا بعد التأمّل التامّ فلاحظ.

«حقيقت نامه» ص ٥٠ رقم ٢٦٣: توفّي الميرزا جهانگير خان الضيائي ابن محبّ عليخان المرندي (غرّة رجب ١٣٥٢) و كانت ولادته (٨ ج ٢ سنة ١٢٧٥) و توجد ترجمته في (سخنوران نامی معاصر) و (مختصر المكارم) و مقدّمة ديوانه المطبوع بطهران سنة ١٣٥٣.

«حقيقة الواجب تعالى» ص ٥٠ رقم ٢٦٤ س ٢٥، **نزيل مشهد خراسان: أقول** من أين علم شيخنا المؤلّف طاب ثراه أنّ الرجل كان نزيل مشهد خراسان؟ فإنّه لا دلالة في قوله الآتي (ص ٥١ س ٦) كلب عتبة الإمام الرضا عليه السلام على أنّه كان نزيل المشهد بل قال الرجل نفسه في مجموعة كشكوليّة له عندنا بخطه «...» و في ج ١٨ ص ٢٤٧ وصفه بالطوسي الصاعدي الواعظ الفقيه ثمّ إنّ وصف الرجل بالشيخ من قبل شيخنا المصنّف و إلاّ فقد وصفه في إجازات البحار (ط جديدة ج ١١٠ ص ١٢٣ ش ١) بالمولى الكامل ميرزا تاج‌الدين حسين بن شمس‌الدين محمّد الصاعدي و ظاهره عن كلام تلميذه السيّد حسين بن حيدر الكركي و الله العالم. م‌ع‌ر عفي عنه في ٢٦ ع ٢ سنة ١٤٠٥

«الحكم الشرعي» ص ٥٣ رقم ٢٨١: ليوجد هذه المجموعة في المجاميع و هي غير (مجموعة فقهيّة) له مذكورة في ٢٠: ٩٢.

ص ٥٤: قال البيضاوي في تفسير الآية الكريمة ٢٦٩ من سورة البقرة قوله تعالى ﴿يؤتي الحكمة من يشاء و من يؤت الحكمة فقد اوتي خيراً كثيراً و ما يذّكّر إلاّ اولوا الألباب﴾ ما لفظه «الحكمة تحقيق العلم و اتقان العمل» انتهى.

«كتاب في الحكمة» ص ٥٤ رقم ٢٨٧: يراجع الكواكب المنتشره ص ١٣٩.

«الحكمة الصادقيّة» ص ٥٧ رقم ٣٠٤: أقول انظر رسالة «مطالب النفس و مسائلها ٢١: ١٤١: ٤٣٢٨».

«حكمة العارفين في ردّ شبه المخالفين من المتصوفين و المتفلسفين» ص ٥٨ رقم ٣٠٦: أقول و للصوفي الذهبي المشتهر عندهم بقطب‌الدين محمّد التبريزي[6] آثار المتّصل زمانه بعصر مولانا محمّدطاهر القمي ره قصيدة تائيّة في الحكمة على زعمه تأتي بعنوان [حكمة العارفين ٢٦: ٢٧٩: ١٣٩٩] فراجعه.

---

٦. نسخه همین گونه است، صحیح تبریزی است. ب

«الحكمة العماديّة» ص ٥٩ رقم ٣٠٩ س ٦، **الدرة الفاخرة: تأتي في ج ٨ ص ١٠٦.**

«**كتاب الحلال و الحرام**» ص ٦١ رقم ٣٢٦: **أقول مرّ له** [الأديان و الملل ١: ٤٠٤: ٢١٠٣] و [أنساب آل الرسول ٢: ٣٧٩: ١٥٢١].

«**حلق اللحية**» ص ٦٣ رقم ٣٣٩: **أقول** إنّ الصديق الفاضل الحاج الشيخ رضا الأُستادي الطهراني قام بتحقيق رسالة العلاّمة البلاغي قدّس الله روحه و طبعها و ترجمتها بالفارسية و ضمّ بعض الفوائد إليها في مجموعة عنوانها «تحقيق در يک مسأله فقهی — ريش تراشی. ط قم ١٣٩٤ في ١٧٦ص بالحجم الرقعي» جزاه الله تعالى خيرا.

«**حلق اللحية**» ص ٦٣ رقم ٣٤٠: فرغ منه في سامرّاء يوم الجمعة و هو يوم النيروز عيد الأضحى من سنة ١٣١٩ كما في آخر النسخة المطبوعة ببغداد سنة ١٣٦٨ في ٢١ صفحة. ثمّ إنّ لجدّنا الأعلى من قبل بعض أُمّهات الأجداد الشيخ علي الفقيه سبط الشهيد الثاني ره في كتابه «الدرّ المنثور ٢: ٢٩١ — ٢٩٥ ط قم» كلاماً حول المسئلة قال في آخر البحث ما لفظه «و رأيت بعد ما كتبت هذا في [قواعد الشهيد] رحمه الله في الخنثى المشكل قال: و لايجوز له حلق اللحية لجواز رجوليّته انتهى و هذا تصريح لتحريم حلق اللحية للرجل بطريق أولى لأنّه إذا حرم مع احتمال الرجوليّة كان ذلك أولى مع تحقّقها» انتهى كلامه رفع الله تعالى مقامه. و قال المحدّث المحقّق الفيض الكاشاني في «مفاتيح الشرايع ٢: ٢٠ ط قم» عند ذكر عدّ المعاصي ما لفظه «و حلق اللحية لأنّه خلاف السنّة التي هي اعفائها و لمسخ طائفة بسببه» انتهى و أمّا ما وجدناه من كلمات قدماء الأصحاب فهو قول الصدوق طاب ثراه (المتوفّى سنة ٣٨١) في كتابه [المقنع ص ١٨٨] ما لفظه «و إذا حلق رجل لحية رجل فإن لم تنبت فعليه دية كاملة و إن نبتت فعليه ثلث الدية» ثمّ قال في ص ١٩٠ «و من حلق رأس رجل فلم ينبت فعليه مائة دينار، و إن حلق لحيته فعليه الدية» انتهى فتدبّر في حكمه الأخير فإنّه عام و الله العالم بحقائق الأحكام و السلام و تجد الفتوى الصريح بالحرمة في كتاب «شارع النجاة ١٣: ٤: ٧» للسيّد الداماد كما بيّناه في التكملة و ربما يمكن أن يستدلّ على التحريم بحديث الملاعين السبعة و منهم المشتبه من النساء بالرجال و الرجال بالنساء فإنّ حلق اللحية من أجلى أفراد التشبّه و الحديث في [الفقه الرضوي] باب التجارات و البيوع و المكاسب و يأتي

أيضاً بعض الرسائل في نفس الموضوع في حرف الراء «ج ١١: ١٧٣» فلاحظ.

«حل الإشكال في معرفة الرجال» ص ٦٤ رقم ٣٤٦: قال الشيخ أبوعلي الحائري الرجالي المشهور ره في هامش[٧] ترجمة السيّد أحمد ابن طاوس ره عند ذكر كتابه حلّ الإشكال ما هذا نصّه في نسختنا المخطوطة من منتهى المقال قال [اقتصر ره في هذا الكتاب على الرجال الذين ذكرهم الكشي و ذكر فيهم بعض ما أورده من المدح أو القدح ممّا لايستغني عنه و تكلّم في صحّة الطريق و عدمها و الذي يحكى انّه كان غير مرتّب كنسخة الكشيّ الأصل و الاختيار للشيخ أيضاً و قد رتّبه المحقّق المذكور على ترتيب حروف الهجاء و كتب عليه بعض الحواشي و التقييدات] انتهى.

«حل البحث» ص ٦٦ رقم ٣٥١: عندنا منه نسخة كتبت في زمان الشيخ البهائي و الصواب في تاريخ وفاته ١٠٣٠ كما مرّ مراراً و الرسالة نفيسة في غاية المتانة و نسخة أصلها في مجموعة من رسائل الشيخ كانت عند السيّد محمّد البيرجندي المشتهر بمشكوة كما في كتاب سعيد نفيسي ص ١٠١.

«حل شبهة الاستلزام» ص ٦٩ رقم ٣٦٦: أقول راجع لتقرير شبهة الاستلزام و رسالة المحقّق الخوانساري في حلّها ج ١٣ ص ٢٥: ٦٩ كما أنّ (شبهة ابن كمونة الإسرائيلي) أيضاً مذكورة هناك في المتن و في تعليقة لنا و سيأتي (٧٦: ٤٠٩) حلّ مغالطة ابن كمونة فليراجع و انظر «الشبهة الحمارية و جوابها في كتاب مشكلات العلوم ٤٧ ط ٢» للمحقّق النراقي ره.

«حل العقول لعقد الفحول في علم الاصول» ص ٧٢ رقم ٣٨٠: **أقول** توجد نسخة الأصل في مكتبة المرعشي العامّة بقم معها تفسير لبعض الآيات الشريفة كلّها بخطه في ١٣٠ ورقة [رقم ٥٣٣٣] و ترجمة السيّد في [الكرام البررة ١٩١] و لنا عليها تعليقة.

«حل مشكلات الإشارات» ص ٧٥ رقم ٤٠٠: **أقول** عندنا نسخة من شرح الإشارات

---

٧. اين حاشيه در نسخ چاپي و كذا در نسخ خطي ناقصه ما نيست بايد در نسخه خط ابن المصنّف موجود در كتابخانه مرعشي ديد كه مربوط بچه كتابي است مربوط بهمين حل الإشكال است يا مربوط بجاى ديگر است.

و التنبيهات هذا طبع بطهران سنة ١٢٨١ في ٢٧٠ص بالحجم الكبير و بهامشها (المحاكمات) و ليس فيها مقدّمة الشارح بل يشرع من هذه العبارة (قال الشيخ هذه إشارات) و في خاتمتها إضافة لايعلم قائلها و هذه النسخة من جملة ما ورثته من والدي العلاّمة الفهّام جامع المعقول و المنقول المستشهد بالغرق في بحيرة الكوفة في ٢٧ ج ١ سنة ١٣٥٦ ذكر فيها أنّه شرع بدرسه من ص ٢٩ في يوم السبت ٢١ ع ٢ سنة ١٣٥٠ و قال في آخر الكتاب ما لفظه «ختم المباحثة يوم الثلثاء ١٨ ع ٢ سنة ١٣٥٣ و لنعم ما قيل درد عاشق را شفا اى شيخ در قانون عشق ، نيست الا در اشارات خم ابروى يار» انتهى و لوالدي طاب مضجعه على نسخته الموصوفة تعليقات هامّة و تصحيحات مهمّة من أوّلها إلى آخرها و توقيعه في بعضها كالآتي (حرّره العبد محمّد هاشم الموسوي عفي عنه) و مهاجرة والدي ره من إصفهان في العاشر من شهر رمضان ١٣٥٣ و عاش في النجف الأشرف أكثر من عامين مفيداً و مستفيداً حتّى أدركه الأجل وفاته بالدرجة العالية من الشهادة و رزق الدفن في وادي السلام قدّس الله تعالى روحه بالنبيّ و آله الكرام و له طاب مضجعه أيضاً كثير من الحواشي و التعليقات و التقريرات النافعة موجودة عندنا بخطه و الظاهر أنّ بعضها الآخر وقع في يد بعض و الله العالم بحقائق الأمور.

«**حل مغالطة ابن كمونة**» ص ٧٦ رقم ٤٠٩: **أقول** انظر ما مرّ آنفاً (٦٩: ٣٦٦) بعنوان حلّ شبهة الاستلزام.

﴿**حلق اللحي**﴾ ص ٧٧: انظر [رسالة في حرمة حلق اللحية] متعدّدة في (ج ١١: ١٧٣).

«**الحلة السيراء في أشعار الأمراء**» ص ٧٨ رقم ٤١٤: **أقول** يأتي «درر السمط ٨: ١٢٤: ٤٦٠» و هو و جمال‌الدين الحسين مذكوران في «الأنوار الساطعة» للمصنّف و انظر ترجمة الرجل في الأعلام للزركلي ٦: ٢٣٣.

﴿**حلو التناول**﴾ ص ٧٩: «...» و انظر «المسائل التداخليّة ٢٠: ٣٣٩: ٣٢٩٨» و مرّ «تداخل الأغسال ٤: ١٧: ٤٥».

«**حلي الأفاضل**» ص ٧٩ رقم ٤١٧: **أقول** راجع الذريعه ٩: ٦٩٠: ٤٨٠٠.

«**حلي الدهر العاطل فيمن أدركته من الأفاضل**» ص ٧٩ رقم ٤١٨: **أقول** كذا وصفه

بالقلّة في نقباء البشر ص ١٩٩ أيضاً قال «و هو كتاب مختصر في تراجم قليلة» انتهى. و انظر الثناء العاطر على ابن خالنا المذكور بما يبهر العقول بلاغته في ماضي النجف و حاضرها ٣: ٢١٤ نقلاً عن كلمة صديقه و قرينه الإمام العلاّمة الشيخ هادي كاشف الغطاء.

«**حلية الأشراف**» ص ٨٠ رقم ٤٢٧ س ٢٥، ابوالحسين زيد: أقول إنّ الشيخ أباالحسين المذكور في فهرس المنتجب هو غير صاحب حلية الأشراف بل من رجال الفرقة الزيدية انظر لزاماً «فهرست منتجب الدين ٨١ رقم ١٧٦» مع التعليقة للسيّد العزيز.

«**حلية الإنسان و حلية اللسان**» ص ٨١ رقم ٤٢٩: يراجع لزوماً [يادداشتهاى قزوينى ٤: ١٥٨ — ١٦٠] و الإحالات له و يأتي منّا الإشاره إلى الخطأ في نسبة الحلية هذه إلى صاحب «عمدة الطالب ١٥: ٣٣٦: ٢١٦٨» في التكملة و القزويني هو أوّل من تفطّن بادئ ذي بدء لهذا الإشكال فبحث عنه في مقال طبع في الكتاب المذكور و لكنّه لم يهتد لمعرفة مؤلّف الحلية هذه و ملّخص الكلام أنّه إذا كان اسم مؤلّف هذا الكتاب و عنوانه كما طبع عليه صحيحاً فهو ليس بصاحب العمدة الذي هو من ولد الحسن المثنى بل هو سميّه و لقبيه و نسبيه (من ولد الحسين الأصغر ابن الإمام زين‌العابدين عليه السلام) المتقدّم عليه و المذكور في عمدته ص ٣٢٢ ط النجف الأشرف فإنّ صاحب العمدة توفّى على ما كشف الظنون و عنه في ساير المواضع سنة ٨٢٨ و مصنّف كتاب الحلية يخبر عن معاصرته للدولة المغوليّة المنقرضة سنة ٧٣٦ فكيف التوفيق على أنّ شيخنا المصنّف سيذكر في «الدوحة المطلبيّة ٨: ٢٧٣: ١١٦٠» أنّ طبقة الرجل طبقة مشايخ العلاّمة الحلّي المتوفّى ٧٢٦ فلذا ذكره في [الأنوار الساطعة في المائة السابعة ١٢] و إن عدّه السيّد كمونة في نساب القرن الثامن في كتابه [منية الراغبين ٣٦٨] و لكن لم يظهر لنا تحديد لتاريخ وفاة الرجل مطلقاً.

«**حلية النجيب**» ص ٨٤ رقم ٤٤٦: و راجع «خيبة المتناقض المريب» في ص ٢٨١.

﴿**حلية النسوان**﴾ ص ٨٥: في أحكام الحيض و الاستحاضة و النفاس، للسيّد محمّد بن أحمد الحسيني اللاهجاني، عندي منه نسخة ناقصة ضمن مجموعة من رسائل للعلاّمة المجلسي قده.

«حمام الحمامة بصقر الإمامة» ص ٩٠ رقم ٤٦٣ س ٧، المتوفّى: ٢٦ ج ١ ١٣٣٦.

«حماية الإسلام» ص ٩٠ رقم ٤٦٤، السيّد أحمد: ولادته في ١٨ ذي الحجة سنة ١٢٩٥.

﴿حمد البلاغة﴾ ص ٩٠: لأبي‌طاهر محمّد بن عبيدالله المذكور في تاريخ بغداد ابن أبي‌غالب أحمد بن محمّد بن محمّد بن سليمان الرازي المذكور في النجاشي ص ٣١٠.

﴿حملات الليث﴾ ص ٩١: انظر ج ١٦ ص ٣٤٤.

«حمله حيدري» رقم ٤٧٣ ص ٩٢ س ٥، قيل لقرائه: قال القزويني ره في [تتيم أمل الآمل ١٢٠ ط قم] في ترجمة الشيخ زين‌الدين الإصبهاني إنّه أخو الشيخ علي نقي الحافظ للحملة الحيدريّة. انتهى

«حواشي تمهيد القواعد» ص ٩٦ رقم ٤٩٢، المولود حدود ١٢٦٢: توفّي في ٢٣ ج ٢ سنة ١٣٤٠ كما في (مختصر المكارم) و (ريحانة الأدب).

«الحواشي القطبية» ص ١٠٢: أقول ما مرّ ليس إلاّ العنوان الخالص و ما ذكره شيخنا المصنّف هاهنا لايسمن و لايغني من جوع لأنّه لم يذكر مستنده في أصل مدّعاه كما لم يذكر للكتاب نسخة و لعلّه لذلک أعرض عن ذكر [الحواشي القطبيّة] هذه في ترجمته المبسوطة في «الحقائق الراهنة» و لنا في أصل تشيّع الرجل تأمّل أشرنا إليه فيما ذكرناه حول كتابه «تحرير القواعد المنطقيّة ٣: ٣٨٨: ١٣٩٥» و ليراجع لزاماً [مقدّمة سعيد نفيسي لكتاب مصادقة الإخوان.

«الحواشي على أحسن الوديعة» ص ١٠٥، مهدي: الصواب السيّد محمّدمهدي الموسوي الكاظمي العلاّمة المحقّق المدقّق الحجة صاحب التأليفات المهمّة ولد و دفن في بلدة الكاظمين سلام الله على من حلّ بها و دفن فيها و لم ير البلاد الإيرانيّة طول حياته و والده السيّد السند و الركن المعتمد الشريف العلاّمة خال جدّينا الحاج ميرزا سيّد محمّد ولد في إصفهان و هاجر إلى الكاظميّة فكان من أعلامها و ازراء شيخنا المصنّف به و نيله منه لدفاع السيّد عن حقّ والده جدّنا الإمام المجتهد المجدّد آية الله العظمى صاحب الروضات أعلى الله تعالى مقامات الجميع في كتابه «أحسن الوديعة» و الله العاصم.

«حواشي المجدي» ص ١٠٩ رقم ٥٧٤، ذكرنا: أقول لم يذكر هناک سوى حاشية صاحب رياض العلماء فقط.

«الحواشي على الجدي» ص ١٠٩ رقم ٥٧٥: يراجع منية الراغبين ص ٢٢٧ و ص ٢٨٢ و ص ٣٣٦ و الأنوار الساطعة ص ٩٢.

«حواشي نهج البلاغة» ص ١١١ رقم ٥٨٦: و من الحواشي على نهج البلاغة ما ذكره المؤلّف من كتابه الآخر (الأنوار الساطعة ص ٤) للشيخ أحمد بن الحسن الناوندي فليراجع.

﴿حول السفور و الحجاب﴾ ص ١١٣: للسيّد عبدالله البلادي ظاهراً. انظر ذيل ص ٢٥٤ من المجلّد السادس.

«حياة الأرواح و مشكاة المصباح» ص ١١٥ رقم ٦٠٦ س ١٢، **فرغ منه ٨٥٤:** في أعيان الشيعة ٥ ص «...» و عنه في الغدير ١١ ص «...» انّه فرغ منه في ٨٤٣.

«حياة جاوداني» ص ١١٨ رقم ٦٢١: نسخة منه في مكتبة السيّد و قد فهرستها.

ص ١١٩: أقول و لابن طولون محمّد بن علي الدمشقي المتوفّى ٩٥٣ مصنّف في حياة السيّدة زينب الكبرى بنت أميرالمؤمنين صلوات الله و سلامه عليهما قال القاضي محمود العدوي في كتاب الزيارات ٢٢ في ترجمة السيّدة ما لفظه «...».

«حياة سعدي» ص ١١٩رقم ٦٢٩ س ١٤، **نصرالله سروش:** هو ابن السيّد محمّدعلي المدعوّ بداعي الإسلام و أخو السيّد نورالله مؤسّس مجلّة دانش المذكور في ج ٨ ص ٤١ و طبع الكتاب في ١٤١ صفحة.

«حياة الشيخ خزعل خان» ص ١٢٠ رقم ٦٣٤: **أقول** ولد الشيخ خزعل ١٢٧٩ و قتل بأمر البهلوي في بيته ليلة الإثنين الرابع من الربيع الأوّل ١٣٥٥ق راجع «مكارم الآثار ٦ رقم ١٤١٦».

﴿حياة الخليفة عمر بن الخطاب﴾ ص ١٢١: انظر «الدرر و الغرر ٨: ١٤٠: ٥٣٠».

ص ١٢٢ س ٢، **المتوفّى ١١١١:** أقول صرّح شيخنا المصنّف ره في (ج ٣: ١٧ س ١) انّ الصحيح في تاريخ وفاة العلاّمة المجلسي هو ١١١٠ و يأتي [تكملة حياة القلوب] في [صحيفة المتّقين].

«حياة القلوب» ص ١٢٢ رقم ٦٤٨: يراجع مكارم الآثار ج ٧ رقم ١٥٤٣.

«حياة القلوب» ص ١٢٢ رقم ٦٥٢ س ٢٥، **محبوب القلوب:** ليراجع روضات الجنّات ص ١٧٦ ط ٢.

«حيدرنامه» ص ١٢٥ رقم ٦٧٢: هو العليم؛ قال في كشف الظنون ص ٦٩٤ «حيدرنامه فارسي منظوم للشيخ عطار» انتهى و أضاف بعده بعضهم «المتوفّى سنة ٦٧٢ إثنين و سبعين و ستمائة» انتهى و ما نسبه شيخنا المصنّف إلى القاضي الشهيد هو في الأصل كلام دولتشاه في التذكرة و المنقول منه في النسخ الشايعة من مجالس المؤمنين مغلوط محرّف جداً فانظر صوابه في التذكرة و عنه في كتاب سمّاه أحوال العطار لفروزانفر ص ٣١ و فيه عن التذكرة ط ليدن كطبعة محمّد العباسي ص ٢١٢ «حيدرنامه» و في المجالس «حيدري نامه» مع ياء النسبة و في كتاب فروزانفر ص ٧٦ انّ من جملة الكتب المفترى على العطّار «حيدري نامه» مع الياء و قال هو و أمثاله في غاية السخافة و الإهمال و الحال أنه لم يدّع رؤية حيدرنامه أو حيدري نامه و لم يتعدّه بهذين الاسمين إلاّ في هذين الموضعين كما لم أعثر لحدّ الآن على من رأى نسخة منه و لا على من نقل و لو بيتاً واحداً عنه كما صرّح بذلك أيضاً سعيد النفيسي في كتابه «جستجو در احوال و آثار عطار: ١١٥ و مواضع أخرى منه» و هذا من العجائب نعم توجد كتاب بهذا العنوان في دار الكتب بالقاهرة قال نصرالله مبشّر الطرازي في «فهرس المخطوطات الفارسية التي تعتنيها دارالكتب حتى عام ١٩٦٣ القسم الثاني: ١٩٧ رقم ٢٣٦٨ ط سنة ١٩٦٧م» ما نصّه «منظوم فارسي (حيدرنامه) لم يعلم ناظمه و هو يشتمل على سرد الوقائع في الحروب و الغزوات أيّام النبيّ صلّى الله عليه (و آله) و سلّم أوّله الهى باعزاز آن پنج تن / كه هستند فخر زمين و زمن» ثمّ ذكر مختصّات النسخة و فيها صور كثيرة ملوّنة و أنه ليس فيها تاريخ و عدد أوراقها ٣٤٣ ورقة. ثمّ إنّ الطرازي وصف الكتاب و النسخة أيضاً في كتابه الآخر «الفهرس الوصفي: ١٢٢ ط سنة ١٩٦٨م» أبسط و أدقّ ممّا سبق و أورد البيت الثاني هكذا بحق تو اى داور آب و خاک / بدان چارده نام معصوم پاک و قال «نرجّح أن تكون من مخطوطات القرن الثاني عشر الهجري الثامن عشر الميلادي... آخرها: بشادى بپاى آمد اين داستان / كه برخواندم از گفته راستان ــ سخن ختم شد بر سخاى رسول / نيم نااميد از عطاى رسول. تتخلّلها أربع و تسعون صورة مرسومة بالألوان من المدرسة المغوليّة الهنديّة» الخ. و على أيّ الكتاب مهمّ جدّاً و ذكرناه في هذه التعليقة استطراداً و بالمناسبة دون أن نراه منسوباً إلى شخص معيّن رزقنا

الله رؤية النسخة إن شاء الله. م ع ر في ٥ قع ١٤١٥

«خاتمة المستدرک» ص ١٣٢ رقم ٧١٧: انظر «المستدرک ٢١: ٧: ٣٦٨٧» و لايخفى عليک أنّ الخاتمة هذه أيضاً كفيضه القدسي و غيرها من آثاره في التراجم أساسها مبنيّة على تحقيقات جدّنا الإمام العلاّمة المجتهد المجاهد المجدّد آية العظمى السيّد محمّدباقر الموسوي الإصفهاني طاب مثواه في كتابه «روضات الجنّات» و إن قابله النوري و كافاه جزاء سنمّار و اتّخذ في قباله موضع الحسّاد و الأعداء و المبغضين للسادة الأمجاد من آل طه و يس و الباعث لهذا الموضع العنيف ان ذكر الجدّ الإمام قدّس الله روحه في الروضات حديثاً رآه في بعض الكتب يدلّ على ذم أهل طبرستان فلمّا رأى ذلک النوري قام و قعد و أضرم نار العداء و البغضاء و الحسد و نال من سيّدنا الجدّ في خاتمته و غيرها حتّى أوّل تصانيفه و هو «نفس الرحمن في فضائل سلمان» حيناً بعد حين بألفاظ عنيفة لايتفوّه بها عاقل فضلاً عن مسلم و بهذا انقطع أمله و قصر عمره و قرب أجله و أمّا شيخنا المصنّف للذريعة طاب مثواه فقد شغفه حبّ شيخه فأساء هو أيضاً في حقّ سيّدنا الجدّ نوّر الله ضريحه كلّما انجرّ الحديث عنه و عن كتابه الروضات في كافّة مواضع الذريعة و الطبقات فتراه مثلاً في «نقباء البشر ٢١١» بعد ما عنونه بقوله «السيّد الميرزا محمّدباقر الإصفهاني» فقط لايتجاوز في وصفه عن قوله «عالم متتبّع و باحث خبير» و السلام في حين أنّه ره يكتب عن شيخه النوري أزيد من اثنى عشر صفحة (٥٤٣ — ٥٥٦) و يقول في الحاشية عند افتتاح ترجمته ما لفظه [ارتعش القلم بيدي عند ما كتبت هذا الاسم و استوقفني الفكر عند ما رأيت نفسي عازماً على ترجمة اُستاذي النوري فخشعت إجلالاً لمقامه و دهشت هيبته له» الخ و إنّک لترى هذا الموضع في مدح النوري و النيل عن صاحب الروضات في بعض مؤلّفات الحاج الشيخ عباس القمي و صاحب أعيان الشيعة و صاحب نقد فلسفه داروين و غير هؤلاء ممّن لم يحط خبراً بخلقيات سيّدنا الجدّ و علمه و زهده و تقواه و إخلاصه في القول و العمل و تجنّبه بخلاف هؤلاء عن اتباع الظواهر و الحدسيّات دون الحقائق الملموسة و أليس كتابه الروضات هذا البحر الزاخر و الدرّ الفاخر كافياً لمعرفة مؤلّفه و الله بصير بعباده و السلام. في يوم الجمعة ١١ ع ١ سنة ١٤٠٧ و ليراجع هامش نسختنا من الروضات ص ٤٩٤ ط ٢

«كتاب خير الزائر المبتلي بالبلاء في طريق النجف و كربلاء» ص ١٣٨ رقم ٧٦١: كان حيّاً بمشهد الرضا عليه‌السلام في سنة ١١٠٠ كما في ذيل كشف الظنون ص ٤٤١.

«الخوائد» ص ١٤٣ رقم ٧٩١: أقول انظر له [شرح الشرايع ١٣: ٣٣٢: ١٢١٧] مع التكملة و [الفوائد ١٦: ٣٢٢: ١٤٩٩].

«كتاب الخراج و المقاسمة» ص ١٤٤ رقم ٧٩٦ س ٨، طقسها: الطَقْس الطريقة و غلب على الطريقة الدينيّة فهو بمعنى النظام و الترتيب و إقامة الشواعر. منجد

«الخرازة» ص ١٤٥ رقم ٨٠١: و نسختنا مكتوبة بهامش الأصل الذي وضعنا نسخته في مجموعة أوّل رسائلها مقدّمات الوافي للفيض.

﴿خراسان قديم﴾ ص ١٤٥: انظر ج ٦ ص ٣٠.

«الخرايج و الجرايح» رقم ٨٠٢ — ص ١٤٦ س ١١، تخالف المطبوع: لايخفى أنّه قد صرّح في آخر المطبوع بكونه [المختار من كتاب الخرائج و الجرائح] و هو كذلک فقد تتبّعناه مراراً من أوّله إلى آخره لنجد فيه حديثاً نقل عنه في البحار و الروضات (و الحديث في ذمّ أهل إصفهان قديماً) فلم نجده. و ببالي أنّي رأيت نسخة اُخرى للكتاب مطبوعة بالهند مستقلّة. ثمّ بعد مدّة مضت على كتابة هذه التعليقة رزقني الله سبحانه نسخة كاملة تامّة من الكتاب.

﴿خُرجين﴾ ص ١٤٦: عندنا نسخة مطبوعة من كتاب (قطرات العلوم) و على هامش ص ٣٢ منها تعليقة مخطوطة لشخص توقيعه (خواجه نصيري) و تاريخ التعليقة (٢٢ ع ٢ سنة ٦٥) فنسب هناک إلى نفسه هذا الكتاب و الله العالم.

«خرج الأيّام لكافة الأنام» ص ١٤٦: و يراجع الموازات بين المعجزات في ج ٢٣ ص ٢٢٠.

أقول و له أيضاً [عدد السنة] نذكره في موضعه من العين المهملة و انظر [يد (و) منبر ٢٥: ٢٧٧: ٩٨].

«خزان و بهار» ص ١٥١ رقم ٨٢٣: الظاهر أنّ موضع ذكر هذا الكتاب في ص ١٥٦ فلاتغفل. يراجع لوصف نسخة من هذا الكتاب و مؤلّفه «مجلّه آينده س ١٣ ع ٦-٧ شهريور - مهر ٦٦ ص ٤٨١ — ٤٨٢».

«خزائن الأحكام» ص ١٥٢ رقم ٨٢٥: أقول ترجمة المؤلّف في [خلدبرين ٢٧٥ — ٢٧٨] لبيان الواعظين الإصفهاني ره.

ص ١٥٣ س ٢، في أواخر ربيع الثاني: الصحيح ٢٥ صفر كما في مختصر المكارم.

«خزائن الأنوار» ص ١٥٣ رقم ٨٣٠: أقول توجد نسخة من خزائن الأنوار هذا في مكتبة مسجد گوهرشاد كما في فهرسها (ج ١: ١٧: ٢٠) و هناک تفصيل حول مطالبه و إشارة إلى ساير نسخه في تبريز و طهران و قم.

«خزائن الجواهر» ص ١٥٤ رقم ٨٣١: عندي منه نسخة و الحمد لله.

«خزانة الأدب الكبرى» ص ١٥٦ رقم ٨٤٤: نسخه‌هاى خود آن مرحوم كه نزد ماست ديده شود شايد يادداشتي داشته باشد.

«خزانة الأسرار» ص ١٥٦ رقم ٨٤٥: قال السيّد آقا طه البهشتي إنّه فارسي و إنّ نسخة خزانة الأسرار في الأدعية عنده من القرن ١٠. قال آقا طه و ينقل عنه في المنهاج في الدعاء و قال إنّه ذكر المصنّف اسمه في أوّل الكتاب هكذا (اين فقير حقير كثير التقصير ابن بهاءالدين علي مظهرالدين محمّد القاري در شهور سنة اثنى و ستين و تسعمائة هجريه با وجود قلّت بضاعت) و صرّح باسم كتابه في مقدّمته هذه.

«خزانة الخيال» ص ١٥٦ رقم ٨٤٦: هذا الكتاب مذكور في كشف الحجب و الأستار و أوّله مذكور هناک و قد طبع بقم سنة «...» مقصوراً عن نسخة في «...»ص و ليراجع مشرق السعدين في ج ٢١ ص ٤٩: ٣٩٠٧ و [مجالس الأخبار ١٩: ٣٥٧: ١٥٩٧].

«خزانة القانع» ص ١٥٧ رقم ٨٤٩: يأتي «مفرّح الروح» و «وفق المراد» في موضعيهما و تذكر ديوانه بهامش ج ٩: ٩٢٧ فراجع و توجد الرسالة في خاتمة كتاب «شرح حال وفائى شوشترى» للشيخ محمّد مهدي شرف‌الدين (ص ٨٦ — ٩٣) و لكن باسم «خزائن القانع» و ذكرها أيضاً بهذا الاسم في ص ٤ قائلاً انّ النسخة بخط السيّد الكيميائي في «بياض الوفائي» و فقد من أوّل الرسالة صفحتان و الظاهر أنّها غير النسخة التي رآها شيخنا المؤلّف ره.

ص ١٥٨ س ٢، توفّى ١٣٠٤: يأتي في التعليقة على «ديوان وفائى شوشترى» أنّه توفّى ١٣٠٣.

«الخصايص» ص ١٦٣ رقم ٨٨١: **أقول** عندنا نسخة عنوانها «كتاب خصائص أميرالمؤمنين علي بن أبي‌طالب» إلى قوله «الطبعة الأُولى بالمطبعة الخيريّة المنشأة بجمالية مصر المحميّة سنة ١٣٠٨هـ» و بآخرها كلمة لمصحّح الكتاب محمّد السيوطي ثمّ الفهرس و المجموع في ٤٠ص و نسخة أُخرى من «منشورات المطبعة الحيدريّة في النجف الأشرف ١٣٦٩هـ « في ٨٠ صفحة و بأوّلها مختصر في ترجمة النسائي و نسخة ثالثة طبعة النجف الأشرف أيضاً تمّ طبعها بالأفست في طهران سنة ١٤٠١ و هي في ١٧٢ صفحة مع مقدّمة مبسوطة في ٤٠ صفحة للدكتور الشيخ أبوعلي محمّدهادي الأميني صديقنا الفاضل أنكر فيها على شيخنا المصنّف ره في عدّه هذا الكتاب في الذريعة المعدّة أوّلاً لذكر كتب الشيعة الإماميّة و على أيّ يعجبني نقل حديثين من الكتاب عن الطبعة الأُولى المصريّة ١ - في ص ١٩ بعد ذكر سند الحديث «من كنت مولاه فعليّ مولاه» انّ في آخر كلامه صلّى الله عليه و آله «و تفرّق بين المؤمن و الكافر» ٢- في ص ٢٠ روى النسائي بسنده «عن النعمان بن بشير قال استأذن أبوبكر على النبيّ صلّى الله عليه (و آله) و سلّم فسمع صوت عائشة عالياً و هي تقول: لقد علمتُ أنّ عليّاً أحبّ إليک منّي، فأهوى لها ليلطمها و قال لها يا بنت فلانة! أراک ترفعين صوتک على رسول الله صلّى الله عليه (و آله) و سلّم فأمسكه رسول الله صلّى الله عليه (و آله) و سلّم و خرج أبوبكر مغضباً» إلى آخر الحديث و السلام. ٦ ع ١ سنة ١٤٠٨

«خصايص الجمعة» ص ١٦٦: **أقول** و يأتي «خصايص يوم الجمعة ١٧٥: ٩٠٨».

«الخصايص الحسينية» ص ١٦٦ رقم ٨٨٨: لايخفى أنّ اسم هذا الكتاب (خصائص الحسين و مزايا المظلوم) كما سمّاه و صرّح به مؤلّفه في ص ١٠ من طبعة سنة ١٣٠٦ و للشيخ جعفر ترجمة مختصرة في الصفحة الأخيرة من وسائل المحبّين فراجعها.

ص ١٦٦ س ٢١، **الحاديعشر**: بل إلى تمام العنوان الثاني‌عشر و كذا في وسائل المحبّين أيضاً.

ص ١٦٦ س ٢٣، **بوسائل المخبتين**: الصواب وسائل المحبّين كما يأتي.

«الخصائص العلوية» ص ١٧٠ رقم ٨٩٩: **أقول** ينقل عنه ابن نما الحلّي في كتابه [مثير الأحزان] و النطنزي هذا لم يذكره المصنّف في طبقاته.

ص ١٧١ س ٩، **تأليف أبي‌الفتح:** و الرجل مذكور بهذه الأوصاف في عبقات الأنوار (انظر فهرس المصادر من طبعتنا) و انظر [الخصائص العلوية ١٧٠: ٨٩٨].

«**خصائص الوحي المبين**» ص ١٧٥ رقم ٩٠٧: ليراجع ج ١٠ ص ٨٣ و ج ١ هامش ص ٢٣.

«**خصائص يوم الجمعة**» ص ١٧٥ رقم ٩٠٨: أقول نسخة منها عندنا في مجموعة من رسائل جدّنا الشهيد الثاني طاب مثواه و غيرها و تاريخ كتابة بعضها ١٢٤٣ و قوله (شرف) في نسختنا (فضل) ثمّ لايخفى أنّ المشار نسب الكتاب (في ج ٤: ٢٥٨ من المؤلّفين) إلى والد الشهيد و لفق كلمات حوله بما يضحك منه الثكلى في حين أنّه ذكره في ترجمة الشهيد (في ج ٣: ٢٥٦) و نسبه إليه صحيحاً و إن أخطأ هناك أيضاً في ذكر العنوان و الله العاصم. قوله (طبع مستقلاً في صيدا) أقول إنّا لم نعثر على ذلك الطبعة و نظنّ أنّه أراد به الطبعة التي عنى بها السيّد الأمين العاملي صاحب أعيان الشيعة قديماً و لكنّها ممّا طبع في دمشق و إن لم يصرّح بذلك في النسخة و رقم صفحاتها ٣٧ في حجم الثمن و ألحق بها كما مرّ في موضعه «رسالة التحقيق و التنقير في بيان ما يتعلّق بالمقادير» لجدّنا الأعلم الأفقه الشيخ جعفر النجفي كاشف الغطاء طاب مثواه في ٦ صفحات و للسيّد الأمين بعض القيود على الرسالتين بتوقيع (محسن) و الطبعة بلا تاريخ و ذكر المشار (رحمه الله) للخصائص أيضاً طبعة حجرية بطهران ملحقة ببعض رسائل الشيخ الأنصاري و أيضاً طبعة محقّقة نجفيّة لسنة ١٣٨٢ في ٤٢ص و أمّا قول المصنّف «كما طبع منضماً الخ» فلم نعثر على ما ادّعاه و الله العالم. حرّره م‌ع‌ر في أواخر حجة ١٤٠٧.

﴿**خطاب الغائبين**﴾ ص ١٨١: لصاحب كتاب (سلّم السماوات ١٢: ٢٢: ١٤٦) ذكره في ترجمة جلال‌الدين الدواني.

ص ١٨١ س ٧، **أبي‌القاسم:** الصواب «الحاج ميرزا عبدالمحمّد ثقة العلماء» كما هو صريح كلام آزاد في رسالته إلى المرحوم السيّد محمّد صدر هاشمي المطبوعة في «تاريخ جرايد و مجلات ايران: ١٤٢» و يراجع أيضاً التاريخ ج ٤ ص ٢٦١ و ذكر آزاد انّ ولادته في (٢ دى ٦١ش) و هو يوافق «...» و صرّح أيضاً في رسالته انّه من تلامذة آخوند الخراساني و الشيخ محمّدحسن المامقاني و الفاضل الشرابياني في النجف الأشرف

و مدّة توقّفه في النجف أكثر من خمس سنين و لكنّه بعد الرجوع إلى ايران تغيّرت عقائده و مال فيها إلى بدع مركز ميله كسروي (۱۳۰۸ — ۱۳٦٥) و سعى فيها حتّى أدركه الأجل المحتوم في (٥ خرداد ۱۳۲٥ش) الموافق «...»

«**خطب**» ص ۱۸٦ رقم ۹٥۹، **الخطيب**: يراجع كتاب (سيف الدولة و عصر الحمدانيّين: ۱۷۳ فما بعدها) لساقي الكياني ط دارالمعارف بمصر و انظر الذريعة ۹: ۳۰.

ص ۱۹٥ س ۲٤، **الميرزا محمّدعلي الإصفهاني**: أقول انظر إحياء الداثر ص ۱۱۷ لشيخنا المصنّف و ما ذكرناه بهامش نسختنا و ذكر لي العالم الفاضل الحاج شيخ ميرزا مجتبى (هشتى روى) ابن المرحوم الميرزا محمّدعلي الإصفهاني انّ والده ابن بنت الملاّ عبدالجواد الذي قيل في وفاته (مات الجواد و مات العلم و العمل) و ذكر أنّه مدفون في تخت فولاد إصفهان و لكن لايعلم هو موضع دفنه و أيضاً انّه جدّ المرحوم الحاج آقا حسن الطبيب المشهور البيدآبادي و جدّ الدكتور حكمي و طائفتهم من قبل الأب و أمّا الميرزا محمّدعلي فآبائه من الطائفة المعروفة بالحريري و أيضاً الگلشني و هم أهل التجارة ذكر كلّ ذلک العالم الفاضل الشيخ ميرزا مجتبى في يوم الأحد ۱۳ محرّم ۱٤۱۱ انظر ما ذكرناه بهامش إحياء الداثر.

«**خطبة البيان**» ص ۲۰۰ رقم ۹۸۸ س ۱۱، **لم يذكرها الرضي**: أقول و كذا لم ينقلها العلاّمة المجلسي ره في البحار.

ص ۲۰۰ س ۱٥، **و قادرها**: / و فاردها، كذا في نسخة مخطوطة و هناک بعض الاختلافات الآخر.

ص ۲۰۱: أقول للمولى محمّدتقي المجلسي كتاب مبسوط في مناقب أميرالمؤمنين عليه‌السلام الممتازة بالفارسية و هو مقدّمته لشرح خطبة البيان الذي كان عازماً على تأليفه و الظاهر أنّه لم يوفّق لذلک و يظهر من ديباجته اعتقاده بأنّها من خطب أميرالمؤمنين عليه‌السلام و قد شرع في تأليفه بأمر الشاه عباس الحسيني الموسوي الصفوي و هو العباس الثاني كما في ديباجته و عندنا نسخة الكتاب و يظهر منه شدّة توغّله في التصوّف و الردّ على منكريه و الدعاء لمشايخ الصوفيّة. ثمّ إنّ عندنا نسخة من تبصرة المؤمنين للحكيم مؤمن و هذا الكتاب أيضاً في التصوّف و قد كتب بعض المخالفين

للتصوّف على حواشي تلک النسخة بعض الردود و القيود و منها ما ذكره بقوله «مانند ابوهريره آن شقيّ است كه خطبة البيان را اعتقاد دارد و آنكه آنرا وضع كرده و آنكه روايات مختلفه صوفيه را ضبط نموده بدانها آثار شريعت غرّا را هباءً منثوراً گردانيده» انتهى و ليراجع ج ١٣ ص ٢١٠ و انظر كتاب (سياحت شرق ص ٥٣٣) لآقا نجفي القوچاني و أيضاً المجموعة رقم ٢ (3468) ففيها نسخة الخطبة بخط جدّنا الحاج مير سيّد محمّد و ذكر مأخذها و أيضاً كتاب (دنباله جستجو در تصوّف ايران ص ٣٩٢) و يأتي خلاصة كلام المحقّق القمي نوّر الله مرقده حول الخطبة عند ذكر شرح في (ج ١٣: ٢١٨) و انظر ما سنذكره هامش خلاصة الترجمان يأتي ذكره في الشرح (ج ١٣: ٢١٩: ٧٧٨).

ص ٢٠١ س ١٠، **في آخر جامع الشتات**: أقول رسالة المحقّق القمي المذكورة مهمّة جدّاً و مبناها على عدم اعتبار الخطبتين أوّلاً ثمّ الردّ على الصوفيّة إجمالاً و ألّفها الميرزا طالب ثراه إجابة لملتمس أحد مخلصيه مولانا علي أصغر و تاريخها شهر شوال المكرّم ١٢١٣ و طبعت في (جامع الشتات ٧٩٢ — ٨١٠ ط ١٣٠٣)

«الخلاصة» ص ٢٠٨ رقم ١٠٢٣: أقول راجع الأنوار الساطعة ص ٨٦ و هو الصواب و ذكره في الثقات العيون ص ٣١٣ سهو من الشيخ.

«خلاصة الأخبار» ص ٢١٠ رقم ١٠٢٩: يراجع «الناسخ و المنسوخ» و «نسب نامه وحيد بهبهاني» في حرف النون و «مؤلّفين كتب چاپى للمشار ج ٦: ٣٨٤».

«خلاصة الأشعار» ص ٢١٢: أقول انظر [ديوان تقي كاشي أو شعره ٩: ١٧٤: ١١٠٨] متناً و هامشاً و في التكملة.

«خلاصة الاعتبار في الحج و الاعتمار» ص ٢١٤ رقم ١٠٣٨: أقول و بالله نستعين إنّ الصواب الذي لا مرية فيه أنّ الشهيد الأوّل هو الشيخ السعيد شمس‌الدين أبوعبدالله محمّد بن جمال‌الدين محمّد بن مكّي بن محمّد بن حامد بن أحمد النبطي العاملي أعلى الله تعالى درجته كما ذكره شيخنا المصنّف في [الحقائق الراهنة ٢٠٥] و هو مطابق تماماً لسائر الكتب لم يختلف في إثنان و موافق أيضاً لسائر الموارد في الذريعة عدا هذا الموضع و عدا ما يأتي في «مناسک الحج ٢٢: ٢٧٣» فقد ذكره بعنوان محمّد بن محمّد بن مكّي و لابدّ أنّه من سهو القلم و دونک في هذا الصفحة (الرقم ١٠٤٠ س ٢٠) قوله «الشيخ أبي‌عبدالله بن مكّي الشهيد» الخ.

«خلاصة الأفكار» ص ۲۱٤: قوله ص ٥٤٣ أقول هذا خطأ و الصواب ص ۳۱ رقم ۱۱۰ و راجع لزوماً [تاريخ تذكرههاى فارسى ۱: ٥٦٤ فما بعدها] و نذكر للرجل [مسير طالبى] في التكملة.

«خلاصة الأقول في معرفة أحوال الرجال» ص ۲۱٤ رقم ۱۰٤۰: أقول و نظم الخلاصة الشيخ محمّدجواد بن المحسن المحولاتي الخراساني و فرغ منه بعد شهرين في ۱٥ شهر شعبان ۱۳۸۸ و طبع بعدها في ۱۲۲ صفحة باسم [خلاصة الخلاصة] قال في المقدّمة ما لفظه [عدد ما في الخلاصة مع الرجال من القسم الأوّل يقرب من ۱۰۰۸ و من القسم الثاني ٤۷۸ و المجموع ۱٤٨٦ و عدد أبيات المنظومة ٤٢٤] انتهى و ذكره شيخنا المصنّف بعنوان [مختصر الخلاصة ۲۰: ۱۹٥: ۲٥٤٤].

جاء وصف النسخ النفيسة الثلث من الخلاصة في كتاب حياة الشيخ الطوسي (بهامش صط) لشيخنا المصنّف ره مختصراً نقلاً عن الذريعة هذا و انظر ما ذكرناه بهامش ج ۱: ۲۳۷: ۱۲٤٤.

ص ۲۱٥ س ۹، (ص **۷۲ — ۷٤**): ۸۲ — ۸٤. صح

ص ۲۱٥ س ۱۰، **الميرزا لطفعلي**: يأتي ذكره في ج ۸.

«خلاصة البلدان» ص ۲۱٦ رقم ۱۰٤٥: يراجع كتابشناسى آثار مربوط بقم للسيّد حسين المدرّسي الطباطبائي.

«خلاصة الترجمان في تأويل خطبة البيان» ص ۲۱۹ رقم ۱۰٥۷: سيأتي له أيضاً كتاب دقائق الحقائق في الجزء الثامن ص ۲۳٤ و شرحه المذكور لخطبة البيان أشهر تآليفه عند الصوفية. عدّه الملاّ عبدالصمد الهمداني في بحر معارفه ص ۳٦٦ من أهل الباطن قال ما تعريبه «و خطبة البيان التي شرحها جمع من علماء أهل الظاهر و محمّد الدهدار ره من أهل الباطن» الخ ثمّ نقل تمام الخطبة و تكلّم حول معناها بزعمه و هذا الرجل عاش منافقاً فكان في زيّ من سمّاهم علماء الظاهر و أبطن التصوّف الخبيث طلباً للرياسة على المريدين الغافلين نسئل الله العفو و العافية. ثمّ إنّ المير محمّد صالح الحسيني الترمذي نقل ألفاظ الخطبة بشرح هذا الرجل الذي عبّر عنه بقوله «منظور نظر آفريدگار خواجه محمّد دهدار نوّر مضجعه» ملخصاً في الباب الثالث من كتابه الجليل «مناقب مرتضوي:

١٣١ فما بعدها ط.بمبئي ١٢٦٩» متلقياً بالقبول التامّ. و عندنا نسخة من خلاصة الترجمان و راجع لدهدار «مفاتيح المغاليق» في (ج ٢١: ٣٠٧) و في اسم الرجل و اسم والده اختلاف و طائفة من مؤلّفاته مذكورة في «فهرست نسخه‌هاى خطى فارسى: ١٧٨٩».

«خلاصة التنجيم و برهان التقويم» ص ٢٢٣ ١٠٧٠: أقول انظر لزاماً «فهرست مشترك ١: ٢٦٥» و عنون للرجل في «الضياء اللامع ١٠٥» استناداً إلى نسخة من هذا الكتاب أو كتاب آخر له على احتمال ضعيف لم يكن فيها اسمه بل عرفوه بعنوان «بيست و دو باب» في معرفة النجوم و الرجل هو صاحب «دانشنامه جهان ٨: ٤٦: ١١٥» فراجعه. م‌ع‌ر عفي عنه في ليلة ١٨ ج ١ سنة ١٤١٣

«خلاصة التنقيح في المذهب الحق و الصحيح» رقم ١٠٧٢ — ص ٢٢٣ س ٢، **المجلّد الثاني**: هذه النسخة هي التي كانت عند سيّدنا بحرالعلوم و ذكرها في فوائده الرجاليّة و لكنّه اشتبه عليه الأمر فظنّ أنّ هذا الشرح لابن فهد الحلّي فذكر كلاماً أوردناها في هامش الروضات (التعليقة «...» - ص «...») و ذكر أنّ عنده أيضاً نسخة اُخرى من هذا الكتاب كما أنّ صاحب لؤلؤة البحرين أيضاً كانت عنده نسخة منه كما ذكره فيه ص ١٧٣.

«خلاصة الحياة» ص ٢٢٦ رقم ١٠٨٤: يأتي لمؤلّفه أيضاً (مرآة العالم) في موضعه و انظر الآتي رقم ١٠٨٥ و ليراجع لزاماً (فهرست مشترک لأحمد منزوي ج ٢ ص ١٠٤٤) و عندنا من خلاصة الحيوة نسخة.

«خلاصة العلوم» ص ٢٣٠ رقم ١١٠٩: قال الشيرواني في «رياض السياحة ٥٤٨» إنّ الخلاصة هذه تشتمل على العلوم العقليّة و النقليّة.

«خلاصة الفصول» ص ٢٣٠ رقم ١١١٣: تمّ طبع بطهران.

«خلاصة الكلام في افتخار الإسلام» ص ٢٣٢ رقم ١١٢٢: أقول لم أجد في تلك النسخة ما يدلّ على أنّها طبعت بطهران و ظنّي أنّها صنعت في المطبعة الحجريّة بإصفهان و ممّا ذكره الشيخ محمّدصادق (دون الميرزا كما نبّهنا عليه بهامش أنيسه) في ص ٧٧ في الخلاصة مخاطباً لأهل الإنجيل الغنوصيّين هو بالعربيّة «إنّي كنت مثلك في المسيحيّة و كان لي الأب و الأمّ و الأخ و الاُخت و العشيرة و القبيلة و الأرحام و

الأقوام و لكنّي تركت الكلّ لأجل التوحيد، فإنّه لايجوز ترجيح ما ذكر على الخالق سبحانه و الحمد لله على التوفيق و الهداية مع الصحّة و السلامة» انتهى كلامه طاب ثراه.

﴿**خلاصة النسب**﴾ ص ٢٣٤: تصنيف السيّد العالم النحيب النقيب النسّابة نظام‌الدين حسن بن جلال‌الدين إبراهيم النقيب النسّابة قد ألّفه بعد خراب بدنه و فناء عمره و قريب أجله هذا صورة خطّه رحمه الله. أقول هكذا رأيت عنوان الكتاب في ورقة ظهرها الصفحة الأُولى منه و هو بالفارسية و قد ضاع الباقي أو لم يصل إلينا و اقتنيت صورة فتوغرافية من الصفحتين اللهمّ ارزقنا الباقي بوجهک الباقي إن شاء الله و المؤلّف مذكور في كتاب منية الراغبين للسيّد آل كمونة ص ٤٢١ و ولده الأمير محمّد قاسم مؤلّف كتاب الأسديّة في النسب و الله العالم. م‌ع‌ر عفي عنه في ع ٢ سنة ١٤٠٢

﴿**خلاصي نامه**﴾ ص ٢٣٥: من مثنويّات المولى صدرا الشيرازي ره يراجع ما ذكرناه في هامش (فهرست نسخه‌هاى خطى فارسى ٤ ص ٢٧٩٩) لولد المؤلّف و انظر [منتخب اشعار المثنوى ٢٢: ٣٧٣: ٧٥٠٦].

﴿**خلاصة الوسائل في شرح المسائل**﴾ ص ٢٣٥: نسخته عندنا.

«**الخلاف في الأحكام**» ص ٢٣٥ رقم ١١٣٧: أقول راجع (مسائل الخلاف ٢٠: ٣٤٦) و [منتخب الخلاف ٢٢: ٣٩٩ — ٤٠٠] متعدّداً.

«**خلافة أميرالمؤمنين ع**» ص ٢٣٧ رقم ١١٤٩: اسم هذا الكتاب (إثبات خلافة بلا فصل أميرالمؤمنين ع) و هو مطبوع في ظهره و عليه ...[8] فليس هنا موضع ذكره.

«**خلافتنامه امام حسن ع**» ص ٢٣٨ رقم ١١٥٤، **المولود ١٢٩٥**: و في (شهنشاه نامه) أنّه ولد ١٢٨٧.

«**خلافتنامه حيدرى**» ص ٢٣٨ رقم ١١٥٥، **سوانحه**: يعني سوانح الإمام علي بن أبي‌طالب عليه السلام.

«**الخلافيّة**» ص ٢٣٩ رقم ١١٦٠: و يراجع له الرسالة العملية في حرف الراء ص ٢١٣ و الظاهر اتّحادهما.

---

٨. به دليل كامل نبودن تصوير يک كلمه خوانده نشد. ب

«خلدبرين» ص ٢٣٩، **في مكتبة النفيسي:** و توجد أيضاً في مكتبة الملک و طُبع قليل منه (من الحديقة الثامنة من الروضة الثامنة) خلف ذيل عالم آراء العباسي لاسكندر بيک سنة ١٣١٧ باهتمام أحمد السهيلي فليراجع.

﴿خلدبرين﴾ ص ٢٤٠: للحاج الشيخ أحمد الشهير ببيان الواعظين الإصفهاني صاحب «الجوهر المقصود» المذكور في محلّه طبع مجلّده الأوّل.

«خلدبرين» ص ٢٤٠ رقم ١١٦٤: و طبع ببمبئي مع أوصاف الأشراف و مناجات الأنصاري و رباعيّات بابا طاهر في سنة ١٢٨٦.

«خلد السراء» ص ٢٤٠، **المولود ١٢٩٢:** توفّي قده يوم الأحد الثاني من المحرّم سنة (١٣٧٠) في النجف الأشرف و دفن في إحدى حجرات الصحن المقدّس.

«الخلعية» ص ٢٤١ رقم ١١٦٨: يراجع الذريعة ج ١٤ ص ١١٩ و كتاب (دنباله جستجو در تصوف ايران ص ٣٩٢).

«خلق الأعمال» ص ٢٤٣ رقم ١١٧٦: أقول مستعيناً بالله سبحانه و تعالى لايخفى أنّ المطبوع في مجموعة كلمات المحقّقين باسم رسالة خلق الأعمال للسيّد الداماد ليس إلاّ تلخيص لمقدّمة كتاب الإيقاظات فقط بإسقاط عبارات منها كما تبيّن لنا ذلک في شهر شعبان المعظم سنة ١٤٠٤ بعد عرض المطبوعة على نسختنا المخطوطة من الإيقاظات و حكم شيخنا رحمه الله بغيريّتهما و تغايرهما نشأ من عدم التدبّر فيهما و السلام. و حكم المطبوعتين واحد ظاهراً.

ص ٢٤٥ س ٢٠، **بابن اذينة و ابن ابنه بابن امية:** انظر الخلاصة المطبوعة ص ١٣٣.

«الخلل» ص ٢٤٧ رقم ١١٩٤: يأتي ذكر هذه الرسالة بعينها في حرف السين ج ١٢ ص ٢٦٦ رقم ١٧٦٩ و في الشين ج ١٤ ص ٢١١ رقم ٢٢٢٣[9] فليراجع. و انظر ما ذكرناه في هامش الصفحة الآتية.

«الخلل» ص ٢٤٧ رقم ١١٩٥: أقول و سيأتي له (الخيارات) الرقم ١٢٦٧.

«الخلل في الصلاة» ص ٢٤٨ رقم ١١٩٧: أقول يأتي ذكر هذه الرسالة أيضاً في حرف

٩. نسخه همين گونه است. ولى با توجه به مدخل بعدى بايد ٢٢٣٢ باشد. ب

السين ج ۱۲ ص ۲٦٦ رقم ۱۷۷۲ و في حرف الشين ج ١٤ ص ۲۱۱ استطراداً في ذيل رقم ۲۲۳۲ و عندي نسخة منه بدون تاريخ و لعلّها كتبت في القرن الحادي‌عشر و ذكر كاتبها في صدر الصفحة الأُولى منها ما لفظه «الرسالة السهويّة للشيخ أحمد بن فهد عليه الرحمة» و لكن الرسالة السهويّة التي نسبها شيخنا المؤلّف ره لابن فهد في الصفحة الماضية يخالف هذه الرسالة و الله العالم.

«**الخلل**» ص ۲٥١ رقم ۱۲۱۲: نسخة نفيسة بخط جدّنا العلاّمة السيّد حسين المجتهد. و رزقني الله تعالى في ٢٤ شهر صفر ۹۱ نسخة شريفة من هذا الكتاب هي بخط عمّنا الفاضل السيّد محمّدجواد الخوانساري شقيق صاحب الروضات و أظنّ أنّه استنسخها من النسخة المذكورة في المتن. ثمّ لايخفى أنّ شيخنا المصنّف قدّس سرّه قد ذكر في حرف الشين من كتابه هذا (ج ١٤ ص ۲۱۳) كتاباً للمدقّق الشيرواني بعنوان (الشكّ و السهو) تبعاً لفوائد بحر العلوم و للروضات و الغالب على ظنّي أنّ الكتابين واحد فراجع.

«**الخمريّة**» ص ۲٥۳ رقم ۱۲۲۳: راجعه تحت اسمه [الذكرى ۱۰: ۳۸: ۲۱۰] و قوله «مصرات نوشابه» الصواب «مضرّات نوشابه» بالمعجمة.

﴿**كتاب الخمس**﴾ ص ٢٥٤: انظر ما ذكرناه في التكملة بعنوان [مدارك العقول].

ص ٢٥٤ س ١، **الميرزا فضل الله الالهي**: يراجع مكارم الآثار ج ۸ رقم ١٦٩٥.

«**رسالة الخمس**» ص ۲٥٥ رقم ١٢٤٦، **اللاهيجي**: / الازهاي. ذكر ازهئي أيضاً في ج ۸ ص ١٦٣.

«**خمسه نوائي**» ص ٢٦٤ رقم ١٢٧٤: انظر ما ذكرنا حول الرجل و آثاره في التكملة على «تاريخ الأنبياء ۳: ۲۳٦: ۸۷۰».

«**خواص الآيات**» ص ۲۷۰ رقم ۱۳۰۷: أقول الحقّ في ذلک مع شيخنا العلاّمة المصنّف طاب مضجعه و يؤكّده في ج ۸: ۸٥ س ۲۲ و رأينا حول هذا الكتاب أنه لمّا كثر و شاع رجوع الناس إلى كتاب الدرّ النظيم العربي لليافعي (الآتي ذكره في ج ۸) أحبّ الكتبيون من الشيعة في بلاد الهند أن يكون لهم أيضاً كتاب في نفس الموضوع مستنداً إلى مرويّات الإماميّة فترجم بعضهم كتاب اليافعي إلى الفارسيّة و حذف من الأصل و أضاف إليه و طبعت الترجمة في تلک البلاد كما طبع الأصل عندهم أيضاً و

ألّف آخر كتاباً مفرداً على شاكلة الدرّ النظيم و هو خواصّ الآيات هذا الذي جدّد طبعه بالاوفست في طهران سنة ١٣٨٥ و قد تبيّن لنا ممّا قيّد في خاتمته (ص ١٧٤) أنّ هذا الكتاب تأليف السيّد محمّدجعفر بن السيّد علي الحسيني الإصفهاني المعروف بيتهم مؤخّراً «بمشتى لُنباني» ألّفه و لكنّه نسب تأليفه إلى خالنا الفقيه الحجة الحاج الشيخ محمّدتقي الإصفهاني المشتهر بآقا نجفي المتوفّى سنة ١٣٣٢ الآمر الذي استعمله عدّة من المؤلّفين في زمانه مستفيداً من حسن شهرته طاب ثراه و السيّد محمّدجعفر المذكور بعد ما اجيز من أجدادنا الآيات الثلث صاحب الروضات و صاحب المباني و الحاج الشيخ محمّدباقر والد آقا نجفي هاجر إلى بلاد الهند و توطّن هناک و طبع إجازاته من المذكورين و من الشيخ زين‌العابدين المازندراني في بمبئي و له ترجمة في «تحفة الأحباب ص ٢٨ لآقا طه البهشتي» و خلاصة الكلام أنّ هذا الكتاب و أمثاله و نظائره ممّا لا اعتداد به و لا اعتماد عليه في الغالب و الله العاصم.

«**خواص الأعمال**» ص ٢٧١ رقم ١٣١٤: أقول يراجع (مكارم الآثار ٧ رقم ١٤٨٩).

«**الحور البريعة في أصول الشريعة**» رقم ١٣٥٢ — ص ٢٧٧، **المتوفّى ١١٣٥**: / ٢٥ رمضان ١١٣٧. أقول يأتي ذكر شرحه في «ج ١٣: ٢٣٤: ٨٤٧».

«**الخيارات**» ص ٢٧٩ رقم ١٣٧٠، **دفن بجنب أبيه في ١٢٥٣**: يراجع ما نذكره بهامش ج ١١: ٢١٦: ١٣٠٨.

«**الخيارات**» ص ٢٨٠ رقم ١٣٧٤ س ٩، **المدرستين**: الصواب المدرستان.

«**خيبة المتناقض المريب**» ص ٢٨١ رقم ١٣٧٩: ليتحقّق مَن المؤلّف للخيبة؟ فإنّ الحلية للسيّد مهدي كما مرّ في محلّه.

﴿**خير الزائر المبتلى...**﴾ ص ٢٨٤: مرّ بعنوان «خبر الزائر...» بالباء الموحّدة في ص ١٣٨ و هو الصحيح و لكن عنونه في ذيل كشف الظنون ص ٤٤١ بالياء المثنّاة و هو غلط.

«**خير الكلام**» ص ٢٨٤ رقم ١٣٩٥: أقول الظاهر أنّ هذا هو الذي ذكره المشار في «المؤلّفين ٢: ٨٤» و فهرسه ٢: ٩٦٨ بعنوان «خير الكلام في معرفة نبيّ الأنام و عقايد الشيعة في مسائل الكلام» للمولوي الشيخ محمّدباقر صاحب الهندي الذي كان حيّاً عام

طبع كتابه في بمبئي و هو ١٣٣٥ و كتابه في ٣٠٠ص.

«خير الكلام في مدايح الكرام» ص ٢٨٤ رقم ١٣٦٩: انظر «ديوان ثريا الطهراني ٩: ١٨٤: ١١٦١».

«خير الكلام» ص ٢٨٥: مثنوي للسيّد مهدي بدايع نگار اللاهوتي «ديوان لاهوتي ٩: ٩٤٠: ٦١٨٤» قال المشار طاب ثراه في فهرسه أنّه طبع بطهران سنة ١٣٢٢ش في ٢٩٠ص.

«الخيراتيّة» ص ٢٨٦ رقم ١٤٠٧: أقول راجع كتاب (وحيد بهباني) للدواني فقد نقل عبارات الخيراتيّة في الفصل المختصّ بآقا محمّدعلي ره كثيراً عن نسخة مدرسة (فيضيّة) بقم و انظر أيضاً كتاب (دنباله جستجو در تصوّف ايران في عدّة مواضع منه).

ص ٢٩٠ س ٢٥، **وفاته ١٣١٨ش**: في ٢٦ دي ماه ١٣١٨ الشمسي مطابق «...» كما ذكره في ج ٤ ص ٣٩٦ س ١٧ عند ذكر تآليفه القيّم (تقويم تربيت).

ص ٢٩٣ س ٢٢٢، **مكتبة النفيسي**: لينقل إلى هنا ما كتبناه بهامش ص ٤٠٤ ج ٦.

ص ٢٩٣ س ٢٥، **١٣٠٤ش**: / ٩ سرطان ١٣٠٣.

ص ٣٠٢: صحّح جميع الأجزاء على هذه التصحيحات و غيرها و الحمد لله تعالى. و أيضاً أصلحت في ليلة الإثنين الثاني من شهر ربيع المولود ١٤٠٥ كلّما طبع مؤخّراً في خاتمة الجزء ٢٥ كلاً في موضعه المعلوم و الحمد لله ربّ العالمين. م‌ع‌ر عفي عنه

الجزء الثامن

ص ٩ س ١٧، **رسائل اخوان الصفا:** أقول انظر «إخوان الصفا ١: ٣٨٣: ١٩٨٠» مع التكملة.

«**دائرة المعارف**» ص ١٨ رقم ٤، **المتوفّى:** ٢٨ ع ١ سنة ١٣٥٢.

«**دارالسلام فيمن فاز بسلام الإمام**» رقم ١٨ — ص ٢١ س ٢، **المتوفّى ١٣١٠:** وفاته قده في الجمعة آخر ج ١ سنة ١٣٠٨ كما ذكره السيّد شهاب الدين النجفي في حاشيته على هداية الأنام للقمي و الظاهر أنّ مراده الجمعة الأخيرة من هذا الشهر لأنّ غرّة ج ١ من هذه السنة كانت على ما ذكر في تقويمها يوم الأحد و لم يذكر له سلخ و الجمعة الأخيرة منه يصير ٢٧. من إفادات مولينا المعلّم دام ظلّه العالي.

و راجع «مشكاة النيّرين ٢١: ٦٣: ٣٩٦٢» و لولده [ديوان ميثمي عراقي ٩: ١١٣٨: ٧٣٣٦].

«**دارالمجانين**» ص ٢١ رقم ٢١: يستشمّ من عامّة مؤلّفات الجمال‌زاده هذا رائحة الإلحاد فهو دائم الحرب مع العقائد الإسلاميّة و الاستهزاء بالمسلمين عاش طول عمره البالغ إلى مائة سنة في بلاد الكفر و له زوجة افرنجيّة و كلب يأنس بهما نسئل اللّٰه حسن العاقبة و الرضوان و نستجير به من سوء العاقبة و الخسران و الخذلان.

«**كليلة و دمنة**» ص ٢٦: أقول يراجع لزاماً مقالة «پَنچَه تَنتَره در ادبيات سنسكريت و ادبيات فارسى» في «فصلنامه نامه فرهنگستان السنة الثانية العدد الأوّل ص ٨٤ — ١٠٣».

ص ٣١ س ١٠، **بلوهر و بردانية**: و رواه ابن بابويه عن محمّد بن زكريا و حرّره نظام تبريزي (٩: ١٢٠٢) للسلطان أويس ثمّ المجلسي في (عين الحياة) و تحرير لقريش بن محمّد. ط ١٢٩٠ و تحرير شكرالله مشكاة الحكماء ط ١٣٢١.

«دامع الموجر» ص ٤٣ رقم ٩٦، بزائي: زائد. معلّم

«دانشنامه جهان» ص ٤٦ رقم ١١٥: أقول مرّ له «خلاصة التنجيم ٧: ٢٢٢: ١٠٧٠» و نسخة من دانشنامه في المرعشيّة بقم في مجموعة «ف ٢٠: ٢٦٥: ٧٩٣٦: ٢» و راجع لزاماً «فهرست مشترک ١: ٤٣٣».

و منه نسخه في طهران و مشهد (فهرست دانشكده حقوق ص ١٠٢) و (فهرست آستان قدس ٤ ص ٤٦) و (سپهسالار ش ١٣٠٦) و (كتابخانه مركزى ش «...») و ليراجع فهرس أحمد منزوي. و نسخة منه في مجموعة عند الخطيب السيّد علي آتشي في يزد (كما في نسخه‌های خطی دفتر ٧ ص ٧٠٣).

«دبستان مذاهب» ص ٤٨ رقم ١٢٥: قال إبراهيم پورداود في كتابه «فرهنگ ايران باستان ص ٣٣٣» ما ملخّصه: (... در دبستان المذاهب در يكجا از محسن فانی نامی ياد گرديده و از زبان وی مطلبی درباره يكی از پيروان آذر كيوان نقل شده است ناگزير همين كس باشتباه نويسنده دبستان دانسته شده است. مؤلّف اين كتاب شناخته نشده امّا از مندرجات آن دانسته می‌شود كه نويسنده آن اندكی پيش از سال ١٠٢٧ در هند متولد شده در آغاز روزگار جوانی باكبرآباد رفت و چندين سال در كشمير و لاهور گذرانيد و سفری بايران كرده مشهد را ديد، بمغرب و جنوب هندوستان هم سفر كرد و دبستان المذاهب را در ميان سالهای ١٠٦٤ و ١٠٦٧ نوشت و در سال ١٠٨١ در پانزدهمين سال سلطنت اورنگ زيب درگذشت...... كتابهايی كه نويسنده دبستان از آنها نام می‌برد و مطالبی كه از آنها نقل می‌كند، همه از نوشته‌های آذر كيوان و پيروان اوست...... شكّ نيست كه نويسنده دبستان از همان فرقه آذر كيوان است و همان مهملات دساتير را در كتابش با آب و تاب نوشته است، نگاهی ببخش اوّل دبستان كافی است از برای شناساندن نويسنده آن. گذشته از آيين ساختگی دساتير، لغات ساختگی دساتير هم در اين كتاب بكار رفته است.) انتهى ملخّصاً، فليراجع. و

قال صاحب «فرهنگ آنندراج ۱: ۵۳» ما نصّه (آذر کیوان — نام حکیمی کامل بوده از اهل فارس از گروه سپاسیان و آذر هوشنگیان که از استخر فارس اصفهان رفته تحصیل علوم کرده بامیر ابوالقاسم فندرسکی معاصر و معاشر بوده پس بسفر هندوستان رفته ریاضات کشیده و جمعی پیروان همرسانیده پس از هشتاد و هشت سال درگذشت. جام کیخسرو کتابی است در نظم و نثر، او سلوک و سیر خود را درو بیان کرده برای پسرخود کیخسرو نام نگاشته (ن)) (ن) يعني نقل ذلک عن کتاب «فرهنگ انجمن آرای ناصری» و اخيراً لاحظ مقالة «مؤلّف دبستان مذاهب» في مجلّة «آينده ۱۱: ۹ — ۱۰: ۷۱۲ — ۷۱٤).

﴿**دبستان ناصري**﴾ ص ٤٩: لشيخ الإسلام مصطفى بن محمّد حسن همبهاني طبع على الحجر سنة ١٣٠٦ق في ٥٦ صفحة ببمبئي كما في فهرس المشار و كانت نسخة منه عند والدي في التحف كما في فهرس كتبه المخلّفة ثمّ فقدت.

«**دخول جرير على الحجاج**» ص ٥١ رقم ١٤٨: يمكن أن يكون الجرير المذكور في كلام ابن النديم هو الجرير الشاعر الشهير و لا مانع من دخوله على الحجاج من حيث الطبقة و الله العالم. ملخّص حاشية مولينا المعلّم دام ظلّه

«**الدراري الثمين في الرسائل الأربعين**» ص ٥٢: أقول راجع التكملة على «رفع الالتباس ۱۱: ۲٤۳: ۱٤۷۸».

«**در اطراف ثلاثه تصوف**» ص ٥٣ رقم ١٥٤: أقول انظر التكملة على كتابه «تمهيد القواعد ٤: ٤٣٤: ١٩٢٤».

«**دراية الحديث**» ص ٥٤: أقول انظر كلاماً في الدراية للشيخ الفاضل النحرير الحاج ميرزا أبي‌الحسن الشعراني الطهراني فيما كتبه في مقدّمة الطبع لكتاب [منتخب التواريخ] للحاج ملا هاشم الخراساني ط طهران ١٣٧٨ فإنّه وجيزة نافعة و ممّا ذكره في غلط البخاري و الترمذي.

﴿**دراية الحديث**﴾ ص ٥٥: لأبي‌القاسم بن أحمد اليزدي ذكرناه في التكملة بعنوان «رسالة رجاليّة».

ص ٥٥: و يأتي الرعاية في علم الدراية في موضعه.

«**دراية نثار فتح الله به أعين الاعتبار**» ص ٥٦ رقم ١٦٨ س ٢٢، **علم الهدى: مرّ** له (تحفة الأبرار ۳: ٤٠٧: ١٤٥٧) و يأتي له (زبدة المعارف) فليراجع في محلّه من الذريعة و أيضاً (قامع الأخطار) في مكانه و غيرهما في مواضع عديدة.

ص ٥٦ س ٢٣، **الميرزا هاشم:** يريد به والدنا العالم العلّامة المجتهد الفهّامة آية الله البالغة السيّد ميرزا محمّدهاشم كما سمّاه به والده الجليل.

«**درج الدرر في أحوال ميلاد سيّد البشر**» ص ٥٨ رقم ١٨٠: **أقول** انظر مقدّمة كتاب مقصد الإقبال سُلطانية ص ٢٥ و اسم الكتاب هناك (درج الدرر و درج الغرر في ميلاد سيّد البشر) فراجعه.

«**الدرجات الرفيعة**» ص ٦٠ رقم ١٩٣: و نسخة كانت في كتب المرحوم الشيخ محمّد السماوي بعد فوته ره.

«**دُرّ بحر المناقب في تفضيل علي بن أبي‌طالب ع**» ص ٦٢ رقم ٢٠٧: **أقول** ينقل عن بحر المناقب القاضي سعيد القمي في شرح حديث الغمامة كراراً و شيخنا المصنّف قد أورد في «إحياء الداثر ص ١٥١» ما ذكره هنا و لم يزد عليه شيئاً.

ص ٦٥: للبرسي يراجع [الضياء اللامع ص ٥٨] و [الغدير ٧: ٣٣ فما بعدها] و [شعراء الحلّة «...» و [روضات الجنّات «...»].

«**الدر الثمين**» رقم ٢١٩ — ص ٦٥ س ٤، **تنظّر في نسبة: أقول** سبب ذلك أنّ في النسخة أي نسخة الدرّ الثمين هذا بعد الخطبة ما هذا لفظه «أمّا بعد فيقول العبد الفقير إلى الله تعالى رجب بن محمّد بن رجب الحافظ البرسي مولداً الحلّي محتداً» إلى أن جاء في النسخة بعد ثلث صفحات تقريباً ما نصّه «فصل فيقول العبد الفقير إلى الله تقي‌الدين عبدالله الحلبي... أشار علي بعض الإخوان... و هو... جان مراد... تلخيص رسالة الشيخ رجب الحافظ البرسي التي سمّاها مشارق أنوار اليقين في حقائق أسرار أميرالمؤمنين... و سمّيت هذا الكتاب المنتخب بالدرّ الثمين في أسرار الأنزع البطين» فللكتاب ديباجتان إحداهما للبرسي و الثانية للحلبي و ليست ديباجة البرسي لهذا الكتاب مطابقة لديباجة مشارق أنوار اليقين بل هي غيرها. ثمّ لايخفى أنّه كتب أحدهم على الأطراف الثلثة لنسختنا اسم الكتاب بهذه الصورة «أسرار اليقين» و الله العالم بحقائق الأمور.

«الدر الثمين في أسرار الأنزع البطين» ص ٦٥ رقم ٢٢٠: و نسخة من الدرّ الثمين هذا موجودة عندي و قبلها رسالة في صلوة الجمعة لوالد البهائي ره و أوّله الذي هو غير ما نقل في المتن و من إنشاء الشيخ رجب ظاهراً هكذا بعد البسملة «الحمد لله الواحد الكريم الإله العليم المتكلّم بالقرآن الذي لايشغله شأن عن شأن» و آخر نسختنا هكذا «قال قلت شعراً يا آية الدهر بل يا فتنة البشر» إلى «آيات شأنک في الآيات و العصر. كذا وجدت» انتهى و اسم الكاتب و تاريخ الكتابة يعلم تقريباً من آخر رسالة صلوة الجمعة للشيخ حسين بن عبدالصمد فهي بخط حسين بن عبدالسيد بن خليفة بن أحمد في ٢٤ ج ١ سنة ١٠٦٢ و من المهمّ ما في آخر تفسيره للآية الشريفة «غير المغضوب عليهم» فإنّه قال من جملة ما قال في حقّ المفرط و المفرط في أميرالمؤمنين صلوات الله عليه ما لفظه (فالمعرضين [كذا] عن حبّه هم المغضوب عليهم و هم مسوخ هذه الأُمّة و الضالّين [كذا] هم المفرطين [كذا] فلعنة الله على المفرط و المفرط المعاند و الجاحد و الحاسد» انتهى.

«الدر الثمين في أسرار الأنزع البطين» ص ٦٥ رقم ٢٢٠ س ٢١، **ضمن مجموعة**: انظر ج ١٦ ص ١٧٨.

«الدرّ الثمين» ص ٦٦ رقم ٢٢٢: ذكر الخياباني ره فيما كتبه في شرح أحواله في خاتمة ديوان المعصومين هذا و طبع ملخّصه في كتاب علماء معاصرين للحاج ملا علي الخياباني ص ٤٠٤ ولادته في سنة ١٢٩٦ في تبريز و لكن لم يذكره في ريحانته ج ٣ ص ٥٠٥ و في الذريعة ج ٣ ص ٤٧٤ سنة ١٢٩٦ أيضاً.

«درّ ثمين در جواب مسائل محمّد امين» ص ٦٧ رقم ٢٢٨: أقول و نسخة الأصل ظاهراً في (دانشكده الهيات تهران) كما في فهرسها ج ١ ص ٢١٩ و راجع لزاماً فهرس مركزى ٥: ١٦٨٦ — ١٦٨٨ و نسخة في إسلام آباد ذكر تفصيلها في «فهرست مشترک پاكستان ٢: ١٠٩٧» كما وصف عدّة نسخ أُخرى في «فهرست نسخه‌هاى خطى فارسى ٢(١): ٩٤١».

«الدرّ الفتيق» ص ٦٧ رقم ٢٣٤: انظر «ديوان أبي‌الفضل الطهراني » في ج ٩: ٤٧: ٢٦٣.

«الدرّ الفريد» ص ٦٨ رقم ٢٣٦: يراجع [منتخب الدرّ الفريد ٢٢: ٤٠١: ٧٦١٣] و رسالة في [وقوف القرآن الكريم ٢٥: ١٤١: ٨١٩] و له [الظاهرة في القراءات العشر الباهرة] نسخته في الظاهريّة بدمشق (فهرس ١١١) و المرعشيّة بقم كما في فهرسها ١٧: ٢٧٩ و صورتان من أوّلها و آخرها في ص ٧٥ و ٧٦ و أظنّه من العامّة العمياء و إن ذكره المصنّف في «الضياء اللامع ٧١» و له ترجمة في أعلام الزركلي ٣: ٢٢٢ و عندي ظ نسخة من الدرّ الفريد.

«الدرّ المسلوك» ص ٧٠ رقم ٢٤٤: نسخة الأصل بخطّ مؤلّفه كانت عند عباس عزاوي المحامي كما ذكره في كتابه (تاريخ العراق بين احتلالين ج ٥ ص ٣١٤) و نسخة أُخرى رأيتها أنا عند الدكتور السيد محمود المرعشي من أصدقائنا الأجلاّء في قم.

ص ٧٠ س ١٨، **الحاج عماد الفهرسي**: انظر ترجمته في مكارم الآثار ج ٨ رقم ١٦٨٩.

«**الدرّ المكنون**» ص ٧٣ رقم ٢٥٦: يراجع [منتخب الدرّ المكنون ٢٢: ٤٠١: ٧٦١٥].

«**الدر المنثور من الخبر المأثور و غير المأثور**» ص ٧٦ رقم ٢٦٩: أقول عندنا نسخة فريدة من هذا الكتاب مشتملة على تمام الجزئين الأوّل و الثاني منه و على خمس عشرة صفحة بالحجم الكبير من الجزء الثالث و هو غير تامّ و ليس في النسخة اسم الكاتب الذي خطّه في نهاية الجودة و لا تاريخ الكتابة و لكنّها قريب العهد بزمان التأليف و تاريخ فراغ المؤلّف ره من الجزء الثاني في تلك النسخة في ٢٨ من ذي القعدة ١٠٩٢ كما أنّ تاريخ الفراغ من الجزء الأوّل مطابق تماماً لما في المتن أي عاشر شهر صفر ١٠٧٣ و أمّا تاريخ وفاة جدّنا الشهيدي المؤلّف للدرّ فمرّ في (ج ٦: ١٨٣: ٩٩٨) أنّه توفّي سنة ١١٠٤ و كذا فيما يأتي في (ج ١٢: ٦٧: ٤٨٥) و لم نعثر على من ذكر وفاته سوى صاحب «رياض العلماء ٤: ١٩٨» فقال ما نصّه «و كان قده من العلماء الزهّاد في عصره و قد توفّي بإصبهان في عام ثلاثة و مائة و ألف و قد طعن في السن بل قد بلغ تسعين سنة» انتهى و نقل التاريخ عن جدّنا الإمام المجدّد طاب مثواه في الروضات كما نقلناه و كذا كلّ من تأخّر عنه إلاّ أنّه نقل المحدّث القمي في [الفوائد الرضويّة ٣٢٣] عن كتاب [الدرّ المسلوك] للشيخ أحمد بن الحسن الحرّ العاملي أنّه قال فيه «توفّي الشيخ علي في الجمادي لسنة ١١٠٤ بإصفهان و نقل جثمانه إلى مشهد الرضا ع و دفن في مدرسة

الميرزا جعفر» هذا. ثمّ اعلم أنّ للمجلّد الأوّل من الدرّ نسخة تامّة بخطّ جدّنا الشيخ الحرّ العاملي صاحب الوسائل توجد في مكتبة مجلس السنا بطهران كما في فهرسها و توجد أيضاً نسخة صحّحها المصنّف ره بخطّه في مكتبة السيد المرعشي بقم طبع الكتاب عليها في مجلّدين بقم سنة ١٣٩٨ و لكن الجزء الثاني من هذه الطبعة ينقص عن الأصل بمقدار ثمانين صفحة كما لايوجد فيه طبعاً الجزء الثالث للكتاب و الموجود منه في نسختنا المخطوطة ما يساوي ثلثين صفحة من المطبوعة و السلام. حرّر في منتصف الليلة الجمعة السابعة من ع ٢ سنة ١٤٠٦ عفى الله تعالى عنّا و عن جميع المؤمنين و المؤمنات بحقّ محمّد و عترته الطاهرين و نجانا من الخصماء و المبدعين آمين

ثمّ إنّي رأيت في كتاب كشف الأسرار الذي هو في شرح الاستبصار للسيد نعمة الله الجزائري المتوفّى سنة ١١١٢ انّه قال السيّد في باب حكم المذي و الوذي ما لفظه «و كذا هذا الضبط في نسختنا التي قوبلت على نسخة شيخنا التي قابلا على نسخة الأصل و هي الآن في إصفهان في خزانة شيخنا الشيخ علي بن الشيخ محمّد بن الشيخ حسن بن الشهيد الثاني ره أتوه بها و بغيرها من كتب جدّه و شيخ زين‌الدين ره من الكتب التي كانت في جبل عاملة في عشر الستّين بعد الألف الهجريّة و قد أخذنا منه مشافهة سلّمه الله تعالى كثيراً من الفوائد و ادواء الأمراض» انتهى و الظاهر أنّ مراده من نسخة الأصل نسخة أصل الاستبصار للشيخ الطوسي قدّس سرّه.

«الدر المنظوم» ص ٧٩ رقم ٢٨٣ س ٦، **مرّ: أقول** [...] قد مرّ هذا التاريخ في ص ٧٦ س ١٥ – إلاّ أنّه تاريخ تأليف الجزء الأوّل و أمّا الثاني الذي وقف شيخنا على تاريخه بعد مدّة فهو ١٠٩٢ كما مرّ أيضاً في ص ٧٧ س ٤ و ذكر قبله قيد الجزء الأوّل للتاريخ السابق و لكنّه نسي إصلاح هذا الموضع.

«الدر النظيم في تفسير القرآن العظيم» ص ٨٣ رقم ٣٠٤، **محمدرضا: هو** الصوفي المذكور في بستان السياحة ص ٦٤٤ ط ٢.

«الدر النظيم في مناقب الأئمّة اللهاميم» ص ٨٦ رقم ٣٠٨: **أقول** مرّ له [الأربعون حديثاً ١: ٤٣١: ٢١٩٨] فراجعه مع التكملة.

«درّة الأسلاک في حكم دخان التنباک» ص ٩٠ رقم ٣٢٥، **المتوفّى حدود ١٣٠٤:**

أواخر (١٣٠٣) كما في العدد (١١١٨) الآتي.

«الدرة الباهرة من الأصداف الطاهرة» ص ٩٠ رقم ٣٢٧: أقول ذكره المحدّث النوري في خاتمة المستدرک في ترجمة الشيخ علي بن بابويه ره (رقم داج) و طبع الكتاب في النجف الأشرف بتحقيق الشيخ محمدهادي الأميني سنة ١٣٨٨ و في مشهد المقدّس تحقيق داود مير صابري سنة ١٤٠٦ و الكتاب بعد محتاج إلى مزيد التحقيق و انظر لزاماً كتاب إلزام الناصب ص ١٨٩ للشيخ علي اليزدي قدّس سرّه.

﴿درّة «كذا» البيضاء في إجازة الرواية عن الأمناء﴾ ص ٩٢: للعالم الفاضل المحقق الكامل الحاج ميرزا أبي‌الهدى بن أبي‌المعالي الكرباسي الإصفهاني ره أجاز بها (السيّد السند العالم الزكيّ و الفاضل المعتمد الصفي الآقا السيّد حسن الخراساني) نسختها بخطّ المرحوم ميرزا محمدعلي معلّم الحبيب آبادي صاحب مكارم الآثار و صديقنا الجليل البارّ في طيّ مجموعة نفيسة كلّها بخطّه طاب ثراه انتقلت إلينا بعد فوته ره و العجبُ من المعلّم كيف غفل عن ذكر هذه الإجازة لشيخنا المؤلّف قدّس الله روحه أو ذكر له و نسي هو عن ذكرها هنا و الله العالم و الإجازة مشتملة على فوائد عظيمة و نسختها الدقيقة في تسع صفحات و لعلّ المجاز هذه الإجازة هو المرحوم السيّد حسن مشكان الطبسي المعروف و العلم عند الله سبحانه.

«الدرّة البيضاء» رقم ٣٤٤ – ص ٩٤، **السيد محمّد**: ذكره في «تذكره شعراى خوانسار ص ١٥٦» بعنوان تخلّصه فنائي.

«الدرة البيضاء في تحقيق معنى البداء» ص ٩٤ رقم ٣٤٥: أقول نسختنا مكتوبة في حياة المصنّف و ليس فيه اسم للكتاب و لا للكاتب و تاريخه و بآخرها رسالة له رحمه الله في أحكام القصر في الصلوة انظر «الدرّة البيضاء ج ٨ رقم ٣٤٥» مع التكملة.

ص ٩٤: كتاب دعاء داريم و اولش [درة التاج زيور...] است انظر الذريعة ١٦: ٢٣٥ س آخر.

«درّه التاج» ص ٩٤ رقم ٣٤٧، **طبع بايران**: بالهند كما رأيته و انظر رقم ٣٥١.

«درّه التاج و مرقاة المعراج» ص ٩٥ رقم ٣٥١: انظر رقم ٣٤٧.

﴿درّة الرضويّة في شرح الزيارة الجواديّة﴾ ص ٩٨: للفاضل الملاّ عبدالرحيم

پاي‌چناري الإصفهاني، كذا بخطّ المرحوم الحاج ميرزا سيّد محمّدباقر تويسركاني رحمه الله في ظهر نسخة من ج ٢٢ عوالم المعالم الذي هو في أحوال الرضا عليه السلام بعد نقله عن الدرّة حكاية في سبب قتل الرضا عليه السلام بيد المأمون.

«**الدرّة الفاخرة**» ص ١٠٦ رقم ٣٩٣: ليراجع الحكمة العماديّة في شرح الدرّة الفاخرة هذا في ج ٧ ص ٥٩.

«**درر الأصداف في غرر الأوصاف**» ص ١١٨ رقم ٤٣٨: انظر تلخيص مجمع الآداب ج ٤: ١: ٢٨٠ و مقدّمة هذا المجلّد ص ٥١/٥٣/٥٧.

«**درر البحار**» ص ١١٩ رقم ٤٤٤: انظر ما ذكرناه بهامش كتابه [كتاب مبين ١٧: ٢٧٩: ٢٨٤].

«**الدرر البهيّة و الجواهر النبويّة**» ص ١٢٠ رقم ٤٤٨: ذكر الدرر هذا في معجم المطبوعات ص ٧٦٧.

«**الدرر البهيّة في النظائر الفقهيّة**» ص ١٢١ رقم ٤٥٠: يراجع الفقهيّة المستطرفة.

«**الدرر الحسان في معرفة أبناء الزمان**» ص ١٢٢ رقم ٤٥٥: يراجع لزاماً (الشهاب الثاقب) في نشرة (تراثنا العدد المزدوج ٤١ — ٤٢).

«**درر السمط في خبر السبط**» ص ١٢٤ رقم ٤٦٠: أقول مرّ له «الحلّة السيراء ٧: ٧٨: ٤١٤».

«**الدرر الغرويّة في رثاء العترة المصطفوية**» ص ١٢٨ رقم ٤٧١ س ٢٠، و **توفّي**: أقول نصّ المجلّة المذكورة ص ٣٣٣ هكذا «و قد توفّى السيّد صالح القزويني في بغداد نهار الجمعة بعد الظهر ٥ ربيع الأُولى من سنة ١٣٠١هـ)٤ كانون الثاني سنة ١٨٨٣م) و كان عمره زهاء ٩٣ سنة ثمّ نقلت جثته و دفنت في النجف» انتهى و قيّد في (ص ٣٣٠) ولادته بنهار الخميس و يأتي ذكر ديوانه في (ج ٩: ٥٨٨: ٣٢٣٨) و أمّا تاريخ الوفاة فصريح كلام المتن أنّه نقل عن المجلّة و قد مرّ أنّ في المجلّة سنة ١٣٠١ و هو المطابق للعام ١٨٨٣م دون ١٣٠٦ فإنّ ربيعه يوافق ١٨٨٨ فالصواب الأوّل دون الثاني أي ١٣٠٦ الواقع في النقباء ص ٣٩٣ و ٩٤٠ و عن الذريعة هذا في (مكارم الآثار ٢: ٣٣٩) فلايغفل أمّا الخاقاني في (شعراء الغريّ «...»

«الدرر الفكريّة في أجوبة المسائل الشبّريّة» ص ١٣١ رقم ٤٨١: مرّ ذكره أيضاً في الجزء الأوّل ص ٨٧ بعنوان «الأسئلة الشبّريّة».

«درر اللئالي» رقم ٤٩٢ — ص ١٣٣ س ٣، طبع التخميس: أقول أوّلاً الذي يظهر من فهرس المشار «فهرست كتابهاى چاپى عربى ٣٥٢» أنّ «الدرر اللئالي» هذا طبع أوّلاً سنة ١٣٠٠ في بمبئي منضماً إلى أصل قصيدة الأزري التي اسمها «قران الشعر الأكبر و فرقان الفضل الأزهر» ثمّ طبع سنة ١٣١٨ أيضاً في بمبئي و ذكر هذا في الذريعة «القصيدة الهائية ١٧: ١٣٥: ٧٠٢» ثمّ طبع ثالثة في طهران سنة ١٣٠١ — ١٣٠٢ هذه الطبعات الثلث الحجريّة المذكورة للدرر في كتاب المشار و لم يذكر في الذريعة سوى الثانية و قال الأستاذ الأميني في «معجم المطبوعات النجفيّة ١٢٠» إنّ تخميس الأزرية طبع مؤخراً سنة ١٣٧٠ في النجف الأشرف على الحروف في ١٦٢ص مع مقدّمة للعلاّمة الشيخ محمّدرضا المظفر انتهى و امّا النسخة الموجودة عندنا فهي المطبوعة سنة ١٣٠١ — ١٣٠٢ بطهران و في صفحة عنوانها أنّها طبعت في المطبعة العلميّه الخاصّة لمدرسة دارالفنون و في خاتمتها (ص ١٢٢) أنّها طبعت بأمر شمس الفضلاء و المتأدّبين زبدة العلماء العاملين شريعتمدار الشيخ محمّد ابن المرحوم العالم النحرير الفاضل الخلخالي في مطبعة الميرزا عباس و الكاتب للنسخة محمّد صادق الكلبايكاني هذا ما يستفاد من هذه الطبعة أمّا اسم المخمس كما لايوجد في صلب الكتاب اسم للتخميس أعني «الدرر اللئالي» بل هو مكتوب في طرة الكتاب و أمّا المقدّمة المنثورة للتخميس فمن جملة ما فيها قوله واصفاً لأصل القصيدة «و هي الموسومة بالهائيّة المعروفة بالأزرية المشتهرة بالألفية لناظم قلائدها... الشيخ كاظم الأزري قدّس سرّه و إنّي سمّيتها بعقود اللآل في مدح النبيّ و الوصي و الآل و هي قران الشعر المبهر وفقه الفضل المزهر» الخ و السلام. حرّر في ٢٩ شهر رجب ١٤١٢

«درر اللئالي في أسرار الموالي» ص ١٣٣ رقم ٤٩٣، بالسيد آقائي: هذا اشتباه ظاهر فإنّ السيّد محمدحسن هذا لم يكن مشهوراً بالسيّد آقائي و إنّما كان مشهوراً بالسيّد الفاني (سيّد فانى) فلاتغفل.

«درر اللئالي» ص ١٣٣ رقم ٤٩٤ س ١٢، (١٢٩٩): تاريخ نسخه ما سنة ١٢٧٤ است.

«**الدرر و الغرر فيما انتخب من أعمال عمر**» ص ١٤٠ رقم ٥٣٠: أقول هكذا ورد اسم الكتاب في (ج ٦: ٣: ١) و لكنّه كرّر في (الغرر و الدرر ١٦: ٤٣: ١٧٨».

«**الدروس الشرعيّه في فقه الإماميّة**» ص ١٤٥ رقم ٥٦٢: أقول راجع لزاماً [شرح الدروس ١٣: ٢٤٢ فما بعدها].

ص ١٤٥ س ١٣، و **هذه النسخة**: اين نسخه را در إحياء الداثر هم ذكر كرده و مالكش را ننوشته‌اند و در اجازات هم در ج ١ اصلاً ننوشته‌اند شايد در جائى از ذريعه يا طبقات نوشته باشند و انظر مصوّرة النقباء ص ١١٣.

«**دروس العارفين**» ص ١٤٦ رقم ٥٦٣، الشيخ أحمد: هو الذي مرّ له إزالة الأوهام في ج ١ ص ٥٢٨.

«**الدروع الواقية من الأخطار فيما يعمل مثله في أيّام كلّ شهر على التكرار**» ص ١٤٦ رقم ٥٦٧: أقول أوّلاً إنّ في نسختنا قوله (و سمّيته كتاب الدروع الواقية من الأخطار فيما يعمل مثلها كلّ شهر على التكرار) و ثانياً افتتح نسختنا بعد البسملة بقوله (و قلّ ربّ زدني علماً لطفك اللهمّ أحمد الله الذي جلّ جلاله بما وهب لي) الخ و الثالث في أنّ الكتاب كما في فهرس المؤلّف نفسه الذي وضعه بعد الديباجة و كما هو كذلك في صلب الكتاب مشتمل على اثنين و عشرين فصلاً لا مائة و عشرين كما تراه في المتن و هو من سهو القلم و أمّا نسختنا فهي في ٣٦٦ص كاتبها محمّد بن حبيب بن تميم الأوالي فرغ منها في ٢٨ ع ٢ سنة ١٠٠٦ لخزانة الملاّ الأعظم... مولانا شمس‌الدولة و الدين محمّد و خط هذا أيضاً في أوّل النسخة و آخرها موجود و في الصفحة الأولى تمليک هاشم بن الحسين الحسيني تلک النسخة للأمير مغيث‌الدين في أواسط حجّة سنة ١٠٧٧ بمكّة المشرّفة و صورة خاتم المغيث كهذه (مغيث‌الدين محمّد الحسيني ١٠٧٤) ثمّ ليعلم أنّ في متن نسختنا في مفتتح الفصل الرابع عشر كلمة للشيخ إبراهيم الكفعمي ره (صاحب البلد الأمين يذكر فيها أنّ الفصل ١٤ إلى فصل ١٧ بتمامها كان سقطت أوراقها من النسخة فأضافها الكفعمي و بها أكمل الكتاب في نسخته التي استكتبها الكفعمي بخطّه كما أنّه رحمه الله أضاف بآخر الفصل ٢١ رواية عن الإمام الهادي عليه‌السلام نقلاً عن مكارم الأخلاق. ثمّ إنّ من فوائد كتاب الدروع هذا انّه يذكر في الفصل ١٩ أسماء أيّام الشهر

بالفارسية نقلاً عن سلمان المحمدي فقال مثلاً في اليوم الأوّل من الشهر ما نصّه [قال سلمان الفارسي رضي الله عنه هو روز هرمزد اسم من أسمائه تعالى] و هكذا إلى الثلثين و السلام. م‌ع‌ر في ١٥ صفر ١٤١٢

«**الدستور**» ص ١٤٩ رقم ٥٩٠: هذا الكتاب هو دستور معالم الحكم و مأثور مكارم الشيم للقاضي القضاعي أبي‌عبدالله محمّد بن سلام (سلامة) بن جعفر المتوفّى (٤٥٤) ينقل عنه في ديباجة «عيون الحكم و المواعظ» الموجود نسخته في (سپهسالار) (ج ١ ص ٢٨٥) و مكتبة دانشگاه تهران (ج ٢ ص ١٥٨). و قد ذكرناه مكرّراً في (ص ١٥٢ س ٢٤ و ص ١٦٧ س ٢). منه صح

«**دستور آموزش**» ص ١٤٩ رقم ٥٩٢: أقول الذي قيّد على النسخة سنة ١٣٢٠ش و هي المطابقة لعام ١٣٦٠ق الّف في اُخريات آيّام سلطنة رضا خان البهلوي الجابر الكافر و بعيد خلعه و لايعلم منه عقيدة مؤلّفه الدينيّة و ليس في أثره فائدة و له آثار اُخر مذكورة في مؤلّفات المشار ره.

«**دستور تار**» ص ١٥٢ رقم ٦٠٨: أقول هذا من كتب الضلال و لايعلم لكاتبه من عقيدة دينيّة و قد تكلّمت مع شيخنا المصنّف طاب مثواه في أمر هذا الأثر المشئوم و إيراده له في هذا الكتاب الجليل عام تشرّفي بزياره العتبات المقدّسة للمرّة الثالثة سنة ١٣٧١ فأجابني طاب ثراه أنّه ممّا أدخله الناشر الطهراني في الكتاب و أمّا هو بنفسه فليس راضياً بهذه التصرّفات المؤسفة و الله العاصم.

«**دستور الحكم**» ص ١٥٢ رقم ٦١٦: راجع هامش ص ١٤٩.

«**دستور زبان فارسي**» ص ١٥٧ رقم ٦٣١: أقول مؤلّفه ميرزا ابراهيم المتخلّص [ساغر ٩: ٤١٥: ٢٤١٤] و ولده [دردي ٩: ٣٢١: ١٩٠٠]. قوله [يأتي كلّها] أقول نسي أن يذكرها في مواضعها و راجع (مؤلّفين مشار ١: ٥٨٨) و (دانشمندان مهلوي ٤٢).

«**دستور السالكين**» ص ١٦٠ رقم ٦٤٦: عندنا نسخة أصله الحمد لله ربّ العالمين.

﴿**دستور العمل**﴾ ض ١٦٢: مقالة فارسية في آداب السلوک و المراقبة للسيّد الفقيه العارف السيّد أحمد الكربلائي المتوفّى سنة ١٣٣٢ نشرت في مجلّة «حوزه العدد ١٥: ٧٣ — ٨١».

«**دستور معالم الحكم**» ص ١٦٧ رقم ٦٨١: راجع حاشية ص ١٤٩.

ص ١٨٠ س ٦، **مقياس المصابيح**: الصواب (مقباس) بالباء الموحّدة كما يأتي في (ج ٢٢: ١٧: ٥٨١) و المتأخّر عن مكانه سهواً.

موعظة بالغة كاشفة عن مبلغ إيمان شيخنا المصنّف ره و يقينه:

ص ١٨٠ س ٩: فمع وجود هذا الكتب الصحيحة المعتبرة المطبوعة المنتشرة حتّى اليوم بما فيها من الأدعية لجميع المطالب قد تمّت حجّة الله على العباد لأنّه لايحتاج أحد من البشر إلى شيء آخر غير إلزام نفسه بالعمل و منعها عن الكسل و الفشل عنها و... فلاتظننّ مع ذلک أنّ من كانت نفسه مهذّبة يقدر أن يهذّب نفسک من دون سعيک و اتّعابک و جهادک؛ أيُّ نفس أقوى و أقدر من النفس النبوي المخاطب بـ [أنّک لاتهدي من أحببت] فلاتمل عن طريق الأئمّة الطاهرين...

ص ١٨١ س ٢٢، **في محلّه**: أقول و يأتي الكثير أيضاً في الميم بعنوان المجموعة فلاحظ.

«**كتاب الدعاء**» ص ١٨٣ رقم ٧٢٣: مرّ ذكره في ج ١: ٣٩١: ٢٠٢١.

«**كتاب الدعاء**» ص ١٨٣ رقم ٧٢٥: يأتي مكرّراً في ص ٢٠١: ٧٩٨ و أيضاً في ج ٢٠: ٦٧: ١٩٤٨.

«**كتاب الدعاء**» ص ١٨٤ رقم ٧٣٢، **البخاري**: توجد نسخة عند (سلطان القرائي) سمّي المؤلّف فيه بالبخاريّ الفريومدي السبزواري. صح

«**كتاب الدعاء**» ص ١٨٥ رقم ٧٤٣: أقول الظاهر أنّ هذا الكتاب هو بعينه «الجواهر المنثورة ٥: ٢٨٢: ١٣٢١» و راجع كتابنا [فهرست كتب خطى ١: ١٥٩].

«**كتاب الدعاء**» ص ١٨٦ رقم ٧٤٦: دعوات بافقى است (منهاج الفلاح) بلا شبهه.

«**كتاب الدعاء**» ص ١٨٦ رقم ٧٤٧: أقول يأتي أيضاً [كتاب الدعاء] الكبير لبعض المتأخّرين عن العلاّمة المجلسي بعنوان [كتاب الدعاء ١٧: ٢٧٤: ٢٥٢].

﴿**دعاء الاعتقاد**﴾ ص ١٨٧: قال شيخ الطائفة الطوسي قدّس روحه في [الرجال: ٤٤٧ ط النجف] ما نصّة [أحمد بن علوية الإصفهاني] إلى أن قال [و له دعاء الاعتقاد تصنيفه] انتهى و قد ذكره شيخنا المصنّف ره بعنوان [الاعتقاد ٢: ٢٢٤: ٨٨٢] فراجعه و الله العالم بمراد الشيخ فإنّه لم يذكر أحد ما المراد بهذا الدعاء الموصوف بدعاء الاعتقاد كما لم نعثر

على من اهتدى بمراده في ترجمة أحمد بن العباس النجاشي بأنّه كان يروي دعاء الكامل ما هو دعاء الكامل و الله العالم. م‌ع‌ر ليلة ٥ صيام سنة ١٤٠٧

ص ١٨٧ س ٨: وصف مَشيخة كنز السالكين. يأتي ذكره في محلّه ج ١٨ ص ١٥٨ و لسعدالدين محمّد بن المؤيّد الحموئي راجع سحنجد الأرواح في ج ١٢ ص ١٤٨ رقم ٩٩٤.

﴿دعاء البيت المعمور﴾ ص ١٨٨: أوّله «يا من أظهر الجميل و ستر القبيح» انظر شرحه «الفصوص السليمانيّة ١٦: ٢٣٥: ٩٣١» و راجع كتاب «شرح الصحيفة السجاديّة ٢: ١١٦ — ١١٩» للعلاّمة الميرزا محمدعلي الجهاردهي الشهير بالمدرّس المتوفّى ١٣٣٤ فهناک شرح الدعاء مختصراً و لعلّه توجد شرحه في سائر شروح الصحيفة أيضاً و جاء في «البلد الأمين ص ١٨» للكفعمي ره بعنوان «دعاء أهل البيت المعمور» و هو تعقيب شريف يقرء بعد صلوة الظهر و الله الموفّق.

«دعاء السيفي» ص ١٩٠: لدعاء السيفي يراجع أيضاً نقباء البشر ص ١٢٢٤ و عنه في مكارم الآثار ج ٦ ص ٢١٢٢.

«دعاء الصباح» ص ١٩٠ رقم ٧٥٧ س ٢٥، يحيى: ترجمته في الأعلام للزركلي ٨: ١٦٣ ط ٦.

ص ١٩١ س ٧، في آخره: انظر السطر الأخير في هذه الصفحة.

ص ١٩١: قال في كشف الظنون « الحرز المنسوب إلى علي بن أبي‌طالب رضي الله تعالى عنه أوّله اللهمّ يا من دلع لسان الصبح الخ و الشرح عليه لأحمد بن محمّد المعروف بنشانجي زاده (المتوفّى سنة ٩٨٦) انتهى و راجع «مرآة الكتب ٢: ٢١٩».

﴿دعاء العبرات﴾ ص ١٩٢: انظر ما كتبناه بهامش نسختنا من الأنوار الساطعة ص ١٧٣ عند ترجمة السيّد رضي‌الدين محمّد الآوي عليه الرحمة.

ص ١٩٢: دعاء العلوي المصري در مهج الدعوات است.

﴿دعاء الكامل﴾ ص ١٩٣: المذكور في ترجمة أحمد بن العباس النجاشي الصيرفي المعروف بابن الطيالسي و هو جدّ صاحب [رجال النجاشي] ظ قال شيخ الطائفة الطوسي ره في ترجمته في [كتاب الرجال ٤٤٦ ط النجف] ما لفظه [و كان يروي دعاء

الكامل] و كذا (دعاء) بدون اللام التعريف في «نوابغ الرواة: ٢٨» الدعاء، و لم نعثر على من تكلّم حوله و هذا من غرائب الأمر أعني عدم تعرّض أحد لتوضيح هذه العبارة المهملة. و العبارة كما نقلناه في جميع النسخ التي رأيناها و كذا في جميع كتب الرجال الموجودة بين أظهرنا سواء في المخطوطات أو الكتب المطبوعة منها نقلاً في كلّها عن رجال الشيخ، و الذي نظنّه و لانصدق غيره أنّ العبارة مصحفة محرفة من سهو الناسخين و أنّ الصواب [و كان يدعى الكامل] كما هي موجودة في كتاب «لسان الميزان ٤: ١٩٢» نقلاً عن ابن النجار بهذا الشكل و قد تعرّضنا لهذا المطلب في (شرح روضات الجنّات ص ١٣٢) فراجعه.

«دعائم الإسلام في معرفة الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام» ص ١٩٧ رقم ٧٧١: اعلم أنّ سيّدنا الجدّ الإمام العلاّمة المجتهد المجاهد المجدّد طاب مثواه قد تكلّم حول الدعائم هذا و صاحبه في كتاب «روضات الجنّات رقم ٧٢٦» و من جملة ما قاله في حقّ القاضي ما لفظه الشريف «و لكن الظاهر عندي أنّه لم يكن من الإماميّة الحقّة» إلى آخر ما أفاده طاب مثواه و لا شكّ في متابعة صاحب «مرآة الكتب ٢: ٢٢١ — ٢٢٧» لجدّنا الأمجد الأعلى حيث قال في أواخر بحثه الطويل حول الدعائم بعدم كون مؤلّفه من الإماميّة و قال سيّد المراجع المحقّقين في عصرنا هذا في كتاب فقهه الجليل «مباني تكملة المنهاج ١: ٢٢٦ ط النجف ١٣٩٦» بعد نقل رواية عن الدعائم و الأشعثيّات ما لفظه الشريف «إنّ ما في دعائم الإسلام لإرساله لم يثبت» الخ فارجع و اعلم أنّ هذا حال الكتابين الذين هما أساس تأليف المحدّث النوري لكتابه المستدرک و قد تعمّد في ذلک بعد ما أحاط خبراً بما ذكره سيّدنا الجدّ طاب ثراه في الروضات فاضطر من هذه الجملة و من نواح اُخرى و دواع غير مبرّرة لقيامه في وجه تلک الذريّة الطاهرة و لاتحسبنّ الله غافلاً عمّا يعمل الظالمون إنّما يؤخّرهم ليوم تشخص فيه الأبصار و ذكرنا أضعاف ذلک فيما مرّ فانظر [الأشعثيّات ٢: ١٠٩: ٤٣٦] عصمنا الله تعالى من الخطأ و الزلل بحقّ الحقّ و أهله آمين. ١١ ع ١ سنة ١٤٠٧

«الدعاة الحسينيّة» ص ١٩٨ رقم ٧٧٦، طريّاً: الطري الغضّ الليّن.

«الدعامة في إثبات الإمامة» ص ١٩٩ رقم ٧٧٧: أقول مرّ له (الحاوي في الفقه) في ج ٦ ص ٢٣٦.

«كتاب الدعوات» ص ١٩٩ رقم ٧٨٣: أقول مرّ ذكره في ج ١ ص ٣٨٩: ٢٠٠٦.

«كتاب الدعوات» ص ٢٠١ رقم ٧٩٨: انظر ما ذكرناه بهامش ص ١٨٣: ٧٢٥.

«الدعوات الصالحات» ص ٢٠٢ رقم ٨٠٢: مرّ له «الأدعية الأدوية» في ج ١: ٣٩٢: ٢٠٣٠.

«الدعوات المتفرّقات» ص ٢٠٢ رقم ٨٠٧: مرّ في ج ١: ٣٩٤: ٢٠٤٤ و يأتي في ٢٠: ٦٤: ١٩٢٧.

«الدعوات المفرّقات» ص ٢٠٣ رقم ٨٠٨: مرّ في ج ١: ٣٩٣: ٢٠٣٨.

«الدعوات و الزيارات» ص ٢٠٤ رقم ٨١٨: كرّر في ج ٢٠: ٦٥: ١٩٣٢.

«الدعوات و الزيارات المأثورة المعتبرة» ص ٢٠٤ رقم ٨١٩: كرّر في ج ٢٠: ٦٧: ١٩٥٠.

«الدعوات و الزيارات» ص ٢٠٥ رقم ٨٢٢: كرّر في ج ٢٠: ٦٥: ١٩٣١.

«الدعوات و الزيارات» ص ٢٠٥ رقم ٨٢٦: كرّر في ج ٢٠: ٦٧: ١٩٤٥.

«الدعوات و الزيارات» ص ٢٠٥ رقم ٨٢٧: مرّ في ج ١: ٣٩٤: ٢٠٤٦ و كرّر في ج ٢٠: ٦٤: ١٩٢٨.

«الدعوات و الزيارات» ص ٢٠٥ رقم ٨٢٨: مرّ في ج ١: ٣٩٣: ٢٠٤٢ و يأتي في ج ٢٠: ٦٥: ١٩٣٠.

﴿الدعوة الإسلاميّة﴾ ص ٢٠٧: للشيخ أبي‌الحسن الخنيزي انظر التكملة في «الردّ على القصيمي».

«دعوة إسلامي» ص ٢٠٧ رقم ٨٤٤، لثلاث سنين: بل سبع سنوات كما في «تاريخ جرايد و مجلات ايران» ج ٢ ص ٢٨٨.

«الدعوة الحسينيّة» ص ٢٠٧ رقم ٨٥٠: أقول طبع هذا الكتاب الجليل بالتزام حفيد مؤلّفه الشيخ محمدحسين جزاهما الله خيراً في قم سنة ١٣٩٩ و طبع معه [شهب ثاقبة] ذكرناه في موضعه من التكملة و الحمد لواهبه و ترجمة المؤلّف مبسوطة في (مكارم الآثار ٦: ٢١٦٥) و مرّ له [إعلان الدعوة ٢: ٢٤٢: ٩٦٠] و هو تكملة لكتابه هذا.

«دعوة الحق» رقم ٨٥١ — ص ٢٠٨ س ٣، محمدتقي: الظاهر أنّ الصحيح محمدباقر أو

المير محمدصالح اشتباه بالمولى محمدصالح المازندراني ره. من إفادات مولينا المعلّم دام ظلّه

«دعوة الحق» ص ٢٠٨ رقم ٨٥٣، **محمّد بن زين‌العابدين**: توفّي رحمه الله بإصفهان في ع ١ أو ع ٢ سنة ١٣٧٥.

«دعوة الحق» ص ٢٠٨ رقم ٨٥٤: انظر ترجمة السيّد الهادي ره في «أعيان الشيعة ٥٠: ٤٣: ثمّ ٥٢: ١٤١» ذكر هناک ولادته في كربلاء في أوّل ذي الحجة ١٢٩٧ و وفاته فيها في ١٢ ع ١ سنة ٦٨ قال و دفن في إحدى حجرات صحن الإمام الحسين صلوات الله عليه.

ص ٢١٠: يراجع (نسب نامه) و نظائرها في ج ٢٤.

ص ٢١٤ س ٤، **١٣٠٤ش**: الصحيح (١٣٠٣ش) لأنّ التاريخ الشمسي الهجري المُستعمل اليوم في ايران و إن كان استعماله و شهرته في (١٣٠٤) إلاّ أنّ وضعه و إبرام المجلس النيابي الإيراني إيّاه كان في ٢٤ حوت ١٣٠٣ كما ذكر ذلک الميرزا أبوالقاسم خان نجم‌الملک المذكور في العدد ٨٧١ في التقويم الرقمي للسنة ١٣٠٥ الشمسيّة (المفتتحة في ٧ رمضان ١٣٤٤) ص ٢ و كان مطابقاً ليوم السبت ١٨ شعبان (١٣٤٣) القمريّة. معلّم مدّ ظلّه

«دفتر التقويم» ص ٢١٦ رقم ٨٧٢ س ١٤، **(١٧)**: الصحيح (٧). معلّم

«دفتر تقويم» ص ٢١٧ رقم ٨٨٠ س ٢٠، **ص ٢١٩**: ليس في تلک الصفحة و لا في غيرها هذه الكلمات في وصف الميرزا جعفر هذا بل وقع قريب منها في وصف الميرزا جعفر المنجّم بن ميرزا غلام المستوفي التبريزي في (ص ٢٠٨) و نقلتم عنه في العدد (٨٨١). معلّم مدّ ظلّه

«دفتر تقويم» ص ٢١٨: السيّد جمال‌الدين محمّد هذا الآتي في ٩١٤ (ص ٢٢٤ س ١) هو بعينه السيّد جلال‌الدين المذكور في ٨٨٢. معلّم مدّ ظلّه

«دفتر تقويم» ص ٢١٩ رقم ٨٨٦: السرتيب أرّخ تولّد ذي الفنون كذلک و كنّا نقول به و كتبناه في مواضع عديدة أيضاً و لكن ظهر لنا أنّه غلط ظاهراً و أنّ الصحيح في تاريخ تولده و وفاته ما ذكر في جريدة اطلاعات اليوميّة الصادرة في طهران السنة ٢٢ العدد (٦٥٢٧) الصادرة في (١٤ صفر ١٣٦٧ ص ٦) أنّه ولد في الأربعاء ٢١ ذي‌القعدة

١٢٧٨ و توفّى في عصر يوم الخميس ١٢ صفر سنة ١٣٦٧. معلّم دام ظلّه العالي

«**دفتر تقويم**» ص ٢١٩ رقم ٨٨٦ س ٥، (**١٣٦٦**): الصحيح أنّه انتشر التقويم فيه من ١٣٠٩ش إلى ١٣٣٢ش. منه صح

«**دفتر تقويم**» ص ٢٢٠ رقم ٨٩٢ س ٦، (**١٢٩٠**): توفّي في أواخر ربيع الأوّل أو أوائل ربيع الآخر سنة ١٢٨٩ كما يستفاد مفهوماً و نصّاً من مرآت البلدان (ج ٣ ص ١٦١). معلّم مدّ ظلّه

«**دفتر تقويم**» ص ٢٢٠ رقم ٨٩٥: ليس المير محمدصادق المتزوّج بأُخته المير محمدعلي أحد هؤلاء المرقومين هناك بل هو المير محمدصادق بن المير سيّد محمّد بن المير محمدهادي بن المير محسن بن المير محمدهادي بن المير محسن بن المير كريم بن المير سيّد علي بن المير عمادالدين (الذي هو الجدّ الأعلى لكلّ من أفراد هذه السلسلة الخاتون آبادية) كما في الشجرة المرقومة آنفاً. معلّم مدّ ظلّه

«**دفتر تقويم**» ص ٢٢٠ رقم ٨٩٥ س ٢٤، **آقا يحيى المتوفّى**: الصحيح أنّه توفّي في ليلة السبت ثامن المحرّم المذكور كما في جريدة كيهان الصادرة في ١١ محرّم. معلّم

«**دفتر تقويم**» ص ٢٢٠ رقم ٨٩٥ س ٢٥، **توفّي (١٣١٠)**: هذا التاريخ غلط أيضاً و الصحيح أنّه توفّي قبل طلوع الشمس بثلث ساعات من يوم الإثنين ١٥ شوال سنة ١٣١٣ كما في مشجّرة الخاتون آباديّين لنائب الصدر ظاهراً. من إفادات مولينا المعلّم

«**دفتر تقويم**» رقم ٨٩٥ — ص ٢٢١ س ١، **عبدالكاظم**: أقول انظر ترجمة عبدالكاظم في الكواكب المنتشرة ص ٤٤٢ / ٤٤٣ و ٤٢٧ و ترجمة والده في ص ٣٦٢ و جدّه عبدالحسين صاحب وقايع السنين ص ٤١٩.

«**دفتر تقويم**» ص ٢٢١ رقم ٨٩٧: أقول راجع «مكارم الآثار ج ٨ رقم ١٦٦٣».

«**دفع شبهة الاستلزام**» ص ٢٢٩ رقم ٩٥٠: أقول انظر [الردّ ١٠: ١٩٤ فما بعده رقم ٤٩٠ و ٤٩١ و ٥١١].

«**دفع شبهة الاستلزام**» ص ٢٣٠ رقم ٩٥٦، **المتوفّى (١٠٩٩)**: لا وجه لسنة ١٠٩٩ و الصحيح أنّه توفّي في ٧ شوال سنة ١٠٨٢ كما في لوح قبره الموجود المعلوم في تخت فولاد. معلّم مدّ ظلّه

«دفع المناولة عن التفضيل و المساواة» ص ٢٣٢ رقم ٩٦٨: يراجع «مرآة الكتب ٢: ٢٢٨».

«دقايق الأصول» ص ٢٣٣ رقم ٩٧٤: أقول انظر «دقايق الحقائق» في مستدركات الذريعة للمؤلّف نفسه ره.

«دقايق الحقائق» ص ٢٣٤ رقم ٩٨١: أقول الصواب انّ اسم الكتاب «دقائق الخيال» ذكره المرحوم المحدّث القمي طاب ثراه في كتابه «الكنى و الألقاب» فقال [صدر الممالك الميرزا صالح الرضوي نقيب الأشراف الرضويّة «...»

«دلائل الأحكام» ص ٢٤٠ رقم ١٠١٤: اعلم أنّ جدّنا الإمام الأفقه الشيخ جعفر كاشف الغطاء (١١٥٦ — ١٢٢٨) قد نقل عن الدلائل هذا في كتابه الجليل [الحقّ المبين في تصويب رأي المجتهدين و تخطئة الأخباريّين ٧٦ ط ١] مرّة واحدة من دون أن يسمّي مؤلّفه و هذا نصّ كلامه قال [و لقد رأيت في كتاب دلائل الأحكام أنّه نقل لبعض شاهات الصفويّة أنّ فلاناً من فضلائهم الأعيان حكم بطهارة الخمر فأمر بدقّ الطبول و إظهار السرور قائلاً بأنّي كنت أجتنبه لنجاسته و قذارته لأنّي لم أزل آكل الحرام على إنّي أرجو انّه إذا طهر يحكم بعد ذلك بإباحته] انتهى أقول و حيث لم يذكر شيخنا المصنّف له نسخة فيظنّ ضياع النسخة بعد صاحب المفتاح (نحو ١١٦٠ — ١٢٢٦) قدّس الله تعالى روحه على إنّي ربما يختلج ببالي أن يكون الكتاب من مؤلّفات الفقيه الجليل ملا أبوالحسن الشريف الفتوني العاملي المتوفّى ١١٣٨ و العلم عند الله. م ع ر في ٩ صيام ١٤٠٨

ص ٢٤٦ س ٥، هذا: انظر الذريعة ج ١١ ص ١١١ و ج ١٧ ص ٦٦.

«دلائل الإمامة» رقم ١٠١٨ — ص ٢٤٦ س ١٣، أقدم نسخ هذا: أقول و عندنا نسخة من هذا الكتاب فرغ الكاتب من كتابتها كما في آخرها هكذا [في ١٦ من شهر شوال ١٢٦٢ على يد الأقلّ ١٩٥] انتهى و كتب جدّنا العلاّمة الحجّة الحاج مير سيّد محمّد شفيق الإمام المجدّد صاحب الروضات أعلى الله مقاميهما في الهامش ما نصّه [بلغ قبالاً مع نسخة لاتخلو عن سقم] و عامّة العناوين في الكتاب أيضاً بخط الجدّ طاب ثراه كتبها بالحمرة و النسخة تلو «شرح حديث الغمامة و خطبة البيان» للقاضي سعيد.

ص ٢٤٦ س ٢٣، الإصفهاني: هو العالم الجليل المرحوم الحاج ميرزا يحيى ميرزا شفيع البيدآبادي ره المذكور شيء من ترجمته في كتاب «...»

ص ۲٤٧ س ١٦، خريط: أقول الصواب الخرّيت بالتاء المنقوطة بمعنى الدليل الحاذق الماثل.

«**الدلائل الباهرة في فقه الأئمّة الطاهرة**» ص ۲٤٧ رقم ١٠٢٠: أقول راجع (ماضي النجف و حاضرها ٣: ٢٢٥) و قوله (البياني) هذا من خطأ المباشر للطبع و الصواب (البياتي) بالتاء المثناة الفوقية دون النون كما في الماضي.

«**الدلائل البرهانيّة في تصحيح الحضرة الغرويّة**» ص ٢٤٨ رقم ١٠٢٢: أقول نشر المير جلال‌الدين المحدّث الأُرموي عليه الرحمة هذا الكتاب عن نسخة تاريخها سنة ١٠١٩ في تعليقاته لكتاب «الغارات ٢: ٨٣٧ — ٨٨٠» لإبراهيم بن محمّد الثقفي رضي الله عنه و علّق على بعض مواضعه ثمّ ألحق به تكملة إلى ص ٨٨٤ جزاه الله تعالى خيراً و راجع أعيان الشيعة ٢٤: ٢٥٥. م‌ع‌ر عفي عنه في ١٥ شهر رجب ١٤٢١

«**دلائل الدين**» ص ٢٥٠ رقم ١٠٢٨، **للحاج**: توفّى سنة ١٢٥٦ كما في مقالة الميرزا عباس النحوي في ترجمة السلسلة الهرندية. معلّم مدّ ظلّه

ص ٢٥٠ س ١١، **المدفون بمقبرة**: / المدفون هو في هرند و والده بمقبرة. صح

«**دلائل الرجعة**» ص ٢٥٠ رقم ١٠٣٠، غلامعلي: ترجمته و صورته في «مؤلّفين كتب چاپى ج ٤ ع ٧٢٦» فراجعه.

و أمّا الفريد مؤلّف اسلام و رجعت فهو أيضاً مذكور في ع ٢٦ من الكتاب المذكور فليراجع.

«**دلائل الصدق في نهج الحقّ**» ص ٢٥١ رقم ١٠٣٣: أقول ثمّ طبع بعده مجلّدان آخران تمّ بهما الكتاب الشريف و الحمد لله و راجع «نهج الحق» في (ج ٢٤: ٤١٦).

«**دلائل المرشدين إلى خلافة علي أميرالمؤمنين ع**» ص ٢٥٢ رقم ١٠٤٢: انظر لمؤلّفه (السعادة) في (ج ١٢: ١٨٠) و (منهاج الإسلام) في (٢٣: ١٥٦).

﴿**الدلائل و المسائل**﴾ ص ٢٥٤: سلسلة سؤالات علميّة و دينيّة و تاريخيّة و جواباتها للعلاّمة السيّد هبة الدين الشهرستاني الكاظمي من مشايخنا في رواية الحديث جمعت من السنة الأُولى و الثانية لمجلّة [المرشد البغداديّة] و طبعت في مطبعة النجاح ببغداد سنة ١٩٢٦ و ١٩٢٨ مسيحية عندنا نسختها و لا أدري إذاً طبع شيء بعدها.

ص ٢٥٩ س ٤، «رجال ملا مراد»: يأتي بعنوان (رجال الكشميري) في ج ١٠ ص ١٤١.

«دليل المتحيّرين» ص ٢٦٠ رقم ١٠٨٨: أقول نسخة منه في ٤٦ص في آخرها تاريخ تأليفه (يوم الثلثاء سادس شهر صفر ١٢٣٠) و تاريخ كتابتها سنة ١٢٦٠ في مجموعة من آثار الكاشف عندنا و يأتي له مصباح الذاكرين و غيره و انظر ما ذكرناه بهامش ديوان كاشف و ديوان صدرالدين في حرف الدال من الذريعة.

«دليل المتحيّرين» ص ٢٦٠ رقم ١٠٨٩: قال في آخرها كما في نسختنا المخطوطة: (فرغ من إملائها منشئها عصر يوم السبت الحادي عشر من شهر ربيع المولود سنة ١٢٨٥ في هور الهندية في جزيرة فيه يسمّى الحصوة ممّا يقرب من مسجد الكوفة) و هذا العام بعينه عام الفتن المحدثة في كربلا و توفّي السيّد بعده بالسمّ في الليلة الحادية عشر من ذي الحجة ١٢٥٩ كما في (فهرست كتب مشايخ ج ١ ص ١٥٤) و انظر هناك «دليل المتحيّرين» في ج ٢ ص ١١١ و راجع فهرس المركزي ج ١٥ ص ٤١٣٠ و ذكر في (مكارم الآثار ج ١: ٢١٢) أنّ السيّد الأفقه الأعلم السيّد إبراهيم القزويني صاحب (نتايج الأفكار) لمّا رأى الدليل هذا تبسّم ضاحكاً و قال لتسمّ هذه الرسالة بالشتمية لأنّ عامّة مطالبها سبّ العلماء الأعلام و شتمهم فلاحظ.

«دليل المتحيّرين» ص ٢٦٠ رقم ١٠٩٠ س ١٢، توجد: أقول ليس في النسخة الموصوفة من الترجمة الموجودة عندي ما يشعر بأنّ اسم الكتاب دليل المتحيّرين بل هو الكتاب المعروف بالسير و السلوك و يأتي في ج ١٢ ص ٢٨٣ و لا أدري الآن من أين ذكره المصنّف بهذا العنوان و الله العالم.

«الدماء الثلاثة» ص ٢٦٣ رقم ١١٠٨، المتوفّى (١٢٦٧): ذكر الآقا نجفي السيّد شهاب الدين في حاشية هداية الأنام للمحدّث القمي أنّه توفّي في ١٤ صفر سنة ١٢٨٨ و كان يوم الجمعة (مأخوذ من إفادات العلامة المعلّم).

أقول في تقويم وستنفلد غرّة صفر ١٢٨٨ يوم السبت فالتاريخ صحيح و لكنّه للشيخ محمّد فراجع ترجمته في (مكارم الآثار ج ٨).

«الدمعة الساكبة في المصيبة الراتبة» ص ٢٦٤ رقم ١١١٨ س ٢٣، التلف: أقول ذكر لنا

الحاج السيّد محمدعلي (موحّد أبطحي) في ١٩ شهر شعبان المعظم ١٤٠٤ أنّ عنده الآن نسخة من المجلّدين الأخيرين من الدمعة و فقدت منها الصفحتان الأولى و الأخيرة و قد أطرى السيّد في مدح الكتاب هذا و خط مؤلّف الدمعة عندنا في صفحة العنوان من نسخة الاستغاثة و هامش أواسطها.

«الدمعة الساكبة و المصيبة الراتبة» ص ٢٦٥ رقم ١١١٩: اعلم أنّ من الغريب ما ذكره الشيخ محمّد حرزالدين في «معارف الرجال ١: ٤٤ و ٢: ٣٥٠) انّ [الدمعة الساكبة في مقتل الإمام الحسين عليه السلام و غيبة الحجة] مؤلّفه والد السيّد محمّد الهاشمي الدزفولي المتوفّى ١٢٨٩ و لم يصرّح الشيخ باسم والد السيّد محمّد هذا.

«دوازده امام» ص ٢٦٩ رقم ١١٣٩: يراجع ج ٢٢ ص ٣١٧ س ٢٣.

«دوازده بند» ص ٢٧٠ رقم ١١٤٣: أقول يأتي في ج ٩: ٥٩٨: ٤٢٩٤.

«دوازده بند» ص ٢٧٠ رقم ١١٤٧، **توفّى (١٢٨٩)**: الصحيح أنّه توفّى في شوال سنة ١٢٩٨ و عدّة كتب آخر كما ذكره مولينا المعلّم.

«الدوحة» ص ٢٧١ رقم ١١٥٥: للدوحة و مؤلّفه يراجع منية الراغبين ص ٢٨٥ و ينقل عن الدوحة أبوطالب المروزي في كتابه الفخري في النسب منها في ص ٦٨ س ٥ و يأتي أيضاً «مشجّر نسب أبي‌طالب ٢١: ٤٦: ٣٨٩٤».

«الدوحة الحيدرية» ص ٢٧٣ رقم ١١٥٨، **آل السيّد حيدر: هذا غلط و الصحيح ما** ذكرتموه في (ج ٣ العدد ١٦) هكذا السيّد حيدر بن ابراهيم بن محمّد بن علي الحسني و إلى أن قلتم ابن أخ السيّد أحمد الشهير بالعطّار الخ، وفاقاً لما في أحسن الوديعة أيضاً (ج ١ ص ٢١). معلّم دام ظلّه

«الدوحة الغريفيّة» ص ٢٧٣ رقم ١١٥٩، **للسيد مهدي**: صاحب أنساب الهاشميّين المذكورين في ج ٢.

«الدوحة المطلبيّة» ص ٢٧٣ رقم ١١٦٠ س ١٩، **أبي‌الحرث**: انظر (منية الراغبين ص ٣٦٨).

«الدوحة المطلبيّة» رقم ١١٦٠ — ص ٢٧٤ س ١١، **محمّد بن المهنا**: مهنا بن الحسن بن محمّد بن المسلم بن المهنا المذكور صاحب كتاب وزير [وزراء.ن] الزوراء له عقب. كذا

في العمدة ص ٣٢١ ط لكهنو التي نقل عنه المصنّف و كأنّه عمد إلى تلخيص العبارة و أمّا في العمدة المطبوعة بالنجف ص ٣٢٢ فاضيف إلى آبائه [علي بن مهنا] بين مهنا و الحسن و أثبت في الصلب اسم كتابه [وزراء الزوراء] من دون تعليق انظر «الوزراء ٢٥: ٦٧: ٣٦٥» و «حلية الإنسان ٧: ٨١: ٤٢٩».

«**رسالة الديات**» ص ٢٨٥ رقم ١٢٢٩، **القزويني الشهيد بها في (١٢٦٤)**: كتب على ظهر بعض نسخ مجالس المتّقين له ره المطبوعة أنّه ضرب بضربة الفرقة البابية بمسجده في قزوين في ليلة ١٥ ذي القعدة سنة (١٢٦٣) و توفّي بعده بيومين في ١٧ و في بعض مواضع آخر أنّه توفّي سنة (١٢٦٣) و الحاجي مجتهد توفّي بيوم أو يومين بقي من ذي القعدة سنة ١٢٦٤ كما في جريدة اطلاعات. مأخوذ من العلاّمة المعلّم مدّ ظلّه

ثمّ إنّه طبعت ترجمة الشهيد في [مكارم الآثار رقم ١٠٣٦] فراجعه.

«**الدين و الشئون**» ص ٢٩٤ رقم ١٢٩٦: ترجمة الممقاني هذا مذكورة في كتاب «رجال آذربايجان ص ١٥١» و قال نصرت الله فتحي في مقال له طبع في «خاطرات وحيد ص ٥٥٨ - ٥٦٢» إنّ «دين و شون» الذي طبع باسم الممقاني مؤلّفه الميرزا اسماعيل يكاني صاحب «نصاب فرانسه» و «سخن شناسى». أقول و هذا الرجل مذكور في المؤلّفين للمشار ج ١ ع ٦١٨ بعنوان «اسماعيل بن ابراهيم يگاني المتخلّص بعامي» و ذكر أنّه ولد سنة ١٢٦٦ش (الموافق ١٣٠٤ - ١٣٠٥ق) و انّه رئيس المحكمة العليا الانتظامية لقضاة وزارة العدلية في طهران و طبع له بها «خرده فرهنگ - لغت منظوم» و «سر آغاز» بالنظم و يأتي ذكر الكتاب أيضاً مكرّراً في الرسائل (ج ١١: ١٨٥: ١١٤٣) و الله العالم.

﴿**ديوان الأنساب**﴾ ص ٢٩٥: لصاحب «منتقلة الطالبيّة ٢٣: ٤: ٧٨١٧» راجع كتاب «منية الراغبين ٣٤٠».

﴿**ديوان النسب**﴾ ص ٢٩٥: اطلبه في (ج ٩: ١١٨٤: ٧٦٤٣).

ص ٢٩٧، **مكتبة آل محيي‌الدين... محيي الدين الثاني**: الصحيح أنّ محيي‌الدين الثاني هو ابن حسين بن محيي‌الدين الأوّل وفاقاً لما في ٤ عدد ٢٢. معلّم مدّ ظلّه

ص ٢٩٩: أقول من جملة المكتبات القديمة المهمّة في العراق خزانة مكتب السيّد

نصرالله المدرّس الحائري الشهيد و من جملة المكتبات المتأخّرة مكتبة السيّد خليفة البحراني التي كان فيها بعض نسخ خزانة السيّد الحائري (انظر ج ١٩ ص ٥٤).

ص ٣٠٣: صحّح جميع الأجزاء على هذه التصحيحات و غيرها و الحمد لله تعالى. و أخيراً أوردت الاستدراكات المطبوعة خلف المجلّد ٢٥ في مواضعها المعلومة فتمّ و الحمد لله تعالى في ليلة الإثنين الثاني من ع ١ سنة ١٤٠٥.



القسم الأوّل من الجزء التاسع

ص ١: لتكميل ما في هذه الأجزاء الضخمة الفخمة الديوانيّة يلزم الرجوع إلى الكتاب النفيس «فرهنگ سخنوران» للأُستاذ خيام پور طبعة تبريز و عشرات بل مآت من الدواوين المطبوعة مؤخّراً عن طبع هذه الأجزاء من الذريعة عربيّاً و فارسياً و كذا عدّة من الكتب التاريخيّة و تذكرة الشعراء و فهارس المخطوطات في أنحاء العالم و اللّه الموفّق.

«**ديوان آئينه مشروطه**» ص ١، **ديوان مهندسي**: أقول الصواب «ديوان مهندس دستگردي ١١٣٨: ٧٣٣١».

«**ديوان آزاد كشميري**» ص ٦ رقم ٣٣: ليس هو صاحب كتاب نجوم السماء في أحوال العلماء كما توهّمه خانبابا خان مشار في كتبه.

«**ديوان آشفته فارسي**» ص ٧ رقم ٤٠: أقول يراجع «مكارم الآثار ج ٦ ص«...»

«**ديوان آگاه قاجار**» ص ١١ رقم ٦٩: يراجع مكارم الآثار ج ٧ رقم «...»

«**ديوان آيتي**» ص ١٣ رقم ٨٥: أقول انظر لأخيه المذكور (مقامات معنوي ٢٢ رقم ٥٧٨٥) و أبوهما المعنون في «نقباء البشر رقم ٤٦٦».

«**ديوان ابن التعاويذي**» ص ١٨ رقم ١٢٣: أقول و يأتي وصف مخطوطة لديوان سبط ابن التعاويذي في ص ٤٢٨ و للرجل ترجمة في أعيان الشيعة ج ٥ ص ٢٩٧ و نقل جملة من أشعاره إلى ص ٣٠٢ فراجعه.

«**ديوان ابن داغر**» ص ٢١ رقم ١٣٦، **مقامس**: الصواب «...» و لم يذكره المؤلّف في الضياء اللامع و راجع كتاب شعراء الحلّة.

ص ٢٢ س ١٣، **آقا رضا الإصفهاني: يأتي** ديوان الشيخ محمدرضا ابن خالنا في ص ٣٦٣ رقم ٢١٤٤.

«**ديوان ابن سنا ملك**» ص ٢٥ رقم ١٤٦: **أقول** ابن سناء المُلك هو القاضي السعيد عزّالدين أبوالقاسم هبة الله بن القاضي الرشيد جعفر بن سناء الملک المصري الأديب الكامل الكاتب المشهور الشاعر الشيعي المتوفّى سنة ٦٠٨ انظر ترجمته و مآخذها في الوافي بالوفيات ج ٢٧ رقم ٢٠٩ لم يذكره المصنّف في الأنوار الساطعة فذكرته في الهامش.

«**ديوان ابن طباطبا**» ص ٢٦ رقم ١٥٣: **أقول** انظر له «تهذيب الطبع ٤: ٥١١: ٢٢٧٩» و طبع له «رسالة في استخراج المعمّى» تحقيق د محمّد بن عبدالرحمن الهدلق السعودي في «مجلّة معهد المخطوطات العربيّة الكويتيّة ٣٤: ١: ٦١ — ٩٩» مع مقدّمة في حياة ابن طباطبا و قائمة المصادر فراجعها.

«**ديوان ابن العربي**» ص ٢٦ رقم ١٥٥: **أقول** أوّلاً الصواب في نسبة الرجل ابن عربي بلا لام و ثانياً يكرّر هذا العنوان في «ديوان محيي الدين ٩: ١٠١٦: ٦٦١٣» و ثالثاً انظر له «المناقب ٢٢: ٣١٧: س ٢٣» و الرابع أنّ الرجل من أشدّ أعداء الشيعة فكيف يمكن عدّه منهم كما بيّناه في مواضع من التكملة هذه و كذا في رسالة خاصّة لنا بالفارسية و في شرحنا للروضات فالعنوان كالكثير من العناوين من إضافات الناشر الغنوصي رأساً و الله العاصم. حرّر في غرّة صفر الخير ١٤٠٨

«**ديوان ابن معتوق**» ص ٢٩ رقم ١٦٨، **المتوفّي: أقول** هذا التاريخ مطابق تماماً لضبط السيّد معتوق وَلد الشاعر و جامع ديوانه في المقدّمة ص ٤ من نسختنا المطبوعة بالمطبعة العثمانيّة الكائنة بحارة الفراخة بمصر القاهرة في أواخر سنة ١٣٠٧ و صفحاتها ١٧٥. و صفحة عنوان الكتاب في هذه الطبعة هكذا «ديوان بليغ الشعراء و خاتمة الفصحاء المحتاج إلى عفو مولاه القويّ معتوق بن شهاب الموسوي غفر الله له آمين» و الحقّ أنّ الرجل جامع ديوان أبيه كما ذكر تفصيله في المقدّمة و لايبعد وقوع تدليس الناشر كما لايبعد إسقاط بعض أبياته حين الطبع فاللازم الفحص عن مخطوطة صحيحة من الديوان و أمّا معجم المطبوعات فالكتاب مذكور فيه (العمود ٢٤٤) تحت عنوان «ابن معتوق

الموسوي» الخ و هناک انّ الطبعة الحجرية المصريّة تاريخها سنة ١٢٧٩. و أمّا الولد فهو مترجم في كتاب (نشوة السلافة) نقل عنه الترجمة في (أعيان الشيعة ج ٤٨ ص ٨٥) و أشار إليه شيخنا المؤلّف في ج ٢٤ ص ١٦١ ثمّ إنّ عندنا أيضاً الطبعة البيروتية الجيّدة المشكولة و نسب الديوان فيه إلى صاحبه ابن معتوق صحيحاً و هذه الطبعة التي طبعت بالمطبعة الأدبيّة سنة ١٨٨٥ الموافق لسنتي ١٣٠٢ – ١٣٠٣ق و نشرتها المكتبة الوطنية هي المشار إليها في المتن و نسختنا نسخة ابن خالنا العلاّمة الكبير الشيخ محمدرضا النجفي الإصفهاني المذكور في هامش ص ٢٣ من هذا الجزء و قد كتب هو أيّام إقامته بالنجف الأشرف في ظهر النسخة هذا المصراع «خير الدواوين ديوان ابن معتوق» فتمّمه صديق الشيخ حسن دخيل في ذيل المصراع بقوله «بقيمة بخسة قد بيع في السوق» انتهى و قد صدّقا رحمهما الله تعالى في مصرعيهما. و السلام. ليلة الأحد غرّة ع ١ سنة ١٤٠٥ نجانا الله سبحانه من الهمّ و الغمّ بحقّ سيّد العرب و العجم صلّى الله عليه و آله و سلّم

ص ٢٩ س ١٩، في (١٠٦٢): الصواب ١٠٦٣.

هذا العقيقُ و تلکَ شُمُّ رِعانِه / فامزُجْ لُجَيْنَ الدّمع مِن عِقيانِه

و التصحيحات من نسختنا من الديوان.

«ديوان ابن الهبارية» ص ٣٣ رقم ١٨٨: أقول يأتي ذكره أيضاً في ص ١٢٠٤ و ممّن ذكر ترجمة الرجل شيخنا السيّد الأمين في «أعيان الشيعة ٤٥: ٣٢٦ – ٣٢٧» و العجب من شيخنا المصنّف طاب ثراه حيث ذكر آثاره في الذريعة و لم يذكر ترجمته في «الطبقات».

ص ٣٤: الأبهريّ الشاعر الأعجميّ (راجع الفخري لابن الطقطقي ص ٣٢٥ ط ١٣٨٦).

«ديوان أبي‌طاهر» ص ٤٢ رقم ٢٣٩ س ١٠، **عبدالمولي:** أقول هو صاحب [فدعة الشاعرة ١٦: ١٢٨: ٢٦٨] و غيرها.

«ديوان أبي‌طالب» ص ٤٢ رقم ٢٤٣: أقول انظر «إيمان أبي‌طالب عليه السلام ٢: ٥١٠ – ٥١٤» و راجع [شعر أبي‌طالب عليه‌السلام ١٤: ١٩٥: ٢١٦١].

ص ٤٣ س ٢٤، **الكتب:** أقول الصواب الكيب معرّب «گيب» أو «جيب» و هو المستشرق.

ص ٤٤: استطراد، انظر [الردّ على أبي‌العتاهية في التوحيد في شعره ١٠: ١٨٠: ٣٨٤].

«ديوان أبي‌فراس» ص ٤٧ رقم ٢٦٠: انظر كتاب (سيف الدولة و عصر الحمدانيّين: ١٤١ فما بعدها) بقلم سامي الكيالي (ط مصر ١٩٥٩م دارالمعارف).

ص ٤٧ س ٢٥، **المدرس**: الظاهر أنّ الصواب المدرّسي و هو الچهاردهي المشهور و هذا الشرح لابن امير الحاج مطبوع متداول يأتي ذكره في ج ١٣: ٣١٥.

«ديوان أبي‌الفضل الطهراني» ص ٤٧ رقم ٢٦٣: أقول و انظر «شفاء الصدور» له في ج ١٣: ٢٠٣: ٢١٩٤.

«ديوان الخواجه أبي‌الوفا الخوارزمي» ص ٥٢ رقم ٢٨٦: توجد جملة من رباعياته و أشعاره (ظ) عندي في مجموعة ١١٠٢.

«ديوان أتابک» ص ٥٣ رقم ٢٩٣: أقول هذا خطأ و الصواب أنّه علي أصغر بن آقا محمدإبراهيم أمين السلطان و تاريخ قتله أيضاً خطأ و الصواب أنّه قتل في ليلة الأحد ٢٢ شهر رجب ١٣٢٥ و أمّا تخلّصه الشعري فهو «قدسي» كما يظهر كلّ ذلک جليّاً من ترجمته في «مكارم الآثار ج ٦ رقم ١٢٩٥».

«ديوان اديب الممالک» ص ٦٦ رقم ٣٧٧: أقول يظهر من أشعار هذا الأديب أنّه كان مدّاحاً ملقاً لبعض الرجال الاثرياء و ذوي الجاه و هجّاءً قبيحاً للآخرين و لعلّه لهذا أغفله دهخدا فما نقل عنه و لا بيتاً واحداً في مجلّداته الأربع من كتابه الحافل [أمثال و حكم] كما يظهر من فهارسه. انظر كتاب «خلسه مشهور بخوابنامه اعتمادالسلطنه هامش ١٣٣ و ١٧٤ ط طهران ١٣٥٧ش».

«ديوان الأرجاني» ص ٦٧ رقم ٣٨٠: انظر [نفثة المصدور ٢٤: ٢٤٤ — ٢٤٥] و راجع [الثقات العيون: ٢٨ — ٢٩] و [تجارب السلف ٢٦٧ — ٢٦٨ ط إصفهان باعتنائنا].

«ديوان الأزرقي» ٦٨ رقم ٣٨٦: قال الأرزقي: اى حيا را همچو عثمان / علم را همچون علي - اى صداقت را چو بوبكر / اى عدالت را عمر. فمع هذا كيف يمكن عدّ القائل في شعراء الشيعة و الله العاصم.

«ديوان أسرار سبزواري» ص ٧٢ رقم ٤٠٦ س ١٢، **العارض**: الصواب العارفين و لترجمة الحاج ملا هادي يراجع «نشريه انجمن آثار ملى ٣ — ٤ پائيز زمستان ١٣٥٥ ش:

١٣ – ٥٦» مقالة «اسرار سبزوارى و فلسفه او» لكاتبها صديقنا الفاضل الكريم مرتضى مدرّسي چهاردهي.

«ديوان اسراري» ص ٧٢ س ٢٠، فنائي: أقول الصواب «فتاحي ٨٠٧: ٥٤٤٤».

«ديوان أسيري إصفهاني أو شعره» ص ٧٥ رقم ٤٣١: أقول يأتي ولده صحيفي ص ٥٩٩.

«ديوان أسيري لاهجي» ص ٧٦ رقم ٤٣٦ س ٤، فاتنا ذكره: اطلبه في [مثنوي ١٩: ١١٤: ٥٩٠].

ص ٧٦ س ٨، بيار: الصواب بيار بيائين موحّدتين.

«ديوان إشراق القايني» ص ٧٧: عبدالكريم المتوفّى ١٢٢٩. راجع (مكارم الآثار ٣: ٨٧٢) و [رجال قاين: ٢٣: ٥٠].

«ديوان أشرف جرجاني أو شعره» ص ٧٧ رقم ٤٤٦: أقول انظر [ديوان مير مخدوم ٩: ١٠١٨: س ١٥] و يأتي الإشارة إليه أيضاً في [ديوان شريفي الشيرازي ٥٢٥ س ٧] و في «فرهنگ سخنوران ٥٢٩» ذكر له ثلاث مآخذ أحدها هذا الموضع من الذريعة ثانيها «مجمع الخواص ٤٢ – ٤٣» لصادقي كتابدار و الثالث «قاموس الأعلام و ٤٥١٠» لشمس‌الدين سامي و موجز ترجمته في [دانشمندان و سخنسرايان فارس ٣: ٢٦١] و يأتي لجدّه [ديوان الشريف الجرجاني ٥٢١: ٢٨٩٨] و كلاهما من النواصب و المخالفين لمذهب الشيعة. و مرّ له ذكر «تفسير شاهي ٤: ٢٧٧: ١٢٧٨» فراجعه.

«ديوان أشرف مازندراني» ص ٧٨ رقم ٤٥١: انظر «زندگينامه علامه مجلسى ١: ٣٥١» و «نزهة الخواطر ٦: ٣١٢» و هو والد ملا محمّد أمين صاحب [الإمامة ٢: ٣٢١: ١٢٧٢] و طبع ديوانه.

«ديوان اشكي أو شعره» ص ٧٩: عبدالمؤمن انظر «سدّ اسكندر ١٢: ١٥٣: ١٠٣٠».

«ديوان اعتصامي» ص ٧٩ رقم ٤٦٩: انظر [ديوان رونق كرماني ٣٩٢: ٢٢٩٢].

«ديوان اعجاز هراتي أو شعره» ص ٧٩ رقم ٤٧٢: أقول يأتي له «وصف اصفهان» في ج ٢٥ ص ٥٣٩.

«ديوان اقبال لاهوري» ص ٨٦ رقم ٥١٣: لم يذكر في المتن كالغالب دليلاً على تشيّع الشاعر و قد وجدنا في نظم اقبال هذا ما يدلّ على تسنّنه بلا شبهة.

﴿**ديوان اقبالي جندقي أو شعره**﴾ ص ٨٧: هو السيّد ميرزا آقا ابن الميرزا حبيب الله الموسوي الجندقي المتولد ١٢٧٥ ببلدة جندق المتوفّى بطهران ١٣١٥ و دفن في صحن السيّد عبدالعظيم الحسني عليه‌السلام بالري كان من أجلّة العلماء كما في ترجمته الموجزة في [أعيان الشيعة ١٤: ٤٥١: ٢٧٨٩].

﴿**ديوان إلهامي أو شعره**﴾ ص ٩٢: هو والد أبي‌القاسم لاهوتي الآتي في (ص ٩٤٠: ٦١٨٥) كما ذكره في أوّل كتابه «شرح زندگاني من».

«**ديوان الهي گيلاني أو شعره**» ص ٩٣ رقم ٥٦٠: **أقول** انظر (ديوان خليفه سديد) في ص ٣٠٢ و (ديوان سديد طبيب گيلاني) في ص ٤٣٥ و لعلّ الأخير رجل آخر فليراجع (فرهنگ سخنوران).

«**ديوان امير حسيني غوري**» ص ١٠٠ رقم ٦٠٥: يراجع «تذكره هفت اقليم ٢: ١٢٤ — ١٢٦» و مجلّه «أدبستان ٣٦: ١٥٠ — ١٥١».

«**ديوان أميرالمؤمنين علي عليه‌السلام**» ص ١٠١ س ٤، **عددْتُ: القائل** هو علينقي منزوي ولد المصنّف و من الموسف جدّاً تصرّفه في كُتب أبيه دائماً و ليراجع حول الموضوع أعني ديوان الشعر المنسوب لسيّدنا و مولانا أميرالمؤمنين صلوات الله و سلامه عليه إلى كتاب «تحقيقات ادبي» للفاضل غلامرضا كيوان سميعي ففيه بحث طويل حول هذا الديوان و هكذا لصاحب «مرآة الكتب ٢: ٢٢٩ — ٢٣١» بحث حافل حول الموضوع.

«**ديوان امينا الفراهاني**» ص ١٠٣ رقم ٦٢٤: **أقول** عندنا حاشية المحقّق الكركي على النافع بخطّه أي الأمينا رقمها ٥٨٩٤.

«**ديوان انسي گون آبادي**» ص ١٠٧ رقم ٦٥٩: **أقول** ينقل صاحب «مناقب مرتضوي ٢٢: ٣٣٤: ٧٣٢٨» من أشعاره بعنوان «سيّد مير حاج انسي».

«**ديوان انوري**» رقم ٦٧٥ — ص ١١٠ س ٦، **حكماء الشيعة:** كيف يكون الرجل شيعيّاً و في ديوانه أبيات شعر متفرقة في مدح عمر بن الخطاب و وصفه بالعدالة.

«**ديوان اوحدي مراغي الإصفهاني**» ص ١١١ رقم ٦٨٧: انظر ما ذكرناه في التكملة على «جام جم ٥: ٢٣: ١٠٥» و طبع ديوانه.

«ديوان بابا افضل كاشاني» ص ١١٦ رقم ٧١٤: **أقول** انظر [الأنوار الساطعة ص ٢٠] و اصلح بعض ما هناک بترجمته الواسعة في كتاب [احوال و آثار خواجه نصير ٢٠٥ فما بعدها].

«ديوان باقي نعمة اللهي» ص ١٢٤ رقم ٧٧١: **أقول** انظر ترجمته في «رياض العلماء ٣: ٥٩ ط قم» و يأتي «ديوان الشاه نعمة الله ١٢١٥: ٦٨٩٥».

«ديوان بحرالعلوم» ص ١٢٦ رقم ٧٨٠: راجع ج ١٤ رقم ٧٨٢.

«ديوان بحرالعلوم» ص ١٢٧ رقم ٧٨٢: **أقول** يأتي له أيضاً (العقود الإثناعشر في مراثي سادات البشر) في ج ١٥: ٣٠٢ و أمّا قصيدته في حساب عقود الأنامل فمذكورة في ج ١: ٤٧٠: ٢٣٤٣ و ج ١٧: ١١٣: ٦٠٦.

﴿ديوان بِلفَت﴾ ص ١٢٩: الحاج جواد بن محمدحسين الحائري ذكره المصنّف في (الكرام البررة ٢٧٨: ٥٥٣) و راجع (مكارم الآثار ٧ رقم ١٤٨٧).

«ديوان بديع الزمان نصرآبادي أو شعره» ص ١٣٠ رقم ٨٠٨: أقول و له رباعيّة في تاريخ وفاة آقا هادي المازندراني كما في ظهر نسخة من رضاعيّته الموجودة عندنا قال في الطراز الهندي المغلط: آقا هادى كه داشت در هر وادى / بر هر فاضل مرتبه استادى – چون سوى بهشت رفت تاريخ آمد / شد راهنماى اهل جنّت هادى.

«ديوان بنائي هروي» ص ١٤١ رقم ٨٩٢: **أقول** بناء على ما ذكر في المتن فهذا النائي من أهل السنّة و الجماعة بل من جملة متعصّبيهم المعاندين للشيعة فما الوجه في ذكره في عداد شعراء الشيعة اللهمّ إلاّ أنّ الناشر يفعل في أصل الذريعة ما يشاء و يحبّ. راجع «مقالة عبدالغني ميرزايف» في «مجموعة مقالات تحقيقى خاورشناسى اهداء بپرفسور هانرى ماسه ص ٧٧» و يظهر منه أنّ لعبدالغني أيضاً كتاباً في «ترجمة بنائي» طبع باستالين خراب في ١٩٥٧م. و راجع (ديوان هلالي).

«ديوان بهاءالدين العاملي» ص ١٤٣ رقم ٩٠٣، **المتوفّى ١٠٣١**: الصواب ١٠٣٠ كما نبّهنا عليه مراراً.

ص ١٤٣ س ١٣، **توقي نامه**: انظر (طوطى نامه ١٥: ١٨١: ١٢٠٦) و رقم الأبيات غير صحيح.

«**ديوان بهار الإصفهاني**» ص ١٤٤ رقم ٩٠٦: توفّي آقا محمدعلي المذهّب الإصفهاني عام ١٢٧٥ كما في كتاب «آگهی شهان ج ٣ ص ٦٦ للشيخ الجابري قال و ذلک على قول.

«**ديوان بهار خراساني**» ص ١٤٥ رقم ٩٠٧: يراجع لملک الشعراء بهار مجلّة آينده السنة ١٠ العدد ٣/٢ الصادرة في ربيع ٦٣ش.

«**ديوان بياني كرماني**» رقم ٩٤٠ – ص ١٥١ س ٢، **منشآت بياني**: توجد نسخة منشآته عندي في مجموعة و يأتي في ج ٢٣: ٢٥: ٧٩٠٥ مفصّلاً و له ترجمة في «ريحانة الأدب ٤: ١٣» و لا دليل على تشيّعه.

«**ديوان بيدل دهلوي لاهوري**» ص ١٥٢ رقم ٩٥٤: أقول توفّي بيدل هذا في الخميس الرابع من شهر صفر ١١٣٣ و دفن بدهلي كما في مقدّمة [كليّات ميرزا عبدالقادر بيدل – ط لاهور ١٣٩٨ مركز تحقيقات فارسي ايران و پاكستان].

«**ديوان پرتو لنجاني**» ص ١٥٧ رقم ٩٨٢: يراجع ما ذكرناه في مقدّمة نسختنا من ديوان پرتو.

«**ديوان پير جمال اردستاني**» ص ١٦١ رقم ١٠١١ س ١٣، **يوسف و زليخا**: أقول هذا أوّل مرّة في هذا المجلّد يذكر (يوسف و زليخا) و بعده في ص ١٨٩ للجامي كما يظهر من الفهرس المطبوع بآخر الجزء الرابع للمجلّد التاسع هذا و يأتي تفصيل آخر للموضوع في المجلّد الأخير للذريعة فما بعدها تحت عنوان «يوسف و زليخا» فليراجع و ذكر المتروي هناک في الحاشية تحقيقاً حول اسم زليخا ثمّ لايخفى أنّ پير جمال المذكور استاذ الناصبي المشهور فضل بن روزبهان و لذا ذكره آدميّت في كتاب «بزرگان و سخنسرايان» في ذيل ترجمة التلميذ كما أنّه مترجم له أيضاً في كتاب «آتشكده اردستان».

«**ديوان تجلّي دزفولي أو شعره**» ص ١٦٧ رقم ١٠٥٢: أقول راجع لزاماً «نقباء البشر رقم ١٥٥٨» و «مكارم الآثار رقم ١٢٩٠» و رسالتنا المعزّية.

«**ديوان تقي كاشي أو شعره**» ص ١٧٤ رقم ١١٠٨: أقول راجع لزوماً كتاب [تاريخ تذكره‌هاى فارسى ١: ٥٢٤ فما بعدها].

«ديوان تنها قمي» ص ١٧٩ رقم ١١٣٤: يتكرّر ذكره أيضاً في ص ٤٥١ بعنوان (ديوان سعيد قمي) و يأتي ذكر (مثنوي) له في ج ١٩ ص ٨٥.

«ديوان ثريا طهراني» ص ١٨٤ رقم ١١٦١: أقول طبع ديوان ثريا الطهراني هذا غير مرّة بطهران كما ذكره المشار و قوله «خير الأنام» هذا خطأ و الصواب «خير الكلام في مدايح الكرام عليهم الصلوة و السلام».

«ديوان ثمر» ص ١٨٤ رقم ١١٦٢: يراجع ما ذكرناه في مفتتح نسختنا من «ديوان پرتو».

«ديوان ثنائي مشهدي» ص ١٨٥ رقم ١١٦٤: راجع مقالة «خواجه حسين ثنائى مشهدى» في «نشريه دانشكده ادبيات علوم انسانى دانشگاه اصفهان ٨: ٣٣: ٧٨».

«ديوان ثنائي فراهاني» ص ١٨٥ رقم ١١٦٥: راجع (ديوان قائم مقام ٨٥٨) الثنائي ثمّ والده و انظر [مقدّمة ديوان ٢٢: ٥٩: ٦٠٥٠] و (انشاء قائم مقام ٢: ٣٩٣) و (مخزن الإنشاء ٢٠: ٢٢٤: ٢٦٨٢).

«ديوان جامي» ص ١٨٨ رقم ١١٧٣: أقول الجامي هذا من أشدّ النواصب و لذا لم يذكره شيخنا المصنّف ره في «الضياء اللامع» مطلقاً و إن أورد آثاره في كتاب الذريعة هذا فلاتغفل و انظر ما ذكرناه في التكملة على «هفت اورنگ ٢٥: ٢٣٠: ٤١٩» و يأتي «منتخب كتابه بهارستان ٢٢: ٣٧٩: ٧٥٣٢».

«ديوان جبلي الغرجستاني» ص ١٩١ رقم ١١٨٤: أقول له مدح بعض الخلفاء كعمر بن الخطاب و وصفه بالعدل فليس شيعيّاً.

«ديوان جُرعه» ص ١٩٣ رقم ١١٩٥ س ١١، **١٢٥٧**: الصواب سنة ١٢٦٧ كما هو كذلك في النسخة الموجودة عندنا من هذا الكتاب الذي هو في جغرافية العالم و قد ألّفه فلوغون رفائيل جهانگيري و قدّمه للسلطان ناصرالدين شاه القاجاري و يعد كون الكتاب من إنشاء المؤلّف الانگليزي (خلافاً لما يظهر من أوّله و لعلّه من تحرير بعض فضلاء التبريز و ترجمته.

«ديوان جمالي دهلوي» ص ٢٠٤ رقم ١٢٦٠: أقول طبع له في لاهور سنة ١٣٩٤ [مثنوى مهر و ماه] ذكرناه في موضعه من التكملة ١٩: ٢١٤ و طبع له أيضاً مثنوي

«مرآة المعاني» في مجلّة «معارف ١١: ١و ٢: ٣ — ٦٩ طهران ١٣٧٣ش» و يظهر منه أنّه من ملاحدة النقشبندية و من أبياته قوله (ص ٣٧) رند عالمسوز كى باشد بذات / پاى بند رشته صوم و صلوة.

﴿**ديوان جهره الكاشاني أو شعره**﴾ ص ٢٠٥: هو السيّد فرج الله بن هاشم الحسيني له [مثنوي] ذكره في مقدّمة [ترجمة علم النفس] المطبوعة، انظر الذريعة في [صفين ١٥: ٥٢: ٣٤٤] و ترجمة الرجل في [مؤلّفين مشار ٤: ٨٠٦] و السلام. حرّره في ليلة ٢٠ شهر صيام ١٤٠٧

«**ديوان جوهري هروي**» ص ٢١١ رقم ١٣٠٢: يراجع (مكارم الآثار ٤: ١٤٣٨).

«**ديوان جويا تبريزي**» ص ٢١٢ رقم ١٣٠٣: طبع ديوانه لأوّل مرّة سنة ١٣٣٧ش في سلسلة نشرات جامعة پنجاب كما في مقال مشتمل على عدّة من غزليّاته في مجلّة «ميراث جاويدان ٤: ١٢٦».

﴿**ديوان چهره**﴾ ٢١٥: الميرزا نورالدين المجلسي الإصفهاني. انظر «مكارم الآثار ٦: ٢٠٧٨» و تذكر (ديوان چهره‌نگار الكازروني) عند تخلّصه «ديوان كاتب الكازروني».

﴿**ديوان حاجب المرودشتي الشيرازي**﴾ ص ٢١٧: الميرزا حيدر علي بن الميرزا جعفر المتولد ١٢٧١ المتوفّى ١٣٣٤ راجع «مؤلّفين مشار ٢: ٩٧٦» و «دانشمندان آدميت ٢: ١٧٧» طبع ديوانه غير مرّة بطهران.

«**ديوان حاجت شيرازي**» ص ٢١٧ رقم ١٣٣٠: انظر «دانشمندان آدميت ٢: ١٨٥».

«**ديوان حافظ شيرازي**» ص ٢٢٢ رقم ١٣٥٦: من الغريب أيضاً و أيضاً عدّ الحافظ الشيرازي في شعراء الشيعة و إن عدّه منهم شيخنا المحسن الآخر صاحب أعيان الشيعة قدّس الله تعالى روحيهما في ج ٤٥ ص ٢٢٥ — ٢٢٧ فراجعه و انظر مقالة «فصلى از تاريخ ادبي و اجتماعى ايران» في «نشرية دانشكده ادبيات و علوم انسانى اصفهان ٨: ٢٠٥ — ٢٢٠».

«**ديوان الحزين الگيلاني**» ص ٢٣٥ رقم ١٤٣٤: انظر للحزين ما علّقناه على عنوان «تذكرة الشعراء المعاصرين» في ج ٤ ص ٣٨ رقم ١٣٨. و أمّا ولادته في ١١٠٣ فالظاهر أنّ مأخذه كلام الحزين في مفتتح تاريخه و كذا كلام واله الداغستاني و يظهر من الحزين

نفسه في أواخر تاريخه أنّ ولادته في ١١٠١ (و هو الموافق لعامي ١٦٨٩ — ١٦٩٠م) أمّا وفاته في ١١٨١ (الموافق لعامي ١٧٦٧ — ١٧٦٨ دون ما في المتن ١٧٧٩ خطأ) فمأخذ تاريخ الوفاة في ١١٨١ كلام صاحب «تحفة العالم ص ٤١٩» و أمّا قوله «و سافر إلى الهند في ١٧٣٤م» فاعلم أنّه ذكر نفسه في تاريخه «ص ١١٠ ط اصفهان» أنّ خروجه من بلاد ايران إلى الهند و السند في اليوم العاشر من شهر رمضان المبارک ١١٤٦ (و هو الموافق لأوائل العام الميلادي المذكور في المتن أي ٥ فوريه ١٧٣٤) فما يأتي (ص ٦٦٦ س ٣) من أنّه خرج من ايران في ١١٤٣ فهو خطأ و السلام. م‌ع‌ر عفي عنه ٢٠ شهر شوال المكرّم ١٤٠٦

«**ديوان حسان**» ص ٢٣٧ رقم ١٤٤٥ س ٢٣، **الميمية**: لاحظ ص ٨٢٣ رقم ٥٧٣٩.

«**ديوان السلطان حسن**» ص ٢٤٠: أقول الظاهر سقوط الرقم لهذا العنوان سهواً حين الاستنساخ للطبع و الله العالم و في هذه المطالب المذكورة في المتن تأمّل لعلّنا نتكلّم عليها في «جامع الأنساب» و الله الموفّق.

ص ٢٤٠ س ١٣، **اسماعيل الأوّل**: هذا غريب و لعلّه أراد أن يكتب (الثاني).

«**ديوان حسن غزنوي**» ص ٢٤٤ رقم ١٤٨١: أقول السيّد حسن الغزنوي هو القائل: مكارم را چو برخيزد اهل جود على يابد / مظالم را چو بنشيند جهان عدل عمر گيرد؛ فعدّ الرجل شيعيّاً في غير محلّه و الله العالم بسرائر الأحوال.

«**ديوان حسن گيلاني أو شعره**» ص ٢٤٥ رقم ١٤٨٥: راجع [ديوان فيّاض ٩: ٨٥٢: ٥٦٩٦] و ما ذكرناه في التكملة.

﴿**ديوان السيد محمدحسين بن حسين بخش الهندي**﴾ ص ٢٤٧: انظر «مثنوى عقائد إثنى‌عشرى ١٩: ٢٤٩: ١١٠٥».

﴿**ديوان حسين بن ساعد**﴾ ص ٢٤٨: ينقل عنه الشيخ البهائي في الكشكول ص ٥٤٣ و لعلّه السيّد حسين بن مُساعد صاحب «تحفة الأبرار ٣: «...» و الله العالم و قد نقل في منية الراغبين ص«...» عدّة أبيات من نظم السيّد حسين فليتتبّع.

﴿**ديوان السيد حسين بن مساعد الحائري**﴾ ص ٢٥٣: انظر ما كتبناه بهامش ص ٢٤٨.

«**ديوان السيد الميرحسين المعمائي**» ص ٢٥٣ رقم ١٥٣٤: قوله (و كان يتخلّص

شفيعي). أقول و لذا سيذكر في موضعه ص ٥٣٣ رقم ٢٩٥٩ من دون إشارة إلى ما تقدّم منه في هذا الموضع اللهمّ إلاّ في الصفحة التالية س ١٠ فأحد الموضعين المرقمين زائد و ليجمع بينهما و ترجمة الرجل في إحياء الداثر ص ٧٤.

«**ديوان القاضي الميرحسين الميبدي**» ص ٢٥٤ رقم ١٥٣٥: أقول دون إثبات تشيّع الميبدي شارح الديوان المرتضوي خرط القتاد و سيكرّر ديوانه بعنوانه المنطقي و وصف الرجل هنا و هناک و والده بالمير الذي هو من ألقاب السادة الأشراف خطأ لم يصفهما به من تقدّم من أصحاب التراجم كما نبّه عليه أيضاً في المتن و الميبدي شارح الديوان و إن كان شاعراً كما هو الظاهر من شرحه للديوان إلاّ أنّ ما في المتن راجع إلى المير حسين النيشابوري المعروف بالمعمّائي السابق الذكر برقم ١٥٣٤ فخلط شيخنا المصنّف أو ولده بين الرجلين فليتأمّل و راجع «الروضات رقم ٢٧٦» ففيه تفصيل حول الرجلين و آثارهما كما أنّه أورد ترجمتهما المصنّف أيضاً في «إحياء الداثر ص ٧٤».

«**ديوان حشمت قاجار**» ص ٢٥٦ رقم ١٥٤٥: أقول هو الابن السادس عشر لفتح عليشاه ولد ١٢١٦ و مات في طهران ١٢٧٣ انظر [تاريخ رجال ايران ٢: ١٤٧ و ٤: ٤٣٠] و [مكارم الآثار ٢: ٥٦٠].

«**ديوان حكيم ميرزا محمدسعيد القمي**» ص ٢٦١: ص ٤٥١.

«**ديوان السيد حيدر الحلّي**» ص ٢٦٩ رقم ١٦٢٣: أقول ذكر اليعقوبي في [البابليات ٣: ٢: ٤٣] عند ترجمة السيّد عبدالمطلب المذكور في المتن ما يتعلّق بديوان السيّد حيدر و يأتي السيّد عبدالمطلب في [ديوان السيّد عبدالمطلب ٧٠٠: ٤٨٦٢] متناً و تكملة.

«**ديوان حيرت قاجار**» ص ٢٧٤ رقم ١٦٤٩: انظر ترجمة حيرت القاجاري شيخ الرئيس في [مكارم الآثار ٥: ١٧٥٣: ١٠٦٢] و هناک تاريخ وفاته في ليلة الأربعاء ٢١ ج ٢ سنة ١٣٣٦ و دفن بجوار بقعة ناصرالدين شاه في الري و ليراجع [سفرنامه خراسان و كرمان] لأفضل الملک و [خاطرات و اسناد ظهيرالدوله]. أمّا «مجمع الجوامع» فلم يذكره المصنّف في موضعه من الميم و لا في عداد شروح «المختصر النافع» راجع لزاماً «مكارم الآثار ١: ٣٠٢ — ٣٠٤» و لم نجد للكتاب و مؤلّفه في الجزئين الأوّلين من دليل فهارس المرعشي بقم عيناً و لا أثراً و الله العالم. م‌ع‌ر ٤ صفر ١٤١٦

«**ديوان المولى حيرتي قزويني أو شعره**» ص ٢٧٦ رقم ١٦٥٥: **أقول** لعلّه الذي ذكر ترجمته القاضي أحمد القمي في «خلاصة التواريخ ص ٣٧٣» بعنوان مولانا حيرتي روّح الله روحه العزيز و قال إنّ أصله من بلدة مرو بخراسان و سافر في مبادي أحواله كثيراً و ذكر شيئاً من ترجمته و أشعاره و نسب إليه منظومة «بهجة المباهج» ثمّ قال إنّه سقط عن السطح في بلدة كاشان و توفّي يوم الأربعاء ٢٤ يعني آخر أربعاء من شهر صفر سنة ٩٦١ و رثاه مولانا محتشم الكاشي و أورد رثائه و قال أيضاً أنّه أورد ترجمته مفصّلاً في «تذكرة الشعراء» و الظاهر أنّ التذكرة هذه مفقودة.

«**ديوان خائف شيرازي**» ص ٢٧٧ رقم ١٦٥٩: **أقول** انظر [مؤلّفين كتب چاپى ١: ٥٨٧].

«**ديوان خادم إصفهاني**» ص ٢٧٧ رقم ١٦٦٦، **الميرنجاتي**: الصواب (نجات) كما يأتي (١١٧١: ٧٥٥٥) و الجامع العباسي بإصفهان هو المعروف بمسجد الشاه و اعلم أنّ من جملة من رثاه الخادم هو المير معصوم الخاتون آبادي المتوفّى ١١٥٥ قبيل وفاة الخادم و البيت الأخير من الرثاء موجود في رجال إصفهان و دانشمندان و بزرگان إصفهان.

«**ديوان خاقاني شيرواني**» ص ٢٨٠ رقم ١٦٨٤: انظر مقالة حول الكعبة و مناسک الحج في شعر الخاقاني في نشرة «كيهان فرهنگى س ٣ ع ٥ الصادرة في مرداد ماه سنة ١٣٦٥ش».

﴿**ديوان خاک قزويني**﴾ ص ٢٨١: صدرالإسلام المير سيّد محمّد بن السيّد عبدالحسين الخطيب في العهد الناصري. انظر «مؤلّفين مشار ٥: ٤٤٨».

«**ديوان خاموش**» ص ٢٨٥ رقم ١٧٠٦: **أقول** قد تبيّن لي بعد ما كتبت هذا إلى شيخنا العلاّمة أنّ الشاعر هو الميرزا عليخان مترجم القنصليّة (انظر رقم ١٧٠٩) كما يفهم جيّداً من تقريظه لمجلّة عنقا في سنة ١٣٤٤ق (ص ٨٩) و قد جمعنا ما عثرنا عليه من أحواله في مفتتح نسختنا الموصوفة و هي المنقولات عن مجلّه عنقا س ١ ص ٨٩ (ع ٥ الصادرة في إصفهان ١٣ محرّم ١٣٤٥ — ١٣٠٥/٥/١) لصاحبها الشيخ أسدالله ايزدگشسپ و أيضاً عن الذريعة [تقليد و طهارت ٤: ٣٨٩: ١٧٢١] و [خلافتنامه امام حسن ٧: ٢٣٨: ١١٥٤] و [خلافتنامه حيدري ١١٥٥] و [شاهنشاه نامه حسيني ١٣: ٢٢: ٥٦] و (شهنشاه نامه

حسيني ١٤: ٢٦٣: ٢٤٩٥] و مواضع ذكره في «ج ١٩» و ذكرنا تابنده الگنابادي في كتاب رحلته إلى العراق و بعض البلدان العربيّة [يادداشتهاى سفر بممالک عربى ٤٨ و ٥٦] بعض أحوال الرجل حين لقائه له في عدّة مجالس و أكّد أنّه من الصوفية و الله العالم بالسرائر. و أخيراً ما ذكره الهادي الأميني في «معجم رجال الفكر و الأدب ١٥٠» و فيه تاريخ وفاة الرجل سنة ١٣٧٩ و السلام.

«**ديوان خان أحمد پادشاه أو شعره**» ص ٢٨٦: أقول أورد ترجمته المحبّي في «خلاصة الأثر ١: ٣٧٣» و يظهر منه أنّ الرجل كان على مذهب العامّة و أنّه هرب من يد السلطان شاه عباس الماضي مع جماعة معدودين إلى جانب السلطان محمّد بن مراد العثماني فدخل عليه و امتدحه بقصيدة عظيمة يحثّه فيها على أخذ گيلان من يد شاه عباس و أهدى له شمعداناً مرصّعاً قيل إنّه خمّن بثمانين ألف دينار و لم يحصل على مراده من العسكر و ذهب إلى بغداد بإذن السلطان العثماني فمات بها في سنة ١٠٠٩ انتهى.

«**ديوان امير خسرو دهلوي**» ص ٢٩٣ رقم ١٧٥٣: أقول لا شبهة في أنّ هذا العنوان أيضاً كعامّة عناوين الشعراء من وضع الناشر و هو لايتقيّد بمذهبهم و هذا خلاف وضع الكتاب و الرجل من الصوفية غير الشيعة و من أتباع جلال‌الدين محمّد البلخي انظر لترجمته و شرح آثاره مقالة [امير خسرو دهلوى طوطى هند] بالفارسية للدكتور محمدحسين مشايخ فريدني في مجلّة [كيهان فرهنگى رقم التسلسل ٤٨: ٢٦ — ٣١].

«**ديوان خطائي صفوي**» ص ٢٩٨ رقم ١٧٧٩: انظر مقالة «حافظ و شعراى آذربايجان» في نشرة «كيهان فرهنگى س ٣ ع ٤ ص ٢٨ الصادرة في تير سنة ٦٥».

«**ديوان السيد خلف المشعشعي**» ص ٣٠٠ رقم ١٧٩٠: تآليفه كثيرة مذكورة في هذا الكتاب منها الحقّ المبين. يراجع ج ٧ ص ٣٨ و غيره.

«**ديوان خليفة سديد گيلاني**» ص ٣٠٢ رقم ١٨٠١: انظر ص ٩٣ و هامشها.

«**ديوان خوش طالقاني**» ص ٣٠٤ رقم ١٨٢٠: انظر ترجمة الدرويش عبدالمجيد الإصفهاني هذا في مقال للسيّد محمّد صدر هاشمي الإصفهاني نشر في [مجلّة وحيد العدد الثاني من السنة الثانية].

«**ديوان خواجه إصفهاني أو شعره**» ص ٣٠٦ رقم ١٨٢٨: هذا من أغرب غرائب

تصرّفات الناشر فإنّ الخواجه هذا هو الناصب الملعون فضل بن روزبهان الخنجي صاحب ميهمان نامه بخارا و سلوک الملوک و غيرهما و هو الذي ردّ عليه سيّدنا و مولانا القاضي نورالله المرعشي الشهيد عليه الرحمة بكتابه [إحقاق الحقّ] كما مرّ في موضعه و قد صرّح ادوارد براون في الموضع المذكور من كتابه [ترجمة رشيد ياسمي ص ٧٨ ط ٢] بتعصّب الرجل في تسنّنه و يعرف بخواجه مولانا و غيره من الأسماء و النسب و الألقاب و ليس أمره في النصب مشكوكاً حتّى يلتبس على أحد فضلاً عن القائم بأمر طبع الذريعة و الله العالم بالسرائر.

«ديوان خواجه عبدالله أنصاري» ص ٣٠٦ رقم ١٨٢٩: أقول يأتي تتمّة لهذا البحث حول أشعار الأنصاري في [٩: ٣: ٦٩٤] و راجع ما ذكرناه بهامش (صد ميدان) في (ج ١٥: ٣١: ١٧٤) و السلام.

«ديوان خواجه نصيرالدين طوسي» ص ٣٠٦ رقم ١٨٣٠ س ١٩، **مدخل:** طبع مدخل منظوم هذا على هامش «بيست باب للجنابذي» بطهران سنة ١٢٧٦ و عندي منه نسخة مورّخة سنة ٩٠٠ و نسخ أخرى.

﴿ديوان خوشدل الطهراني﴾ ص ٣٠٨: يأتي باسمه (ديوان علي اكبر خوشدل ٩: ٧٥٠: ٥١٠٦).

﴿ديوان خيرخواه أو شعره﴾ ص ٣١١: راجع «تاريخ بيست ساله ايران ٦: ٣٩٨».

«ديوان داعي الشيرازي» ص ٣١٤ رقم ١٨٦٦: أقول طبع بطهران كتاب «كلّيات ديوان شاه داعي الشيرازي و مثنويات ستّه او» بتحقيق سيّد محمّد دبير سياقي ثمّ طبع بعنايته أيضاً سنة ١٣٨٠ «شانزده رساله شاه داعي شيرازى» و من جملة تلك الرسائل «الكميلية الثانية ١٨: ١٤٠: ١١١٣» يظهر منها تشيّعه و لكن لم يذكره شيخنا المصنّف ره في طبقاته مع أنّ سلفه السيّد نعمةالله الشهير بالولي مترجم في «الضياء اللامع» و تشيّع الداعي أقرب و الله العالم بالسرائر. م‌ع‌ر حرّر في ٢ ع ٢ سنة ١٤١٢

«ديوان دانش التبريزي» ص ٣١٥ رقم ١٨٧٢: أقول انظر تفصيل أحوال أرفع‌الدولة هذا في كتاب «خلسه مشهور بخوابنامه لاعتمادالسلطنة ط طهران ١٣٥٧ش و تعليقاته ١٧٣ — ١٧٧» و «مكارم الآثار ٦ رقم ١١٩٣» و يأتي للرجل أيضاً «مثنوي طول عمر ١٩: ٢٤١: ١٠٧٧».

«ديوان دانش الرشتي» ص ٣١٦ رقم ١٨٧٦: **أقول** الناظم هو الشيخ حسن بن اسماعيل ولد ١٢٦٥ و مات ١٣٤٦ و طبع ديوانه ١٣٦٥ في رشت و له ترجمة في وقايع ١٣٤٦ في مكارم الآثار و ليراجع كتاب آناهيتا ص ٢٥ و ٥٥ لپورداود و المؤلفين للمشار.

«ديوان دانش الشيرازي» ص ٣١٦ رقم ١٨٧٧: يراجع ص ٦٠٠ يبعد.

«ديوان داور شيرازي» ص ٣١٩ رقم ١٨٨٦: **أقول** انظر ج ١٣ ص ٢٣٥ ذيل رقم ٨٤٨ و فهرس أعلام الذريعة ص ٢٢٣٩.

«ديوان دردي إصفهاني أو شعره» ص ٣٢١ رقم ١٩٠٠: **أقول** دردي هذا ابن (ساغر ٤١٥: ٢٤١٤) و قوله [و يأتي الخ] كأنّه نسي أن يذكر هناك أنّ في مقدّمة ديوان غمگين ذكراً لهذا الرجل و والده و غيرهما من ذويه فراجع [دستور زبان فارسى ٨: ١٥٧: ٦٣١] و انظر كتاب [مؤلّفين مشار ١: ٥٨٨] و [دانشمندان مهدوي ٤٢].

«ديوان الدواني» ص ٣٢٩ رقم ١٩٥٧: **أقول** مرّ ذكر «إجازة الدواني ١: ٢٣١: ١٢١٢» و يأتي ديوان سبطه الشيخ فتح‌الله في ص ٨٠٧ ق ٥٣٤٧ و ذكر المصنّف تاريخ وفاة الدواني في «إجازة» و في «إشراق هياكل النور ٢: ١٠٤ س ١» و «شرح الرباعيّات ١٣: ٢٧٩: ١٠١٥» و غيرها سنة ٩٠٨ و هذا هو الأوفق لما حقّقناه و ذكره أيضاً الشيخ علي الفاضل الدواني في كتابه «شرح زندگانى جلال‌الدين دوانى» فراجعه.

ص ٣٣٠ س ٩، **الفاضل المعاصر**: أقول كثيراً ما يعبّر شيخنا المصنّف ره عن الإمام المجدّد آية الله العظمى الميرزا السيّد محمّدباقر الموسوي الإصفهاني صاحب الروضات قدّس الله تعالى روحه بهذا التعبير الخفيف و ليس هذا و أمثاله إلاّ بإغواء النفس و تزكيتها المنهية و أنت تعلم أنّ جدّنا الأمجد الأعلى ولد في ١٢٢٦ أي قبل ولادة الشيخ المصنّف بما يقرب من سبعين عاماً و توفّي الجدّ قبله بما يقرب من الثمانين فأين التعاصر المتعارف إلاّ أنّ هذه شنشنة أعرفها من أخزم فقد سبق شيخنا بالوقيعة في أكرم الذراي في عصره شيخه المحدّث النوري تجاوز الله سبحانه عنهما و عنا و نسأل الله تعالى العصمة في القول و العمل.

«ديوان دهخدا قزويني» ص ٣٣٣ رقم ١٩٦٩: **أقول** انظر فهرس ما كتب عن دهخدا في مقالة «گزيده كتابشناسى دهخدا» المطبوعة في مجلّة «نشر دانش ٦: ٥ مرداد و شهريور ١٣٦٥ش: ٦٠ — ٦٥».

ص ۳۳٦: هو الموفّق؛ صحّحت و الحمد لله تعالى هذا المجلّد على الجدول الخاصّ المطبوع في مقدّمة ط ۲ للجزء ۹ في أواخر ع ۱ سنة ۱٤٠٥.

القسم الثاني من الجزء التاسع

«**ديوان ذبيح إصفهاني**» ص ۳۳۸ رقم ۱۹۹۸: أقول و بالله التوفيق لم يتعرّض النصرآبادي في كتابه لنسبة الذبيح و لكن يمكن استظهار كونه في إصفهان في برهة من الزمان و أمّا التاريخ الذي أورده في المتن هذا فالصواب أنّ المادّة ۱۰۹۲ أو ۱۰۷۲ و قال النصرآبادي إنّ نظم بيتين في تاريخ تعمير الإمامزاده واجب التعظيم حسب أمر الميرزا إبراهيم المتولّي و البيت الأوّل قوله: در سعي و صفا و زيب اين خاک کريم / چون کرد جناب متولی تقديم لبيک زنان الخ و ليس في النسخة المطبوعة من التذكرة اسم الإمازاده و ليراجع تذکره ميكده ص ۱۱۵ و ۳۰۵.

«**ديوان ذرّه إصفهاني أو شعره**» ص ۳۳۸ رقم ۲۰۰۲ س ۲۵، **مغلوطاً و لكن المولى عبدالله هو: / فهو غير عمّه عبدالله**. صحّحها في هامش الكواكب المنتثرة ص ٤۷۱.

«**ديوان رائي نائيني أو شعره**» ص ۳٤۵: يراجع كتاب «أنساب خاندانهاى مردم نائين: ۳٦» للبلاغي.

«**ديوان راز شيرازي ذهبي**» ص ۳٤٦ رقم ۲۰۳۸، **أبي‌القاسم**: اسمه الدرويش ميرزا بابا و بمجدالأشراف ولده و هو جلال‌الدين محمّد صاحب «مرآة الكاملين ۲۰: ۲۸۲: ۲۹۸۵».

«**ديوان السيد راضي القزويني**» ص ۳٤۷ رقم ۲۰٤۹: مكارم الآثار ج ۸ رقم ۱٦۷٦.

«**ديوان رضا إصفهاني أو شعره**» ص ۳٦۳ رقم ۲۱٤٤: راجع (زندگينامه علامه مجلسي ج ۲: ۳۱ و ۷۱ و ۳۳۰ — ۳۳۲).

«**ديوان الشيخ محمدرضا الإصفهاني**» ص ۳٦۳ رقم ۲۱٤۵: أقول يأتي له (الروض الأريض) و هو ديوان شعره العربي في (ج ۱۱: ۲۷۳: ۱٦۸۳) و طبع طائفة من شعره في كتاب (شعراء الغريّ).

«**ديوان رضا لاهجي أو شعره**» ص ۳٦۷ رقم ۲۱۷۰: أقول انظر ما كتبناه هامش الكواكب المنتثرة ص ۲٦٦.

«ديوان رضي خراساني» ص ٣٧٢ رقم ٢١٩٨: أقول يراجع كتاب «اسناد و مكاتبات سياسى ايران من سنة ١١٠٥ إلى ١١٣٥» لعبدالحسين نوائي و مأخذه مقال للحاج حسين النخجواني في «مجلّة دانشكده ادبيات تبريز — پائيز ١٣٤٢» و عنوان المقال «معرفى يک كتاب خطى و مؤلّف آن».

«ديوان رفعت سمناني» ص ٣٧٦: الحاج محمدصادق المتوفّى ١٣٥٠ طبع للمرّة الثانية بطهران سنة ١٣٦٣ش مع مقدّمة و مثنوي «سرّ الأسرار = يوسف و زليخا» في ٥٦٢ص و في المقدّمة انّه كان صوفياً.

«ديوان رفيعا نائيني إصفهاني» ص ٣٧٧ رقم ٢٢٢٠: أقول و قد وقع في هذا الخطأ الفاحش و ظنّ الاتّحاد المرحوم مشار في المؤلّفين ٥: ٤٤٦ و هذا المرحوم دائم الخطأ في مكتوباته فلايجوز للمحقّق الاستناد إليه و الاعتماد عليه مطلقاً.

«ديوان رفيع‌الدين لنباني» ص ٣٧٨ رقم ٢٢٢٦: طبع ديوانه بطهران في ١٣٦٩ش ١٤١١ق في ٢٤٦ص بتحقيق الاستاذ تقي بينش.

«ديوان رفيق إصفهاني» ص ٣٨١ رقم ٢٢٣٥: و رثائه للسيّد محمدرضا بن محمدهادي الحسيني الإصفهاني المتوفّى ١١٩٥ مذكور في «تحفة الأحباب» ص ٣٩ للسيّد طه بهشتي.

«ديوان ملا ركني نيشابوري أو شعره» ص ٢٨٤ رقم ٢٢٤٨: توجد قطعة من شرح رسالة المعمّا عندي ضمن مجموعة «جنگ ناجي» و ليراجع ج ١٣ ص ٢٩٠.

«ديوان روح الأمين» ص ٣٨٦ رقم ٢٢٦٢ س ٢٠، **الفواقي**: الصواب القوافي. و انظر له (مطمح الأنظار ١٩: ٢٩٩: ١٢٩٤) و راجع (دانشمندان مهلوي ١٥١).

«ديوان روحي كرماني أو شعره» ص ٣٨٩ رقم ٢٢٧٦: سُبحان الله؛ اعلم أنّ الشيخ أحمد و آقا خان كانا صهرين لميرزا يحيى المعروف بصبح أزل البابي و هما من مشاهير الأزليّة البابيّة الملعونة و هذا من أوضح الواضحات و أبده البدائه و لكن بعض الناس يحبّون الزنادقة و المعارضين لأحكام الله فبهذا السبب قد ترى بعض آثار أهل الضلال في هذا الكتاب من دون رضى شيخنا المصنّف طاب ثراه بهذا الأمر انظر ما ذكرناه أيضاً بهامش «هشت بهشت في ج ٢٥: ٢٢٣» و مواضع أُخرى و نسأل الله العصمة في القول و العمل إن شاء الله.

«ديوان روزبهان» ص ٣٩٠ ٢٢٨٠: أقول لا شكّ في كون روزبهان هذا من أهل السنّة دون الشيعة و يأتي له «كشف الحجب ١٨: ٢٨: ٥١٩».

«ديوان رياضي هروي» ص ٣٩٧ رقم ٢٣١٥: مكارم الآثار ج ٨ رقم ١٧٧٦.

﴿ديوان رياضي يزدي أو شعره﴾ ص ٣٩٧: السيّد محمدعلي بن السيّد إبراهيم. انظر العدد الأوّل من مجلّة [كيهان فرهنگی ص ٤٣] ذكر أنّه ولد في يزد حوالي عام ١٣٤٠ و توفّى ٢٤ ج ١ سنة ١٤٠٢.

«ديوان زرگر تبريزي» ص ٤٠٢ رقم ٢٣٤٥: أقول انظر (ديوان نجيب إصفهاني ١١٧٧) و «نور الهداية ٢٤: ٣٨٦: ٢٠٧٤» و ترجمته في (دانشمندان مهدوي ٣٢٦: ٥٢٤).

«ديوان زلالي خوانساري» ص ٤٠٤ رقم ٢٣٥٧: أقول ذكر في (تاريخ جرايد و مجلاّت ايران ٤: ١٧٠) أنّ للميرزا محمدعليخان تربيت مقالاً مبسوطاً في ترجمة الحكيم زلالي الخوانساري نشر في العدد الرابع من مجلّته «گنجينه معارف» في ج ٢ سنة ١٣٤١ في تبريز.

«ديوان ساغر الإصفهاني أو شعره» ص ٤١٥ رقم ٢٤١٤: أقول هو صاحب [دستور زبان فارسی ٨: ١٥٧: ٦٣١] و مرّ ولده في [ديوان دردي ٣٢١: ١٩٠٠] فراجعهما.

﴿ديوان سامان أو شعره﴾ ص ٤٢٢: هو السيّد مير علينقي الأديب كما وصفه و رأى خطه المصنّف (ج ٤: ٨٣: ٣٦٤).

«ديوان سحابي أسترآبادي» ص ٤٣٣ رقم ٢٥٠٧: عندنا رباعيّات سبحاني في بياض السيّد محمّد معين بن السيّد محمّدمهدي الحسيني رقم ٦١٧٧ و لشبلي النعماني تحليل حول بعض أشعاره عنوانه «شاعر فارسی و فلسفه سحابی نجفی» انظر «مجموعه مقالات علاّمه شبلی نعمانی ١٩٤ — ١٩٨» ترجمة فخر داعي.

«ديوان سديد طبيب گيلاني» ص ٤٣٥ رقم ٢٥٢٢: انظر ص ٩٣ و هامشها.

«ديوان سرگشته إصفهاني گرجي» ص ٤٤٠ رقم ٢٥٤٧: يراجع (برگزيده ديوان سه شاعر اصفهان ص ٨٩٩ و ص ٩٠٤) للأُستاذ همائي.

«ديوان سرمد كاشي» ص ٤٤٠ رقم ٢٥٤٩: هذان البيتان لسرمد الكاشاني: در مسلخ عشق جُز نكو را نكشتند / لاغر صفتان زشتخو را نكشتند — گر عاشق صادقي ز

كشتن مگريز / مُردار شود هر آنكه او را نكشتند. مجلّه وحيد ش ٢٣١ ص ٧٩.

ص ٤٤١ س ٦، دارا شكوه: هو الآتي في «ديوان قادري».

«**ديوان سروش تفرشي**» ص ٤٤٤ رقم ٢٥٦٦: يراجع لزاماً مكارم الآثار ج ٧ رقم ١٤٥٥ و ١٢٩٠ غلط و الصواب حوالي ١٢٨٠ أو عينه.

«**ديوان سعيد قمي**» ص ٤٥١ ش ٢٥٩٦: قد مرّ ذكره أيضاً في ١٧٩ بعنوان «ديوان تنها قمي» و هما واحد و أخوه الميرزا محمّد حسين هو صاحب «البياض» الآتي ذكره في «مقدّمة بياض ٢٢: ٤٧: ٥٩٩٠».

ص ٤٥١ س ٢٠، **١٠٧٨**: الصواب ١٠٧٧هـ.

ص ٤٥٢ س ١، **أيضاً**: في فهرس مكتبة الكلپايكاني بقم ج ٣ ص ٥٤ انّ هناك مجموعة فيها ديوان مجمر الإصفهاني و جنگ اشعار لجماعة من الشعراء منهم «ميرزا محمدسعيد الحكيم» و أنا أظنّه صاحب هذا العنوان فليراجع.

ص ٤٥٨ س ١٧، «**صراط السطور**»: عندنا نسخة عصر الناظم ضمن مجموعة ١١٣٥.

ص ٤٦٤: عندنا مجموعة جُنگ فيها تاريخ سنة ١٢٤٠ و من جملة أشعارها «قضا و قدر رضا قلي سليم» أوّلها: شنيدم روزى از خونابه نوشى / چو گل از پاره تن خرقه پوشى — دُر معنى بگوش دل كشيده / شده همچون عصاى خرد جريده. الخ.

«**ديوان سنائي غزنوي**» ص ٤٧١ رقم ٢٦٨٣: **أقول** و إن اشتهر أبوالمجد السنائي بالتشيّع و لكن وجدنا من أشعاره عدّة أبيات في مدح عمر بن الخطاب منها قوله دورى از جهل همچو علم على / پاكى از جور همچو عدل عمر؛ إلى غير ذلک من الأشعار و الله العالم بحقائق الأسرار.

«**ديوان سودائي إصفهاني**» ص ٤٧٥ رقم ٢٦٩٥: يراجع (مكارم الآثار ج ٧ رقم ١٤٦١).

«**ديوان سوزني سمرقندي**» ص ٤٧٦ رقم ٢٦٩٧ س ١٥، و **ما يظهر**: **أقول** كثيراً ما نبّهنا في هذه التكملة و غيرها من مؤلّفاتنا و تعاليقنا أنّ الرجل لايكن شيعيّاً بمجرّد مدح قاله في أميرالمؤمنين صلوات الله و سلامه عليه فإنّ جنابه ممدوح الجنّ و الإنس من العرب و العجم و كم رأينا مدائحه في آثار أشدّ النواصب و أعداء الشيعة و أمّا السوزني هذا فقد

رأينا في أشعاره أبياتاً كثيرة في مدح عمر بن الخطاب و أشباهه و الله العالم بالصواب.

«ديوان سيّد إصفهاني» ص ٤٨١ رقم ٢٧٢٧: و يأتي في ص ٦٠٠ ديوان صدراي إصفهاني أو شعره و هو ابن المير عبدالحسيب المذكور.

«ديوان سيّد شوشتري» ص ٤٨٢ رقم ٢٧٣٢: أقول السيّد الشوشتري اللكهنوي هذا والده علي اكبر بن محمدجعفر و يأتي له «المنّ و السلوى ٢٣: ١٥٣: ٨٤٦٦» و تفصيل ترجمته و آثاره في «أحسن الوديعة ١: ٣٠٤ ط ١» و «مكارم الآثار ٣ رقم ٣٤٥» و «نقباء البشر ٣ رقم ١٥٠٨» و «مؤلّفين مشار ٣: ٦٦٣» و «حديقة الشعراء ٢: ١١٦٦ و لم يعرفه مؤلّفه و لا ناشره مطلقاً» و «نزهة الخواطر ٨: ٢٠٩» و لم نجده في «فرهنگ سخنوران».

«ديوان سيفي بخاري» رقم ٢٧٥٢ — ص ٤٨٧ س ٤، **و له رسالة في العروض**: عندنا منه نسخة (مجموعة رقم ٤١٨٥) و هي مطبوعة مكرّراً (فهرست مشار ص ١١١).

«ديوان سيمين بهباني» ص ٤٨٩ رقم ٢٧٦٣: (تذكره علوي) مذكورة في فهرس مشار و ذكرناها في موضعها عنه.

«ديوان شاني تكلو» ص ٤٩٤ رقم ٢٧٨٨ س ١٦، **مدايحه**: أقول الضمير راجع إلى المادح فإنّ الممدوح في تلك المديحة هو حجة الله البالغة أميرالمؤمنين علي بن أبيطالب صلوات الله و سلامه عليه و بيت صلته هكذا [اگر دشمن كشد ساغر اگر دوست — بياد ابروى مردانهى اوست] كما في «دارالسلام ١: ٢٣٨» للمحدّث النوري ره عن «تاريخ عالم آرا» و غيره.

«ديوان شاهين فراهاني أو شعرها» ص ٥٠٣ رقم ٢٨٢٥: يراجع «مكارم الآثار ٧: رقم ١٥٠٣».

﴿ديوان شرع الإسلام النجفي أو شعره﴾ ص ٥١١: المعاصر الشيخ محمّد، راجع (أعيان الشيعة ٤٥: ٢١٩ — ٢٢١).

«ديوان الشرف الجد حفصي أو شعره» ص ٥١٢ رقم ٢٨٦٩ س ٨، **كما يأتي**: انظر في هذا المجلّد ص ٦٨٥ رقم ٤٧٧٧.

«ديوان شرف يزدي» ص ٥١٧ رقم ٢٨٨٣: أقول راجع [الضياء اللامع ١٠١] و ما

ذكرناه في التعليق عليه و قوله «تمرنامه» أقول الصواب [تيمورنامه ٤: ٥١٨: ٢٣٠٣].

«**ديوان الشريف الجرجاني أو شعره**» ص ٥٢١ رقم ٢٨٩٨: «السيّد الشريف هذا من أكابر أهل السنّة دون الشيعة و مرّ ذكر حفيده الناصب في [ديوان أشرف الجرجاني ٧٧: ٤٤٦] و يأتي ذكر بعض أعقابه [ديوان الشريفي] متعدّداً.

«**ديوان شريفي شيرازي**» ص ٥٢٥ رقم ٢٩١٣: انظر سائر مآخذه [فرهنگ سخنوران ٢٩٩] و توجد ترجمته في [دانشمندان و سخنسرايان فارس ٣: ٢٦٢] و ترجمة جدّه السيّد شريف أيضاً فيه [٣: ٢٥١ — ٢٥٥] و مرّ ذكره في [ديوان الشريف ٥٢١: ٢٨٩٨].

«**ديوان شعاع شيرازي**» ص ٥٢٦ رقم ١٨٢٠: أقول الصواب أنّ شعاع الملك ولد بشيراز سنة ١٢٨٩ بساعة قبل ظهر يوم السبت ١١ ذي القعدة و توفّي عصر يوم الأربعاء الثامن من جمادي الآخرة ١٣٦٣ (العاشر من خرداد ماه ١٣٢٣ش) بشيراز. انظر ترجمته في [دانشمندان و سخنسرايان فارس ٣: ٢٦٨ فما بعدها] و هناك تاريخ وفاته ١٣٦٥ و هو أيضاً خطأ و الصواب ما نقلناه عن ترجمته و شرح آثاره في [تاريخ تذكرههاى فارسى ١: ٢٥٥ فما بعدها] فليراجع و آثار الرجل و مآثره هامّة جديرة بالنشر جدّاً و بعض مآخذ ترجمته في [فرهنگ سخنوران ٢٩٩] و راجع [فهرست مكتبة ملك «...» و (تذكرة مرآة الفصاحة لداور ص ٣٠٠ — ٣٠٥). مكارم الآثار ج ٨ رقم ١٧٥٦.

﴿**ديوان شعله**﴾ ص ٥٢٧: و هو الميرزا اسمعيل الآشتياني المتوفّى سنة ١٣٩٠ و هو ابن العلاّمة الحاج الشيخ مرتضى ذكرنا له «أحسن الأدعية» و «شرح الأسماء الحسنى» نقلاً عن مقدّمة «ديوان أميري فيروزكوهي ١: ٤٣» و راجع سخنوران نامى معاصر ١: ١٣٢ و مقدّمة «١٤ رساله فارسى حاج ميرزا أحمد آشتيانى: ١٣» و «مكارم الآثار: رقم ١٤٥٩» في ذيل ترجمة والده.

«**ديوان شفائي**» ص ٥٢٩ رقم ٢٩٤٢: أقول يأتي رثائه للصحيفي في ص ٥٩٩.

«**ديوان شفيعي نيشابوري**» ص ٥٣٣ رقم ٢٩٥٩: أقول قد مرّ أيضاً «ديوان السيّد ميرحسين ٢٥٣: ١٥٣٤» فراجعه.

«**ديوان شوقي خراساني**» ص ٥٤٩ رقم ٣٠٣٨: يراجع مكارم الآثار ج ٧ ش ١٤٥٤.

«**ديوان شهريار تبريزي**» ص ٥٥٩ رقم ٣٠٩٣: أقول انظر صورته بمحضر أهل الهوى

في جريدة «روزنامه اطلاعات الرقم ١٤١٩٦ ص ٥ الصادرة في ٧ شهر شعبان ١٣٩٣ الموافق ١٤ شهريور ٥٢» و في خطه و شعره و كلمته.

«**ديوان شيداي إصفهاني**» رقم ٣١٣٠ — ص ٥٦٦ س ٧، **تممه الشيخ محمدعلي حبيب‌آبادي**: لم نفهم معنى لهذا الكلام و الظاهر أنّ فيه غلطاً.

«**ديوان صائب إصفهاني**» ص ٥٦٩ رقم ٣١٤٨: **أقول** راجع ما ذكرناه بهامش ص ٦٨ ج ٢٢ الرقم ٦٠٩٤ (مقدّمة ديوان صائب الإصفهاني) و انظر «واجب الحفظ ٢٥: ٥: ٢٢» و ما ذكرناه في التكملة بعنوان «سفينة صائب». و يراجع مقدّمة ديوان أشرف مازندراني حتماً (چاپ موقوفات افشار).

«**ديوان صابر ترمذي**» ص ٥٧٢ رقم ٣١٥٧: و في ديوان هذا الأديب عدّة أبيات متفرّقة في مدح أبي‌بكر و عمر و عثمان فلايكون شيعيّاً و مديحه لأميرالمؤمنين صلوات الله و سلامه عليه لايدلّ على التشيّع ككثير من الشعراء.

«**ديوان صاحب علي آبادي**» ص ٥٧٥ رقم ٣١٧٥: طبع ديوانه عقيب ديوان الوصال الشيرازي.

«**ديوان صادق تفرشي**» ص ٥٧٨ رقم ٣١٨٦: راجع ديوان ولده المتخلّص هجري في (ص ١٢٩٠: ٨٢٧٠).

«**ديوان صادقي مينا**» ص ٥٨٢ رقم ٣٢٠٢: **أقول** انظر «شاهد صادق ١٣: ١٥: ٤٠» مع التكملة و في [فرهنگ سخنوران ٣٢٤] ذكر بعض مآخذ ترجمته. قوله «و جدّ الميرزا طاهر» و أيضاً «و قال حفيده النصرآبادي» أقول هذا خطأ فاحش نشأ من قلّة التأمّل في كلام التذكرة فالذي يظهر منها أنّ الميرزا صالح جدّ صاحبها و الميرزا صادق ولد جدّه و لذا صرّح العلّامة الجليل صاحب «ريحانة الأدب ٤: ١٣٥» بالنسبة هكذا «مينا ميرزا صادق نصرآبادى پسر ميرزا صالح و عموى ميرزا محمدطاهر مولّف تذكره» الخ و اعلم أنّ كثيراً ممّا في أجزاء المجلّد التاسع هذا من الذريعة ليس لمؤلّف الأصل بل من إضافات الناشر من دون تصريح بذلک و لذا وقعت تبعة الأغلاط على عاتق الشيخ المصنّف ره و سيأتي تكرار الخطأ المذكور في [ديوان طاهر نصرآبادي ٦٤٣: ٤٥٥٧ و كذا في «روضة النضرة ص ٢٧٥» و «الكواكب المنتثرة ص ٣٩٩» و لعلّ بالمراجعة إلى

مخطوطات التذكرة يحصل جدوى فإنّ النسخة المطبوعة ليست بتلك المثابة من الصحّة و الله الموفّق.

ص ٥٨٢ س ١٥، **إلى اصفهان:** أقول في التذكرة صرّح بأنّه كان يبعث بمنظوماته إلى الميرزا طاهر صاحب التذكرة.

«ديوان صافي إصفهاني» ص ٥٨٤ رقم ٣٢١٢ س ١٤، **(مع - ٢: ٣١٧)**: مجمع الفصحاء الطبعة الحروفيّة ج ٥ ص ٦٧٣ و عندنا نسخة الأصل من كتاب زبدة الأنساب للسيّد جعفر الصافي كما يأتي في محلّه و كذا يأتي كتابه **(شهنشاه نامه ١٤: ٢٦٢: ٢٤٩٣)** و طبع اسم الكتاب خطأ في المتن و أيضاً **«گلشن خيال ١٨: ٢٢٦: ١٢٧»** و ذكره الاستاذ جلال الهمائي في (مقدّمة برگزيده ديوان سه شاعر اصفهان: ١٢٨) و نسبه وهماً طائفة السادة الطباطبائيّة من أهل بلدة زوارة و هو خطأ ثمّ ذكر له (في ص ١٣٢) ولداً شاعر باسم السيّد محمّد المتخلّص نويد و الله العالم.

«ديوان السيد محمدصالح الماهي دشتي الكرمانشاهي» ص ٥٨٩: راجع (ديوان محمدصالح ٩٩٩: ٦٥١٨).

«ديوان صبوري خراساني» ص ٥٩٨ رقم ٤٢٩٤: حجّ الصبوري عام ١٣١٦ و لذا ورد ذكره في مواضع من «سفرنامه امين‌الدوله حاج ميرزا عليخان صدر اعظم».

«ديوان صبوري رشتي» ص ٥٩٨ رقم ٤٢٩٦: فعمره حوالي ٤٨ سنة. يراجع كتاب آناهيتا ص ٥٥ لپور داود و مكارم الآثار ٥: ص ١٧٩٤.

«ديوان مولانا صحيفي شيرازي» ص ٥٩٩ رقم ٤٣٠٣: أقول تكرّر ذكر الصحيفي هذا في مواضع من «آثار ملّى اصفهان» للرفيعي منها في ص ٥٧٦ و ٦٤٤.

«ديوان صدراي إصفهاني أو شعره» ص ٦٠٠ رقم ٤٣٠٥: و مرّ في ص ٤٨١ ديوان سيّد الإصفهاني و هو السيّد مرتضى بن محمّد أشرف ابن عبدالحسيب المذكور.

«ديوان صدر الأفاضل شيرازي» ص ٦٠١: طبع ديوان صدرالأفاضل قدّس سرّه في مجموعة كبيرة و تزيد على ألف صفحة سنة ١٤٠٦ بطهران باهتمام حفيده الفاضل الحاج ميرزا فخرالدين نصيري جزاه الله تعالى خيراً.

«ديوان صدرالدين دزفولي» ص ٦٠٢ رقم ٤٣١٥: لقبه الشعري كاشف كما يأتي الثالث من التاسع ص ٨٩٧ فراجعه.

«**ديوان السيد صدرالدين العاملي**» ص ٦٠٣ رقم ٤٣١٧: توجد ترجمة جدّنا الأفقه الأعلى السيّد صدرالدين العاملي الإصفهاني قدّس الله روحه في الكرام البررة ٦٦٨ — ٦٧٠ و توجد أيضاً ترجمته و طائفة من شعره الرائق في أعيان الشيعة ج ٤٥ ص ٢٤٣ — ٢٤٨ و عندنا بعض شعره بخطّه طاب مثواه.

«**ديوان صفا شيرازي أو شعره**» ص ٦٠٩ رقم ٤٣٥٢: أقول انظر الوالد في مكارم الآثار ج ٤ رقم ٧٩٠ و الولد فيه أيضاً ج ٦ رقم ١٣٩٧.

«**ديوان صفي‌الدين الأردبيلي أو شعره**» ص ٦١٤ رقم ٤٣٨٢: راجع ج ١٥ ص ٤٩ و ج ٢٣ ص ٢٣٩.

«**ديوان صمد همداني أو شعره**» ص ٦١٨ رقم ٤٤٠٧: أقول هذا الرجل مع ما وصفه المصنّف بالكمالات العلميّه انغمر في التصوّف و انسلک في سلک مشايخ تلک الفرقة الضالّة كما مرّ في التكملة و أورد له في تذكرة رياض العارفين ٤٦٥ ط ٢ بيتاً واحداً في غاية السخافة و هو قوله: ز كعبه عاقبت الامر سوى دير شدم / هزار شكر كه من عاقبت بخير شدم.

«**ديوان الصنوبري**» ص ٦٢٠ رقم ٤٤١٩: راجع كتاب (سيف الدولة و عصر الحمدانيّين) لسامي الكيالي (ط دارالمعارف بمصر: ١٧٩ فما بعدها).

«**ديوان ضياء**» ص ٦٢٧ رقم ٤٤٦٩: الظاهر أنّه الآتي بعده على ما أظنّ و الله العالم.

«**ديوان ضياء إصفهاني**» ص ٦٢٨ رقم ٤٤٧٠: يراجع مكارم الآثار ج ٧ رقم ١٤٩٨.

«**ديوان ضيائي بيرجندي**» ص ٦٣٢ رقم ٤٤٩٧: أقول انظر له «مقامات معنوى ٢٢ رقم ٥٧٨٥» مع المستدرک و أمّا بهارستان فيأتي في (ج ٢٦ رقم ٦٨٣) و هناک تخلّصه ضياء.

«**ديوان طاهر نصرآبادي**» ص ٦٤٣ رقم ٤٥٥٧، حفيد: قوله «حفيد الميرزا صادق» الخ أقول قد بيّنا هناک في التكملة أنّ هذا الانتساب غلط من الناشر الذي أدخل هذه العناوين في أصل الذريعة و أنّ الصواب غير ما فهمه الناشر فالنصرآبادي قال في التذكرة إنّ الميرزا صادق ولد الميرزا صالح جدّ الراقم فالميرزا صالح جدّ الميرزا طاهر و أمّا والد الميرزا طاهر فلانعلم اسمه كما لانعلم أنّ الميرزا صالح جدّه الأعلى أو الأدنى من قبل

الأب أو الأمّ كما أنّه لم يصرّح بكيفيّة انتسابه مع الميرزا صادق من أنّه عمّه أو خاله أو ابن عمّه أو غير هذه و إن ذكر صاحب الريحانة بأنّ الصادق عمّ الطاهر و لكنّه استنتج هذا من التذكرة و لا غير و الله العالم و أمّا تاريخ وفاة الميرزا طاهر فغير معلوم رغم وجود قبره في قرية نصرآباد إصفهان. م‌ع‌ر عفي عنه في ليلة ١٨ رمضان ١٤١١

«**ديوان طبيب إصفهاني**» ص ٦٤٤ رقم ٤٥٦٧: أقول طبع ديوان طبيب الإصفهاني هذا بطهران سنة ١٣٨٨ و معه رسالة مبسوطة حول الديوان و ناظمه و لم يوفّق الأديبان القائمان بنشر الديوان لأداء حقّه رغم جهدهما لذلک فينبغي إعادة طبعه على نسخ كاملة مصحّحة كما أنّ في الرسالة الموصوفة أيضاً قد وقع بعض الأخطاء الفاحشة و توجد نسخ خطيّة للديوان في إصفهان و غير إصفهان اشير إليها و إلى بعض أخطاء النسخة المطبوعة في مقالة نشرت في «نشريه دانشكده ادبيات و علوم انساني اصفهان ٨: ٣٠٠ — ٣٢٩».

«**ديوان طرفه**» ص ٦٤٨ رقم ٤٥٨٥: أقول انظر كتاب «دليل الزائرين» لعبدالعلي أديب الملک المطبوع بطهران سنة ١٤٠٥ ففي أكثر صفحاته ذكر الطرفة و كذا أورد ذكره في كتاب [دافع الغرور] أيضاً لأديب الملک ط طهران و مرّ ذكر أخيه «ديوان خاقاني محلاتي ٢٨١: ١٦٨٥» و يأتي لطرفة «نياز سلاطين ٢٤: ٤٣٢: ٢٢٦٨» و «ديوان فرج الله طرفه ٩: ٨١٨».

«**ديوان طريقتي كرماني**» ص ٦٤٨ رقم ٤٥٨٩: أقول انظر «ديوان مظفّرعليشاه ٩٥: ١٠٦١».

«**ديوان طلايع بن زُرّيک**» ص ٦٥٠ رقم ٤٦٠١: أقول انظر كتابنا [جامع الأنساب ...».

«**ديوان ظهير فاريابي**» ص ٦٥٩ رقم ٤٦٤٧: أقول مراد الطبعة التي اهتمّ بها الأديب الشاعر الفاضل الحاج ميرزا موسى الأنصاري الإصفهاني (١٢٧٣ — ١٣٦٠) المذكور في «مكارم الآثار ٦ رقم ١٢٨٢» و هي طبعة حجريّة كاتبها الأديب الخطّاط الشاعر الماهر ميرزا فتح الله الجلالي الإصفهاني (١٢٨٩ — ١٣٣٦) في ٣٧٢ صفحة و لها مقدّمة و خاتمة أمّا محل الطبع ففي طهران بمباشرة الحاج الشيخ أحمد الشيرازي الطهراني الكتبي المعروف في زمانه و اُعيد طبعها بالاوفست سنة ١٣٦١ش بطهران.

«ديوان عارف الاصطهباناتي» ص ٦٦٥ رقم ٤٦٧٢: **أقول** انظر ما نقلناه عن «مرآة الكتب» بهامش «حديقة الشعراء ٦: ٣٨٥».

ص ٦٦٦ س ٣، **إلى ١١٤٣**: أقول الصواب ١١٤٦ كما بيّناه بهامش (ج ٩: ٢٣٥: ١٤٣٤) فراجعه.

«ديوان عارف افشار» ص ٦٧١ رقم ٤٦٩٨: يراجع مكارم الآثار ج ٧ رقم ١٦٢٢.

﴿ديوان السيد عباس الملكي أو شعره﴾ ص ٦٧٩: أورد بعض أشعاره بالفارسية في كتابه [نزهة الجليس و منية الأديب النفيس ٢: ٤٠١ – ٤٠٣] و منها: بس كن اى عباس مكى تا بكي / در هوس ماني ميان ليت و كي، و هو جدّ السيّد موسى العاملي المذكور في محلّه (ص ١١٢١: ٧٢٣٥).

«ديوان المولي عبدالأحد أو شعره» ص ٦٨٢ رقم ٤٧٥٧: **أقول** انظر ما مرّ في «خُطبة ابن الحماد ٧: ١٩٥» و ما ذكره المصنّف في كتابه «إحياء الداثر ١١٧» و ما ذكرناه في التكملة.

«ديوان الشيخ عبدالحسين شكر» ص ٦٨٣ رقم ٤٧٦٥: يراجع مكارم الآثار ج ٧ رقم ١٦١١.

«ديوان الشيخ عبدالحسين محيي‌الدين» ص ٦٨٤ رقم ٤٧٦٩: **أقول** يراجع استدركات النقباء في الطبعة الثانية ص ٤٧.

ص ٦٤٨ س ١١، **محيي‌الدين**: زائد كما نبّه عليه في النقباء ص ١٠٣٢ عند ترجمته المفصّلة.

ص ٦٨٤ س ١٢، **محيي**: / يحيى؛ كما في النقباء أيضاً.

«ديوان عبدالرؤف الجدحفصي» ص ٦٨٥ رقم ٤٧٧٧: يراجع لزاماً (الروضة النضرة ص ١١٧ و ص ٣٢٣).

ص ٦٨٥ س ٢١: **قوله «على قبر جدّه الأُمّي»** أقول إذا كان المراد من السيّد ماجد هذا الذي مرّ ذكره و السيّد عبدالرؤف أيضاً صاحب العنوان فقد ذكر شيخنا أنّ السيّد ماجد هو ابن اخته و الله العالم. فليراجع لتحقيق النسبة إلى كشكول الشيخ يوسف.

«ديوان الشيخ عبدالرحيم السلطان‌آبادي» ص ٦٨٦ رقم ٤٧٨١: أقول الصواب انّ

الشيخ عبدالرحيم توفّى ليلة الجمعة السادس من شهر ذي القعدة للسنة المذكورة كما أخبرنا به ولده الدكتور حسين الفصولي المُسنّن بطهران و كما قيّده شيخنا المصنّف بهامش نسخته الخاصّة من [نقباء البشر ١١٠٤: ١٦١٢] حيث ذكر ترجمته هناک و يأتي له أيضاً [مشرق الأنوار ٢١: ٤٧: ٣٩٠٠].

«ديوان عبدالرشيد شوشتري» ص ٦٨٨: الذي يأتي في «ديوان وفائي: ١٢٧٥: ١٣» انّ عبدالرسول المداح الشوشتري غير الحاج ملا فتح‌الله الوفائي فراجعه.

ص ٦٨٨: هو الله سبحانه؛ تمّ تصحيح هذا الجزء أيضاً وفق الجداول بهذا اللون في ع ١ سنة ١٤٠٥. م‌ع‌ر عفي عنه

مقدّمة الطبعة الثانية للجزء التاسع

اين چهل صفحه اهدائى آقاى حاج سيف الله اسماعيليان مقيم قم ناشر كتابست بتوسط جناب آقاى حاج شيخ رضا استادى تهرانى وصول وسيله پست ٢٠ محرم ٩٨ = ٥٦/١٠/١٠.

ص ٢: از تذكره خلاصة الأشعار مير تقي‌الدين كاشاني گويا استفاده نكرده‌اند.

ص ٥ س ٩، **لسامي**: سام ميرزا ابن الشاه اسماعيل — ولد سام ميرزا سنة ٩٢٣ و مات سنة ٩٨٣ و تاريخ تأليفه ٩٥٧.

ص ١١: (تذكرة المدرّسي مرتضى) ينقل عنه في ص ١٦٧: ١٠٥٢.

ص ١١ س ٦، **علي شير النوائي م ٩٠٥**: في الذريعة وفاته سنة ٩٠٦ و تاريخ تأليفه ٨٩٥.

ص ٣٩: بسم الله تعالى صحّحت ما ذكر فيهذه الجداول و غيرها في جميع أجزاء الكتاب و الحمد لله ربّ العالمين في ليلة ٢٩ ع ١ سنة ١٤٠٥ حرّره الحقير م‌ع‌ر عفي عنه.

القسم الثالث من الجزء التاسع

اعلم أنّ هذه الأجزاء المطبوعة من دواوين الذريعة ليست كما ألّفها و رتّبها العلاّمة الحاج شيخ آقا بزرگ فقد تصرّف فيها ولده علينقي و زاد فيها ما شاء من دواوين غير

الشيعة الإماميّة من الفرق الضالّة بأجمعهم فلايدلّ كلّ ما في هذه الأجزاء على تشيّع الشاعر مطلقاً فلاتغرر.

«ديوان السيّد عبدالمطلب» ص ٧٠٠ رقم ٤٨٦٢: أقول انظر ترجمته في [البابليّات ٣: ٢: ١١٣ لليعقوبي] و لم يذكره المصنّف في «النقباء» و يأتي له ذكر في التكملة على «ديوان مهيار ١١٣٨: ٧٣٣٢» و مرّ ذكره في [ديوان السيّد حيدر الحلّي ٢٦٩: ١٦٢٣] و يأتي في [ديوان السيّد مهدي ١١٣٣: ٧٣٠٦].

﴿ديوان عبدالوحيد الواعظ الگيلاني أو شعره﴾ ص ٧٠٢: انظر «نظم صد كلمه ٢٤: ٢١٦: ١١٢٠» و هناک مناظيم كثيرة.

«ديوان السيّد عدنان» ص ٧٠٨ رقم ٤٩٠٩: أقول يأتي ديوان ولده السيّد علي في ٧٤٥ و ذكرناهما في كتابنا جامع الأنساب ج ١: ٢٧ و هناک عمود نسبهم و أسماء فروعهم و شيء من تراجم أعلامهم.

«ديوان عذري بيگدلي» ص ٧٠٩ ٤٩١٠: أقول ذكر ترجمة عذري صديقنا السيّد محمّد صدر هاشمي في مقال له طبع في (مجلّة وحيد العدد الثاني من السنة الثانية) و قال إنّه توفّي في إصفهان في (١١٨٥ عام وفاة الدرويش عبدالمجيد خوش) و دفن في ايوان مزار درب امام و ذكر أنّ عنده نسخة من تذكرة اسحق بيک و وصفها أيضاً فراجعه.

«ديوان عرشي اكبرآبادي» ٧١٠ رقم ٤٩١٤: ذكره أخوه امير محمدصالح الكشفي (ص ٩١١: ٦٠٢٠) في كتابه (مناقب مرتضوى: ٢٢) و مآخذ ترجمته في (فرهنگ سخنوران ص ٣٨٦) و توجد ترجمته أيضاً في «نزهة الخواطر ٥: ٣٩٠» عن «مرآة العالم» فلاحظ.

«ديوان عزالدين كاشاني أو شعره» ص ٧١٦ رقم ٤٩٣٨: أقول هذا هو الآتي في (ص ٧١٨: ٤٩٥٦) و الرجل من الصوفيّة البحتة و بعيد عن الشيعة الإماميّة فهو كصاحبه عبدالرزاق الكاشاني مؤلّف اصطلاحات (٢: ١٢٢) و قوله «رأيت شعره» القائل هو ولد المؤلّف حيث أدخل ما رآه أيضاً في خلال الأصل فاختلط الحابل بالنابل.

«ديوان عزلتي» ص ٧١٧ رقم ٤٩٤٢: هو من ملاحدة الصوفيّة على ما يأتي في التعليق على كتابه [مشارق التوحيد ٢١: ٤٨].

«**ديوان عزيز كاشي**» ص ۷۱۸ رقم ٤٩٥٦: **أقول راجع ما مرّ في ص ٧١٦: ٤٩٣٨.**

«**ديوان عطار نيشابوري**» ص ٧٢٩ رقم ٥٠٥٠: أقول غير خفيّ على أحد أنّ العطار هذا كالكثير من الشعراء المذكورين في هذه الأجزاء على خلاف الشيعة و الإماميّة فإدخال أمثاله في الذريعة على غير مسلک شيخنا المصنّف و رضاه و انظر ما ذكرناه بهامش «هفت وادى ٢٥: ٢٣٧: ٤٦١» و بهامش «تذكرة الأولياء ٤: ٢٩: ١٠٠» و لاتغفل عمّا ذكرناه بهامش «لسان الغيب ١٨: ٣٠٩: ٢٤٤» و أمّا تاريخ قتل العطار النيشابوري فذكر محمّد القزويني في (مقدّمة تذكرة الأولياء) أنّه بعد سنة ٦١٧ و اختار فروزانفر في (شرح أحوال عطار ٩٠ — ٩٢) أنه في النصف الأخير من شهر صفر ٦١٨ و الله العالم و نزيدک هنا بياناً أنّ الرجل كخلفه الجلال البلخي ناظم المثنوي و عامّة أهل التصوّف يقولون بوحدة الوجود و يعتقدون بها و ليس هذا إلاّ بإغواء الشيطان لرفض العبادات البدنيّة و أعمال الأركان و التلّذذ من المشتهيات بطريق خاصّ كما يقول شاعرهم: داني كه چنگ و عود چه تقرير مى‌كنند / پنهان خوريد باده كه تكفير مى‌كنند. و حاصل كلامهم في وحدة الوجود هو رفض ما وراء المادّة و القول بأنّ الله هو الإنسان و الإنسان هو هو انظر إلى كلام المثنوي حيث يقول (مطرب عشق اين زند وقت سماع — بندگى [...] خداوندى صداع. قال الدكتور يعقوب آژند في كتاب [ادبيات ايران در زمان سلجوقيان و مغولان ص ٩٤] و اصله لپرفسور يان ريپكا و هذا عين كلامه بلفظه [عطار (يعني الشيخ فريدالدين النيشابوري هذا) وحدت وجود و تصوف را با جستجوى مطلقيّت تعميق بخشيد، جستجويى كه لبّ و مغز آن خدا سازى خويشتن خويش بود] انتهى المقصود من كلامه و الله العاصم.

«**ديوان علاء سمناني**» ص ٧٣٣ رقم ٥٠٤٢: **أقول** أورد ترجمة الشيخ علاءالدين السمناني ملخّصاً في الحقائق الراهنة ص ١٠ أيضاً و لكن لايخفى أنّ هذا الرجل من أهل التصوّف و التسنّن بل قل النصب و لا حرج فإنّ من أنكر وجود الحجة ابن الحسن (على حدّ تعبير الحقائق الراهنة) لايمكن أن يكون سنيّاً فكيف بكونه شيعيّاً إماميّاً و الله الهادي إلى سواء سبيل.

«**ديوان علم الهدى**» رقم ٥٠٥٠ — ص ٧٣٦ س ١، **دكن**: انظر (ج ١ رقم ١١٢٣) و ما كتبناه بهامش «النابس ص ٢٠٧».

«**ديوان علي بن الشيخ جعفر كاشف الغطاء**» ص ٧٤٠ رقم ٥٠٦٧: قال في ماضي النجف ٣: ١٧٠ في ترجمة خالنا العلاّمة الكبير الشيخ علي بن الشيخ الأكبر الشيخ جعفر ما لفظه «و له شعر كثير و هو جيّد الشعر و نفيسه و قد نظم في أغلب أنواع الشعر من الغزل و النسيب و المدح و الرثاء و له مراسلات و مكاتبات مع الأُدباء نظماً و نثراً» انتهى و أورد الخاقاني في (شعراء الغريّ ٦: ٢٥٥ — ٢٧٥) عند ترجمته الطويلة طائفة من شعره و بعض رسائله أيضاً فليراجع و انظر ما علّقناه على ج ١١: ٢١٦: ١٣٠٨ من كتابنا الذريعة هذا. م‌ع‌ر عفى الله تعالى عنه في عصيرة الجمعة ٢٢ شهر جمادي الآخرة ١٤٠٥ و غفر الله لنا و نجانا من شرّ الجبابرة و الطواغيت و الفراعنة بحقّ النبيّ و آله

«**ديوان علي بن ناصر بن زيدان العاملي**» ص ٧٤٨ رقم ٥٠٩٤: مكارم الآثار ج ٨ رقم ١٧٦٢.

«**ديوان علي اكبر خوشدل**» ص ٧٥٠ رقم ٥١٠٦: أقول هو ابن الحاج رحيم (صلحخواه) ابن مهدي بيک الكرمانشاهي ولد ٨ شوال ١٣٣٢ و توفّي ليلة الأربعاء ١٩ محرم ١٤٠٧ و دفن في مزار ابن بابويه بالري طبع ديوانه الكامل أخيراً في ٨٢٠ص و نشرت نسخته قبيل وفاته بأيّام قلائل و قوله انّ عمدة الأسرار طبع سنة ١٣٤٠ أقول هكذا ورد في حرف العين أيضاً و لكن المذكور في فهارس المشار سنة ١٣٥٦ق فلعلّها جدّد طبعها في ١٣٤٠ش و انظر ترجمة الرجل في «مؤلّفين كتب چاپى ٤: ٥٠٥» و مجلّة «كيهان فرهنگى ٣: ٧: ٤١» و هو القائل في أبيات: بزرگ فلسفه نهضت حسين اينست / كه مرگ سرخ به از زندگى ننگين است.

«**ديوان عليخان گلپايگاني أو شعره**» ص ٧٥٣ رقم ٥١٢٣: يراجع الكواكب المنتشرة ص ٢٥٧ و ٥٤٩.

«**ديوان السيّد عليخان المشعشعي**» ص ٧٥٥ رقم ٥١٢٥: ذكرنا ترجمته و أوردنا نسبه و ترجمنا لأعلام أُسرة السيّد عليخان المشعشعي في المجلّد الأوّل من كتابنا (جامع الأنساب ص ١٣٧ و حواليها) و راجع له «نكت البيان» في (ج ٢٤: ٣٠٣: ١٥٨٩).

«**ديوان سيّد علي همداني أو شعره**» ص ٧٦٥ رقم ٥١٧٧: أقول الصواب في تاريخ وفاته سنة ٧٨٦ كما مرّ في «ذخيرة الملوک ١٠: ٢١: ١٠٦» و صرّح الحافظ كربلائي في

«روضات الجنان» بوقوع وفاته في ليلة الأربعاء السادس من ذيحجة العام المذكور ٧٨٦.

«ديوان عماد لشكر» ص ٧٦٨ رقم ٥١٨٩: لزاماً يراجع مكارم الآثار ج ٧ رقم ١٦١٤.

«ديوان عميدالدين أسعد الافزري» ص ٧٧٠ رقم ٥٢٠٢: أقول يأتي «قصيدة [كذا] الاشكنوانية ١٧: ١٠٩: ٥٩٠» و لا دليل على تشيّع الرجل مطلقاً شأن كثير من الشعراء المذكورين في هذه الأجزاء و لذا لم يذكره في «الطبقات» و طبعت القصيدة ضمن المجموعة «شرح المعلّقات السبع و غيره» على الحجر بطهران سنة ١٢٧٣ كما طبع أيضاً «...» انظر «شدّ الإزار «...»

«ديوان عنصري» ص ٧٧٣ رقم ٥٢٢٢: أقول في ديوان العنصري مدح بعض الخلفاء كعمر بن الخطاب فلايعدّ شيعيّاً على أنّه كان أمير الشعراء للمحمود و المسعود الغزنويّين المعلوم مذهبهما و سيأتي في «ديوان الغضائري ٥٣٢٠» ما يشير إلى جبّاريته و فساده.

«ديوان عين القضاة همداني» ص ٧٨١ رقم ٥٢٧٠: أقول هذا الرجل من أولياء أصحاب الحيل و المرتدّين المبدعين الاشتراكيّين الغنوصيّين و الصوفيّة الذهبيّين و أمثال هؤلاء المغرضين المبغضين لشيعة أميرالمؤمنين صلوات الله عليه فراجع كتاب (راحة الروح في شرح حديث مثل أهل بيتي كسفينة نوح ص ٢٨ ط ١) للعلاّمة النهاوندي ره و من المستبعد جدّاً عدّ شيخنا المصنّف طاب ثراه هذا الصوفي الناصب من الشيعة فهذا و أمثاله من إضافات الناشر و نسأل الله تعالى العصمة في القول و العمل و لاحظ ما ذكرناه بهامش كتابه «اللوايح» في (ج ١٨: ٧٢: ٥١٠).

«ديوان غارت زند» ص ٧٨٣ رقم ٥٢٧٤: توفّي في ذي‌القعدة ١٢٨٩ كما أرّخه تلميذه الميرزا غلامرضا الخطّاط الإصفهاني في سفينته و نقل عنه الاستاذ أحمد سهيلي الخوانساري في «مرقع نگارستان» و هناک بعض أشعار الرجل و شيء من ترجمة تلميذه المذكور و هو أيضاً من أهل النظم.

«ديوان غالب دهلوي» ص ٧٨٤ رقم ٥٢٨٦: أقول الشاعر الهندي الفارسي المتخلّص في شعره «غالب» و هو أسدالله بن عبدالله بيک و عمّه نصرالله بيک ولد في شهر رجب ١٢١٢ و مات في ذي‌القعدة ١٢٨٥ و له «كليّات نثر» «مهر نيمروز» «دستنبو»

«درفش كاويانى» «سبد چين» «دعاى صباح» «مآثر پنج آهنگ» «قاطع برهان» «كلّيات نظم» «سبد باغ دو در» «رساله فن بانگ» «نامه‌هاى فارسى گل رعنا» و «متفرقات» و مع أنّه كوالده من أهل الهند قال في شعره: غالب از هندوستان بگريز فرصت مفت تست — در نجف مردن خوش است و در صفاهان زيستن. كلّ ذلک مستفاد من كتاب [احوال و آثار ميرزا اسدالله خان غالب لمحمدعلي فرجاد ط لاهور ١٣٩٦ نشر مركز تحقيقات فارسى ايران و پاكستان] و الكتاب قيّم ذات الفوائد. و تاريخ الولادة و الوفاة المذكوران في المتن لشاعر آخر كما ذكره الناشر في المستدرک و المير منعم أخو هذا.

«ديوان غبار همداني» ص ٧٨٥ رقم ٥٢٩١، الگلپايگاني: الگلپايگاني خطأ ظ و الصواب الكبابياني نسبة إلى محلّة بهمدان كما بيّناه في ذيل ترجمة غبار في مكارم الآثار ٦ رقم ١١٩٠.

«ديوان غضائري الرازي» ص ٧٩٠ رقم ٥٣٢٠: أقول صرّح أصحاب التراجم بتشيّع الغضائري هذا و انظر ترجمته أيضاً في «لغتنامه دهخدا». في حرف الغين المعجمة.

«ديوان فاطمه سلطان أو شعرها» ص ٨٠٢ رقم ٥٤١١: يراجع «مكارم الآثار ٧: رقم ١٥٠٣».

«ديوان فاني هروي» ص ٨٠٤ رقم ٥٤٢٤: راجع ما ذكرناه في التكملة على كتابه [تاريخ الأنبياء ٣: ٢٣٦: ٧٨٠].

«ديوان فايض نائيني» ص ٨٠٦ رقم ٥٤٣٨: أقول عنونه في «أعيان الشيعة ٤٧: ٨» استناداً إلى مجموعة رسائل مخطوطة رآها في طهران و الظاهر أنّها بعينها المذكورة في المتن و للآقا عليرضا نائيني يراجع «دانشمندان مهدوي ص ٤٥٧ و ص ٤٩٣» و ص ٤٧٥/٦ و ما علّقت على تلک المواضع.

«فتان» ص ٨٠٧: مير رحمة الله النجفي پيشنماز انظر «إحياء الداثر ٨٧».

«ديوان فتاحي نيشابوري» ص ٨٠٧ رقم ٥٤٤٤ س ١١، «اسرار»: أقول الصواب «اسراري ٧٢: س ٢٠» و انظر «شبستانيّه في ١٣: ٢٤: ٦٤ و ٦٥».

«ديوان الشيخ فتح‌الله» ص ٨٠٧ رقم ٥٣٤٧ س ٢٠، الدواني: ص ٣٢٩ ق ١٩٥٧.

«ديوان فخرالدين خوارزمي» ص ٨١٠ رقم ٥٤٧٢: **أقول انظر له** «مدخل منظوم ٢٠: ٢٤٨: ٢٨١٣».

«ديوان فخرالدين الرازي» ص ٨١٠ رقم ٥٤٧٥: يأتي لفخر الرازي أيضاً «لوامع البيّنات» في ج ١٨ ص ٣٦٤ و لكن الرجل من أهل النصب و العدوان قال العلاّمة المجلسي طاب مثواه في كتاب الأربعين حديثاً ص «...»

«ديوان فداي أردستاني أو شعره» ص ٨١٤ رقم ٥٤٩١: **أقول انظر** مقالة «فدای اردستانی» لمحمد علي صاعد في نشرة «نامه سخنوران سپاهان. ج ٥: ٧٥ — ٨٥».

«ديوان فراهي» ص ٨١٧ رقم ٥٥١٢: **أقول** أين مكانة أبي‌نصر الفراهي من التشيّع حتّى يعدّ آثاره في تصانيف الشيعة فهذا العنوان و ما يأتي له «لمعة البدر ١٨: ٣٥٠: ٤٣٣» كمصنّفات جماعة اُخرى لاتعدّ من أهل السنّة و الجماعة ليس لهم قدم في التشيّع و الإماميّة أصلاً فكلّها زوائد مدخولة يجب حذفها و لايجوز إبقائها في آثار الشيعة و مآثرها.

«ديوان فرّخي سيستاني» ص ٨١٩ رقم ٥٥٢٥: **أقول انظر** ثمانية أبيات متفرّقة في مدح عمر بن الخطّاب من شعر الفرخي هذا جمعها علي اكبر دهخدا في «أمثال و حكم ٢: ١٠٩٢» و الله من وراء القصد.

«ديوان فردوسي طوسي» ص ٨٢١ رقم ٥٥٣١: **أقول انظر** لزاماً «شاهنامه ١٣: ١٦: ٤٩» مع التكملة.

«ديوان فصيح هروي أو شعره» ص ٨٣٤ رقم ٥٥٩٨: **أقول** يراجع مقال «يكى از مدائح رضوى در ديوان فصيحى هروى» في مجلّة «ميراث جاويدان ٤: ١٠٨ فما بعدها».

«ديوان ميرزا فضلعلي تبريزي» ص ٨٣٦ رقم ٥٦٠٩ س ٩، **العينيّة الخمريّة: الصواب** الحميريّة نسبةً إلى السيّد الحميري المشهور كما في كتاب «داستان دوستان ص ٨٦» لمحمدعلي صفوت و كذا في «ريحانة الأدب» و «علماء معاصرين ص ١٢٠» قال في الكتاب الأخير إنّ نسخة هذا الشرح بخطّ الشارح موجود عندي و قد نقلت عنه قسطاً وافراً في هامش مجلّد الصيام من كتابي وقايع الأيّام من ص ٤٨٢ فما بعدها (انتهى) و

يأتي ذكر هذا الكتاب بالعنوان الصحيح (شرح قصيدة الحميري العينيّة ج ١٤ ص ١١: ١٥٢٠).

«**ديوان فيّاض لاهجي**» ص ٨٥٢ رقم ٥٦٩٦: يراجع [گوهر مراد ١٨: ٢٥٠: ٢٥٨].

ص ٨٥٣ س ٢، **شمع اليقين**: أقول الصواب [شمع يقين ١٤: ٢٣٣: ٢٣٤١] كما بيّناه في التكملة و قوله (مرّ ابنه حسن) أقول إنّ الذي مرّ هناک بعنوان [ديوان حسن گيلاني أو شعره ٩: ٢٤٥: ١٤٨٥] الظاهر أنّه ليس بولد الفيّاض بل هو جدّنا آقا حسن الجيلاني اللنباني ...

«**ديوان فيضي شيرواني**» ص ٨٥٥ رقم ٥٧١١: هو العليم؛ ولد سام ميرزا سنة ٩٢٣ و صنّف تذكرته في ٩٥٧ و مات سنة ٩٨٣ كما في مقدّمة الطبع لكتابه و طبع للأمير السيّد حسين الأبيوردي المذكور في مجالس النفائس ص ٢٧٣ لمعاصره النوائي المتوفّى ٩٠٥ منظومة (چار تخت) و كتاب (انيس العاشقين) في مفتتح المجلّد ١٥ من (فرهنگ ايرانزمين) عن نسختها الأصليّة الوحيدة المخزونة في بلاد الافرنج (جامعة اوبسالا بسوئد) يظهر منهما تشيّعه و سيادته و برائته عن معاوية و حزبه فراجعهما و تتبّع. م‌ع‌ر في ٨ حجة ١٤١٥

«**ديوان فيضي هندي**» ص ٨٥٥ رقم ٥٧١٤: طبع ديوانه في دهلي و لاهور كما طبع لأوّل مرّة في طهران سنة ١٣٦٢ش في ٥٥٢ص عن الطبعة الأخيرة اللاهوريّة مع مقدّمة لحسين آهي.

«**ديوان الشيخ القاسم الحلّي**» ص ٨٦٢ رقم ٥٧٤٢ س ٢٠، **مرّ ديوان والده**: أقول و يأتي أيضاً ص ٩٨٤.

ص ٨٧٨: قدسي ميرزا علي اصغر خان اتابک أعظم. مرّ ذكره في ص ٥٣ لعدم اطّلاع المؤلّف ره عن تخلّصه الشعري.

«**ديوان قطب ذهبي**» ص ٨٨٤ رقم ٥٨٧٢: أقول ذكرنا له في موضعه من التكملة «تبصرة الحكماء ٣: ٣١٧» فراجعه و ذكر ترجمته مفصّلاً الدكتور اسدالله خاوري في كتاب «ذهبيّه ١: ٢٩٧ فما بعدها» و أورد هناک عنه مطالب نظماً و نثراً حول وقعة أفغان و الشاه سلطان حسين الصفوي و يأتي له [فصل الخطاب ١٦: ٢٢٩: ٨٩٨] فراجعه.

«ديوان قوامي گنجوي» ص ۸۹۱ رقم ۵۹۱٦: **أقول** يراجع المواضع المذكورة في المتن و لم نتحقّق تشيّع الرجل ككثير من هؤلاء الشعراء المذكورين في أجزاء الديوان و الله العالم.

﴿ديوان كاتب الكازروني﴾ ص ۸۹۵: الميرزا حسن چهر نگار المعروف بعكاسباشي. انظر «دانشمندان آدميت ۲: ۱٦۸».

«ديوان كاشف دزفولي» ص ۸۹۷ رقم ۵۹٤٦: مرّ ذكره باسمه في الصاد أيضاً في ص ٦۰۲ و انظر له (قاصم الجبّارين) في موضعه و انظر ما ذكرناه بهامش كتابه الهداية في ج ۲۵: ۱٦٦: ۷۸.

«ديوان كاشف دزفولي» ص ۸۹۷ رقم ۵۹٤٦ س ۲۳، **ملا محمّد البيدآبادي**: **قوله** للمير ملا محمّد أقول لم يذكر أحد الرجل بهذا الوصف بل هو دائماً يذكر بعنوان آقا محمّد و هو الحكيم المتوفّى يوم الجمعة تاسوعاء سنة ۱۱۹۸ كما في ترجمته في مكارم الآثار ج ۱ الرقم ۳٤ و قوله (و كان مريداً الخ) أقول هذا هو الصواب دون ما في عدّة مواضع من الذريعة بأنّ الكاشف كان تلميذ آقا محمّد و راجع لزاماً [مكاتبات السيّد ۲۲: ۱۲۸: ٦۳۸۸] و ما ذكرناه في التكملة بعنوان «معراج المؤمنين ۲۱: ۲۳۵».

﴿ديوان كئيب﴾ ص ۹۰۷: الحاج ميرزا سيّد حسن رئيس الأطبّاء الشيرازي يراجع «فارسنامه ناصري ۱۰۸۷ و ۱٤۰٦ ط ۲» و «آثار عجم ۵۳۲ ط ۲» و «دانشمندان و سخنسرايان ٤: ۲۳۷» و «خاطرات و اسناد ۳: ۱۳۱ فما بعد» و «فرهنگ سخنوران ٤۸۳ ط ۱».

«ديوان كشفي اكبرآبادي» ۹۱۱ رقم ٦۰۲۰: **أقول** الصواب أنّ والد كشفي هو عبدالله المعروف بمكشين رقم المتخلّص في نظمه وصفي (من الوصف) الآتي ذكره في ص ۲٦۹ رقم ۸۱٤۱ فراجعه. و يأتي منّا كلام طويل حول الكشفي و كتابه مناقب مرتضوي في (ج ۲۲: ۳۳٤: ۷۳۲۸) و أمّا وفاة الكشفي ففي عامّة المآخذ كالتي في المتن أو سنة ۱۰٦۱ إلاّ أنّه قال في نزهة الخواطر ۵: ۳۷۹ عند ترجمة الرجل ما لفظه «له مناقب مرتضوي مات سنة أربعين و ألف كما في مرآة العالم» انتهى و لعلّه الصواب فإنّ مرآة العالم كتاب معتبر في التاريخ لبختاورخان الهندي المتوفّى ۱۰۹٦.

«ديوان كفاش إصفهاني» ص ٩١٢ رقم ٦٠٣١: ظهرت نسخة ديوان كفّاش حوالي سنة ١٤٠٠ في مكتبة السيّد الگلپايگاني بقم كما في فهرسها ج ١ ص ٨٥ و لابدّ أنّها ممّا كانت في يد الحاج الشيخ عبدالرزّاق الكتبي الإصفهاني فأهداها للمكتبة فليراجع الفهرس.

ص ٩١٢ س ٢٠، **عند السيد محمّد الجزائري**: سألت بواسطة الهاتف ليلة ٣ ع ١ سنة ١٤٠٤ عن صديقنا السيّد الجزائري عن هذه النسخة فقال نعم كانت عندي في النجف ثمّ بعتها قبل مدّة قال و نسيت اسم من اشتراها و السيّد يقيم الآن في طهران من أوّل الانقلاب الإسلامي و للكفّاش الشاعر بيتان في رثاء آقا محمداسماعيل بن محمدجعفر بن العلاّمة المولى إسماعيل الخاجوئي و قد توفّي آقا محمداسماعيل سنة ١٢٨٢ و بيت المادّة في ملحقات تذكرة القبور ص ١٩٩ س ٣. ثمّ إنّي رأيت نسخة الكفّاش الموجودة في مكتبة السيّد الگلپايگاني في ج ٢ سنة ١٤٠٤ و كلّها في مدايح المعصومين و مراثيهم و يظهر من النسخة أنّ اسمها «زينة الأنجم» و أنّها نظمت في سنة ١٢٧٠ ثمّ رأيت في «فهرست نسخه‌هاى خطى كتابخانه دانشكده ادبيات و علوم انسانى دانشگاه فردوسى ص ٨٤» أنّ بها نسخة أيضاً من «ديوان كفّاش الإصفهاني» في النياحة و المراثي حوالي ٢٧٠٠ بيتاً و حرّرت النسخة في ١٢٩٢ و السلام.

«ديوان كليم كاشاني» ص ٩١٥ رقم ٦٠٥٥: أقول أرّخ آفتاب راي اللكهنوي في [تذكرة رياض العارفين ٢: ١٤٤: ١٥٧١] وفاة كليم هذا بالحروف في ١٠٦٢.

«ديوان كمالي إصفهاني» ص ٩٢١ رقم ٦٠٧٥: مكارم الآثار ج ٨ رقم ١٧٢٣.

«ديوان كمالي سبزواري» ص ٩٢١ رقم ٦٠٧٦: و ليراجع فرهنگ سخنوران ص ٤٩٠.

﴿مثنوي فرهاد و شيرين ميرزا عقيل همداني﴾ ص ٩٢٤: هكذا العنوان في مجموعة جُنگ عندنا فيها تاريخ سنة ١٢٤٠ أوّله: يكى پرسيد از فرهاد بيدل / بوقتى كو طپيدى نيم بسمل – كه اى كرده فدا جان در ره يار / شهادت را بجان گشته خريدار – شده قربانى كوى محبت / براه دوست جان داده بحسرت؛ الخ.

«ديوان كوكب باغبانباشي أو شعره» ص ٩٢٥ رقم ٦٠٩٥: أقول إنّ السيّد جعفر

شهيدي محقّق كتاب الدرّة النادرة للمنشي المذكور قد نفى من مقدّمته للدرّة هذا الخلط و التعدّد و ادّعى أنّ الكوكب ليس إلاّ المنشي و لا غير و الله العالم.

﴿**ديوان كيمياني**﴾ ص ٩٢٧: هو الحاج ميرزا اسد فتح الله المرعشي الشوشتري ذكر تخلّصه و أورد بيتين له المصنّف طاب مثواه عند ذكر كتابه «خزانة القانع» فكأنّه نسي أن يذكره في هذا الموضع فراجعه.

«**ديوان گريان شهرابي**» ص ٩٣٠ رقم ٦١٣٠: راجع ترجمة الرجل في «آتشكده اردستان ٣: ٥٢٩ فما بعدها».

﴿**ديوان گلكده**﴾ ص ٩٣٥: انظر رقم ٦٠٥٤.

﴿**ديوان گوهر أو شعره**﴾ ص ٩٣٦: آخوند ملا حسن بن علي الشيخي التبريزي له تصانيف و مرّت إجازة شيخه السيّد كاظم الرشتي له في ج ١: ٢٢٧: ١١٩ ذكر في «فرهنگ سخنوران: ٤٩٨» مأخذه الوحيد «طرائق الحقائق ٣: ١٥٢» و انظر (مكارم الآثار ١: ٢١٧).

«**ديوان گوهر إصفهاني أو شعره**» ص ٩٣٦ رقم ٦١٦٣: الرجل هو إبراهيم المعنون بجواهري معلّم الأطفال.

﴿**ديوان لا أدري أو شعره**﴾ ص ٩٣٩: ميرزا عبدالجواد المتخلّص لا أدري (ابن عبدالحميد بن مؤمن بن ملاّ محراب العارف الجيلاني المشهور المتوفّى ١٢١٧) انظر «مكارم الآثار ٣: ٦٢٣» و أمّا الكتاب المطبوع مؤخّراً باسم «ديوان حكيم لا أدري» فهو اسم بلا مسمّى بمعنى أنّه جمع فيه أحد المعاصرين أبياتاً يضرب بها الأمثال في الفارسية و جهل الجامع بأسماء قائليها فعرف بعضهم في أجزاء مجلّة آينده.

«**ديوان لاهوتي تفرشي**» ص ٩٤٠ رقم ٦١٨٤: أقول ذكرنا له «خير الكلام» في موضعه من التكملة.

«**ديوان لاهوتي كرمانشاهي**» ص ٩٤٠ رقم ٦١٨٥: أقول طبع «ديوان أبوالقاسم لاهوتي» سنة ١٩٥٧م في (اداره نشريات بزبانهاى خارجى مسكو) في ٤٧٢ص و الظاهر أنّها الطبعة المنقولة عن ط مسكو في ١٩٤٦م و انظر ترجمته في الكتاب المشكوك «شرح زندگانى من بقلم ابوالقاسم لاهوتى» ط ٢ طهران ١٣٣٢ و هناك ولادته في عام ١٨٥٥م

الموافق للعامين ١٢٧١ – ١٢٧٢ق و لكن المشار ذكر ترجمته في «مؤلّفين كتب چاپي ١: ٢٨٦» أنّ ولادته في ١٣٠٥ق و له أيضاً ترجمة في جريدة «روزنامه اطلاعات الصادرة في ٣٤/٨/٢٢ش – ٢٨ ع ١ سنة ١٣٧٥» ومجلّة «آفتاب ايران» الصادرة في ٥٨/١٠/١٣ش – ٢ ع ١ سنة ١٤٠٠» و مآخذ اُخرى ذكر بعضها في المتن و له ذكر في أجزاء كتاب «تاريخ بيست ساله ايران ١ – ٧» للسيّد حسين المكّي و وفاته في ٣٥/١٢/٢٥ موافق ليوم السبت ١٣ شهر شعبان ١٣٧٦ ثمّ لايخفى أنّ الرجل مرتّد غنوصي ترک دين الفطرة و التزم بالألحاد الروسي و قديماً قال الشاعر الفارسي: گر جمله كائنات كافر گردند / بر دامن كبرياش ننشيند گرد. و السلام حرّره سيّد محمدعلي روضاتي عفي عنه في هذه شهر شعبان المعظّم ١٤٠٥

«**ديوان مجذوب تبريزي**» ص ٩٦٣ رقم ٦٣٠٨: **أقول** عندنا النسخة المطبوعة و راجع بزرگان و سخنسرايان همدان ج ٢ ص ٨٩.

«**ديوان مجذوب عليشاه**» ص ٩٦٤ رقم ٦٣٠٩: راجع بزرگان و سخنسرايان همدان ج ٢ ص ٨٥ فما بعدها.

«**ديوان مجمر إصفهاني**» ص ٩٦٦ رقم ٦٣٢٦: **أقول** و نسخة في مكتبة السيّد الگلبايگاني بقم (الفهرس ج ٣ ص ٥٤).

«**ديوان مجنون شاه**» ص ٩٦٨: **أقول** انظر «ديوان نباتي قراچه داغي ١١٦٨: ٧٥٣٥».

«**ديوان مجيد طالقاني**» ص ٩٦٩ س ١٤، **الحاج السيد أسدالله**: **أقول** إنّ الحاج السيّد أسدالله هذا توفّي سنة ١٢٩٠ كما هو معلوم و ذكره شيخنا المصنّف ره في ترجمته في «الكرام البررة ١٢٤» و هذا التاريخ قبل ولادة المصنّف بأربع سنين فلابدّ أنّه أراد أن يكتب اسم ولده السيّد محمدباقر الشهير بالحاج آقا المتوفّى ١٣٣٣ كما في ترجمته في نقباء البشر ص ١٩٥ فسبقه القلم أو أسقط عند الطبع و قد حدّث هذا السيّد الجليل لشيخنا بكثير من مخطوطات خزانة بيت جدّه بإصفهان فذكر في أجزاء الذريعة هذه و إن لم يذكر تلك الخزانة في فهارس خزائن الكتب نسياناً و الله العاصم. م‌ع‌ر في ٢٥ شهر شعبان المعظم ١٤٠٨

«**ديوان مجير بيلقاني**» ص ٩٦٩ رقم ٦٣٤٦: مدح المجير بعض الخلفاء كعمر بن الخطاب كما مدح السلاطين فلايعدّ شيعيّاً.

«ديوان الشيخ محمّد بن حمزة» ص ٩٨٤: أقول و انظر رقم ٥٧٤٢.

«ديوان الشيخ محمّد بن علي» ص ٩٨٦ رقم ٦٤٥٣: انظر له (معارف الرجال) في (ج ٢١: ١٩٢: ٤٥٦) مع التكملة.

«ديوان محمّد خاتوني» ص ٩٩٥ رقم ٦٥٠٢: أقول ذكرنا ترجمة الرجل في «شرح الروضات ١: ١٨٩ — ١٩٠» و نقلنا هناک عن المحدّث القمي في كتبه و منها «الكنى و الألقاب» أنّه كان عنده نسخة من كتاب إرشاد الأذهان بخطّ ابن خاتون هذا فرغ من كتابتها في خامس المحرّم سنة ١٠٦٨ فراجعه.

«ديوان محمدصالح كرمانشاهي» ص ٩٩٩ رقم ٦٥١٨: أقول اطلبه في «كنزالعرفان ١٨: ١٥٩» مع التكملة.

«ديوان محمّد بن فرج الحميري النجفي أو شعره» ص ١٠٠٢: انظر (دستور السالكين) في ج ٨.

«ديوان محيط قمي» ص ١٠١٥ رقم ٦٦٠٧: أقول أوّل من ذكر ترجمة المحيط هو السّد أحمد الديوان بيكي في تذكرته القيّمة «حديقة الشعراء «...» ثمّ ذكر ترجمته أبوزوجته الميرزا حيدرعلي مجدالأدباء المذكور في المتن في مقدّمة ديوان صهره ثمّ ذكره المرحوم معلّم في «مكارم الآثار «...» ثمّ المشار ره في «المؤلّفين ٥: ٧٩٣» و هناک صورة الشاعر و طبع ديوانه للمرّة الثانية سنة ١٣٦٨ في إصفهان و أخيراً طبعة جيّدة سنة ١٤٠٤ في طهران مع مقدّمة مفيدة مختصرة من دون أيّة إشارة إلى طبعات الكتاب أو نسخه المخطوطة أو المترجمين للشاعر و السابقين الناشرين لأشعار الرجل و ليس هذا إلاّ تضييع حقوق الناس و أمّا الرجل فهو و إن كان من أهل العلم و الفضل و الكمال في زيّ الطلبة و الفقهاء الماحدين إلاّ أنّه فاق في نظمه الفارسي أغلب المادحين لأهل البيت و الأئمّة المعصومين عليهم السلام كما فاق في رثائهم معاصره العمّان السامانى رحمة الله عليهم أجمعين. م‌ع‌ر في ٦ محرّم ١٤٠٨

«ديوان محيي‌الدين بن العربي» ص ١٠١٦ رقم ٦٦١٣: أقول انظر ما ذكرناه في التكملة حول «ديوان ابن العربي ٩: ٢٦: ١٥٥» و لاتغفل.

«ديوان مختاري غزنوي» ص ١٠١٧ رقم ٦٦٢٤: له أبيات في مديح أبي‌بكر و عمر و

عثمان فلايجوز عدّ هذا الشاعر و أمثاله من الشيعة الإماميّة القائلة بالنصّ و العصمة و التولّي و التبرّي و الله العاصم.

«ديوان مير مخدوم شريفي أو شعره» ص ١٠١٨: أقول يراجع لزاماً ترجمة ميرزا مخدوم صاحب [نواقض الروافض] في كتاب [عبقات الأنوار مجلّد حديث الغدير ١: ٥٩ — ٦١ ط طهران] ذلک بمناسبة اعترافه بتواتر الحديث المذكور و يأتي [نقض نواقض الروافض ٢٤: ٢٩١: ١٥١٢] فاطلبه و ممّن ذكر ترجمة صاحب النواقض هو محمّد القزويني في [يادداشتهاى قزوينى «...»

«ديوان مخلص تفرشي» ص ١٠٢٠: أقول انظر التكملة على كتابه «كفاية العرفان «...»

«ديوان مسعود سعد سلمان» ص ١٠٣٦ رقم ٦٧٥٠: أقول دون إثبات تشيّع هذا الشاعر و أمثاله خرط القتاد فكثيراً ما تفوّه في أشعاره بعدل عمر بن الخطاب و انظر ترجمته في [الأعلام ٧: ٢١٧: ٣] للزركلي و راجع مقالة «گزيده اشعار مسعود سعد» في مجلّة «نشر دانش السنة السادسة العدد الثاني المورّخة اسفند ٦٤ش».

«ديوان مشتاقي نائيني» ص ١٠٤٥ رقم ٦٧٩٤: أقول طبع له رحلته من المشهد الرضوي إلى طهران باسم «تحفة الفقراء» فذكرناه في موضعه من التكملة.

﴿ديوان مشفق التستري﴾ ص ١٠٥٠: السيّد أحمد بن محمّد بن عبدالكريم بن جواد بن عبدالله بن نورالدين بن السيّد نعمة الله الجزائري قال في (شجرة مباركة: ١١٢) إنّه كان من العلماء المدرّسين الأدباء يعرف بمعلّم و لقبه الشعري مشفق ولد حوالي ١٢١٣ و توفّى ١٢٩٣ و دفن في شوشتر و نقل بعض أشعاره منها في قطعة قوله: معشوقه بنام من و كام دگرانست / چون غرّه شوال كه عيد رمضانست. و آخرها: مشفق چه نمايد گله مردم همه دانند / چيزيكه عيانست چه حاجت به بيانست.

﴿ديوان مطهّر﴾ ص ١٠٥٩: ليراجع كتاب [بياض تاج‌الدين أحمد الوزير: ٦٦٢ — ٦٨٣] و [سالنامه پارس لسنة ١٣٢١ ش: ١١: ٤٢] و لم يذكره المصنّف ره في طبقاته و لا صاحب «فرهنگ سخنوران» و لا الدكتور صفا في (تاريخ ادبيات در ايران) و لا الدهخدا في «لغت نامه» و لا المعين في «فرهنگ» و لا فيما بأيدينا من كتب تذكرة الشعراء و يراجع «فهرست أحمد ٣: «...»

﴿ديوان مظهر او شعره﴾ ص ١٠٦٤: ميرزا علي الملقّب بمظهر علي المتخلّص مظهر كان منشياً و مباشراً لاحتشام الدولة رآه و أورد شعره عليخان المعروف بظهيرالدولة ١٢٨١ — ١٣٤٢ في [سفرنامه همدان] المندرجة في [خاطرات و اسناد ظهيرالدوله ٨١] و مرّ ظهيرالدوله في [ديوان صفا عليشاه] و في [ديوان ظهيرالدولة].

﴿ديوان السيّد معتوق بن شهاب الموسوي﴾ ص ١٠٦٦: انظر «ديوان ابن معتوق» (ص ٢٩ رقم ١٦٨).

«ديوان معزي نيشابوري» ص ١٠٦٩ رقم ٦٩٥٣: في مواضع عديدة من ديوانه أبيات في مدح عمر بن الخطاب و إطرائه بالعدالة.

«ديوان مغربي» ص ١٠٧٩ رقم ٧٠٠٥: قال في معجم المطبوعات عمود ١١٤٠ إنّ ديوان شمس‌الدين مغربي طبع في بمبئي سنة ١٣١١ في ٩٢ صفحة.

«ديوان منطقي ميبدي» ص ١١١٠ رقم ٧١٦٢: قال جدّنا الإمام المجدّد طاب مثواه في ترجمة صاحب شرح الديوان إنّ قيامه بحقّ الشرح لاينافي تسنّنه بل نصبه. انتهى و قد مرّ سهواً في (ص ٢٥٤: ١٥٣٥) فراجعه و ما ذكرناه في التكملة.

«ديوان منعم إصفهاني» ص ١١١١ رقم ٧١٧٣: مكارم الآثار ج ٧ رقم ١٦٠٨.

ص ١١١٢ س ٣، «اومغان ١٤: ٤٣»: أقول عندنا إنّ ذكر المأخذين الأخيرين منقول عن «فرهنگ سخنوران: ٥٦٩» و إلاّ فليس في الموضع المذكور من مجلّة «ارمغان» شيء من ترجمة المنعم و إنّما الموجود هناك ثلاث أبيات من شعره كما أشرنا إلى ذلك أيضاً في تعليقات «مكارم الآثار ٧ رقم ١٦٠٨».

«ديوان منير طاها» ص ١١١٥ رقم ٧١٩٦: أقول يراجع لزاماً كتاب «آناهيتا ص ٦٤ فما بعد» لإبراهيم پورداود.

«ديوان موسوي خوانساري» ص ١١١٩ رقم ٧٢٢٨ س ١٠، رأيت: القائل ع المتروي ناشر الكتاب رأى الجنگ عندنا و مرّ ديوان شقيقه الإمام المجدّد صاحب الروضات في (ص ٥٧٥).

«ديوان مولوي رومي» ص ١١٢٢ رقم ٧٢٤٥: سبحان الله ممّا لا ريب فيه أنّ جلال‌الدين محمّد البلخي صاحب كتاب [المثنوي ١٩: ٣٠٣: ١٣١٤] و غيره لا صلة له

بالتشيّع و مبانيه بل ينادي بأعلى صوته أنّه لا دخل له بالأديان مطلقاً انظر تصريحه بذلك حيث يقول «ملّت عشق از همه دينها جداست» الخ و هذا نظير ما دعى إليه أصحاب «رسائل إخوان الصفا ١: ٣٨٣: ١٩٨٠» كما نبّهنا عليه هناك أيضاً في التكملة فراجع. م‌ع‌ر ٢٤ ج ٢ سنة ١٤٠٩

«**ديوان سيّد مهدي الحلّي**» ص ١١٣٣ رقم ٧٣٠٦: أقول انظر [البابليات لليعقوبي ٣: ٢: ٤٣] و «مكارم الآثار ٣: رقم ٣٤٣» و التعليقة عليها بخطي لزاماً و مرّ ذكر السيّد عبدالمطلب في [ديوان ٧٠٠: ٤٨٦٢].

«**ديوان مهيار**» ص ١١٣٨ رقم ٧٣٣٢: أقول رأيت في كتاب [البابليات لليعقوبي ٣: ٢: ٤٤] في ترجمة السيّد عبدالمطلب بن داود الحسيني الحلّي صاحب [الديوان ٧٠٠: ٤٨٦٢] ما هذا نصّه [و قد شرح المترجم (يعني السيّد المذكور) ديوان مهيار الديلمي الذي طبع في بغداد بثلاثة أجزاء سنة ١٣٣٠هـ و هذه النسخة التي شرحها هي من أصحّ نسخ ديوان مهيار و كان عليها بعض الحواشي بقلم عمّه السيّد حيدر و لو اطّلعت عليها دارالكتب المصرية حين عنيت بنشر هذا الديوان عام ١٣٤٤ لكانت في غنى عمّا عانته من الجهود في سبيل تصحيح نسختها الفوتغرافية السقيمة التي كلّها غموض و طمس و تحريف و لتخلّصت من كثير من الأخطاء و الأغلاط التي شوّهت طبعة ذلك الديوان، و قد سجّلنا ملاحظات شتّى على هذه الطبعة المصريّة أثناء صدورها بكراس ينيف على الخمسين صفحة أثبتنا فيه تصحيحات و تصويبات لبعض أخطاء الديوان التي سنحت لنا أثناء قراءته] انتهى كلام الفاضل اليعقوبي ره.

القسم الرابع من الجزء التاسع

«**ديوان نادرپور**» ص ١١٤٧ رقم ٧٣٩٢: لم يذكر في المآخذ التي بأيدينا اسم والده و لا عشيرته و بيته كما لم يذكر فيها مذهبه و نحلته و مناظيمه لاتتجاوز الخلاعة و المجون و الله العالم.

«**ديوان ناصح قمراني أو شعره**» ص ١١٥٢ رقم ٧٤٣٢: انظر لناصح «مؤلّفين مشار ٤: ٤٢٧» و مجلّة «كيهان فرهنگى ٣: ٦: ٥٧ — ٥٨» و ذكر في الأخير ولادته في العاشر من

ذي‌القعدة الحرام ١٣١٦ بطهران و وفاته بها أيضاً في سحر ليلة الثلثاء الرابع من المحرّم سنة ١٤٠٧ و مدفنه في مزار الإمامزاده عبدالله و توجد آيات الثناء عليه في مقال كتبه الاستاذ جلال الهمائي بمناسبة تحقيق الناصح لديوان الأديب صابر الترمذي ٩: ٥٧٢: ٣١٥٧ و طبع المقال في مجلّة (وحيد السنة ٢ العدد «...»

«ديوان ناصر خسرو العلوي» ص ١١٥٤ رقم ٧٤٤٦: أقول ذكر شيخنا المصنّف ره في كتابه (النابس ١٩٨) أنّه (ناصر بن خسرو بن حارث بن عيسى بن الحسن بن موسى بن الإمام الهمام التقي محمّد الجواد صلوات الله و سلامه عليه و على آبائه الطاهرين و أبنائه الطيّبين) و أمّا النسابة فلم نعثر على من ذكر منهم هذا النسب عدا السيّد جعفر الأعرجي معين‌الأشراف المتوفّى ١٣٣٢ في كتابيه [مناهل الضرب في أنساب العرب ص ٥٣١ مصورّة نسخة الأصل بخطّه] و [الصراط الأبلج في أنساب بني الأعرج في ص ١٦ من نسخته بخطنا] على نسق واحد فقال في المناهل ما لفظه [و يقال إنّ الحسن بن محمّد الأعرج معقّب أيضاً و إليه رفعوا نسب ناصر بن خسرو العلوي فقيل هو ناصر بن خسرو بن الحارث بن عيسى بن الحسن بن محمّد الأعرج المذكور و عزاه آخرون إلى محمّد بن موسى المبرقع و لم يعرف النساب كلا [كذا] النسبتين] الخ ما قال و أمّا الخطيب المعاصر الشريف مرتضى علي الكشميري فنقل صورة النسب عنّا في جواب كتاب له في كتاب «أضواء على حياة موسى المبرقع و ذريّته ص ١٤٠» و كنّا ذكرنا له النسب نقلاً عن السيّد الأعرجي و لكنّه طبع في كتاب الأضواء خطأ فتبصّر. و أمّا الأُستاذ الفاضل محمود غني‌زاده فنفى عنه النسب في مقدّمته التي كتبها سنة ١٣٤١ق لكتاب «سفرنامه حكيم ناصر خسرو طبعة ص‌د» و ذكر حسن تقي‌زاده في مقدّمته لديوان ناصر خسرو (ص ز إلى ط) أنّ النسب من مجعولات المتأخّرين و لا اعتبار به مطلقاً و كذا مال إليه مجتبى مينوي في استدراک تلک المقدّمة (ص صد) و السلام. و راجع لشعر الناصر و فلسفته و محنته جريدة «روزنامه اطلاعات ع ١٤١٩١ الصادرة في ٥٢/٦/٨ = ص ١٨» و نشرة دانشكده ادبيات إصفهان. حرّر في ليلة الجمعة ٢١ محرّم ١٤٠٧

«ديوان نباتي قراجه‌داغي» ص ١١٦٨ رقم ٧٥٣٥: انظر مقالة (حافظ و شعراى

آذربايجان) في نشرة «كيهان فرهنگی س ٣ ع ٤ ص ٢٨ الصادرة في تيرماه سنة ٦٥ش».

«**ديوان نجات إصفهاني**» ص ١١٧١ رقم ٧٥٥٥: يراجع «دانشمندان مهلوي ص ٥١٥» و الرجل خال الخادم الذي ذكره (٢٧٧: ١٦٦٦).

«**ديوان نجم رازي**» ص ١١٧٤ رقم ٧٥٧٨: **أقول** نذكر في «مرصاد العباد ٢٠: ٣٠٨: ٣١٢٩» أنّ الرجل من أشدّ النواصب فراجعه.

«**ديوان نديم مشهدي**» ١١٨٠ رقم ٧٦١٩: انظر تاريخ «عالم آراي نادري ٣: ٩٢٨» تعليقة الدكتور محمدأمين رياحي عليه بهامش الصفحة.

«**ديوان نزاري قهستاني**» ص ١١٨٢ رقم ٧٦٣٣ س ٢٣، **نسيم بهاري: أقول** كذا في (ج ٢٤ رقم ٧٩٨) و كتاب مشار و لكن النسخة الموجودة عندنا الآن في ٥١ صفحة و هي تامّة و مصنّف الرسالة هو الشيخ مرتضى ابن الحاج الشيخ محمدباقر القايني البيرجندي و الوالد صاحب «بغية الراغب فيمن رأى الإمام الغائب» و (رجال قائن) و ولده الآخر هو الحاج الشيخ محمدحسين الآيتي صاحب «بهارستان» و «مقامات معنوى و مقامات بهلوى» و كلّها ممّا طبع و انتشر.

«**ديوان النسب**» ص ١١٨٤ رقم ٧٦٤٣: قال ابن الفوطي المتوفّى سنة ٧٢٣ في حرف الميم من كتابه المطبوع بالهند «تلخيص مجمع الآداب ص ٤٨٩» ما لفظه «المرتضى — علي بن الرضي محمّد بن محمّد بن علي بن محمّد بن المرتضى أبي‌القاسم علي بن الحسين بن موسى بن محمّد بن موسى بن محمّد بن موسى بن ابراهيم بن موسى بن جعفر بن محمّد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي‌طالب هو صاحب كتاب ديوان النسب الذي استوفّى فيه أنساب العلويّين و لم يبق من أولاد المرتضى سواه و توفّي سنة أربع و خمسين و ستمائة» انتهى كلامه و هي عام وفاة سبط ابن الجوزي و ذكر اسم والده محمداً و هو في ساير المآخذ حسن قوله «و قال السيّد علي بن طاوس» **أقول** هو الشريف الطاهر جمال‌السالكين نقيب الطالبيّين رضي‌الدين أبوالقاسم علي بن موسى بن جعفر بن محمّد بن أحمد الحسني رضي الله تعالى عنه المتولّد ٥٨٩ المتوفّى ٦٦٤ و النقل عن «كشف المحجة ١٣٢ ط النجف ١٣٧٠» صحيح إلاّ الكلمة الأخيرة ففي المطبوعة كهذه [غير اخوتک و خاصتک] و ليعلم أنّ السيّد لم يذكر هناک اسم مؤلّف الديوان بقي أن

نذكر ملاحظة هي أنّه كان المناسب ذكر هذا الكتاب في آخر الجزء الثامن لا في التاسع المختصّ بالدواوين الشعريّة. و انظر الثقات العيون ص ١٨٣ و حقّه أن يذكر في الأنوار الساطعة في المائة السابعة و راجع «منية الراغبين ٣٤٠».

«ديوان نشاء تبريزي» ص ١١٨٧ رقم ٧٦٦٠: الصواب نشأة (و هو في الأصل النشأة) كما لايخفى و تحقيق ترجمته إجمالاً في تعليقة الدكتر محمدأمين رياحي على كتاب «عالم آراى نادرى ٣: ٩٢٦» فليراجع.

«ديوان نصرت اردبيلي» ص ١١٩١ رقم ٧٦٧٨: انظر مقالة «حافظ و شعراى آذربايجان» في مجلّة «كيهان فرهنگى س ٣ ع ٤ ص ٢٨ الصادرة في تير ماه سنة ٦٥ش».

«ديوان نظام تبريزي» ص ١٢٠٢ رقم ٦٨٣٧: انظر ترجمته في كتاب «رجال آذربايجان در عصر مشروطيت: ١٥٧ فما بعدها» و تعليقاتنا عليه و أيضاً «دانشمندان آذربايجان» لتربيت و تأليفاته الكثيرة مذكورة في مجلّدات الذريعة و له ذكر في كتاب «سفرنامه امين‌الدولة الحاج عليخان».

«ديوان نظام‌الدين ابن المولى أحمد الأردبيلي أو شعره» ص ١٢٠٤: انظر له «شرح شواهد البهجة المرضيّة ١٣: ٢٣٨: ١٢٤٩» و «عنوان نامها ١٥: ٣٥٤: ٢٢٦٩».

«ديوان نظام‌الدين البغدادي» ص ١٢٠٤ س ٦، **المذكور في ص ٣٣**: يعني في هذا المجلّد الرقم ١٨٨.

«ديوان نظام وفا» ص ١٢٠٦ رقم ٩٨٦٢: أقول و جدّ نظام وفا هو الملاّ محمدحسين بن محمدباقر الأراني الكاشاني المجاز عن الحاج السيّد حسين كما مرّ ذكره مختصراً بهامش ج ١: ١٩٣: ١٠٠٢ و توفّى نظام وفا في دي‌ماه سنة ١٣٤٣ش كما في ترجمته في أعلام فرهنگ فارسى للدكتور محمّد معين و التاريخ يوافق الشهرين شعبان — رمضان ١٣٨٤ كما ذكر ولادته في (١٢٦٦ش) فراجعه.

ص ١٢٠٩ س ١٧، **هفت پيكر**: أقول أحسن طبعات هفت پيكر و أجدّها طبعة مسكو ١٩٨٧م / ١٤٠٨ق باعتناء طاهر أحمد اوغلي محرّم اوف معها مقدّمة لا بأس بها و فيها ولادة الشاعر في ١١٤١م و هو الموافق ٥٣٥ — ٥٣٦هـ و وفاته في ١٢٠٩م الموافق ٦٠٥ — ٦٠٦هـ و أمّا الدكتور محمّد معين ففي أعلام فرهنگ فارسي له أنّه ولد ٥٣٠ و مات

٦١٤هـ و الله العالم. أمّا صاحب المقدّمة الفاضلة لطبعة خمسة النظامي في ١٣١٦ق فبلغ مجهوده إلى أنّ وفاة الحكيم لم يتقدّم على سنة ٥٩٨ فراجعه و من جملة أشعار النظامي على ما في [كشف الحقائق للعزيز النسفي المتوفّى قبل ٧٠٠ هو قوله چو بد كردى مباش ايمن ز آفات / كه واجب شد طبيعت را مكافات] و السلام. حرّر في ١١ شوال ١٤٠٨

«ديوان نظيري نيشابوري» ص ١٢١٣ رقم ٦٨٨٥: يراجع مقال «نظرى بر ديوان نظيرى نيشابورى» في مجلّة «كيهان فرهنگى الرقم المسلسل ٧٢ الصادرة اسفند ٦٨ش ص ٢٨ فما بعد».

«ديوان نعمت فسائي» ص ١٢١٥ رقم ٦٨٩٣: أقول ذكر المعلّم الحبيب آبادي ره تاريخ ولادة الميرزا محمودخان هذا في «مكارم الآثار ٦: ٢٠٠٢ رقم ١٢٣٣» في وقايع ١٢٧١ عقيب ترجمة فرصةالدولة الشيرازي فإنّه أيضاً من مواليد هذه السنة إلاّ أنّ في «فارسنامه ناصري» أنّ الرجل ولد ١٢٧٢ و الظاهر أنّه اشتباه فقد ذكر هناك أنّ أخاه الميرزا قاسمخان ولد بعده في ١٢٧٣ و أمّا تاريخ وفاته فأثبته المعلّم ره بهامش نسخته من الفارسنامه في عصر يوم الأحد الرابع من المحرّم سنة ١٣٤٤ و هكذا أورده في المكارم و قال إنّه موافق للرابع من مرداد سنة «...» و هو و إن لم يذكر مأخذه للتاريخين إلاّ أنّ وثاقته و تثبّته في أمثال هذه الأُمور ممّا لاينبغي التأمّل في صحّة كلامه.

«ديوان شاه نعمةالله ولي» ص ١٢١٥ رقم ٦٨٩٥: هذا الرجل أيضاً من الصوفية العامّة العمياء و توجد ترجمته في «تاريخ كرمان: ٥٧٤ فما بعدها. ط ٢» لأحمد علي خان الوزيري و «الضياء اللامع ١٤٧» لشيخنا المصنّف و عنوانه فيه «نقمة الله» بالقاف و تردّد هناك في وفاته في ٨٣٢ أو ٨٣٤ و اليوم المذكور هناك لوفاته الخميس الثاني و العشرين من شهر رجب أقول و هو الأوفق بالعام الرابع و الثلثين كما يظهر من تقويم وستنفلد و إن كان مناسباً للثاني و الثلثين أيضاً باعتبار. ثمّ الظاهر أنّ ترجمة السيّد نعمةالله في الضياء من إضافات الناشر دون الأصل و الله العالم. و مرّ سبطه في «ديوان الباقي ١٢٤: ٧٧١».

«ديوان نقيي إصفهاني أو شعره» ص ١٢٢٠ رقم ٦٩٢٦: راجع ديوان روحي في ص ٩٤٨ فانظر ج ٢٤: ٣٠: ١٤٤.

«ديوان نوربخش خراساني» ص ١٢٢٨ رقم ٦٩٧٤: أقول ذكرنا له في التكملة «شرح حديث من عرف نفسه ١٣: ٢٠٨: ٧٣٤» و ليراجع لزاماً كتاب «اسناد مكاتبات تاريخى ايران از تيمور تا شاه اسماعيل ١٥٠ — ١٥٤».

«ديوان نورالدين محمّد الزيدري» ص ١٢٣٠ رقم ٦٩٨٣: أقول لا دلالة على تشيّع الرجل بوجه كما أشرنا إليه في «نفثة المصدور ٢٤: ٢٤٤: ١٢٦٦ و ١٢٦٨».

﴿ديوان نويد إصفهاني أو شعره﴾ ص ١٢٣٦: و اسمه السيّد محمّد ولد السيّد جعفر المتخلّص (صافي: ٥٨٤: ٣٢١٢) ذكره الاستاذ جلال‌الدين الهمائي في عداد شعراء إصفهان في النصف الأوّل للقرن ١٣ في (مقدّمه برگزيده ديوان سه شاعر اصفهان: ١٣٢) و لم يزد على اسمه و اسم والده شيئاً و الله العالم.

«ديوان نيازي صفوي» ص ١٢٤٠ س ٢٥، (تعا — ص ١٥٧): تحفة العالم ص ٢٥١ — ٢٥٢ ط ١.

«ديوان نيّر تبريزي» ص ١٢٤١ رقم ٧٩٥٩: انظر فهرس مكتبة العلاّمة النجفي المرعشي بقم ج ١ رقم ٢١٩ في المتن و التصاوير و أيضاً مقالة «حافظ و شعراى آذربايجان» في مجلّة «كيهان فرهنگى س ٣ ع ٤ ص ٢٩ الصادرة في تير ماه ٦٥ش».

ص ١٢٤٢ س ١، الفيه عينكي: للتعريف بألفية النيّر انظر كتاب «رجال آذربايجان ص ١١٥» للدكتور مهدي مجتهدي.

«ديوان واعظ قزويني» ص ١٢٥٢ رقم ٨٠٢٧: أقول يأتي (منشآته) في ج ٢٣ ص ٤٢ في عنوانين.

«ديوان واله إصفهاني أو شعره» ص ١٢٥٥ رقم ٨٠٥٢: الظاهر أنّ واله هذا هو محمّديوسف بن محمّدفصيح صاحب التذكرة الموجودة نسختها في مكتبة السيّد الگلبايگاني بقم كما في الفهرس ج ١ ص ٢١٤.

﴿ديوان الملاّ وحيدة أو شعرها﴾ ص ١٢٦٧: نائحة نجفيّة شريفة النفس عالية الهمّة شاعرة مجيّدة محسنة راجع [ماضي النجف و حاضرها ٣: ٣١٧].

«ديوان وصفي كرماني» ص ١٢٦٩ رقم ٨١٤١: هو والد (عرشي) و (كشفي) المارّ ذكرهما و استبعدنا في (مناقب مرتضوى) تشيّع الكشفي فضلاً عن والده و توجد ترجمة

الرجل في (نزهة الخواطر ٥ ص ٢٥٧) و نقل وفاته في ١٠٣٥ عن مرآة العالم كتاريخي ولديه.

«ديوان وفائي شوشتري» ص ١٢٧٤ رقم ٨١٧٨: أقول الصواب في اسمه و نسبه أنّه الحاج ملاّ فتح‌الله بن الآخوند ملاّ حسن بن علي بن الحاج رحيم البزي الشوشتري و البزي نسبة إلى قرية بزيه قرب دورق «بالباء الموحدة و الزاي المعجمة و الياء المثناة آخرها الهاء» و الصواب أيضاً الوفائي توفّي في النجف الأشرف في شهر رجب ١٣٠٣ و قوله (في س ٢٣) محمدصالح الصواب محمّد بن الشيخ صالح و يعلم ما ذكرناه من مقدّمة «ديوان وفائي» و من كتاب «شرح حال وفائي شوشتري» للشيخ محمّد مهدي شرف‌الدين المطبوعين في السنين الأخيرة أمّا نسخة الديوان فطبعت في بلدة أهواز عام ١٣٩٢ و لها مقدّمة في أربع صفحات ثمّ فيها قصائد و غزليّات و مثنويّات و رباعيّات في ١٣٤ صفحة و تلوها نسخة «سراج المحتاج» مصوّرة عن طبعة حجريّة لسنة ١٢٩٤ صفحاتها ٤٠. أمّا كتاب شرف‌الدين فطبع بعد الديوان في طهران في ١٤٠ صفحة و مشتمل على شيء من ترجمة الوفائي و عدّة من رسائله أيضاً و النسخة مصوّرة تماماً عن خط الشيخ و قد بالغ في حقّ الرجل مبالغة عظيمة و ادّعى له كرامات غريبة و تجاوز عن الحدّ المعقول و المشروع بما لايجوز تصديق أمثالها لغير معصوم و الله من وراء القصد. م‌ع‌ر عفي عنه في آخر شهر رجب ١٤٠٥. ثمّ في ١٣ شهر رمضان ١٤١٣ رأيت ترجمة الوفائي في نقباء البشر (مصوّرة نسخة الأصل ص ٤٨٦) فراجعه.

«ديوان هجري تفرشي» ص ١٢٩٠ رقم ٨٢٧٠: راجع (تاريخ بيست ساله ايران ٧: ١٢) للسيّد حسين مكّي و «مجلّه آينده ١٣: ٤٨٥» و المآخذ المذكورة هناک و الكنى و الألقاب للمحدّث القمي في (الشعبي) مع الحواشي لنا.

«ديوان هلالي جغتايي» رقم ٨٣٠٠ — ص ١٢٩٥ س ١٤، مجلة يادگار: أقول و جاء بمناسبة شرح بعض أعمال الشيبانيّين الاوزبک و الصفويّين ذكر الهلالي في «مقالة عبدالغني ميرزا يوسف» و قد أشرنا إليها في التعليقة على (ديوان بنائي) و مرّ ذكر المقالة في المتن ص ١٢٨٠ س ٢٤ فراجعه و طبع ديوان هلالي مكرّراً في بلاد الهند و طهران و لكاميار عابدي مقال حول ترجمة الهلالي و آثاره نشر في مجلّة «أدبستان ٣٣: ٤٢ — ٤٨ شهريور ١٣٧١» فليراجع.

«ديوان هيدجي» ص ١٣٠٤ رقم ٨٣٦٤: أقول مرّ ذكر وفاة الحكيم الهيدجي ره في ج ٦: ١٢٧ س ١ في ع ٢ سنة ١٣٤٩ كما نقل في «مكارم الآثار ٦: ١٩٦٦» و قيل في تاريخه أقوال آخر و لم يتبيّن لنا حقيقته و راجع «الكلام يجرّ الكلام ج ١ ص ١٣٢» و مقالة «حافظ و شعراى آذربايجان» في مجلّة «كيهان فرهنگى س ٣ ع ٤ ص ٢٩ الصادرة في تيرماه سنة ١٣٦٥» و مقالة «اسرار سبزوارى و فلسفه او ٤٥ — ٤٦» في مجلّة «نشريه انجمن آثار ملّى ٣ — ٤ پائيز — زمستان ١٣٥٥».

ص ١٣٢١: بحمد الله صحّح وفق الجداوال.

ص ١٣٢٢: صنعة أحمد المتروي كما يأتي في ص ١٤٦٦.

ص ١٣٢٢ س ٦، هذا الجزء: يعني الجزء التاسع من الذريعة بمجلّداته الأربع.

ص ١٣٢٨: عناوين الإصفهانيّين في هذا الفهرس ٥٠٥ عنواناً.

ص ١٣٥٥ س ٨، الترمذي ابن ملا...: / التستري ابن ملا...

ص ١٤٢٤ س ١٢، الكرماني ميرزا آقا خان...: لم أجده فانظر (نامه باستان) في النون.

ص ١٤٣٧: المذهب الإصفهاني: هار الإصفهاني.

ص ١٤٩٩ س ١٢، الروضات ١١١٩: + و ٥٧٥ س ١٠.

ص ١٥٣٩ س ١٢، يوسف و زليخا - اردستاني: هذا أوّل مرّة ذُكِرَ (يوسف و زليخا) في المجلّد التاسع و ليراجع ما كتبنا بالهامش.

ص ١٥٤٠: بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي وفّقني بمنّه و كرمه لتصحيح جميع أجزاء المجلّد التاسع وفق الجداول الخاصّة و ما استدرك في آخر المجلّد ٢٥ و تمّ ذلك في ليلة ١٩ شهر ربيع المولود عام ١٤٠٥ و صلّى الله على سيّدنا و نبيّنا محمّد المصطفى و عترته الطّيبين الطاهرين و بهذا العمل تمّ جميع التصحيحات و الاستدراكات وفق جميع الجداول في جميع مجلّدات الذريعة و السلام. حرّره العبد محمّدعلي روضاتي عفي الله عنه و عن والديه آمين آمين آمين

الجزء العاشر

«**الذباحة و احكامها**» ص ٢: و كذا في ج ١١ ص ١٧٧ ثلث رسائل في حلّية طعام أهل الكتاب.

«**الذبيحية**» ص ٣ رقم ٢١: يأتي في ص ١٨٦ ج ١٢ أنّ منها نسخة أيضاً في المكتبة المركزية بجامعة طهران كما في فهرسها (٣: ١٨٧٩) و عندنا نسخة في مجموعة رسائل كتابتها حوالي سنة ١٢٤٣.

ص ٤: يراجع «مسئلة في ذبيحية» الخ ج ٢ ص ٣٨٧.

ص ٤: انظر خلاصة الأثر للمحبّي ج ٢ ص ١٣٠ حتماً.

ص ٦ س ١١، **الروضات**: + ص ١٥٠ ط ٢.

«**ذخائر النبوّة**» ص ٨ رقم ٤٥: أقول انظر ترجمة الحاج شيخ هادي العلامة في «أعيان الشيعة ٥٠: ٤٤ ــ ٤٦» قال انه ولد في ٢٠ شهر رمضان ١٢٥٣ و توفّى بالنجف و دفن في الحجرة صاحب مفتاح الكرامة و انظر أيضاً «الأعيان ٥٦: ٤٤».

«**ذخر العالمين**» ص ٩ رقم ٤٨: الصواب العالَمَين.

ص ٩ س ١٠، **شرحاً آخر**: انظر ج ١٣ ص ٢٥٦.

ص ٩ س ٢٤، **١٣ ــ ج ٢ ــ ١١١٦**: ليراجع كتابنا فهرست كتب خطى اصفهان ج ١ ص ١٧٣.

«**ذخيرة الصالحين**» ص ١٦ رقم ٧٦: أقول انظر «وسيلة النجاة» للامام السيّد أبي‌الحسن الإصفهاني.

﴿ذخيره العالم و بصيرة المتعلم﴾ ص ١٦: للسيّد المرتضى ره نقل عنه قطعة في ظهر نسخة «تحرير الأحكام» للعلاّمة الحلّي ره و هي عندي.

﴿ذخيرة العقبى في مثالب اعداء الزهراء عليها السلام﴾ ص ١٧: للمحدّث القمي الحاج الشيخ عباس ذكره نفسه في «هدية الأحباب ٣٧» في ترجمة أبي‌لؤلؤة.

﴿ذخيرة العباد ليوم المعاد﴾ ص ١٧: رسالة عملية للفاضل الشرابياني الآتي في ج ١١ ص ٢١٨ ش ١٣٢٠ كما في مكارم الآثار ج ٤ ص ١٢٥٧.

ص ١٨ س ١٣، **وقفها:** / وقفها. صح

«الذخيرة في الحشر في بيان نسب عمر» ص ١٨ رقم ٩٠: أقول انظر [عقد الدرر ١٥: ٢٨٩: ١٨٨٢ و الذي بعده].

ص ١٨ س ٢٥، **التال:** / اللآل. صح

«الذخيرة الى المعاد» ص ١٩ رقم ٩١: أقول إنّ الشيخ سليمان ظاهر كان من خيرة رجال الإسلام ولد في النبطية ١٢٩٠ و توفّي و دفن فيها سنة ١٣٨٠ تنتهي سلسلة نسبه إلى جدّنا الإمام السعيد الشيخ زين‌الدين الشهيد الثاني و له ترجمة حسنة في [أعيان الشيعة ٥٢: ١٢٠ ــ ١٣٧] كاتبناه فتفضّل بالجواب و بطائفة من آثاره المطبوعة رحمة الله تعالى عليه.

«ذخيرة المعاد» ص ١٩ رقم ٩٣: قوله العزيز هندي أقول الصواب الفريز هندي كما في فهارس المشار و (فريز هند) بفاء ثم راء من نواحي كاشان كما في كتاب [فرهنگ آباديهاى ايران] و لم نجد للرجل ترجمة في المعاجم و لا في «خلدبرين» لبيان الواعظين.

«ذخيرة المعاد في شرح الإرشاد» ص ١٩ رقم ٩٦: يعني كتاب «إرشاد الأذهان إلى أحكام الايمان ١: «...» لآية الله العلاّمة الحلّي قدّس الله روحه و يأتي أيضاً كتاب آخر بهذا الاسم و الصفة في ص ٢٠: ١٠٢ و انظر «كفاية المعتقد ١٨: ٩٩: ٨٥٩» و امّا ولادته و وفاته فأوردهما في وقايع السنين مرّتين في ص ٥٠٣ و ص ٥٣٤ كالذي في المتن و الولادة هناک أيضاً بدون ذكر اليوم و الشهر و لكن ذكر أنّ وفاته كانت في الثامن من ربيع الأوّل و أمّا تواريخ كتابه الذخيرة على ما في نسختنا المطبوعة فقد فرغ من كتاب الطهارة و هو الجزء الأوّل في أواخر شهر رمضان المبارک حجة خمسين و ألف و قال

في آخر كتاب الصلوة ما نصّه «انتهى الجزء الثاني من كتاب ذخيرة المعاد في شرح الإرشاد على يد مؤلّفه الفقير... في شهر جمادي الثانية من شهور سنة ثلث و خمسين و ألف» الخ و ليس في المطبوعة تاريخ لكتاب الزكوة و أمّا كتاب الصوم فقال في خاتمته «انتهى ما قصدنا إيراده في شرح كتاب الصوم على يد مؤلّفه... في شهر رجب المرجب من شهور سنة ١٠٥٥ خمس و خمسين و ألف» الخ و ليس في المطبوعة تاريخ لكتاب الحجّ و كذا في نسخة مخطوطة قديمة رأيتها أنا فليصحّح ما ذكره شيخنا في المتن وفق ما ذكرنا في الهامش و إذا كان كتاب الذخيرة لم يتجاوز كتاب الحجّ و قد صرّح بذلك صاحب وقايع السنين أيضاً و هو من أجلّ تلاميذ المؤلّف و من أقرب أصدقائه فما معنى لقول شيخنا انّه أجمل في المعاملات أو لصاحب وقايع في موضعين من كتابه أنّ السبزواري فرغ من تأليف كتاب الحجّ سنة ١٠٢٥ و هذا من أعاجيب الأغلاط و الظاهر انّه اشتبه عليه الأمر و أنّ الصواب ١٠٥٥ و الله العالم و العاصم. م‌ع‌ر في ليلة ١١ محرم ١٣٩٩

﴿ذخيرة المعاد و تذكرة العباد﴾ ص ٢٠: بالعربيّة لأبي‌محمّد الملقّب بعبدالله المدعوّ بالحسن بن أحمد كتاب في الأدعية و العقائد في مقدّمته ذكر واقعة لمؤلّفه في سنة ١١٠٠ فهو من المعاصرين للعلاّمة المجلسي قدّس سرّه و النسخة عند الحاج الشيخ محمّدتقي المشتهر بالفَهامي الواعظ بإصفهان أخبرنا به في شهر شعبان المعظّم سنة ١٤١٢هـ.

«ذخيرة الملوك» ص ٢١ رقم ١٠٦: أقول من جملة الناقلين عن هذا الكتاب هو الملاّ حسين الواعظ الكاشفي في الباب ٣٤ من كتابه «اخلاق محسني» قال «و حضرت مرشد همداني امير سيّد على همداني قدّس سرّه در كتاب ذخيرة الملوك فصلى از اقوال اهل حكمت در باب دلائل فراست آورده» الخ و ليراجع نشرة «فرهنگ ايران زمين ٢٨: ٩ – ٦٩» مقالة بعنوان «سرگذشتنامه مير سيّد على همداني» و مقالة أُخرى عنوانها «نقد و نظر در باره چهار اثر سيّد على همداني» في مجلّة «آينه پژوهش ٦: ٩ – ١٩» و انظر «ديوان سيّد علي همداني ٩: ٧٦٥: ٥١٧٧».

﴿ذخيرة المواعظ﴾ ص ٢٢: يراجع (نتيجة الحياة).

«الذخيرة و كشف التوقع لأهل البصيرة» ص ٢٣: في تعبير الرؤيا توجد نسخته في

دارالكتب المصرية كما يظهر من «الأعلام للزركلي ٢: ١٢٤: ١ ط ٦» ناقلاً عن «فهرس دارالكتب ٦: ١٧٧» و ناسباً تأليفها إلى جدّنا الأمجد الأعلى الإمام العلاّمة الحاج مير أبوالقاسم جعفر الموسوي الإصفهاني المتوفّى ١١٥٨ قدّس الله روحه الشريف و هو صاحب كتاب مناهج المعارف.

«ذرايع الاحلام» ص ٢٤ رقم ١١٧: ذكره في معجم المطبوعات العدد ١٧٧٢ و أخطأ في نسبة مؤلّفه فقال «المقاماتي. الشيخ محمّد بن عبدالله المقاماتي» الخ و الصواب ما في المتن. نسبة إلى مامقان قصبة قرب تبريز و الشيخ من أعيان علمائنا الأعلام و مجتهدينا الكرام و ترجمته مذكورة في تنقيح المقال لولده العلم المثال و كذا في أحسن الوديعة و ريحانة الأدب و أعيان الشيعة و نقباء البشر و امثالها.

«الذرية الطاهرة» ص ٢٥ رقم ١٢٥: هذا الكتاب غير كتاب الذرّية الطاهرة تصنيف أبي‌بشر محمّد بن أحمد بن حماد الانصاري المعروف بالدولابي الذي يروي عنه علي بن عيسى الاربلي رحمه الله تعالى بسنده المذكور في كتابه كشف الغمة ج ١ ص ٤٩٢ ط ٢ فراجعه.

العلاّمة الشريف الحاج السيّد عبدالعزيز الطباطبائي النجفي في ٢٩ ع ١ سنة ١٤٠٠ في [...] بإصفهان انّ هذا الكتاب هو عين كتاب الدولابي لا غيره و انّ السلامي هو راويه و أخبرني دام عزّه بأنّه [...] نسخة استكتبها بنفسه عن مصوّرة مكتبة السيّد الحكيم بالنجف الأشرف و الحمد لله ربّ العالمين.

«ذرية المصطفى» ص ٢٥ رقم ١٢٦: أقول راجع كتاب [نقباء البشر ١٥١٤] و [منية الراغبين ص ٥٠٨] و [مكارم الآثار ١: ١٣٣: ٧٦ و أيضاً ٥: ١٧٦١: ١٠٧٠] و الذرّية هذه لم يذكرها صاحب المكارم لعدم ظهور اسمها قديماً و الله العالم و يأتي له «زاد المسافرين ١٢: ٩: ٤٩» و «قانون العلاج ١٧: ٢٣: ١٤٠».

«الذريعة إلى حافظ الشريعة» ص ٢٧ رقم ١٣١ س ١٤، **الجيلاني:** هو صاحب شرح الكافي المذكور في ج ١٢ ص ٢٨.

«الذريعة الى مكارم الشريعة» ص ٢٨ رقم ١٣٣ س ١٢، **قال بعض الافاضل:** هو إمام الأفاضل و سيّد الفقهاء الأعاظم المجتهد المجدّد المجاهد آية الله العظمى صاحب الروضات

قدس الله تعالى روحه ذكر ذلک في ترجمة الراغب (الرقم ٢٧٣) إلاّ أنّ الكلام في صفة النسخة الفارسية من الذريعة انظر ما ذكرناه في التكملة على «اخلاق راغب ١: ٣٧٤: ٩٥١) و ذكرنا هناک أيضاً ما يتعلّق بقوله «كما أرّخ تاريخ أخبار البشر».

ص ٣٢ س ٢٥، **هذا الكتاب**: ذكر ذلک صاحب الروضات قدّس سرّه في ص ١٩٨.

«**ذريعة الهداة**» ص ٣٣ رقم ١٥٧ س ١٠، **القاضي في تبريز**: أقول انظر ما ذكرناه في «محاسن الاعتقاد ٢٠: ١٢٥: ٢٢٢٦».

«**الذكرى**» ص ٣٨ رقم ٢١٠: أقول مرّ هذا الكتاب في «الخمريّة ٧: ٢٥٣: ١٢٣٣» و يأتي ذكر نسخة اُخرى له في (ج ١١: ١٨٦ س ٤) و انظر «سفير عرشي ١٢: ١٩٢: ١٢٩١» و «شافع حشر ١٣: ٥: ١٠». و راجع ما تذكره بعنوان (شرح شافية أبي‌فراس هامش في ج ١٣: ١٣٤) و ترجمة أبي‌نصر محمّد بن ناصرالشريعة منصور بن محمّد المشتهر بصدر الثاني على حدّ تعبيره في مقدّمة كتابه الذكرى هذا دون التعبير الصغير الذي اخترعه شيخنا المصنّف ره و كذا ترجمة جدّه محمّد في [إحياء الداثر ٢١٨ ـــ ٢٢٠] و فيها بعض الأخطاء نبّهنا عليه بهامش نسختنا و الله العاصم. و رجوع به دانشمندان آدميت ج ٣ ص ٤٥١.

«**ذكرى ذوي النهى**» ص ٣٩ رقم ٢١٨: راجع «الغالية لأهل الأنظار العالية» في نفس الموضوع للسيّد المؤلّف المذكور في ج ١٦ ص ٣.

«**ذكرى الشيعة في أحكام الشريعة**» ص ٤٠ رقم ٢٢١ س ٧، **فرغ منه**: عبارة المصنّف ره هكذا «فرغت منه يوم الثلثا لتسع بقين من صفر» الخ و قال قبل ذلک «و ليكن هذا آخر المجلّد الأوّل من كتاب ذكرى الشيعة و يتلوه إن شاء الله في المجلّد الثاني كتاب الزكوة» انتهى. ثم أنّ في مكتبة الأوقاف العامّة في بغداد نسخة جيّدة من الكتاب قديمة خزائنيّة متقنة مقابلة كتبها حسن بن محمّد بن أحمد في ٨٣٦ برسم خزانة أحد الصدور كما في فهرس المكتبة ج ٤ ص ٣٨٥.

«**ذوب النضار في شرح أخذ الثار**» ص ٤٣ رقم ٢٤٦: أقول الصواب النضار كما مرّ في «أخذ الثار ١: ٣٦٩: ١٩٢٨» و يأتي أيضاً في «شرح الثار ١٣: ١٧٠» و نسخة العلاّمة المجلسي التي استكتبها له السيّد علي الحسيني المشهدي ثمّ قابلها العلاّمة بنفسه في شهر

رمضان ١٠٨١ في النجف الأشرف تلو «مثير الأحزان» و «مقتل أميرالمؤمنين عليه السلام» الذي نسبه العلاّمة في البحار إلى أبي‌الحسن البكري في خزانة كُتبنا و لله الحمد و ترجمة ابن نما في «الأنوار الساطعة ٣١» باختصار و كذا في «الكنى و الألقاب» و «هدية الأحباب» كلاهما للمحدّث القمي و «أعيان الشيعة» و قد استفاد الكلّ ممّا حقّقه جدّنا الإمام المجتهد المجاهد المجدّد صاحب الروضات الجنّات في ترجمة الرجل و ذويه ثم بخسوا حقّه كساير المواضع فالكلّ عيال عليه غير شاكرين و الله سبحانه يجزيه الجزاء الأوفى فإنّه أوّل من أحيى آثار العلماء و مآثرهم بأُسلوب لم يسبقه سابق و لم يقدر على اللحوق به لاحق و بالجملة فقد نقل صاحب الروضات أعلى الله مقامه عن فخرالمحقّقين ره أنّ الشيخ جعفر بن نما من مشايخ والده العلاّمة الحلّي المتوفّى ٧٢٦ و مستند جدّنا الإمام ره كما صرّح به هو إجازة الفخر و هي في [بحارالأنوار ١٠٨: ٩٧ — ٩٨] و السلام حرّرته في ٢٢ صيام ١٤٠٨.

ثمّ اعلم أنّ قوله [مؤلّف مثير الأحزان المتوفّى ٦٤٥] بأي مثله في [مثير الأحزان ١٩: ٣٤٩: ١٥٥٩] و هذا خطأ فاحش فإنّ التاريخ المذكور هو لوالد صاحب الذوب و المثير كما في [لؤلؤة البحرين ٢٧٢ — ٢٧٣ ط النجف] متناً و هامشاً و الفوائد المطبوعة في آخر [تنايج التنقيح ١٧٢] للعلاّمة المامقاني طاب ثراه و نظنّ أنّ الذي أوقع المصنّف في هذا الخطا هو كاتب المقدّمة للمثير المطبوع في النجف سنة ١٣٦٩ فإنّه أعني الشيخ عبدالمولى الطريحي الكاتب للمقدّمة صرّح بذلك أعني تاريخ الوفاة و لكنّه نسب الكتاب رأساً إلى الوالد أعني نجم‌الدين محمّد بن جعفر و عليه فالتاريخ صحيح إلاّ أنّ النسبة غلط واضح ففي نفس الكتاب فضلاً عن المتأخّرين تصريح باسم مؤلّفه (جعفر بن محمّد بن نما) مكرّراً و تسرّى الخطا مع أخطاء آخر إلى طبعة قم للمثير سنة ١٤٠٦ و سبحان من لايسهو.

ثمّ لايخفى أنّ المصنّف لم يذكر تاريخ وفاة لصاحب الذوب في [أخذ الثار ١: ٣٦٩: ١٩٢٨] و لا في [الأنوار الساطعة ٣١] عند ترجمة الرجل كما لم يذكر تاريخاً لوالده نجيب‌الدين محمّد في [الأنوار ١٥٤] فاغتراره في هذه الأواخر من مقدّمة الطبع للمثير أو أمثالها و الله العالم.

ثمّ إنّ صديقنا العلاّمة السيّد محمّدصادق الطباطبائي آل بحرالعلوم النجفي قال في تعليقه على «لؤلؤة البحرين ٢٧٤ ط النجف» عند ترجمة صاحب الذوب و المثير ما لفظه [و قد توفّي المترجم له على ما قيل سنة ٦٨٠] انتهى و قد استقصى هذا السيّد الصديق أيضاً في الموضع المذكور أسماء و تراجم جمع من آل نما و سبقه بذلک صاحب «أعيان الشيعة ١٠: ٣٤٧: ١٥٧٧» و صاحب «تنقيح المقال ١: ٨١: ٤٦٩» و هم و غيرهم المستفيدون ممّا استوعبها جدّنا الإمام في الروضات شكر الله مساعي الجميع و ليراجع [البابليات] و [شعراء الحلّة] و [أعيان الشيعة ١٧: ١٣٧: ٣١٩٣] قال: [و في «الطلية»: توفّي سنة ٦٨٠ تقريباً] انتهى و «الطليعة» للعلاّمة المرحوم الشيخ محمّد السماوي و لعلّ الطليعة و الأعيان مأخذ السيّد محمّدصادق و الله العالم. فرغت من مشقّة تحريره في يوم الجمعة ٧ حجة ١٤٠٨ و الحمد لله رب العالمين.

﴿ذوق التألّه - أو - ذوق المتألّهين﴾ ص ٤٥: طور من (وحدة الوجود) بحث فيه المحقّق الدواني فمن بعده من أهل التصوّف و العرفان و من جملتهم السيّد مهدي بدايع نگار مختصراً في النور السادس من أنوار كتابه «بدايع الأنوار في أحوال سابع الأئمّة الأطهار عليهم‌السلام» و هذا الكتاب مطبوع على الحجر و أحال التفصيل إلى كتابه المخطوط الموجود في طهران (كفاية العرفان) فراجعه و ممّن تكلّم في تلک المراحل بإلحاد الشيرواني المكفّر في كتبه الثلاثة و مشايخه و من تابعه بعده. و الله العالم و انظر [وحدة الوجود] متعدّداً في ج ٢٥ و راجع [ديوان عطار نيشابوري ٩: ٧٢٩: ٥٠٢٠] في التكملة.

«الذهبية» ص ٤٥ رقم ٢٦٣: انظر (ج ١٤: ٩: ١٥٨) و (ج ١٧: ١٢٩: ٦٧٦).

«الذهبية الطبية المشهور بطب الرضا» ص ٤٦ رقم ٢٦٦: كما يأتي في موضعه (ج ١٥: ١٤١) و اعلم أنّ الرسالة الذهبيّة هذه منقولة بتمامها في كتاب «الأنوار النعمانيّة ٤: ١٧٤ - ١٨٧ ط الحديثة» و هناک تعليقة للسيّد محمّدعلي القاضي الطباطبائي التبريزي طويلة نافعة فراجع و انظر «الفوائد الرضوية ١٦: ٣٤٠: ١٥٧٩».

«ذيل الأنساب المشجرة» ص ٤٧ رقم ٢٦٨: يراجع ج ٢٠ ص ٢٥٩.

«ذيل عالم آراي عباسي» ص ٥٠: (رسالة ذيل ١١: ١٨٦: ١١٤٤).

«ذيل عمدة الطالب» ص ٥٠ رقم ٢٧٦: انظر إحياء الداثر ص ١٣٣.

ص ٥٠ رقم ٢٧٦ س ١٧، **مشجر آل مريخ: يأتي في** ج ٢١ ص ٤٣: ٣٨٧٥ و ج ٢٠ ص ٨٦ رقم ٢٠٢٤.

«ذيل كشف الظنون عن أسامي الكتب و الفنون» ص ٥١: الأصل مطبوعٌ عدّة مرّات مع الاستدراكات و الذيول لأهل السنّة أصلاً و فرعاً و لشيخنا المصنّف ره «...» و للتيڤر الشيخ محمّد الصادق بن محمّد الطاهر القاضي التونسي ١٢٩٩ ــ ١٣٥٦ [سلوة القلب المحزون في تذييل كشف الظنون] كما في الأعلام للزركلي و هو أيضاً من العامّة و لهذا الضعيف محمّدعلي بن السيّد محمّدهاشم الموسوي الإصفهاني المشتهر بروضاتي تعليقات و استدراكات للكشف و ذيوله المطبوعة.

«الرائية» ص ٥٣ رقم ٦: يراجع ج ٣ ص ٢٧٨ و ج ٢٠ ص ٩٢ و ج ١٧ ص ١١٦ و لايخفى انّه لا خلاف في أنّ وفاة الشيخ حسين سنة ٩٨٤ كما أرّخها كذلک في ج ١٣ ص ٢٧٩.

«راحة الصدور في شرح حديث مثل أهل بيتي كمثل سفينة نوح» ص ٥٦ رقم ٢٠: أقول هو كتاب حافل كثير الفائدة جدّاً و عليه تقريظ سيّد مشايخنا الإمام الحجة السيّد صدرالدين ابن خالنا المجتهد الأكبر السيّد اسماعيل الصدر طاب ثراهما المتوفّى بقم.

«راحة الصدور و آية السرور» ص ٥٦: **أقول الراوندي هذا من أشدّ النواصب اللئام كما يظهر من كتابه هذا فلايغفل.**

ص ٥٧: **أقول** إنّ الشاه عباس الثاني الصفوي ولد ليلة الجمعة ١٨ ج ٢ سنة ١٠٤٣ و جلس على سرير الملک ليلة الجمعة ١٦ صفر ١٠٥٢ و مات ليلة السبت ٢٧ ع ١ سنة ١٠٧٧ كما حقّقنا كلّ ذلک بعد الفحص و ما ذكرناه سابقاً في كتابنا «فهرست كتب خطى كتابخانههاى اصفهان ١: ١٥» من أنّ ظاهراً وفاته ليلة الثلثاء ٢٥ ع ١ سنة ١٠٧٧ فمأخذه كتاب المنتظم الناصري و هو خطأ فليصحّح. م‌ع‌ر في ليلة ٢١ ج ١ سنة ١٤١٣

«راحله توفيق» ص ٥٧ رقم ٢٧: **أقول هذا الكتاب نظير «مضمار دانش».**

ص ٥٨ س ٣، **أقول: هذا القول لناشر الكتاب تكلّم على مذاقه في مسلكه و الله العاصم.**

«رازگشا» ص ٥٨ رقم ٣٦: **يراجع «مكارم الآثار ٦: ٢١٤٨: ١٣٥٠».**

«رأس مال النديم» ص ٥٩: يراجع فهرست ميكرفيلمهاى كتابخانه مركزى دانشگاه تهران ١: ٣٣٠.

«راش افزاي آل محمّد» ص ٥٩: أقول و كذا ذكره الإمام الشيخ عبدالجليل الرازي قدّس سرّه في كتاب «النقض ٢١٢ ط ٢» المؤلّف في أواسط القرن السادس قال عند عدّه جمعاً من المفسّرين للقرآن الكريم من الشيعة ما نصّه «و محمّد بن الحسين المحتسب كه مصنّف كتاب رامش افزاى است چند مجلد» انتهى و ليراجع التعليقة رقم ٨٩ على النقض للمير جلال المحدّث.

ص ٥٩ س ١٩، ص ٣١٠: يعني من المجلّد الثاني و كذا نقل عنه في ص ١٦٥ خروج نساء الإمام المجتبى عليه‌السلام الكثيرة خلف جنازته حافيات.

«رافعة الخلاف عن وجه سكوت اميرالمؤمنين عليه‌السلام عن الاختلاف» ص ٦١ رقم ٥٠: أقول وصفها صاحب مجالس المؤمنين بأنّها من نفس المؤلّفات حقّاً كما في «مرآت الحقّ» للمجذوب الصوفي ص ٨٣.

«راهبر براى مسافرين اصفهان» ص ٦٢ رقم ٥٦: و يأتي بعنوان رهبر أيضاً.

«الرباعيات» ص ٦٨ رقم ٩٨ س ٢٠، منهاج العارفين: في نسختنا من شرح الرباعيات «منهج النحاة» و قد وشحه باسم الشاه سليمان الصفوي و لكن جاء في آخر النسخة بخط الكاتب «منهاج النحاة» و الله العالم.

«ربط الحكمة بالتصوّف» ص ٧١: راجع [ديوان حسن گيلاني ٩: ٢٤٥: ١٤٨٥].

«رجال ابن بطريق» ص ٨٣ رقم ١٥٠: يأتي أيضاً في ص ١٥٩ و هو سهو.

ص ٨٥ س ١٣، اظنه عبدالله التستري: أقول انظر ما سيأتي «رجال شيخ عبدالله ١٢٦: ٢٥٢» و ما مرّ في «الحاشية على رجال ابن داود ٦: ٨٧: ٤٥٤».

«رجال ابي‌ذرعة الرازي» ص ٩٢ رقم ١٧٤: ذكر أيضاً في مصفّى المقال و أبوزرعة الرازي بالزاي من أعلام العامّة فليتّبع.

«رجال المير محمّد اسماعيل الحسيني» ص ٩٦: أقول انظر كتاب [مصفّى المقال ٧٨].

«رجال تلميذ الشيخ بهائي» ص ١٠٢ رقم ٢١٣: قد مرّت الإشارة إليه في ج ٦ ص ٨٣ س ٢٠ و ذكر في مصفّى المقال ص «...»

«رجال الميرزا حيدرعلي الالماسي» ص ١١٤: يراجع المجلّد الرابع ص ٥٧.

ص ١١٨ س ١٦، تاريخ العلماء البحرين: / علماء. صح

«رجال الشيخ الطائفة» ص ١٢٠ رقم ٢٤٦: أقول أفضل نسخ الكتاب و أنفسها هي التي استكتبها محمّد بن سراهنگ بن مرتضى و فرغ منها يوم الجمعة الحادي و العشرين من شهر رجب ٥٣٣ و فيها بلاغات و سماعات جليلة و هي الآن في مكتبة لندن «موزه بريتانيا» و عنها مصوّرة في المرعشية بقم وصفها المفهرس (٢: ١٢٦) و أمّا النسخة المخطوطة الموجودة عندنا «...»

«الرجال الصغير» ص ١٢١ س ١٩، و قال: أقول هذا النقل صحيح كما في «لؤلؤة البحرين ١١٩ ط النجف» دالاً أنّ المحقّق البحراني ره صاحب اللؤلؤة نقل صريحاً في اوائل كتابه الآخر الكشكول المسمّى «أنيس المسافر ١: ١٤ ط النجف» كلاماً عن حاشية «كتاب الرجال الصغير» هذا بعين العبارة في عدّة أسطر و هذا النقل يدلّ على أنه وقف على نسخة الرجال الصغير بعد تأليف اللؤلؤة التي فرغ من تاليفها في ١١ ع ١ سنة ١١٨٢ و قبل وفاته في ٤ ع ١ سنة ١١٨٦ و لكنّا راجعنا عدّة نسخ من «الرجال الوسيط» للميرزا فرأينا تلك العبارة بهامش ثلث نسخ من الوسيط فالظاهر أنّ «كتاب الرجال الصغير» في كلام الشيخ يوسف من سهو القلم و أنّ صوابه «كتاب الرجال الوسيط» ثمّ إنّا رأينا حاشية على نسخة من كتاب [تلخيص المقال ق ١ ظ] و هو الرجال الوسيط و هذا نصّ تلك الحاشية قال المحشّي [من نسخة الميرزا الصغير: آدم أبوالحسين النخاس الكوفي ق. الظاهر أنّه ابن الحسين الآتي موثقاً و مع التجرد عن النخاس يحتمل ابن المتوكّل الثقة أيضاً بل و بيّاع اللؤلؤ لاتّحاده معه فهو على الوجوه ثقة] انتهى ما وجدناه بهامش نسخة الرجال الوسيط فيظهر منه وجود نسخة الوجيز إلى هذا الأواخر و أمّا النسختان اللتان ذكرهما شيخنا المصنّف في المتن الأُولى في الرضوية بخط مصنّفه و الثانية في موقوفة الإيرواني فالأُولى مذكورة في فهرس الرضوية ٢: ٣٢٥٩ ثمّ لمّا طبع الجزء السادس من فهرس الرضوية ذكر فيه نسخة اُخرى للرجال الصغير أيضاً في ص ٦٠٦ و هي أيضاً نسخة مهمّة و أمّا نسخة الإيرواني فلا علم بها رزقنا الله العثور على الجميع. و الله العالم حرّر في ١٢ حجه ١٤٠٨

ص ١٢١ س ٢١، **عندي منه**: يعني من الوسيط.

ص ١٢١ س ٢٢، **الوثنين**: الصواب الإثنين.

ص ١٢٦ س ١٨، **القهپاني**: الصواب القهبائي.

ص ١٢٦ س ٢٤، **المولوى**: الصواب المولى.

«**رجال السيّد عبدالله**» ص ١٢٨ س ١٥، **و طبع**: لم يطبع.

«**رجال الشيخ عبداللطيف**» ص ١٢٨ رقم ٢٥٣: لاحظ ترجمة الشيخ حسين الدلبزي في كتاب ماضي النجف و حاضرها المجلّد الثاني في حرف الدال فهناک ما يفيد للباحث.

«**رجال علاءالملک**» ص ١٣١ رقم ٢٥٥ س ٢١، **الخ ثمّ**: أقول تتمّة كلام الرياض قوله «ينقل عنه رفيع‌الدين الصدر في حواشي كتابه في ردّ السيّد الداماد في حُرمة تسمية القائم عليه‌السلام فلاحظ اسمه و أحواله» انتهى ج ٧ ص ٢٥٣ ط قم و نسخة كتاب رفيع‌الدين الصدر موجودة عندنا الآن و النقل في حاشية الكتاب أيضاً فيه موجود. م‌ع‌ر عفي عنه في ليلة ١١ محرّم سنة ١٤٣١

«**رجال السيّد قريش** ابن سبيع بن مهنا» ص ١٤٠: بايد ديد از طائفه سيّد مهنا مجاز از علاّمه بوده يا خير سيّد مهنا نسبش در ج ٣ احقاق حق و ترجمه‌اش در درر كامنه است.

ص ١٤١ س ١٠، **شارح بدايته**: باسمه (دليل قاطع) و قد مرّ في موضعه.

«**رجال أبي‌مخنف لوط**» ص ١٤٢: أقول انظر «مقتل ابن اشعث ٢٢: ٢٢: ٥٨٢٦» و التكملة و ذكر الزركلي في الطبعة الأخيرة من الأعلام وفاة لوط سنة ١٥٧ و هو كذلک في طبعتها الأُولى فما في المتن خطأ وقع مثله في «مصفّى المقال ٣٨٢» و تبعهما السيّد كمونة في «منية الراغبين» و الله العاصم.

«**رجال الميرزا محمّد** بن محمّدهادي النائيني» ص ١٤٨ رقم ٢٧٣: أقول راجع «ديوان فايض نائيني ٩: ٨٠٦: ٥٤٣٨» و انظر ترجمة الرجل في «أعيان الشيعة ٤٧: ٨» و هناک وصف بعض آثاره الرجالية.

ص ١٥٠: رجال المرعشي انظر رياض العلماء ج ٧ ص ٢٥٣ و انظر ما مرّ بالرقم ٢٥٥.

«رجال الشيخ موسى» ص ١٥١ س ١٨، **الريحاني**: الصواب الزنجاني. ظ ص ١٥١ س ١٩، «**الجامع**»: مطبوع ظ عندنا موجود.

«**الرجال الوجيز**» ص ١٥٨: أقول مرّ بعنوان «الرجال الصغير ١٢١: س ١٤» و هناك ذكر نسختين موجودتين الآن للكتاب فلا وجه لقوله [لم توجد] الخ و هذا نشأ من النسيان و الغفلة و الله العاصم و يأتي [الوجيز في الرجال ٢٥: ٤٢: ٢١٦].

«**رجال السيّد محمّدهاشم الچهاسوئي**» ص ١٥٨: الصواب الچهارسوئي.

«**رجال الشيخ ياسين**» ص ١٥٩: أقول انظر ما ذكرناه في التكملة بعنوان [المحيط «...»

«**رجال الشيخ يحيى الحلي**» ص ١٥٩ رقم ٢٨٦: مرّ أيضاً ذكر هذا الكتاب في ص ٨٣ بعنوان رجال ابن بطريق فلا وجه لعنوانه ثانياً.

«**الرجعة**» ص ١٦١ رقم ٢٩٢: أقول راجع [رسالة في الرجعة ١١: ١٨٧].

«**الرجعة و احاديثها**» ص ١٦٢ رقم ٢٩٤: انظر ج ١ ص ٩٣.

ص ١٦٣ س ٦، **الميرزا محمّدمؤمن**: ليراجع آخر نسخة نقد الرجال المطبوع.

ص ١٦٣ س ٢٥، **سنذكر**: و راجع (دلائل الرجعة) أيضاً في الدال.

ص ١٧٢: قال الصدوق ره في «عيون أخبار الرضا عليه‌السلام ص ٢٢٧ ط ١٢٧٥» بعد نقله حديثا بهذا السند: [حدّثنا أبي رض و محمّد بن الحسن بن أحمد بن الوليد رض قالا حدّثنا سعد بن عبدالله قال حدّثني محمّد بن عبدالله المسمعي قال حدّثني أحمد بن الحسن الميثمي انّه سئل الرضا ع] ما نصّه [قال مصنّف هذا الكتاب كان شيخنا محمّد بن الحسن بن أحمد بن الوليد رض ــ سيّئ الرأي في محمّد بن عبدالله المسمعي راوي هذا الحديث و إنّما أخرجت هذا الخبر في هذا الكتاب لأنّه كان في كتاب الرحمة و قد قرأته عليه فلم ينكره و رواه لي] انتهى.

«**رد الجمعة الى أهلها**» ص ١٧٥ رقم ٣٥٦: أقول و سيأتي له [الرد على ردّ السقيفة] في ص ١٩٦: ٤٩٨.

ص ١٧٦ س ٩، **التيمية**: أقول الصواب تيمية.

«**الرد على ابن داود**» ص ١٧٧ رقم ٣٦٧: انظر الردّ على أصحاب العدد في ص ١٨٥ و [الرسالة العددية ١١: ٢٠٩: ١٢٥٣].

﴿الردّ على ابن كمونه﴾ ص ١٧٨: انظر (شبهة ابن كمونة) في الشين ج ١٣ ص ٢٤ و ٢٥ و انظر (عرش التقديس) في العين.

«الرد على الشيخ أحمد الأحسائي» ص ١٨٢ رقم ٣٩٥: يلاحظ أنّ العلاّمة الرادّ الأنبري توفّي ١١ شوال ١٢٣٢ و الشيخ المردود عليه توفّي ٢١ قعده ١٢٤١ فيظهر من ذلک انّ انحراف الرجل في بعض مطالبه قديم.

«الرد على أصحاب الحلاج» ص ١٨٥ رقم ٤١٧: يراجع الرسالة الرابعة من رسائل مجموعة جليلة عندنا (رقم ٨٥٠٥) و ينقل من أوّلها و آخرها و كذا تصحيح الاعتقاد ص ٦٥ س ٣ و المسائل الصاغانية ص ١٨ ط النجف فالمفيد رض من أقدم المنكرين على أهل التصوّف و الرادّين عليهم.

«الرد على أصحاب الصفات» ص ١٨٥ رقم ٤١٨: براى اصحاب صفات و توضيح رجوع بخاندان نوبختى ص ١١٨.

«الرد على أصحاب العدد» ص ١٨٥ رقم ٤٢٠: و انظر الردّ على الصدوق في ص ٢٠٤.

«الرد على اولي الرقص و المكر فيمن كنى بأبي‌بكر» ص ١٨٦ رقم ٤٢٩، يحيى: انظر له أخبار الزينبات في ج ١: ٣٣٢: ١٧٣٣ و ما ذكرناه هناک.

«الرد على أهل الشهود القائلين بوحدة الوجود» ص ١٨٧ رقم ٤٣٧: أقول الظاهر انّه الآتي بعنوان [وحدة الوجود ٢٥: ٥٦: ٢٩٦].

«الرد على البابية» ص ١٨٨ رقم ٤٥٠: أقول يأتي أيضاً في (ص ٢٢٢: ٦٥٤).

«الرد على التحفة الاثنى عشرية» ص ١٩٠ رقم ٤٦٦ س ١١، المولود: ليراجع فهرس الفهارس حتماً ص ٤٣٦ ج ٢ و غيره فإنّ هذين التاريخين اشتباه.

ص ١٩٤ رقم ٤٩٠ الرد على الخوانساري: يراجع العدد ٥١١.

ص ١٩٥: الردّ على السيّد الداماد في الحدوث الدهري. انظر «صبح صادق ١٥: ٦: ٣١».

«الرد على الملا رجب علي التبريزي الإصفهاني» ص ١٩٥ رقم ٤٩٦: أقول انظر (وجود الباري) في (ج ٢٥: ٣٧).

«الرد على ردّ بعض علماء العامة للكتاب مصائب النواصب» ص ١٩٦ رقم ٤٩٧: انظر مصائب النواصب في (ج ٢١: ٧٧ س ٤).

«الرد على رد السقيفة» ص ١٩٦ رقم ٤٩٨: أقول مرّ له [ردّ الجمعة إلى أهلها] في ص ١٧٥: ٣٥٦.

«الرد على رسالة شبهة الاستلزام» ص ١٩٨ رقم ٥١١: يراجع العدد ٤٩١.

«الرد على الرق المنشور في جواب مسائل لاهور» ص ١٩٩ رقم ٥١٥: أقول جاء في «فهرس المخطوطات العربية في مكتبة الأوقاف العامّة في بغداد لعبدالله الجبوري ٤: ٤٠٠» أنّ هناک نسخة من «صبّ العذاب على من سبّ الأصحاب» لمحمود شكري الالوسي المتوفّى ١٣٤٢ ردّ فيه على أرجوزة نظمت في الردّ على كتاب «الأجوبة العراقية عن الأسئلة اللاهورية» و فرغ منه مؤلّفه في ١٣٠٤ فليراجع.

﴿الردّ على الزيدية﴾ ص ٢٠٠: مرّ باسمه (الأبحاث في تقويم الأحداث) في ج ١ ص ٦٣.

«الرد على سلطان العلماء» ص ٢٠٠ رقم ٥٢٤: ذكر في فهرس العلاّمة المرعشي بقم (٩: ٦٠: ٣٢٧٥) بعنوان (حاشية خليفة سلطان على الروضة البهيّة) و ذكرنا الشيخ ابراهيم الحرفوشي في «فهرست كتب خطى ١: رقم ٥٥».

«الرد على سهو النبي ص» ص ٢٠١ رقم ٥٢٦: راجع سهو النبيّ متعمّداً في ج ١٢ ص ٢٦٧ و تعاليقنا هناک.

ص ٢٠٢ س ١٦، «أسرار الآيات»: ليراجع أسرار الآيات للمولى صدرا و العرشية و شرحها الملحقة في الطبع بالمشاعر.

«الرد على شرعة التسمية» ص ٢٠٢ رقم ٥٣٧، شرعة التسمية: المذكور في ج ١٤ ص ١٧٨ و يراجع ما ذكرناه في هامش ص ٢٣ ج ١٦ من الذريعة هذا.

ص ٢٠٢ س ١٨، الموسوي: في «لباب الألقاب ص ٦١ ط ٢» للكاشاني «الحسيني الموسوي المرعشي» و الرجل مرعشيّ بلا كلام و لم أعرف نسبته الموسوي لحدّ الآن.

ص ٢٠٢ س ١٨، المتوفّى (١٠٣٤): لايخفى أنّ سلطان العلماء توفّي سنة ١٠٦٤ كما في عامة المصادر و أمّا ١٠٣٤ فهو عام وفاة والده صاحب العنوان و قد صرّح به في خلاصة التواريخ و غيره.

ص ٢٠٢ س ١٩، «**رياض العلماء**»: أقول منها في آخر ترجمة الحافظ رجب ج ٢ ص ٣١٠.

«**الرد على الشهاب الثاقب**» ص ٢٠٢ رقم ٥٣٩: انظر ج ١٤ ص ٢٥٢ و ج ١٥ ص ٦٤.

ص ٢٠٣ س ١، **ابن عبدالوهاب**: ١ــ أمين بن عبدالوهاب هذا رادّ على أُستاده الفيض القائل بالوجوب العيني ٢ــ محمّد أمين التبريزي السيّاح المعاصر للفيض قائل بالوجوب العيني [ج ١٥: ٦٤: ٤٤٥] ٣ــ أمين بن أحمد التوني قائل بالحرمة [ج ١٥: ٦٥: ٤٤٦] ٤ــ محمّد أمين الأسترآبادي الأخباري قائل بالوجوب العيني ظ [١٥: ٧١: ٤٨٠] في تكملتنا المكتوبة على هامش ص ٧٣.

ص ٢٠٣ س ٢٣، **على الشيخ أحمد**: + في ص ١٨٢.

ص ٢٠٣ س ٢٥: و انظر «الردّ على شرح رسالتي العلم» في ص ٢٠٢ و «حياة الإيمان» في ج ٧ ص ١١٧.

﴿**الردّ على الصوفية**﴾ ص ٢٠٤: انظر (الردّ على أصحاب الحلاج) و ما ذكرناه في التكملة و يأتي «رسالة في ردّ الصوفية ١١: ١٨٨: ١١٤٩» و اعلم أنّ للسيّد المحدّث الكبير نعمة الله الحسيني الجزائري كلمات و مقالات في الردّ على الصوفية بما لا مزيد عليه في سائر كتبه فمنها ما ذكره في [نور الأنوار ٢٣ فما بعدها] و منها ما ذكره في [غرايب الأخبار و نوادر الآثار] حين ما أورد فيه ذمّهم و له أيضاً مطالب أُخرى في غير كتابيه المذكورين و السيّد من أجلّ تلامذة العلاّمة المجلسي و يأتي [الشهب السماويّة ١٤: ٢٥٨: ٢٤٧١] في نفس الموضوع و من الظريف ما في كتاب [الكامل في التاريخ ١: ٣٦] لابن اثير من أنّ افريدون الملك «قيل إنّه أوّل من سمّي الصوفي» انتهى.

«**الرد على الصواعق المحرقة**» ص ٢٠٤ رقم ٥٤٨: أقول و يأتي [الشهب الثواقب ١٤: ٢٥٨: ٢٤٧٠] في نفس الموضوع.

ص ٢٠٥ پاورقي: في كلّ مطالب هذه التعليقة مواقع للنظر و انظر هامش ص ١٨٥.

ص ٢٠٥ س ٣١: راجع كاشف الحقّ في ج ١٧ ص ٢٣٦ و هداية العالمين في ج ٢٥ ص ١٨٢.

ص ٢٠٧ س ٣، **الفوائد الدينية**: انظره في موضعه ج ١٦ ص ٣٣٥.

ص ٢٠٧ س ٧، **سمّاه اصول**: و مرّ في موضعه ج ٢ ص ٢٠٠.

«**الرد على العثمانية**» ص ٢١١ رقم ٥٨٠: يراجع «النقض على العثمانية» في ج ٢٤.

«**الرد على الغلاة**» ص ٢١٣ رقم ٥٩٠: أقول راجع «تاريخ بغداد ٦: ٣٧٨ فما بعدها» و «ميزان الذهبي ١: ١٩٨» و «لسان الميزان ١: ٣٧٢» و «خاندان نوبختى ١٣٥» و «قاموس الرجال ١: ٥٠٠».

«**الرد على الفخر الرازي**» ص ٢١٦ رقم ٦٠٧: أقول يأتي النقض على كتابي الفخر الأربعين و المعالم في ج ٢٤.

«**الرد على الفضل بن روزبهان**» ص ٢١٦ رقم ٦١١: أقول و ترجمة الرجل في (نقباء البشر ص ١٩٩).

«**الرد على الفلاسفة**» ص ٢١٦ رقم ٦١٣: قال الشيخ أبوعلي بن سينا في أواخر كتاب الشفاء [الفصل الأوّل من المقالة العاشرة في المبدأ و المعاد] ما لفظه «و اعلم أنّ أكثر ما يقرّ به الجمهور و يفزع إليه و يقول به فهو حقّ و إنّما يدفعه هؤلاء المتشبّهة بالفلسفة [بالفلاسفة؟] جهلاً منهم بعلله و أسبابه»، إلى آخر كلامه الذي نقلناه عنه في [البرّ و الإثم].

ص ٢١٧: «الردّ على القاديانية» انظر «مرآة قادياني» و «مرآة قاديانية» في (ج ٢٠ ص ٢٨١) و «المصابيح» في (ج ٢١: ٧٩: ٤٠٢٨).

«**الردّ على القصيمي**» ص ٢١٩: في كتابه «الصراع بين الإسلام و الوثنية» الذي هو في الردّ على «كشف الارتياب ١٨: ٩: ٤٢٠» انظر ما ذكرناه حول الكشف.

ص ٢١٩ س ١٤، **ردّه**: معلوم نشد كه اين ردّ همان ردّ بر رجعت باشد فيلاحظ.

«**الرد على القول بحجية فقه الرضا**» ص ٢١٩ رقم ٦٣٣: يراجع عنوان فقه الرضا.

«**الردّ على الميرزا مخدوم الشريفي**» ص ٢٢٣: انظر (الردّ على النواقض ٢٣: ٧٢٨ فما بعده) و أيضاً (النوروزية ٢٤: ٣٨٢: ٢٠٥٢).

«**الرد على مقدمات الحدائق**» ص ٢٢٥ رقم ٦٧١: أقول يعني «الحدائق الناضرة ٦: ٨١ و ٢٨١: ١٥٥٧» فراجعه مع التكملة.

«الرد على من يبيح الغنا» ص ٢٢٩ رقم ٦٩٦ س ٨، **«اللولؤة»: أقول** نعم يظهر تعدّد الرسالتين من كلام صاحب لؤلؤة البحرين و في النفس من ذلک شيء و لم يظهر القول بالتعدّد من كلام صاحب الروضات و غيره بل الظاهر من كلام جدّنا الإمام المجدّد الاتحاد و تأتي الردّ على المحقّق السبزواري المذكور في المتن في ج ١١: ١٣٨: ٨٦٢ فراجعه.

«الرد على النصارى» ص ٢٣١: يراجع فهرس دانشگاه (ج ٣: ٢ ديباجه ص دو).

«الرد على النواقض الروافض» ص ٢٣٣ رقم ٧٢٨: **أقول** راجع [الشهب الثاقبة ١٤: ٢٥٨: ٢٤٦٨] و [نقض نواقض الروافض ٢٤: ٢٩١: ١٥١٢] و (النوروزية ٢٤: ٣٨٢: ٢٠٥٢).

ص ٢٣٤ س ٣، و يأتي: في ج ١٥: ٢٤٠: ١٥٦١ و انظر ج ٢١: ١٧٠: ٤٤٦٥.

ص ٢٣٤ س ٤، **بصائب النواصب**: الصواب «مصائب النواصب» بالميم الآتي في ج ٢١: ٧٦: ٤٠٢٩ و انظر الرقمين قبله أيضاً.

«الرد على النيچرية» ص ٢٣٤ رقم ٧٢٩: **أقول** يأتي ذكر هذا الكتاب مفصّلاً بقلم الناشر ولد شيخنا المصنّف في [النيچرية ٢٤: ٤٣٢: ٢٢٧١] فراجعه.

«الرد على الوافي» ص ٢٣٤ رقم ٧٣٠ س ١٤، **شاه أفضل الكاشاني: أقول** ذلک لأنه لم يحبّذ الرحل كثيرٌ من فقهائنا الأجلاّء ممّن عاصره إلى زماننا هذا و قد عدّ شيخ فقهاء الإسلام صاحب الجواهر فيه رسالته الشهاب الثاقب من جملة كتب الضلال التي يجب إعدامها فتبصّر.

«الرد على وحدة الوجود» ص ٢٣٥ رقم ٧٣٩: **أقول** و يأتي [الشهب الثاقبة ١٤: ٢٥٨: ٢٤٦٩] في نفس الموضوع و قوله (و يأتي رسالة في وحدة الوجود متعدّداً) أقول تأتي تلک الرسائل في [وحدة الوجود ٢٥: ٥٥ — ٥٧].

«الردّ على الوهابيّة» ص ٢٣٥: **أقول** اُنظر عن الوهابية بالفارسية كتاب «وهابيان» لعلي أصغر الفقيهي ط قم و راجع أيضاً «مكارم الآثار ٢: ٦٠٣ — ٦١٠» و «مذكّرات مستر همفر الجاسوس البريطاني في البلاد الإسلامية» بالعربية و الفارسية و ذيل تحفة العالم للسيّد عبدالله طيقمان و (مسير طالبي) و فيه رسالة لرئيس شياطين الملاحدة.

ص ٢٣٥ س ٢٤، و قد كتب: + العلماءُ. صح ظ

ص ٢٣٦: أقول و من جملة من ردّ من العامّة على الوهابية المفتي أحمد بن زيني رحلان المكي ١٢٣٢ ـــ ١٣٠٤ و طبع ردّه عليهم كما في «الأعلام للزركلي ١: ١٣٠» و طبع ردّه على الشيعة خلف «الحجج القطعية» للسويدي الناصبي سنة ١٣٢٣ بمصر أقدم على طبعهما النواصب و انظر ما ذكرناه في التكملة باسم «الردّ على القصيمي».

و من العامّة أيضاً المولوي فضل رسول البديواني القادري الجشتي (١٢١٣ ـــ ١٢٨٩) صنّف «البوارق المحمّدية لرجم الشياطين النجدية» أو «سوط الرحمن على أقران الشيطان» كتاب مبسوط مهمّ بالفارسية مطبوع و نسخة المخطوطة مذكورة في «فهرست مشترک پاکستان ٢: ١٠٤٩» كما أنّ فيه أيضاً التعريف بطائفة اُخرى من الردود عليهم (١١٠٥ ـــ ١١١٠).

ص ٢٣٦ س ١٩، إصفهاني: / الإصفهاني.

«الرد على اليهود» ص ٢٣٧ رقم ٧٥١: أقول و من جملة الردود عليهم [المقام المحمود ٢٢: ٦: ٥٧٤] و [محضر الشهود ٢٠: ١٥٢: ٢٣٥٣] و [اقامة الشهود ٢: ٦٣].

«رسائل ابن العميد» ص ٢٤٠ رقم ٧٦٧: أقول للدكتور السيّد ضياءالدين سجادي «شرح احوال و آثار ابن عميد» بالفارسية طبعت بطهران سنة ١٣٦٦ش في ١٣٥ص فيها ما يتعلّق بترجمة الرجل و فيها بعض الأخطاء.

«رسائل اخوان الصفا» ص ٢٤١: انظر «إخوان الصفا ١: ٣٨٣: ١٩٨٠» مع التكملة.

ص ٢٤٥: جامع رسائل الشيخ جعفر النجفي (مكارم الآثار ج ٤ ص ١٢٧٤).

«رسائل الخواجوئي» ص ٢٤٥ ، رأيت: قائل رأيت الخ هو المتروي ابن المؤلّف و قد كانت المجموعتان المذكورتان عندي مدّة من الزمن.

«رسائل رشيدالدين فضل الله» ص ٢٤٧ رقم ٧٩١: انظر [تاريخ غازاني ٣: ٢٦٩: ٠٠٤] و [الوقفية الرشيدية ٢٥: ١٤٠].

ص ٢٤٧ س ١١، **فرسها**: الصواب فهرسها.

«رسائل الشهيد الثاني» ص ٢٤٩ ، **رأيت**: قائل رأيت الخ هو المتروي ولد المؤلّف كما مرّ نظيره أيضاً في ص ٢٤٥.

«**الرسائل العشرة**» ص ٢٥٠ رقم ٨٠٨: طبع سنة ١٣١٣ بطهران على الحجر بخط محمّدحسن بن محمّدعلي الجرفادقاني في ٣٣٤ص تلك المجموعة الجليلة من إفادات جدّنا الشهيد الثاني طاب مثواه و كانّه لم ير شيخنا المصنّف قدّس سرّه تلك المجموعة فلم يذكر واحداً من تلك الرسائل في طيّ كتابه و لكنّا ذكرنا في مواضعها من التكملة و الحمد لله و انظر في التكملة [مجموعة رسائل الشهيد الثاني ٢٠: ٨٧].

ص ٢٦٩: صحّحت جميع أجزاء الذريعة المباركة على هذه التصحيحات في ٧ شهر شوال المكرم ١٣٦٧ و الحمد لله ربّ العالمين.

ص ٢٧١: صحّح بتمامه في المتن و الحمد لله تعالى في ٨ شوال ١٣٦٧.




مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الجزء الحادي عشر

ص ٣: لايخفى أنّ طائفة من رسائل العلماء لمّا كانت مختصرات جدّاً فلذا عنونوها من القدم بمسئلة أو مسائل و قد ذكرها المؤلّف في ج ٢٠ فراجعه و من هذا القبيل الجوابات في ج ٥ و كذا أسئلة و سؤال.

«رسالة في آداب الحج و كيفيّة وضع مسجد الحرام» ص ٤ رقم ٧: الظاهر انّي رأيت نسختها عند ابن عمّة والديّ الحاج ميرزا مهدي روضاتي و لعلّها توجد في مكتبتي أيضاً. و أيضاً في مكتبة جامعة المعقول و المنقول بطهران.

«رسالة أبي‌غالب الزراري» ص ٧ رقم ٣١: و طبعت أيضاً في كشكول الشيخ يوسف «أنيس المسافر: ١١٩ ــ ١٣٥» و عندي منها نسخة بخطّ جدّي العلاّمة الحاج السيّد محمّد شفيق صاحب الروضات ره.

«رسالة في اثبات الواجب الوسيط» ص ١٠ رقم ٤٨ س ١٤، ابراهيم: ابراهيم هذا مذكور في إحياء الداثر ص ٣.

ص ١٢ س ٢٣، أحمد بن ابي‌ذر: الصواب أحمد بن محمّدمهدي بن أبي‌ذر.

ص ١٣: مرحوم محدّث قمي در «منتهى الآمال ٢: ٥٥» در ذيل احوال سادات خاتونآبادي ترجمه مير محمّد اسمعيل بن مير محمّدباقر را كه آورده ضمناً چنين گويد: «و از رساله اجازات سيّد نورالدين بن سيّد نعمة الله جزائرى عليهما الرحمه نقل شده كه در حال اين سيّد جليل نگاشته» الخ و راقم اين سطور در ليله جمعه ٢٨ محرم ١٣٩٩ بوسيله تلفن اهواز با آقاى حاج سيّد محمّد جزائرى مؤلّف كتاب نابغه فقه و حديث

در اين باره صحبت كردم ايشان بالمرّه از اين مطلب بي‌خبر بودند و بسيار استعجاب كردند، افسوس كه مرحوم محدّث قمي كه شخص كاملاً مورد وثوق و اطمينان بوده و مطلقاً در اين موضوع اشتباهي نكرده است مأخذ خود را در اين نقل ارائه نفرموده و در ساير كتب آن مرحوم هم چيز بنظر نرسيد لعلّ الله يحدث بعد ذلك أمرا.

«رسالة في إجازة المولى أبي‌الحسن الشريف» ص ١٣ رقم ٥٩: أقول راجع ج ١: ١٣٧: ٦٤٢ و ج ٢٠: ٥٩: ١٩٠٠.

ص ١٤ س ٧، **«الشجرة المورقة»**: انظر وصف الشجرة المورقة في موضعها من ج ١٣: ٣٧.

ص ١٤ س ٢٢، (١١١١): الصواب سنة ١١١٠.

ص ١٥ س ١٢، **محمّدتقي**: الصواب محمّدنقي بالنون.

ص ١٥ س ٢٠، **(البروجردي في النجف)**: أقول الظاهر أنّ (البروجردي في النجف) من الإضافات حين الطبع و أنّ مراد الشيخ المصنّف مدرسة السيّد محمّدكاظم اليزدي عليه الرحمه.

«رسالة في إجازة المولى محمّدجواد الإصفهاني» ص ١٦ رقم ٨٠: انظر الآتي قريباً رقم ٨٧.

ص ١٧ س ٥، **محمّدجواد**: هو الذي مرّ قريباً رقم ٨٠.

ص ١٩: إجازة السيّد محمّدرضا بن السيّد محمّدصالح الحسيني الإصفهاني لإمام الحرمين الميرزا محمّد المورّخة ١٢٨١ ذكر في الشجرة المورقة كما في الكرام البررة.

ص ٢٢ س ٧، **محمّدعلي بن الامير محمّدحسين الحسيني**: انظر ترجمته في مكارم الآثار ج ٨ رقم ١٦٥٩ أو في الكرام البررة ج ٣ رقم ١٥٤ قال فيه «توفّى سنة ١٢٨٧ يعني سنة زيارة ناصرالدين شاه للعتبات».

«رسالة في إجازة لأكبر ذكور أولادي الشيخ الميرزا علي النقي المتروي» ص ٢٤ رقم ١٣٩ ــــ ١٤٣: قف على الأرقام ١٣٩ ــــ ١٤٣؟

ص ٢٩ س ٢١، **«الأربعين الهاشمية»**: يأتي في ع ٣٣٥ ص ٥٤.

«رسالة في الاجتهاد» ص ٣٠ رقم ١٧٥: أقول عندنا نسخة منها في ١٤ ورقة ليس فيها

تاريخ و لا اسم الكاتب و هي داخل في مجموعة مسودّات فوائد للشيخ محمّد بن جابر النجفي و راجع الكواكب المنتثرة ص ٦ ــ ٧ و ما كتبناها بهامش نسختنا.

«رسالة في الاجتهاد» ص ٣٠ رقم ١٧٦: أقول مرّ ذكر هذه الرسالة أيضاً في (ج ١: ٢٧٣: ١٤٣٥) فراجعه.

«رسالة في الإجماعات التي ادّعاها الشيخ ثم خالف نفسه فيها» ص ٣٢، تأتي: أقول لاتأتي هذه الرسالة في العنوان المذكور.

ص ٣٣ س ٢٢، تاتي: لم أجده في هذا الجزء ص ١٦٨.

ص ٣٤ س ٤، (ص ٢١٦): ص ١٦٨ ط تجدّد.

«رسالة في أحكام الأراضي المفتوحة عنوة» ص ٣٥ رقم ٢١٢: أقول و يأتي في نفس الموضوع (رسالته في الأراضي الخراجية) في ص ٤٨ و ذكر العلاّمة الخبير الميرزا عبدالله أفندي صاحب رياض العلماء في كتابه الآخر «تحفه فيروزيه شجاعيه ق ١ ٦ظ» في طيّ كلام له حول الموضوع انه الّف حوالي عام ١٠٩٣ رسالة جيدة طويلة الذيل نفيسة غايتها حول الأراضي المفتوحة عنوة و سرقت من النسخة الوحيدة» الخ.

«رسالة في أحكام الدعاوي و معنى المدعي و المدعى عليه» ص ٣٦: الرابعة عشر من رسائل (بلغة الفقيه ٣٣٢ ــ ٣٤٩) المطبوع للسيّد محمّد آل بحرالعلوم ره.

«رسالة في أحوال المخالفين لمولانا اميرالمؤمنين عليه‌السلام و تعيين بعضهم» ص ٣٨ رقم ٢٢٦: أقول عندنا نسخة هذه الرسالة التي لاتتجاوز عن أربع صفحات في مجموعة رسائل كتبها لطف الله بن عطاءالله الحويزي تاريخ كتابة بعضها سنة ١١٠٤ و ليس في تلك الرسالة اسم صاحبها و لكن الحويزي كتبها متّصلة بوصول الأخيار للشيخ حسين بن عبدالصمد ره و ذكر الكاتب عنوانها في أوّلها بالحمرة الرسالة في تعيين المخالفين لأميرالمؤمنين ع» و أوّلها بعد الخطبة «قد برز الأمر العالي المطاع أعلاه الله تعالى و أنفذه في الأقطار».

«رسالة احياء الملوک» ص ٣٨ رقم ٢٣١: أقول ذكرناه في التكملة في باب الهمزة و طبع الكتاب بطهران بعناية الدكتور منوچهر ستوده سنة «...» في «...»ص.

ص ٤٢ س ٢٠، الجندقي: أظنّ انّه الحاج شيخ محمّدحسين الأعلمي صاحب دائرة المعارف.

﴿رسالة في حكم أخذ الأجرة على الواجبات﴾ ص ٤٣: سادس رسائل (بلغة الفقيه) المطبوع للسيّد محمّد الطباطبائي (١٠١ ـــ ١١٠ ط طهران).

«رسالة في أخذ الأُجرة على الواجب» ص ٤٣ رقم ٢٦١: انظر رقم ١٠٤٧.

ص ٤٦ س ٢٣: + و أُخرى عند السيّد محمّدعلي الروضاتي بإصفهان في ٢٨١ ورقة «أضافه المصحّح بعد ما كتبت إليه».

«رسالة في ادخال قول «علي ولي الله» في تشهد الصلاة» ص ٤٧ رقم ٢٨٠: أقول راجع الشهادة الثالثة بالولاية في (ج ١٤: ٢٥٧: ٢٤٦).

ص ٤٧ س ١٥، **التبريزي**: الصواب النيريزي بالنون ثمّ الياء آخر الحروف و سمعنا أنّ مكتبة السلطان بيعت في هذه الأواخر لمكتبة مجلس الشورى بطهران و السلطان حيّ الآن في ج ١ سنة ١٤٠٦.

﴿رسالة في الأراضي الخراجيّة﴾ ص ٤٨: خامس رسائل (بلغة الفقيه) المطبوع سنة ١٣٢٩ للسيّد محمّد الطباطبائي آل بحرالعلوم النجفي قدس الله أرواحهم (ص ٤٦ ـــ ١٠١) آية في الكمال و مرّ في نفس الموضوع (رسالة في أحكام الأراضي المفتوحة عنوة) في ص ٣٥ و سيأتي نظيرها في ص ٦٠: ٣٦٨ و ٣٦٩.

«رسالة في الأذان» ص ٤٨ رقم ٢٩٢: مرّ ذكرها [الأذانية ١: ٤٠٥: ٢١٠٩].

ص ٤٨ س ١٣، **حراماً**: / خلافاً.

«رسالة في أربعين آية في فضائل أميرالمؤمنين (ع)» ص ٤٩ رقم ٣٠٤: يأتي باسم (كتاب الأربعين آية) في (ج ١٧: ٢٦٤: ١٩٢).

«رسالة في أربعين حديثاً» ص ٥٠ رقم ٣٠٥: اسمها «لمعات قدسيّة» و فصّلنا الكلام حولها في فهرستنا ج ١ ص ٣٠٧.

«رسالة الأربعين الهاشميّة» ص ٥٤ رقم ٣٣٥: اعلم أنّ هاهنا مطالب الأوّل إنّ كتاب الأربعين الهاشميّة هذا كبير طبع على الحجر بطهران في «...» ص و هو بالعربية.

الثاني قوله الأمينة الصواب الأمينيّة نسبة إلى عنوان والدها أمين التجار.

الثالث قوله نصرت خانم أقول لم تكن شيختنا الصالحة في طول حياتها راضية باشتهار هذا الاسم احتجاباً و تستّراً و عفافاً ليس إلاّ و كان توقيعها على طرّة آثارها

المطبوعة [يا بانوى ايرانى] و لكن بعض المتحاسرين فحص عن اسمها الذي سمّاها به والده المرحوم فأقدم على تشهيرها به على خلاف رضاها تسئل الله العفو و المغفرة فسري الأمر إلى كتب شيخنا العلاّمة و كتب المشار و غيرهما.

و رابعاً قوله الحاج السيّد محمّد أمين التجار الصواب الحاج السيّد محمّدعلي أمين التجار و أخيراً توفّيت شيختنا الصالحة العلويّة الأمينيّة طاب ثراها في بلدتنا إصفهان «...» و نحن نروي عنها بإجازة كتبتها لنا بخطها في ثبتنا و تاريخها «...»

ص ٥٥: قد مرّ رسائل عديدة في (الإرث) في ج ١ فراجعه و للسيّد محمّدعلي بن الحاج ميرزا باقر القاضي الطباطبائي التبريزي رسالة فارسية في إرث الزوجة لا بأس بها طبعت سنة ١٣٩٨ بتبريز في ١٤٤ص ثمّ استشهد في بلدته بعد صلوة المغرب و العشاء جماعةً من ليلة السبت ١١ ذي الحجة ١٣٩٩ و الّف في ذكراه رسالة و كتب مقالات عديدة و نذكره أيضاً في التكملة لكتاب [المثل العليا ١٩: ٧٨: ٤١٩].

«رسالة في الإرث» ص ٥٥ رقم ٣٣٨: قد مرّ ذكر هذه الرسالة أيضاً في ج ١ ص ٤٤٣: ٢٢٢٣ و يأتي في ج ٢٣: ٣٠٣: ٩٠٧٩ فكرّر سهواً ثلاث مرّات.

ص ٥٥ س ٤: + و اُخرى عند السيّد محمّدعلي الروضاتي في ٣٧ ورقة «أضافه المصحّح بعد ما كتبته إليه».

«رسالة في الإرث» ص ٥٥: كما مرّ في ج ١ بعنوان (الإرث).

ص ٥٥ س ١٥، الصراط المستقيم: إلى صراطٍ مستقيم كما في نسختين عندنا في مجموعتين إحداها تاريخها سنة ١٠٧٢ و الثانية ١٢٤٣ و طبع بعنوان رسالة في ميراث الزوجة ضمن مجموعة إفاداته ره و يأتي ذكرها أيضاً بعنوان (ميراث الزوجة) في ج ٢٣: ٣٠٣: ٩٠٨١.

ص ٥٥ س ١٥، يوم الخميس: و هو يومين بعد تأليف رسالته في الحبوة (ج ٦: ٢٤٣: ١٣٣٩).

«رسالة ارشاد المسلمين الى أولاد اميرالمؤمنين» ص ٥٩ رقم ٣٦٣: أقول مرّ ذكر هذه الرسالة مختصراً في ج ٥ ذيل ٢٤٨ س ٢٤ و «...»

«رسالة في الأرض المفتوحة عنوة» ص ٦٠ رقم ٣٦٨: يراجع ما مرّ في ص ٣٥ و ٤٨ و انظر أيضاً ج ٢١: ٣٥٨: ٥٤٥١.

«**رسالة في الأرض المفتوحة عَنْوَةً**» ص ٦٠ رقم ٣٦٩ س ١٦، **تضارب التواريخ: أقول** الذي في نسختنا المخطوطة المعتبرة من الدرّ المنثور هكذا «و انتقل [أي الشيخ زين‌الدين] إلى رحمة الله و رضوانه في اليوم التاسع و العشرين من ذي‌الحجة سنة ١٠٦٤ أربع و ستّين بعد الألف و كنت إذ ذاك في مكّة المشرّفة اجتمعت معه يوم عرفة و بقيت في خدمته إلى ذلک اليوم من تلک السنة و دفن مع والده في المعلّى» الخ و هكذا العبارة في النسخة المطبوعة بقم من الدرّ ٢: ٢٣١ و التاريخ فيهما بالأرقام و الحروف معاً.

﴿**رسالة في الاستخارة**﴾ ص ٦٥: نذكرها باسمها «مفتاح الخير» و مرّ كثير من الرسائل في هذا الموضوع في ج ٢ ص ١٩.

﴿**رسالة في الاستخارة**﴾ ص ٦٥: لجدّنا الإمام العلاّمة فقيه عصره و علاّمة دهره السيّد ميرزا محمّدهاشم المتوفّى في النحف ١٣١٨ شقيق الإمام المجدّد صاحب الروضات المتوفّى في إصفهان سنة ١٣١٣ ذكرها في أواخر كتابه «أحكام الإيمان» عند ذكر صلوة الاستخارة.

«**الرسالة الاستصحابية**» ص ٦٥ رقم ٤٠٨: **أقول** لم نجد بهذا العنوان شيء مطلقاً.

«**الرسالة الاسطنبولية**» ص ٧٣ رقم ٤٥١: للشهيد الثاني ظ عندي مصوّرتها.

«**رسالة اشارات عبدالله**» ص ٧٧ رقم ٤٧٩: انظر «وصيّتنامه ٢٥: ١٠٦: ٥٨٢» و راجع مكارم الآثار ٥: ٧٠٧ رقم ١٠٣٦.

«**رسالة في الاشتراک اللفظي**» ص ٧٨ رقم ٤٨٨: هذا المطلب من أوّله إلى آخره مأخوذ من رياض العلماء من دون إضافة شيء أو إظهار رأي و الله العالم.

«**رسالة الاصول الاصلية**» ص ٨٤ س ١٥، **ذكرته في الكاف**: لم نعثر عليها في الكاف بل ذكره ولد المصنّف في القاف بعنوان (قاعده صدور كثير از واحد) و اقحمه في المتن.

﴿**الرسالة الاصولية**﴾ ص ٩٠: للشيخ جعفر كاشف الغطاء ذكرها في «إيضاح المكنون».

«**رسالة في الأطعمة و الأشربة المباحة**» ص ٩١ رقم ٥٦٣: مرّت مفصّلاً في ج ٢ ص ٢١٨ فلا وجه لذكر رقم لها هنا.

ص ٩٢ س ٦، (**ج ۶ ص ٣٨۶**): آنجا راجع به حديقه المتّقين است.

ص ٩٢ س ٦، (ج ١٠ ص ٢٠٦): راجع به صوفيه است.

«رسالة في إعادة المعدوم» ص ٩٢ رقم ٥٦٦: أقول للعلاّمة حيدرعلي خان برومند إصفهاني مقال حول [إعادة المعدوم] نشر في مجلّة [كيهان فرهنگی رقم التسلسل ٤٧: ١٧ ـ ١٩] الصادرة في طهران بالفارسية.

«الرسالة الاعتقادية» ص ٩٣ رقم ٥٧٢: أقول انظر «الاعتقادات» في (ج ١: ٢٢٦: ٨٨٨) و ما ذكرنا بهامشه.

«الرسالة الافتتاحية» ص ٩٩ رقم ٦٠٦: طبعت هذه الرسالة بطهران. انظر [نور الصدر ٢٤: ٣٧٠: ١٩٨٧].

ص ٩٩ س ١٤، ضمن مجموعة: أقول الظاهر أنها المجموعة المذكورة في ص ١٣٥ الآتية.

ص ٩٩ س ١٨، محمّد: هو صاحب «شرح أُصول الكافي» المسمّى «هدى العقول» الآتي في الشين ١٣: ١٠٠.

«رسالة في الزامهم بما الزموا به انفسهم» ص ١٠٥ رقم ٦٤٨: طبع بطهران في ١٣٧٨ بعنوان عقد في إلزام غير الإمامي بأحكام نحلته و أضافه المصحّح بعد ما كتبته إليه.

ص ١١١: قد مرّ ذكر الكتب و الرسائل في الإمامة في ج ٢ فليراجع و يأتي أيضاً في ج ١٧ بعنوان كتاب الإمامة.

«رسالة في الإمامة» ص ١١١ رقم ٦٨٩: أقول فيأتي ذكر هذا الكتاب أبسط ممّا هنا في ج ١٧ ص ٢٦٧ رقم ٢٠٧ بعنوان كتاب الإمامة فراجعه.

«رسالة الأنساب» ص ١١٩ رقم ٧٤٧: أقول انظر الكواكب المنتشرة ص ٣٨٨.

«رسالة في انساب الطالبين» ص ١١٩: الصواب الطالبيّين و قد مرّ التصحيح و الاستدراک للكتاب أيضاً في خاتمة ج ٣ ص ٤٩٠ و راجع تعليقتنا على الموضع الأوّل. و قوله في س ١٣ (ثمّ اطلعنا الخ) ذكر شيخنا ره في الموضع المذكور من ج ٣ انّه أشار إليه بعض الفضلاء بذلک فراجعه.

ص ١٢١ س ١٣، و عزرقما: الصواب و عزّزقما.

«رسالة في البئر و البالوعة» ص ١٢٦ رقم ٧٨٧: يأتي ذكر هذه الرسالة أيضاً في ص ١٣٥ ع ٨٣٨.

«**الرسالة البرهانية**» ص ١٢٩ رقم ٨٠٣: **أقول انظر** [الكلمات الحقانيّة ١٨: ١١٤: ٩٦٢].

ص ١٣٤ س ٥، «**المقامات**»: ظ نقل از روضاتست آقا بزرگ خودشان كه ظ مقامات را نديده‌اند.

«**رسالة في التباعد بين البئر و البالوعة**» ص ١٣٥ رقم ٨٣٨: **قد مرّ** ذكر هذه الرسالة في ص ١٢٦ ع ٧٨٧ و هي ظ غير «نفحة العبير في طهارة البئر» له ره.

«**رسالة في تتميم استدلال الشيعة**» ص ١٣٥ رقم ٨٤١: **انظر** (ج ٦: ٢٠٦ ذيل ١١٤٨) و راجع كتاب (زندگينامه علامه مجلسى ٢: ٣٢ و ٤١).

ص ١٣٦ س ٢، **السبزواري**: كما في الروضات ص ٣٩٧ س ٩ ط ٢ نقلاً عن الرياض.

ص ١٣٦ س ٤، **في محله**: **أقول** و أيضاً في حرف العين باسم «رسالة في عدم حرمة شرب التتن».

ص ١٣٨ س ١٢، **رسالة السيّد**: اسم رسالة السيّد ماجد «إيقاظ النائمين» مرّ ذكرها في (ج ٢: ٥٠٥: ١٩٨٠).

«**رسالة في تحريم الغنا و الله**» ص ١٣٨ رقم ٨٦٠: **أقول** سيكرّرها المصنّف ره في باب الغين (ج ١٦: ٦٠: ٣٠١).

«**رسالة في تحريم الغنا و عمومه من حيث المتعلق**» ص ١٣٨ رقم ٨٦٢: **أقول** اسم هذه الرسالة «تنبيه الغافلين و تذكير العاقلين» ذكرناه في موضعه من التكملة و أمّا عنوان المتن فهو من كلام جدّنا الإمام المجدّد طاب ثراه في الروضات ص ١١٧ ط ٢ حيث لم يذكر اسمها الأصل و إن كانت عنده النسخة فقال بعد نقل كلام لؤلؤة البحرين ما لفظه الشريف [و أقول إنّ رسالة الشيخ علي التي يشنع فيها على صاحب العنوان (و هو المحقق السبزواري محمّدباقر بن محمّدمؤمن) عندنا موجودة و قد وضعها في عموم تحريم الغناء من حيث المتعلّق كما هو التحقيق في المسئلة لغير واحد من الأدلّة] انتهى و عبّر عن تلك الرسالة بعينها في ترجمة مصنّفها (الروضات: ٣٩٨ س ٢) لقوله «رسالة الردّ على من يبيح الغنا» و السلام خير ختام حرّر في ليلة ١٠ ج ١ سنة ١٤٠٦

﴿**رسالة في تحريم القرض بشرط البيع المشتمل على المحاباة**﴾ ص ١٣٩: **انظر** [القرض

١٧: ٧٦: ٣٩٦]. م‌ع‌ر في ٧ ج ١ سنة ١٤٠٩

ص ١٣٩ س ٣، «رسالة في الغنا»: أقول يعني في حرف الغين (ج ١٦: ٦٠: ٣٠١ ــ ٣١٦).

ص ١٣٩ س ١٤، و تأتي: التي وجدتها فيما يأتي «رسالة في جواز نقل الموتى ص ١٣٩».

ص ١٣٨ س ٢٥، و الفيض: بايد ببينم در خود رساله تنبيه الغافلين آيا ربطى بفيض هم دارد.

﴿رسالة في تحقيق الهيولى﴾ ص ١٤٠: للخفري مذكور في ج ١ (إثبات الهيولى).

«رسالة في تحقيق معنى السيّد و السيادة» ص ١٤٠ رقم ٨٧٢: أظنّ أنّه نقل عنها في فضائل السادات.

«رسالة في تحليل التتن و القهوه» ص ١٤٠ رقم ٨٧٦: أقول انظر [التنباكية ٤: ٤٣٦] متعدّداً.

«تحويل سالهای مواليد» ص ١٤١ رقم ٨٨٠: أظنّ أنّ أصلها العربي عندي.

«رسالة في تذكرة أحوال الفقيه المطلق الآغا محمّدعلي بن الآغا محمّدباقر الهزارجريبي» ص ١٤٢ رقم ٨٩١: أقول ذكره أيضاً في «ترجمة آقا محمّدعلي ٤: ١٦٠: ٧٨٣».

«رسالة في ترجمة البيهقي» ص ١٤٤ رقم ٩٠١: يراجع ترجمة أبي‌الحسن علي بن أبي‌القسم زيد البيهقي فريد خراسان في (الثقات العيون ص ١٨٩ / ١٩٠) و ما كتبناه بهامش نسختنا و مرّ في (ج ٤ رقم ٧٢٨) رسالة الشيخ محمّدخان الفرزيز حول الموضوع. في صفر ١٤١٩

ص ١٤٦: قال السيّد الميرزا محمّدباقر الرضوي المدرّس في كتابه «شجرة طيّبة ص ٢٢» ما نصّه «محقّق كركى در رساله تزويجيه كه رقيه و امّ كلثوم دختران صلبى پيغمبر بودند يا دختران خديجه اسم على بن أحمد را باحترام تمام ياد كرده و فرموده «أورد الشيخ العارف الأجلّ بالسير و آثار أهل البيت الأطهار أبوالقاسم علي بن أحمد الكوفي ره في كتاب البدع المحدثة بعد رسول الله ص» انتهى. و ليراجع الذريعة هذا ج ٤ ص ١٧٢ و ج ٢ في ص ٣٩٦ و أيضاً ص ٣٩٧.

«رسالة في تقديم الشياع الظني على اليد» ص ١٥٣ رقم ٩٦٩ س ١٨، بخطّ الحاج: انظر ج ٢٠ ص ٩٢.

«رسالة في تقليد الاعلم» ص ١٥٤ رقم ٩٧٢، رأيتها: قائل رأيتها بلكه نويسنده تمام اين عنوان آقا ميرزا علينقى مترّوى فرزند مؤلّف است.

«رسالة في تكفير الحاج كريمخان» ص ١٥٥ رقم ٩٨٦، الگوهري: الصواب «گوهر» بدون الياء و الرجل مذكور في الكرام البررة ص ٣٤١.

«الوسالة الجعلية» ص ١٦٤ رقم ١٠٣٣: أقول نشرها الرفيعيُّ في «آتشكده اردستان ٢: ٣١٩ ــ ٣٢٢» عن النسخة الموصوفة في المتن ظ. و انظر ج ٢٥: ١٨٣ تع ١.

«رسالة في جواز أخذ الاجرة على الواجبات» ص ١٦٦ رقم ١٠٤٧: انظر رقم ٢٦١.

«رسالة في الحدث في اثناء الغسل» ص ١٧٠ رقم ١٠٦٥: و عندنا منه نسخة في مجموعة من رسائل الجدّ الشهيد طاب مثواه تاريخ كتابة بعضها ١٢٤٣.

﴿رسالة في حرمان الزوجة من بعض الإرث﴾ ص ١٧٢: عاشر رسائل (بلغة الفقيه ٢٣٧ ــ ٢٤٧) المطبوع سنة ١٣٢٩ بطهران لفقيه آل بحرالعلوم السيّد محمّد الطباطبائي المتوفّى ١٣٢٦ رضوان الله عليهم أجمعين.

«رسالة حديقة الشعراء» ص ١٧٢ رقم ١٠٧١: (حديقة الشعراء) كتاب كبير في تراجم الشعراء و غيرهم من مشاهير القرن الثالث عشر خاصّة طبع مجلّده الأوّل بطهران من ١٤٠٥ ثمّ بعده الثاني و الثالث بعناية بعض الأفاضل و راجع الذريعة (٣: ١٦٣: ٥٧٣) و (٦: ٣٨٥: ٢٤٠٧) و الاستدراكات المطبوعة خلف (ج ٧: ٢٩٦ و ٢٩٩).

﴿حكم حلق اللحية﴾ و إثبات حرمة الحلق ص ١٧٣: من مباحث كتاب الدرّ المنثور (٨: ٧٦: ٢٦٩) لجدّنا العلاّمة الشيخ علي الشهيد طاب ثراه في جزئه الثاني ينبغي أن يعدّ رسالة مفيدة في الموضوع و في طبعة قم (ج ٢: ٢٩١ - ٢٩٥) و فيها بعض الأغلاط و انظر في (ج ٧: ٦٣) حلق اللحية متعدداً.

﴿رسالة في الحصر و البواري﴾ ص ١٧٦: مرّ في ج ٤ ص ٢٠١.

﴿الرسالة الحشرية﴾ ص ١٧٦: انظر (حشر الأشياء ٧: ٢٢: ١٠٣). ثمّ انظر ما ذكرناه في التكملة هناك.

«رسالة في حلية طعام أهل الكتاب» ص ١٧٧ رقم ١١٠٩: مرّت الرسائل في حكم ذبائح أهل الكتاب في ج ١٠ ص ٢ فما بعدها.

«رساله دين و شئون» ص ١٨٥ رقم ١١٤٣: **أقول** مرّ ذكر هذا الكتاب في الدال (ج ٨: ٢٩٤: ١٢٩٦) فراجعه و انظر ما علّقناه عليه.

«رسالة رجاليّة» ص ١٨٧: هي المقدّمة المبسوطة لكتاب «ترجمة شرايع الإسلام» بالفارسية لأبي‌القاسم بن أحمد اليزدي كما أشرنا إليها في التكملة بعنوان الترجمة قال في أوّلها بعد الديباجة [مقدمه در پاره اصطلاحاتى كه متعلّق مى‌باشد بمتن و سند و اسناد] و في آخرها [حال وقت آنست كه ختم شود اين رساله رجاليّه و شروع شود در مقصود كه ترجمه كتاب بوده باشد] و هي رسالة جيّدة في موضوعها استفاد أكثر مطالبها من شرح الدراية لجدّنا الشهيد الثاني قدّس سرّه و أضاف إليها. طبعت في موضعها من المجلّد الأوّل لترجمة الشرايع في أكثر من مائة صفحة.

«رسالة في رد الصوفية» ص ١٨٨ رقم ١١٤٩: **أقول** مرّ [الردّ على الصوفية ١٠: ٢٠٤] متعدّداً.

«رسالة الرضاعية» ص ١٨٨ رقم ١١٥٣: عندنا بحمده تعالى نسخة أصله و كذا نسخة أصل الفوائد الغروية المقصد الثاني منها.

ص ١٨٩ س ٢، **بدائع: /** بشرايع. صح

ص ١٨٩ س ٤، **أواخر محرم (١١٠٩)**: ظ تاريخ صحيح است كما طابقته مع الاصل.

ص ١٩٨: بقيّة الرضاعيّات في (الرضا).

«الرسالة الرضاعية» ص ١٨٩ رقم ١١٥٧، **(١١١١)**: الصواب ١١١٠.

«الرسالة الرضاعية» ص ١٩١ رقم ١١٦٨: **أقول** يأتي له [العقد الطهماسبي ١٥: ٢٩٠: ١٨٨٦] و [وصول الأخيار ٢٥: ١٠١: ٥٥٧].

«الرسالة الرضاعية» ص ١٩١ رقم ١١٧١: يراجع الجزء الثالث عشر ص ٧١ و مرّ شرحه رقم ١١٦٢.

«الرسالة الرضاعية» ص ١٩٢ رقم ١١٨١: هو الشيخ علي‌أكبر الحكمي المتوفّى سنة

١٣٢٢ المذكور في نقباء البشر ص ١٦٠٧.

﴿رسالة في الرضاع﴾ ص ١٩٣: الحادية عشر من رسائل (بلغة الفقيه) المطبوع (ص ٢٤٧ ــ ٢٧٦) للسيّد الفقيه آية في الكمال محمّد الطباطبائي آل بحرالعلوم.

«الرسالة الرضاعية» ص ١٩٥ رقم ١١٩٤: انظر [المسائل الشيرازية ٢٠: ٣٥٣ غير مرقم].

«رسالة في زوجتي عثمان بن عفان و انهما لم تكونا بنتيّ النبي (ص) بل بنتيّ زوجته» ص ١٩٧ رقم ١٢٠٤: انظر ما مرّ في ج ٤ ص ١٧٢ و ما ذكرنا في الهامش.

«الرسالة السهوية» ص ٢٠٠ رقم ١٢١٤: راجع ج ١٢: ٢٦٧: ١٧٧٦.

ص ٢٠٣: يأتي رسائل صلوة الجمعة في حرف الصاد.

«الرسالة الطاعونية» ص ٢٠٨ رقم ١٢٤٨ س ١٢، **ضمن مجموعة في مكتبة (المحيط):** أقول المجموعة المذكورة هي الموصوفة في «...» و في مكارم الآثار «...» و قد انتقلت إلينا من السيّد محمّد المحيط بواسطة ولد شيخنا المصنّف ره في ج ٢ سنة ١٣٧٧ و أمّا الرسالة فليس فيها اسم المصنّف و لا تاريخ مطلقاً و إنّما كتب الحاج ملاّ عبدالوهّاب مالكها في مفتتحها ما لفظه «هو رسالة طاعونية [...] آقا سيّد مهدي بحرالعلوم نجفي الطباطبائي در عدم وجوب فرار از طاعون» انتهى و إذا كان نسبة هذه الرسالة إلى السيّد ثابتاً فلعلّه ألّفها سنة ١١٨٦ عام الطاعون الجارف في العراق انظر [مكارم الآثار ج ٢ ص ٣١٦ و ٤١٧].

«رسالة العامة البلوى» ص ٢٠٩: انظر (ج ١٣: ٧٨ في التعليقة ذيل الصفحة).

«الرسالة العددية» ص ٢٠٩ رقم ١٢٥٣: **أقول** راجع لزوماً [العددية ١٥: ٢٣٣: ١٥١٧] و الإحالات هناك و الإضافات في التصحيحات و قد طبعت الرسالة العددية فيما طبع من كتاب [الدرّ المنثور ١: ١٢٢ ــ ١٣٤ ط قم ١٣٩٨] لجدّنا من قبل بعض أمّهات الأجداد الشيخ علي سبط الشهيد الثاني طيّب الله أرواحهم و عندنا من الدرّ نسخة مخطوطة و الحمد لله.

«الرسالة العطارة في مدح بني الزنّارة» ص ٢١٠ رقم ١٢٥٧: **أقول** كذا في المأخذ و لكن الظاهر أنّ الصواب (بني الزُبارة) بالزاي و البا [...] الموحّدة التحتانية طائفة من

نقباء السادات و الاشراف بخراسان ذكرهم الفريد أيضاً في اللباب و تاريخ بيهق و أشار بهم.

«**الرسائل العملية**» ص ٢١١: **أقول** يأتي كثير من الرسائل العملية في (ج ١٥: ١٨٣ فما بعدها) بعنوان «رسالة في الطهارة» الخ.

«**الرسالة العملية**» ص ٢١٣ رقم ١٢٧٤: ليراجع الخلافية له في حرف الخاء ص ٢٣٩ و لينظر فهرس الرضوية.

«**الرسالة العملية**» ص ٢١٤ رقم ١٢٧٩، **عبدالرحيم**: الصواب محمّدرحيم كما رأيت بخط ولده جدّنا العلاّمة المذكور في عدّة مواضع و قوله ذكرها سيّدنا الحسن صدرالدين أقول ذكرها قبله جدّنا الإمام العلاّمة المجدّد في الروضات و عندنا نسختان منها و يأتي ذكر رسالة أخيه العلاّمة الشيخ محمّدحسين صاحب الفصول في (ج ١٥: ١٩٠: ١٢٧٢).

«**الرسالة العملية**» ص ٢١٤ رقم ١٢٨٢: **أقول** لعلّها رسالة والده بغية الطالب التي ذكر الولد آرائه بهامشها كما سنبيّنه في الرقم ١٣٠٨ فراجعه.

«**الرسالة العملية**» ص ٢١٤ رقم ١٢٨٥: الظاهر أنّه كتاب (النجاة) الموجود عندي مسودّته و مبيضّته.

ص ٢١٤ س ٢٢، **ذكرها تلميذه الأخير**: + في بعض إجازاته ظاهراً لا في مجموعة مباني الأُصول.

ص ٢١٤ س ٢٣: و طبع رسالته في إصفهان ظاهراً و أنا رأيت النسخة المطبوعة عند حفيده الحاج سيّد علاءالدين لكنّها كانت ناقصة الأوّل و الآخر و لذا لم يتيسّر لي تحصيل العنوان و كانت محشاة بحواشي ولد الآقا محمّدتقي ثمّ رزقت نسخة كاملة من المطبوعة.

«**الرسالة العملية**» ص ٢١٥ رقم ١٢٨٨: يراجع ص ٢١٨ رقم ١٣٢٠ و في كتاب فهرس المشار أنّ رسالة الحاج سيّد حسين بن محمّد الحسيني التبريزي الكوهكمري المتوفّى ١٢٩٩ مطبوعة في تبريز عام ١٢٨٤ق على الحجر انتهى.

«**الرسالة العملية**» ص ٢١٦ رقم ١٢٩٩: **أقول** الظاهر أنّها «نعم الزاد ليوم المعاد ٢٤: ٢٣٤: ١٢١٤».

«الرسالة العملية» ص ٢١٦ رقم ١٣٠٨: أقول الظاهر أنّ الشيخ المحقّق العلي بن الشيخ الأكبر (رضي الله عنهما) لم يؤلّف رسالة مستقلّة بعمل المقلّدين رأساً كما يظهر من ماضي النجف قال «و له تعليقة على رسالة والده بغية الطالب لعمل المقلّدين كان يقال له لم لاتكتب و توفّى فيقول أباني جيّدة و أبيت رديّة» انتهى و يظهر جليّاً من نسخة مخطوطة من بغية الطالب عندنا كتب كاتبها في آخرها ما لفظه «تمت هذه الرسالة رسالة مولانا و مقتدانا الشيخ علي نجل المرحوم شيخ جعفر على يد الأقلّ حسين بن شيخ علي المنصوري يوم الاربعاء ٢٧ ع ٢ سنة ٤٢» أنّ فتاوى الشيخ علي ادخلت في المتن و يتلوها في تلك النسخة (كتاب الصوم) و بآخرها ما لفظه «تمّت الرسالة الصوميّة لجناب الشيخ علي نجل المرحوم الشيخ جعفر نوّر الله ضريحه على يد الحقير محسن بن شيخ محمّد المنصوري» انتهى و الظاهر أنّ كتاب الصوم هذا للشيخ علي نفسه و أنه غير (تكملة بغية الطالب) للشيخ حسن أخيه المذكورة في موضعها و تحمل نسختنا الموصوفة على هوامشها آراءَ خالنا الأجلّ الشيخ حسن قال في أوّل النسخة مسجّلاً و موقعاً ما لفظه «بسم الله خير الأسماء يجب على مقلّدينا العمل بهذه الرسالة ما عدى ما خالف فيها في الحواشي فإنّ العمل على الحواشي و ترك ما خالفها منها في المتن الراجي عفو ربّه حسن نجل المرحوم الشيخ جعفر قدّس سرّه» ختمه و أيضاً «و من أراد الاستنساخ عليها للتقليد فليستنسخ كتبه حسن بن الشيخ جعفر» ختمه الآخر و راجع للشيخ علي بن جعفر أيضاً ج ٩: ٧٤٠: ٥٠٦٧ و السلام خير ختام حرّره الأقل سيّد محمّدعلي روضاتي في عصيرة يوم الجمعة ٢٢ ج ٢ ١٤٠٥ حامداً مصلّياً مستغفراً نجانا الله من أيدي الجبابرة و الفراعنة و الطواغيت بالنبيّ و آله ع.

«الرسالة العملية» ص ٢١٦ رقم ١٣٠٨، للشيخ الأكبر: أقول لا شبهة في وقوع سقط من العبارة حين الطبع و الصواب أن تكون بهذه الصورة «للشيخ علي بن الشيخ الأكبر» الخ كما لايخفى على المتدرّب المتأمّل و ذكر شيخنا المؤلّف في ج ٧: ٢٧٩: ١٣٧٠ بعد التصحيح و في ج ٦: ٢٧٨: ١٥١٥ (مقيّداً بشهر رجب في هذا الموضع فقط) و كذا الشيخ جعفر آل محبوبة في «ماضي النجف و حاضرها ٣: ١٧١ و المعلّم الحبيب آبادي في مكارم الآثار ٤: ١٤٢١ نقلاً عن الذريعة ج ٦ انّ وفاة خالنا المرحوم الشيخ علي بن

الشيخ الأكبر كانت في ١٢٥٣ و كذا في «شعراء الغريّ ٦: ٢٥٧» مقيّداً أيضاً بشهر رجب قالوا جميعاً: توفّي بكربلاء ثمّ نقل إلى النجف الأشرف و دفن بها و أمّا والده جدّنا المرحوم كاشف الغطاء الشيخ جعفر بن خضر النجفي فقد توفّي سنة ١٢٢٧ ـــ أو ١٢٢٨ في النجف بتفصيل في تاريخه ذكرناه بهامش نسختنا من مكارم الآثار ٣: ٨٥٥.

﴿الرسالة العمليّة﴾ ص ٢١٧: للحاج ميرزا فتح الله الشريعة الإصفهاني انظر ما ذكرناه في التكملة بعنوان [وسيلة].

«**الرسالة العمليّة**» ص ٢١٨ رقم ١٣٢١ س ٩، **الحسيني**: **أقول إنّي أتعجّب من شيخنا** العلاّمة ره كيف غفل عن معرفة السيّد حسين بن محمّد الحسيني هذا و حقيقة الحال أنّ هذا الرجل هو المرجع الشهير في عصره السيّد حسين الكوهكمري المعروف أيضاً بالترك المتوفّى سنة ١٢٩٩ و هو استاذ الفاضل الشربياني و هذه الرسالة العمليّة تأليف هذا السيّد و قد مرّت الإشارة إليها في ص ٢١٥ رقم ١٢٨٨ و لم يدّع الفاضل انّها تأليفه بل علّق على بعض مواضعها و قلّما يخالف رأي استاذه في فتاواه و قد سجّل في مفتتح تلك الرسالة ما صورته بعد البسملة «لا بأس بالعمل بهذه الرسالة مع ملاحظة الحواشي إن شاء الله. حرّره الأحقر الجاني محمّد الشربياني» انتهى و لكن المباشر المتملّق لطبع الرسالة كتب في جنب التسجيل عنواناً لها بهذه العبارة: «رساله جناب مستطاب رئيس الملّة و الدين آية الله في الأرضين مجدّد رأس المائة ملاذ الأنام حجة الإسلام آقاى شرابيانى مد ظلّه» و مباشر هذه الطبعة رجل من الفضلاء يُدعى بحاجي فخر (و فخر العلماء) و تاريخ كتابتها بخط عبدالرحيم الفيروزآبادي عام ١٣١٥ (ظاهراً) و يظهر من آخر سطر منها (في ص ٣٢٦) أنّ الرسالة قد كانت مطبوعة قبل هذه الطبعة أيضاً و الحاصل أنّ شيخنا ره قد نظر في مفتتح هذه النسخة فظنّ بإغواء كلام الناشر ما يخالف الحقيقة فكتب ما تراه في المتن و الله العاصم. ثمّ إنّه لم يذكر المشار في فهرسه رسالة عمليّة للفاضل الشرابياني مطلقاً كما انّه لم يطّلع على هذه النسخة التي وصفناها و لكنّه ذكر (ذخيرة العباد) للفاضل فليراجع. حرّره السيّد محمّد علي روضاتي في ليلة ٤ ع ٢ سنة ١٣٩٧.

«**الرسالة العملية**» ص ٢١٨ رقم ١٣٢١: **أقول** انظر [جامع المسائل ٥: ٧٠: ٢٧٥] و ما

ذكرناه في التكملة. و مرّ رسالته بالعربية [الإصلاح ٢: ١٧٠: ٦٢٩].

«الرسالة العملية» ص ٢١٩ رقم ١٣٢٦: يراجع (السؤال و الجواب ١٢: ٢٥٠: ١٦٤٧) و (الوجيزة ٢٥: ٤٥: ٢٣٠) مع التكملة.

ص ٢٢١: رسالة في تعيين الفرقة الناجية للشيخ ابراهيم يراجع (الفرقة الناجية).

«الرسالة الفيضية» ص ٢٢١ رقم ١٣٤٣: أقول يأتي أيضاً «فيضية ١٦: ٤٠٩: ١٩٦٠» راجعه.

«الرسالة القدسيّة» ص ٢٢١ رقم ١٣٤٥: أقول انظر «القوسية ١٧: ٢٠٧: ١١١١».

ص ٢٢٣: (رسالة لالان) انظر (لالان ١٨: ٢٦٨: ٦٠).

ص ٢٢٣: رسالة في كفاية النظر... لابن حمزة يأتي في حرف الكاف.

«الرسالة الكميلية» ص ٢٢٣ رقم ١٣٥٨: أقول يأتي أيضاً بعنوان [شرح حديث الحقيقة ١٣: ١٩٧] و الرجل من صوفية العامّة و له [مصباح الهداية ٢١: ١٢٣: ٤٢٣٧] و من شروح الحديث ما هو مذكور في «شرح حديث الحقيقة ١٣: ١٩٦: ٦٨٤ فما بعد» و منها ما ذكر بعنوان «الكميلية ١٨: ١٣٩ ــ ١٤٠».

﴿رسالة في مذهب ارسطاطاليس﴾ ص ٢٢٤: انظر [حدوث العالم ٦: ٢٩٤: ١٥٦٩].

﴿الرسالة المحمّديّة﴾ ص ٢٢٤: للشيخ سليمن بن عبدالله الماحوزي كما في اللؤلؤة.

﴿رسالة مشايخ الشيعة﴾ ص ٢٢٥: المذكورة في عنوان كتاب «المناقب ٢٢: ٣١٥: ٧٢٥٣» هي «تراجم مشايخ الشيعة ٤: ٦٠: ٢٤٩».

«الرسالة النجفية» ص ٢٢٧ رقم ١٣٨١: أقول اعلم أنّ شيخنا المصنّف ره أورد هذه الرسالة في كتابه مرقماً في ثلاث مواضع الثاني في الشين (ج ١٤: ٢١٠: ٢٢٣٢) و الأخير في النون (ج ٢٤: ٦٨: ٣٤٤) فراجعهما و سبحان من لايسهو.

«الرسالة الوضعية» ص ٢٢٩ رقم ١٣٩٨: أقول يأتي أيضاً الوضعية الاٰجرية ٢٥: ١١١: ٦١٢».

﴿رسالة الهنود في إجابة دعوى ذوي العنود﴾ ص ٢٣٠: للأمير السيّد بهاءالدين الحسن بن مهدي المامطيري رحمة الله عليه نقل جملة منها ابن اسفنديار الكاتب في «تاريخ طبرستان ١١٦ ــ ١١٨» المؤلّف حوالي سنة ٦١٣ فراجعه و يأتي في الهاء (ج ٢٥: ٢٥١: ٥٧٩).

«الرسالة الوقتية» ص ٢٣٠ رقم ١٤٠٠: راجع الرسائل الوقتية في (٢٥: ١٣٥).

«الرسالة الهلالية» ص ٢٣٠ رقم ١٤٠١: انظر (الهلالية ٢٥: ٢٣٩: ٤٧٤).

«رسالة يوحنا» ص ٢٣٠: انظر (يوحنا ٢٥: ٢٩٦: ١٨٩ و ١٩٠). و راجع ج ١٧ ص ٢٣٨. مجدّداً كه مراجعه به موضع مرقوم كردم نيافتم مظانّ ديگر را هم ديدم چيزي نيافتم تا بعداً چه پيش آيد.

«الرسالة اليوسفية» ص ٢٣٠ رقم ١٤٠٣: تأتي في الياء (اليونسية ٢٥: ٣٠٠: ٢٤٠).

«الرسالة اليونسية» ص ٢٣٠ رقم ١٤٠٤: راجع (ج ٢٥ ص ٣٠٨: ٢٧٩).

«رشحات سمائى در احوال شيخ بهائى» ص ٢٣٥ رقم ١٤٢٨ س ١٠، **«كشف الحجبة»**: بعنوان رشحات السمائي.

«رشح السحاب في شرح نظم الحساب» ص ٢٣٦ رقم ١٤٣٣ س ٩، **شارح العوامل**: قال في آخره «و قد تيسّر لي تأليف هذا الشرح المسمّى برشح السحاب في شرح نظم الحساب بعون الملک الوهّاب في خمسة أشهر مع تشتّت الأحوال و تكثّر الاشغال و كان الفراغ منه في أوائل شهر جمادي الأُولى من السنة الثامنة و العشرين من المائة الثانية من الألف الثاني... بدار السلطنة قزوين» الخ و نسختنا مكتوبة في كربلا سنة ١٢٨٩.

«رشح الولاء في شرح الدعاء» ص ٢٣٦ رقم ١٤٣٤: يراجع منها البراعة للخوئي ج ١٤ ص ٣٩٩ ط ٢.

«رشف النصائح» ص ٢٣٨ رقم ١٤٤٦: نقل عنه المولى محمّدطاهر القمي في كتابه (تحفة الأخيار).

ص ٢٣٨: للرصد يراجع الزيج في ج ١٢ ص ٨٠.

﴿الرضاع﴾ ص ٢٣٩: انظر الرسالات الرضاعية الكثيرة فيما مرّ ص ١٨٨ فما بعدها.

«كتاب الرضا» ص ٢٣٩ رقم ١٤٥٤: أقول هذا الرجل هو الذي عقد له الباخرزي المقتول سنة ٤٦٧ ترجمة نفيسة في كتاب «دمية القصر ٢: ١٤٦٢ ــ ١٤٦٦ ط التونجي» بهذا العنوان قال [السيّد أبوطالب محمّد بن أحمد العلوي الحسيني صاحب كتاب الرضا ــ رأيت هذا العالم السيّد الزاهد رضي الله عنه عند اجتيازي بالطلبيين] إلى آخر ما قال و نقل عنه شيئاً من نظمه و نثره و أخبر عن وفاته في ختام الترجمة فإيراد شيخنا المصنّف

ذكر السيّد في الثقات العيون ٢٤٧ نقلاً عن الأمل خطا و موضع ذكره في النابس و القفطي نقل موجز ترجمته في كتاب المحمّدون من الشعراء عن الباخرزي و إن لم يصرّح باسم مأخذه هذا و السلام. حرّر في ٨ شعبان ١٤١٢.

«الرضوان» ص ٢٣٨ رقم ١٤٥٩: أقول رأيت نسخة من الرضوان هذا بخط اسمعيل بن مهدي اليزدي فرغ من كتابتها في ٢٩ محرم ١٢٩٨ و الكاتب ذكر نسبه في ختام حاشية للمصنّف كتبها في هامش أوائل الكتاب و هذه عبارتها (منه أدام الله أيّام إفاضته و أنا رقّ الجليل ابن مهدي بن محمّد بن اسماعيل بن محمّدملک بن علي بن مختار العقدائي اسمعيل) انتهى و أنا لاأشكّ في أنّ جدّ الكاتب هو المذكور في (الكرام البررة ص ١٤٢) بعنوان (الشيخ المولى اسمعيل بن عبدالملک العقدائي اليزدي من أفاضل الفقهاء و مشاهير الأعلام) إلى آخر ترجمته و النسخة في مكتبة السيّد مصطفى الحسيني. حرّره م‌ع‌ر في ج ٢ سنة ٩٥.

﴿رضوان المعارف الإلهيّة﴾ ص ٢٤٠: مجموعة هامّة من رسائل الشاه نعمت الله الولي الكرماني و أوّلها تذكرة في ترجمة الشاه. طبع مصوّراً عن أصله في طهران حوالي سنة ١٣٨٥ و راجع ما ذكرناه بهامش (سلسلة العارفين) الآتي.

«طب رضوي» ص ٢٤١ رقم ١٤٦٧: لايخفى أنّ هذا العنوان خطأ محض و الصواب «الطبّ الرضوي» كما يأتي في موضعه و الله العاصم.

«الرعاية» ص ٢٤١ رقم ١٤٦٨: أقول لم أعثر على كتاب مطبوع باسم الرعاية و لكن قال السيّد محمّدحسين الجلالي في رسالته المطبوعة باسم «مصادر الحديث عند الإماميّة ص ٦ ما نصّه: «و كذلک اهتمّ علماءُ المسلمين بعلم الجرح و التعديل لتمييز أقسام الحديث المذكورة و ألّفوا فيه كتباً كثيرة أهمّها عند الشيعة «الرعاية في علم الدراية» لزين‌الدين الشهيد سنة ٦٥٥هـ « انتهى كلام السيّد و إذا كان مراده بزين‌الدين الشهيد الشيخ الشهيد الثاني صاحب شرح بداية الدراية فما معنى قوله ٦٥٥ على أنّه قد ذكر السيّد أيضاً في ص ٤٠ من رسالته المذكورة ما لفظه «و إجازة الشهيد الثاني المتوفّى ٦٦٥» و هذا من الغرائب و الله العاصم و قد كانت شهادة الشهيد الثاني رضي الله تعالى عنه في سنة ٩٦٥ كما لايخفى. ثمّ إنّ العالم الفاضل المحقّق الشيخ حسن بن عبدالكريم بن

حسن صالح البحراني ره ذكر في رسالة له في بعض مسائل الاجتهاد و نسختها في ضمن مجموعة من رسائله موجودة عندنا ما لفظه «يرشدک إلى ذلک ما قاله العالم الفاضل الشهيد الثاني الشيخ زين‌الدين قدّس سرّه في كتابه المسمّى بالرعاية في علم الدراية» انتهى المقصود من كلامه فتبيّن أنّ (الرعاية) اسم لكتاب الشهيد الثاني في شرح بداية الدراية و لكن لم يشتهر بهذا الاسم و انّما اشتهر بعنوانه و السلام. ثمّ إنّي عثرت على مواضع أخرى صرّح فيها باسم الرعاية لشرح دراية الشهيد الثاني ره.

«**رفع الالتباس عن أحكام الناس**» ص ٢٤٢ رقم ١٤٧٨: أقول يأتي له «معارج الأحكام ٢١: ١٧٨: ٤٥٠٢» و [مناسک الحجّ ٢٢: ٢٦٠: ٦٩٦٦] فراجعهما و أمّا رفع الالتباس هذا فليس موضوعه ما زعمه شيخنا المصنّف بل هو في أحكام المقابلة و المعاملة مع أصناف من الفرق الهالكة المخالفة طريقتهم لدين الحقّ مذهب الشيعة الإمامية و هو كتاب نفيس فريد في بابه و نسخة أصله عندنا و في مفتتحها كتب السيّد المصنّف العلاّمة بخطّه فهرس الكتاب فذكر انّه في مقدّمة و مسائل ثمانية و خاتمة و المقدّمة في معنى ضرورة الدين و المذهب و في معنى النصب و المسائل ١ـ في بيان حال المخالفين من الكفر و الإسلام ٢ـ دمائهم و ذراريهم ٣ـ أموالهم ٤ـ طهارتهم و نجاستهم ٥ـ مناكحتهم ٦ـ ذبائحهم ٧ـ الموارثة ٨ـ الطلاق و العدّة و سائر الأحكام و الخاتمة في حكم المستضعف و في نوادر أحوالهم و ما ورد في بعض شأنهم هكذا فهرس الكتاب إجمالاً و الكتاب مشحون بتحقيقات عالية و فوائد جمّة. فرغ من تأليفها سنة ١١٦٩ و النسخة في ١٦٧ ورقة بحجم صغير و بآخرها تقريض لأخيه السيّد أحمد بن محمّد ابراهيم الحسيني و ترجمتها في تتميم أمل القزويني و الكرام البررة و أنساب السادة القزاونة. ثمّ إنّه يظهر من شيخنا المصنّف في «الدرّ الثمين ٨: ٥٢» الذي هو مجموعة من مصنّفات السيّد انّه رأى النسخة و فيها نسخة رفع الالتباس فاشتباهه في موضوع الكتاب من العجلة و عدم التأمّل و الله العالم حرّر في ١٧ شهر رجب ١٤١١ و الحرب قائم في البلدان العربيّة بمشاركة الكفّار الحربيّة و الله المستعان.

«**رقائق الحقايق**» ص ٢٤٦ رقم ١٥٠١: الرقائق أي الدقائق جمعُ رقيقة و لعلّه يعني اللطائف الروحانية «عن هامش معجم الأُدباء ١: ٣٤».

«**الوق المنشور و لوامع الظهور في تفسير آيه النور**» ص ٢٤٦ رقم ١٥٠٣: **أقول** صرّح السيّد المصنّف لهذا الكتاب القيّم المهمّ بخلاف ما في المتن فقال في خاتمته (ص ٣٥٢) ما نصّه [قد فرغت من تأليف كتابي و [...] في الجزيرة المسمّاة بمبئي في يوم السبت ١٤ من شهر رجب من سنة ١٢٨٩] الخ و هي الموافقة لاسمه التاريخي و انظر ما ذكرناه في التكملة على [مسائل علي بن جعفر ٢٠: ٣٦٠: ٣٤٠٦] و ممّا ذكره في الخاتمة المذكورة الإشارة إلى مبلغ عمره في تلك الأيّام و هو النيف و الثلثون و عليه فحين وفاته كان له حوالي خمسين سنة رحمه الله و انظر ترجمته الحافلة بالمكارم و الفضائل في «النقباء». ثمّ إنّ السيّد المصنّف قام بتصحيح كتابه بعد طبعه الحجرية فصنع لأغلاطه جدولاً في ثمان صفحات طبعها سنة ١٣٠٣ في بمبئي و الحقت ببعض نسخ الكتاب كما الحق به رسالتين في بعض المسائل العلمية و السلام. م‌ع‌ر ج ١ سنة ١٤١٠

«**الوحية**» ص ٢٤٨ رقم ١٥٢٠: عندنا نسخة الرحية بخط ولد المؤلّف بهاءالدين محمّد فرغ من كتابتها في ذي الحجة سنة ١٢٠٠ منضمّة إلى [تذييل السلافة ٤: ٥٤: ٢٢٣] بخطه أيضاً المشتملة على السيفيّة المذكورة و في كلام شيخنا المصنّف هنا مسامحات و أخطاء فلاحظ ما يأتي في التكملة على [السيفيّة ١٢: ٢٩١: ١٩٥٥] و لاتغفل.

﴿**الرمل**﴾ ص ٢٤٩: كان على شيخنا المصنّف رحمه الله تعالى أن يصف هذا العلم و لو بالاختصار و انظر الاستفادة منه في خاتمة المستدرک ص ٣٨٨ و لايوجد للرمل في (سفينة البحار) عين و لا أثر سوى مشتق منها و هو حديث رميلة و لكن صاحب مستدرک السفينة تعرّض للمواضع التي عثر عليها لعلم الرمل في ج ٤ ص ٢١٠ فليراجع.

قال الأب المثلّث في المنجد «و اعلم الرمل البحث عن المجهولات بخطوط تُخطّ على الرمل و هو من الخُرافات»! انتهى و ليراجع كشكول اللغة.

«**رسالة في الرمل**» ص ٢٤٩ رقم ١٥٣٠، **الگل پري**: يعني الكليبريّ.

«**رموز الشهادة و كنوز السعادة**» ص ٢٥٢ رقم ١٥٤٣: ذكر اسمه مصنّفه في كتابه الآخر «مفاتيح الكنوز ص ٢٣٣».

«**رواشح الاصول**» ص ٢٥٦ رقم ١٥٦٩ س ٢٤: قوله كذا قيل، أقول الترديد في نسبة كتاب باسم الرواشح إلى الشيخ المذكور لا في وفاته و دفنه.

«الرواشح السماوية في شرح الأحاديث الإماميّة» ص ٢٥٧ رقم ١٥٧١: **أقول** عندنا النسخة الأصل بخط السيّد الداماد و أيضاً نسخة اُخرى غيره و مع كلتيهما تعليقات اُصول الكافي غير متشاكلين و مرّت «الحاشية على الرواشح السماويّة ٦: ٩٠: ٤٦٨».

«الرواشح السماوية في شرح الأحاديث الإماميّة» ص ٢٥٧ رقم ١٥٧٢ س ٢٠، **و في شرح الحديث:** أقول يراجع «شرح الاستبصار» للسيّد الداماد في ج ١٣ ص ٨٣.

«رواية الابناء عن الاباء من آل رسول الله ص» ص ٢٥٨ رقم ١٥٧٦ س ١٩، **«كتاب النوادر»:** انظر ج ٢٤ ص ٣٣٧.

«روح الأحباب و روح الالباب في شرح الشهاب» ص ٢٦١ رقم ١٥٩٣ س ٩، **ينقل عنه:** و ينقل عنه السيّد الجزائري في غرائب الأخبار.

«روح الصلاة» ص ٢٦٤ رقم ١٦١٤: **أقول** سمّاه القاضي نفسه بهذا الاسم و قد مرّ أيضاً في ج ٧ بعنوان (حقيقة الصلاة) فلاحظ.

«روح و ريحان» ص ٢٦٦: و لأنه اقتبس اسم كتابه من الآية الشريفة (رَوح و رَيحان و جنّة نعيم).

«روزنامه» ص ٢٦٩ رقم ١٦٥٢: **أقول** طبع [روزنامه ملا جلال] باسم [تاريخ عباسي] لجلال‌الدين منجّم [...] بطهران سنة ١٣٦٦ش في ٥٠٠ص فيها المقدّمة و الفهارس للناشر سيف الله وحيدنيا الدستجردي الإصفهاني.

«روزنامه شاه طهماسب» ص ٢٧٠ س ٧، **«مطلع الشمس»:** + المجلّد الثاني.

«الروض الاريض فيما قال أو قيل فيه من القريض» ص ٢٧٣ رقم ١٦٨٣: **أقول** مرّ ديوانه في (ج ٩: ٣٦٣: ٢١٤٥).

«روض الجنان في حياة الابدان» ص ٢٧٥ رقم ١٦٩٦: مرّ بعنوان (إحياء الأموات) في (ج ١: ٣٠٧: ١٥٩٧) و راجع (زندگينامه علامه مجلسى ١: ٤٢٣).

«الروض الفتيق الفالق و مونس الكئيب العاشق» ص ٢٧٦: طبع في بيروت حوالي سنة ١٤٠٠ بشرح سعيد نارالدهان ناسباً إيّاه خطأً إلى (إمام الحرمين محمّد بن عبدالوهّاب بن داود الهمداني) من غير معرفة الشارح له مطلقاً و النسبة خطأ محض فإنّ المؤلّف من تلامذة محمّد الكبرى الصديقي من شوافع القرن العاشر في الديار المصريّة و إمام الحرمين

من علماء الشيعة و توفّي حوالي سنة ١٣٠٤ و له (الشجرة المورقة) يأتي و الله العالم.

«روضات الجنّات في أحوال العلماء و السادات» ص ٢٨٠ رقم ١٧١٢: لا حول و لا قوّة إلاّ بالله العلي العظيم هذه شنشنة أعرفها من أخزم لقد صدق قول المعصوم صلوات الله عليه في أنّ هلاك العلماء بالحسد فلينظر العاقل المنصف العادل الذي يضع الأشياء في مواضعها كيف عدل الشيخ المصنّف ره عن جادّة العدل و الانصاف فاقتدى شيخه النوري المعاند الحسود و حطّ عن مقام الروضات و صاحبه الإمام العادل المجتهد المجاهد المجدّد آية الله العظمى في العالمين جدّنا السيّد محمّدباقر بن الإمام المجتهد العدل الحاج السيّد زين‌العابدين الموسوي الإصفهاني طيّب الله تربتيهما و رزقنا شفاعتهما مع أنّ أساس تأليفات الشيخ و شيخه جمعاء على مطالب كتاب الروضات و لولاه لما قام لعلم تراجم الرجال و آثار المصنّفين عمود و لا أخضر أعود و هذا أمر بالعيان مشهود و لاينكره إلاّ حسود أو عنود قوله (و نسخة الأصل) الخ أقول ما رآه الشيخ المصنّف من نسخة الأصل إنّما هي إحدى النسخ الأصليّة و صورها الكاملة عندنا موجودة و للكتاب عدّة نسخ بخط سيّدنا المصنّف طاب مثواه و كثير منها من المسودّات و المبيضّات و المصحّحات بخطّه الشريف موجودة عندنا محفوظة في خزانتنا و الحمد لله ربّ العالمين كما توجد عدّة نسخ اُخرى معتبرة فيها خطّه المبارک عند غيرنا من ولده و غيرهم حتّى في بعض الخزائن العامّة و قد فصّل القول حول تلک النسخ في مقدّمة شرح الروضات ط إصفهان فراجعها.

و أمّا قوله (بعدد صفحاتها المغلولة) فهذا أيضاً مما أراد به الشيخ المصنّف الحطّ عن مقام الكتاب و الله العاصم و انظر ما ذكرنا حول الكتاب [الجراب ٥: ٩٤: ٣٩٢] و أيضاً حول [إيجاز المقال ٢: ٤٨٧: ١٩٠٩] و حول [المستدرک ٢١: ٧ ــ ٨] اللهمّ اغفرلنا و لآبائنا و لاُمّهاتنا و لأهل ديننا جميعاً و اعصمنا من الخطأ و الزلل في القول و العمل بحقّ النبيّ و آله الطيّبين الطاهرين المعصومين صلوات الله و سلامه عليهم أجمعين آمين.

«الروضة» ص ٢٨٢ رقم ١٧٢١ س ٤، العين: الدين كما في ط سنة ١٣٠١ و كتاب الفضائل.

«الروضة» ص ٢٨٢ رقم ١٧٢١ س ٤، في الناس: / بالناس.

«روضة الأحباب في سيرة النبي ص و الآل و الأصحاب» ص ٢٨٥ رقم ١٧٣٤: **أقول** أظنّ أنّ روضة الأحباب هذه و روضة الصفا و روضة الشهداء الآتيتين قد أخذ مؤلّفوها أسماء كتبهم المذكورة كلّ عن الآخر لما أنّهم معاصرون و مقيمون في هراة و مصاحبون للأمير عليشير النوائي ثمّ الروضة الصفوية و غيرها و قال الميرزا عبدالله أفندي صاحب الرياض في كتابه «تحفه حسينيه در ترجمه صحيفه ادريسيه» ما نصّه «و از جمله آنكه سيّد جمال‌الدين عطاءالله ابن فضل الله واعظ محدّث فاضل مؤمن شيعه خالص هراتى كه قريب بزمان خروج نواب سكندر شأن شاه اسمعيل ماضى أنار الله برهانه بوده در كتاب روضة الأحباب خود كه بفارسى در احوال انبياء و ائمه هدى تأليف نموده چنين گفته» الخ و قد طبع هذا الكتاب في البلاد الهندية عدة مرّات عندنا.

﴿روضة الانس و منفعة النفس﴾ ص ٢٨٨: هو اسم ثان للكتاب الأبنية عن حقايق الأدوية مرّ خطأ بعنوان الأنبية فيما تقدّمت فيه النون على الباء.

«روضة الامثال» ص ٢٨٨ رقم ١٧٥٠: في مقدّمة ترجمة تفسير آية النور للشيخ هادي الطهراني بقلم الحاج الشيخ حسن المصطفوي التبريزي انّ الكوزكناني هذا توفّى سنة ١٣٢٦.

«الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية» ص ٢٩٠ رقم ١٧٥٧ س ٢٢، **فرغ من تأليفه ٩٥٦**: سيأتي في ص ٢٩١ س ١٣ و ١٠ و ٦ أنّ تاريخ الشروع في تأليف الروضة ١ ع ١ سنة ٩٥٦ و ختم المجلّد الأوّل في ٦ ج ٢ سنة ٩٥٦ و ختم المجلّد الأخير ٢١ ج ١ سنة ٩٥٧ و الأخيران موافقان لما في النسخة المطبوعة من الروضة.

ص ٢٩١ س ١١، **٣ ــ ج ١ ٩٥٨**: انظر «الإجازة ١: ١٩٤: ١٠٠٥».

«الروضة البهية في الإجازة الشفيعية» ص ٢٩٢ رقم ١٧٥٨ س ٨، **مطبوع ١٢٨٠**: معلوم نيست در خود اين سال طبع شده باشد.

«روضة التسليم» ص ٢٩٢ رقم ١٧٦٢: أُعيد طبعه بالاوفست في طهران سنة ١٣٦٣ش.

ص ٢٩٤: بسمه تعالى قال الشيخ أبوالفتوح قدّس سرّه في تفسيره (ج ٢ ص ٣٥٥ ط ٢) في ذيل آية ﴿و إذ قال الملئكة يا مريم﴾ الخ بعد نقله الحديثين ما نصّه «و اين دو خبر

از كتابى نقل افتاد كه جدّ من خواجه امام سعيد ابوسعيد جمع كرد نام آن الروضة الزهرا في مناقب فاطمة الزهرا». انتهى

«روضة الشهداء» ص ٢٩٤ رقم ١٧٧٥: يراجع ما ذكرناه في هامش ص ٢٨٥.

«روضة العرفاء و دوحة العلماء في شرح الأسماء الحسنى» ص ٢٩٩ رقم ١٧٩١: أقول توجد في المكتبة المركزية بجامعة طهران (كما في فهرسها ١٠: ١٧٤٠ ــ ١٧٤١ رقم ٢٨٩٦) مجموعة كتابتها حوالي سنة ١٢١٣ و فيها منتخبات من [شرح الأسماء الحسنى] للسيّد علاءالدين گلستانه الإصفهاني ذكر مؤلّف الفهرس أنّ الثاني من رسائل المجموعة (شرح أسماء الحسنى) و لم يعرف مؤلّفه و لكنّا وجدنا العبارات المنقولة عنه في الفهرس في كتاب گلستانه بعين العبارات ثمّ ذكر أنّ الثالث من الرسائل (روضة العرفاء... الخ) و هو أيضاً من كتاب گلستانه و يلزم الرجوع إلى تلك المجموعة كي يكشف عن تسمية مؤلّف الفهرس له بالروضة هل هذا الاسم في تلك النسخة أم أخذه المفهرس من الذريعة و اعلم أنّ المؤلّف سمّى كتابه هذا [التحفة السلطانية و الهدية الحسينيّة] كما ذكرناه في موضعه من التكملة فراجعه.

«الروضة العلية و الدرة المضيئة في الدعوات المأثورة عن خير البرية» ص ٣٠١ رقم ١٧٩٥: أقول انظر [الإجازة ١: ٢٥١: ١٣٢٣].

«الروضة الغناء في عدم جواز استماع الغناء» ص ٣٠١ رقم ١٧٩٧: يراجع رسالة (سرگذشت سعدى للجباري ص ٥١) مع تعليقه.

«الروضة الغنّاء في معنى الغناء» ص ٣٠١ رقم ١٧٩٨: أقول إنّي رأيت هذه الرسالة عند بعض أحفاد ابن خالنا المؤلّف لها في ع ٢ سنة ١٤٠٦، ثمّ نشرها في مجلّة «نور علم ٢: ٤: ١٢٣ ــ ١٣٠» و قد تكرّر ذكرها في باب الغين سهواً (ج ١٦: ٦٢: ٣٠٦).

«روضة المتقين» ص ٣٠٢ رقم ١٨٠٢ س ١٥، نسخة منها: عند الحاج شيخ محمّدحسين الأعلمي كما يأتي في ص ٣٣٤.

«روضة المتقين في شرح أخبار الأئمة المعصومين» رقم ١٨٠٣ – ص ٣٠٣ س ١، في وقف: في هذه العبارة خلل ظاهر و الظاهر سقوط شيء بين في و وقف بناء على أنّ (وَقَفَ الجميع) الخ جملة مستأنفة.

ص ٣٠٣ س ٤، و النذر: الصواب و النُّذور. ظ

ص ٣٠٣ س ٩، الاهري: للأهريّن يراجع ما كتبناه بهامش نسختنا من (تلامذة العلامة المجلسي ص ٢١٧).

﴿روضة المؤمنين﴾ ص ٣٠٤: اسم كتاب الأربعين لصاحب النهاية في شرح الهداية ذكرها في هامش ق ٤١ من النهاية.

«رؤياي صادقة» ص ٣٠٧ رقم ١٨٣٤، للسيّد محمّدجواد: راجع ترجمته في مكارم الآثار ص ١٩٨٢ ج ٦ قم ١٢١٤.

«رؤياي صادقة» ص ٣٠٨ رقم ١٨٣٥: أقول لم نعرف هذا الكتاب و مؤلّفه المذكور و لكن طُبع رؤياى صادقه المعروف المشهور في عدّة أجزاء من مجلّة (ارمغان) لسنتها ١٤ و الظاهر أنّها منقولة عن نسخة طبع بطرزبورغ (١٩٠٣م الحجم الوزيري ٥٠ص طبعة حجرية) و أنّها التي اشترک في تأليفها جمع من الملاحدة بإغواء الأجانب و أعداء الإسلام ثمّ طبعها أسدالله خان (عضو القنصلية الروسية في إصفهان) في بلاد روسيا و طبع بعد ذلک أيضاً في طهران كما يعلم من (فهرست كتابهاى چاپى فارسى ٢: ١٧٩٥) نقلاً عن عدّة فهارس و هناک عنوانان (رؤياى صادقانه) و (رؤياى صادقه) و قد صرّح ملكزاده في «زندگاني ملک المتكلمين ص ٩٤» بأنّ والده هو الذي ألّف رؤياء و نشره و في ص ٦٤ أنّ للحاج فاتح الملک الإصفهاني سهماً وافراً في تأليفه و بالجملة فالكتاب من جملة كتب الضلال و ليراجع التفصيل بأزيد من ذلک في (تاريخ نائين ١: ٣٨٢ فما بعدها للبلاغي).

«رسالة في رؤية الهلال قبل الزوال» ص ٣٠٩ رقم ١٨٤٦: عندنا منه نسخة تامّة خلف رسالته في صلوة الجمعة [ج ١٥: ٨١: ٥٢٨] فرغ منه في ٢٦ محرم ١١٠٦ و بعدها رسالته في حجّية الأخبار (ج ٦: ٢٧٠).

«رهبر خرد» ص ٣١٠ رقم ١٨٥٦: انظر مقالة «شهاب روشن معرفت» في نشرة «كيهان فرهنگى س ٣ ع ٥» و ذلک بمناسبة وفاة المرحوم شهابي في «...» ١٤٠٦ و ولادته في ١٣٢١ق في بلدة تربت حيدرية.

«رياض الأبرار» ٣١٥ رقم ١٩١٠ س ٢١، للميرزا محمّدعلي: الصواب للسيّد الخ و قد

تجاوز رقم إجازات فيه لحدّ الآن المائة إجازة ما بين صغيرة و متوسّطة و كبيرة و لاتزال بعون الله تعالى مشغولين بالإضافة إليها دائماً.

«رياض الأبرار في مناقب الكرّار» ص ٣١٦ رقم ١٩١١: أقول انظر (الإمامة) في ج ٢ ص ٣٣١ رقم ١٣٢٠ و ما كتبنا في التكملة.

«رياض الاحزان» ص ٣١٧ رقم ١٩١٦ س ١٠، البرغاني: أقول يأتي له (فردوس العارفين) في موضعه فراجعه.

«رياض الأرواح» ص ٣١٨ رقم ١٩٢٣: قال الشيخ في الكشكول ج ١ ص ٩٩ ما نصّه (من كتاب رياض الأرواح و هو ممّا نظمه الفقير بهاءالدين محمّد العاملي عفى الله عنه) ثمّ نقل إثنى عشر بيتاً بالعربيّة.

«رياض الأشراف» ص ٣١٩: لمحمّد جعفر بن محمّدباقر الشريف السبزواري صاحب كتاب «نوروزية» المذكور في ج ٢٤ ص ٣٨٢ رقم ٢٠٥٥.

«رياض الانشاء» ص ٣٢٠ رقم ١٩٣٣: أقول انظر ترجمة الرجل في [نزهة الخواطر ٣: ١٦٢ ــ ١٦٦ ط الهند] و هناك ولادته نحو سنة ٨١٣ و قتله صبراً سنة ٨٨٦ و كذا في صفحة العنوان من رياض الإنشاء المطبوع فما في المتن من خبط الناشر و لايخفى أنّ الرجل من تلامذة ابن حجر العسقلاني و من أصدقاء عبدالرحمن الجامي و سائر اهل السنة و الجماعة و لم يشر أحد إلى تشيّعه فيما نعلم و يأتي له أيضاً [مناظر الإنشاء ٢٢: ٢٧٨: ٧٠٩٣] و قوله (في ٤٦٠ص) النسخة الموجودة عندنا من طبعة حيدرآباد الدكن المذكورة في المتن و الموصوفة في فهرس المشار مشتملة على مقدّمة بالهندية و الفارسية في ٨٨ص و أصل الكتاب في ٤٠٩ص ثمّ فهرس الأعلام إلى ٤٢٠ ثمّ التصويبات إلى ٤٢٦ و الله العالم. م ع ر ليلة ٩ شهر رمضان ١٤٠٦

«رياض الجنان» ص ٣٢١ رقم ١٩٤٤: أقول نقل عنه الآقا محمّدعلي البهبهاني قدّس الله روحه في مفتاح المجامع ترجمة الفيض الكاشاني مفصّلة و نسخة المفتاح عندنا خلف فذالكه.

«رياض الجنان» ص ٣٢٠ رقم ١٩٤٥: يراجع الروضات ذيل ترجمة الدوريستي.

ص ٣٢٢ س ١، العبسي: العيسي كما في نسخة مخطوطة مجهولة غير مأمونة الغلط من

تأليفات صاحب فضائل السادات فليراجع إن شاء الله.

«رياض الجنة» ص ٣٢٢ قم ١٩٤٨: يراجع تعليقات كتاب اللوامع الإلهيّة للفاضل المقداد بقلم السيّد القاضي الشهيد ره ص ٥٧٤ و كذا كتاب «وحيد بهبهانى ص ٣٠٤» للدواني و كذا «چهل مقاله ص ١٠٤» للنخجواني و كذا ص ٢٤٥ منه و ليراجع أيضاً فهرس أحمد منزوي.

«رياض الحكايات» ص ٢٣٢ رقم ١٩٥٣: انظر ما ذكرناه بهامش (مكاتيب قطب محيي) في (ج ٢٣: ١٣٦: ٥٤١٥).

﴿رياض رضوان﴾ ص ٣٢٥: في زيارات الإمام أبيالحسن علي بن موسى الرضا صلوات الله و سلامه عليهما للمير عبدالباقي الحسيني الخاتون آبادي صاحب «إكمال الأعمال ج ٢ ص ٢٨٢» و «الجامع في أعمال شهر رمضان ج ٥ ص ٢٨». توجد نسخته المورّخة يوم الأربعاء ٢٦ ج ٢ سنة ١١٨٤ المكتوبة في مدرسة كاسه گران بإصفهان عند السيّد المهدوي كما ذكر في كتابه «دانشمندان و بزرگان اصفهان ص ٤٠٥» و «زندگينامه علامه مجلسى ج ١ ص ٣١٣».

«رياض السالكين» ص ٣٢٥ رقم ١٩٦٧: انظر شروح الصحيفة المباركة في موضعها من المجلّد الثالث عشر و منها رياض السالكين هذا (١٣: ٣٥٣ س ٨) و لقد منّ الله سبحانه علينا بعدّة نسخ من هذا الكتاب الجليل.

«رياض الشعراء» ص ٣٢٧ رقم ١٩٧٠: أقول كانت نسخة جيّدة من رياض الشعراء عند ابن خالنا المرحوم الميرزا محمّدباقر الشهير بأُلفت الإصفهاني ره انتقل منه إلى ابنه الحاج ميرزا بهاءالدين فباعها هو في سنة ١٤٠٢ و توفّي بعده في تلك السنة رحمه الله و للشيخ محمّدهادي الأميني فهرس لأسماء شعراء الرياض كما أنّ الأُلفت أيضاً قد كتب فهرسا مبسوطاً وضعها في أوّل نسخته و راجع كتاب چهل مقاله للحاج حسين النخجواني ص ٢٦٤.

«رياض الشهادة و كنوز السعادة في مناقب السادة و مصائب الغرر الميامين القادة» ص ٣٢٨ رقم ١٩٧١: قال المؤلّف في خاتمة المجلّد الثالث منه كما في نسختنا المورّخة سنة ١٢٤٠ بخط اسمعيل ابن محمّدعلي السيجاني الإصفهاني ما نصّه «هذا آخر ما قصدنا إيراده

في المجلّد الثالث من كتاب رياض الشهادة و كنوز السعادة في مناقب السادة و مصائب اولئک الغرّ الميامين القادة قد وقع الفراغ منه في يوم الخميس ثاني عشر شهر شعبان المعظّم من شهور سنة سبع و عشرين و مائتين بعد ألف ١٢٢٧... و كتب بيمناه الدائرة اوتي كتابه بها في الآخرة فقير عفو ربّه الحيّ القيّوم خادم طلبة العلوم محمّدحسن الحاج المعصوم القزويني...» انتهى.

«**رياض العارفين في شرح صحيفة المتقين**» ص ٣٣٠ رقم ١٩٧٨: أقول ذكره مفصّلاً المحدّث النوري في خاتمة مستدركه هامش ص ٥٢٠ و شيخنا السيّد الأمين في [أعيان الشيعة ٤٥ ص ٣٢٥] و راجع فهرسنا الكبير رقم ٤٤٥.

«**رياض العلماء حياض الفضلاء**» ص ٣٣١ رقم ١٩٨١: رأيت في هامش نسخة الأصل من الرياض (ق ٥٧٢ ــ ٥٧٣) بعد ذكر تفسير لغة ما نصّه «حرّره يوسف ظ صاحب تاريخ الملوک صبح ٢٣ رمضان ١٢٦٥ در باغ معتمدالدوله منوچهر خان» انتهى. فيظهر من ذلک وجود النسخة كلاً أم بعضاً في يد هذا الرجل الذي لم أعرفه لحدّ الآن في ذلک التاريخ ملكاً أو عارية و لعلّه يوجد في هوامش ساير أوراقه أيضاً مذكّرات من هذا القبيل.

«**رياض العلماء و حياض الفضلاء**» ص ٣٣١ رقم ١٩٨١ س ١٠: قوله و قد حصل جميع المجلّدات أقول و هذا ادّعاء من شيخنا المصنّف ره نظير كلامه في مصفّى المقال ٢٤١ / ٢٤٠ و الذي تحقّق عندنا بعد الفحص الأكيد أنّ رياض العلماء لم يخرج من السواد إلى البياض إلاّ بعد زمان صاحب الروضات المتوفّى ١٣١٣ قدّس الله روحه حيث تبيّن عظمة الكتاب عند المحدّث النوري بعد ما رأى النقل عنه في الروضات فطلب من صديقه الحاج آقا ميرزا الإصفهاني (و هو الذي قد مرّ ذكره أيضاً في ج ٢ ص ٤٩٩ س ٣) أن يحمل الرياض من إصفهان إلى النجف لاستفادة النوري و لا شکّ أنّ المقدار الموجود من الرياض كانت في مكتبة العلاّمة الكبير الميرزا أبي‌المعالي بن الحاج محمّدابراهيم المجتهد الكرباسي في إصفهان و هو الذي أعارها لصاحب الروضات كما تحقّق ذلک عندنا فاستعارها الحاج آقا ميرزا من الكرباسي بجميع أجزائه و حمل معه إلى النجف فاستنسخ منها النوري مرّتين في مجلّدين ثمّ ردّت الأجزاء إلى الكرباسي و بعد وفاته

انتقلت إلى العلاّمة الحاج ميرزا أبي‌الهدى بن أبي‌المعالي صاحب سماء المقال و بعد وفات أبي‌الهدى في ١٣٥٦ اشتراها مع ساير كتب خزانته الحاج الشيخ أحمد بيان الواعظين الإصفهاني و بعد مدّة باعها هو لعباس إقبال الآشتياني من أساتذة جامعة طهران و بعد فوت إقبال انتقلت خزانة كتبه إلى مكتبة كليّة الآداب (كتابخانه دانشكده ادبيّات طهران) فحصلنا من تلك المكتبة نسخة مصوّرة كاملة من جميع أجزاء الرياض الموجودة هناک بخط مؤلّفه المرحوم و الذي حصل لنا القطع به أنّ هذا المقدار الموجود الآن من الكتاب هو بعينه كان عند العلاّمة الكرباسي من دون زيادة و هو المقدار الذي استفاد من تمامه جدّنا الإمام المجدّد طاب مثواه في الروضات و قد تبيّن لنا أيضاً أنّ مؤلّف الرياض ره قد قسّم في أواخر أيّام حياته ما كان يملكه من الكتب و الآثار بين ولدين له احدهما (ميرزا أحمد) و الآخر (زين‌العابدين) و أنّ هذا المقدار الموجود من الرياض و هو نصف الكتاب تقديراً هو الذي وقع في سهم الميرزا ... و النصف الباقي الذي كان عند الميرزا ... فالمظنون انّه باع جميع ما كان علك من الكتب و الرسائل هو أو ورثته للسيّد الشهيد نصرالله الموسوي الحائري ره فذهب بها إلى النجف الأشرف و تفرقّت خزانة كتبه النفيسة بعد استشهاده سنة «...» في قسطنطنية و اطّلع بعد ذلک العلاّمة الشيخ يوسف البحراني على قطعة من الرياض في بقايا خزانة السيّد نصرالله فنقل عنها في اللؤلؤة و الكشكول و الله العالم.

ص ٣٣١ س ١١، **جميع المجلدات:** أقول هذا كلام باطل تكلّم به شيخنا المصنّف ره عن حدسه وهماً كما انّه ضيّع حقوق جدّنا الإمام المجدّد العلاّمة صاحب الروضات قدّس الله روحه الشريف فإنّه الذي أشار بذكر الرياض و استفاد منه من جميع أجزاء كتابه النفيس.

ص ٣٣١ س ١٢: أقول قال الميرزا محمّدعلي المدرّس الجهاردهي المتوفّى سنة ١٣٣٤ في مفتتح كتابه [شرح الصحيفة السجادية ١: ١] ما لفظه «...»

«رياض العلماء حياض الفضلاء» ص ٣٣١ رقم ١٩٨١: أقول و في مجموعة عباس إقبال أيضاً الجزء الأوّل من القسم الأوّل و تمام هذا الجزء الأوّل بخط أحد مالكي أصل الرياض الحاج ملا أحمد بيان الواعظين الإصفهاني مؤلّف (خلدبرين) استنسخها من كشكول

الشيخ يوسف البحراني فلاتغفل و تملّكها البيان ابتياعاً مع سائر كتب العلاّمة الحاج ميرزا أبي‌الهدى الكرباسي و لعلّ (لسان الواعظين) أيضاً من هذه الجملة.

يظهر من كتاب وقايع الأيّام (مجلّد صيامية ٦٤٤) أنّ مؤلّفه المرحوم الحاج ملا علي الواعظ الخياباني التبريزي رأى جميع الأجزاء الموجودة من رياض العلماء و لعلّه رأها في سفره إلى الإصفهان عند مالكها في تلك الأيّام العلاّمة الجليل الحاج ميرزا أبي‌الهدى الكرباسي و هي كما ذكرناه نسخة الأصل بخط مصنّفه أو أنّ الواعظ أراد بذلک نسخة بيت القاضي في تبريز المستنسخة عن الأصل فإنّه قال «و قد عثرت على أربعة منها مع خاتمة القسم الأوّل و خاتمة القسم الثاني كلتيهما بالتفصيل الوافي» الخ.

ص ٣٣٢ س ١١، نجفي: اشتراهما في حوالي سنة ١٣٥٢ ملک التجّار بوسائط من الألفت بمبلغ ثلثمائة توامين كما حدّثني ره بذلک و هما الآن في مكتبة ملک بطهران رقمي ٣٦٥٤ و ٣٦٥٥ و راجع للأفندي (التحفة الحسينيّة) و (التحفة الفيروزية الشجاعية) في تكملة الذريعة و (لسان الواعظين) و (وثيقة النجاة) في المتن و [الحاشية على المجدي ٦: ١٩١: ١٠٤٦].

ص ٣٣٢ س ١٢، ٥٧٨: الصواب ٥٨٧ و ليراجع حتماً لتفصيل أحواله ره.

«رياض المحبّين» ص ٣٣٥ رقم ١٩٩٤: مرّ ذكره في رياض العارفين أيضاً و لكن هذا ليس للهدايت صاحب رياض العارفين الذي اسم ابيه محمّدهادي و هذا صاحب رياض المحبّين اسم أبيه محمّدقلي كما تراهما في الموضعين و قد اشتبه الأمر على المصنّف كما اشتبه على المشار بل أشدّ من هذا و أمّا رياض المحبّين فنسخته عند الحاج ملاّ عباس تاجير رياحي و نبّهني على هذا الخطأ في ١٥ ع ١ سنة ١٣٨٩ و أمّا مظاهر الأنوار فهو للهدايت و ليس لصاحب رياض المحبّين هذا.

«رياض المؤمنين في أحوال المعصومين» ص ٣٣٨ رقم ٢٠٠٩: انظر «رسالة في صلوة الجمعة ٧٥: ٦٣: ٤٣٩».

ص ٣٤٦: صحّح تمامه في المتن و الحمد لله في ١٤ محرم ١٤٠٥ م‌ع‌ر عفي عنه.
صحّحت بهذا اللون الأزرق للامتياز.

الجزء الثاني عشر

«الزائرية» ص ١ رقم ١: عندنا نسخة كتبت في زمان المؤلّف و لكن فُقدت من آخرها كرّاسة و لمّا كان تأليف الكتاب بالفارسيّة فلذا سمّاه المؤلّف نفسه «زائرية» بدون لام التعريف.

«الزائرية» ص ١ رقم ١ س ٥، الموجود منه: أي من كتاب ترجمة الاعتقادات.

«زاد المسافر» ص ٨ رقم ٤٣: زاد المسافر هذا ذكره السيّد عبدالله الجزائري في [تذييل السلافة] الموجود نسخته الوحيدة عندنا بخط ولده السيّد بهاءالدين محمّد في ضمن ترجمة المؤلّف الشيخ فتح الله و غيرها و ذكر إجادته أيضاً.

«زاد المسافرين» ص ٩ رقم ٤٩: أقول انظر «ذريّة المصطفى ١٠: ٢٥: ١٢٦» و التكملة.

«زبدة الاصول» ص ١٩ رقم ١١٥: أقول الصواب في العبارة المنقولة (يبتني) مكان (يبني) و (ينتمي) مكان (يمن) و (تنزّه) مكان (يتزه). ثمّ اعلم أنّ عندنا نسخة من «شرح زبدة الأُصول ١٣: ٣٠٠: ١٠٩٩» تاريخ كتابتها سنة ١٢١٧ كما ذكرناها هناک و قد أثبت كاتب تلک النسخة على ظهرها بيتين لبعضهم في تاريخ تصنيف الزبدة بهذه الصورة «خورشيد محقّقين برأى صائب، بر اوج سپهر فضل مهر ثاقب ـــ چون زبده نوشت سال تاريخ آمد: منسوخ كن اصول ابن حاجب» انتهى و هذا المصراع الأخير يساوي ١٠٢٠ و هو ينافي ما نقلناه بهامش «حاشية الزبدة ٦: ١٠٣: ٥٥٥» فلاحظ و تأمّل فيما نقله شيخنا المصنّف ره من تاريخ كتابة نسخة الرحل التوي سركاني.

«زبدة الأنساب» ص ٢٠ رقم ١٢٣: نسخة من ديوان السيّد جعفر الصافي توجد في مكتبة فرّخ بمشهد الرضا عليه‌السلام كما في نشريّة كتابخانه مركزى دانشگاه تهران ج ٣ ص ٩٠. و ليراجع في الذريعة و في فهرس ملک ج ٢ ص ٣٠٥ و يراجع (زبور آل داود) في ص ٣٦ و في فهرس دانش‌پژوه لمخطوطات مكتبة جامعة إصفهان المركزيّة انّ نسخته من زبدة الأنساب هذه أيضاً موجودة في تلک المكتبة كما في نشريّة كتابخانه مركزى دانشگاه تهران ج ١١ و ١٢ ص ٩٠٠ و لكنّه خطأ محض نشأ من عدم التأمل فنسخة إصفهان من الزبدة كتاب آخر مشابه لبحر الأنساب المهمل المختلق الفارسي المطبوع في طهران و بمبئي فلاتغفل و هو مجهول المؤلّف و ليراجع نقباء البشر ص ٨٢٥ تعليقة الرقم ١٣٣٢.

«زبدة البيان في براهين احكام القرآن و تفسير آيات احكام القرآن» ص ٢١ رقم ١٢٦: أقول و بالله التوفيق عندنا نسخة خطّية لهذا الكتاب القيّم جدّاً «...» و أصل الكتاب له مكان رفيع و موضع قدير و مقام جليل بين جميع الكتب الشرعيّة الفقهيّة التفسيريّة و من مزاياه انّه يتعرّض فيه المصنّف طاب مضجعه لنقل آراء كثير من المفسّرين و غيرهم و له عناية تامّة بأقوال الزمخشري في كشّافه و القاضي البيضاوي في أنواره و ربّما يردّ عليهما بأدلّة قوية و براهين ساطعة قويمة يلزم للناظر في ذينک التفسيرين المراجعة إلى كلمات المحقّق الأردبيلي في كتابه حول كلمات الرجلين و هذا أمر مهمّ جدّاً كما أنّ له فيه أيضاً آراء فقهيّة رفيعة في كافّة أبواب الفقه و بالجملة الكتاب كنز ثمين و أثر ممتاز بين ساير ما شاكله من الكتب المؤلّفة حول آيات الأحكام و المذكورة أكثرها في (ج ١: ٤٠ ــ ٤٤). و السلام حرر في شهر شوال ١٤٠٧

﴿زبدة التواريخ﴾ ص ٢٣: لمحمّد محسن المستوفي نقل عنه المدرّس الرضوي في تعليقاته على (مجمل التواريخ لگلستانه) بعض وقايع أواخر الصوفيّة و قال نسخته في الرضوية رقم ٤٢٤ من وقف الميرزا رضا خان النائيني و راجع لمعرفة المؤلّف و المؤلّف و نسخه «فهرست نسخه‌هاى خطى فارسى ٦: ٤١٧٣».

«زبدة الحقائق في كشف الدقائق» ص ٢٤: راجع ما ذكرناه بهامش اللوايح في (ج ١٨ ٣٧٢: ٥١٠).

﴿زبدة الدعوات و الآداب﴾ ص ٢٧: لصاحب كتاب (كشكول اللغة) و (أُمّ الحقايق في كشف الدقايق) و (ترجمة رياض السالكين) قال في الكشكول في (زبد) ما لفظه «و كتاب زبدة الدعوات و الآداب لمصنّف هذا الكتاب، و زبدة التصانيف لحيدر بن محمّد الخوانساري» انتهى و ذكره في مادة (راس) أيضاً.

«زبدة الرجال» ص ٢٧ رقم ١٥٣: أقول المطالب المذكورة في هذا المقام جلّها مأخوذ من الروضات ص ٢٦٣ قال الجدّ المجدّد طاب مثواه «كتاب زبدة الرجال و هو جيّد في بابه بنيف على سبعة آلاف بيت و عندنا منه نسخة و يزيد على تحقيقاته اشتباهاته» الخ و توجد نسخة أصل الزبدة بخط مؤلّفه في سنة ١٠١٣ في مكتبة ملك التجّار بطهران و فيها أيضاً نسخة جيّدة اُخرى منها كما أنّ في مكتبة مجلس سنا بطهران أيضاً نسخة لعلّها بخط المؤلّف فرغ من كتابتها في ١٣ شهر رجب ١٠١٦ راجع فهرس سنا ج ٢ ص ٢٤٣ و فهرس ملك ج ١ ص ٣٥٧ و مصفّى المقال ص ١٦٥ و راجع ما ذكرناه في التكملة حول منتهى المقال ٢٣: ١٣: ٧٨٤٥ و راجع دانشمندان مهدوي ص ٣١٠ و توجد مصوّرة النسخة الأُولى في المرعشية بقم كما في فهرس مصوّراتها ١: ٢٤٢.

﴿زبدة العرفان في تفسير قصص القرآن﴾ ص ٣٠: كتاب جليل لمولانا محمود (أو محمّد) و الترديد منّي الطبسي رأيت نسخته عند السيّد عباس الدهكردي المشهور بصفي في شهر رمضان ١٣٩١.

«زبدة النصرة و نخبة العصرة» ص ٣٤ رقم ١٩٥: أقول انظر (نصرة الفترة ٢٤: ١٧٦: ٩١٦) و (نفثة المصدور ٢٤: ٢٤٤: ١٢٦٩) و ما ذكره المصنّف هنا هو الصواب الذي لا مرية فيه دون ما ذكره في ذيل عنوان النفثة و في ثقاته ص ٢٨ فلايغفل و قد نقل الزبدة المذكورة الأُستاذ محمّدحسين جليلي إلى الفارسية على علاّته و طبع بطهران سنة ١٣٥٦ش مع فهارس في ٣٨٦ص و لها مقدّمة أيضاً. م‌ع‌ر في ١٤ قع ١٤١٢

أقول البنداري هذا و العماد الإصبهانيّين لم يكونا من الشيعة الإماميّة و أمّا أنوشيروان بن خالد فهو شيعيّ كما بيّناه في موضعه و البنداري مذكور في الأعلام للزركلي نقلا عن مجلّة العرفان ٣٢: ٥٠ و في مقدّمة الجليلي للزبدة قالوا ولد في ٥٨٦ و مات ٦٤٣.

«**زبور آل داود**» ص ٣٦ رقم ٢٠٥: أقول يراجع «فهرست نسخه‌هاى خطى فارسى ج ٦ ص ٤٣٣٥».

«**زبور آل محمّد ص**» ص ٢٦: أقول انظر «الصحيفة السجّادية ١٥: ١٨: ٩٥» و قال الميرزا محمّدعلي المدرّس الجهاردهي المتوفّى ١٣٣٤ في مفتتح «شرح الصحيفة ١: ٣» ما لفظه «بدانكه بودن صحيفه از حضرت امام الساجدين عليه الصلوة و السلام از واضحات و لائحات است، خدشه‌اى در سند او نيست حتّى آنكه «غزالى» گويد كه آن صحيفه زبور آل محمّد صلّى الله عليه و آله است» انتهى كلامه.

﴿**زجر النفس**﴾ ص ٣٨: قال السيّد علاءالدين گلستانه الإصفهاني في كتابه شرح الأسماء الحسنى المسمّى «التحفة السلطانية و الهدية الحسينيّة» في خلال شرح اسمه تعالى المؤمن ما لفظه [لمّا كانت الرسالة الموسومة بزجر النفس المنسوبة إلى هرمس الهرامسة أعني إدريس النبيّ على نبيّنا و عليه‌السلام من أتمّ ما قيل في زجر النفس و الجهاد معها أحببت أن أذكرها بألفاظها تيمّناً بها و هي ثلثة عشر فصلاً هكذا الأوّل يا نفس تصوري و تمثلي ما أنا مورده] ثمّ أورد الرسالة بتمامها في قريب من ١٥ صفحة من كتابه المطبوع.

«**زندگانى سيّد جمال افغاني**» ص ٥٢ رقم ٣٦٤: انظر «خاطرات السيّد ٧: ١٣٣: ٧٢٣» و المواضع المذكورة هناك.

«**زندگانى ملک المتكلمين**» ص ٥٦ رقم ٤١٠: أقول هو بلا شک من كتب الضلال كتأليفه الآخر «تاريخ انقلاب مشروطيت ايران» المطبوع في عدّة مجلّدات.

﴿**زوائد عمدة الطالب**﴾ ص ٥٩: من مآخذ [جوهرة البيان ٥: ٢٩٢: ١٣٦٨] و عنونه صاحب «منية الراغبين ٤٩» و لا شکّ أنّه آخذ عن الذريعة فحسب.

«**زن و آزادى**» ص ٥٩ رقم ٤٤٣: أقول مرّ الردّ عليه [جواب رسالة زن و آزادى ٥: ١٨٠: ٧٨٦].

«**الزوارف في شرح عوارف المعارف**» ص ٦١ رقم ٤٥١: راجع عوارف المعارف ١٥: ٣٥٥ ذيل ٢٢٧٥» و «مصباح الهداية ٢١: ١٢٣: ٤٢٣٧» و كلّها للمتصوّفة الضالّة و الله العاصم.

ص ٦٢ س ٨، **فيض:** / فضل. صح

ص ٦٢ س ٢١، **شمع اليقين:** الصواب «شمع يقين» بلا لام.

«الزوراء» ص ٦٣ رقم ٤٥٨، ٩٠٧: أقول قد مرّ ذكر وفاته في ج ٤ ص ٤٤٣ و يأتي في ج ١٣ ص ٣٠٢ و أنّه سنة ٩٠٨ و كذا ذكره الشيخ علي دواني في كتابه المعدّ لترجمة الداوني ص ١٩٥.

«الزهرات الزوية في الروضة البهية» ص ٦٧ رقم ٤٨٥: أقول توجد نسخة من المجلّد الأوّل منه بخط محمّدمقيم بن محمّدباقر الإصفهاني فرغ منها في ضحى الخميس ٢٨ ج ١ سنة ١٠٨٢ معها الرسالة المستقلّة المذكورة في المتن و النسخة في خزانة الآستانة بقم (فهرس ١٨٥ و «...» و قد رزقنا الله سبحانه بلطفه العميم نسخة كاملة من زهرات جدّنا المرحوم.

«زهر الحديقة» ص ٦٨ رقم ٤٨٦: يراجع لزماً «نهج صفى» في ج ٢٤ رقم ٢٢٠٠ و ما كتبناه في التعليقة.

«زهر الرياض و زلال الحياض» ص ٧٠ رقم ٤٩١: يراجع فهرس مصورات المرعشية بقم ١: ٢٣٠ ـ ٢٣٢ فهناک وصف نسخة المجلّد الأوّل في ٢٦٨ ورقة عن نسخة مكتبة بوهار في كلكتة من الألف إلى الظاء و وصف نسخة المجلّد الثالث في ٢٣٣ ورقة عن نسخة آستانة الرضوية بمشهد من حرف الميم إلى آخر الكتاب و راجع إحياء الداثر ص ٥٢ و الروضة النضرة ص ١٤٤.

«زهر الرياض» ص ٧١ رقم ٤٩٥: أقول مرّ ذكره إجمالاً [الرسالة العلمية ١١: ٢١٦: ١٣٠٤] و من طرائف الكلام في حقّ صاحب الرياض و رسالته ما وجدناه في كلام المحقّق القمي المعاصر للسيّد طاب ثراهما و ذلک في المسائل المتفرّقة من كتابه [جامع الشتات: ٧٨٢] فقال ما لفظه من السؤال و الجواب [سؤال: ميرزا سيّد على ساكن كربلا را مجتهد عادل مى‌دانند كه كتاب او در اينجا هست بآن عمل شود؟ جواب: بلى عمل بكتاب ايشان جايز است هرگاه كسى جزم بمراد ايشان داشته باشد اما هرگاه باجتهاد خود ظنى حاصل كنى كه مراد چه چيز است پس آن مشكل است و معلوم نيست كه اين بهتر از تقليد ميت باشد يعنى در مسئله‌اى كه جزم به رأى ميّت در آن داشته باشى و الله اعلم بالصواب] انتهى.

أقول و توجد نسخة اُخرى من زهر الرياض للشيخ أبيعلي الرحالي في المركزيّة بجامعة طهران في ٨٤ ورقة كما في فهرسها ج ١٦ ص ٧١. و نسخة اُخرى ضمن مجموعة في مكتبة آستانه عبدالعظيم الحسني عليه‌السلام كما في فهرسها [نشريه مركزى ٣: ٤٤٩].

ص ٧٣ س ١٨، **بانوي عظمى**: انظر ترجمتها في مكارم الآثار ج ٦ ص ٢٠٥١.

ص ٧٤ س ٢١، «**انساب الطالبية**»: راجع ج ٢: ٣٧٦: ١٥١٣ و ما علّقناه عليها.

ص ٧٤ س ٢٤، «**بهجة الأنوار**»: انظر البهجة في (ج ٣ رقم ٥٦٦).

«**الزيادات**» ص ٧٦: أقول انظر لزاماً ما يأتي بعنوان [النوادر ٢٤: ٣١٥ فما بعدها] من التكملة.

﴿**الزيارات**﴾ للنبيّ و الأئمّة الطاهرين سلام الله عليهم أجمعين ص ٧٧: يأتي باسمه [الهادية ٢٥: ١٥٥: ٢٦].

«**زيارات اولاد الأئمة و العلماء**» ص ٧٧ رقم ٥٣٠: انظر رقم ٥٣٧.

«**الزيادات و الفضائل**» ص ٧٨ رقم ٥٣٤، كما يأتي: في ج ٢٠ ص ٣١٦ رقم ٣١٧٧ قال الشيخ بهاءالدين العاملي المتوفّى ١٠٣٠ في كتاب الكشكول ج ١ ص ١٢٦ ما لفظه «ممّا نقله جدّي رحمه الله من خطّ السيّد الجليل الطاهر ذي المناقب و المفاخر السيّد رضيالدين علي بن طاوس قدّس الله روحه من الجزء الثامن (أو الثاني) في كذا كتاب الزيارات لمحمّد بن أحمد داود القمي ره انّ أباحمزة الثمالي قال للصادق عليه‌السلام أنّي رأيت أصحابنا يأخذون من طين قبر الحسين يستشفون به» إلى آخره فراجعه. و قال السيّد في الفصل ١٨ من كتاب الدروع الواقية ما نصّه [و أمّا حديث من كان يزوره في كلّ شهر و تأخّر فعوقب على تأخّره فقد ذكر محمّد بن أحمد بن داود في كتاب الزيارات باسناده] الخ.

«**رسالة في زيارة أولاد الأئمة و السادات و العلماء**» ص ٧٨ رقم ٥٣٧: انظر رقم ٥٣٠.

﴿**رسالة في فائدة زيارة القبور**﴾ ص ٧٩: لرشيدالدين فضل‌الله الطبيب الهمداني بالفارسيّة كتبها في جواب سؤال (مولانا المعظّم ملك الحكماء و المشايخ علاّمة العالم يگانه دستور ايران جمال الملّة و الدين ابن مطهّر الحلّي كه بر سرآمده عصر است و

ملازم درگاه اعلی) انظر كتاب «تاريخ نائين ج ١ ص ٢١» للسيّد عبدالحجة البلاغي ط طهران ١٣٦٩ قال إنّ النسخة عنده و هي مهمّة جدّاً و انظر ترجمة فضل الله في الحقائق الراهنة ص ١٦٠.

«رسالة في زيارة عاشوراء و كيفيّتها» ص ٧٩ رقم ٥٤٦: **أقول** انظر الفائدة حول عدد اللعن و السلام الواردة في زيارة عاشورا في ذيل [الصدف المشحون ١٥: ٢٩: ١٥٩] و للزيارة الشريفة شروح عديدة مذكورة في موضعها من الشين و غيرها.

«الزيج» ص ٨٠: للرصد و الزيج كتاب زنبيل ص ٢٩٧.

﴿زينب الكبرى﴾ ص ٩٠: يراجع «حياة زينب الكبرى ٧: ١١٩».

«كتاب الزينة» ص ٩٠ رقم ٥٩٦: قال الزركلي في الأعلام إنّ الزينة (خ) في فقه اللغة و المصطلحات يقع في خمسة مجلّدات طبع منه جزآن. و ذكر أنّ الرجل هو أحمد بن حمدان بن أحمد أنور سامي الليثي أبوحاتم الرازي من زعماء الإسماعيلية و كتاهم و أنّ له تصانيف منها الإصلاح و أعلام النبوّة و قد نشر جزء من هذا الأخير في مذهب الإسماعيلية و له الجامع في الفقه و ذكر وفاة الرجل في ٣٢٢ و أنّ ابن حجر قال في لسان الميزان «ذكره ابن بابويه في تاريخ الري و قال كان من أهل الفضل و الأدب و المعرفة باللغة و سمع الحديث كثيراً و له تصانيف ثمّ أظهر القول بالإلحاد و صار من دعاة الإسماعيلية و أضلّ جماعة من الأكابر» انتهى كلام ابن حجر من الزركلي و يا ليت القائل ذكر واحداً من هؤلاء الجماعة من الأكابر الضالّة حتّى يتبيّن الأمر و الله وليّ الضمائر و عندنا من كتاب الزينة هذا نسخة ممتازة ثمّ إنّ وفاة شيخنا الصدوق أبوجعفر محمّد بن علي بن بابويه القمي نوّر الله ضريحه في عام ٣٨١ و قد مرّ أنّ أباحاتم توفّى ٣٢٢ فالصدوق أدرک الرجل في أواخر حياته و الرجل في الحقيقة معاصر لوالد الصدوق المتوفّى ٣٢٩ و انظر ردّه على محمّد بن زكريا في ج ١١: ٢٢٣: ٦٥٨.

«زينة الاعياد» ص ٩١ رقم ٥٩٨، **«دارالسلام»**: (ج ١ ص ٢٠٨) نقل عن الزينة مناماً في فضيلة الصلوات.

﴿زينة الإنشاء﴾ ص ٩١: راجع ص ٢٤١ س ١٢.

«زينة التواريخ» ص ٩١ رقم ٦٠٠: **أقول** و زينة التواريخ هذا من جملة مصادر لسان

السلطنة عبدالحسين في كتابه «خلاصة الأعصار في تاريخ البختيار» كما ذكره في ص ٣ في عداد مصادره و قال إنّها لميرزا رضي خوشنويس و توجد عدّة نسخ من زينة التواريخ في مكتبة مجلس الشورى بطهران يراجع فهرسها ج ٣١ ص ١١١ ــ ١١٨ و ليراجع فهرس أحمد منزوي.

«**زينة العباد الصغرى**» ص ٩٣ رقم ٦١٢: **أقول** انظر [مختصر زينة العباد ٢٠: ١٩٧: ٢٥٥٤].

«**سالار نامه**» ص ١١٩ رقم ٨٠٧: **أقول** راجع (تاريخ رجال ايران ج ٢: ٢٥٧) في آخر ترجمة عبدالحسين الكرماني.

﴿**السامي في الأسامي**﴾ ص ١٢٤: انظر [منتخب السامي في الأسامي ٢٢: ٥و ٧٦٥٤].

﴿**سبع البيان**﴾ ص ١٢٨: للمولى حسن الخطيب القاري المشهدي صاحب (مطالع الأسرار) الآتي في موضعه و النسختان عندنا.

«**السبع العلويات**» ص ١٢٩ رقم ٨٨١: **أقول** انظر ما كتبناه في «التكملة ١٤: ١٣١».

«**السبع المثاني**» ص ١٢٩رقم ٨٨٣: **أقول** مرّ السبع هذا بعنوان «بحرالأسرار ٣: ٢٩: ٥٠» و يأتي أيضاً «مثنوي بحر الأسرار ١٩: ١٢٥ س ٣».

«**السبع المثاني**» ص ١٢٩ رقم ٨٨٤ س ٢٠، **و المجلّد الأوّل بخط المصنّف أيضاً عند السيّد محمّدعلي الروضاتي**: **أقول** الصواب المجلّد الثاني بالوصف دون الأوّل انظر فهرسنا الكبير رقم ٤٥٧.

«**سبعه كاشفي**» ص ١٣١ رقم ١٨٩٧، **و رأيته**: **قائل** رأيت هنا المنزوي ولد المصنّف و العنوان بتمامه له لا للمصنّف.

«**سبک الذهب في شبک النسب**» ص ١٣٢ رقم ٩٠٣: يراجع الذريعة ج ١٥ ص ٣٣٨ و ما بعدها و جاء في (فهرس المخطوطات المصوّرة ــ التاريخ ــ القسم ٤ ص ٢٢٧) أنّ في معهد المخطوطات بالقاهرة مصوّرة عن نسخة من «سبک الذهب في علم النسب» موجودة في «جامعة الحكمة ببغداد ١٤١» و ورد اسم المؤلّف على النسخة هكذا «لابن عنبة أحمد بن علي بن الحسين الحسني المتوفّى سنة ٨٢٨» و لكن الصحيح أنّ سبک الذهب في شبک النسب لتاج الدين بن معية. ثمّ ذكر المفهرس أنّ النسخة أوّلها ناقص و

أوّل الموجود منه «و قد كان رحل إلى... بالشام فأخذ منه عهداً و ذماماً على دخول بلاده» في ذكر قصيّ بن كلاب سيّد قريش و انّ آخرها «فلنقطع الكلام حامداً لله رب العالمين...» و انّ النسخة بخط نسخي و بها آثار رطوبة و تقع في ٨٤ ورقة و مسطرتها ١٨ سطراً (انتهى ما في الفهرس) أقول لايخفى أنّ خاتمة هذا الكتاب كما نقلنا بعينها خاتمة كتاب آخر توجد مصوّرة نسخته الموجودة في (دارالكتب المصرية ٣٩ تاريخ) بمعهد المخطوطات أيضاً و ذكره المفهرس المذكور في ٦٠ من الفهرس السابق ذكره بهذا العنوان الآتي قال «بحر الأنساب لكمال‌الدين أحمد بن علي المعروف بابن عنبة المتوفّى سنة ٨٢٨... أوّله «الحمد لله الذي خصّ نبيّه محمّداً المصطفى بخير البيوت... هذا أتمّ الله نعمه عليک... ما سألتنيه في املاء مختصر في أنساب بني هاشم الكرام» و آخره «و إذ وفّق الله سبحانه لإتمام هذا المختصر حسبما وعدناه فلنقطع الكلام حامدين لله رب العالمين...» نسخة كتبت بخط تعليق و عليها خط العلاّمة الزبيدي في ١٣٧ ورقة و مسطرتها ١٣ سطراً» انتهى كلام مفهرس المعهد و هذه النسخة المعروفة ببحر الأنساب هي المذكورة أوّلاً في (فهرس المكتبة الخديوية) و عنه في الذريعة ج ٣ ص ٣٢ و مقدّمة عمدة الطالب ص ١١ ط النجف بقلم العلاّمة السيّد محمّدصادق الطباطبائي آل بحرالعلوم و كذا في (تاريخ آداب اللغة العربية ج ٣ ص ١٩٨ ط دارالهلال بمصر) و كذا المحدّث القمي في الكنى و الألقاب و كذا تاريخ بروكلمن و ملحقه رزقنا الله سبحانه العثور على النسختين ان شاء الله تعالى و ليراجع ما علّقنا على نسختنا من كتاب نشوة السلافة - مقدّمة السيّد العلاّمة الطباطبائي رحمه الله ص ٥١. حرّره الأقلّ سيّد محمّدعلي روضاتي عفي عنه في النصف من ليلة الثلثا و العشرين من ذي‌القعده ١٤٠٠ حامداً مصلّياً تمّ.

ثمّ أقول رزقنا الله سبحانه مصوّرة نسخة بحر الأنساب المشتملة على خط الزبيدي الموصوفة فلاحظ «بحر الأنساب ٣: ٣٢: ٥٧» و نزيد هنا أنّ النسخ الثلاث ١ـ نسخة الخديوية بدارالكتب المصرية و ٢ـ نسخة جامعة الحكمة ببغداد رقم ١٤١ و ٣ـ نسخة بيت صاحب كشف الحجب و الأستار و كذا ما عرفه شيخنا المصنّف كلّها كتاب واحد لصاحب عمدة الطالب و عرف في طرّة نسخة الخديويّة «بحر الأنساب» و في

ساير ما ذكر من النسخ «سبک الذهب في علم النسب» لا «في شبک النسب» الذي هو [...] و السلام.

ص ١٣٢ س ٢٥، **بحير النبوة**: كذا في «كشف الحجب و الأستار» و عنه في «مرآة الكتب» و الصواب «بحير البيوت» كما هو كذلک في نسخة دارالكتب المصرية باسم «بحر الأنساب».

«**السبيكة اللجينية**» ص ١٣٥ رقم ٩١٧: لايخفى أنّ موضع ذكر هذا الكتاب في ص ١٣٧ بعد رقم ٩٢٤ قدّمت في الطبع خطأ.

ص ١٣٧: «السبيكة اللجينية» تقدّمت خطأ في ص ١٣٥.

﴿**سبيل الجنان**﴾ ص ١٣٨: رسالة عملية مطبوعة، للميرزا أحمد العاملي الآراني الكاشاني المتوفّى سنة ١٣٦٩ بقرية آران، كما في رسالة امامزادگان معتبر ص ٣٦ للسيّد عزيز الله امامت.

﴿**سبيل الرشاد**﴾ ص ١٣٨: كذا في عنوان أوّل صفحة من الكتاب المطبوع و هو خطأ من الكاتب و الصواب سُبل الرشاد لمؤلفه العلاّمة السيّد أبي‌تراب كما مرّ في ص ١٣٣.

«**سبيل النجاة في المواعظ المروية عن الهداة**» ص ١٤١ رقم ٩٥٣: مرّ له «تذكرة المصائب ٤: ٤٨: ١٩٠» و ليراجع «مكارم الآثار ٧ رقم ١٦٢٤» قوله «و فرغ منه ١٢٧٥» أقول الذي في «فهرس الرضوية ٥: ٩٨ ــ ٩٩» انّ تاريخ تحرير تلک النسخة جمادي الأولى ١٢٨٥ و ذكر مؤلّف الفهرس أنّ المؤلّف مات في تلک السنة مستفاداً ممّا في ابتداء النسخة و اختتامها.

«**سجاوندي**» ص ١٤٥ رقم ٩٨١: يراجع ج ٢٥ ص ١٣٨.

«**سخنرانيهاى راشد**» ص ١٥٢ رقم ١٠٢٢: أقول ذكر شيخنا المصنّف ره ترجمة الراشد هذا في «نقباء البشر «...»

«**سداد العباد و رشاد العباد**» ص ١٥٢ رقم ١٠٩٢: أقول انظر ما ذكرناه في «محاسن الاعتقاد ٢٠: ١٢٥: ٢٢٢٦».

«**سد سكندر**» ص ١٥٣ رقم ١٠٣٠: ذكرناه في ٩: ٧٩.

«سدرة المنتهى» ص ١٥٣ رقم ١٠٣٣: يراجع مقدمة كتاب «لطائف غيبية ص پنج».

«سدرة المنتهى و العطية العظمى» ص ١٥٤ رقم ١٠٣٦: أقول طبع كتاب السدرة هذا و هو من جلائل الآثار سنة ١٤٠٠ في قم في أزيد من سبعمائة صفحة و هو بعد يحتاج إلى طبعة محقّقة ثمّ اعلم أنّ المادتين الأولى و الثانية صحيحة و لكن الثالثة تنقص ثلثين و تكمل باضافة لام في أوّلها أي لربّ الأنهار و الأشجار و في المطبوعة خطأ ربّ الأنهار و الأشجار و يأتي للمصنّف [مناهج الشارعين ٢٢: ٣٤٦: ٧٣٧٦].

«سديد الافهام في شرح قواعد الاحكام» ص ١٥٤ رقم ١٠٣٨: أقول انظر ما يأتي في [الوسيلة إلى المسائل الضئيلة من القواعد ٢٥: ٧٥: ٤٠٧] و راجع كتابنا [شرح روضات الجنّات ١: ١٦٠].

«السرائر الحاوي لتحرير الفتوى» ص ١٥٥ رقم ١٠٤١: قال جدّنا الشهيد الثاني قدّس لطيفه في [رسالة الحبوة: ٢٣٢ ط ١٣١٣ في مجموعة رسائله] نقلاً عن سرائر ابن إدريس في جملة كلام له ما نصّه [قال و فتاويهم في عصرنا هذا و هو سنة ٥٨٨ عليه بغير خلاف بينهم] انتهى أقول و في كلام شيخنا المصنّف ره في المتن اضطراب و الظاهر وقوع التحريف حين الطبع و انظر لتصحيحها (الثقات العيون ٢٩٠) مع انّه وقع لناشره هناك أيضاً خطأ فاضح و هو ظنّه التعدّد في (السرائر) و (الحاوي لتحرير الفتاوى) و كرّر هذا الخطاء في ص ٣٤٩ من الثقات أيضاً و الله العاصم.

﴿سراج الظلمة﴾ ص ١٥٨: في طبّ الأئمة للحسن بن بسطام بن شاپور الزيات قال عبدالعزيز الجواهري في (دائرة المعارف ٨: ١٧٥) إنّ نسخته في مكتبة ملك بطهران.

ص ١٦٠ س ٨، **آقا ميرزا**: آقا ميرزا خطاء آقا منير صواب (معلّم) ره.

«سراج المحتاج في السير و السلوك بلا اعوجاج» ص ١٦١ رقم ١٠٧٩: جدّد طبعه بالتصوير خلف «ديوان وفائي» بنفقة «كتابفروشي صافي اهواز ١٣٥١ش» و في المقدّمة شيءٌ من ترجمة الرجل و أنّ وفاته في شهر رجب ١٣٠٣ في النجف الأشرف مخطّئاً ١٣٠٤ و يأتي شهابه في موضعه.

«سراج المضلين» ص ١٦١ رقم ١٠٨٠: الظاهر أنّ الصواب (المصلّين) فإنّه لا سراج للمظلّين.

ص ١٦٤ س ٨، **١٢٩٥**: الصواب ١٢٦٥ كما في ترجمة المجاز في [النقباء ٣٢١].

«**السرّ الأكبر في تفسير سورة الفجر**» ص ١٦٥ رقم ١١٠٤: في «مؤلّفين مشار ٣: ١٠٦» أنّ «سرّ اكبر در تفسير سوره فجر» للسيّد رجبعلي خان بهادر الحسني الحسيني النقوي البهكري الدهلوي اللاهوري طبع بلاهور سنة ١٢٦٧ على الحجر.

«**سر انساب العلويين**» ص ١٦٦ رقم ١١٠٧: يراجع (نسب الطالبيّن) ج ٢٤ ص ٣٩ و رسالة في أنساب الطالبيّن ج ١١ ص ١١٩.

ص ١٦٦ س ٢، **ابي‌بصير**: كذا في الصفحة الآتية س ٢٤ و الظاهر أنّ الصواب (أبي‌نصر). صح ظ

«**سرّ الحياة**» ص ١٦٧ رقم ١١١٢: أقول و قال في [المروج ٤: ١٩٩ ط مصر ١٣٧٧] ما نصّه: [و في سنة ستّين و مائتين قبض أبومحمّد الحسن بن علي بن محمّد بن علي بن موسى بن جعفر بن محمّد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي‌طالب عليهم‌السلام في خلافة المعتمد و هو ابن تسع و عشرين سنة و هو أبوالمهدي المنتظر الإمام الثاني عشر عند القطيعة من الإماميّة و هم جمهور الشيعة و قد تنازع هؤلاء في المنتظر من آل النبيّ صلّى الله عليه (و آله) و سلّم بعد وفاة الحسن بن علي و افترقوا على عشرين فرقة و قد ذكرنا حِجاج كلّ طائفة منهم لّما احتبته لنفسها و اختارته لمذهبها في كتابنا المترجم بسرّ الحياة و في كتاب المقالات في اُصول الديانات و ما ذهبوا إليه من الغيبة و غير ذلك] انتهى كلام المسعودي و في ذكره [عليه‌السلام] بعد اسم أبي‌طالب عليه‌السلام دلالة واضحة على مذهبه علاوةً على سائر الأدلّة و لكن الذهبي الناصب قال في حقّه إنّه كان معتزليّاً كما في كتاب [الأعلام ٤: ٢٧٧] مع انّه وصف أباالفرج صاحب الأغاني بقوله [و العَجب انّه أموي شيعي] كما نقله الزركلي أيضاً في الصفحة بعدها و أمّا الناصب الشقيّ صاحب [العَواصم من القواصم ٢٤٩] فقد عبّر عن المسعودي بقوله [و أمّا المبتدع المحتال فالمسعودي] إلى آخر ما اجترح آثماً عامله الله تعالى بما يستحقّه.

«**سر السلسلة العلوية**» ص ١٦٧ رقم ١١١٦: يراجع ص ١٦٦ س ٢.

«**سر الصلاة**» ص ١٦٨ رقم ١١١٧، روح: + الله.

«**سر الصلاة**» ص ١٦٨ رقم ١١١٧ س ٣، **١٣١٠**: ١٣٢٠ كما في النقباء.

«سرّ العالمين» ص ١٦٨ رقم ١١٢٠: أقول و لسيّد مشايخنا كلام ظريف حول هذا الكتاب في «أعيان الشيعة ج ١ ق ١ ص ١٦٨ ط ٣» فليراجع و انظر أيضاً (غزالی نامه... و (النص الجليّ ص ٥٠ / ٥١) للبروجردي.

«السرّ المكتوم في مخاطبة النجوم» ص ١٧٠ رقم ١١٣٢: طبع هذا الكتاب باسم سرّ المكتوم في أسرار النحوم باهتمام الميرزا محمّد ملک الكتاب الشيرازي الساكن في بمبئي و نسخة منه موجودة عندي و في آخرها ما لفظه في ص ١٦٤ «تمّت بالخير في المطبع الحجرية القاهرة» انتهى.

يراجع كتاب (فخرالدين الرازي) لمحمّدصالح الزركان.

«سرمايه ايمان» ص ١٧٢ رقم ١١٤٧ س ١١، توفّي بقم **١٠٥١**: راجع [گوهر مراد ١٨: ٢٥: ٢٥٨] و [ديوان فيّاض ٩: ٨٥٢: ٥٦٩٦].

﴿سرمايه نجات﴾ ص ١٧٣: تأليف مير محمّداسمعيل خاتونآبادي مدرس (در كلام) نسخه آن نزد آقای آقا سيّد مهدی موسوی خوانساری خاله زاده است كما وصفها لي.

«سرور العباد» ص ١٧٥ رقم ١١٦٧: عندنا منه نسخة مطبوعة سنة ١٢٩٢ معها رسائل أُخرى مع الحواشي.

«سرور المؤمنين» ص ١٧٨ رقم ١١٧٩ س ١٥، بابنة: الصواب بابنته كما يظهر من ترجمة السيّد في الكرام البررة ص ٣٠ قال «صاهره العلاّمة السيّد صدرالدين العاملي الإصفهاني على كريمته تزوّجها على حليلته الأوّل كريمة الشيخ الأكبر كاشف الغطا» انتهى.

﴿سعادة السادات﴾ ص ١٨٠: انظر [مناقب السادات ٢٢: ٣٢٧ غير مرقم].

«السعادة» ص ١٨٠ رقم ١١٩٢: أقول مرّ لمؤلّفه (دلائل المرشدين ٨: ٢٥٢) و يأتي له (منهاج الإسلام ٢٣: ١٥٦).

ص ١٨١: برای سعادت نامهها رجوع شود به مقدمه كيوان سميعی بر مفاتيح الاعجاز اسيری لاهيجی.

«سعد السعود للنفوس منضود» ص ١٨٢ رقم ١٢١٠: توجد نسخة أصله بخط السيّد

قده في مكتبة الحاج ميرزا أبوعبدالله الزنجاني في زنجان، كما في مقالة «تاريخچه كتاب و كتابخانه در ايران، رقم ٥٣٣» المدرّجة في مجلة «هنر و مردم» و الله العالم.

«السفائن» ص ١٨٤ رقم ١٢١٥: أقول نقل عنه في حيوة مصنّفه تلميذه فرصةالدولة في «آثار عجم ص ٣٠٥ ــ ٣٠٧ ط ٢».

«سفرنامه حج البيت» ص ١٨٦ رقم ١٢٣٥ س ١٣، قال الشيخ ضياءالدين بن يوسف: هو ابن يوسف المفهرس المشهور ساكن شيراز و من أصدقائنا الأجلاء.

«سفرنامه شرلي» ص ١٨٧ رقم ١٢٤٣: قال السيّد الجليل المهدوي إنّ نسخة من سفرنامه هذه في مكتبة مدرسه أدب بإصفهان.

«سفرنامه شيكاگو» ص ١٨٧ رقم ١٢٤٥: نسخة منه عند السيّد الجليل المهدوي الحاج السيّد مصلحالدين فليراجع.

«سفرنامه غروي» ص ١٨٨ رقم ١٢٥٣: راجع ترجمة نظامالعلماء فيما ذكرنا بهامش «ديوان نظام تبريزي» في ج ٩ ص ١٢٠٢.

«سفير عرشي» ص ١٩٢ رقم ١٢٩١: نسخة السفير العرشي في مكتبة سپهسالار بطهران كما في فهرسها ج ٥ ص ١٠٨ و راجع «الذكرى ١٠: ٣٨: ٢١٠» و قوله «هو احزاب» الصواب «...»

«السفينة» ص ١٩٢ رقم ١٢٩٣: يراجع ج ١ ص ١٥١ من الذريعة هذه.

﴿سفينه صائب﴾ ص ١٩٦: ينقل عنه وحيد دستگردي في أجزاء مجلّته «ارمغان» و راجع [ديوان صائب ٩: ٥٦٩] حيث ذكره ولد المصنّف بعنوان «البياض» المشتمل على عدّة أنواع بأسمائها الخاصّة منها «واجب الحفظ ٢٥: ٥: ٢٢» يظهر منه أنّ نسخة البياض أو السفينة موجودة الآن في خزانة الكتب بمجلس الشورى في طهران.

«سفينة النجاة» ص ١٩٩ رقم ١٣٣٦: راجع ما ذكرناه حول الكتاب و نسخه في كتابنا «فهرست كتب خطى ١: ٣٠٤ ــ ٣٠٦» و انظر «المقال ٢١: ٣٨٦: ٥٥٨٣».

ص ٢٠٠ س ٩، المقالة الاولى: الظاهر أنّ مصنّفه أطلق على مقالاته في كلّ واحد منها المقال دون المقالة فليراجع.

«سفينة نوح» ص ٢٠٤ رقم ١٣٤٧: راجع الذريعة (ج ١: ٢٥١: ١٣٢٣) و (ج ١٤: ٢٠٠: س ٨) و ما ذكرناه في التكملة.

«سكينة بنت الحسين» ص ٢٠٧ رقم ١٣٧٤: أقول انظر كلمة الشيخ ضياءالدين الخالصي حول وفاة السيّدة سُكَيْنَة بنت الحسين بن علي صوات الله عليهم في آخر كتاب «أعيان الشيعة ١٦ـــ ١٧: ٥٦٦ ط ١» و انظر ترجمتها في «الأعلام للزركلي ٣: ١٠٦».

«السلاح الحازم لدفع الظالم» ص ٢٠٨ رقم ١٣٨٤: (سلاح الحازم) كما في بعض تعليقات البهاري على نسخة مناقب الخوارزمي و منها في نسخة المناقب المطبوعة بالنجف ص ١٢٦.

«سلاح المؤمن و اصلاح المهيمن» ص ٢٠٩ رقم ١٣٨٨: أقول مرّ «الحرز اليماني ٦: ٣٩٤: ٢٤٤٨».

«سلاسل الحديد لتقييد ابن ابي‌الحديد» ص ٢١٠ رقم ١٣٩٥: قال في لؤلؤة البحرين ص ٢٨٢ ط النجف الأشرف بعد ذكره كتاب الحجة على الذاهب للسيّد فخار بن معد الموسوي رحمه الله ما لفظه «أقول و هذا الكتاب الذي في الردّ على تكفير أبي‌طالب كان عندي و قد نقلت أكثره في كتاب سلاسل الحديد في تقييد ابن أبي‌الحديد حيث إنّه ذكر في شرح نهج‌البلاغة توقّفه في إسلام أبي‌طالب و نقل ابنُ أبي‌الحديد في الكتاب المذكور انّ السيّد فخار بن معد أرسل إليه الكتاب المذكور بعد تصنيفه» الخ أقول لم يصرّح ابن أبي‌الحديد في شرحه (ج ١٤ ص ٨٣ ط مصر) باسم السيّد فخار بل قال هناك إنّ بعض الطالبيّين في هذا العصر صنّف كتاباً في إسلام أبي‌طالب الخ و لكنّا نجزم بأنّ مراده ببعض الطالبيّين هو السيّد فخار بن معد كما جزم به المحدّث البحراني ره أيضاً و الله العالم.

م ع ر في ١٤ ع ١ سنة ١٤٠١

«سلافة العصر في محاسن الشعراء بكل مصر» ص ٢١٢ رقم ١٤٠١: عندنا منه نسخة جيّدة جداً «...» و منه نسخة اُخرى مذهّبة جيّدة الخط كتبها محمّد بن علي بن محمّد في ١١٣١ في مكتبة الأُوقاف العامّة في بغداد كما في فهرسها ٤: ٢٤١ و هناك انّ الكتاب طبع أيضاً في سنة ١٩٦٤م بنفقة الشيخ علي آل ثاني أمير قطر و توجد للسيّد العلاّمة ترجمة في «نزهة الخواطر و بهجة المسامع و النواظر ٦: ١٨٣: ٣٥٤» فراجعه.

«سلامان و ابسال» ص ٢١٣ رقم ١٤٠٥ س ٨، و استظهر تشيع الجامي: أقول هذا

الاستظهار ممّا لايعبأ به مطلقاً فإنّ تعصّب الجامي في التصوّف و التسنّن بل تصلّبه في النصب أظهر من الشمس و أبين من الأمس و المحدّث القمي لم يستقرّ نظره في أمر الجامي على شيء فترى في سائر كتبه شتتا. و الله العاصم.

«**سلامة المرصاد**» ص ٢١٣ رقم ١٤٠٧: قوله «سلامة المرصاد» أقول ورد هذا التركيب في «الصحيفة السجّادية» المباركة.

﴿**سلسلة الذهب**﴾ ص ٢١٦: الحديث الرضوي الشريف. راجع ج ٦: ٣٧٨: ٢٣٧٤.

«**سلسلة الخطاطين**» ص ٢١٥ رقم ١٤٢٣: أقول كلّ ذلك مستفاد من كتاب «پيدايش خط و خطاطان ص ١١٦» للعبد المحمّد الايراني.

«**سلسلة الذهب**» ص ٢١٦ رقم ١٤٢٤: نعم و فيه أيضاً قوله فض الله فاه (نسبت جان و دل چو باشد سست) الخ و فيه دلالة واضحة على شدّة نصب الرجل المنبعث عن كمال حمقه و بلاهته و في السلسلة أيضاً أبيات آخر أساء فيها إلى ساحة قدس التشيّع و الشيعة و أئمّتهم المعصومين صلوات الله عليهم أجمعين راجع رسالة الأستاد محمّد القزويني المطبوعة في خاتمة كتاب «جامي» لعليأصغر حكمت و أيضاً مقدّمة مرتضى مدرّسي گيلاني لطبعة «هفت اورنگ ط طهران ١٣٣٧ش» و انظر التوضيحات لكتاب [مرصاد العباد ٦٤٧ ـــ ٦٤٨] لنجم‌الدين الدايه الرازي الذي هو كساير المنسلكين في سلكه المظلم من أشدّ النواصب كالجامي و الميبدي شارح الديوان المرتضوي و البلخي الرومي و غيرهم كثير فتبصّر و الله المستعان.

«**سلسلة العارفين و تذكرة الصادقين**» ص ٢١٦ رقم ١٤٣٠: و طبع معها «كشّاف أسرار مشايخ و عرفا» نذكره في محلّه و جدّد طبع السلسة بصورة أخرى نقلاً عن (جامع مفيدى) في (مجموعه در ترجمه احوال شاه نعمت الله ولى كرمانى) بعناية ژان اوبن ـــ طهران ١٣٧٦ و أخطأ في تعريف الرسالة صاحب كتاب «زندگاني و آثار جناب شاه نعمة الله ولي كرماني في هامش ص ٩ ط طهران ١٣٧٨». و من جملة الرسائل المؤلّفة حول ترجمة الشاه المذكور رسالة (التذكرة) و هو أوّل الرسائل المجموعة المطبوعة مصوّراً عن الأصل في طهران باسم (رضوان المعارف الإلهيّة) كما أنّه بعينه الرسالة الأولى المطبوعة في مجموعة ژان اوبن و ليراجع (مكارم الآثار ٣: ٦٤٥) و لنا عليه تعليقات جديدة و السلام.

ص ٢١٦ س ٢٣، **نعت:** الصواب نغمه.

﴿**سلطان الأنساب**﴾ ص ٢١٧: في نظم نسب الشاه سلطان حسين الصفوي. راجع (ج ٩: ٣١٨: ١٨٨٣) توجد نسخته في مكتبة ملّي بطهران كما في «فهرست نسخه‌هاى خطى فارسى ٦: ٤٣٣٨».

«**السلطان المفرّج عن أهل الإيمان**» ص ٢١٧ رقم ١٤٣٩: لم يظفر شيخنا المصنّف طاب ثراه بنسخته كما ذكر ذلک في ج ٥: ١٠٨ س ١٣.

﴿**سُلّم المعارف**﴾ ص ٢٢١: في أحوال الأفلاک و الحيوان و الإنسان و الجمادات بالفارسية لصابر الشيرازي رأيت نسخته المذهّبة الثمينة المكتوبة في سنة ١٢٧٨ عند عمّي المرحوم الحاج سيّد محمّدرضا قبل وفاته بأعوام قليلة و لا أدري من هو مالكها و قد توفّى عمّي المذكور في يوم النيروز سنة ١٣٦٠ شمسيّة أي ١٤ ج ١ سنة ١٤٠١ في إحدى المستشفيات بطهران و نقل نعشه في نفس اليوم المذكور إلى إصفهان و دفن في قبر اُمّه في بقعة جدّنا صاحب الروضات أعلى الله تعالى مقامه و آخر دعوانا أن الحمد لله ربّ العالمين.

«**سلم السماوات**» ص ٢٢١ رقم ١٤٦٠: أقول عندنا نسخة من هذا الكتاب النفيس و ترجمة الداوني فيه آخر تراجم الكتاب و أورد فيها بالمناسبة ذكراً للملاّ ميرزا جان الباغنوي و مدحه و قال إنّه تلمّذ عنده و أخيراً في بلدة لار سنة ٩٨٨ حين كان الباغنوي على جناح السفر إلى الهند ثمّ ذكر وفاته في سنة ٩٩٥ و أرّخ إتمام الكتاب بسنة أربع و عشر و ألف و ليراجع «إحياء الداثر ١٨٦» و «فهرس أحمد ج ١ «...»

«**سلوان المطاع في عدوان الاتباع**» ص ٢٢٢ رقم ١٤٦٨ س ٢١، **نسخة: دفتر** نسب نامه اُلفت ص ٨٨ نسخه أخير.

﴿**سلوة الشيعة**﴾ ص ٢٢٣: لإمام الشيعة معين‌الدين مسعود بن علي البيهقي كما في الرسالتين في تراجم مشايخ الشيعة (نشريه دانشكده ادبيات تبريز العدد ٨٣ ص ٣١٣ الرقم ٦٠ و العدد ٨٤ ص ٤١٧ الرقم ٦٦) و الرسالة الاُولى المطبوع في العدد ٨٣ هي التي كانت عند صاحب الرياض و ينقل شيخنا المؤلّف عن الرسالة بواسطة الرياض فقط و لذا لم يذكر السلوة هذه في المتن لفقدان حرف الميم من الرياض هذا و لكن وجدناه في

ألقاب الرياض (ق ٤٧٣ من نسخة الأصل ــ أو ق رقم ٥٥٢) و لكن بهذه الصورة «الإمام معين‌الدين ابن مسعود بن علي البيهقي الشيعي له كتاب سلوى الشيعة كذا رأيت بخط بعض العلماء و لعلّه مذكور باسمه في «...» فليلاحظ» انتهى ثمّ أقول لعلّ الرجل هو فخرالزمان أبوالمحاسن المذكور في الثقات العيون ص ٣٠٢ و الله العالم. م‌ع‌ر عفي عنه في ٢ شوال المكرم ١٤٠٤

ص ٢٢٣ س ١٤، ص **٥٧٣**: الصواب ص ٣٢٦ كما مرّ أيضاً في ج ٨ ص ٢٠١.

«**سلوة الشيعة و قوة الشريعة**» ص ٢٢٣ رقم ١٤٧٢: يراجع (المطاعن المجرميّة) في ج ٢١ ص ١٣٨.

﴿**سلوة العاشقين و سكينة المشتاقين**﴾ ص ٢٢٤: لعلاءالدولة السمناني. يراجع (فهرست مشترک ٣: ١٥٥٦).

ص ٢٢٤ س ١، **مطهر بن محمّد**: أقول الظاهر انّه الميرلوحي صاحب «كفاية المهتدي ١٨: ١٠١: ٨٦٧» فراجعه مع التكملة.

«**سلوة الغريب و اسوة الاديب**» ص ٢٢٤ رقم ١٤٧٤: أقول لم أعثر على نسخة مطبوعة من السلوة كما لم أعثر على من ذكر انّها مطبوعة غير شيخنا المؤلّف مد ظلّه.

و نسخة في ٣٥٤ نسخت سنة ١٢٠٦ في القاهرة رقمها بالتيمورية ١١٣١ تاريخ كما في كتاب «المباحث العلمية من المقامات السنية ص ٧ ط حيدرآباد».

«**رسالة في سلوک الولاة على ما قرر في أحاديث الائمة الهداة**» ص ٢٢٧ رقم ١٤٨٧: انظر «ترجمة عهد مالک ٤: ١١٩: ٥٦٩» و الإرجاعات المذكورة في التكملة.

﴿**سماع در تصوف**﴾ ص ٢٢٩: كتاب طبع بطهران في ٢١٦ص عام ١٤٠٠ يحكي اسمه عن مسمّاه ذكر في ص ١٣٩ أنّ جميع متصوّفة ايران بشتّى فرقهم يعدّون التصوّف فوق الأديان و المذاهب كلّها و انّ أتباع الأديان و المذاهب من كلّ فرقة في نظرهم سواء. و في هذا الكتاب طائفة اُخرى من أسرار الإلحاد الصوفي و بدعه و الله العاصم.

«**سموم قتاله**» ص ٢٣٢ رقم ١٥١٤: أقول ذكرنا له «شفاء المريض في الجبر و التفويض ١٤: ٢٠٦» نقلاً عن «مؤلّفين مشار ٢: ٢٢٩».

«**رسالة في السنة السرمدية**» ص ٢٣٣ رقم ١٥٢٩: أقول عندنا من هذه الرسالة نسخة

في مفتتح نسخة التأويلات القرآنية للكاشي...

«سنة الهداية لهداية السنة» ص ٢٣٤ رقم ١٥٣١: أقول يحيل المصنّف على كتابه هذا في أجوبة مسائله الموجودة عندي بخطه و الحمد لله.

«سندباد» ص ٢٣٥ رقم ١٥٣٥: انظر مقالة «دو منظومه كهن فارسى در تحفة الملوک» في مجلّة «آينده ١١: ٩ ــ ١٠: ٦٦٠ ــ ٦٦٦» و مقالة «يادداشتهائى درباره سندباد نامه» أيضاً فيها (١٠: ٤ ــ ٥: ٣٦٥ ــ ٣٦٩).

«سند السعادات في حسن خاتمة السادات» ص ٢٣٥ رقم ١٥٣٩ س ٢١، **«مآثر الكلام»**: أقول الصواب «مآثر الكرام» بالراء كما يأتي في (ج ١٩ ص ٦) و قوله هنا و هناک انّ في سند السعادات شواهد لتشيّع الرجل أقول إنّ الذي يجعله شيخنا طاب مثواه من شواهد التشيع في كلمات أكابر أهل السنة كثير كثير بل هي في كلمات أعاظم القوم من أعداء الشيعة أمثال ما نراه في كتب الإمام الشافعي و أحمد بن حنبل و ابن خلكان و ياقوت و ابن حجر و الذهبي المكيّ و السيوطي و الجامي و الميبدي و أشدّ النواصب فضل بن روزبهان الخنجي و لكن غير خفي على ذوي‌المروءة انّ الاعتراف بفضائل الأئمّة الأطهار لايدلّ على تشيّع المعترف إلاّ بالمعنى الذي يستعمله أهل السنة بل شرط التشيّع عدم الانحراف و عدم موالاة من سوى الأئمّة الأطهار صلوات الله عليهم و القول الصريح بالنصّ و العصمة للأئمّة الإثنى عشر عليهم‌السلام و أمّا خصوص غلامعلي آزاد و كتابه سند السعادات فراجع لذلک (افحام الأعداء و الخصوم: ٧٧) حتّى يتبيّن لک الحقّ إن شاء الله تعالى و انظر «مناقب السادات ٢٢: ٣٢٧ غير مرقم».

م‌ع‌ر عفي عنه في الجمعة ١٩ ع ٢ ١٤٠٥

«السواد الأعظم» ص ٢٤٠ رقم ١٥٧٥: قال جلال‌الدين الدواني في أوائل رسالته في تفسير الإخلاص ما لفظه «و نقل والدي رحمه الله في تفسيره الكبير الذي سمّاه بالسواد الأعظم انّ هذه السورة إذ انزلت شايعها فوج من ملائكة» الخ فتأمّل. م‌ع‌ر عفي عنه في أواخر قع ١٤٠٤

و هذا المطلب لم يتفطّن له أحد فيما أعلم كما لم يذكره الشيخ علي الدواني في كتابه حين يترجم لوالد جلال‌الدين في ص ٦٣ ــ ٦٤ و الحمد لله رب العالمين.

﴿سؤال أهل حلب﴾ ص ٢٤١: انظر [نهج العلوم ٢٤: ٤٢٢: ٢٢١].

ص ٢٤١ س ١٠، **العباسي**: / العباس. ظ صح

«**السؤال و الجواب**» ص ٢٤١: قد مرّت طائفة من جوابات المسائل في حرف الجيم.

«**السؤال و الجواب**» ص ٢٤١ رقم ١٥٨٣، **رأيت منه**: قائل هذا الكلام هو المتروي ولد المؤلّف كما لايخفى.

«**السؤال و الجواب**» ص ٢٤٢ رقم ١٥٩٠: انظر (ج ٥: ٢٠١: ٩٣٩).

«**سؤال و جواب**» ص ٢٤٣ رقم ١٥٩٣ س ٨، **١٢٤٨**: ١٢٤٧ صحيح است.

«**سؤال و جواب**» ص ٢٤٤ رقم ١٦٠٢ س ١٤، **عبدالحسين**: الصواب عبدالحسن كما في ص ٢٤٢: ١٥٩٠ و في ج ٥: ١٧٨: ٧٧٥.

«**سؤال و جواب**» ص ٢٤٤ رقم ١٦٠٣ س ١٥، **الحية**: الصواب اللحية.

«**السؤال و الجواب**» ص ٢٤٥ رقم ١٦٠٩: أقول مرّ هذا الكتاب بعنوان «جوابات المسائل الفقهية ٥: ٢٢٩: ١٠٩١» كما مرّ للشيخ حسين الظهيري المذكور «جوابات المسائل الظهيرية ٥: ٢٢٧: ١٠٨٣» فراجع ما ذكرناه هناك في التكملة و في نقل شيخنا المصنّف كلام الرياض تقديم و تأخير و تصرّف فلاحظ أصل [رياض العلماء ٢: ٤٨ ــ ٤٩ ط قم].

«**سؤال و جواب در جواز تزويج بنات أبي‌تراب**» ص ٢٤٦ رقم ١٦١٩: يراجع الذريعة ج ٤ ص ١٧٢.

«**سؤال و جواب**» ص ٢٤٧ رقم ١٦٢٣ س ٨، **الفقه**: الصواب «الفقهيّة ٥: ٢٢٩: ١٠٩٢».

«**السؤال و الجواب**» ص ٢٤٧ رقم ١٦٢٤: أقول عندنا نسخة من هذا الكتاب أوّله [بعد حمد الله على ترادف الآلاء] و هي في ٥٤ص و بآخرها سقط و بعدها نسخة من [جوابات المسائل الفقهيّة] كما ذكرناه بهامش (ج ٥: ٢٢٩: ١٠٩٢) ثمّ إنّا لم نجد في ساير الأجزاء شيئاً من جوابات المسائل للمحقّق الكركي.

«**السؤال و الجواب**» ص ٢٤٧ رقم ١٦٢٥: أقول نسخة هذه المسائل أيضاً عندنا موجودة في ٣٩ص خلف نسخة من الكلمات الطريفة للفيض.

«السؤال و الجواب» ص ٢٤٨: بالفارسية للحاج ميرزا فتح‌الله الشريعة الإصفهاني. انظر ما ذكرناه في التكملة بعنوان (وسيلة).

﴿السؤال و الجواب﴾ ص ٢٤٩: للفاضل الإيرواني مولانا محمّد بن محمّدباقر المتوفّى بالنجف سنة ١٣٠٦ طبع في تبريز عام ١٣٠٥ و هو ترتيب رسالته العمليّة المسمّى بجاة المقلّدين الآتية ظاهراً و عندي نسخة السؤال و الجواب.

«سؤال و جواب» ص ٢٥٠ رقم ١٦٤٧: راجع «الرسالة العملية ١١: ٢١٩: ١٣٢٦» و «الوجيزة ٢٥: ٤٥: ٢٣٠ و هامش ص ٤٦» و ترجمة المولى محمّد يوسف الاسترآبادي في أعيان الشيعة ج ١٠ ص ١٠٠ ط الكبيرة و يأتي له «القضاء و الشهادات ١٧: ١٤٣: ٧٤٩» و «اللقطة ١٨: ٣٣٨: ٣٧٥» و انظر «مكارم الآثار ٧: «...»

«السوانح الحجازية» ص ٢٥٣ رقم ١٦٦٥: أقول نصّ الشيخ في أواخر «الحديقة الهلاليّة» من «حدائق الصالحين» بقوله هكذا «و أنا قد نظمت قصّة هذا الكردي في كتابي الموسوم بسوانح سفر الحجاز هكذا» الخ و هذا تصريح منه بتسميته كما نقلناه.

«سوانح سفر حجاز» ص ٢٥٣: أقول انظر «السوانح الحجازية» بأعلاه.

«سوانح عمري» ص ٢٥٣ رقم ١٦٧٣: أقول هكذا ذكره المشار في فهرسه إلاّ أنه عنونه هكذا «سوانح العمري ـــ مدة العمر» و الظاهر نقله عن النسخة المطبوعة بلكهنو و الكتاب هو الذي عبّر عنه شيخنا ره في ج ٩ ص ٢٣٥ س ١٨ باسم «تاريخ الصفوية» و طبع بإصفهان أيضاً في حوالي سنة ١٣٧٢ق باسم «تاريخ حزين» ثم طبع مثله «تذكره حزين» الذي في ج ٤ ص ٣٨ رقم ١٣٨.

﴿السوانح الكاظمية العليّة في جواب المسائل الفقهيّة الجبليّة﴾ ص ٢٥٥: رسالة للآقا محمّدعلي بن الآقا محمّدباقر بن الآقا محمّداًكمل الإصفهاني البهبهاني الحائري في جواب مسائل سألها عنه المير سيّد علي النهاوندي من جبل نهاوند السائل مسائله عن جدّنا الأفقه الأعلى الخوانساري و عن العلاّمة السيّد عبدالله الجزائري أيضاً [انظر ج ٢٠ ص ٣٧٢: ٣٤٧٦] عندنا نسخة الأصل من السوانح بخط المجيب طاب ثراه في أزيد من أربعين صفحة وضعت في مجموعة من رسائله و مسائله كلّها بخطّه و السوانح هو الذي ذكره في كتاب «وحيد بهبهاني: ٢٨٧ ط ٢» عند ذكر مؤلّفات الآقا محمّدعلي بهذا العنوان

التالي «١٢ـــ رسالهای عليه علويه در پاسخ مسائل جبليه» و ليراجع كتاب «مقامع الفضل» أيضاً.

«**سوق المعادن**» ص ٢٧٥ رقم ١٦٩٧: أقول نقل في مجلّة العرفان الصيداوية سنتها العاشرة ص ٧٩٦ إلى ٨٠٠ ط عام ١٣٤٣ فصلاً من سوق المعدن هذا و ذكر في الحاشية أنّ مؤلّفه توفّى سنة ١٣٠١.

«**السهام المارقة**» ص ٢٦٠ رقم ١٧١٧: قال معاصره المولى محمّدطاهر شيخ الإسلام و إمام جمعة بقم المتوفّى سنة ١٠٩٨ في كتابه «تحفة الأخيار ص ١٥٣» ما لفظه «و بعضى از فضلا كه از اهل تقوى و ورع است در كتاب (السهام المارقة) از شيخ مفيد نقل نموده» الخ و قد اعترف بفضل الشيخ و تقواه و ورعه كما ترى و كانت نسخة من السهام عند جدّنا الإمام المجدّد صاحب الروضات قدس الله روحه فنقل منها شطراً وافراً في ترجمة الأمين الاسترآبادي (الروضات ١: ٣٢٦ ـــ ٣٣١ ط إصفهان) و أثنى على الشيخ الجدّ طاب ثراه في مفتتح نقله و لكن لم ينقل عنه شيئاً في ترجمة مؤلّفه (الرقم ٤٢١) و ذلک لأنه طاب مثواه جدّد تبييض ترجمة الأمين في الأواخر فيظهر منه انّه عثر على السهام في زمن تجديد الترجمة المذكورة ثمّ إنّ جدّنا السبط رحمه الله بعد تأليف السهام ألحق به ملحقات من كلمات القوم حول الزنادقة الصوفية وجدها بعد التأليف و الملحقات موجودة في نسخة المكتبة الرضوية و نسخة منها مستقلّة في مجموعة كانت عند جدّنا صاحب الروضات قدّس الله روحه انتقلت إلينا في هذ الأواخر و الحمد لله و النسخة الكاملة المعتبرة من الأصل و الملحقات في مجموعة جليلة استنسخها القاضي محمّد مقيم بن أبي‌البقاء الشريف الإصفهاني سنة ١٠٨٦ من مخطوطات (كتابخانه مركزى دانشگاه تهران) كما فصّل في فهرسها ٨: ٥٧٩ – ٥٨٢.

«**سهل التناول في مسألة التداخل**» ص ٢٦٣ رقم ١٧٤٥: توجد نسخة أصله عند السيّد أحمد بن محمّدباقر التوي‌سركاني و عندنا منه نسخة فتوغرافية.

«**رسالة في سهو الأئمّة في الصلاة**» ص ٢٦٦ رقم ١٧٦٨: ج ١١ ص ٢٠٠ سطر آخر هم ديده شود.

«**رسالة في السهو في الصلاة**» ص ٢٦٦ رقم ١٧٦٩: تأتي مكرّرة أيضاً في حرف الشين

ج ١٤ ص ٢١١ رقم ٢٢٣٣ من دون زيادة كما مرّ أيضاً في حرف الخاء ج ٧ ص ٢١١ رقم ٢٢٣٣ و انظر ج ٣: ١٣١: ٤٤٥.

ص ٢٦٦ س ٩، **المتوفّى ٤٨١**: هذا خطأ مطبعي كما لايخفى و الصواب ٨٤١.

«رسالة في السهو في الصلاة» ص ٢٦٦ رقم ١٧٧٠: تأتي أبسط من المتن في ج ١٤ ص ٢١٢.

«رسالة في السهو و الشک في الصلاة» ص ٢٦٦ رقم ١٧٧٢: يراجع الجزء ١٤ ص ٢١٠ رقم ٢٢٣٢ و الجزء السابع ص ٢٤٨ رقم ١١٩٧.

«رسالة في السهو و الشک في الصلاة» ص ٢٦٧ رقم ١٧٧٣: يراجع الجزء ١٤ ص ٢١٢.

ص ٢٦٧ س ٥، **و تأتي رسالات في «الشک و السهو» متعددة: انظر س ١٧.**

«رسالة في سهو النبي» ص ٢٦٧ رقم ١٧٧٤: أقول مرّ الردّ على سهو النبيّ في ج ١٠ ص ٢٠١ قم ٥٢٦. كتاب شيخ محمّدتقى گويا در قاموس الرجالش چاپ شد.

«السهوية» ص ٢٦٧ رقم ١٧٧٦: أقول مرّ ذكر هذه الرسالة بأبسط ممّا ذكر هنا في ج ١١: ٢٠٠: ١٢١٤ فلا وجه للتكرار و عندنا نسخة بخط جدّنا الحاج السيّد محمّد في مجموعته الكبيرة.

«السهوية» ص ٢٦٧: أقول انظر (الخلل) في ج ٧ و (الشک) في ج ١٤ و (بغية الراغبين) في ج ٣: ١٣١: ٤٤٦.

«سياحتنامه ابراهيم بيگ يا بلاى تعصب او» ص ٢٦٨ س ١٥، **المتوفّى في ١٢٩٠**: هذا التاريخ لوفاة الرجل خطاء يراجع مكارم الآثار ج ٨ رقم ١٧٨٢ و العنوان كلّه من إضافات المتروي ظاهراً و فيه أخطاء آخر أيضاً.

ص ٢٧٠ س ٣، **اسمه «الاشراف على سيادة الاشراف»**: أقول انظر ص ٢٧٥ س ٢١.

﴿إثبات السيادة للشريف و الشريفة﴾ ص ٢٧٠: للميرزا محمّد سلطان زاهدالدين شاه ابن ميرزا محمّد سلطان كامبخش رتّبه على مقدّمة و ثلاثة أبواب و خاتمة و فرغ منه في كربلاء سنة ١٢٨٣. أوّله «الحمد لله المعلن أنساب الشرفاء بالانتساب» توجه نسخته في المركزيّة بجامعة طهران بخط مصنّفه في ٨٥ ورقة و فيه ترجمة نفسه كما في فهرس المكتبة

١١: ٢٢٣٢ على ما ذكره أحمد المتزوي في فهرست نسخه‌هاى خطى فارسى ١: ٨٧٢ و لم يذكر له نسخة اُخرى و الظاهر من عنوان الكتاب انّه في موضوع سيادة الأشراف فليراجع فهرس المكتبة. م‌ع‌ر ٢ شوال ١٤١٥

«سياسة الخلفاء» ص ٢٧٢ رقم ١٨١٨، **للميرزا مهدي الإصفهاني**: هو الاُستاذ البارع الفائق على أقرانه تأتي له (غاية المنى) في محلّه و توجد ترجمته في عدّة مواضع ذكرناها بهامش مكارم الآثار في وقايع سنة ١٣٦٥ و كذا ترجمة تلميذه المذكور الذي يأتي اسمه في ج ١٧ ص ٢٨٢ الرقم ٣٠٣.

﴿سير كمونيز در ايران از شهريور ١٣٢٠ تا ١٣٣٦ شمسي﴾ ص ٢٧٨: لسپهبد تيمور بن فتحعلي بختيار الإصفهاني المتولد ١٢٩٣ش المقتول في سبيل مطامع أبالسة الاستعمار في «...» ذكره المشار في فهارسه و قال طبع في طهران في أكثر من ٤١٥ص سنة ١٣٧٦.

«سير المتأخرين» ص ٢٧٨ رقم ١٨٦٣: أقول و نقل عن منتخبه في كتاب (زنبيل ص ٣٦١) و قال إنّ تاريخ إتمام هذا التاريخ سنة خمس و تسعين و مائة و ألف من الهجرة فلاحظ. و ذكره المشار ره في فهارسه فقال إنّه «نوّاب مير غلامحسين بن نوّاب مير هدايت علي خان طباطبا من أعقاب ابراهيم طباطبا القاطنين منهم في بلدة شاه جهان آباد الهند و انّه المتولّد ١١٤٠ و المتوفّى ١٢٠٨» ثمّ ذكر للكتاب عدّة طبعات حديدة و منها الطبعة الحجرية في لكهنو سنة ١٣١٤ في ٩٦٣ص فليلاحظ. حرّره م‌ع‌ر عفي عنه في ١٦ صفر ١٤٠٥

«سير الملوک» ص ٢٧٨ س ١٩، **يأتي بعنوانه في الشين**: و منتخباته في (ج ٢٢: ٤١٢ ببعد).

«سيرة علي بن الحسين» ص ٢٨٠ رقم ١٨٧٩: أقول يعني به الإمام المعصوم زين‌العابدين سيّد الساجدين سلام الله عليه و هو الإمام الحجة الرابع من أئمّة المسلمين قال الشيخ الطريحي الرماحي في «مجمع البحرين» ذيل مادة سلم ما نصّه: [و سلامة، شاه زنان، اُمّ علي بن الحسين عليهماالسلام، بنت يزجرد بن شهريار بن شيرويه بن كسرى بروزي. رُوي أنّ أميرالمؤمنين عليه‌السلام سألها ما اسمک؟ فقال جهانشاه. فقال لها: بل شهر بانويه] انتهى.

«**رسالة في السير و السلوک**» ص ٢٨٢ رقم ١٨٩٩: انظر رقم ١٩٠٢.

«**رسالة السير و السلوک و ما يلزم السالک في عشرته**» ص ٢٨٣ رقم ١٩٠٢: (فهرست کتب شيخيه ج ٢ ص ١١٧). و انظر (دليل المتحيّرين) في ج ٨ ص ٢٦٠. انظر رقم ١٨٩٩.

«**رسالة في السير و السلوک**» ص ٢٨٣ رقم ١٩٠٤: نشرت هذه الرسالة مع ترجمتها بالفارسية سنة ١٤١٦ في مجلّة پيام حوزه ٦: ٩٩ ـــ ١١٨ قم» و راجع ج ٢٢: ١٥٨: ٦٤٩٥.

«**السير و السلوک**» ص ٢٨٥ رقم ١٩١٣: قد مرّ في ج ١١ ص ٥٤.

«**رسالة في السير و السلوک**» ص ٢٨٥ رقم ١٩١٤: انظر [منتخب سير و سلوک ٢٢: ٤١٢: ٧٦٦].

«**سيف المؤمنين**» ٢٨٩ رقم ١٩٤٦: أقول توجد من هذا الكتاب النفيس المهم جداً نسخة في بعض بيوتات إصفهان العلميّة و قد رأيتها و استفدت منها و هي نسخة صحّحها المصنّف في كمال الدقّة و قدّمها للعلاّمة الفاضل الإصفهاني ره و ذكرناها في فهارسنا المخطوطة و توجد أيضاً نسخة في المكتبة المركزية بجامعة طهران كما في فهرسها و في فهرس أحمد أيضاً نسخة نفيسة سنة «...» في خزانة المسجد الأعظم بقم كما في فهرسها ص ٢٣٢. م‌ع‌ر ١٢ حجة ١٤٠٦

«**السيفية**» ص ٢٩١ رقم ١٩٥٥: أقول أوردها ولده السيّد عبدالله أيضاً في آخر «تذييل السلافة» بذيل ترجمة الوالد، قال «و من محاسن منشآته الرسالة السيفيّة التي باري بها قدسيّة الإمام أبي‌طاهر كمال‌الدين اسمعيل بن عبدالرزاق الإصفهاني المعروف بخلاّق المعاني و هي: بسم الله الرحمن الرحيم و أنزلنا الحديد» الخ ثمّ لايخفى أنّ شيخنا المصنّف ذكر في عنوان [الفروق ١٦: ١٨٦: ٦١٢] انّ [السيفيّة في مقابل القوسيّة لكمال‌الدين اسماعيل الإصفهاني] و ذكر انّه رأى نسخة الفروق المخطوطة في النجف و فيها السيفية و بعض مكاتيب السيّد نورالدين و بعض منظوماته و صرّح هناک أنّ نسخة الفروق المطبوعة على الحجر ناقصة فإنّه لاتوجد فيها السيفيّة و لا غيرها ممّا وجده في المخطوطة، و لكن لايخفى أنّ كمال‌الدين اسماعيل الإصفهاني هو كما صرّح السيّد

عبدالله ولد السيّد نورالدين قدّس الله روحيهما في تذييل السلافة هو ابن جمال‌الدين عبدالرزّاق كما يأتي التصريح بذلك في [القوسيّة ١٧: ٢٠٧: ١١١١] و مرّ في [ديوان ٩: ٩١٦: ٦٠٥٧] فالظاهر أنّ الشيخ نسي صاحب القوسيّة في هذا الموضع و إلاّ لما قال و هو كتبها في مقابل القلميّة للدواني فإنّ الكمال الشاعر المذكور قتل في النصف الأوّل من القرن السابع و الدواني جلال‌الدين محمّد مات أوائل القرن العاشر كما يأتي في [القلميّة ١٧: ١٦٨] و هناك أيضاً سهو آخر فقد ذكر انّ السيفيّة هذه رمحيّة السيّد عبدالله و غيرهما في مقابلة القلميّة المذكورة و الله العاصم. م‌ع‌ر ليلة شهر رجب ١٤٠٩

ص ٢٩٥: صحّحت جميعها في المتن بهذا اللون الأزرق للامتياز و الحمد لله رب العالمين في ١٥ محرم الحرام ١٤٠٥ م‌ع‌ر عفي عنه و صحّحت كذلك الأغلاط المصحّحة في خاتمة ج ١٥.



الجزء الثالث عشر

«شارع النجاة» ص ٤ رقم ٧: أقول طبع شارع النجاة هذا خلف [عيون المسائل المنطوي على لطائف الدقائق و طرايف الجلائل ١٥: ٣٨٢: ٢٣٨٦] و ذلک في مجموعة من آثار السيّد الداماد بعنوان [إثني عشر رسالة للمعلّم الثالث] طبع مصوّراً عن نسخة مغلوطة في ١٤٣ص و عندنا منه نسخة معتبرة و لكنّها كالمطبوعة و غيرها من النسخ لاتتجاوز ما رآها شيخنا المصنّف طاب ثراه و آخر الجميع [و دخول الحمّام على البطنة يولد القولنج] انتهى. ثمّ إنّ الشارع هذا من آخريّات مصنّفاته فإنّه يحيل فيها إلى كثير منها كحواشيه على الدروس و على «...» و كتقويم الإيمان و «التقديسات» و «قبسات حقّ اليقين» و فرغ من هذا الأخير في شهر شعبان المعظّم ١٠٣٤ قبل وفاته ستّ سنين و بعد وفاة صديقه الشيخ بهاءالدين بأربع سنين فالشارع متأخّر عن الجميع و لعلّه آخر تصانيفه و لذا لم يمهله الأجل لإكماله و الله العالم. ثمّ إنّ السيّد في كتابه هذا كثير الاعتماد على آراء جدّنا و جدّه المحقّق الشامي علي بن عبدالعالي و كذا على فتاوى الشهيد الأوّل من المتأخّرين قدّس الله تعالى أرواحهم كما لايبالي فيه بنظرات جدّنا الشهيد الثاني و لا بآراء صديقه الشيخ بهاءالدين محمّد العاملي بل ينتقد نظراتهما و يزيفها و ينال منهما أحياناً و ذلک في حقّ صديقه البهائي فلعلّه لموضعه من مشرب التصوّف رغم محبوبيّته و مرغوبيّته كافّة آثاره و رغم كمال وداده و ...[1] بالنسبة إلى

---

١. به دليل اشكال در تصوير، يک کلمه در اينجا و چند کلمه در سطر پائين ناخوا است. ب

السيّد كما يظهر من كتابه إليه و قد طبع الكتاب و الجواب مصوّراً عن خط ... في آخر المقدّمة، فترى السيّد في كتابه هذا ينسبه إلى الوهم بل قال في عدّة مواضع منه إنّه متوهم العصر ناقص البضاعة في المعرفة و قاصر الدرجة في التتبّع و هو و إن لم يصرّح باسم البهائي إلاّ أنّه ظهر لنا بعد التتبّع أنّه لاير بذلک غير الشيخ المرحوم أمّا نيله من جدّنا الشهيد الثاني فالظاهر أنّه لاختلاف مشربه الفقهي مع المحقّق الكركي في بعض المسائل خصوصاً في أمر صلوة الجمعة في أواخر حياته و الله العالم بحقايق الأُمور و اتّخاذ الموضع هو ما عرفناه من السيّد الداماد في مصنّفاته عامّة و قد أشرنا إلى ذلک بهامش [القبسات ١٧: ٣٢: ١٨٣] فهو صريح في نقده لآراء غير الأحياء كما أنّ من دأبه في كافّة آثاره التصريح باسمه و شهرته و ذكر ما خرج من قلمه في خلال كلماته.

ثمّ اعلم أنّ ما قاله شيخنا ره انّ شارع النجاة «رسالة فتوائية فارسية» نقول إنّ هذا صحيح فإنّا علمنا من قوله بعدم جواز تقليد الميّت أنه ألّف ذلک بعد وفاة صديقه البهائي حيث إنّ الشيخ ألّف رسالته «جامع العباسي ٥: ٦٢: ٢٤٢» بالتماس الشاه عباس الصفوي و خرج منه خمس أبواب في العبادات إلى آخر الحجّ فأدركه الأجل في سنة ١٠٣٠ و بعد ذلک شرع السيّد الداماد في تأليف رسالته شارع النجاة بقصد أن يكون قائماً مقام جامع صديقه و لكنّه أيضاً لم يمهله الأجل لإكمال كتابه كما لم يضرّ كتابه باشتهار الجامع العباسي أبداً فكان هو المرجع الوحيد لمراجعة الناس و تداولته الأيدي إلى هذه الأواخر أعني في أزيد من ثلثة قرون و ذلک من فضل الله سبحانه و أمّا الشارع فلم يشتهر بعد خاصّة أنّه لم يتجاوز بعض أبواب الطهارة و بقيت نسخه القليلة في زاوية الخمول.

و أمّا قول شيخنا ره (في أُصول الدين و فروعه) فهذا لايصحّ تماماً لأنّ السيّد قد عقد لكتابه هذا مقدّمة في ثلثة أُصول لاتتجاوز في النسخة المطبوعة عن ٢٣ صفحة فالأصل الأوّل كلمة وجيزة في أُصول الدين ص ٢ - ٩ و الثاني في المجتهد و المقلّد ٩ - ١٣ و الثالث ١٤ حديثاً في أهمّية صلوة الفريضة ١٣ ــــ ٢٤ ثمّ كتاب الطهارة في أربعة أبواب رابعها باب وظائف الدخول في الحمّام و آداب الاستحمام و به يختم الكتاب ناقصاً في النسخ الموجودة.

و أمّا قوله ره انّ الداماد توفّى سنة ١٠٤١ فهذا من الأغلاط المشهورة و قد تحقّق لدينا من القديم أنّ وفاته في طريق النجف الأشرف سنة ١٠٤٠ كما يأتي بهذه الصورة أيضاً في [عيون المسائل].

و أمّا قوله ره في عدم الاعتداد بفتوى الميّت فهو كذلک في مقدّمة الشارع فإنّه صرّح بذلک في الأصل الثاني من المقدّمة (ص ١٠) و ذلک لرجوع الناس إلى فتاواه بعد وفاة الشيخ البهائي.

و أمّا قوله ره (و من فتاويه) الخ أقول هذا افتراء محض فقد صرّح السيّد بحرمة حلق اللحية في (ص ١٠٣ و ١٠٤ و ١٠٥) و لعلّ الحاكي توهّم الكراهة من قول السيّد (ص ١٠٨) بكراهة نتف الشيب و عدم كراهة القصّ و الجزّ و لكن الشيب الشعر الأبيض في اللحية و لا دخل له بحلق اللحية و لاحظ الرسائل عن الموضوع في «حلق اللحية ٧: ٦٣».

«الشافي الجامع بين البحار و الوافي» ص ٧: قال سيّد مشايخنا المُحسنين في الأعيان ٣٢: ٣٠ بعد نقل كلام القزويني في ترجمة الرجل ما لفظه «و الجمع بين البحار و الوافي لايخفى ما فيه من التنافي» انتهى و يأتي تفصيل الكلام حول الكتاب و مؤلّفه أيضاً بعنوانه الآخر [الشفاء ١٤: ١٩٩: ٢١٨٢] و فضل التقدّم في التعريف بالرجل و كتابه للشيخ المحدّث النوري في كتبه و منها [الفيض القدسي ٥٥ ح ١٠٥ من البحار ط الحديثة] و راجع [زندگينامه علامه مجلسى ٢: ٣٠٩] و مآخذه المذكورة هناک.

«الشافي في الأنساب» ص ٩ رقم ١٨ س ٧، و قد نقل السيّد ابن طاووس: و قال السيّد علي بن طاوس المتوفّى سنة ٦٦٤ أيضاً في أوّل كتابه «اللهوف» ما نصّه «و حدّثني جماعة منهم ممن أشرت إليه بإسنادهم إلى عمر [كذا] النسّابة رضوان الله عليه فيما ذكره في آخر كتاب الشافي في النسب بإسناده إلى جدّه» الخ فراجعه.

«الشافي المنتخب من الوافي» ص ٩ رقم ٢٠: أقول انظر [الشرايع ٤٧: ١٥٨].

ص ٩ س ٢١، **سنة ١٠٨٢:** في غرّة ذي القعدة الحرام كما في نسختنا المخطوطة.

ص ١٠ س ٥، **الكافي:** الوافي في نسختنا من الجزو الثاني مكان الكافي و قد صحّحها

الفيض نفسه بخطّه الشريف و كتب التاريخ [۱۰۸۲][1] بالأرقام تحت البيتين.

ص ۱۲ س ۱، (رسالة في كفاية النظر بانفراده للكامل): تأتي في حرف الكاف ج ۱۸ ص ۱۰۳.

«الشافية» ص ۱۲ رقم ۲۸، مختصر (معالم الشفاء): أقول يأتي معالم الشفاء في محلّه و إنّي رأيت وجيزة مشتملة على ۱۷ صفحة صغيرة و لعلّها ناقصة الآخر و هي ضمن مجموعة و أوّل تلك الوجيزة قوله (بسم. بعد الحمد و الثنا و الصلوة و الدعاء يقول الفقير الحقير غياث المشهور بمنصور إنّ هذه أُصول شافية من الداء كافية لدراية الدواء نافعة للادواء حرّرتها تبصرة للاتباء... و من أراد القانون الكامل في هذا فعليه بالنظر الشافي في معالم الشفاء التي ألفّتها الخ) و ليس في النسخة ما يشعر بأنّ اسمها الشافية سوى قوله في أوّلها (هذه أُصول شافية) و النسخة في مجموعة كلّها بخط واحد و الكاتب غير معلوم إلاّ أنّ تاريخ كتابة بعضها معلوم و هو ذوالقعدة ۹۴۸ و يظهر من بعض مواضع تلك المجموعة أنّ غياث‌الدين كان حيّاً في ذلک الزمان و يدعو بقوله مدّ ظلّه و النسخة في مكتبة «...» الكاتب السيّد الخاتون آبادي.

«شاهد صادق» ص ۱۵ رقم ۴۰: أقول ينقل عنه كثيراً دهخدا في كتابه «أمثال و حكم» و قال في كتابه الآخر «لغتنامه ـــ ص ۶۱» ما ترجمته [صادق بن صالح من أهل إصفهان له كتاب شاهد صادق توجد نسخة منه في المدرسة الناصرية كما في كتاب أحوال رودكى ص ۵۱۱] انتهى و راجع [صبح صادق ۱۵: ۶: ۳۱] و بسط في ترجمة الرجل في [ديوان صادقي مينا ۹: ۵۸۲: ۳۲۰۳] و منه و من سائر المواضع يظهر أنّه ولد في بندر سورات بالهند لا أنّه هاجر إليها ثمّ إنّه كانت نسخة من الشاهد عند عباس إقبال فعرّفها جيّداً في مجلّة [يادگار ۲: ۱۴: ۱۹ فما بعدها] و ذكر ما استفاد منه في ترجمة الرجل و نقل منه مطالب تاريخيّة و كانت عنده أيضاً نسخة السيّد محمّد مشكاة بالأمانة و هي الموصوفة في [فهرست مركزى ۲: ۵۹۴ فما بعد] مفصّلة و في [فهرست مشترک پاكستان ۱: ۸۲۱ ـــ ۸۲۲] ذكر الكتاب و مؤلّفه و وصف ثلاث نسخ منه في بلدة لاهور و السلام. م‌ع‌ر في ۱۷ صيام ۱۴۱۱.

---

۱. عدد «۱۰۸۲» زیر دو بیت در متن ذریعه نوشته شده است. ب

«شاهنامه» ص ١٦ رقم ٤٩: يراجع لزاماً «ديوان فردوسي طوسي ٩: ٨٢١: ٥٥٣١» و ذكر الدكتور فتح‌الله المجتبائي في مقال له عنوانه «نسخه‌ای کهن از شاهنامه فردوسی» طبع في مجلّة «آينده ١٩: ٢٩١ ــ ٣٠١» انّ الأقرب إلى الصواب في تاريخ ولادة الفردوسي سنة ثلثمائة و ثلثين دون ما هو المشهور في تسع و عشرين.

«شاهنامه پهلوی» ص ٢١ رقم ٥٢: راجع مجموعة «خاطرات وحيد ١: ٣٣٩ فما بعدها».

«شاهنشاه نامه حسينى» ص ٢٢ رقم ٥٦: يأتي أيضاً في ج ١٤ ص ٢٦٢ بعنوان شهنشاهنامه حسيني.

﴿الشبهات﴾ ص ٢٤: يراجع (الجواب) في (ج ٥: ١٨٤ ــ ١٨٥) متعدّدة.

«شبستان نكات» ص ٢٤ رقم ٦٥: أقول نسخة منه في خزانة مكتبة سپهسالار بطهران كما مرّ في «ديوان فتّاحي ٩: ٨٠٧: ٥٤٤٤» و لم نعثر على ما يدلّ على تشيّع الرجل فليتتبّع.

«شبهة ابن كمونة» ص ٢٤ و ٢٥: قال محمّد بن أحمد الخفري في أواخر حاشيته على شرح إلهيات التجريد[1] للقوشجي في مبحث نفي الشريك بعد بحث طويل ما لفظه (و بذلک يندفع شبهة ابن كمونة الذي بإبدائها صار افتخار الشياطين) انتهى. ثمّ كتب أحد فضلاء السادة الخاتون آباديّين في نسخته بهامش تلك الموضع ما لفظه الشريف «و شبهة ابن كمونة هي التي ذكرها الشارح بقوله و أقول هذا من قبيل اشتباه المفهوم الخ و حاصل شبهة هو أنّ تعيّن أفراد الواجب عبارة عن نفس ذات كلّ واحد منها ليس معلّلاً بشيء و وجوب الوجود المعوّل عليها عرض فيمكن وجود الشريک له تعالى عن ذلک علوّاً كبيراً» انتهى و في كتاب اللمعات الإلهيّة للملا عبدالله الزنوزي (ص ١٣٠ ــ ١٣٩) لمعة إشراقية في توضيح الشبهة و حلّها و انظر حول الشبهة إلهيّات «كتاب الشفاء ٢: ٣٠٤ الطبعة القديمة» لابن سينا و من أحدث الكتب التي تكلّم فيه عن الشبهة المذكورة و أجاب عنها تفصيلاً بالفارسية هو كتاب «الإلهيّات في نهج البلاغة» المطبوع باسم

---

١. ن: التحرير.

«الهيات در نهج البلاغه نوشته لطف الله صافي گلپايگاني ص ١٣٣ فما بعدها ط طهران ١٤٠٢» فليراجع و انظر أيضاً «الأنوار النعمانيّة ١: ١١ ط تبريز» للسيّد الجزائري و تعليقة المحشّي عليه هناک و قد استعان بما ذكره شيخنا المصنّف في المتن من دون إشارة إلى ذلک و هذا دأبه في جميع ما كتب و ألّف كسائر خلقياته و نفسيّاته الخاصّة عصمنا الله تعالى من الزلل و الخطا و الخلل في القول و العمل و يأتي «عرش التقديس» في ردّ الشبهة في موضعه فراجعه ثمّ اعلم أنّ ابن كمونة اليهودي صاحب الشبهة هذا غير صاحب [تنقيح الأبحاث] و [اللمعة الجوينية] فإنّه متأخر و من جملة أعقابه الملاحدة الإسرائيليّين الغنوصيّين انظر ما كتبناه بهامش (ج ١٨: ٣٥١: ٤٣٨) و الله العاصم. و صلّى الله على سيّدنا و نبيّنا محمّد و آله الطيّبين الطاهرين. م‌ع‌ر عفي عنه في ليلة ١٦ ج ٢ سنة ١٤٠٥

﴿الشتميّة﴾ ص ٢٦: راجع [دليل المتحيّرين] للسيّد كاظم الرشتي في (ج ٨: ٣٦٠: ١٠٨٩).

«شجار العصابة في غسل الجنابة» ص ٢٦ رقم ٧٤، قطب‌الدين: يأتي له نوّر الله مرقده «منهاج البراعة» في ج...

«الشجرة في أنساب السادة البررة» ص ٢٧ رقم ٧٨ س ٨، و منها في ص ٢١۶ و ٢٥٨: أقول إنّي لم أجد في ص ٢٥٨ بل فيما بعد ص ٢١٦ ذكر الكتاب المذكور و المرادف الذي أثبته شيخنا المصنّف لاسم الكتاب من إضافته فإنّ نصّ المأخذ في ص ٢١٦ من الترجمة المطبوعة بطهران سنة ١٣٥٣ هكذا «و أحمد بن أحمد مادراني در كتاب شجره آورده است» و المادران موضع مذكور في كتاب الأنساب للسمعاني و الله العالم. م‌ع‌ر في ٢٧ صفر الخير ١٤١٧

«شجرة الأولياء» ص ٢٩: أقول لم يرقم الكتاب هنا سهواً فإنّ المصنّف و إن ذكره مجملاً في «الأنساب ٢: ٣٧٣» و في «أنساب المشجّرة ٢: ٣٨٢» إلاّ أنّه لم يرقمه فيهما أيضاً و أحال التفصيل إلى هذا الموضع و قد رأى السيّد عليرضا ريحان اليزدي نسخة من هذا الكتاب عند أخيه في يزد و وصفه في كتابه «آئين دانشوران ٢٢٨ ط ٢» في ترجمة مصنّفه السيّد أحمد و نقل أوّله و آخره الذي ينتهي بقوله (قد تمّ في شهر محرّم الحرام سنة

١٢٤٤) انتهى و ذكر الريحان أنّ السيّد أحمد ألّف كتابه هذا بالفارسية حسب رغبة محمّد زمان خان حاكم يزد و أنّ الباعث على تأليفه أنه رأى السيّد كتاب الشجرة النبويّة الذي اسمه الدرّة المضيئة و العروس المرضيّة و الشجرة النبويّة و الأخلاق المحمّديّة لابن عبدالهادي الحنبلي فألّف هو هذا الكتاب في مقابلته ثمّ بسط الريحان الكلام حول كتاب ابن عبدالهادي و نسخته فراجعه. و الرجل مترجم له في الزركلي ٨: ٢٢٥ و قال إنّ كتابه الدرّة المضيئة رسالة في الشجرة النبويّة و أنّه مطبوع. م‌ع‌ر في ج ٢ ١٤١٢

«**الشجرة الإلهيّة**» ص ٢٩ رقم ٩٠ س ٨، **الطبعة الثانية**: أظنّ أنّ المؤلّف ره أراد بها الطبعة التي طبعت بطهران سنة ١٣٠٢ق خلف الطبعة الثانية لكتاب منهج المقال و لكنّ الأمل لم يطبع قبل هذه الطبعة فلاتغفل و الفهرس المذكور على هامش ص ٦٨ فما بعدها من هذه الطبعة و لم يطبع الفهرس على هامش الأمل المطبوع بطهران أيضاً خلف طبعة أُخرى من منهج المقال سنة ١٣٠٧.

ثمّ لايخفى أنّه قد اشتبه الأمر في نسبة الشجرة و الثمرة إلى الفيض استناداً إلى فهرس تصانيفه المذكور و الحقّ أنّ نسبة الكتابين في الحاشية المكتوبة على هامش الأمل راجع إلى ميرزا رفيعا و الحاشية الموصوفة و إن كتبت في ذيل فهرس تصانيف الفيض على هامش الأمل لكنّها حاشية مستقلّة للسيّد محمّد إبراهيم بن محمّد معصوم القزويني على أمل الآمل و لا ربط لها بالفهرس المذكور كما يعلم حقيقة الأمر بأدنى دقّة و قد نظرنا في نسخة أمل الآمل التي هي بخط جدّنا العلاّمة صاحب الروضات و عليها تعليقات السيّد محمّد إبراهيم و وجدنا الحاشية هناک عند ترجمة الميرزا رفيعا كما ذكرنا فلاتغفل. م‌ع‌ر في ٢١ شهر شعبان ١٣٩٨

«**شجرة السبطين و شرعة الشطين**» ص ٣١ رقم ٩٨: **أقول** انظر «الأنساب ٢: ٣٧١: ١٤٩٨» مع التكملة.

«**شجرة الطور في تفسير آية النور**» ص ٣٢ رقم ١٠٧: **أقول** مرّ ذكره في ج ٤ ص ٣٣٤ رقم ١٤٢٧.

«**الشجرة الطيّبة في أحوال العلماء المنتجبة**» ص ٣٥ رقم ١١٦: **أقول** ينقل عن الشجرة هذه في أعيان الشيعة ج ٤٦ ص ١٤٥ ترجمة السيّد ميرزا محمّدعلي الشهرستاني عن السيّد نفسه.

«**شجرة مباركة**» ص ٣٦ رقم ١٢٠: **أقول** يظهر ممّا أورده شيخنا المصنّف ره في طبقاته «الروضة النضرة ص ٦١٦» انه لم يعثر على أزيد ممّا ذكره هنا حول الشجرة و مصنّفها و توجد في المرعشيّة بقم مخطوطة «العروة الوثقى» و «زبدة الأُصول» كلاهما للشيخ البهائي المتوفّى ١٠٣٠ استكتبهما مصنّف الشجرة فرغ من كتابة العروة سنة ١٠١٢ فكتب له الشيخ بهاءالدين ره خلفها إجازة صغيرة في أواخر العشر الأوّل من ذي‌قعدة (كذا) الحرام من السنة نفسها و وصف المجاز فيها بقوله بعد البسملة «قرأ عليّ الولد الأعزّ الأمجد و الأفضل ذو الطبع الوقّاد و الذهن الألمعي النقّاد و الفطرة العالية و الفطنة الجالية و التدقيقات العالية و التحقيقات الرايعة نصيراً للإفادة و العزّة و الدين محمّدا... تفسير الفاتحة من تفسيري الموسوم بالعروة الوثقى قراءة فهم و إتقان و محض و إيقان و استشراح عن الخفايا و قد أجزت» الخ و يظهر من فهرس المكتبة أنّ اسم الرجل محمّد بن عبدالحي الشريف المشهور...[1] و الله العالم.

ص ٣٦ س ١٩، **محمّدنصير التنكابني**: راجع (ج ٢٥: ٥٥: ٢٩٥).

«**الشجرة المورقة و المشيخة المونقة**» ص ٣٧ رقم ١٢٣: **أقول** مرّ ذكره في «كتاب الإجازات ١: ١٢٩: ٦١٥» و مرّ له في هذا الجزء (شجرة الخلد) ص ٣٠ و طبع باسمه حوالي عام ١٤٠٠ في بيروت كتاب (الروض الفتيق الخالق و مونس الكئيب العاشق) و هذا خطأ محض فإنّ مؤلّفه قد صرّح فيه بأنّ محمّد البكري الصديقي أُستاذه و هو من شوافع القرن العاشر في مصر ثمّ لايخفى أنّه قد مرّ في ج ٥ ص ١٣٨ أنّ إمام الحرمين هذا توفّي بالكاظميّة سنة ١٣٠٣ كما أنّه ذكر شيخنا المؤلّف طاب ثراه كلّ واحد من إجازات الشجرة مستقلاً في مواضعها من (ج ١١) في فصل (رسالة الإجازة).

ص ٣٨ س ٥، **و بعض إجازاته لغيره**: و مجموع الكتابين كان في مكتبة السماوي كما ذكره في ج ٥ و نسخة من «الشجرة المورقه» في مكتبة النجفي المرعشي في قم عرّفت في «فهرس المكتبة ١٤: ٢٢٣: ٥٤٣٣» فيها إثنان و ثلثون عنواناً منها إجازة و منها استجازة و منها شهادة و تاريخ جمعها في جمادي الآخرة ١٢٨٢ فالنسخة الموصوفة في

---

١. چند كلمه بدليل ناخوردگى ناخوانا است. ب

المتن و تاريخها ۱۲۸۳ أتمّ و أكمل من هذه و الله أعلم. ثمّ حصّلنا مصوّرة من النسخة المرعشيّة و بآخرها صورة إجازة جدّنا الإمام المجدّد صاحب الروضات أعلى الله تعالى مقامه و الحمد لله.

ص ۳۷ س ۲۳، **السيّد محمّدرضا بن محمّد صالح الحسيني**: أقول هو المذكور في الكرام البررة ص ٥٥٦ و الذريعة ١١ ص ٢٣ و دانشمندان مهدوي ص ۳۳۱ و عندنا صورة إجازة صاحب الروضات له أيضاً أي لإمام الحرمين تاريخها سنة ۱۲۸۳ و النسخة بخط جدّنا العلاّمة السيّد جلال‌الدين كما أنّ عندنا أيضاً أصل إجازة إمام الحرمين لجدّنا العلاّمة السيّد ميرزا مسيح بن صاحب الروضات المورّخة سنة ۱۳۰۱ و الحمد لله.

«شجره نامه خاتونآبادين» ص ۳۸ رقم ۱۲۵: انظر ترجمة ميرزا عبدالكاظم في الكواكب المنتثرة ص ٤٤٢ / ٤٤٣ و منية الراغبين ص ٤٦٧ و كشف الارتياب ص ١١٤ و هو أي الكشف ناقل عن المنية من دون إشارة إلى مأخذه و في كليهما عدّة أخطاء فلايغفل.

يراجع للخاتونآبادين كتاب منتهى الآمال ج ٢ ص ٥٥ و وقايع السنين.

ص ۳۹ س ٦، **اخوانه**: يعني إخوان جدّه عبدالحسين.

ص ۳۹ س ۸، **السيّد محمّدباقر**: أقول إنّ هذا من سبق القلم و إنّ الصواب السيّد مرتضى بن السيّد جعفر بن السيّد ميرزا محمّدباقر صدرالعلماء كما ظهر لنا بعد التأمّل في ترجمة السيّد ميرزا محمّدباقر المذكور المتوفّى سنة ۱۳۱۳ في «نقباء البشر رقم ٤٨٢» فإنّه قال في آخر الترجمة ما لفظه [السيّد مرتضى نزيل النجف الأشرف حتّى اليوم و المعروف بصدر العلماء زيد عزّه] انتهى و قال شيخنا في «الذريعة ٨ رقم ٨٩٥» إنّ نسخة الشجرة نامه المذكورة موجودة في طهران عند السيّد الحاج آقا يحيى بن ميرزا محمّدباقر صدرالعلماء و هو عمّ السيّد مرتضى المذكور و الله العالم. م‌ع‌ر في ١٦ قع ١٤١٨

ص ۳۹ س ۱۷، و **(الأصل) لابن المصطفي**: الصواب «الأصيلي لابن الطِقطَقى» كما لايخفى.

ص ٤٠ س ٦، **المعروف بالسيّد أغا الامام**: الصواب المعروف بالسيّد آقا إمام.

«شجرة النبوة و ثمرة الفتوة» ص ٤٠ رقم ١٢٨: أقول مرّ له آنفاً «الشجرة الطيّبة ٣٣: ١١٠».

«شجون الأحاديث و زهرة الحكايات» ص ٤٢ رقم ١٣٣ س ١٠، **الحسيني**: الصواب الحسني بفتح الحاء كما بيّناه فيما سبق في التعليقة على كتابه «أنساب آل أبي‌طالب» ج ٢: ٣٧٦: ١٥١٣.

«الشرايع» ص ٤٦ رقم ١٥٧: يراجع شرايع الدين رقم ١٦٤.

«الشرايع» ص ٤٧ رقم ١٥٨: أقول مختصر كتاب الوافي الكبير لمؤلّف الأصل هو [الشافي ٩: ٢٠] و لايعقل اختصاره مرّتين[١] و الشريعتمدار المذكور في المتن هو ابن خال جدّتنا و لم يكن له ولد باسم الشيخ أبي‌القاسم رأساً.

«شرايع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام» ص ٤٧ رقم ١٦١: للكتاب ترجمة بل شرح حافل مطبوع بالفارسية لأبي‌القاسم بن أحمد اليزدي فرغ منها في ١٢٤٣ وضع لها مقدّمة مبسوطة في مباحث الدراية ثمّ شرع في ترجمة كتاب الجهاد إلى آخر الكتاب و لم يترجم العبادات ظاهراً و طبع الكتاب في أربع مجلّدات في مطابع جامعة طهران.

رأيت حوالي سنة ١٣٧٠ على ظهر نسخة من الشرايع أرقام مسائل عدّة كتب فقهيّة منها ما قال «شرايع الأحكام ثلثة عشر ألف مسئلة» انتهى و الله العالم.

مرّ ذكر نسخة ثمينة من الشرايع في «الإجازة ١: ١٦٤: ٨١٦» و انظر وصف نسخة اُخرى ثمينة أيضاً في «الحقائق الراهنة ١٨٧» و مقدّمة دانش‌پژوه للمجلّد الرابع من «ترجمه فارسى شرايع الإسلام ٥» و رابعة في المقدمة المذكورة ص ٧.

ص ٤٨ س ١٧، **بخط الشيخ محمّد بن اسماعيل**: انظر الحقائق الراهنة ١٧٩ و الأنوار الساطعة ص ٣٠.

ص ٤٩ س ١٨، **في طهران**: أقول انظر لها الأنوار الساطعة ص ١١٢.

ص ٥٠ س ٤، **الي نشره**: أي المختصر النافع.

«شرايع الدين» ص ٥١ رقم ١٦٤: يراجع الشرايع لابن بابويه رقم ١٥٧.

---

١. احتمالاً منظور آقا بزرگ اختصار مفاتيح الشرايع بوده است. ب

«شرح آداب البحث» ص ٥٣ رقم ١٧٠: أقول انظر الحواشي على شرح آداب البحث في ج ٦ ص ١٠٩ و ما ذكرناه في التكملة و سيأتي «شرح أشكال التأسيس».

«شرح إثبات الجوهر المفارق» ص ٥٨ رقم ١٨٧: أقول مرّ في (ج ١: ٨٨: ٤٢١) أنّ لشرح الداوني هذا حاشية للمولى حسين الإلهي الأردبيلي أقول ذكر صاحب رياض العلماء (٢: ١٠٢) انّه رأى نسختها بخط مؤلّفها.

«شرح إثبات الواجب» ص ٦٠ س ٦، الحاشيه: أقول إنّ الذي مرّ هناک هو الحاشية على إثبات الواجب للدواني و قد اشتبه الأمر على شيخنا المصنّف في أحد الموضعين و الله العالم.

«شرح الاثنى عشرية في الطهارة و الصلاة» ص ٦٠: مرّ ذكر الإثني عشريّة في (ج ١: ١١٦: ٥٦١) فانظره.

«شرح الاثنى عشرية» ص ٦٠ رقم ١٩٠: أقول الشيخ نجيب‌الدين هذا له ترجمة في [رياض العلماء ٤٠: ٢٤٥ ــ ٢٥٠] و ذكر له شرحه المذكور قائلاً «و تاريخ تأليفه سنة ثمان و ثلاثين و ألف من الهجرة و رأيت شرحه هذا في مشهد الرضا عليه‌السلام قال في أوّله أنّه ليس لتلک الرسالة شرح سوى حاشية الشيخ البهائي على بعض مواضعه» الخ و من الغرائب أنّ الأفندي ره كانت عنده نسخة من هذا الشرح الشريف ناقصة من أوّلها بمقدار ورقة أو ورقتين و لهذا لم يعرفها الأفندي طول حياته و بقيت بعدها أيضاً كذلک حتّى منّ الله عليّ بمعرفتها في يوم الخميس ١١ شوال المكرم ١٤٠٦ و ذلک بالغور في كلمات الشارح في أوائل الموجود من النسخة حيث يذكر اسناده في رواية الحديث و عرفناه بعد الرجوع إلى «الذريعه ١: ص ٢٢١: ١١٦١ و ص ٢٥٠: ١٣١٧» و أمّا الأفندي طاب مضجعه فقد كتب أوّلاً على الورقة الأولى ما لفظه [كتاب شرح الرسالة الإثنى عشريّة للشيخ حسن بن الشهيد الثاني في الصلوة و الشرح تأليف الشيخ البهائي قدّس سرّه] ثمّ بعد مدّة لمّا وقف خطائه في نسبة هذا الشرح إلى البهائي أضاف بين كلمتي التأليف و الشيخ البهائي قوله (بعض تلامذة) انتهى و هو الصواب و السلام.

«شرح الاثنى عشرية» ص ٦١ رقم ١٩٣ س ١١، كعادته: يعني انّ عادة الشيخ جرت على ذكر اسمه الشريف في مفتتح آثاره و لكنّه ليس في هذا الشرح اسمه. أقول و لعلّ

شيخنا المؤلّف ره يشير في كلامه هذا إلى ما خطر بباله من استبعاد ما في نسبة الرسالة إلى البهائي مضافاً إلى أنّه كان أسنّ من جدّنا الشيخ حسن بستّ سنين تقريباً و عاش بعده قريباً عن عشرين سنة و لكن لا إشكال في ذلك فنسخ الرسالة متعدّدة و مرّ ذكرها بعنوانها الصحيح «الحاشية عليها ٦: ١١: ٢٩» و انظر ما ذكرناه في التكملة هناک و ههنا في «شرح الإثنى عشريّة ص ٦٠: ١٩٠».

«شرح أدعية السرّ و ترجمتها بالفارسية» ص ٦٨ رقم ٢٢٠: يراجع الروضات في ترجمة خليل القزويني.

«شرح الأربعين حديثاً» ص ٦٩ رقم ٢٢٤: يراجع كتاب (تراجم الرجال ص ٢٠٢) للسيّد أحمد الحسيني الإشكوري و نسخة اُخرى من الكتاب عند الدكتور السيّد أحمد التويسركاني رأيتها في شهر شعبان ١٤٠٤ و قد نقل الفاضل الخاجوئي في أوائل كتابه [بشارات الشيعة] عنه كلاماً حول لفظ الشيعة و قال بعد تمامه ما لفظه [كذا أفاد بعض أصحابنا المتأخّرين و هذا منه غريب يدلّ على قلّة تتبّعه و عدم تصفّحه] الخ ثمّ قال في الحاشية [المراد به سيّدنا الفاضل النقي الأمير محمّدزمان الأعرجي الملقّب بشاه حسيني السمناني ره في كتاب الأربعين له منه] انتهى.

«شرح الأرجوزة الرضاعيّة» ص ٧٢ رقم ٢٣٢: **أقول** عندنا منه نسخة كاملة استكتبها حسن ابن ملا زينل و ليس فيها تاريخ الكتابة إلاّ أنّها ممّا استنسخ في حيوة المصنّف قدّس سرّه بشهادة القرائن و هي نسخة غير مصحّحة و رأينا نسخة اُخرى كاملةً في شهر شوال المكرّم ١٤٠٠ عند الحاج محمّدعلي الحاج حيدري اشتراها من بقايا مكتبة المرحوم السيّد أبيالحسن الكتابي ليس فيها تاريخ الكتابة و اسم الكاتب و لكنّها أيضاً استنسخت في حيوة جدّنا العلاّمة الناظم الشارح ره.

«شرح الإرشاد» ص ٧٦ س ٩، **يأتي في حرف الميم**: ج ٢٣: ١٨٧: ٨٥٨.

«شرح الإرشاد» ص ٧٨ س ١٣، **كانت ولادة الشيخ عبدالعالي**: للشيخ عبدالعالي عليه الرحمة يراجع إحياء الداثر ص ١٢٢.

ص ٧٨ س ٢١، **(رسالة العامة البلوى)**: **أقول** رسالة العامة البلوى هذه هي المذكورة في (ج ١٥: ١٨٦: ١٢٤٥) فلاحظ ما ذكرناه في التعليقة على ما هنالک و لاتغفل.

«**شرح الإرشاد**» ص ٨٠ رقم ٢٥٨: لايخفى أنّ الذي طبع مكرّراً للشيخ الأنصاري شرح على طهارة الشرايع دون الإرشاد كما بيّناه في التعليقة على ج ١ ص ٥١٢ فليراجع.

ص ٨٤ س ٢، **شارح (نهج البلاغة) و (الأسماء الحسنى)**: أقول يراجع الذريعة ج ٢٠ ص ٤٩ و زندگينامه علامه مجلسى ج ١ ص ٣٢١.

﴿**شرح الأسماء الحسنى**﴾ ص ٨٨: للميرزا اسمعيل الآشتياني المتخلّص «شعله» كما في مقدّمة «ديوان أميري فيروزكوهي ١: ٤٣».

«**شرح الأسماء الحسني**» ص ٨٩: اسمه [التحفة السلطانيّة و الهدية الحسينيّة] كما وصفناه في موضعه من التكملة فراجعه.

«**شرح أشكال التأسيس**» ص ٩٢ رقم ٢٩٥ س ١٨، **السمرقندي**: انظر «شرح آداب البحث ٥٣ و ٥٤» من هذا المجلّد.

«**شرح أشكال التأسيس**» ص ٩٣ رقم ٢٩٧: يراجع [الأعلام للزركلي ج ٧ ص ٣٢٨] و حواشيه المط و المخ و لينقل

«**شرح اصطلاحات المتكلمين**» ص ٩٣ رقم ٢٩٨: أقول مرّ ذكره أيضاً في (ج ٢: ١٢٣: ٤٩٥).

«**شرح الأُصول و الجمل من مهمات العلم و العمل**» ص ٩٤ رقم ٣٠١: أقول انظر «المطالب المهمّة ٢١: ١٤١: ٤٣٢٧» مع التكملة.

«**شرح أُصول دراية الحديث**» ص ٩٤ رقم ٣٠٢: و سيأتي «شرح بداية الدراية ١٢٤: ٣٩٨».

«**شرح أُصول الكافي**» ص ٩٥ رقم ٣٠٤، **اسماعيل الخواتون آبادي**: يراجع منتهى الآمال ج ٢ ص ٥٥ للمحدّث القمي و «الكواكب المنتشرة ص ٢٠» و فهرسنا الكبير رقم ٥١٥.

«**شرح أُصول الكافي**» ص ٩٦ رقم ٣٠٧: و يأتي في ج ١٢ ص ٢٧ أنّه المذكور بعنوان الحاشية.

ص ٩٧ س ٢٠، **و يأتي**: في ص ٢٧ ج ١٤.

«شرح أُصول الكافي» ص ٩٩ رقم ٣١٣: انظر ص ٩٧ س ١٥.

«شرح أُصول الكافي» ص ١٠٠ رقم ٣١٤، للشيخ محمّد: المذكور في ج ١١ ص ٩٩ و ج ٥ ص ١٧٨.

«شرح أُصول كاشف الغطاء» ص ١٠٠ رقم ٣١٦: قال في (ماضي النجف و حاضرها ٣: ١٥٠) رأيته بقلم محمّد علي قفطان تمّ استنساخاً سنة ١٢٦٣ انتهى.

﴿كتاب شرح اعتقادات المجلسي﴾ ص ١٠٣: مولانا العلاّمة محمّدباقر بن محمّدتقي ره المتوفّى سنة ١١١٠؛ بالفارسية مبسوطة لتلميذه السيّد الجليل المير محمّدطاهر الحسيني الطالقاني ألّفه في حياة أُستاده و أطراه و مدحه مدحاً بليغاً في مقدّمته و فرغ منه في السابع و العشرين من شهر رجب سنة ثلث و مائة بعد الألف و النسخة كانت في مكتبة الحاج ميرزا محمّدباقر النجفي الإصفهاني الشهير بألفت فورثها ولده بهاءالدين ثمّ باعها هو للحاج محمّدعلي الحاج حيدري الورنوسفادراني و رأيتها عنده في شوال المكرّم ١٤٠٠.

«شرح ألفية الشهيد» ص ١٠٨ رقم ٣٤٠: اسمه «الجواهر المضيئة» ذكرناه في «التكملة ٥: ٢٨٠» و في تلمّذه لدى الشهيد ره تأمّل و المظنون عندي أنّ شيخنا المصنّف ره أخذ العنوان برأسه عن الروضات و عن كشف الحجب ص ٣٢٤ و إلاّ لم يعثر على نسخة منه و إلاّ لذكره و الله العالم.

«شرح ألفية الشهيد» ص ١١١ رقم ٣٤٧: أقول تراجع «إحياء الداثر ص ١٢٠ / ١١٩».

«شرح ألفية الشهيد» ص ١١٤ س ٥، و قد سمّاه بالمسالك الجامعة: الجامعيّة. صح كما مرّ في ج ٣ عند ذكر التحفة الحسينيّة في شرح الألفية له أيضاً و طبع المسالك بهامش الفوائد المليّة و عندنا نسخة و رأيت النقل عنه كذلک (الجامعيّة) بخطّ السيّد محمّد المجاهد الكربلائي في بعض كتبه الفقهيّة.

﴿شرح أنوار التنزيل﴾ ص ١١٥: انظر [شرح تفسير البيضاوي ١٥٠: ٥١٠].

«شرح بداية الدراية» ص ١٢٤ ش ٣٩٨: و قد مرّ متنه في ج ٣ ص ٥٨ و انظر ما علّقناه علي (الرعاية) في ج ١١: ٢٤١: ١٤٦٨ و مرّ آنفاً «شرح أُصول دراية الحديث ٩٤:

٣٠٢» فهو الأقدم في الموضوع من كتاب جدّنا الشهيد الثاني ره.

ص ١٢٤ س ٩، أوّله: و بعد الحمد بما هو: أقول ليس هذا أوّل شرح البداية في النسخة المطبوعة و المخطوطات الموجودة عندنا كالتي هي بخط لطف الله بن عطاءالله الحويزي في مجموعة رسائل تاريخ بعضها ١١٠٤ و إنّما أوّله ما ذكره المصنّف ره في ج ٣ ص ٥٨ أمّا المنقول في المتن هنا فهو مفتتح متن بداية الدراية فلايغفل.

ص ١٣٢ س ١، كما يأتي: أقول لايأتي بهذا العنوان شيء و راجع الكرام البررة: ٢٥١ س الأخير.

ص ١٣٢ س ٤، له أيضاً: (في ص ٣٥٦: ٤ و ١٣).

«شرح التبصرة» ص ١٣٥ رقم ٤٤٨: عندنا كتاب البيع من شرح التبصرة في ٢١٨ صفحة و الظاهر أنّ النسخة مطبوعة في النجف الأشرف فإنّ كاتبها محمّدعلي التبريزي النجفي في عام ١٣٤٥هـ كما أنّ عندنا أيضاً كتاب القضاء من شرح التبصرة طبع في النجف الأشرف بعد وفات مؤلّفه ره في حدود عام ١٣٧٠ باهتمام صهره المرحوم منضمّاً إلى رسالته في تعاقب الأيدي جمعاً في ١٦٠ص.

«شرح التجريد» ص ١٣٩ رقم ٤٦٤: هو المسمّى علاقة التجريد كما يأتي في موضعه.

«شرح تحرير المجسطي» ص ١٤٢ رقم ٤٧٣ س ١١، و الشرح لنظام‌الدين: أقول أورد ترجمته المصنّف ره في «الحقائق الراهنة ٤٦» و مرّ و يأتي بعض تصانيفه أيضاً و ليراجع كتاب «احوال و آثار خواجه نصير ص ٤٠٣ لمدرّس الرضوي» و ما ذكرناه بهامش نسختنا منه و الروضات و ذكر الرضوي انّ اسم الشرح هذا «تفسير التحرير» و فصّل الكلام حوله.

«شرح تحرير المجسطي» ص ١٤٢ رقم ٤٧٤، محمّد حسين: محمّد بن حسين صح كما يأتي في ص ١٤٤ س ٣.

«شرح التذكرة النصيرية» ص ١٤٤ رقم ٤٧٨، عبدعلي: عبدالعلي كما في النسخ التي رأيناها و ص ١٤٢.

ص ١٤٤ س ٥، سنة ٩٨٤: مرّ وفاته في ج ٤ ص ٥١ بسنة ٩٣٤ و في آثار الشيعة الإماميّة ج ٤ ص ٦٢ سنة ٩٢٤ و كذا في الورقة السابقة ص ١٤٢ رقم ٤٧٤.

ص ١٤٤ س ٩، **شرح نظام النيشابوري**: الموسوم بتوضيح التذكرة المذكور في محلّه ج ٤ و انظر في هذه الصفحة بأعلاها.

«شرح التذكرة النصيرية» ص ١٤٤ رقم ٤٧٩: و مرّ ذكر نسخة أُخرى من هذا الشرح في ج ٤ ص ٥١.

«شرح ترددات الشرائع» ص ١٤٥ رقم ٤٨٢: **أقول** هو الكتاب المطبوع في قم سنة ١٤٠٨ بعنوان [إيضاح تردّدات الشرايع].

«شرح ترددات النافع في مختصر الشرايع» ص ١٤٥ رقم ٤٨٣: **أقول** هو أيضاً طبع في قم سنة ١٤١٩ عنوانه «شرح تردّدات المختصر النافع» تحقيق و نشر دارالمصطفى لإحياء التراث للكتاب مقدّمة و خمس فهارس خرج المجموع في ١١٢ صفحة بحجم الورق و المصنّف للكتاب لم يعرف بعد أزيد ممّا في المتن و المعتمد عندهم مصوّرة نسخة السماوي و نسخة المرعشيّة بقم.

«شرح تشريح الأفلاک» ص ١٤٩ رقم ٥٠٣: **أقول** ذكر شرح القاضي فيما ذكر من شروح الكتاب الشيخ عبدالعزيز جواهر الكلام أوّلاً في كتابه (فهرست كتابخانه عمومى معارف ج ٢ ص ١٢٨) و عنه النفيسي في (احوال و اشعار فارسى شيخ بهائى ص ٩٥) و ثانياً في كتابه (دائرة المعارف الإسلاميّة ايران ج ٤ ص ٣٤١) و لكنّه لم يذكر لكلامه مصدراً و لعلّه أيضاً رأى النسخة في المكتبة المذكورة في المتن و الله العالم و ليراجع ما ذكرناه في هامش كتاب النفيسي و مقدّمتي السيّدين لكتابي القاضي نورالله ره.

«شرح تفسير البيضاوي» ص ١٥٠ رقم ٥١٠: **انظر** [الحاشية على تفسير البيضاوي ٦: ٤٤: ٢١١ و كذا ٦: ٥٩: ٣٠٠] و مرّ [جواهر الأسرار ٥: ٢٦١: ١٢٥٩].

«شرح توحيد الصدوق» ص ١٥٣ رقم ٥٢٢ س ١٦، **الملقب بحكيم كوچک**: هذا اشتباه.

ص ١٥٣ س ٢١، **للمولى محمّدكريم**: انظر ج ١ ص ١٩٦.

ص ١٥٤ س ٦، **في كربلاء**: انظر أعيان الشيعة ج ٤٧ ص ٣٣.

«شرح التهذيب» ص ١٥٧: **أقول** انظر ما ذكرناه بهامش ج ٦: ٥١: ٢٥١ و ٢٦٢ و نسختنا من هذا الكتاب الشريفة بحلّد فيه كتاب الطهارة و هذا نصّ خاتمته «و اتّفق»

الخ و بعده كتاب الصلوة ينتهي بانتهاء نسخة القاضي المذكورة في المتن من دون تاريخ التأليف بل خاتمته كالآتي قال «و قد اتّفق» الخ و في النسخة من أوّلها إلى أواخرها تصحيحات جدّنا المصنّف و إضافاته بخط يده الشريفة و عليها صورة الملكيّة لجعفر بن كمال‌الدين البحراني و للشيخ فرج‌الله العلاّمة ثمّ مهر السيّد العلاّمة حجة الإسلام الشفتي و انتقلت بعد وفاته إلى بعض بناته ثمّ باعه بعض أولاد البنت لبعض الكتبيّين فاشتريناها منه و الحمد لله ربّ العالمين و لايخفى أنّ المصنّف كثيراً ما ينقل عن شيخه البهائي و يدعو له بقوله (أيّده الله) و كلاهما قد توفّيا في عام واحد هو ١٠٣٠ و قد مرّ شرح استبصاره ره باسم استقصاء الاعتبار في ج ٢ ثمّ إنّه ذكر السيّد محمّدعلي نايب الصدر الإصفهاني في بعض إفاداته في مجموعة ٤٦٤٩ أنّ عنده نسخة حاشية الشيخ محمّدعلي الفقيه و نسخة حاشية على التهذيب هذا ثمّ إنّا قد رأينا نسخة كاملة اُخرى كالتي عندنا في سنة ١٣٨١ بطهران عند ابن عمّنا الحاج السيّد جعفر بن آية الله الحاج السيّد أحمد الموسوي الخوانساري و معها مجلّد من (ملاذ الأخيار) للعلاّمة المجلسي و كلاهما بخط جدّنا الإمام العلاّمة الحجة آية الباري الحاج السيّد أبي‌القاسم بن الحسين الحسيني الموسوي الخوانساري (١٠٩٠ ــ ١١٥٨) قدّس الله تعالى أرواحهم فرغ من طهارتها في ٦ ذي‌الحجة ١١٣٦ في قرية قودجان من قرى جرباذقان و من الصلوة في صبيحة يوم الثلثاء ١٤ محرّم ١١٣٧ في تلك القرية أيضاً و ذلك في عين نائرة فتنة الأفغان و الحاصل أنّ تلك النسخة نفيسة جدّاً ثمينة للغاية و السلام. حرّرته في ١٠ صفر ١٤٠٦

«شرح تهذيب الكلام» ص ١٥٩ رقم ٥٣٧: أقول مرّ له [الإمامة ٢: ٣٢: ١٢٧٢] مع التكملة.

«شرح تهذيب الوصول» ص ١٦٧ رقم ٥٦٧: أقول عندنا نسخة هذا الشرح الشريف و آخرها «قد فرغ جامع هذه الفوائد و ناظم هذه الفرايد الفقير إلى الله العلي حسين بن عبدالحق الإلهي الأردبيلي من جمعها و ترتيبها في آخر شهر ربيع الأوّل سنة ثلث و أربعين و تسعمائة» ثمّ بعدها توقيع الكاتب و هو يوسف بن محمّد الخلخالي و في الهامش هكذا «قابلت مع سواد الأصل و صحّحت بقدر الإمكان و العلم عند الله الملك المستعان ثمّ في شهر رمضان سنة ٩٥٦» و على ظهر النسخة ما صورته «قد ملكه بالشراء

الشرعي أقلّ العباد الحاضر منهم و الباد الحسين بن حيدر الحسيني الكركي العاملي» انتهى و هو السابق ذكره في الرقم قبله.

«شرح الجعفرية» ص ١٧٤: يأتي أيضاً سهواً في ص ١٧٦.

«شرح الجعفرية» ص ١٧٥ رقم ٥٨٧ س ١٨، احتمال: مرّ احتماله في ص ١٧٤.

ص ١٧٦ س ١، شرح الجعفرية: مرّ أيضاً سهواً في ص ١٧٤.

ص ١٧٦ س ٤، المكتبة الرضوية: رقم (٤١٣) المورّخة سنة ٩٣٧ و أيضاً رقم (٤١٢) المورّخة سنة ٩٧٦ و أيضاً رقم (٢٦٨) المورّخة سنة ٩٨٥ و أيضاً رقم (٢٦٩) المورّخة سنة ٩٥٥ و أيضاً رقم (٢٧٠) المورّخة سنة ٩٧٥ و أيضاً رقم (٨٣٧) المورّخة سنة ٩٧٢ و أيضاً رقم (٨٣٨) المورّخة سنة ٩٨٠.

ص ١٧٧ س ٢٢، سنة ١١١٩: يراجع كتابنا فهرست كتب خطى ص«...»

﴿شرح الجوهر المفارق﴾ ص ١٧٩: فهرست ظاهريه منطق ٥٦.

«شرح حال و آثار سيّد جمال‌الدين آشتياني» ص ١٨٢: انظر «خاطرات السيّد ٧: ١٣٣: ٧٢٣».

«شرح حجيّة المظنة» ص ١٨٥ رقم ٦٤١: أقول اعلم أوّلاً أنّ هذا العنوان للكتاب صحيح لا مرية فيه و قد مرّ سابقاً مسامحة بعنوان «حجيّة المظنّة ٦: ٢٧٦: ١٥٠٤» و التسامح من أجل عدم تأمّل شيخنا المصنّف ره في النسخة المطبوعة و أمّا في هذا الموضع فقد عرف الكتاب بعد التأمّل في المخطوطة أنّه شرح لمبحث حجيّة المظنّة من الهداية مع ذلک يظهر من جدّنا الشارح الإمام القمقام أنّ الأصل رسالة لوالده الحجة الهمام مستقلّة اُدرجت في كتاب الهداية صرّح بذلک في مفتتح الشرح أعلى الله تعالى مقاميهما في دارالسلام و أمّا قوله [عبدالرحيم الإصفهاني] فالصواب [الحاج محمّد رحيم بيک الايوان كيفي] و أمّا ولده جدّنا الحجة الشيخ محمّدتقي صاحب الهداية و غيره من التصانيف القويمة فهو المهاجر بعد حضوره في النجف الأشرف و تفقّهه على علمائها إلى إصفهان إلى أن توفّى إلى رحمة الله و دفن في مقبرته المعروفة و مزاره المتبرّک و توجد ترجمة الإمامين الوالد و الولد في «مكارم الآثار» و سائر تآليفنا في التراجم و الأخبار و لتتمّة الكلام انظر تكملة «هداية المسترشدين ٢٥: ١٩٥: ٢٢٨» و السلام.

أواخر شوال ١٤٠٧

«**شرح حديث البساط**» ص ١٩٠ رقم ٦٦٣: أقول عندنا ثلاث نسخ من هذا الكتاب و قد أورد الشارح في أواخره خطبة البيان المشهورة و قال في حقّها [و هي في استفاضته بين علماء الخاصّة غنيّة عن السند و الرواية] انتهى ثمّ في ختامته المسكيّة شرح حديثاً عن كتاب بصائر الدرجات للصفار «في تحقيق ارتباط كل من الظاهر و الباطن بالآخر و عدم انفكاكها عند أهل البصيرة و البصر و أنّ الإيمان بأحدهما لاينفع مع ردّ الآخر» و الحديث ما كتب الإمام الصادق عليه‌السلام في جواب المفضّل «أمّا بعد فإنّي اوصيک و نفسي بتقوى الله و طاعته» الخ.

«**شرح حديث حُبّب إليّ من دنياكم ثلاث**» ص ١٩٥ رقم ٦٨١: انظر ج ٢ ص ٩٢ و راجع كتاب [أحاديث مثنوى ٦٨: ١٨٢ لفروزانفر] لمآخذ الحديث عند العامّة.

«**شرح حديث الحقيقة و الخمس كلمات فيه**» ص ١٩٦ رقم ٦٨٤: أقول المراد بحديث الحقيقة ما ورد مرسلاً في آثار بعض الصوفية و العرفاء [انّ أميرالمؤمنين عليه‌السلام أردف كميل بن زياد النخعي يوماً على ناقته التي ركب فقال كميل ما الحقيقة؟ قال عليه‌السلام ما لک و الحقيقة؟] الخ و قد شرحها جماعة منهم الشيخ أحمد الأحسائي بشرح دقيق عميق طبع في آخر المجلّد الثاني من [جوامع الكلم] مجموعة رسائله و إفاداته مختصراً بالفارسية و ممّن شرحه كمال‌الدين حسين الخوارزمي في مقدّمة كتابه [جواهر الأسرار ٥: ٢٦١: ١٢٥٧] و نسب هناک إلى الإمام المعصوم جعفر الصادق صلوات الله عليه كلاماً في العشق لم نجده في غيره من الكتب بل ورد عنه عليه‌السلام خلافه في كتبنا الحديثيّة و الله العالم و قد بحث عن الحديث و شروحه الدانشپژوه في «فهرست مركزى ٣: ٤٦٠ ــ ٤٦٤» فليراجع و انظر «الكميلية ١٨: ١٣٩ ــ ١٤٠ متعدّدة».

«**شرح حديث حمّاد**» ص ١٩٨ رقم ٦٩٣ س ١٢، سنة **١٢٦٦**: أقول هذا التاريخ اشتباه محض و الصواب الذي لا مرية فيه و لا شبهة تعتريه انّ جدّنا الإمام العلاّمة الأفقه الأزهد المجتهد المجاهد المجدّد آية الله العظمى سيّدنا السيّد ميرزا محمّد باقر الموسوي الإصفهاني قدّس الله تعالى روحه وُلد «...»

«**شرح حديث حمّاد**» ص ١٩٨: للآقا محمّدرضا بن آقا حسين الخونساري، عندي نسخته بخط جدّنا الحاج مير أبوالقاسم منضمّة إلى كتابه الآخر (مائدة سماويّة).

«**شرح حديث الدنيا مزرعة للآخرة**» ص ١٩٨ رقم ٦٩٥: و نسخة منه عندنا في مجموعة جليلة كلّها بخط جدّنا العلاّمة الحاج السيّد محمّد شفيق صاحب الروضات قدّس سرّهما (و رقمت المجموعة ٢) و لمآخذ الحديث عند العامّة يراجع كتاب «أحاديث مثنوى ص ١١٢ لفروزانفر».

«**شرح حديث رأس الجالوت**» ص ١٩٩: أقول و للشيخ أحمد الأحسائي رسالة حول الحديث مطبوعة في [جوامع الكلم ٢: ٢٧٦ ــ ٢٨٠].

«**شرح حديث رأس الجالوت**» ص ١٩٩ رقم ٦٩٦ س ٩، **مع رسالة له**: اسم تلك الرسالة «أنوار التوحيد ٢: ٤٢٢: ١٦٦٦».

﴿**شرح حديث السفينة**﴾ ص ٢٠٠: و هو «مثل أهل بيتي كسفينة نوح من ركبها نجى و من تخلّف عنها هلك» انظر «راحة الروح» و للسيّد الإمام الأمير حامد حسين أيضاً إثبات الحديث من طرق أهل السنة و شرحه. طبع بآخر مجلّد لحديث الثقلين من [عبقات الأنوار] تجده في الجزء السادس من النسخة التي طبعت بإشرافنا في إصفهان.

ص ٢٠١: أقول توجد نسخة الحديث في مجموعة نفيسة كبيرة في المركزيّة بطهران راجع لزاماً الفهرس ج ١٥ ص ١٤٥ رقم ٣١ و لايغفل و ينقل «...»

ص ٢٠١ س ٩، **فراجعه**: في ص ٢٦٦ رقم ٩٨٦.

﴿**شرح حديث لايلدغ المؤمن من حجر واحد مرّتين**﴾ ص ٢٠٥: انظر [الوجيزة ٢٥: ٥١: ٢٥٨].

﴿**شرح حديث قد صعدنا ذرى الحقائق**﴾ ص ٢٠٥: مرّ في [شرح حديث صعدنا] رقم ٧٠٣.

«**شرح الحديث القدسي كنت كنزاً مخفياً...**» ص ٢٠٥: أقول لم يرقمه المصنّف و لم يذكر «الأعيان الثابتة» في موضعها. و انظر لزاماً مقالة [حديث كنز مخفى و سير تاريخى آن] بالفارسية، لعلي خادم، نشرت في مجلّة [كيهان فرهنگى الرقم المسلسل ٤٦: ١٦ ــ ١٧] و انظر أيضاً كتاب [احاديث مثنوى ٢٨ ــ ٢٩: ٧٠] لفروزانفر و ذكر الحديث أيضاً رشيدالدين الميبدي في تفسيره [كشف الأسرار ٦: ٤٧٧ و ٨: ٣٨٧] و صدرالدين الشيرازي في [أجوبة المسائل ١٥٠ ــ ١٥١] و الظاهر أنّه لايوجد في كتب الحديث لا من الشيعة و لا من السنة.

«شرح حديث لولاک لما خلقت الأفلاک» ص ٢٠٦ رقم ٧٢٤: أقول طبع السؤال و الجواب في [جوامع الكلم ٢: ٢٥٤ ــ ٥٥ ط تبريز ١٢٧٦] و تمسّک بالحديث أيضاً الصدرا في «أجوبة المسائل ص ١٥١» و كثير من أصحاب التصوّف و العرفان في كتبهم الدائرة السائرة مثل كتب السيّد حيدر الآملي و غيره و بعض مآخذه في كتاب «أحاديث مثنوى لفروزانفر الرقمين ٥٤٦ و ٦٥٥» إلاّ أنّ للحديث عجز يعدّ من أسرار المعصومين صلوات الله عليهم أجمعين و هو [و لو لا علي لما خلقتک و لو لا فاطمة لما خلقتكما] فتكلّم الأحسائي حول الفقرة الأُولى و هي لو لا علي من دون اطّلاع على المأخذ و لا على فقرة الأخيرة و أمّا تمام الحديث النفيس فمأخذه الوحيد ما ذكرناه في التكملة ١٨: ٥٥ كشف اللآلي» فراجع و اغتنم و الحمد لله و انظر ما ذكرناه في التكملة على [مولد فاطمة عليها السلام ٢٣: ٢٧٥: ٨٩٦]. في ٢ ج ٢ ١٤٠٩

«شرح حديث من عرف نفسه فقد عرف ربه» ص ٢٠٨ رقم ٧٣٤: للحديث و بعض شروحه يراجع كتابنا «فهرست كتب خطى ج ١ ص ٢٢٠» و أيضاً تعليقاتنا المطبوعة و المخطوطة على رسالة الجبر و التفويض لصدر المتألّهين ص ١١ و من جملة الشارحين للحديث هو الآخوند ملاّ حبيب الله بن علي مدد الكاشاني اسمه (قبس المقتبس) طبع خلف (مجمع الفوائد و ملتقى الشوارد) في قم سنة ١٣٩٩ و منهم السيّد محمّد النوربخش المذكور في «ديوان نوربخش ٩: ١٢٢٨: ٦٩٧٤» شرح عرفاني مختصر عندنا نسخته المكتوبة سنة ١٠٠٩ بخط ناصبي في مجموعة من ملفتات النواصب خذلهم الله ردّاً على شيعة أميرالمؤمنين علي بن أبي‌طالب صلوات الله و سلامه عليه.

«شرح حديث من عرف نفسه» ص ٢٠٨، اسمه اصول من عرف: ليطمئنّ قلب من عرف لعمادالدين المازندراني أوّله (الحمد لله الواحد الصمد) ذكره في (كشف الحجب) (كذا في ج ٢).

«شرح حديث نية المؤمن خير من عمله» ص ٢٠٩ رقم ٧٤٠ س ١١، خاتمة السبع الشداد: أقول و أشار إليه أيضاً في [شرح الصحيفة الكاملة ٣٩٤ ط قم].

«شرح حكمة الإشراق» ص ٢١١ رقم ٧٤٩: أقول انظر [الحاشية على حكمة الإشراق ٦: ١٢١: ٦٥١].

ص ٢١١ س ١٦، **القطب الشيرازي محمّد بن مسعود: أقول** كذا في «مختصر شرح حكمة الإشراق ٢٠: ١٩٨: ٢٥٥٨» و لكن الصواب محمود بن مسعود و تاريخ وفاته كما يأتي في الموضع المذكور ٧١٠ و ما في المتن غلط و انظر ترجمة الرجل في الأعلام للزركلي و هناک صورتان من خطّه و إمضائه. ثمّ اعلم أنّ من تصريح ابن العتايقي عليه الرحمة بأنّ شارح الكتاب هو القطب الشيرازي يظهر جليّاً بطلان نسبته إلى تلميذه القطب الرازي البويهي كما هو رأي الاستاذ جلال الهمائي في «مولوى نامه ١: ١١٠: و ٢: ١٠٨١» ثمّ إنّ من الغرائب إيراد ترجمة القطب الشيرازي في الحقائق الراهنة ٢١٢ مع تصريحه هنا بأنّه من العامّة فليكن الإدخال من طرف القائم بنشر الكتاب لذكره الغنوص المبتدع من عنده في خلال الترجمة و الله الهادي.

«**شرح حكمة الإشراق**» ص ٢١١ رقم ٧٥٠: **أقول** مستعيناً بالله الصمد إنّ الشيخ البهائي ره في آخر كتابه [شرح الأربعين حديثاً]قال ما نصّه [و قد نسب العلاّمة في شرح حكمة الإشراق] الخ فلعلّ مأخذ سيّدنا الصدر في نسبة الشرح إلى العلاّمة هو كلام الشيخ البهائي و لابدّ أنّ الصدر نسب الشرح إلى العلاّمة الحلّي مولانا الحسن بن يوسف قدّس سرّه و لكن كلام البهائي مجملٌ اقتصر فيه على وصف الشارح بالعلاّمة فقط و لم نجد في أسماء مصنّفات العلاّمة الحلّي ره شرحاً على حكمة الإشراق و إنّما الشرح المعروف المطبوع الدائر لقطبالدين محمود الشيرازي المعروف عند القوم بالعلاّمة أيضاً (متوفّى ٧١٠) و هو الذي يوجد في مكتبة السيّد المشكوة المهداة إلى (كتابخانه مركزى دانشگاه طهران) بعين النسخة الموصوفة في المتن و التفصيل في فهرس المكتبة المركزيّة ج ٣ ص ٤٥٥ ـــ ٤٥٩. ثمّ إنّ السيّد الداماد ينقل في كتابه [القبسات ١٠٣ و ٣٧٣ ط ٢] عن شرح حكمة الإشراق و يصف الشارح بقوله [بعض المحصّلين] من دون ذكر اسمه و على كلّ حال فلا إشكال في كون القطب الشيرازي من العامّة دون الخاصّة و الله العالم. في شهر رجب ١٤١٠

و ليعلم أنّ العلاّمة المجلسي قدّس سرّه نقل كلام الشيخ البهائي في كتبه مثل «مرآة العقول ١٤: ٢٢٤» و «ملاذ الأخيار ٣: ٣١٢» و «بحارالأنوار «...» و تعبيره بعين ما في الأربعين البهائية من قوله «و قد نسب العلاّمة في شرح حكمة الإشراق» و هكذا

العبارة في «رياض السالكين ١: ٣٣٨ ط قم» للسيّد عليخان الشيرازي أعلى الله مقامه نقلاً عن البهائي أيضاً و قد صرّح باسم صاحب شرح حكمة الإشراق و لقبه الشيخ محمّد بن علي المشتهر بابن خاتون تلميذ الشيخ البهائي في شرح أربعين أُستاذه الذي ألّفه في حيوة الأُستاذ فكتب له تقريظاً في ١٠٢٧ و التصريح في آخر الكتاب (ص ٤٦٦ ط ١ بمبئي) حيث قال [مولانا قطب‌الدين محمّد علاّمه در شرح حكمة الإشراق] الخ فبعد هذا التصريح لايبقى أدنى شک في أنّ شرح حكمة الإشراق للقطب الشيرازي دون العلامة الحلّي جمال‌الدين الحسن بن يوسف أعلى الله درجته و السلام. حرّر في ليلة ٧ شهر ع ١ سنة ١٤١٢

﴿شرح خطبة البيان﴾ ص ٢١٨: عثرتُ على نسخة نفيسة من مقدّمة شرح الخطبة في أسرار مناقب أميرالمؤمنين عليه‌السلام مشتملة على مطالب عالية عرفانيّة و لم يتجاوز النسخة تلک المقدّمة الطويلة و كأنّه لم يكتب من شرح الخطبة شيئاً أو كتب و بقي في المسوّدة و الله العالم و المؤلّف هو مولانا محمّدتقي بن مجلسي الإصفهاني قال في أوّله بعد الديباجة (امّا بعد مخفي نماند كه چون خطبه مباركه موسومه بخطبة البيان از جملهٔ خطب مولاى مؤمنان و پيشواى متقيان) الخ و النسخة كتبت في حياة المؤلّف بأمر ولد الفاضل مولانا محمّدجعفر (ظ) و في بعض المواضع خط المؤلّف رحمه الله تعالى و انظر ج ٧ ص ٢٠١/٢٠٠ و أيضاً ما نقلناه في التكملة على «شرح حديث البساط ١٩٠: ٦٦٣» عن القاضي سعيد القمي في اعتبار هذه الخطبة.

«شرح خطبة التطنجيّة» ص ٢١٩ رقم ٧٧٨: مرّ ذكر الخطبة في (ج ٧: ٢٠١: ٩٨٩) فلاحظ.

ص ٢١٩ س ٢٠، (مرآة الكتب): ثمّ طبع قسم من أوّله باعتناء الشيخ عبدالله ثقةالإسلامي في طهران عام ١٤٠٥ كما نذكره في موضعه من الميم.

﴿شرح خطبة مولانا أميرالمؤمنين عليه الصلوة و السلام في جوامع التوحيد رواها ثقة الإسلام في الكافي﴾ ص ٢٢٠: للمولى النراقي صاحب «شرح حديث رأس الجالوت ١٩٩: ٦٩٦» طبع بعد الشرح المذكور منضماً إلى «مشكلات العلوم ٢٨٣ ــــ ٣٠٠ ط ٢» و طبع له بعده «فائدة في حقيقة الإيمان و الكفر و أقسامهما و مراتبهما ٣٠١ ــــ ٣١٠».

«**شرح الخطبة الشقشقيّة**» ص ٢٢٢ رقم ٧٨٦: (شرح الكرباسي) نسخة منه في ٥٠ ورقة موجودة في مكتبة السيّد گلپايگاني بقم قال السيّد الإشكوري في فهرس تلك المكتبة ج ١ ص ١٩ أنّه فرغ من الشرح في ٢٣ شهر رمضان ١٢٨٦ و أنّه شرح بالقول أدبيّ صِرف.

«**شرح خطبة قواعد الأحكام**» ص ٢٢٤ رقم ٧٩٥: أقول راجع «القواعد ١٧: ١٧٦: ٩٣٠» و ما ذكرناه بهامشها.

«**شرح خطبة همام**» ص ٢٢٥ رقم ٨٠٣: توجد نسخة أصله بخط الشارح عندنا.

«**شرح خطبة همام**» ص ٢٢٦ رقم ٨٠٥ س ٤، **سنة ١١٣٦**: الصواب أنّ المحاصرة كانت في النصف الأخير من عام ١١٣٤ كما هو معلوم و ذكره أيضاً في [مرآت الكتب] أوّل تراجمه اتبع شيخنا ره في ذكر التاريخ أعني ١١٣٦ صاحب دانشمندان و بزرگان اصفهان و اعلم أنّ المأخذ الوحيد للرجل هو التكملة و إلاّ فلم يذكره غيره من أمثال الحزين في تاريخه و تذكرته و أمّا سيّد الأعيان فذكره نقلاً عن التكملة أيضاً و الله العالم.

«**شرح خطبة همام**» ص ٢٢٦ رقم ٨٠٦: توجد نسخته عندنا في ٤٤ص فرغ من الشرح في شهر جمادي الآخر سنة ١٠٦٩ و النسخة بخط بعض ذوي أرحامنا الظاهر أنّه جدّنا من قبل بعض العمّات الحاج مير سيّد علي المجتهد (١٢٤٧ - ١٣٢٦) ابن العلاّمة الحاج مير سيّد محمّد شقيق جدّنا الإمام المجدّد صاحب الروضات قدّس الله تعالى أرواحهم فرغ من كتابتها في ١٢٦٧.

ص ٢٣٥ س ٤، **المتخلص بدارا**: أقول الصواب داور كما في ج ٩ ص ٣١٩ رقم ١٨٨٦.

ص ٢٤٢ س ٢٢، و **نسخة**: انظر ما ذكرناه في التكملة على [الإجازة ١: ٢١١: ١١٠٥].

«**شرح دعاء البيت المعمور**» ص ٢٤٧: انظر في التكملة [دعاء البيت المعمور ٨: ١٨٨].

ص ٢٤٩: أقول من جملة شروح دعاء السمات كتاب [اللمعات] الآتي في مكانه (ج ١٨: ٣٤٦: ٤١٦) و من جملتها شرح الشيخ موسى بن المرتضى بن العباس بن الحسن بن

جدّنا الإمام الشيخ جعفر كاشف الغطاء النجفي المتولد سنة ١٣١٧ كما ذكره الصحفي النجفي علي الخاقاني في [شعراء الغريّ ١١: ٥٢٠] ثمّ عقّبه بكلام فظيع ننقله لغرابته قال [شرح دعاء السمات مختصر و هذا الدعاء كما يبدو لي أنّه دعاء يهودي يعرف بدعاء شبور و فيه مدح لبني إسرائيل و قد نهيت عن قرائته و وضحت ذلك لكثير من المؤمنين] انتهى أقول يا ليت هذا الصحفي وضح ذلك للعلماء و المحقّقين و هم كثيرون في بلاده و لم «...»

ص ٢٤٩ س ٢١، **الجوقوقي**: الجَرْقُوئي. صح

«**شرح دعاء السمات**» ص ٢٥١ رقم ٩١٤: أقول رأيت نسخة منها رقم الكاتب في آخرها [قد وقع الفراغ من استنساخه في دارالسلطنة إصفهان يوم الخميس ثاني عشر شهر محرم الحرام سنة ١٢٥٥].

«**شرح دعاء الصباح**» ص ٢٥٢ رقم ٩٢٠: شايد اين شخص از اهل سنّت باشد و بنابراين معلوم نيست شرح دعاء صباحش اين دعاى مورد بحث باشد.

«**شرح دعاء الصباح**» ص ٢٥٢: أقول لم نر في النسخ التي بأيدينا اسماً كهذا لشرح الفاضل الخاجوئي و إنّما قال في المقدّمة إنّ الدعاء موسوم بدعاء الصباح و موصوف بمفتاح الفلاح و مصباح النجاح، و هو كما ترى و قد بسطنا الكلام في هذا المقام في هامش ص ٣٣٩ ج ٢١ فراجعه.

«**شرح دعاء صنمي قريش**» ص ٢٥٦ رقم ٩٤٣: ليراجع كتابنا فهرست كتب خطى ص ٣٠١.

«**شرح دوازده امام**» ص ٢٦١ رقم ٩٦٩: سيأتي ذكر هذا الكتاب أيضاً في ص ٨٨ رقم ١٨٥١ فراجعه و انظر ما علّقنا على كلامه هناک و لاتغفل.

«**شرح ديوان أميرالمؤمنين عليه‌السلام**» ص ٢٦٦ رقم ٩٨٦: و طبع أيضاً سنة ١٢٨٥ و معه الفواتح السبع.

ص ٢٦٧ س ١٢، **لاثبات تشيّعه**: أقول إنّ تشيّع الرجل بمعنى اعتقاده النصّ و العصمة و قبول ما عليه الطائفة المحقّة من العقائد الحقّة فهذا معلوم العَدم عندنا بل صرّح جدّنا الإمام المجدّد في «الروضات» مرّة بأنّه سنّي (في ص ١٩٠ س ١١) بل أنّه الناصب المطعون

(س ١) أُخرى في نفس ترجمة الرجل (الرقم ٢٦٧ ص ٢٥٨ س ٢٧) بما لا مزيد عليه و ذكرنا نحن في شرحنا للروضات أدلّة ظاهرة قويّة في ذلك وفّقنا الله لإكماله و راجع (منشآت الميبدي) في ج ٢٣ ص ٣٩.

«**شرح ديوان گلشن راز**» ص ٢٦٩ رقم ٩٩٥: مدحه جدّنا الإمام المجدّد صاحب الروضات في كتابه و أربع نسخ منه مذكورة في فهرست أحمد المنزوي ج ١/٢ في كتب العرفان ص ١٢٤٩ فليراجع.

«**شرح ديوان المتنبي**» ص ٢٧٤ رقم ١٠٠٤: يا الله؛ ذكره المصنّف في طبقات أعلام الشيعة «النابس: ١٧» بعنوان أحمد بن عبدالله بن سليمان و العهدة في ادّعاء تشيّع الرجل عليه انظر مقدّمتنا لتكملتنا هذه.

«**شرح الرائية**» ص ٢٧٨ رقم ١٠١٤: يراجع ج ١٠ ص ٥٣ و ج ١٧ ص ١١٦ و ج ٢٠ ص ٩٢.

«**شرح الرباعيات و شرح الغزل و شرح البيت**» ص ٢٧٩ رقم ١٠١٥: أقول راجع [ديوان الدواني ٩: ٣٢٩: ١٩٥٧].

«**شرح الرباعيات الفارسيات في الحكمة**» ص ٢٧٩ رقم ١٠١٦: عندنا نسخة ضمن مجموعة.

«**شرح رسالة في الحساب**» ص ٢٨٦ رقم ١٠٣٥: أقول عبارة «روضات الجنّات ١: ٢٣٤ ط إصفهان» هكذا: «و شرحه أيضاً على كتاب له ره (أي لأبيه) في الحساب» انتهى و أظنّ المتن القواعد الأربع المعروفة الحسابية التي ذكرها في «مشكلات العلوم: ١٤٩ ــ ١٧٢ ط ٢» تحت عنوان تمهيد. قوله (المتوفّى سنة ١٢٤٤) أقول الصواب (١٢٤٥) كما نقلناه عن الكرام لشيخنا المصنّف و غيره و بيّناه في حواشي الروضات.

«**شرح رسالة العلم**» ص ٢٨٧ رقم ١٠٤٥: و عندنا نسخة ضمن مجموعة.

«**شرح رسالة المعمى**» ص ٢٩٠ رقم ١٠٥٥: يراجع ج ٩ ص ٣٨٤.

ص ٢٩١: شرح الرسالة الوافية يراجع شرح الوافية.

«**شرح الروضة البهية**» ص ٢٩٢ رقم ١٠٦٣: انظر له الحديقة النجفيّة في ج ٦ ص ٣٩٠.

«شرح الزبدة» ص ٢٩٨ رقم ١٠٨٧ س ٧، سنة ١٠٦٦: يراجع لزاماً الروضة النضرة ص ٦٥.

«شرح الزبدة» ص ٣٠٠ رقم ١٠٩٩: أقول عندنا منه نسختان الأُولى منهما نسخة جدّنا الإمام المجدّد صاحب الروضات قدّس الله روحه كاتبها محمّدكاظم بن محمّد نصير المزارجريبي في سنة ١٢١٧ و عليها تعليقات كثيرة في الحواشي (منه) أي من الشارح نفسه و الثانية كاتبها محمّدعلي بن محمود جان البهبهاني فرغ منها في ظهر يوم السبت خامس شوال ١٢٣٣ نقلاً عن نسخة خط الشارح و بالهامش تاريخه كما في المتن و يظهر من خاتمة تلك النسخة أنّ الكاتب كان من أهل الفضل و الأدب و حواشي الشارح في هذه النسخة قليلة و في أواسطها حاشية للمولى أمين حفيد الشارح رقمه (أمين عفي عنه) و نقل هذا الحفيد من جملة أولاد آقا محمّدرضا بن آقا محمّدهادي ابن المولى محمّدصالح الشارح للزبدة فإنّ آقا محمّدرضا المذكور كان مقيماً في بهبهان و حضر... في شرح اللمعة السيّد... الله الجزائري المتوفى ١١٧٣ كما في إجازته الكبيرة و قال هناك... في عشر الخمسين.[1]

«شرح الزيارة الجامعة» ص ٣٠٥: اسمه «حقايق الأسرار» مرّ في ج ٧.

«شرح الزيارة الجامعة الكبيرة» ص ٣٠٥ رقم ١١١٦: يراجع فهرست مشار ص ١٠٢١ ج ١.

«شرح الزيارة الجامعة الكبيرة» ص ٣٠٥ رقم ١١١٧: أقول نقل عنه الشيخ هادي الطهراني النجفي في كتابه تفسير آية النور ص ٢٥ ط سنة ١٣١٩ق و هذا نصّ كلامه «قال جدّي العلاّمة المجلسي نوّر الله ضريحه في شرح الجامعة المثل محرّكة الحجة» الخ و قد وجدت هذا النقل حرفياً في كتابه «روضة المتّقين ٥: ٤٦٢» الذي هو شرح «كتاب من لايحضره الفقيه» بالعربيّة و الظاهر عدم عثور صاحب الذريعة على هذا الشرح و على هذا المطلب هناك فمن البعيد في الغاية أن يكون للمجلسي طاب رمسه رسالة مستقلّة في شرح هذه الزيارة الشريفة بعد آن شرحها مرّتين في شرحه على الفقيه

---

١. به دليل كامل نبودن تصوير كلماتي خوانده نشد و بجاى آن ... گذاشته شد. ب

بالعربية و الفارسية و الله العالم. م‌ع‌ر عفي عنه في ٢٣ ذي‌القعدة ١٣٩٨هـ

«شرح زيارة عاشوراء» ص ٣٠٨ رقم ١١٣٠: أقول انظر له «إنشاء الصلوات ٢: ٣٩٢» و «الأواني ٢: ٤٧١» و ما ذكرناه في التكملة لا سيّما من تاريخ وفاته و أمّا المجموعة المذكورة فعمدتها «شرح زيارة عاشوراء» في ١٦٠ص و تمامها في ٢٦٢ص و قد استكتبها بخطه الجيّد ولده الأديب الفاضل علي بن عبدالرسول المعروف بعبدالرسولي المتوفّى ١٣٦٢ و تمّ طبع المجموعة قبيل وفاة المؤلّف طاب ثراه و الباذل لنفقة طبعها هو الشاهزاده أبوالفضل ميرزا عضد السلطان ابن مظفرالدين شاه القاجار حاكم گيلان فلهذا تمّت المجموعة في غاية النفاسة من حيث الكتابة و الطباعة و الورق و التجليد رحم الله معشر الماضين و انظر كلمة عن الرجل في «خاطرات شيخ الملك ولد الملا عبدالرسول: مجموعة خاطرات وحيد ٢: ٧٢٦» و أيضاً «فهرس الرضوية ٦: ٣٣٢» و السلام. م‌ع‌ر في ١٣ قعدة ١٤٠٦.

«شرح الشافية» ص ٣١٤ رقم ١١٥٩: يراجع كتابنا «فهرست كتب خطى ج ١ ص ٣٨٥» بحواشيها الجديدة و مرّ ذكر هذا الكتاب في (ج ٣: ١٧٠: ٥٩٦: ٦) و يأتي في (ج ١٧: ٢٢٧: ١٢٤٨) مع تعليقتنا عليه أيضاً.

«شرح الشافية» ص ٣١٤ رقم ١١٦٢: «شرح شافية أبي‌فراس» قال الاميرزا محمّد رفيع نظام العلماء الطباطبائي في كتابه (مفاتيح الكنوز: ٤٠٤) بعد نقل مطالب حول الأعداد ما لفظه: (و هذا الاستنباط الغريب السني لمحمّد بن منصور بن صدر الحسني الحسيني في كتاب شرح قصيدة أبي‌فراس) انتهى المقصود من كلامه و الظاهر أنّ الرجل هو صاحب الذكرى (١٠: ٣٨: ٢١٠) و لعلّ هذا الشرح هو المذكور في المتن (الرقم ١١٦٢) و الله العالم.

«شرح الشافية» ص ٣١٥ رقم ١١٦٤: راجع (ديوان أبي‌فراس) في (ج ٩: ٤٧: ٢٦٠) و مرّ شروح الديوان في ص ٢٦٤.

ص ٣١٦ س ٢٢، ذكر (شرايع الإسلام): و قد مرّ جملة من الحواشي عليه في ج ٦.

﴿شرح الشرايع﴾ ص ٣١٧: للسيّد أبي‌طالب بن عبدالمطلب الهمداني اسمه «المواهب العلويّة» كما في مكارم الآثار (رقم ١٠٩٤).

﴿شرح الشرايع﴾ ص ٣١٧: للشيخ أبي‌علي الحائري الرجالي صاحب [منتهى المقال] نقل عنه شيخنا في الرواية الحاج الشيخ محمّدصالح الحائري المازندراني في كتاب [توضيح المسائل ٤٥٤ ط ١ طهران] و ظاهره وجود النسخة عنده و صرّح بأنّه في الطهارة و الصلاة و الله العالم.

ص ٣١٧ س ٢٠، كما يأتي: + ص ٣٢٩ ـــ ٣٣٠.

«شرح الشرايع» ص ٣١٧ رقم ١١٧٢: اسمه «منهج الاجتهاد».

«شرح الشرايع» ص ٣٢٤ رقم ١١٩٣: توفّي صديقنا المرحوم السيّد أبوالحسن المشتهر بكتابي في بيته بمحلّة مسجد حكيم في إصفهان.

«شرح الشرايع» ص ٣٢٦ رقم ١٢٠٣ س ١٣، و يظهر: لم يتبيّن لي وجه هذا الظهور مع أنّ صاحب الكشف لم يذكر له حاشية الشرايع و اشتبه عليه الأمر في ذلک كما مرّ في ج ٦ ص ١٠٧ فراجع.

«شرح الشرايع» ص ٣٢٦ رقم ١٢٠٥: أقول انظر له «المتاجر ١٩: ٦٠: ٣١٨» و ترجمة الرجل و بيته في «ماضي النجف ٢: ١٣٠ ـــ ١٣١ في ذيل الصفحتين».

«شرح الشرايع» ص ٣٢٨: أقول لايخفى أنّ الطهارة المعروفة المطبوعة للشيخ الأنصاري قدّس سرّه شرح على الشرايع و الإرشاد معاً و لعلّ اكتفاء صاحب اللوامع عن الطهارة بكتاب اُستاده بهذه المناسبة و قد سبق أن قلنا في هامش ج ١ ص ٥١٢ و في هذا المجلّد ص ٨٠ أنّ زعم الجميع بأنّ طهارة الشيخ شرح لإرشاد العلاّمة فقط زعم فاسد بل هو شرح لطهارة الشرايع هذا و للإرشاد معاً و يأتي ذكر اللوامع في محلّه (ج ١٨ : ٣٥٨).

«شرح الشرايع» ص ٣٢٩: أقول ترک المصنّف الترقيم رجاء ذكره باسمه (مدارک الأحكام) و لكنّه لم يذكره في الميم نسياناً فبقي العنوان بلا رقم و راجع (مكارم الآثار ج ٧ رقم ١٤٩٠).

ص ٣٣٠ س ٣، لعلماء قُمشه: فكيف تصرّفتم فيها يا مولانا و المصنّف لم يذكر في هذا الموضع كيفيّة وقوفه على آثار الملاّ مهدي و أنّها كانت في أيّ بلد و في أيّ بيت و عند أيّ شخص و ليراجع «مدارک الأحكام».

ص ٣٣٠ س ٧، اسم هذا الشرح (مدارک الاحکام): أقول قد مرّ في ص ٣١٧ س ١٨ قوله (أقول لعلّه حاوي مدارک الأحکام) الخ.

«شرح الشرايع» ص ٣٣١ رقم ١٢١٦: يأتي له (شرح المعالم رقم ١٧٩٤) يراجع (مطلع الشمس ج ٢ ص ٤٢٠) و (مکارم الآثار ج ٧ رقم ١٤٩٤).

«شرح الشرايع» ص ٣٣٢ رقم ١٢١٧: أقول سيأتي له «شرح الصحيفة ٣٥٩: ١٣٢٨» ثمّ (صوافي الصافي ١٥: ٩٥: ٦٢٥» و مرّ له «الخرائد ٧: ١٤٣: ٧٩١» و له تعليقات على نسخة [كنز العرفان في فقه القرآن ١٨: ١٥٩: ١١٨٤] و [النور الساطع ٢٤: ٣٦٩: ١٩٨٠].

«شرح الشرح» ص ٣٣٢ رقم ١٢٢٠: كذا في ج ٦ ص ١٢٩ ع ٦٩٦ أيضاً و الصواب أنّ شرح الشرح بهذا الوصف للسعد التفتازاني المشهور كما لايخفى.

﴿شرح شفاى بوعلى و شرح مثنوى مولوى منتخب و ممزوج از ترجمه سيّد علي بن محمّد بن اسدالله امامى عريضى إصفهاني از شاگردان آقا حسين خونسارى﴾ ص ٣٣٦: للسيّد حق اليقيني طبع بطهران سنة ١٣١٦ش (١٣٥٦ق) في ٢٨٨ص بالحجم الرقعي كما يظهر من فهارس المشار و عن المشار في «فهرست كتابهاى چاپى فارسى طبى» للدكتور محمود النجمآبادي و مرّ ذكر [ترجمة الشفاء ٤: ١١٠: ٥١٤].

«شرح الشمسيّة» ص ٣٣٦ رقم ١٢٣٨، للمولى عبدالعلي: أقول انظر له [الأبعاد و الأجرام ١: ٧١: ٣٥٢] مع التكملة.

«شرح الشمسيّة» ص ٣٣٧: أقول ذكرنا ما يتعلّق بهذا الكتاب في موضعه «تحرير القواعد المنطقيّة ٣: ٣٨٨: ١٣٩٥» و بقي أن نقول إنّ ما ذكره شيخنا المصنّف العلاّمة أنّه ألّف القطب هذا الكتاب للخواجه غياثالدين محمّد كالذي ذكره صاحب «فهرس جامعة طهران المركزيّة ٣: ٢٥» فالظاهر بل المظنون أنّ هذا الكلام مبنيّ على ما ذكره مؤلّف «كشف الظنون ٢: ١٠٦٣» و نظنّها خطأ فإنّ في النسخة المطبوعة بمصر كالمطبوعة بطهران سنة ١٢٩٩ قد صرّح في الديباجة باسم (الأمير أحمد) مقترناً بالأوصاف الفائقة و الألقاب الشامخة فلايصدق الخواجه غياث المذكور و لعلّ النسخة التي رآها صاحب الكشف كانت غفلاً عن اسم (الأمير أحمد) فقاس الأمر بكتاب (لوامع الأسرار ١٨: ٣٥٩: ٤٧٢) الذي ألّفه القطب لغياثالدين المذكور و الله العالم

بحقايق الأُمور و أمّا تاريخ التأليف فقد تكلّمنا عليه في الموضع الأوّل فراجعه مثل كلامنا على تشيّع القطب و أمّا ما ذكره من أنّ الرجل كان أُستاذ الشهيد ففيه أيضاً تأمّل أي في تتلمّذه لديه و لانعلم في ذلک أزيد من استجازته منه كما في الحقائق الراهنة ٢٠٠.

«**شرح شواهد ابن الناظم**» ص ٣٣٧ س ٢٢، و هو وهم: أقول صرّح بهذا الوهم أيضاً شيخ مشايخنا السيّد أبومحمّد الحسن صدرالدين في التكملة الآمل ٣٥٥.

«**شرح شواهد البهجة المرضيّة**» ص ٣٣٨ رقم ١٢٤٩: انظر له «عنوان نامها ١٥: ٣٥٤: ١٢٦٩» و ذكر المشار في «المؤلّفين ٦: ٦١٥» شرح شواهد التصريف و شرح شواهد العوامل و قال إنّهما طبعا في تبريز سنة ١٢٦٧.

«**شرح شواهد الربوبيّة**» ص ٣٣٩ رقم ١٢٥١: الشارح الحكمي له ترجمة في «النقباء ١٦٠٧» و «أعيان الشيعة ٤١: ٩٧».

«**شرح الشهاب الثاقب**» ص ٣٤٤: أقول انظر [الردّ على الشهاب الثاقب ١٠: ٢٠٢: ٥٣٩ و ٥٤٠] و الكلام على الشهاب في تكملتنا.

«**شرح الشفهينية**» ص ٣٤٤ رقم ١٢٧٨: اينجا بايد بعنوان شرح الشهيفينية ذكر شده باشد اگر چه متن هم صحيح است.

«**شرح الصحيفة**» ص ٣٥٠ رقم ١٢٩٦: و يأتي له [كتاب المزار] ٢٠: ٣١٧: ٣١٨٣.

«**شرح الصحيفة**» ص ٣٥٣ رقم ١٣١٢: أقول في «تكملة أمل الآمل ٣٠٠» عند تكميل ترجمة زين‌الدين مكان زين‌العابدين فراجعه.

«**شرح الصحيفة**» ص ٣٥٤: بالفارسية للعلاّمة الميرزا محمّدعلي الجهاردهي الشهير بالمدرّس المتوفّى سنة ١٣٣٤ طبع في مجلّدين بطهران حوالي سنة ١٤٠١ في ٤٥١ و ٤٥٦ص و له مقدّمة في ٢٤ص فيها ترجمة الشارح ره و ذكر الشارح سنده لرواية الصحيفة في أوّله أنّه يرويها إجازة عن العلاّمة الحاج ملاّ علي بن الحاج ميرزا خليل الطهراني أجازه إجازة عامّة لكلّ مرويّاته و هو يروي عن شيخه الشيخ عبدالعلي الرشتي عن السيّد العلاّمة بحرالعلوم الطباطبائي النجفي قدّس الله أرواحهم و بالجملة شرح المدرّس معتبر مفيد جدّاً جزاه الله تعالى خيراً.

«**شرح الصحيفة**» ص ٣٥٦ رقم ١٣١٩: نسختنا التي اشتريناها من بقايا مكتبة

مجدالدين النصيري في طهران بخط محمّد اسمعيل بن ملا محمّدحسين فرغ منها في شهر ذي‌القعدة ١١١٧ و عليها تسجيل ملكيّة الشيخ محمّدعلي الواعظ التلواسكاني في ١٣٤٠ و خاتمه و خاتم السيّد عبدالوهاب و خاتم والده السيّد محمّد مهدي بن حجة الإسلام السيّد محمّدباقر الشفتي البيدآبادي رحمة الله عليهم أجمعين و من المهمّ ما هو مكتوب على النسخة أيضاً بهذه الصورة «شرح صحيفة مولانا ميرزا محمّد خياط» انتهى و هذا يشعر بأنّ الرجل كان في زمانه موصوفاً بذلك و الله العالم و ليس في نسختنا تاريخ تأليف الكتاب مطلقاً و مرّ له (التحفة الحسينيّة في ج ٣: ٤٢٩: ١٥٥٧).

«شرح الصحيفة» ص ٣٥٩ رقم ١٣٢٨: أقول مرّ له آنفاً «شرح الشرايع ٣٣٢: ١٢١٧» و كلمة الصدر منقولة عن تكملته في «أعيان الشيعة ٥٢: ٦١».

ص ٣٦٥ س ١٨، **منه له أيضًا**: (في ص ١٣١: ٤٣٥).

«شرح العرشية» ص ٣٦٨ رقم ١٣٧٥: انظر له (شرح المشاعر) في ص ٦٥ ج ١٤.

«شرح عقايد الصدوق» ص ٣٧٠: شرح اعتقادات الصدوق.

«شرح العقائد العضدية» ص ٣٧٠ رقم ١٣٨١: أقول يراجع كتاب «شرح زندگانى ملا جلال دوانى ص ١٦٠» للشيخ علي دواني و ما ذكرت هناك هامش نسختي.

«شرح عهد أميرالمؤمنين» ص ٣٧٣: أقول مرّ أيضاً في «ترجمة العهد ٤: ١١٩: ٥٦٩» و ذكر هناك وفاته صحيحاً في سنة ١١١٠ كما نبّهنا عليه مراراً.

«شرح عهد أميرالمؤمنين» ص ٣٧٤: قوله كما يأتي أقول بل قد مرّ في موضعه من حرف الهمزة [١: ٢٩: ١٤٧].

«شرح عهد أميرالمؤمنين» ص ٣٧٤ رقم ١٣٩٨: مكرّر لما مرّ بعنوان «ترجمة العهد ٤: ١١٩: ٥٧٠».

«شرح عهد أميرالمؤمنين» ص ٣٧٥ رقم ١٤٠١: مكرّر لما مرّ بعنوان «ترجمة عهد مالك الأشتر ٤: ١١٩: ٥٧١».

«شرح عيون الحساب» ص ٣٧٥: يراجع ما ذكرناه في هامش عنوان الكتاب في ج ١٥ ص ٣٧٨.

«شرح العينيّة» ص ٣٧٥، **يأتي بعنوان (شرح القصيدة العينيّة)**: يعني بعنوان شرح القصيدة الحميري العينيّة في ص ٩ من الجزء التالي فما بعدها.

ص ٣٨٨ س ١٠، **في إجازته لابن خاتون**: إجازات البحار ص ٤٠.

«**شرح القصائد السبع العلويات**» ص ٣٩١ رقم ١٤٧٠: أقول نسبه إليه قبل الكشف صاحب «أمل الآمل: ٢٥٥ ط النجف» و نسب تاريخ وفاته إلي «مجالس المؤمنين».

ص ٣٩٣ س ١، **لأبي‌عبدالله الحسين بن أحمد الشروزني**: أقول الصواب حسين بن أحمد الزوزني من أهل زوزن بين هراة و نيسابور توفّي سنة ٤٨٤ قاض عالم بالأدب و له المصادر و ترجمان القرآن و هو من العامّة و طبع شرحه في مجموعة شعريّة أدبيّة على الحجر في سنة ١٢٧٣ بطهران و الشرح من أوّلها إلى ص ١٢١ و المجموعه في ٢٢٤ص غير مرقمة و طبع أيضاً غير مرّة كما في الفهارس مثل «فهرس المشار: ٥٦٤ ــــ ٥٦٥» و انظر «الأعلام ٢: ٢٣١» و لايخفى أنّ شيخنا المصنّف قد اطّلع قديماً على المجموعة المطبوعة المذكورة و وقف على محتواها كما سيذكر منها «شرح قصيدة البردة ٧٠: ١٥٠٠» و لمّا رأى في مفتتحها نسبة شرح القصائد إلى الزوزني صراحة أعرض عن إيرادها في هذا الكتاب و بعد مدّة عثر على مخطوطة تلك بالوصف المذكور في المتن فذكرها هنا عن النسخة المطبوعة مع ترديده الظاهر عن قوله فراجعه. م‌ع‌ر في ٢٦ قعدة ١٤١٦.

ص ٣٩٧: صحّح جميع ما في هذا الجدول في صلب الكتاب بهذا اللون الأزرق و الحمد لمستحقّه في ١٧ محرّم ١٤٠٥.

ثمّ تمّ نقل المستدركات المطبوعة خلف ج ٢٥ بتمامها و الحمد لله ربّ العالمين و تمّ في ليلة السبت ١٤ من ع ١ سنة ١٤٠٥هـ.

ص ٤٠٠، **المصحّح**: ظاهراً آقا سيّد محمّدحسن آل طالقاني مصحّح اين جزء بوده و اين كلمه از او است.


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

الجزء الرابع‌عشر

«شرح قصيدة ابن الفارض» ص ٣ رقم ١٤٧٨ س ٣، **اسمه كشف وجوه:** الصواب الوجوه كما لايخفى و في كشف الظنون ١ ع ٢٦٦ أيضاً بعد أن ذكر شرح داود من دون ذكر اسم للشرح قوله «و ذكر بعضهم أنّ اسم هذا الشرح كشف وجوه الغرّ لمعاني الدرّ» انتهى. و يأتي في ذيل الصفحة هذه أنّ كشف الوجوه الغرّ لمعاني نظم الدرّ اسم شرح عزّالدين محمود الكاشاني.

«شرح قصيدة ابن الفارض» ص ٣ رقم ١٤٨١: **أقول** الصواب نسبة الشرح إلى عزّالدين محمود فقد ذكره صاحب كشف الظنون من جملة شرّاح التائية فقال (و شرح الشيخ عزّالدين محمود النطنزي الكاشي المتوفّى سنة خمس و ثلاثين و سبعمائة أوّله الحمد لله الذي فلق صبح الوجود الخ) انتهى و وجه استظهار شيخنا من أنّه اشتباه بعبدالرزّاق ركونه و وثوقه بل اغتراره بما رآه في ظهر النسخة المطبوعة بمصر سنة ١٣١٠ ثمّ في طهران سنة ١٣١٩ و لم يحتمل ره اشتباه الناسبين في ظهر المطبوعتين و يمكن أن يكون منشأ اشتباه الناسبين ما رأوه في كشف الظنون المطبوع أو بالعكس كما سنبيّنه ثمّ إنّ المظنون أنّ طبعة طهران من شرح التائية هذا منقولة عن المصرية و اسم الكتاب «كشف الوجوه الغرّ لمعاني نظم الدرّ» كما في أوّله و انظر رقم ١٤٧٨ و ما يأتي في صدر الصفحة الآتية و انظر أيضاً عنوان الكشف في ج ١٨ ص ٦٧ من الذريعة. ثمّ أقول إنّه يظهر جليّاً من الأدلّة التي ذكرها الأُستاذ جلال همائي في مقدّمة (مصباح الهداية) لعزّالدين محمود أنّ كشف الوجوه المطبوع هو لعزّالدين المذكور من دون أيّة شبهة فراجع.

«شرح قصيدة ابن الفارض» ص ٤: (في ج ١٨ ص ٦٧) ثمّ لايخفى أنّ الحاجي خليفة ذكر في «كشف الظنون ج ١ ع ٢٦٦ ط استنبول سنة ١٣٦٠» من جملة شروح «التائية في التصوّف» قوله «و شرح الشيخ عزّالدين محمود النطنزي الكاشي المتوفّى سنة خمس و ثلاثين و سبعمائة أوّله الحمد لله الذي فلق صبح الوجود الخ» انتهى ثمّ قال بعد ذكر عدّة شروح اُخرى ما لفظه «و شرح الكاشاني أوّله الحمد لله الذي فلق بقدرته صبح الوجود الخ و هو شرح ممزوج كتب الأبيات تماماً» انتهى و قد أدخل الطابع بعد قوله «الكاشاني» من إضافات اسمعيل پاشا في متن كشف الظنون ما لفظه «هو كمال‌الدين عبدالرزّاق بن جمال‌الدين أحمد المتوفّى سنة ٧٣٠ سمّاه كشف الوجوه الحرّ (كذا م‌ع‌ر) لمعاني نظم الدرّ» انتهى. أقول و لا أعلم الآن منشأ كلام اسمعيل پاشا هذا مع أنّ الحاجي خليفه قد عنون شرح الكاشاني مرّتين و لعلّه سهى في التكرار فمرّة نسب الشرح إليه مع التصريح باسمه و لقبه و نسبته و اُخرى مكتنياً بالكاشاني فقط و في كلا الموضعين نقل أوّل الشرح و هما متّحدان تامّاً إلّا في كلمة (بقدرته) و لعلّها سقطت في الطبع سهواً و لعلّ ما أدخله اسماعيل پاشا في كلام الحاجي خليفة مستند إلى النسخة المطبوعة من كشف الوجوه الغرّ سنة ١٣١٠ بمصر على هامش شرح ديوان ابن الفارض أو العكس و ليس بوسعي الآن أزيد من هذه المطالب إلى أن نطّلع على كشف الظنون المطبوع بأروبا و مصر و على فهارس المكتبات و الله الموفّق و انظر كشف الظنون و ما علّقنا عليه و (مصباح الهداية ص ١٨ من مقدّمة الأستاذ همائي) و ما ذكرنا في هامش نسختنا من شرح ديوان ابن الفارض و نسختنا من كشف الوجوه المطبوعة بطهران و الله الموفّق حرّره العبد سيّد محمّدعلي روضاتي في ٧ صفر ١٤٠٣

تذكرة: و لابن الفارض قصيدة كافّية أوّلها ته دلالا فأنت أهل لذاكا / و تحكم فالحسن قد أعطاكا؛ أوردها بطولها الشهاب أحمد الحجازي في كتابه روض الآداب ص ١٣٣.

«شرح قصيدة بحرالعلوم» ص ٥ رقم ١٤٩٣: راجع ج ٩ ص ١٢٧ رقم ٧٨٢.

«شرح قصيدة البردة» ص ٦ رقم ١٤٩٤: قوله «لعلّ مراده» الخ أقول هذا الترديد غير صواب و الشرح المذكور على الميميّة و نسخته موجودة عندنا و بسطنا الكلام حول

المتن و الشرح و وصفنا النسخة في كتابنا المطبوع «فهرست كتب خطى كتابخانه‌هاى اصفهان رقم ۸۰».

«**شرح قصيدة البردة**» ص ۷ رقم ۱۵۰۰، و **طبع سنة ۱۲۷۳**: هذه الطبعة موجودة عندنا في مجموعة شرح المعلّقات و غيره و الشرح عظيم القدر جدّاً و يظهر من «نشرية كتابخانه مركزى ۱۱: ۲٤٥» انّه لأبي‌شامة عبدالرحمن بن إسماعيل بن إبراهيم المقدسي الدمشقي المتوفّى سنة ٦٦٥ حيث عرّف الدانشپژوه في النشريّة نسخة من الشرح وجدها في خزانة جامعة لس الجلس ناسباً له أبي‌شامة المذكور من دون ذكر مأخذه في النسبة إليه كما أنّ في النسخة المطبوعة في المجموعة المذكورة في المتن ليس فيها اسم الشارح و ما ذكرناه لاتّحاد أوّل ما نقله في المتن مع ما نقله الدانشپژوه و الله العالم و بالوصف المذكور أيضاً نسخة اُخرى في الظاهريّة بدمشق كما في فهرسها «الشعر ص ۲۸۷» و ليراجع «فهرست كتابخانه ملّى ۱۰: ۳٥٦» و لم تكن نسختنا من الفهرست حاضراً الآن حتّى ننظر فيه. ثمّ لايخفى أنّه لا دلالة على أنّ الشارح من أصحابنا مطلقاً كما توهّمه شيخنا المصنّف بصرف ما رواه في الخطبة من الصلوات على آل النبيّ صلّى الله عليه و عليهم فقط. و البردة و ناظمها و شروحها و سائر متعلّقاتها موضوع مقال مبسوط نشر في مجلّة تراثنا العددين المزدوجين ۳۹ إلى ٤۲. م‌ع‌ر في ۲٦ قع ۱٤۱٦هـ

«**شرح قصيدة الحميري البائية**» ص ۹ رقم ۱۵۰۸، **الحميري**: يراجع ديوان السيّد الحميري ص ۸۳.

«**شرح قصيدة الحميري البائية**» ص ۹ رقم ۱۵۰۸: **أقول** ترجمته في نكت الهميان ص ۱۱۹ و التي بعدها و (الوافي بالوفيات ج ۹ ص ۲٦۸) و (أعيان الشيعة ج ۱۲ ص ٤۰۳) و (الأنوار الساطعة للمؤلّف ص ۱۹) و (منية الراغبين ص ۲۳۸).

«**شرح قصيدة الحميري البائية**» ص ۹ رقم ۱۵۰۹: **أقول** لم يعثر عليه صاحب معجم المطبوع فلم يذكره فيه و قد طبع هذا الشرح في طيّ مجموعة فيها أيضاً «توضيح المقاصد» كما مرّ في موضعه. و انظر وصف هذا الشرح في كتاب (أدب المرتضى ص ۱۵۷).

«**شرح قصيدة الحميري العينية**» ص ۱۰ رقم ۱۵۲۰: **يعني** نسخة خط الشارح كما

ذكره في مجلّد الصيام من (وقايع الأيّام: ٤٨٣) متناً و هامشاً و وصف الرجل بالعالم الجليل الزكيّ و صاحب الفضل الجليّ و ذكره أيضاً في «علماء معاصرين ص ١٢٠» و انظر ج ٩ ص ٨٣٦ و ما علّقنا عليه هناك و تجد ترجمته في (مكارم الآثار ٦: ٢١٩٢ فما بعدها).

«**شرح قصيدة دعبل**» ص ١٢ رقم ١٥٢٦: بايد مراجعه شود كه القنوي چه بوده و عندنا نسخة بخط جدّنا الأعلى الحاج آقا و راجع ما ذكرناه بهامش البياض الكمالي و كتاب زندگينامه علامه مجلسى ج ٢ ص ١٦٠ و ٣٥٢.

«**شرح قصيدة الفرزدق**» ص ١٣ رقم ١٥٣٦: للملا محمّد شفيع هذا يراجع كتاب (زندگينامه علامه مجلسى ج ١ ص ٢٧٣ و ج ٢ ص ٣٤٢/٣ مع ما ذكرناه بهامش نسختنا) و يراجع (مرآة الاحوال جهان نما).

«**شرح قصيدة الفرزدق**» ص ١٤ رقم ١٥٣٨: تكنية الفرزدق بأبي‌فراس أمر مفروغ عنه مصرّح به في رواية الكشي و غيرها يراجع الروضات و شرح مشيخة الفقيه و مجلّة (مقالات و بررسيها ع ٣٩ ــ ٣٨) و يأتي [قصيدة الفرزدق ١٧: ١٢٣: ٦٤٨].

﴿**شرح القصيدة المذهبة**﴾: ص ٩ س ٩.

﴿**شرح القصيدة المزدوجة**﴾: انظر ج ١٧: ١٢٩: ٦٧٨ و التكملة.

«**شرح قصيدة المير الفندرسكي**» ص ١٥ رقم ١٥٤٤: اسم هذا الشرح «تحفة المراد» كما ذكرناه في موضعه و طبع مصوّراً عن خط الأديب فضل الله لايق و معه مقدّمته الطويلة و تعليقاته المفيدة طهران ١٣٣٧ش.

«**شرح الكافي – للمولى خليل القزويني**» ص ٢٧: يراجع ج ١٥ رقم ١٧.

«**شرح الكافي – للسيّد رفيع‌الدين**» ص ٢٧: كما مرّ أيضاً في ج ١١ ص ٩٦.

«**شرح الكافي – للمولى محمّدصالح**» ص ٢٧: مرّ ذكره أيضاً في ج ١٣ ص ٩٧ فراجعه.

«**شرح الكافي**» ص ٢٨ رقم ١٥٨٨: و يأتي شواهد إسلامه في ج ١٤ ص ٢٤٢ رقم ٢٣٧٩.

«**شرح الكافية**» ص ٣٠ رقم ١٥٩٧: أقول نسخة نفيسة منه فرغ من كتابتها الكاتب

في أواخر جمادي الآخرة سنة خمسين و ثمانمائة ثمّ قابلها و صحّحها من البداية إلى النهاية العلاّمة الدواني محمّد بن أسعد الصديقي و فرغ من مقابلتها و تصحيحها في يوم الأربعاء تاسع عشر من شهر جمادي الأُولى سنة ثمان و ثمانين و ثمانمائة ٨٨٨ توجد في المرعشيّة بقم كما في فهرسها ١٩: ٢٦٣: ٧٤٦٤ و أخطأ المفهرس في قراءة تاريخ الكتابة فحسبها ٧٥٦ و الصواب ما ذكرنا نقلاً عن صورة خط الكاتب و المصحّح و في تلك المكتبة أيضاً نسخة أُخرى رقمها ١٦٥٧.

﴿شرح الكبرى﴾ ص ٣٢: ذكرناه باسمه «بهجة الطالبين».

«شرح الكفاية» ص ٣٤ رقم ١٦١٥ س ١٠، أجلاء: الصواب (من أجلاء) أو (أجلّ).

«شرح الكفاية» ص ٣٤ رقم ١٦١٧: أقول مرّ له «الحاشية على الكفاية ٦: ١٨٨: ١٠٢٦» و الظاهر اتّحادهما.

«شرح الكفاية» ص ٣٥ رقم ١٦١٩: أقول مرّ هذا الشرح أيضاً بعنوان «الحاشية على الكفاية ٦: ١٨٨: ١٠٣٠».

«كفاية المقتصد» ص ٣٥: و يأتي من شروحه «شوارع الهداية ٢٣٧: ٢٣٦٣».

«شرح الكفاية» ص ٣٦ رقم ١٦٢٥: أقول جاء في كتاب (شجرة طيّبة ص ٤١٠) للمدرّس الرضوي نقلاً عن رياض الجنّة للزنوزي أنّ للسيّد ميرزا محمّد مهدي الشهيد المذكور شرح كفاية السبزواري خرج منه الطهارة مبسوطاً و الظاهر أنّه الآتي في ص ٣٧ رقم ١٦٢٨ و راجع ما نذكره بهامش ج ٢٤: ٣٩ بعنوان (نبراس الهداية).

«شرح الكفاية» ص ٣٧ رقم ١٦٢٨: راجع ما ذكرناه آنفاً بهامش الرقم ١٦٢٥.

«شرح كلام الشهيد الثاني» ص ٣٧ رقم ١٦٣٢: يراجع الكواكب المنتشرة.

«شرح كلمات بابا طاهر» ص ٣٩: راجع ما ذكرناه بهامش «اللوايح» في (ج ١٨: ٣٧٢: ٥١٠).

﴿شرح كلمة التوحيد﴾ ص ٤١: فارسي لنظام‌الدين أحمد البدخشي الملقّب بغازيجان هو في شرح «رساله در بيان كلمه توحيد» كما في عنوانها الأصلي للعلاّمة الدواني ذكر الشارح في مقدّمة كتابه أنّ هذه الرسالة خاتمة مصنّفات العلاّمة الدواني و المتن و الشرح كلاهما بالفارسية و ذكر الأصل في الذريعة ج ٤ ص ٤٨١ رقم ٢١٤٨ بعنوان (التوحيد)

إجمالاً من دون إشارة إلى نسخة سوى نسخة راجه فيض آباد ثمّ إنّ الشارح بعد الفراغ من شرح رسالة الدواني ألحق بها تكملة في تكميل المباحث المذكورة في تلك الرسالة و كلّها مبنيّ على قواعد التصوّف و العرفان و النسخة من مكتبة السيّد.

«شرح الكلمات المائة» ص ٤١ رقم ١٦٤٨: **أقول يأتي أيضاً في** «نظم صد كلمه ٢٤: ٢١٦: ١١٢٠».

«شرح الكلمات المائة» ص ٤١: تأتي الشروح في ص ١٤٩ — ١٥٠ و [المنهاج ٢٣: ١٦٨: ٨٥٢٠].

«شرح لامية عبدالباقي العمري» ص ٤٣ رقم ١٦٦٧: و رأيت نسخة مخطوطة منه ناقصة الآخر عند السيّد الحاج آقا محمّد بن آقا ميرزا محمود الروضاتي في ليلة ع ٢ سنة ٩٧ أعطاها لصهره.

«شرح لغز الزبدة» ص ٤٥ رقم ١٦٧٤: **أقول يأتي** «لغز الزبدة ١٨: ٣٣٤: ٣٥٥» و للشيخ إبراهيم المصري الحلبي شرح عليه نقل عنه في سنة ١١٦٥ الوزير التركي محمّد راغب پاشا المتولد ١١١٠ المتوفّى ١١٧٦ شطراً مما يتعلّق بأسرار الحروف على مشرب القوم في كتاب «سفينة الراغب و دفينة المطالب ٣٩٢ — ٣٩٦ ط ٢ سنة ١٢٨٢ ط بولاق».

«شرح مبادئ الوصول» ص ٥٣ رقم ١٧٠٩: ممكن است اين دو شرح يكى باشد امّا شارح يكى از شاگردان علامه است كه براى سيّد عميدالدين نوشته است.

«شرح مبادئ الوصول» ص ٥٣ رقم ١٧٠٩ س ١٦، **قال أقول:** از اين كتاب سه نسخه داريم.

«شرح مبادئ الوصول» ص ٥٤ رقم ١٧١٣: اسمه نهاية المأمول عندنا منه نسخة.

«شرح المختصر النافع» ص ٥٨: المسمّى «مجمع الجوامع» لاورنگ زيب ميرزا القاجار كما مرّ في ذيل «ديوان حيرت قاجار ٩: ٢٧٤: ١٦٤٩» و لم يذكره في موضعه من الميم.

«شرح المختصر النافع» ص ٥٩ رقم ١٧٣٦: و عندي نسخة من كتاب الصيد و الذبائح بقال أقول ناقلاً تمام المتن و ينتهي إلى الفرائض و في النسخة شرح قطعة من كتاب التجارة و قطعة من العتق أيضاً و تشتمل على أربعة من رسائله ره.

«شرح المختصر النافع» ص ٦١ س ٦، **اسمه (غاية المرام)**: في النسخة التي عندنا «نهاية المرام» و هي من كتاب النكاح إلى آخر النذر و في الروضات ص ٦٠٢ عن مقامع الفضل انّه لم يؤلّف سوى هذا المجلّد و كلام الشارح في آخر نسختنا هكذا (تمّ المجلّد الثالث من كتاب نهاية المرام في شرح مختصر شرايع الإسلام ضحى نهار الخميس التاسع عشر من شهر رجب الأصب شهر الله الحرام من شهور سنة ست بعد الألف... و كتب مؤلّفه... محمّد بن علي بن أبي‌الحسن الحسيني ره و نسختنا جديدة مورّخة ١٢٤٠.

«شرح المختصر النافع» ص ٦١: أقول يأتي في موضعه أنّ المتن و الشرح كلاهما للسيّد.

«شرح المسائل الكلامية» ص ٦٤ رقم ١٧٥٧: أقول لايخفى أنّ المصنّف لم يذكر المسائل الكلاميّة هذا في كتابه «حياة الشيخ الطوسي» و لكن مرّ في الذريعة هذا بعنوانه الآخر «ثلثون مسألة كلاميّة» و قد توجد مجموعة رسائل بخط عبدالله بن محيي‌الدين بن عبداللطيف ابن علي بن أبي‌جامع الحارثي الهمداني العاملي في مكتبة المدرسة الرضوية بقم و فيها رسالة كتب عليها ما نصّه «شرح الثلثين مسئلة الكلاميّة في معرفة الصانع» و هذا الشرح بالعربية و لايوجد فيه اسم الشارح و فرغ الكاتب من كتابته في العشرين من شهر ربيع الثاني عام السبعين بعد الألف و حيث إنّ عندي شرح آخر لهذا الكتاب و هو أيضاً بالعربية و لايعرف شارحه لنقص الورقة الأولى من النسخة و هذه النسخة في مجموعة بخط حسين بن أحمد بن كمال بن ابراهيم بن مرتضى بن جعفر الحسيني و فرغ هو من كتابة هذا الشرح في السابع عشر من شوال سنة ثمان و أربعين و تسعمائة فقد طابقتهما و عرفت أنّ المتن لهذين الشرحين واحد و هو «المسائل الكلاميّة» أو «الثلثون مسألة في معرفة الله سبحانه» هذا.

«شرح مشاعر الملاصدرا» ص ٦٥: للشيخ أحمد الأحسائي شارح عرشيّته مبسوط عندي منه نسختنان.

«شرح المشاعر» ص ٦٥ رقم ١٧٦١، **محمّدجعفر بن محمّدصادق**: هو الحاجي محمّدجعفر الرشتي الساكن بإصفهان المتوفّى سنة ١٢٦٠ و مرّ له (الحاشية على الشرح الجديد للتجريد) في ج ٦ ص ١١٤ و نسخة شرح المشاعر هذه مذكورة في فهرس

دانشگاه ج ۳ ص ۲۸۲. و مرّ له أيضاً في ص ۳٦۸ ج ۱۳ (شرح العرشية).

«شرح المشاعر» ص ٦٥ رقم ۱۷٦۲، **تلميذ المولى المصطفى:** نصّ كلامه هكذا: (أن أكتب عليها ما سمعته من الأُستاد المحقّق و الفاضل المدقّق الفهّامة الحبر النحرير مولانا مصطفى العلماء أعلى الله مقامه في علّيّين) انتهى و نقلته من نسخة مخطوطة.

«شرح مشارق الأنوار» ص ٦٥: أقول يأتي التفصيل في موضعه من حرف الميم (۲۱: ۱٤: ٤۳۳۰).

«شرح المطالع» ص ٦۹، **كان تلميذ العلامة الحلي و الشيخ الشهيد:** الصواب [و شيخ إجازة الشيخ الشهيد] كما لايخفى و قد مرّ ذلک في (ص ۳۳۷: س ۱۱) و قوله (سواطع الأنوار) الصواب [لوامع الأسرار ۱۸: ۳٥۹: ٤۷۲].

ص ۷۱: فائدة؛ رأيت في بعض مسودّات جدّنا الإمام العلاّمة السيّد ميرزا محمّد هاشم الچهارسوقي المتوفّى ۱۳۱۸ قدّس الله روحه ما لفظه الشريف «بسم الله قال والدي العلاّمة سلّمه الله حقّ السلامة في حواشيه على معالم الشيخ ره أقول ليت شعري أيّ دليل قام على أنّ كلّ علوم الأنبياء و الأئمّة عليهم السلام مأخوذ من الوحي و الإلهام لم لايجوز أن يكون علمهم في بعض الأحوال على نهج التأمّل و الاستدلال مع أنّهم مثلنا من جهة البشريّة اولوا قوّة فكريّة نظريّة فمن يقيم البرهان على امتناع الاجتهاد لهم فليأخذ منّي البغياري و إلاّ فليحذر عن مصارعتي في الحروب و المغازي انتهى» ثمّ ما وجدنا بخط جدّنا الإمام العلاّمة طاب مثواه و نقول إنّ من جملة أدلّة ما ادّعاه جدّنا الأعلى قدّس الله روحه ما رأيناه في وصيّة مولانا أميرالمؤمنين لولده الإمام المجتبى صلوات الله و سلامه عليهما من قوله عليه‌السلام «أي بني إنّي و إن لم أكن عمرت عمر من كان قبلي فقد نظرت في أعمالهم و فكّرت في أخبارهم و سرت في آثارهم حتّى عدت كأحدهم» هي آخر كلامه عليه السلام و هذا نصّ صريح في المدّعى و الحمد لله ربّ العالمين.

«شرح المعالم» ص ۷۲ رقم ۱۷۹٤: مرّ له (شرح الشرايع رقم ۱۲۱٦) يراجع (مطلع الشمس ج ۲ ص ٤۲۰) و (مكارم الآثار ج ۷ رقم ۱٤۹٤).

«شرح معين الفكر» ص ۷۳ رقم ۱۸۰۳: أقول نقل عن هذه النسخة السيّد محمّدعلي

ابن القاضي المذكور في كتابه «تحقيق درباره اولين اربعين ص ٧٥٩ فما بعد ط ٢».

«شرح مفاتيح الشرائع» ص ٧٨: ينقل عنه و عن كتابه الآخر المسمّى بالمصابيح في حاشية منه على كتابه المناهل.

«شرح مفاتيح الشرائع» ص ٧٩ رقم ١٨١٦: أقول نقل شيخنا في الرواية العلاّمة الأُستاذ جامع المعقول و المنقول الشيخ محمّد صالح الحائري المشتهر بالعلاّمة المازندراني في [توضيح المسائل ٤٥٧] قطعةً من شرح مفاتيح الفيض لسبطه الاغا محمّدهادي و لابدّ أن يكون مراده هذا الشرح.

«شرح مفاتيح الشرائع» ص ٧٩ رقم ١٨١٦ س ١٦، أخوه: أقول راجع للميرزا نورالدين الأخباري [الكتاب المبين ١٧: ٢٧٩: ٢٨٤] و ماذكرناه بهامش الموضع و من أحسن ما ألّف في ترجمة بيت الفيض الكاشاني مقدّمة كتاب [معادن الحكمة ٢١: ١٧٦: ٤٤٩٥] المطبوع في مجلّدين بطهران و الله الموفّق.

«شرح مفتاح العلوم» ص ٨١ رقم ١٨٢٠: أقول انظر ما ذكرناه في التكملة على [لباب الحساب ١٨: ٢٧٩: ٩٩] و لايغفل.

«شرح مقدّمة الكلام» ص ٨٥، المذكورة: في الصفحة السابعة س ١٠.

«شرح مقدّمة الكلام» ص ٨٥ س ١٩، قد مرّ: مرّ هناك عنوانه فقط و انّه ذكره في «الأمل» و غيره.

«شرح مقدّمة الكلام» ص ٨٥ رقم ١٨٣٩: يراجع العدد ١٧٥٧.

﴿شرح المناظرات المأموني﴾: للعالم الجليل محمّد بن الحسين الشهير باسمعيل المازندراني ره و فيه فوايد جيّدة و مطالب حسنة أشهرها نقلته عن مجلّد صيام وقايع الأيّام للخياباني ره ص ٦٥١.

«شرح منازل السائرين» ص ٨٨ رقم ١٨٤٨: لنا في تشيّع عبدالرزّاق الكاشاني نظر بل منع كما بيّناه في موضعه راجع له «اصطلاحات الصوفيّة في ج ٢: ١٢٢: ٤٩١» و ما ذكرناه في التكملة.

«شرح المناقب» ص ٨٨ رقم ١٨٥١: بسمه تعالى؛ ما ذكره شيخنا المؤلّف أعلى الله تعالى مقامه في هذا المقام غير صواب فإنّ «شرح المناقب» بالفارسية الذي طبع بطهران

عام ١٣٢٢هـ إنّما هو للسيّد صالح بن السيّد محمّد بن صالح بن حمزة الموسوي الخلخالي الحكيم من تلامذة السيّد أبي‌الحسن الإصفهاني المشهور بجلوه و أورد المؤلّف ره ترجمته في كتاب نقباء البشر ص ٨٨٦ و علّقنا على ما ذكر هناك بعض المطالب. و قد مرّ ذكر هذا الكتاب في ج ١٣ ص ٢٦١ رقم ٩٦٩ و أيضاً (ج ٨: ٢٦٩: ١١٣٩) و كذلک (ج ٢٢: ٣١٧ س ٢٣) فلاتغفل ثمّ إنّه غير المولى محمّدصالح بن محمّدسعيد الخلخالي و انظر (فهرس الرضوية ٦: ٣٣٣).

«**شرح من لايحضره الفقيه**» ص ٩٤، (**معاهد التنبيه**): يأتي في ج ٢١: ٢٠٨: ٤٦٤٣ و قد مرّ أيضاً بعنوان الحاشية في ج ٦: ٢٢٤: ١٢٥٨.

«**شرح منهاج الهداية**» ص ٩٥، (**معراج الشريعة**): أقول و مرّ شرح المعراج هذا (٧٢: ١٧٩٧).

«**شرح الناسخ و المنسوخ**» ص ٩٧ رقم ١٨٨٨: طبع الشرح المذكور بطهران سنة ١٣٤٤ش و عندنا نسخة منه أي من المطبوعة و يأتي ذكر المتن مفصّلاً في ج ٢٤ مع ساير ما أُلّف في الموضوع فراجع.

«**شرح نجاة العباد**» ص ١٠٠، سبيل: سُبل كما في ج ١٢ ص ١٣٣.

«**شرح نجاة العباد**» ص ١٠٢: يراجع الذريعة ج ١٩ ص ٦٨ حتّماً.

«**شرح نصاب الصبيان**» ص ١٠٧ رقم ١٩١٩: أقول بخطّ تاج‌الدين حسين صاعد ابن الأمير شمس‌الدين الإصفهاني في بياضه الكبير المؤلّف حوالي سنة ٩٨٨ (في ص«...») ما لفظه «از شرح نصاب مولانا شرف‌الدين علي شيفكي قدّس سرّه العالي في ذكر أولاد النبيّ صلّي الله عليه و آله و سلّم يعني اين قطعه‌ايست در ذكر اولاد نبى» ثمّ نقل عنه ما يساوي صفحة كاملة.

«**شرح نهاية الإيجاز**» ص ١١٠ رقم ١٩٣٢: انظر النهاية في ج ٢٤ رقم ٢١١٨.

﴿**الحواشي على نهج البلاغة**﴾ ص ١١٥: للشيخ أحمد بن الحسن الناوندي يراجع.

«**شرح النهج**» ص ١١٩ رقم ١٩٥١ س ١٧، و **بجهت غموض**: مطلب غريب في خلع البدن و انظر الخليعة في ج ٧ ص ٢٤١.

«**شرح النهج**» ص ١٢٢ رقم ١٩٥٤: هذا اشتباه بما يأتي ظاهراً فإنّا لم نعثر على مأخذ صحيح ينسب إليه شرح النهج.

«شرح النهج» ص ۱۲۲ رقم ۱۹۵٤ س ۱۱، للصلاة: و اقتدى به في هذا الأمر تلميذه الجليل الحاج آقا رحيم المجتهد المشهور بأرباب من أجلّة فقهاء إصفهان و حكمائها الأعيان و من المهتمّين بالنهج و شرحه الحديدي مستحضراً لمطالب هذا الشرح و حافظاً لعباراته المهمّة عن ظهر القلب و هو من جملة من كتب لنا إجازة الرواية عنه قدّس الله تعالى روحه.

«شرح النهج» ص ۱۲۳ رقم ۱۹۵۷ س ۱٦، **هو حافظ القرآن الشريف: حافظ القرآن و النهج.**

«شرح النهج» ص ۱۲٦ رقم ۱۹٦٤: أقول الظاهر انّه هو المذكور في كتاب «اللآلئ الثمينة» للسيّد حسين القزويني وصفه بقوله (بالغ فيه في الاختصار و الإفادة) كما في «أعيان الشيعة ج ۳۲ ص ۱۲٦» و عليه فالعنوانان المرقمان في الأعيان (٦٥١٦ و ٦٥۲۰) لشخص واحدٍ و أيضاً السطران الأخيران في ص ۵۷۷ من الكرام البررة خطأ و لا دخل لهما بالمذكور هناك رزقنا الله العثور على إجازة الشيخ حسين حتّى يرتفع الحجاب جليّاً إن شاء الله و الله العالم بحقايق الأحوال. م‌ع‌ر عفي عنه في ۲٤ ع ۱ سنة ۱٤۰٦

«شرح النهج» ص ۱۲۹: أقول راجع (منهج المعرفة و الهداية) في ج ۲۳: ۱۹۸: ۸٦۱۹ و ما ذكرناه بهامش الموضع.

«شرح النهج» ص ۱۳۱: أقول لم يذكر المصنّف شرح عبدالحميد هبة الله المشتهر بابن أبي‌الحديد مع أنّه مرّ له «السبع العلويّات ۱۲: ۱۲۹: ۸۸۱» و أُورد ترجمته في «الأنوار الساطعة ۸۸» و لكن لايبقى لأحد بعد مطالعة شرحه للنهج أدنى شكّ في ضلالة الرجل بل خباثته أكثر ممّا تجدها عند الفخر الرازي فالظاهر عدم استقرار نظر المصنّف و رأيه في الرجل و الله الهادي إلى سواء السبيل.

«شرح النهج» ص ۱٤۰ رقم ۱۹۸۰: أقول الذي يستفاد ممّا يقوله المصنّف في آخر العنوان أنّ للرجل ترجمة و شرح بالفارسية لبعض كلمات أميرالمؤمنين صلوات الله و سلامه عليه فاطلق عليه شرح النهج و إذا كان هذا العمل دليلاً على تشيّع رجل فقد عمله أيضاً الجاحظ و الرشيد الوطواط و أمّا إيراد ترجمته في قسم الشيعة من رياض العلماء فليعلم أنّ الأفندي طاب ثراه لم يستند في تشيّع الرجل سوى على ما قاله من

معروفيّة بيته بالتشيّع و إلاّ فلايشمّ من جميع ما بأيدينا من آثاره أدنى رايحة للتشيّع فلاتغفل.

«شرح النهج» ص ١٤١ رقم ١٩٨٤: انظر ما ذكرناه في التكملة على «خمسه نوائى ٧: ٢٦٤: ١٢٧٤».

«شرح النهج» ص ١٤٥ س ٩، سنة ١١١٠: يراجع ما ذكرناه بهامش نسختنا من كتاب (زندگينامه علامه مجلسى ٢: ٣٤٨ فما بعد).

«شرح النهج» ص ١٤٩ س ٨، المتوفّى: أقول يأتي في [مصباح السالكين ٢١: ١١٠: ٤١٦٦] ذكر وفاته في ٦٧٩ مع أنّ هناك تاريخ تأليفه لاختصار المصباح سنة ٦٨١ و لكنّه اختار في [الأنوار الساطعة ١٨٧] عام ٦٩٩ و ذكر ولادته في ٦٣٦ و الله عالم ثمّ انّ المختار في تاريخ ولادة ابن أبي‌الحديد ٥٨٦ و وفاته في ٦٥٦ و فراغه من شرح النهج ٦٤٩ فابن أبي‌الحديد كان أكبر من الشيخ ميثم ره بسبعين سنة و توفّى و للشيخ عشرون من العمر و ألّف شرحه قبل الشيخ بنحو ثلثين عاماً و ألّف الحديدي شرحه لابن العلقمي المتوفّى ٦٥٦ وزير المستعصم و ابن ميثم لعطا ملک الجويني حاکم بغداد المتوفّى ٦٨١ و انظر ترجمة ابن ميثم في مقدّمة [شرح المائة كلمة ٤١: س ٨ و هو منهاج العارفين ٢٣: ١٦٨: ٨٥٢٠] له بقلم المحدّث الأُرموي و أيضاً كتاب [احوال و آثار خواجه نصير ٢٠٠] و [جامع الأسرار ٤٧٩] للسيّد حيدر.

«شرح النهج» ص ١٤٩ س ١٤، سنة ٦٧٧: في منتصف ليلة السبت سادس شهر الله المبارک رمضان عمّت برکته، كذا في آخر الكتاب المذكور.

«شرح النهج» ص ١٤٩ رقم ١٩٩٩: أقول انظر [مصباح السالكين ٢١: ١١٠: ٤١٦٦].

ص ١٥٠ س ٤، سنة ٦٨١: في آخر شهر شوال كما في نسختنا الشريفة التي هي بخط السيّد حيدر بن علي بن حيدر العلوي الحسيني الآملي صاحب [جامع الأسرار] فرغ من كتابته في آخر ذي الحجة ٧٥٩ في مدينة الحلّة و تماماً في ٥٠٧ ورقة.

«شرح النهج» ص ١٥٣ رقم ٢٠٠٤: و ترجم له أيضاً ابن شاكر في فوات الوفيات ج ٤ ص ٢٦٩ ط جديدة فليراجع حتّماً.

«شرح الوافية» ص ١٦٦ رقم ٢٠٢٨: يراجع الكواكب المنتشرة ص ٣٨٢.

«شرح الوجيزة» ص ١٦٨ رقم ٢٠١٣: أقول ذكرنا للشارح في التكملة «آداب صلوة

الليل ١: ٢٣» و يأتي ذكر هذه «الوجيزة ٢٥: ٥١: ٢٦٥» فراجعهما.

«هداية الحكمة» ص ١٧٣: أقول قد مرّ ذكر الكتاب و شروحه و الحواشي على كلّ من الشروح في موضعه ٦: ١٣٨- ١٤٠.

«شرح الهداية» ص ١٧٥ رقم ٢٠٥٦: أقول مرّ بعض الحواشي عليه في موضعه.

«شرح الهياكل» ص ١٧٦ رقم ٢٠٦٥: راجع [گوهر مراد ١٨: ٢٥٠: ٤٥٨].

«شرح هياكل النور» ص ١٧٧ س ١٠: أقول راجع (شواكل الحور ٢٤٠: ٢٣٧١).

ص ١٧٨: ثمانية كتب بعنوان الشرط تذكر بعد عنوان الشرف اُخّرت سهواً في الطبع.

«شرعة التسمية» ص ١٧٨ رقم ٢٠٦٧: طبع كتاب الشرعة هذا أواسط سنة ١٤٠٩ في بلدة قم مع مقدّمة و تعاليق و في آخره بعض العقائد و المنظومات للسيّد الداماد كلّها في ١٥٥ص.

«شرعة التسمية» ص ١٧٨ رقم ٢٠٦٧ س ٢٠، ثمّ ردّ كلام: يعني ردّ الداماد.

«شرف ايوان البيان» ص ١٨٠ رقم ٢٠٧٣: أقول انظر ترجمة الرجل في «الأنوار الساطعة ٩٨ و ١٥٢» و روضات الجنّات ص ١٧٠ مع التعليقة.

«شرف السلف» ص ١٨٠ رقم ٢٠٧٦: عجباً كيف يعدّ المعريّ و أشباهه في عداد شيعة جعفر بن محمّد صلوات اللّٰه عليهما.

«شرط الخيار» ص ١٨٣ رقم ٢٠٨٦: لايخفى أنّه قد تأخّر في الطبع مكان ذكر ثمان كتاب أوّلها شرط الخيار هذا و مكان كلّ ذلک قبل شرعة التسمية فلايغفل.

«شرفنامه» ص ١٨٤: لعبداللّٰه المُرواريد. يأتي بعنوان «منشآت بياني الكرماني» في ج ٢٣: ٢٥: ٧٩٠٥.

«شريعة الشيعة» ص ١٨٧ رقم ٢١١٥: مرّ اسمه في ج ١١: ١٣: ٥٩.

«الشريفية» ص ١٨٨ رقم ٢١٢١: ترجمة السيّد جعفر و نسبه في كتابنا «جامع الأنساب: ١٧: ٢٥٣».

«شش هزار مسأله» ص ١٨٩ رقم ٢١٢٣: أقول هذا الرجل غير مذكور في «النقباء» و لم يذكر المشار في فهارسه كتاباً بهذا الاسم و الرجل هو المشهور بسعادت المتوطّن في

شيراز و له ترجمة في كتاب [دانشمندان و سخنسرايان فارس ٣: ٩٨ - ٩٩] ذكر أنه كان من الموظّفين في الدوائر رغم أنّه كان من الفضلاء و أهل العلم و الأدب و له يد طولى في الحساب و الرياضي و ذكر ولادته في ١٢٩٧ و وفاته في يوم الأحد منتصف شهر رجب ١٣٧٨ في شيراز و ذكر هناک تآليفه و منها هذا الكتاب الذي ألّفه في علم الحساب بعنوان [دوره ششهزار مسأله حساب] في مجلّدين و للرجل ترجمة أيضاً في «مؤلّفين للمشار ٣: ٩٢٠ – ٩٢١» و صورته في الكتابين في غير البزّة الروحية.

«**شصت مسأله**» ص ١٨٩ رقم ٢١٢٦: أقول كرّر هذا في «سؤال و جواب ١٢: ٢٤٨: ١٦٣١».

﴿**رسالة في حرمة الشطرنج**﴾ ص ١٩٠: فارسية للميرزا هداية الله ملک المورّخين لسان الملک ابن لسان الملک ميرزا محمّدتقي سپهر ألّفه باسم مظفرالدين شاه و الميرزا عليأصغر خان أمين السلطان (في ١٦٧ص) و النسخة في المجلس كما في الفهرس ٦ ص ٤٥.

﴿**الشعاعيّة**﴾ ص ١٩١: انظر ما ذكرناه في التكملة بعنوان [تذكره شعاعيّه ٤: ٣٦].

﴿**الشعر و أحكامه من الجانب الشرعيّ**﴾ ص ١٩٢: شبه مقالة في غاية النفاسة للمحقّق القمي المتوفّى ١٢٣١ طاب مضجعه كتبها في جواب سؤال سائل عنه بالعربية و تجده في أوائل كتاب الصوم من كتابه الكبير «جامع الشتات ٥٠ – ٥٣ ط ١٣٠٣».

﴿**شعر و شاعرى در عصر صفوى**﴾ ص ١٩٣: للسيّد محمّد صدر هاشمي الإصفهاني صاحب «تاريخ جرايد و مجلّات ايران» و ناشر جريدة چهلستون مختصر طبع في إصفهان.

﴿**شعر و شاعرى عرفي**﴾ ص ١٩٧: جلال‌الدين محمّد الشيرازي المذكور في ج ٩ رقم ٤٩٢٣، محاضرة للسيّد محمّدعلي داعي الإسلام «پرفسور نظام كالج حيدرآباد دكن» في مجلس شعبة جامعة المعارف في ٢٣ ذي الحجة ١٣٤٥ طبع في ٤٠ص بمطبعة حيدرآباد دكن.

«**شعلة النار**» ص ١٩٩ رقم ٢١٧٨: أقول رأيت نسخة من [الشعلة و النار] هذه و ذكر تاريخ التأليف في آخرها يوم الثلثاء السادس عشر من جمادي الأُولى ١٢٢٥ و لا أتذكّر الآن مكان النسخة عند من رأيتها.

«الشفاء» ص ۱۹۹ رقم ۲۱۸۲: راجع الكرام البررة ص ۵۵۸ — ۵۶۱ و ماضي النجف و حاضرها (۲: ۴۱۰ — ۴۱۳).

ص ۱۹۹ س ۲۳، كما مر في القسم الأوّل من هذا الجزء: أقول كان في نيّة شيخنا المصنّف تقسيم حرف الشين بجزئين لسهولة التناول فكتبنا إليه... عن هذا الأمر و تسمية كلّ... خاص تحت رقم معيّن... الجزءان ۱۳ و ۱۴... الشين من دون ذكر القسم الأوّل و...[1]

ص ۲۰۰ س ۸، إجازة للشيخ: انظر (ج ۱: ۲۵۱: ۱۳۲۳).

ص ۲۰۱ س ۵، كتاب الإشارات: الصواب «رسالة الإشارات» (ج ۱۱: ۷۷: ۴۷۸).

ص ۲۰۱ س ۱۳، في علم الطبيعي: في تعليم العلم الطبيعي كما في نسخة مصحّحة مخطوطة.

«الشفاء و الجلاء» ص ۲۰۲ رقم ۲۱۸۶: أقول ينقل عنه الحسن بن سليمان بن محمّد في كتابه المعروف بالمختصر من نسختنا المخطوطة الكبيرة المكتوبة سنة ۱۰۵۲.

ص ۲۰۲ س ۱۱، جمال الاسبوع: ص ۴۹۴ و عنه في البحار ج ۱۹ ق ۲ ص ۸۴.

«شفاء الاسقام» ص ۲۰۳ رقم ۲۱۹۰: انظر ترجمته في مكارم الآثار ۶: ۲۱۹۷ فما بعدها.

﴿شفاء المريض في الجبر و التفويض﴾ ص ۲۰۶: للسيّد محمّدتقي سبط الميرزا الشيرازي قدّس سرّه ذكره المشار في «مؤلّفين ۲: ۲۲۹» و عنه نقل الدكتور محمود النجم‌آبادي في «فهرست كتابهاى چاپى فارسى طبى ۴۷۸» و يأتي له «سموم قتاله ۱۲: ۲۳۲: ۱۵۱۴».

«الشک و السهو في الصلاة اليومية» ص ۲۱۰ رقم ۲۱۳۲ س ۱۴، سنة ۹۳۷: الصواب سنة ۹۲۷ كما يأتي التصريح به بعد أسطر و مرّ في (ج ۱۱: ۲۲۷: ۱۳۸۱) و يأتي أيضاً في النون (ج ۲۴: ۶۸: ۳۴۴) فراجعهما.

ص ۲۱۰ س ۲۱، محمّد الرضا الإصفهاني: أقول ثمّ انتقلت هذه النسخة الشريفة فيما انتقلت من كتب العلاّمة الرضا رحمه الله تعالى إليّ بالبيع بعد عشرين سنة تقريباً مضت من وفاته و لكن ليس فيها اسم المؤلّف مطلقاً و الله العالم ثمّ إنّي طابقت ما نقله شيخنا

---

۱. به دليل كامل نبودن تصوير بعضى كلمات خوانده نشد و بجاى آن ... گذاشته شد. ب

عن النسخة الموصوفة معها و قيّدت الاختلاف في الهامش برمز نخ.

ص ٢١١ س ٤، رسالة السهو: أقول مرّ ذكر هذه الرسالة في حرف الخاء ج ٧ ص ٢٤٨ رقم ١١٩٧ و في حرف السين ج ١٢ ص ٢٦٦ رقم ١٧٧٢.

«الشک و السهو» ص ٢١١ رقم ٢٢٣٣: قد مرّ ذكر هذه الرسالة بعينها في حرف السين ج ١٢ ص ٢٦٦ رقم ١٧٦٩ و في الخاء ج ٧ ص ٢٤٧ رقم ١١٩٤.

﴿الشک و السهو﴾ ص ٢١٢: و الخلل الواقع في الصلوة للمولى عليمدد الساوجي المتوفّى حدود ١٢٧٠ في ساوه و دفن بقم و هو والد المولى حبيب الله الكاشاني المشهور فرغ منه في غرّة شهر رجب ١٢٥٦ و طبع في ٢٥٨ص حوالي ١٤٠٥ و سمّي حين الطبع «جامع الأحكام» و ألحق بأوّله تراجم و فهارس و إجازات و تصاوير في ٣٦ص.

«الشک و السهو» ص ٢١٢ رقم ٢٢٣٧: قد مرّ أيضاً في حرف السين ج ١٢ ص ٢٦٦.

«الشک و السهو» ص ٢١٢ رقم ٢٢٣٨: انظر هامش ص ٢١١.

أقول في النسخة الموجودة عندي من ج ١٢ (محمود) لا (محمّد) و ليس في ملاحظات النسخة أثر ممّا ذكر أيضاً و الله العالم بما أدّه ره.

«الشک و السهو» ص ٢١٣ رقم ٢٢٤١: يراجع (الخلل) في حرف الخاء (ج ٧ ص ٢٥١) و انظر رقم ٢٢٦١.

«شکرستان فارس» ص ٢١٥ رقم ٢٢٤٩، **محمّدحسن**: الصواب محمّدحسين يراجع مكارم الآثار ج ٨ رقم ١٧٥٦.

«شکوفه غم» ص ٢١٦ رقم ٢٢٥٧: قال في معجم المطبوعات النجفية «السيّدة زهرا بيگم بيت الحاج أحمد آقا الهندي النجفي نزيلة الكاظمين ولدت ١٣٠٣» و ذكر أنّ الجزء الثالث من كتابها المنظوم طبع سنة ١٣٨٥ في النجف أيضاً. أقول و من هذا القبيل «مرقع غم» لسيّدة هنديّة أيضاً كما يأتي في موضعه.

«الشكّيات» ص ٢١٨ رقم ٢٢٦٩: مرّ له «الحاشية على الروضة البهيّة» في ج ٦: ص ٩١: ٤٨١.

﴿الشمس البازغة﴾ ص ٢٢٠: انظر «صبح صادق ١٥: ٦: ١٣١».

«**شمس التواريخ**» ص ٢٢٠ رقم ٢٢٨٢: و مرّ ذكر الكتاب أيضاً بعنوان التذكرة في ج ٤ ص ٣٨.

«**شمس التواريخ**» ص ٢٢٠ رقم ٢٢٨٢ س ٢٢، **ايزدكش**: ايزدگشسب.

ص ٢٢٢ س ٣، **نورالدين بن علي**: في (ج ١٦: ٦٠ ٢٩٧) نورالدين علي.

«**شمس طالعة**» ص ٢٢٤ رقم ٢٢٩٧: أقول توفّى المرحوم الحاج ميرزا محمّد الطبيب زاده في يوم الأحد أو ليلتها الخامس من شهر ذي القعدة سنة ١٣٩٠ ألف و ثلثمائة و تسعين (٤٩/١٠/١٣ش).

«**شمس العلوم**» ص ٢٢٤ رقم ٢٣٠٢: أقول و مجلّد كبير من شمس العلوم في كتابخانه ملّي إصفهان و طبع تمامه ظاهراً مؤخّراً.

«**الشمس المضيئة**» ص ٢٢٦ رقم ٢٣٠٩: أقول إنّ المجلّد المطبوع من هذا الكتاب في الردّ على المقالة الأُولى من فرائد أبي‌الفضل الگلپايگاني المتبهّى الضالّ المضل و تاريخ ختم هذا المجلّد سنة ١٣٢٠ و لعلّ الرادّ لم يوفّق لإكمال الباقي فقد توفّى «...» و المطبوع في ٤١٧ صفحة لا (٣١٧) طبعة حجرية خطّه النستعليق الجيّد و الكاتب أحمد بن الحسين (بصيرت) من الشيخيّة و كتب في صفحة العنوان [هذا كتاب شمس المضيئة در ردّ شبهات بابيه] إلى أن ذكر تاريخ الكتابة للطباعة سنة ١٣٢٢ و لم يذكر في الكتاب محلّ الطبع و لعلّه ممّا طبع بطهران و الله العالم و الكتاب حافل ضخم لا بأس به إلاّ أنّ في طيّه الدعوة إلى مَسلك أبيه الشيخي مع أنّ الفتنة منهم خرجت و إليهم تعود و الله العاصم.

«**شمع اليقين**» ص ٢٣٣ رقم ٢٣٤١: در نسخه مخطوط آقا سيّد مصطفى چنين است [تسميه آن بشمع يقين يا آيينه دين مناسب نمود] كه بدون ذكر الف و لام يقين است.

أقول باب الإمامة منه في كمال الاستيعاب و الأهميّة في قريب من ٣٥٠ص.

ص ٢٣٣ س ١٨، **طبع بطهران**: سنة ١٣٠٣ في ٤٠٤ص.

«**الشمل المنظوم**» ص ٢٣٣ رقم ٢٣٤٢: و راجع [ديوان فيّاض ٩: ٨٥٢: ٥٦٩٦].

«**شوارع الأحكام**» ص ٢٣٥ رقم ٢٣٥٧: أقول لعلّه «شوارع الهداية ٢٣٧: ٢٣٦٣» و هو شرح لكتاب «كفاية الأحكام ١٨: ٨٨: ٨٠٧» للمحقق السبزواري في مجلّدين عند

العلاّمة السيّد شهاب‌الدين النجفي المرعشي بقم أرسل النسخة إلى الحاج آقا صدر الكلباسي في إصفهان حدّثني بذلک في ٥ شوال ١٤٠٨ الحاج آقا صدر بالهاتف.

«شوارع الأعلام» ص ٢٣٦ رقم ٢٣٦٠: الظاهر وجود نسخة مجلّد النكاح منه بخطّه عندنا و عليها تقريظ الشيخ علي الجواهري فليتأمّل و لعلّه لغيره و الذي يظهر من أنّ الشارح تلميذ الاسترآبادي الآتي ١٢٣٦ المختصّ به و ينقل فيه عن كتابه [الينابيع] في الفقه و ينقل دائماً عن الجواهر و لايأبى عن الردّ عليه أحياناً و أمّا السيّد محمّد الهندي المذكور في المتن فقد جاء [في مكارم الآثار ٤: ١١٨٤] أنّ صاحب أعيان الشيعة تلمّذ عليه و لكن السيّد نفسه قال في ترجمة السيّد محمّد (ج ٤٧: ١١١) ما لفظه: [رأيته في النجف] انتهى و قال أيضاً عند ذكر الشوارع ما نصّه [شوارع الأعلام إلى شرايع الإسلام بوجه بين الإيجاز و الإطناب خرج منه العبادات و أكثر المعاملات في إثنى عشر مجلّداً] انتهى و السيّد محمّد الهندي من أساتيد العلاّمة الشيخ محمّد جواد البلاغي كما في مقدّمة كتابه [تحقيق در يک مسئله فقهى ريش تراشى ص ٧] لصديقنا الاستاذي و ذكر مأخذ ترجمة السيّد «الفوائد الرضوية ٢: ٦٥٦» و «أحسن الوديعة ٢: ٢٨» فليراجع.

«شوارع الهداية» ص ٢٣٧ رقم ٢٣٦٣: أقول انظر «شوارع الأحكام ٢٣٥: ٢٣٥٧» مع التكملة.

ص ٢٣٨ س ٢، **و الكلام الذي نقله القاضي فيه عن الشيخ أبي‌علي بن سينا:** كلام لابن سينا في حقّ سيّدنا و مولانا أميرالمؤمنين عليه السلام.

«شوارق الالهام» ص ٢٣٨ رقم ٢٣٦٦: المطبوع من الشوارق إلى أواسط المقصد الثالث في إثبات الصانع و آخره «أشار بقوله و النفساني غير معقول. قد بلغ شرحه إلى هنا» انتهى و قد أحال في أوائل هذا المقصد إلى كتابه [گوهر مراد ١٨: ٢٥٠: ٢٥٨] راجعه.

«الشوارق اللامعة» رقم ٢٣٦٩ — ص ٢٤٠ س ٧، **فظهر:** هذا الاستظهار من أجل الردّ على [كشف الحجب ٣٦٢] حيث نسب الكتاب لوالد البهائي قدّس الله روحيهما و نقل عنه ذلک النفيسي في «احوال البهائي ١٥٢» و لكن انظر ما مرّ آنفاً في «الشوارق ٢٣٧: ٢٣٦٤» و الله العالم.

«**شواكل الحور**» ص ٢٤٠ رقم ٢٣٧١: أقول نسخة من (شرح هياكل النور) و أيضاً (تجريد العقائد) للمحقّق الطوسي قدّس الله روحه كلاهما بخط الشيخ محمّد عبده بن حسن خير الله (المتوفّى ١٣٢٣) تلميذ جمال‌الدين الأفغاني و مفتي الديار المصرية و تلك النسخة كانت عند خيرالدين الزركلي كما ذكره في الأعلام ٦: ٢٥٢.

﴿**شواهد الأئمّة**﴾ ص ٢٤١: يراجع فهارسنا حول (حديقة الشيعة).

﴿**شواهد التوضيح و التصحيح لمشكلات الجامع الصحيح**﴾ ص ٢٤٣: لابن مالك الطائي المتوفّى ٦٧٢ من علماء السنة مطبوع و لمكان فائدته استنسخه العلاّمة شمس‌الدين محمّد العاملي طاب مثواه في [مجموعة ٢٠: ٧٧] و نسخته في ٦٤ صفحة و لذا نبّهنا عليه نحن أيضاً.

ص ٢٤٣ س ٤، **و يروي فيه**: كما مرّ في ج ٤ ص ٢٩٩ س ٦.

«**الشواهد الربوبيّة**» ص ٢٤٣ رقم ٢٣٨٢: أقول مرّ ذكر [الحاشية على الشواهد ٦: ١٤٤: ٧٨٥] للحاج ملاّ علي النوري و قد رأينا نسخة هامّة نفيسة من الشواهد كأنّها بخط آقا محمّد رضا القمشهي الحكيم المتخلّص بصهبا كتب على هوامشها تعليقات كثيرة منها ما هنّ بتوقيع «الاستاد المحقّق العلاّمة النوري ره» و منها «الاستاد المحقّق محمّدصادق الخراساني حفظه الله» و منها «الشيخ حسين ره» أو «ش‌ح‌ن ره» و منها ما نقلها عن الأسفار و شرح الإشارات و تفسيري الصافي و الأصفى و من الجدير بالذكر أنّ اسم الكتاب في متن هذه النسخة «شواهد الربوبية» و النسخة من موقوفات إصفهان و عندنا نسخة جيّدة من الكتاب انظر فهرسنا الكبير رقم (٥٥٧).

ص ٢٤٣ س ٨، **صدرالدين ابراهيم الشيرازي**: الصواب صدرالدين محمّد بن ابراهيم.

«**الشواهد المكيّة**» ص ٢٤٤ رقم ٢٣٩١: ترجمة صاحب الشواهد المكيّة بالاختصار و طريق روايته و الرواية عنه في خاتمة المستدرک ص ٣٨٩ و أبسط منه ما في «تكملة أمل الآمل رقم ٢٨٥» لحفيده السيّد الصدر و ترجمة ولده و سميّه رقم ٢٨٧ و منهما يظهر أنّ وفاة صاحب الشواهد ١٠٦٨ دون غيره و إن طبع في آخر ترجمته (سنة ثمان و تسعين) فهو من اشتباه المصحّح فما في المتن من الترديد بينها و بين ١٠٦٢ و في [غرر الجامع ١٦: ٣٧: ١٦١] من الترديد بينها و بين ١٠٦١ لا وجه لهما و الله العالم و العاصم.

«**الشواهد المكيّة**» ص ٢٤٤ رقم ٢٣٩١ س ٢١، للسيد: يراجع للنسب الورقة بخطّي في نسب وُلدي.

ص ٢٤٤ س ٢٣، **بالفوائد المكيّة**: كما يأتي في موضعه (ج ١٦: ٣٥٩: ١٦٦٨) فهذا تكرار.

«**كتاب الشورى**» ص ٢٤٥ رقم ٢٣٩٩: أقول انظر كتاب [حديث الشورى ٦: ٣٧٧: ٢٣٧١].

«**الشهاب**» ص ٢٤٧ رقم ٢٤١٤ س ١٩، و **الأمثال**: يراجع فهرس المكتبة المركزي لجامعة طهران ج ٥ ص ١٣٨٠.

﴿**الشهاب الثاقب**﴾ ص ٢٤٨: للسيّد أبي‌بكر الحضرمي: مكارم الآثار ج ٥ رقم ١٠٠٥. أقول و يعجبني هنا وصفاً للحال كتاب للسيوطي المشهور هو «الشهاب الثاقب في ذمّ الخليل و الصاحب» اختصره من «شفاء العليل في ذمّ الصاحب و الخليل». فعلى الله التوكّل و به الاعتصام. حرّر في ٣ صفر الخير ١٤١٢

«**الشهاب الثاقب**» ص ٢٤٩ رقم ٢٤٢٢: أقول و طبع له بهذا الاسم أيضاً المجلّد الأوّل من كتاب حسام الشيعة كما ذكرناه في موضعه من التكملة فليراجع.

«**الشهاب الثاقب**» ص ٢٥١ رقم ٢٤٣٣ س ١٨، **أورده**: أقول و أدرجها بتمامها أيضاً الشيخ محمّدمهدي شرف‌الدين الشوشتري في كتابه «شرح حال وفائى شوشترى ٢٥ — ٤٥ ط طهران» و قوله (و توفّى سنة ١٣٠٤) أقول يأتي في التعليقة على (ديوان وفائي) انّه توفّى سنة ١٣٠٣ و مرّ سراجه في موضعه و أورد في الشهاب مطالب غريبة و ادّعى فيه دعاوي عظيمة لايلائم شيءٌ منها الشريعة الغرّاء فكلّها من تسويلات النفس الخبيثة و إضلالات الشيطان و العجب كلّ العجب من كاتب النسخة للطبع و هو الشيخ مهدي المذكور و الله العاصم.

«**الشهاب الثاقب**» ص ٢٥٢ رقم ٢٤٣٦: لم يذكره في معجم المطبوعات النجفيّة و عندنا طبعته الأخيرة التي نشرت سنة ١٤٠١ في قم عن الطبعة البيروتيّة ظاهراً و معها (منبع الحياة) للجزائري و قد ردّ على الشهاب مولانا إسماعيل الفاضل الخاجوئي يأتي في «صلوة الجمعة ١٥: ٦٤: ٤٤٣» فراجعه، ثمّ إنّ من المهمّ كلام إمام الفقهاء صاحب

«جواهر الكلام ١١: ١٧٨» حول الشهاب الثاقب و مؤلّفه من أنّه «لايبعد أن تكون هذه الرسالة و ما شابهها من كتب الضلال التي يجب إتلافها» الخ و ذكر أيضاً ما لفظه الشريف «بل فيها ما يدلّ على انهم ليسوا من أهل العلم كي يعتدّ بكلامهم و يعتنى بشأنهم» انتهى و نقلنا بعض كلامه قدّس سرّه أيضاً حول رسالة جدّنا الشهيد الثاني أعلى الله تعالى درجته (في ج ١٥: ٧١: ٤٨٠ و انظر أيضاً فيه ص ٦٤: ٤٤٥) ثمّ لايخفى أنّ للفيض أيضاً في كتابه الكبير «مفاتيح الشرايع ١: ١٧ فما بعدها ط قم» كلاماً طويلاً في إثبات عينيّة الجمعة و الردّ على مخالفيه فلاحظ و نظير كلام صاحب الجواهر طاب مضجعه في حقّ الشهاب و صاحبه ما ذكره المحقّق القمي صاحب القوانين طيّب الله تربته في حقّ المحدّث الفيض و بعض تأويلاته العجيبة حول عوالم ما بعد الموت فانظر إلى كتابه «جامع الشتات ٧٨٢ ط سنة ١٣٠٣» في جواب سؤال السائل عن ذلک و الله العاصم.

«الشهاب الثاقب» ص ٢٥٢ رقم ٢٤٣٦ س ١٦، و مرّ الردّ: انظر ج ١٥ ص ٦٤ الرقمين ٤٤٣ و ٤٤٥.

«الشهاب الثاقب» ص ٢٥٢ رقم ٢٤٣٧: الظاهر أنّ هذا غير ما يأتي في الرقم ٢٤٣٩ و الله العالم.

«الشهاب الثاقب» ص ٢٥٣ رقم ٢٤٣٩: قال في دانشمندان آذربايجان ص ٣٨١ إنّه ألّفه في ١٢٦٢ و طبع في تبريز و هذا خطأ بل خطان فإنّ النسخة المطبوعة الموجودة عندنا الآن في ٣٣٤ صفحة من الحجم الوزيري و لم يتجاوز ترقيم الصفحات حين الطبع عن (٤٨ص) و أرّخ مؤلّفه بآخره ختم الكتاب في ليلة الخميس ثاني عشر شهر جمادي الأولى ١٢٦٨ في طهران حين إقامته بها ثمّ ذكر كاتب النسخة علي بن أصغر بن عبدالجبّار الإصفهاني الذي كان من الفضلاء القاطنين بطهران و الساعين في طبع الكتب الجليلة بأنّه فرغ من كتابة النسخة للطبع الحجري في أواسط شهر رمضان المبارک سنة ١٢٧٠ و أنّه طبع بمساعي العالم الفاضل الشيخ علي النوري في دار طباعة الحاج ميرزا كريم النوري في بلدة طهران ثمّ إنّ هذا الكتاب كافل للردّ على النواصب و العامّة و حافل لذكر مثالب أهل الباطل مستقصي مشروحاً بما لايوجد في غيره و فيه أيضاً ذكر بعض

محامد المعصومين و مناقبهم صلوات الله عليهم أجمعين و السلام. حرّرته في سلخ شهر شعبان المعظم ١٤٠٧

«الشهادة الثالثة بالولاية» ص ٢٥٧ رقم ٢٤٦٠: **أقول قد مرّ في** (ج ١١ :٤٧ :٢٨٠) رسالة في حكم إدخال قول علي ولي الله في تشهد الصلاة فلاحظ.

﴿شهب ثاقبة للفرق المارقة﴾ ص ٢٥٨: هو الحقّ؛ للعالم الجليل الحاج الشيخ محمّدباقر البهاري الهمداني ره المتوفّى ١٣٣٣ طبع باسم [المقالات في إثبات الإسلام خلف كتابه الآخر [الدعوة الحسينيّة إلى مواهب الله السنيّة ٨: ٢٠٧: ٨٥٠] في قم سنة ١٣٩٩ و هو كتاب جليل في دفع الشبهات عن القرآن الكريم و الديانة الحقّة جزاه الله تعالى خيرا.

«شهنشاه نامه» ص ٢٦٢ رقم ٢٤٩٣ س ٥، **بصفائي**: الصواب (صافي) كما لايخفى و قد مرّ ديوانه (ج ٩: ٥٨٤: ٣٢١٢) و راجع ج ١٢ ص ٢٠.

«شهنشاه نامه حسيني» ص ٢٦٢ رقم ٢٤٩٥: هذا مكرّر لما مرّ ج ١٣ ص ٢٢ باسم شاهنشاه نامه حسيني. و في ج ٤ أنه ولد ١٢٩٥.

«الشيعة في التاريخ» ص ٢٧٢ رقم ٢٥٥٢: انظر بعد رقم ٢٥٥٩.

«شيعه در اسلام» ص ٢٧٢ رقم ٢٥٥٣، **و له كتاب الرضا: أقول يأتي ذكره بعنوان** [كتاب الرضا من آل محمّد ١٧: ٢٧٥: ٢٦٠]. و من الكتب النفيسة حول موضوع الشيعة هو [أصل الشيعة و أصولها ٢: ١٦٩: ٦٢٥] و [تعريف الشيعة ٤: ٢١٧: ١٠٨٤].

«الشيعة و الإمامة» ص ٢٧٣: ليراجع لزاماً النسخة الموجودة عندنا و هي في ٧٢ص وزيري.

ص ٢٧٧: صحّحت الأخطاء في المتن بهذا اللون الأزرق لتمتاز عن التعليقات و الحمد لمستحقّه في ١٨ محرّم الحرام ١٤٠٥. م‌ع‌ر عفي عنه

ثمّ أوردت فيها الاستدراكات المطبوعة خلف المجلّد ٢٥ في ليلة ١٥ ع ١ سنة ١٤٠٥ و الحمد لله ربّ العالمين. م‌ع‌ر عفي عنه